

به نام خداوند جان و خرد



شصت سال ایستادگی و خدمت: خاطرات مهندس محمد توسلی

تهران: نشر کویر، ۱۳۹۸

ج: مصور؛ ۵/۱۴×۵/۲۱ س م

ISBN: 978-964-214-197-5

ج. ۱. ۱۳۵۷-۱۳۱۷

خاطرات مهندس محمد توسلی

توسلی، محمد، ۱۳۱۷ - خاطرات

ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ -- خاطرات

Iran -- History -- Islamic Revolution, 1979 -- Diaries

ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۲۰-۱۳۵۷ -- خاطرات

Iran -- History -- Pahlavi, 1941-1978 -- Personal narratives

رده بندی کنگره:

رده بندی دیویی:

شماره کتابشناسی:

# شصت سال استادگی و خدمت

خاطرات مهندس محمد توسلی

جلد دوم

تجربه مدیریت شهری در دوران بحران

(اسفند ۱۳۵۷ تا دی ۱۳۵۹)

ویراستار: مرتضی رسولی پور



## شست سال استادگی و خدمت

خاطرات مهندس محمد توسلی (جلد دوم)

شابک: 978-964-214-197-5 ISBN: 978-964-214-197-5 شماره‌گان: ۱۰۰۰؛ قیمت: ۳۸۰۰۰ تومان

لیتوگرافی و چاپ: غزال؛ صحافی: صحافی علی؛ چاپ دوم ۱۳۹۸

Email: kavirbook@gmail.com

نشانی: تهران، کریم‌خان زند، ابتدای قائم‌مقام فراهانی، کوی یکم، شماره ۲۰، ساختمان کویبر

نمابر: ۸۸۳۴۲۶۹۷ • تلفن: ۹-۸۸۳۰۱۹۹۲ و ۸۸۳۴۲۶۹۸ • کدیستی: ۱۵۸۵۹۱۴۹۱۳

---

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً،  
به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)  
بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

## فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۹
مقدمه ویراستار.....	۱۵
<b>فصل اول: کلیات (پیشینه تهران و مدیریت شهرداری).....</b>	<b>۱۹</b>
(۱) تهران در دوره قاجاریه.....	۱۹
(۲) تهران در دوره پهلوی.....	۲۲
<b>فصل دوم: اداره پایتخت در آستانه انقلاب.....</b>	<b>۲۵</b>
(۱) اوضاع عمومی پایتخت.....	۲۵
(۲) انتخاب شهردار تهران.....	۲۹
(۳) انتخاب همکاران و ساماندهی و مدیریت شهرداری.....	۳۳
(۴) پرهیز از ملاحظات گروهی و حزبی.....	۳۴
(۵) اتخاذ رویکرد مشارکتی در مدیریت شهرداری.....	۳۵
(۶) ایستادگی در برابر کارشکنی‌های اولیه.....	۳۷
(۷) همصدایی برخی روزنامه‌ها با کارشکنی‌ها.....	۴۱
<b>فصل سوم: جلب همکاری و مشارکت‌های مردمی.....</b>	<b>۴۳</b>
(۱) برگزاری روز پاکسازی شهر.....	۴۳
(۲) برگزاری نخستین جشن نوروزی بعد از انقلاب.....	۴۵
(۳) برگزاری مراسم افطار عمومی.....	۴۶
<b>فصل چهارم: اقدامات زیربنایی - راهبردی.....</b>	<b>۴۹</b>
(۱) اصلاح ساختار مدیریت شهری.....	۴۹
(۲) برنامه‌ریزی و تهیه پروژه‌های راهبردی برای حل مشکل ترافیک.....	۵۷
(۱-۲) ایجاد طرح ترافیک در هسته مرکزی شهر (راهبرد کوتاه مدت).....	۶۱
(۲-۲) توسعه و تکمیل شبکه ارتباطی (راهبرد میان مدت).....	۶۶

- ۳-۲) احداث مترو (راهبرد بلندمدت) ..... ۶۷
- ۳-۱) مخالفت برخی از وزیران با ایجاد مترو در تهران ..... ۷۲
- ۳) اصلاح و توسعه حمل و نقل عمومی ..... ۷۵
- ۳-۱) اصلاح شرکت واحد و توسعه اتوبوسرانی ..... ۷۵
- ۳-۲) ایجاد پایانه‌های مسافری و توسعه آنها ..... ۸۰
- ۳-۳) اصلاحات در سازمان تاکسیرانی ..... ۸۵
- ۴) مدیریت توسعه شهری ..... ۸۷
- ۴-۱) مهار رشد بی‌رویه شهر (تمرکز زدایی) ..... ۸۷
- ۴-۲) دادن وعده‌های بی‌شمار و تشدید مشکل مسکن ..... ۹۷
- ۴-۳) سازمان برنامه‌ریزی شهر تهران ..... ۹۹
- ۴-۴) مدیریت آب‌های سطحی و مسیل‌های شهری ..... ۱۰۱
- ۵) تشکیل شورای هماهنگی شهرداری تهران ..... ۱۰۵
- فصل پنجم: اقدامات اجتماعی** ..... ۱۰۷
- ۱) تغییر نام برخی میداين و خیابان‌ها ..... ۱۰۷
- ۲) برچیدن گودهای جنوب تهران و اسکان گودنشینان ..... ۱۱۱
- ۲-۱) برگزاری انتخابات شورای گودنشینان ..... ۱۱۲
- ۲-۲) جمع‌آوری اطلاعات از گودنشینان و تحلیل آماری ..... ۱۱۳
- ۲-۳) ارائه خدمات درمانی، آموزشی و عمرانی به گودنشینان و اسکان آنها ..... ۱۱۶
- ۳) خدمات معاونت امور اجتماعی ..... ۱۲۰
- ۳-۱) رسیدگی به اطفال بی‌سرپرست و کودکان معلول ..... ۱۲۰
- ۳-۲) برچیدن قلعه شهرنو ..... ۱۲۳
- فصل ششم: خدمات شهری** ..... ۱۲۵
- ۱) انتقال ادارات شهرداری به ساختمان جدید ..... ۱۲۵
- ۲) افزایش بودجه و درآمد شهرداری ..... ۱۲۷

- ۱۳۰ ..... ایجاد میادین میوه و تره‌بار ..... (۳)
- ۱۳۱ ..... توسعه و نوسازی جنوب شهر تهران ..... (۴)
- ۱۳۴ ..... توسعه فضای سبز ..... (۵)
- ۱۳۷ ..... مراقبت از محیط زیست و جمع‌آوری زباله ..... (۶)
- ۱۳۸ ..... برطرف کردن اشکالات در کشتارگاه تهران ..... (۷)
- ۱۳۹ ..... توسعه و تکمیل زیرساخت‌های گورستان‌های تهران ..... (۸)
- فصل هفتم: ارتباطات خارجی و بین‌المللی ..... (۱۴۳)**
- ۱۴۳ ..... ملاقات با سفرا و کارداران ..... (۱)
- ۱۴۴ ..... شرکت در کنفرانس شهرداران پایتخت‌های کشورهای اسلامی ..... (۲)
- فصل هشتم: مسائل و چالش‌های داخلی شهرداری ..... (۱۴۷)**
- ۱۴۷ ..... شرایط خدمت کارکنان و رسیدگی به امور رفاهی همکاران ..... (۱)
- ۱۵۰ ..... تشکل‌های کارکنان شهرداری ..... (۲)
- ۱۵۰ ..... (۲-۱) انجمن اسلامی کارکنان ..... (۱)
- ۱۵۴ ..... (۲-۲) شورای کارکنان شهرداری ..... (۲)
- ۱۵۷ ..... (۲-۳) شورای اسلامی کارگران شهرداری ..... (۳)
- ۱۵۹ ..... اجرای قانون پاکسازی کارکنان ..... (۳)
- ۱۶۳ ..... (۴) مسائل راهنمایی و رانندگی و اداره شماره‌گذاری ..... (۴)
- فصل نهم: چالش‌های بیرونی مدیریت شهری ..... (۱۶۷)**
- ۱۶۷ ..... (۱) اشغال سفارت آمریکا و استعفای دولت موقت ..... (۱)
- ۱۶۸ ..... (۲) تعدد مراکز قدرت و تصمیم‌گیری ..... (۲)
- ۱۷۰ ..... (۳) مداخلات غیرقانونی کمیته‌های انقلاب ..... (۳)
- ۱۸۰ ..... (۴) دادگاه انقلاب مستقر در شهرداری ..... (۴)
- ۱۸۱ ..... (۵) بنیاد مسکن و بنیاد مستضعفان ..... (۵)
- ۱۹۰ ..... (۶) بنیاد مستضعفان ..... (۶)

- ۱۹۱ ..... دفتر خانه‌سازی برای مستضعفین
- ۱۹۶ ..... فعالیت تجاری به بهانه تأسیس دانشگاه
- ۱۹۹ ..... فشارهای وزارت کشور برای قطع پشتیبانی شهرداری از جنگ تحمیلی
- فصل دهم: کناره‌گیری از مدیریت شهرداری و ...**
- ۲۰۷ ..... دلایل استعفا
- ۲۱۶ ..... وارد کردن اتهامات بی‌اساس به مدیریت شرکت واحد
- ۲۱۸ ..... دیدار از جبهه‌های جنگ
- ۲۲۱ ..... پیوست‌ها
- ۴۵۳ ..... تصاویر
- ۴۸۷ ..... نمایه



## پیشگفتار

این بخش از خاطرات به تجربه مدیریت شهری در کلان‌شهر تهران در شرایط دوران بحران بعد از انقلاب اختصاص یافته است؛ دوره ویژه‌ای که از هشتم اسفند ۱۳۵۷ آغاز شد و تا سوم دی‌ماه ۱۳۵۹ (یعنی تقریباً ۲۲ ماه) ادامه داشت. تدوین این خاطرات که بر اساس اسناد این دوره تنظیم شده از ویژگی خاص دوران انتقال انقلاب ۱۳۵۷ برخوردار بوده و لذا تجربیات ویژه و اسناد تاریخی آن می‌تواند به‌طور خاص برای مدیران امروز و فردای کشور و به‌طور عام برای عموم علاقه‌مندان جامعه مفید باشد.

همان‌طور که در جلد نخست خاطرات آمده موقعی که در دولت موقت برای مسئولیت مدیریت شهرداری تهران انتخاب شدم در قسمت معاونت امور انقلاب در دولت موقت، مشغول تهیه اساسنامه نهاد تازه تأسیس «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» بودم. پس از ابلاغ مسئولیت جدید با توجه به سوابق تحصیلی و تجربیاتی که در دوران ادامه تحصیل در اروپا و آمریکا و نیز در سال‌های پیش از انقلاب در جایگاه مهندس مشاور در ارائه خدمات به شهرداری تهران داشتم، خود را برای مسئولیت جدید و اجرای برنامه محوله آماده کردم.

نخستین اقدام در مدیریت شهرداری، موضوع نحوه انتخاب همکاران در اوضاع بحرانی بعد از انقلاب بود که به تفصیل در متن کتاب آمده است. به رغم شرایط خاص و موقعیت نه‌چندان مطلوبی که در آن زمان کارکنان شهرداری نزد افکار عمومی داشتند، نگاه ما در مدیریت شهری، تأکید بر مشارکت کارکنان شهرداری بود. بر این اساس فقط در سطح معاونین و چند مدیریت حساس از اشخاص کارآمد و شناخته شده خارج از شهرداری که به لحاظ سوابق مدیریتی و اجتماعی شناخته شده بودند، استفاده شد و در مورد واگذاری سایر سمت‌ها پس از رایزنی با خود کارکنان شهرداری، از کارکنان سالم و کارآمد شهرداری استفاده شد. این تجربه نشان داد که حتی در دوران بحرانی انتقال و در شرایط انقلاب، مدیریت مشارکتی با موفقیت همراه بوده است.

خوشبختانه در فرآیند انقلاب، خلق و خوی مردم متحول شده بود و عموم مردم با اعتماد به سخنان رهبری و مدیریت انقلاب، مواضع آنها را با مطالبات تاریخی خودشان هماهنگ

می‌دیدند. این موضوع در شعارهای مردم هنگام برگزاری اجتماعات و در راه‌پیمایی‌ها هم مطرح می‌شد؛ کما این‌که بعد از انقلاب مردم احساس می‌کردند که قرار است جامعه آنان آزاد باشد و خودشان بر تعیین سرنوشت کشور و شهرها حاکم شوند. در چنین شرایطی که مردم احساس آزادی و حاکمیت بر سرنوشت خودشان را پیدا کرده بودند، خلق و خوی مردم چنان متحول شده بود که با همکاری و همدلی همه‌جانبه با مدیریت شهر تهران، اقداماتی انجام گرفت که به لحاظ کارشناسی در شرایط عادی امکان‌پذیر نیست. در این خاطرات به آثار و نتایج همدلی مردم با مدیریت شهر تهران و نیز به مشکلاتی که همزمان از داخل و خارج شهرداری وارد می‌آمد و از شرایط بحرانی و ناهماهنگ مدیریت و جنگ قدرت در فضای سیاسی کشور ناشی می‌شد، به تفصیل پرداخته شده است.

برای پاسخ‌گویی به مطالبات و نیازهای راهبردی شهروندان به‌ویژه در زمینه‌های اصلاح ساختار مدیریت شهر تهران، حل مشکل ترافیک و حفظ محیط زیست آن‌گونه که مردم بتوانند بر مدیریت شهرشان نظارت داشته باشند، از همان اسفند ۱۳۵۷ به‌طور فشرده برنامه‌ریزی و پیگیری شد. در خصوص اصلاح ساختار مدیریت شهری که برای تحقق مطالبات تاریخی شهروندان نیازی راهبردی بود، قانون شوراهای شهری تهیه و تقسیمات شهری اصلاح شد تا مردم بتوانند با انتخاب نمایندگان خود در حوزه‌های محلی و حضور آنها در شورای مناطق و شورای شهر (پارلمان شهری) همان‌طور که خانه خودشان را اداره می‌کنند، شهر خودشان را هم به‌طور قانونمند اداره کنند. با توجه به آموزه‌های قرآنی و بهره‌گیری از تجربه شهری در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، قانون شوراها با هماهنگی وزارت کشور و دولت موقت تهیه شد. زنده‌یاد مهندس بازرگان (نخست‌وزیر دولت موقت) با علاقه‌مندی و دقت این قانون را بررسی و در مورد آن اظهار نظر کردند که در اسناد و خاطرات تاریخی آمده است. نهایتاً قانون «مدیریت واحد شهری» در مهر ۱۳۵۸ به تصویب شورای انقلاب رسید.

به منظور حل مشکل ترافیک و حفظ و نگهداری محیط زیست با در نظر گرفتن مطالعات کارشناسی و تجربیات جهانی، برنامه‌ریزی در سه مرحله انجام گرفت. در برنامه کوتاه‌مدت طرح محدوده هسته مرکزی شهر اجرایی شد. به موجب این طرح با ایجاد محدودیت برای

تردد خودروهای سواری در محدوده مرکزی شهر، تسهیلات ویژه‌ای جهت تردد اتوبوس‌های شرکت واحد فراهم گردید و اولین مرحله آن با همکاری و همدلی مردم در شهریور ۱۳۵۸ با موفقیت انجام شد. از آنجا که این طرح با نگاه کارشناسی تهیه، اجرا و در چند مرحله تکمیل شده بود، در مدت چهار دهه گذشته ضرورت آن همچنان احساس و به‌طور جدی اجرا می‌شود. در برنامه میان‌مدت، توسعه و تکمیل شبکه ارتباطی شهر مورد نظر بود و می‌بایستی مطابق مطالعات طرح جامع و تفصیلی شهر پیگیری می‌شد. و بالاخره در برنامه بلندمدت، بر توسعه حمل و نقل عمومی و پیگیری اجرای طرح خطوط مترو تأکید داشتیم که اجرای آن در دوران انقلاب متوقف شده بود. رفع مشکلات این پروژه راهبردی با صرف وقت و پیگیری زیاد از برنامه‌های جدی مدیریت شهری در این دوره بود که البته با چالش‌های زیادی روبرو شد و اسناد مربوط به اقدامات انجام گرفته در این مجموعه آمده است.

برنامه‌ریزی و ارائه خدمات ضروری در مناطق محروم جنوب شهر تهران از دیگر اقدامات راهبردی در این دوره بود که بعد از انقلاب برای پاسخ به نیاز مردم محروم آن مناطق ضروری و مورد انتظار بود. وضعیت جنوب تهران به لحاظ زیرساخت‌ها و ارائه خدمات اجتماعی، آموزشی و بهداشتی با شمال شهر متفاوت بود. از این رو بخش قابل توجهی از امکانات و بودجه شهرداری به بهبود اوضاع مناطق جنوب شهر اختصاص یافت. رسیدگی به مسائل اجتماعی و ایجاد تحول در ارائه خدمات زیربنایی در این مناطق و همچنین مدیریت آب‌های سطحی و مسیل‌های شهری و اقدامات راهبردی دیگر به تفصیل در این متن آمده است.

از جمله مسائل پیچیده در جنوب تهران، وجود گودهای حاصل از بقایای کوره‌های آجرپزی قدیمی بود؛ به‌طوری که نزدیک به ۵۰ هزار نفر در ۱۵ گود در وضعیت بسیار فلاکت‌باری از نظر فقر و مشکلات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، آموزشی و بهداشتی زندگی می‌کردند. رسیدگی و تأمین نیازهای اولیه آنان و نهایتاً اسکان این شهروندان در محل‌های مناسب مستلزم جمع‌آوری اطلاعات و جلب همکاری نیروهای داوطلب از داخل و بیرون گودنشینان بود. برنامه‌ریزی و مدیریت ارائه خدمات به گودنشینان از اقدامات اساسی این دوره بود که شرح آن در این خاطرات آمده است.

ارائه خدمات اجتماعی و رفاهی برای عموم شهروندان نیز مورد توجه خاص مدیریت شهرداری بود و معاونت اجتماعی شهرداری در این زمینه خدمات راهبردی عمده‌ای انجام داد. از جمله این اقدامات حذف پرورشگاه‌ها و بازگرداندن فرزندان به دامن گرم خانواده‌ها بود که با استقبال مردم روبرو شد. احداث پارک‌های جدید و توسعه فضای سبز، توسعه و تکمیل زیرساخت‌های گورستان بهشت‌زهرا، نامگذاری میادین و خیابان‌ها، برگزاری روز پاکسازی شهر، اولین دیدار نوروزی در ورزشگاه ۱۰۰ هزار نفری آزادی و اولین افطار عمومی شهر تهران در سالن ۱۲ هزار نفری مجموعه ورزشی آزادی نمونه‌های دیگری از خدمات اجتماعی بود که در این خاطرات به آنها اشاره شده است.

در حوزه اقتصاد شهری، پیگیری مطالعات مربوط به ایجاد میادین میوه و تره‌بار و آماده کردن زمینی به عنوان میدان مادر و احداث چند میدان اقماری که البته در دوره‌های بعد تکمیل شد و اکنون به عنوان یک ضرورت مورد استفاده شهروندان قرار دارد و همچنین زمینه سازی برای شفاف کردن بودجه و امور مالی شهرداری و سلامت عملکرد مدیران و کارکنان شهرداری از اقدامات دیگری بود که شرح آنها در این مجموعه آمده است.

و بالاخره در حوزه مدیریت شهری و چالش‌های پیش رو، علاوه بر چالش‌هایی که در فضای خاص بعد از انقلاب به درون و بیرون شهرداری مربوط می‌شد و به اختصار در متن به آنها پرداخته شده، چالش‌های سیاسی نیز مطرح بوده است. تا زمانی که دولت موقت مسئولیت را به عهده داشت، عمده برنامه‌های شهرداری با شناخت و هماهنگی پیش می‌رفت، اما بعد از استعفای دولت موقت، اوضاع دیگری پیش آمد که بنا بر ضرورت و ایجاد هماهنگی بیشتر میان دستگاه‌های اجرایی، استعفای خود را به آقای بنی‌صدر (رئیس‌جمهور وقت) تقدیم کردم. اما ایشان نپذیرفت و خواست همکاری خود را همچنان ادامه دهم. در دوره مسئولیت شهید رجایی نیز با توجه به فضای سیاسی که بر دولت ایشان حاکم بود، خواستم مرا از ادامه همکاری معاف کنند. ایشان قول داد بین دولت و مدیریت شهر تهران هماهنگی لازم را برقرار می‌کند و به این ترتیب خواستند به همکاری خود ادامه دهم. اما در نهایت با توجه به فضای سیاسی آن روزها که همکاران ایشان ادامه مسئولیت

مرا در شهرداری تهران برنمی‌تابیدند، چالش‌ها جدی گردید که در متن به آنها اشاره شده و اجباراً استعفای خود را با رهبر انقلاب (آیت‌الله خمینی) در میان گذاشتم و متعاقب آن وزیر کشور (آیت‌الله مهدوی کنی) استعفایم را پذیرفت و به این ترتیب خدمات ۲۲ ماهه‌ام در مدیریت شهرداری تهران پایان یافت.

همان‌طور که خوانندگان محترم در متن این خاطرات ملاحظه و تصدیق خواهند کرد، کلیه مطالب و مندرجات کتاب بر اساس اسناد و مدارکی که از دوره مدیریت شهرداری تهران در اختیار بوده، تهیه گردیده و نوشته شده است. بسیاری از منابع، گزارشات و اسناد این مجموعه برای اولین بار در این خاطرات مورد استفاده قرار گرفته است. تمامی منابع و اسنادی که ذیل هر عنوان از آنها استفاده شده، در حکم مواد و مصالحی بودند که برای توضیح و بسط موضوع ارائه شده و برای روشن شدن مطالب لازم بوده‌اند. البته ذکر همه رخدادهای ریز و درشت و پیوست کلیه اسناد مربوطه موجب اطاله و حجیم شدن کتاب می‌شد. از این رو بنا را بر بیان اجمالی و اختصار رخدادهای گذشته و از درج کلیه اسناد و رویدادهای موازی صرف‌نظر گردید. به هر حال کوشش بر این بوده در حدی که حجم کتاب اجازه می‌دهد، شواهدی برای تبیین سوابق رویدادها در پیوست‌ها اضافه شوند.

در پایان لازم می‌دانم از آقایان مرتضی رسولی‌پور و نیما ناعم که دلسوزانه و مشفقانه در ویرایش و تنظیم این جلد از خاطرات همراهی و همکاری کرده و از بذل دقت و ایثار وقت دریغ نورزیده‌اند، همچنین از مدیریت و همکاران محترم انتشارات کویر به‌ویژه جناب آقای محمدجواد مظفر که در انتشار این مجلد از خاطرات نیز اهتمام ویژه‌ای معمول داشتند، صمیمانه سپاسگزاری نموده و برای آنان سلامتی و مزید توفیق طلب می‌کنم.

محمد توسلی

مرداد ۱۳۹۸



## مقدمه ویراستار

در چند دهه اخیر، در باره رشد و توسعه شهر تهران در مدت متجاوز از ۲۰۰ سال پایتختی آن، تحقیقات نسبتاً گسترده‌ای انجام گرفته اما در این بررسی‌ها به روند این توسعه و همچنین نحوه مدیریت کلان‌شهر تهران کمتر پرداخته شده است. هرچند آگاهی درست از روند این توسعه و شناخت رویدادهای مرتبط و چند و چون حوادث گذشته، اقدامی بایسته و در عین حال مستلزم شناسایی و بازیابی همه آثار و مدارک به‌جای‌مانده از اتفاقات مورد نظر است، با این وصف نشان دادن روند تحولات توسعه شهری و بررسی تأثیر آن بر روال زندگی روزمره مردم تهران از گذشته تا کنون، هدف عمده نگارش این کتاب نبوده بلکه مقصود اصلی بیان تجربه مدیریت شهرداری تهران در دوره بحرانی و حساس تاریخی دو سال آغازین انقلاب ۱۳۵۷ بر اساس اسناد و مدارک مکتوب و شواهد به‌جای‌مانده از آن زمان است.

درست است که شناخت وقایع و رویدادهای گذشته بدون مراجعه به مدارک و شواهد مکتوب ممکن نیست اما باید توجه داشت که اسناد (اعم از رسمی و دولتی یا خصوصی) به‌عنوان ماده خام فقط چارچوب یا استخوان‌بندی تاریخ بوده و به خودی خود تاریخ‌نگاری محسوب نمی‌شوند بلکه استفاده کارشناسانه و تجزیه و تحلیل آنها به مورخان امکان می‌دهد در راه رسیدن به شناخت امر واقع گام بردارند. بر این سیاق نویسنده محترم کتاب نیز در این مجلد از خاطرات خود ضمن بهره‌گیری از مندرجات اسناد، گزارش‌ها و شواهد نسبتاً زیادی که در اختیار داشته، حتی‌الامکان کوشیده در ذیل هر عنوان میان مستندات مکتوب و خاطرات و توضیحات تحلیلی خود، ارتباط منطقی برقرار کند. فایده عمده این کار، بیش از هر چیز پرهیز از تک‌گویی و فاصله گرفتن از سلاطین و انگیزه‌های شخصی است. اگر بپذیریم وجه مشترک و عمده بسیاری از خاطرات، ادعای هر یک بر صحت عملکرد خود و اصرار بر اشتباهات دیگران و تفسیر رخدادها بر مبنای دفاع از نقشی است که خود داشته‌اند، به جهاتی نمی‌توان کتاب حاضر را در این ردیف قلمداد کرد.

نخست این‌که نویسنده با قصد خاطره‌نویسی از دوره مدیریت خود در شهرداری تهران اصلاً یادداشتی نداشته یا خاطراتی مکتوب نکرده بلکه در اختیار داشتن اسناد و مدارک او

را به این سمت سوق داده که تصمیم‌های اتخاذشده و رویدادها را با اتکا به آنها توضیح دهد. هر چند نوع نگاه و برداشت از هر سند ممکن است نزد دیگران متفاوت باشد.

دیگر این‌که بخش معتناهی از خاطرات منتشر شده به‌طور معمول به توصیف احوال و اخلاق کسانی که خاطره‌نویسان یا خاطره‌گویان به هر تقدیر با آن‌ها ارتباط داشته‌اند، اختصاص یافته، در حالی که نویسنده در این کتاب، چنین رویه‌ای را پیش نگرفته است. درست است که نویسنده کتاب بنابر سابقه طولانی و ممتد فعالیت سیاسی با اغلب رجال و شخصیت‌های سیاسی انقلاب آشنایی و ارتباط نزدیک داشته و سابقه، منش و روحیات هر کدام را می‌شناخته، اما روش او در این مجلد حتی ترسیم حالات روحی و دماغی و بیان خصوصیات گوناگون روانی آن‌ها در عرصه کشاکش‌های روزمره نبوده، بلکه بررسی و توضیح عملکرد دستگاه‌های اداری و نیز اقدامات راهبردی انجام گرفته در مدیریت شهری براساس شواهد و مستندات گوناگون در کانون توجه او بوده است. همین ویژگی موجب تمایز این اثر از خاطرات معمول شده و نشان می‌دهد از جنس و رنگ دیگری است.

بی‌گمان با در نظر گرفتن اوضاع بحرانی بعد از انقلاب، تغییر و جابجایی مدیران، فعالیت جریانات و گروه‌های سیاسی معارض، تعدد نهادها و مراکز تصمیم‌گیرنده و ناهماهنگی در تصمیم‌های اجرایی، مداخلات غیرمسئولانه نهادهای مختلف در اداره امور شهری، وقوع جنگی تمام‌عیار و مسائل بی‌شمار دیگر، ضمن آن‌که مدیریت شهری در کلان‌شهر تهران را در آن زمان با چالش جدی مواجه کرده بود، اهمیتی مضاعف یافت به‌گونه‌ای که مدیریت شهر تهران در دوره مورد نظر را با هیچ‌یک از دوره‌های قبل و بعد نمی‌توان مقایسه کرد.

نویسنده محترم علاوه بر این‌که از مبارزان شناخته‌شده و خوشنام در رژیم گذشته بوده، سوابق تحصیلات دانشگاهی و شغلی او در داخل و خارج کشور گواه معتبری بر این مدعاست که او پیش از انقلاب با پیشینه کارهای عمرانی کشور آشنایی داشته و به‌ویژه در امور شهر و مدیریت شهری صاحب‌نظر بوده و با این پشتوانه کوشیده در این اثر زمینه‌های اجتماعی، مشکلات و چالش‌هایی که با آن‌ها مواجه شده را به‌گونه مستند توضیح دهد و با رویکردی راهبردی، اهداف اساسی محقق شده در دوره مدیریت خود در شهرداری تهران را تماماً بر اساس اسناد و گزارش‌هایی که تا کنون منتشر نشده، تبیین کند. او همچنین با



ارائه تصویری نسبتاً شفاف از اتفاقات جامعه در روزها و ماه‌های بحرانی ابتدای انقلاب؛ به دست دادن زمینه‌های محیطی دست‌اندرکاران و مدیران با هدف درک بهتر اوضاع سیاسی - اجتماعی؛ روشن ساختن طرز جریان کارهای اداری و نحوه و نوع تصمیم‌گیری دولتمردان و مدیران در آن زمان و از همه مهم‌تر داشتن رویکرد استراتژیک و اتخاذ مواضع اصولی و راهبردی با رویکرد مشارکتی در مدیریت شهری همراه با اقدامات اثربخش در جهت کاهش مشکلات تهران، اثری ماندگار و خواندنی از خود باقی گذاشته و فی‌نفسه کمک کرده پاره‌ای ابهامات روشن شوند. از این جهت مطالعه کتاب برای مدیران کنونی و آینده کشور در حوزه امور شهری و عموم علاقه‌مندان مفید خواهد بود.

خوانندگان محترم با مطالعه این اثر درخواهند یافت که اولاً در اوضاع حساس و بحرانی ابتدای انقلاب، مجموعه فعالیت‌ها و اقدامات دوساله نویسنده کتاب در مقام مدیریت شهرداری تهران (از اوایل اسفند ۱۳۵۷ تا دی ۱۳۵۹) و تیم همکار او در شهرداری تهران، چه اندازه کارشناسانه، استراتژیک و براساس نگاه راهبردی و با در نظر گرفتن مصالح و منافع ملی بوده است. ثانیاً او برای رسیدن به اهداف عالی مورد نظر اجماع عالمان حوزه مدیریت شهری با همه توان از خودش جدیت، استقامت و ثابت‌قدمی نشان داده و در مقابل کارشکنی‌ها و اقدامات ناصواب اشخاص و گروه‌های ناآگاه، سودجو یا مغرض تسلیم نگردیده بلکه از مواضع اصولی و کارشناسانه دفاع کرده است. از آنجا که مشروح اقدامات انجام گرفته در شهرداری تهران در دو سال اول انقلاب به تفصیل در کتاب آمده و نویسنده محترم نیز در پیشگفتار خود محورهای آن‌ها را برشمرده، صاحب این قلم از ذکر آن‌ها ولو به اجمال خودداری کرده و تنها به ذکر این نکته بسنده می‌کند که در مورد عملکرد مدیران گذشته، بدیهی است هرگونه اظهار نظر و داوری باید با در نظر گرفتن زمینه‌های محیطی و امکانات آنان انجام گیرد؛ به‌ویژه که کارآمدی و صحت اقدامات هر کدام از آنان برحسب اوضاع زمانی با یکدیگر متفاوت است و مرور زمان مشخص می‌کند دلایل کدام تصمیم، صواب یا ناصواب بوده است.

مرتضی رسولی‌پور

مرداد ۱۳۹۸



## فصل اول: کلیات (پیشینه تهران و مدیریت شهرداری)

### ۱) تهران در دوره قاجاریه

شهر بزرگ و پرجمعیت تهران در آستانه انقلاب ۱۳۵۷ با شهرک کوچک و بی‌اهمیتی که آقامحمدخان قاجار در رمضان ۱۲۱۰ به پایتختی برگزید، از هر جهت بسیار متفاوت بود. این شهر در آغاز زمامداری قاجاریه، قصبه کوچکی با خندق و بارویی به‌جای مانده از زمان صفویه بود. آقامحمدخان منطقه تهران را با جمعیت تقریبی ۱۵ هزار سکنه از نظر استراتژی مفید تشخیص داده بود چون از یک‌طرف به ایلات شمال دسترسی داشت و از سوی دیگر اطراف آن را کوه‌ها احاطه کرده بود و می‌توانست قلعه‌ای برای فعالیت‌های نظامی باشد. اما عمر او پس از فوت کریم‌خان زند (۱۱۹۳ق) به منازعات طولانی برای کسب تاج و تخت گذشت و هنوز در تهران مستقر نشده بود که موضوع سفرش به خراسان و قره‌باغ پیش آمد و سرانجام در ذیحجه ۱۲۱۱ در قلعه شوشی به قتل رسید. بنابراین در زمان او تهران نتوانست برای خودش جایی باز کند. تنها اقدام او در تهران ساخت چند اتاق برای اقامتش در کاخ گلستان بود.

بعد از او، فتحعلی‌شاه (۱۹ جمادی‌الآخر ۱۲۵۰ - تولد ۱۱۸۵ق) با استقرار در تهران به مرور نسبت به ساخت اماکنی چون مسجد شاه، مسجد حاج سیدعزیزالله، مدرسه مروی و تجدید بقاع امامزاده زید و چهل تن (در محله بازار) و بقعه پیرعطا (در محله عودلاجان) و چند کاروانسرا اقدام کرد و همچنین در اطراف شهر، باغ‌های متعددی مثل باغ‌های قصر

قاجار (کنار جاده قدیم شمیران)، نگارستان<sup>۱</sup> (در فاصله خیابان کمال‌الملک و انتهای جنوبی خیابان علایی) و لاله‌زار ساخت که بعدها در داخل شهر قرار گرفتند. با این وصف تهران از لحاظ فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی هنوز نسبت به سایر شهرهای قدیمی ایران نه تنها هیچ‌گونه مزیتی نداشت بلکه از شهرهایی همچون تبریز، اصفهان، شیراز، کاشان و همدان عقب‌افتاده‌تر بود. هرچند حضور شاه و درباریان و اعیانی که دور او گرد می‌آمدند، کم‌کم به شهر رونقی می‌بخشید ولی تا مدت‌ها جمعیتش ثابت ماند و بر مساحتش افزوده نشد.

در دوره سلطنت محمدشاه (۱۲۶۴ق - ۱۲۵۰) محله عباس‌آباد در جنوب بازار، دروازه نو و بازارچه آن، محله محمدیه (معروف به میدان پاقاپوق) که میدان اعدام در آن واقع بود، ایجاد شد. به‌علاوه بر اثر اشغال قفقاز و گرجستان از طرف روسیه، بسیاری از اهالی آن نواحی به ایران مهاجرت کرده و غالباً در تهران ساکن شدند و این موضوع به‌نوبه خود باعث آبادی بیشتر تهران شد.<sup>۲</sup>

به‌مرور و در عصر ناصری، اقداماتی چون تأسیس دارالفنون، انتشار روزنامه، برقراری ارتباط رسمی با اروپا و حضور فرنگی‌ها در پایتخت، احداث بازار امیر و بازار کفاش‌ها و رشد تجارت و ایجاد تجارخانه‌ها، احداث بناهای جدید، شهرسازی نوین، احداث خندق‌ها و بنیاد دروازه‌ها<sup>۳</sup>، تمرکز ادارات و تشکیلات دولتی و... نه‌تنها موجب پیشرفت تهران شد بلکه به

۱. در این باغ چون نقاشی بسیار بزرگی از رجال زمان ناصرالدین شاه و فرزندان کشیده شد به نگارستان معروف گردید. باغ نگارستان در دوره سلطنت رضاشاه جزو دانشسرای عالی و یک مقداری از آن هم جزو سازمان برنامه قرار گرفت.

۲. بنگرید به: *دایرةالمعارف مصاحب*، به سرپرستی غلامحسین مصاحب، شرکت سهامی کتابهای جیبی وابسته به انتشارات امیرکبیر، جلد ۱، ص ۷۵۲.

۳. در ۱۲۸۴ق مصادف با بیست‌ویکمین سال سلطنت ناصرالدین‌شاه مراسم کلنگ‌زنی احداث خندق و دروازه‌های تهران صورت گرفت و در هر طرف شهر سه دروازه با کاشی‌کاری و مناره‌های کوچک ساختند. از شمال به غرب دروازه‌های شمیران، دولت و یوسف‌آباد؛ در سمت مشرق از شمال به جنوب دروازه‌های دوشان‌نیه، دولاب و خراسان؛ در سمت مغرب از شمال به جنوب دروازه‌های باغشاه، قزوین و گمرک؛ در جنوب از شرق به غرب دروازه‌های حضرت عبدالعظیم، غار و خانی‌آباد احداث گردید. چهارگوشه شهر ←

نمونه‌ای برای تحولات شهرهای دیگر نیز تبدیل گردید و به تدریج از هر جهت به مرکز واقعی ایران در آمد. این تحولات تا اندازه‌ای از دخالت دولت و سیاست‌های رسمی ناشی می‌شد و قسمتی هم در اثر فعالیت‌های مردم بود. محیط شهر ۶/۵ کیلومتر و مساحت تقریبی آن ۴/۵ کیلومتر مربع بود. جمعیت تهران در ۱۲۶۸ق، ۱۴۷۲۵۶ نفر و در ۱۳۱۷ق، ۲۴۴۴۰۰ نفر بود. شهر از پنج محله اصلی ارک و عودلاجان (در شمال)، سنگلج (در غرب)، محله بازار (در جنوب) و چال میدان (در شرق) تشکیل می‌شد.<sup>۱</sup>

مطالعه آثار و منابع داخلی و حتی مرور برخی از سفرنامه‌های خارجی دوره قاجار نشان می‌دهد که محدودیت آب و مشکل تأمین آن برای اهالی شهر، همواره از جمله عواملی بود که مانع رشد و توسعه شهر تهران می‌شد. در گذشته حفر قنات و مقدار آب آن اهمیت بسیار داشت و بی‌گمان قیمت زمین و مرغوبیت آن نیز به مقدار آب بستگی داشت.<sup>۲</sup>

بسیاری از نویسندگان ایرانی و شماری از مأموران خارجی که در دوره قاجار به سبب شغل خود، مدتی را در تهران گذرانده بودند در لابه‌لای آثار خود ضمن توصیف شهر تهران و گسترش آن، رشد تدریجی جمعیت شهر، دگرگونی محله‌های قدیمی و پدید آمدن محله‌های جدید، مشاغل و حرفه‌های نوین و در نتیجه ثروتمند شدن عده‌ای و سرمایه‌گذاری در زمین، خانه، دکان و مستغلات را توضیح داده و از جهات گوناگون اوضاع و تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، هنری، اقتصادی و مردم‌شناسی آن را مورد تحقیق و بررسی قرار داده و نشان داده‌اند که چگونه نقش و دخالت دولت در زندگانی روزمره مردم از طریق تأمین امنیت،

به‌طور مورب طراحی و خندق اطراف شهر به شکل هشت ضلعی غیرمنظمی احداث شد. از این پس شهر جدید تا مدت‌ها دارالخلافه ناصری نامیده شد ولی نام تهران کماکان باقی ماند.

۱. آمار ۱۲۶۸ق را نجم‌الملک و آمار ۱۳۱۷ق را اخضرعلی شاه تهیه کرده است. بنگرید به: *آمار دارالخلافه تهران*، اسنادی از تاریخ اجتماعی تهران در عصر قاجار، ۱۲۶۹ق، ۱۲۸۶ق، ۱۳۱۷ق، به کوشش سیروس سعدوندیان، منصوره اتحادیه (نظام مافی)، تهران، ۱۳۶۸، صص ۳۴۵، ۳۴۶ و ۳۵۵.

۲. برای اطلاع از بعضی قنات‌های معروف تهران بنگرید: محمد حسن‌خان اعتمادالسلطنه، *المآثر والآثار* - چهل سال تاریخ ایران - به کوشش ایرج افشار، ۳ جلد، تهران، ۱۳۷۴، جلد ۱، ص ۱۲۴.

رفاه، بهداشت و به‌خصوص آذوقه آنان به‌مرور بیشتر و مؤثرتر شد و در زمینه‌های فرهنگی و اشاعه علوم جدید و بالابردن آگاهی مردم اقداماتی انجام گرفت.

از زمانی که این شهر مقر پادشاه، اعضای دربار، صاحب‌منصبان حکومتی، نمایندگان های خارجی و مرکز سیاست و حکومت شد، امکانات شغلی و مجال پیشرفت در رتبه‌های دولتی و همچنین سرمایه‌گذاری در امور تجاری و سایر بخش‌ها در مقایسه با شهرهای دیگر افزایش پیدا کرد و در آغاز قرن ۱۴ق در گذار از یک شهر کوچک با بافت قدیمی و سنتی، به شهری با مظاهر تجدد و مدرنیسم تحول یافت. از جمله نتایج اهمیت یافتن تهران، رشد جریان‌های سیاسی و پیشرفت‌های فرهنگی و ظهور قشرهای تحصیل‌کرده، آزادی‌خواه و غرب‌گرای بود که توانستند انقلاب مشروطه را پی‌ریزی کنند. با این همه تهران هنوز در اعماق گذشته خود ریشه داشت و حتی انقلاب مشروطه و تحولات اجتماعی و سیاسی دو دهه بعد نیز نتوانست در ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی مردم این شهر گسست جدی ایجاد کند و تا سال‌های پایانی سلطنت قاجاریه، بافت سنتی جامعه هنوز پابرجا و تحولات اجتماعی و فرهنگی کمابیش با نیازهای جامعه همسو بود و با همان سرعت پیش می‌رفت.

## ۲) تهران در دوره پهلوی

به‌دنبال وقوع کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و چندی بعد تغییر سلطنت و به‌قدرت رسیدن سلسله جدید در آذر ۱۳۰۴، سیاست غرب‌گرا، تجددطلب و شتابزده پهلوی همه جوانب اجتماع را دستخوش تغییرات بنیادی کرد و به‌ویژه رضاشاه در آغاز سلطنت خود با تعیین کریم‌آقاخان بوذرجمهری به‌عنوان رئیس بلدیة تهران کوشید شماری از آثار، ابنیه و نمادهای معماری گذشته مانند خندق‌های دارالخلافة ناصری و دروازه‌های شهر تهران را به بهانه تجددخواهی نابود کند. علاوه بر این بسیاری از خانه‌های قدیمی و محلات مختلف شهر در اثر خیابان‌بندی تخریب شد و ساختمان‌های مسکونی و اداری، خیابان‌ها، میدانی و مغازه‌ها با مشخصات و سبکی نوین احداث گردید و شهر از اطراف گسترش یافت.

تا زمان به قدرت رسیدن رضاشاه، آب تهران فقط از دو مخزن تأمین می شد؛ یکی در عباس آباد و دیگری از جنوب شهر اما این میزان برای شهر کافی نبود و مشکل کم آبی تهران، شیوع انواع بیماری را موجب شده بود. در نتیجه بلدیۀ وقت مأمور رسیدگی به وضع آب تهران شد. اگرچه مدت ها پیش از آن حاج میرزا آقاسی (رئیس الوزرای محمداشاه) سعی کرده بود آب کرج را به تهران منتقل کند اما موفق نشده بود و در این دوره با انتقال آب کرج به تهران، مشکل کم آبی این شهر تقریباً برطرف گردید اما در عین حال سال ها طول کشید تا لوله کشی و سیستم فاضلاب مناسب شهری به وجود آید. علاوه بر این الگوی مصرف آب در میان شهروندان به موازات افزایش روزافزون جمعیت تهران، تغییری نکرد و مشکل مهار و کنترل آب های سطحی نیز تا پایان رژیم پهلوی همچنان باقی ماند.

پس از برکناری رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰ به واسطه افزایش سریع جمعیت و گسترش بی سابقه حدود تهران، شکل شهر از نظر معماری به کلی نامنظم و آشفته شد و بیشتر عمارات دولتی به تقلید و اقتباس از سبک های مختلف معماری غربی بنا گردید. رژیم پهلوی در مدت دو دهه، دوره ای از بحران هویت را همراه با فراز و فرودهای سیاسی از سر گذراند تا این که در سال های دهه ۱۳۴۰ با اجرای اصلاحات ارضی و خلع ید از مالکان اراضی کشاورزی، اقتصاد روستایی و زندگی روستائیان در دهات و قصبات با چالش جدی مواجه گردید و به تضعیف ساختارهای بنیادین جامعه سنتی منجر شد. چندی بعد از آن، موقعی که درآمدهای حاصل از فروش نفت افزایش یافت، در اثر واردات بی رویه محصولات غذایی، اقتصاد جامعه روستایی آسیب جدی دید و تولیدات کشاورزی و دامی کاهش یافت. از این پس تحرک جغرافیایی و اجتماعی به سرعت بالا رفت و بخش عمده ای از جمعیت روستاها روانه شهرهای بزرگ شد و به این ترتیب ظهور پدیده حاشیه نشینی موجب گردید، ساخت اقتصادی و جمعیتی جامعه شهری تهران به طور بنیادی تغییر کند. به طور کلی در دوره پهلوی همراه با تحولاتی که در شئون فرهنگی، اداری و اقتصادی روی داد، سیمای تهران با احداث روزافزون ساختمان های دولتی و شخصی به کلی دگرگون شد، تا آن جا که نواحی خارج شهر به کوی های جدید شهر تبدیل شد و عملاً تهران را از حدود رسمی خود خارج کرد. به تدریج

تمرکز فعالیت‌های اقتصادی، تجاری و مالی در پایتخت موجب گردید متجاوز از نیمی از معاملات کشور در تهران انجام گیرد. قسمت اعظم ساختمان‌های اداری شهر در محدوده‌ای از شمال به خیابان سپه (امام خمینی)، از جنوب به خیابان بوذرجمهری (۱۵ خرداد)، از غرب به خیابان شاهپور (وحدت اسلامی) و از شرق به خیابان ناصرخسرو تمرکز یافته بود.

سخن پایانی این بخش یادآوری این نکته است که متأسفانه در تمام دوران سلطنت پهلوی از آن‌جا که مدیریت در تمام بخش‌های اداری و حکومتی، آمرانه بود، لذا در جهت کاهش تراکم مسئولیت‌ها در بخش حکومت و سپردن کارها به مردم، برنامه‌ریزی و اقدام اساسی صورت نگرفت. در شهرداری نیز مردم در مدیریت شهر خودشان مشارکت و نقشی نداشتند و انجمن شهر نیز چون جنبه صوری و فرمایشی‌اش بیشتر بود به همین دلیل نتوانست در جهت اصلاح مدیریت شهری، مهار رشد بی‌رویه شهر، تمرکززدایی، حل مشکلات مربوط به حمل و نقل عمومی و ترافیک شهری، مسکن شهروندان، برچیدن گودها در جنوب تهران، توسعه فضای سبز و ارائه خدمات اجتماعی و فرهنگی و ده‌ها موضوع دیگر، برنامه‌های راهبردی مناسب ارائه دهد. در چنین وضعی می‌توان گفت به‌طور ناخواسته و بدون در نظر گرفتن محدودیت منابع آب و تأمین سایر امکانات شهری، جمعیت تهران در آستانه انقلاب ۱۳۵۷ متجاوز از چهار میلیون نفر شد. ادامه این موضوع و چالش‌هایی که مدیریت شهری در ابتدای پیروزی انقلاب با آن مواجه شد را در فصل‌های بعد دنبال خواهیم کرد.



## فصل دوم: اداره پایتخت در آستانه انقلاب

### ۱) اوضاع عمومی پایتخت

تهران در آستانه انقلاب اسلامی، شهری با جمعیت تقریبی ۴/۵ میلیون نفر بود. این شهر در فاصله سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ از نظر جمعیت رشد قابل ملاحظه‌ای کرده بود. مطابق پیش‌بینی‌هایی که در ۱۳۱۸ انجام شده بود، انتظار می‌رفت رشد طبیعی جمعیت تهران در ۱۳۵۸ به کمتر از ۲ میلیون نفر برسد در حالی که جمعیت به نزدیک ۴/۵ میلیون نفر رسیده بود. اجرای ناموفق اصلاحات ارضی در سال‌های دهه ۱۳۴۰ و بعد از آن افزایش چشمگیر قیمت نفت در سال‌های پایانی آن دهه، موجب شده بود تا در سال‌های دهه ۱۳۵۰ سیل مهاجرت به تهران افزایش قابل توجهی بیابد.

از سویی در سال ۱۳۵۷، شهر تهران به کانون مبارزات مردمی و مرکز مدیریت انقلاب تبدیل شده بود. هرچند در ماه‌های نخستین این سال برخوردهای خشونت‌آمیز میان نیروهای حکومتی و نیروهای مخالف به شکل پراکنده و نامنظم بود اما واقعه شوم ۱۷ شهریور در میدان ژاله (شهدای کنونی) و درگیری‌های گسترده و منظم بعدی، آشکارا نشان داد که حاکمان (اعم از نیروهای دولتی و فرماندهان حکومت نظامی) در برنامه‌های خود برای کنترل اوضاع، شکست خورده‌اند. رشد فزاینده درگیری‌ها میان نیروهای نظامی و مردم، رفته رفته تهران را به شهری ناآرام تبدیل کرده بود به طوری که از ۲۶ دی ۱۳۵۷ که محمدرضا پهلوی کشور را برای همیشه ترک کرد، به خصوص در فاصله ۱۲ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ اوضاع تهران

دیگر هیچ شباهتی به یک شهر آرام نداشت. سنگربندی‌های مختلف در خیابان‌ها، محلات و کوچه‌ها همراه با سوزاندن لاستیک‌ها و نیز دیوارنوشته‌های شهر، همگی سیمای تهران را به کلی دگرگون کرده بود؛ به‌گونه‌ای که پس از پیروزی انقلاب، تهران به یک شهر جنگ‌زده بدل شده بود. تا مدتی پس از پیروزی انقلاب علاوه بر این‌که یک نیروی نظامی متمرکز آن‌طور که باید و شاید هنوز شکل نگرفته بود و تشکیلات اطلاعاتی و امنیتی نیز برای تأمین امنیت شهر به‌وجود نیامده بود، تا مدت‌ها امنیت و آرامش تهران را نیروهای مردمی و کمیته‌های انقلاب با پشتیبانی مردم فراهم می‌کردند.

چالش‌های حاصل از بی‌نظمی و بی‌برنامگی شهر، دیوارنوشته‌ها و آثار باقیمانده از درگیری‌های خیابانی، همه و همه تاوانی بودند که مردم پایتخت به امید رسیدن به روزگاران بهتر دادند. راه‌پیمایی‌ها، درگیری‌ها، جنگ و گریز و کشتارهایی که به‌خصوص در بهمن ماه رخ داده بود، وضعیت کاملاً نابسامانی را در شهر تهران ایجاد کرده و همه چیز را به‌هم ریخته بود. در اغلب مناطق سطح شهر، لاستیک‌های سوخته، سنگ‌های ویران و گونی‌های مملو از شن و ماسه خودنمایی می‌کرد و نمای بیرونی دیوار ساختمان‌ها پوشیده از انواع شعارهای انقلابی گروه‌ها و جریانات دوران انقلاب بود. آسفالت بسیاری خیابان‌ها کثیف و تخریب شده بود. علاوه بر این کارکنان در کلیه سازمان‌های دولتی از جمله شهرداری تهران از تیر ۱۳۵۷ در اعتصاب بودند و اعتصابات، ارائه هرگونه خدمات از جمله خدمات شهری را نیز مختل کرده بود و سازمان شهرداری و شهر تهران نیز در وضعیتی بحرانی به سر می‌برد و مدیریت شهری کاملاً مختل شده بود و قادر نبود شهر را متناسب با نیازهای مردم اداره کند.

در چنین اوضاعی چالش اولیه سر و سامان دادن به ظاهر شهر بود تا روال زندگی آرام برای شهروندان آماده شود. در روزهای اولیه پیروزی انقلاب، کارکنان شهرداری بخشی از آثار باقیمانده مانند لاستیک‌ها و بشکه‌ها را از سطح خیابان‌ها جمع‌آوری و تا اندازه‌ای معابر اصلی را برای عبور و مرور آماده کردند ولی معابر فرعی و کوچه‌ها به‌ویژه دیوارهای شهر مملو از شعار و بسیار کثیف بودند.

با نگاهی به رخدادهای یکی دو سال پیش از پیروزی انقلاب؛ به‌ویژه در زمان مدیریت آقای دکتر غلامرضا نیک‌پی در شهرداری، روند ساخت و سازهای بی‌رویه و بدون پروانه ساخت در حریم شهر تهران افزایش یافته بود و مأموران شهرداری به موجب احکام دادگاه ماده ۱۰۰ نسبت به تخریب آنها اقدام می‌کردند.

پیش از آن نیز در سال ۱۳۴۴ هیأتی که در رأس آن خداداد فرمانفرمائیان قرار داشت، با بررسی و مطالعات بسیار، لزوم تهیه طرح جامعی را برای تهران اعلام کرده بود. در مدت چند سال این طرح در ۱۳۴۷ تهیه شد و در ۱۳۴۹ مورد تصویب قرار گرفت. چندی پس از تصویب طرح جامع شهر تهران، طرح تفصیلی نیز در ۱۳۵۲ تدوین و ابلاغ گشت که به موجب مصوبات آن (طرح جامع و تفصیلی) مقرر گردید در مدت ۲۵ سال و در پنج مرحله پنج‌ساله، محدوده شهر تهران توسعه یابد. البته در سال ۱۳۵۶ مجبور شدند به‌جز مناطق غرب محدوده مسیل کن، سایر مناطق ۲۵ ساله را وارد محدوده کنند.

به دلیل مهاجرت‌های قبل از انقلاب، مهاجرین نسبت به ساخت و ساز در خارج محدوده شهر اقدام کردند. در حالی که مسئولیت کنترل حوزه‌های استحفاظی مناطق شهر، به عهده شهرداری تهران بود و شهرداران مناطق موظف بودند ساختمان‌هایی که خلاف قانون و بدون پروانه ساخته شده‌اند را تخریب کنند. این ساخت‌وسازها عموماً از سوی اقشار محروم جامعه صورت گرفته بود و شهرداری با مداخله و تخریب آنها، واکنش‌های اجتماعی سنگینی در اقشار مختلف به وجود آورده و زمینه‌های بدنامی کارکنان شهرداری را موجب شده بود. بر این اساس ایجاد زمینه‌های مناسب به منظور تغییر نگرش عمومی در جهت اعاده حیثیت کارکنان شهرداری اقدامی بایسته بود.

از سویی فضای سیاسی - اجتماعی جامعه بعد از انقلاب، نشان می‌داد که به لحاظ مردم‌شناسی، انقلاب یک تحول اساسی در رفتار و خلق و خوی مردم به وجود آورد که با اوضاع قبل از انقلاب کاملاً متفاوت بود. با در نظر گرفتن مطالبات تاریخی مردم که در شعارهای انقلاب نیز تبلور داشت، بعد از انقلاب مردم خودشان را حاکم بر سرنوشت کشور دانسته و از این بابت احساس غرور و پیروزی داشتند. مدیران انقلاب در تمام

سطوح مورد تأیید کلی مردم بودند و اکثریت قاطع مردم برای تحقق آرمان‌های خود حاضر بودند تمام توان و امکانات خود را در اختیار مدیران بعد از انقلاب قرار دهند یا به هر نوع با آنان همکاری کنند.

با این وصف بعد از پیروزی انقلاب، برای انتقال از نظام شاهنشاهی به نظام جمهوری اسلامی با اوضاعی واقعاً بحرانی روبه‌رو بودیم. عبور موفقیت‌آمیز از این مرحله مستلزم آن بود که به طور طبیعی در چند جهت عمل کنیم: از یک سو باید به مطالبات مردم که مطالبات انقلاب بود، پاسخ می‌دادیم. از سوی دیگر باید در برابر مخالفان انقلاب ایستادگی می‌کردیم. عده‌ای چون با اصل انقلاب مخالف بودند، بنابراین به طور طبیعی در کارها کارشکنی می‌کردند. بسیاری از مخالفان مانند حزب توده و مارکسیست‌ها، اهل قلم بودند و در وضعیتی که نیروهای انتظامی و اطلاعاتی هنوز وجود نداشتند، در رسانه‌ها حضوری پررنگ‌تر داشتند. استفاده و بهره‌گیری از ابزارهای رسانه‌ای برای رفع مشکلات کافی نبود و از این گذشته، خنثی کردن تبلیغات سوء مخالفان، از توان مدیران می‌کاست.

با این اوصاف اصلاح اوضاع نابسامان و پیچیده تهران، مدیریت کارآمد و ویژه‌ای را می‌طلبید. بنابراین مدیریت شهری در این اوضاع بحرانی، چاره‌ای جز این نداشت که بتواند مجموعه این مشکلات را در حد انتظار عموم مردم مدیریت کند. تجارب جوامع بشری این نکته را به ثبوت رسانده که اصولاً کنترل و مدیریت در اوضاع و احوال بحرانی، تابع اصول و قانون‌مندی‌های خاصی است و چه بسا همان اندازه که غفلت از این قانون‌مندی‌ها، خسارت‌های جبران‌ناپذیری به ارمغان می‌آورد، درک درست اوضاع خاص دوران انقلاب و استفاده از مدیران توانمند، شایسته، کاردان و دلسوز می‌تواند عبور از اوضاع نابسامان و بحرانی را با صرف حداقل هزینه و خسارت، تسهیل بخشد و امیدها برای ایجاد جامعه نوپای بعد از انقلاب را قوام دهد.

## ۲) انتخاب شهردار تهران

بعد از پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، ابتدا دولت موقت، مسئولیت تهیه اولین پیش‌نویس برای ایجاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به معاونت امور انقلاب، واگذار کرد. مسئولیت این معاونت با آقای دکتر ابراهیم یزدی بود و من نیز ضمن همکاری، مسئولیت تهیه این پیش‌نویس را بر عهده داشتم.<sup>۱</sup>

در این فاصله با مذاکراتی که در دولت موقت برای تعیین شهردار تهران انجام شده بود، ظاهراً هیئت دولت بنا بر پیشنهاد آقای مهندس علی‌اکبر معین‌فر، مرا برای مسئولیت مدیریت شهر تهران مطرح کردند. آقای مهندس معین‌فر از سال‌ها پیش در سازمان برنامه خدمت کرده بود و از قبل با سوابق حرفه‌ای و خدمات کارشناسی‌ام در سازمان برنامه بیشتر آشنا بود.

گفتمی است که در دولت موقت با توجه به وجهه معتبر و مدیریت مهندس مهدی بازرگان و همچنین براساس ضوابطی که آیت‌الله‌خمينی برای مسئولان نظام جدید مشخص کرده بودند، اشخاصی برای تصدی امور انتخاب شدند که به لحاظ علمی، دینی و مبارزاتی سوابق مثبتی داشتند و هر کدام در جایگاه مدیریتی خود، کارشناس بوده و علاوه بر آشنایی با نظام اداری، از اعتبار اجتماعی نیز برخوردار بودند.

آشنایی من با مجموعه اعضای دولت موقت به ویژه با مهندس بازرگان از سال‌های دهه ۱۳۳۰ در فعالیتهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شروع شده بود و در مدیریت امور انقلاب تا زمان پیروزی انقلاب با این اشخاص ارتباط نزدیک داشتم. بنابراین روزهای ابتدای انقلاب چون با جمعی همکاری می‌کردیم که به لحاظ فکری و مدیریتی هماهنگ بودیم، شرایط مطلوبی بود. از سال‌های پیش از انقلاب با آقای دکتر احمد صدرحاج سیدجوادی (اولین وزیر کشور) و همچنین مهندس هاشم صباغیان (وزیر کشور بعدی) ارتباط اجتماعی - سیاسی داشتم؛ به خصوص از دوره دانشجویی با مهندس صباغیان آشنا بودم و میان ما ارتباط اجتماعی و حتی خانوادگی وجود داشت. به همین دلیل اعضای هیئت دولت موقت برای تعیین متصدی شهرداری تهران با من تفاهم کامل داشتند.

۱. شرح کامل این مطلب در جلد اول خاطرات آمده است.

از نظر سابقه فعالیت سیاسی و مدیریتی نیز علاوه بر این که در خارج و داخل ایران همراه با چهره‌های برجسته‌ای هم‌چون دکتر علی شریعتی، دکتر مصطفی چمران، دکتر ابراهیم یزدی و بسیاری از نیروهای مبارز همکاری داشتم، در سال ۱۳۴۴ از نزدیک به مدت ۶ ماه با آیت‌الله خمینی در نجف در ارتباط بودم و مدتی هم پس از مراجعت به ایران در سال ۱۳۵۰ در زندان به سر بردم؛ به خصوص در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ در مدیریت و دیپلماسی انقلاب فعال بوده و در نحوه برگزاری نمازهای عید فطر در تپه‌های قیطریه و راه‌پیمایی‌های بعد از آن حضور و مشارکت فعالی داشتم. همچنین در ستاد راه‌پیمایی تاسوعا و عاشورای ۱۳۵۷ و استقبال از امام نیز مسئول تبلیغات بودم.

به لحاظ تحصیلات و تخصص، رشته تحصیلی‌ام در ایران مهندسی راه و ساختمان بود و برای ادامه تحصیل در رشته دکتری حمل و نقل و ترافیک به اروپا و آمریکا رفته و در خارج از ایران در این زمینه کار کرده بودم، لذا با مسائل و مشکلات و نحوه مدیریت شهرهای آمریکا و اروپا آشنایی داشتم. به علاوه پایان‌نامه کارشناسی ارشدم در آمریکا، مدیریت بود و با مفاهیم نظری مدیریت نیز آشنا بودم.

علاوه بر این از نیمه دوم سالهای دهه ۱۳۴۰ با دو شهردار تهران از نزدیک آشنا بودم. زمانی که دکتر غلامرضا نیک‌پی شهردار پایتخت بود، برای برخی پروژه‌ها به دفتر ایشان در خیابان ایرانشهر رفته و با او دیدار داشتم. وی از خانواده‌ای مذهبی بود، نماز می‌خواند و مشروب نمی‌خورد. نیک‌پی نزدیک به هشت سال شهردار تهران بود و خدمات زیادی انجام داد و در آن دوره در شهرداری تهران تحولاتی ایجاد کرد و متناسب با نیازهای شهر تهران، در شهرداری سازمان‌های جدیدی ایجاد نمود.<sup>۱</sup>

۱. دکتر غلامرضا نیک پی (۱۳۵۸ - تولد ۱۳۰۶) فرزند اعزاز و نوه دختری ظل‌السلطان. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اصفهان گذراند و پس از آن از دانشگاه تهران لیسانس اقتصاد گرفت. سپس عازم اروپا شد و از دانشگاه لندن دکتری اقتصاد گرفت. پس از مراجعت به ایران مدتی به وکالت پرداخت، سپس وارد شرکت ملی نفت شد. در «کانون مترقی» با حسنعلی منصور همکاری کرد و در زمان نخست‌وزیری منصور، معاونت اجرایی نخست‌وزیر را به عهده داشت. در زمان نخست‌وزیری هویدا نیز از بهمن ۱۳۴۳ معاون نخست‌وزیر و ←

پس از کناره‌گیری غلامرضا نیکپی از شهرداری تهران، مهندس جواد شهرستانی از اواخر مرداد ۱۳۵۶ تا اسفند ۱۳۵۷ برای بار دوم شهردار تهران شد و اولین مدبری بود که بعد از ۱۲ بهمن ۱۳۵۷، استعفاى خود را حضوری به آیت‌الله خمینی تسلیم کرد. مهندس شهرستانی پیش از آن نیز در ۱۳۴۷ با نظر انجمن شهر تهران به سمت شهردار تهران منصوب شده بود<sup>۱</sup> و مهندس عبدالحسین ابراهیمی نیز قائم مقام ایشان بود. در همان سال‌ها از من خواسته بودند که با شهرداری همکاری کنم و به‌خصوص در زمینه کاهش مشکل ترافیک به شهرداری کمک کنم. اما پس از مخالفت ساواک با استخدام من در شهرداری، در جایگاه مدیریت یک شرکت مهندسی مشاور راه‌ساز که با شهرداری تهران نیز همکاری داشت، قرار گرفتم و تا سال ۱۳۵۷ در این شرکت فعالیت کرده و در بیش از ۱۵۰ پروژه

---

از ۲۲ تیر ۱۳۴۵ علاوه بر معاونت، وزیر مشاور شد. از ۲۶ شهریور ۱۳۴۷ به وزارت آبادانی و مسکن منصوب شد و تا ۲۱ مرداد ۱۳۴۸ در این سمت بود. از ۱۰ مهر ۱۳۴۸ تا ۲۵ مرداد ۱۳۵۶ شهردار تهران بود. پس از آن سناتور شد. در ۱۵ آبان ۱۳۵۷ همراه با عده‌ای از مقامات بلندپایه دیگر بازداشت شد. در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ که عده‌ای پادگان و زندان جمشیدیه را تصرف کردند او و تعداد دیگری را به مدرسه رفاه بردند و سرانجام در اوایل ۱۳۵۸ به حکم دادگاه انقلاب تیرباران شد. (م. ر)

۱. مهندس جواد شهرستانی (۱۳۹۵-۱۳۰۲) تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مشهد سپری کرد. پس از آن وارد دانشکده فنی شد و جزو ابوابجمعی دانشکده افسری قرار گرفت. چند سال بعد با انتقال از ارتش به وزارت آب و برق مسئول سازمان آب مشهد و پس از مدتی شهردار مشهد شد و به سبب انجام کارهای عمرانی، عنوان شهردار نمونه را از آن خود کرد. در سال ۱۳۴۷ به تهران آمد و انجمن شهر تهران در ۱۲ آبان ۱۳۴۷ او را به سمت شهردار تهران برگزید و تا ۹ مهر ۱۳۴۸ شهردار تهران بود. در ۲۴ آذر ۱۳۴۸ به سمت استاندار کرمانشاه و در اوایل ۱۳۵۲ به سمت وزیر راه منصوب شد و تا اواسط آبان ۱۳۵۵ در این سمت بود. در ۲۵ مرداد ۱۳۵۶ برای بار دوم شهردار تهران شد. در ۱۴ آبان ۱۳۵۷ با ارسال نامه‌ای به شریف‌امامی (نخست‌وزیر) هجوم نظامیان به دانشگاه تهران را محکوم کرد و دولت او را مسئول دانست. در ۱۴ بهمن ۱۳۵۷ استعفاى خود را به امام خمینی تسلیم کرد و مجدداً از سوی ایشان شهردار شد. روز بعد به تحریک شریف‌امامی، یک مقام دولتی اعلام کرد که شهرستانی به علت سوء استفاده بابت خرید کامیون و تریلر برای وزارت راه، متهم و تحت تعقیب است و از امروز ممنوع‌الخروج شده است. چندی بعد دادگاهی برای رسیدگی به این پرونده تشکیل شد و او از اتهامات وارده تبرئه گردید. (م. ر)

مربوط به شهر تهران مشارکت داشتم. بنابراین از مدت ۱۰ سال پیش از انقلاب در کسوت مهندس مشاور، مسائل و امور شهری را می‌شناختم و با شهرداری تهران همکاری داشتم. البته حال و هوای پس از انقلاب لاقلاً در سال‌های اول به گونه‌ای بود که وقتی مسئولان به کسی کاری را پیشنهاد می‌کردند، تکلیف اجتماعی تلقی می‌شد؛ به طوری که در ابتدای انقلاب حتی کسانی مسئولیت پذیرفتند که احتمالاً پیشینه شغلی متناسب با مسئولیت واکذار شده را نداشتند و تنها به عنوان وظیفه و تکلیف، شغل و مسئولیت می‌پذیرفتند.

با این همه و به‌رغم سوابق مثبتی که در کارنامه پیش از انقلاب خود داشتم، ابتدا مسئولیت شهرداری را نپذیرفتم چون فکر می‌کردم افراد شایسته‌تری برای قبول این سمت هستند. از نظر من بهترین گزینه برای تصدی شهرداری تهران، آقای مهندس عبدالحسین ابراهیمی بود که در بلژیک تحصیل کرده و در میان اعضای جامعه مهندسين، فرد مسلمان و خوشنامی بود. علاوه بر این در شهرداری سابقه قائم‌مقامی داشت. بر این اساس پس از مشورت با مهندس حسین حریری که قبلاً از کارکنان قدیمی شهرداری و از دوستان نزدیک بود، با ایشان به دیدن مهندس ابراهیمی در خانه‌اش واقع در «مبارک‌آباد» در شرق پاسداران رفتیم. وقتی که به ایشان گفتم شما برای قبول این مسئولیت اولویت دارید، ایشان با بزرگواری گفتند که شما این مسئولیت را بپذیرید، من هم با شما همکاری می‌کنم.

در نهایت مرحوم دکتر احمد صدر حاج سیدجوادی (وزیر کشور) در هشتم اسفند ابتدا حکم سرپرستی موقت شهرداری را به من ابلاغ کرد<sup>۱</sup> و سپس از ۱۴/۰۱/۵۸ به طور رسمی به سمت شهردار پایتخت منصوب شدم و تا سوم دی ۱۳۵۹ به عنوان شهردار تهران در خدمت مدیریت شهر در دوران انتقال بودم. در ابتدای انقلاب، مهم‌ترین مشکل مسئولیت شهرداری تهران از موقت بودن دولت ناشی می‌شد. البته بزرگ‌ترین سرمایه نیز اعتماد عمیق و پر شور مردم به مدیران منتخب انقلاب بود.



### ۳) انتخاب همکاران و ساماندهی و مدیریت شهرداری

پس از انتصاب کوشیدم حتی المقدور مدیران پیشین را در شهرداری نگه دارم. از این رو با کمک بازرسی شهرداری، کارنامه و عملکرد مدیران را بررسی کرده و بدون مداخله مستقیم و شخصی خواستیم مدیران بر اساس شاخص‌های ارائه شده، سنجیده شوند تا افراد با کارآیی بالا و بدون سابقه سوء اخلاقی، شناسایی شوند. در این فرایند تحقیقاتی، شناخت مستندی از کارکنان شهرداری پیدا کردیم و در زمان کوتاهی توانستیم از افراد پاک و خوش سابقه در مدیریت مناطق شهرداری استفاده کنیم.

متناسب با برنامه‌ای که در اوضاع بعد از انقلاب باید اجرا می‌شد، تقویت سازمان شهرداری مورد توجه ما بود. مسئله اصلی چگونگی و نحوه درست برخورد با کارکنان موجود در شهرداری بود. به منظور بهره‌برداری از همکاری مؤثر کارکنان باید می‌پذیرفتیم همه آنان در درجه اول انسان بوده و برای جلب همکاری آنان باید برای آنها شخصیت قائل شد. لذا با بهره‌گیری از روش مدیریت مشارکتی کوشیدیم از کارکنان موجود حداکثر استفاده شود.

در مورد شیوه انتصابات و واگذاری مسئولیت‌ها در پست معاونت‌ها و ادارات کل شهرداری، با توجه به ضرورت بازنگری و لزوم تحول در نظام مدیریت بعد از انقلاب، غالب مسئولیت‌ها (به جز انتصاب چند معاون و یکی دو مدیرکل) به خود کارکنان شهرداری که از طریق خودشان شناسایی شدند، واگذار گردید. بر این اساس معاونان و مدیران کل شهرداری به شرح زیر انتخاب شدند:

۱. آقای مهندس حسین حریری به عنوان قائم‌مقام و معاونت شهرسازی انتخاب شد. ایشان علاوه بر عضویت در انجمن اسلامی مهندسين، از دوستان همفکر و از مدیران قدیمی شهرداری بود و با کارهای شهرداری آشنایی کامل داشت.

۲. آقای خسرو منصوریان به عنوان معاون امور اجتماعی شهرداری انتخاب شد. ایشان مددکار اجتماعی بود و سابقه فعالیت اجتماعی داشت.

۳. آقای مهندس منوچهر صنیع‌پور برای معاونت اجرایی در نظر گرفته شد. ایشان نیز علاوه بر عضویت در انجمن اسلامی مهندسين، سابقه اجرایی و کارشناسی داشت و با مسائل شهری آشنا بود.
۴. آقای مهندس محسن صفایی‌فراهانی برای مدیریت واحد امانی انتخاب شد. ایشان علاوه بر این که در رژیم گذشته سابقه مبارزاتی داشت و مدتی را در زندان گذرانده بود، از همکاران مهندس صنیع‌پور نیز بود.
۵. آقای جهان‌شاه معینی به عنوان معاونت مالی و اداری انتخاب شد چون در این زمینه سابقه خوبی داشت.
۶. آقای حسین فریداعلم (برادر دکتر حسن فریداعلم) به عنوان مدیرکل مالی منصوب شد. ایشان از دوستان همفکر قدیمی بود و در این زمینه تخصص و تجربه خوبی داشت.
۷. آقای محمد سامی (برادر دکتر کاظم سامی) به عنوان معاونت حمل و نقل و ترافیک انتخاب شد. ایشان نیز از کارکنان شهرداری و با مسائل شهرداری آشنا بود.
۸. برای اداره شرکت اتوبوسرانی ابتدا آقای مهندس رضا بوشهری و سپس آقای مهندس علیرضا هندی به عنوان مدیرعامل انتخاب شدند.
۹. مهندس عبدالحسین ابراهیمی به عنوان مدیرعامل شرکت مترو تهران منصوب گردید. ایشان علاوه بر این که در حمل و نقل ریلی و مترو کارشناس بود، سال‌ها به عنوان قائم مقام شهردار تهران خدمت کرده و با مسائل شهرداری تهران از نزدیک آشنا بود.
- برای انتخاب برخی از شهرداران مناطق و همچنین تعیین سایر مدیران کلیدی شهرداری، سوابق افراد را بررسی کرده و اشخاص واجد صلاحیت را برگزیدیم.

#### ۴) پرهیز از ملاحظات گروهی و حزبی

پیش‌تر اشاره شد که در هشتم اسفند ۱۳۵۷ کار خود را در شهرداری تهران آغاز کردم. مهندس بازرگان از همان ابتدای پذیرش مسئولیت نخست‌وزیری، اعلام کرده بود که کلیه اعضای هیئت دولت و سایر همکارانش تا هر زمان که مسئولیت اجرایی را به عهده دارند،

هیچگونه ملاحظات حزبی را در نظر نخواهند گرفت و استقلال خود را از احزاب سیاسی حفظ خواهند کرد. ما نیز بر اساس مبانی فکری و اعتقادی خود و به‌ویژه تعهدی که ایشان در مورد لزوم استقلال دستگاه‌های اجرایی از احزاب سیاسی داده بود، تمام تمرکز خود را بدون ملاحظات حزبی و تشکیلاتی روی کار و خدمت‌رسانی به ساکنان تهران معطوف ساختیم و تأکید کردیم که در شهرداری تهران هیچ کار سیاسی انجام نشود. پایبندی به این اصل موجب شده بود تا زمان انتخابات اولین دوره مجلس شورای اسلامی و زمانی که نام من در فهرست یکی از ائتلافها (همنام) به عنوان نامزد درج گردید، عموم کارکنان شهرداری از سابقه تشکیلاتی‌ام کمترین اطلاعی نداشته باشند. در حالی که غالب نیروهای سیاسی با استفاده از امکاناتی که در اختیارشان قرار گرفته بود، در جهت توسعه کار تشکیلاتی و سیاسی خود فعالیت می‌کردند؛ تا جایی که حتی برخی جلسات حزبی را در دفتر کار خود تشکیل می‌دادند.

### ۵) اتخاذ رویکرد مشارکتی در مدیریت شهرداری

پس از به عهده گرفتن مسئولیت اداره شهر تهران، با توجه به فقدان ابزارهای کنترلی، مجبور بودیم برای حل مسائل شهری از شور و آگاهی انقلابی مردم بهره‌گیریم. البته چنین کاری نیازمند یک کار اجتماعی و توانایی ارتباط با مردم بود که ما از این بخش هم استفاده کرده و کوشیدیم ضمن ارتباط مستقیم با مردم و جلب همکاری و مشارکت آنان، شهر را اداره کنیم. در دوره مدیریت دکتر نیکپی، شهرداری تهران توسعه سازمانی قابل توجهی پیدا کرده بود و با ساختاری اقتدارگرایانه مدیریت می‌شد؛ به طوری که پیش از انقلاب شهردار تهران منصبی در حد و اندازه وزیر داشت تا جایی که در انتخاب شهردار تهران، شاه به طور مستقیم دخالت می‌کرد. ما با چنین نگرش اقتدارگرایانه موافق نبودیم بلکه در نگاه راهبردی ما سپردن کار مردم به دست مردم اصالت داشت. این نگرش بر اساس مطالبه‌ای تاریخی استوار و هماهنگ بود و از زمان انقلاب مشروطه به بعد، مردم انتظار آن را می‌کشیدند اما چنین خواسته‌ای هیچگاه محقق نشده بود.

در ابتدای انقلاب تقریباً ۴۵ تا ۵۰ هزار نیرو با شهرداری همکاری داشتند. از این تعداد، تنها هفت هزار نفر کارمند شهرداری بودند و الباقی را کارگران تشکیل می‌دادند. سازمان شهرداری هم مانند سایر سازمان‌های خدماتی که در طول سال ۱۳۵۷ عموماً در حال اعتصاب و یا کم کاری بودند، سامان لازم را نداشت.

با انتخاب گروه مشورتی از بین کارکنان، ضمن آن‌که عموم مسئولیت‌ها به کارکنان شایسته شهرداری واگذار شد اما به‌طور همزمان مخالفت‌ها و کارشکنی‌هایی هم رخ می‌داد. بعد از مدتی مشخص شد گروه‌های مخالف با اهداف انقلاب اسلامی و در رأس آنان حزب توده، از طریق عوامل نفوذی خود به کارشکنی و انتشار شایعات در شهرداری دست می‌زنند. از جمله عوامل حزب توده در شهرداری، شخصی به نام منوچهر رحیمی بود که ابتدا در سازمان کشتارگاه و در مرحله بعد در سازمان بازرسی شهرداری مسئولیت داشت و بعد از لو رفتن سازمان‌های مخفی حزب توده، از ایران خارج شد. به‌طور کلی از مجموع کسانی که به خدمت آنها نیاز نداشتیم، ۱۱ تن به وزارت کار و امور اجتماعی و ۸ تن از کارکنان اداره کل املاک نیز به بخش‌های دیگر شهرداری منتقل شدند.

همان‌طور که پیش از این اشاره شد کارکنان شهرداری تهران به دلیل برخی اقدامات مانند تخریب خانه‌های اقشار محروم در حاشیه‌های شهر، در بین مردم خوشنام نبودند؛ این موضوع به لحاظ اجتماعی چنان تأثیری بر مردم گذاشته بود که وقتی خانواده‌ای متوجه می‌شد خواستگار دخترشان کارمند شهرداری است، واکنش منفی نشان می‌دادند. در حالی که تا پیش از آن به شهرداری تهران به عنوان یک کانون قدرت و ثروت نگاه نمی‌شد و شهرداری تنها یک نهاد خدماتی بود و اشکال گوناگون فساد عموماً به دربار و اطرافیان و وابستگان آن، محدود می‌شد.

در این دوره برای حل مشکلات شهر تهران و رفع بسیاری از مسائل مردم، کوشش شد از نیروهای داوطلب و کارشناس که بسیاری از آنان به‌تازگی از خارج کشور به ایران مراجعت کرده بودند و همچنین کمک انجمن‌های محلی متشکل از مردم محلات و مناطق، استفاده شود.

## ۶) ایستادگی در برابر کارشکنی‌های اولیه

با شروع اصلاح ساختار مدیریت شهرداری و استفاده از مدیران شایسته، کارشکنی‌های مخالفان انقلاب و کسانی که منافع نامشروعشان به خطر می‌افتاد آغاز شد. آنان همزمان با اعلام نتایج همه‌پرسی جمهوری اسلامی در روز یکشنبه ۱۲ فروردین ۱۳۵۸، ضمن تحریک کارکنان زحمتکش شهرداری در محل ساختمان اصلی شهرداری اغتشاشاتی را به عمل آوردند و شایعات عاری از واقعیتی منتشر کردند؛ از جمله این‌که اعلام کردند شهردار تهران قصد دارد ۲۳۰۰ کارمند شهرداری را تصفیه کند و به این ترتیب امنیت شغلی کارکنان مختل شده است. همچنین عده‌ای می‌گفتند که شهردار با آوردن کسانی از بیرون به شهرداری، موجب بیکاری سایر همکاران شده است.

مورد دیگر فعالیت گروه‌های ضد انقلاب و گروه‌هایی مثل حزب توده بود که در همه جا نفوذ داشته و بی‌ثباتی و بلوا ایجاد می‌کردند. آنها در سازمان‌های مختلف کادری داشتند و می‌کوشیدند از فضای درون سازمان‌ها به نفع اهداف خودشان استفاده کنند. شهرداری هم از این قاعده مستثنی نبود. ما هیچ ابزار انتظامی و امنیتی نداشتیم و این‌گونه مخالفت‌ها را باید در بستر روابط اجتماعی مدیریت می‌کردیم. در صورتی که من باور داشتم اکثر کارکنان شهرداری خوب و پاک هستند و باید شناسایی شده و مورد استفاده قرار گیرند. اما این فرایند مدیریتی، پیچیده بود و برای رفع اشکالات، جلسات متعددی با کارکنان گذاشتیم. آنها به طور شفاف صحبت‌هایی را مطرح می‌کردند و ما هم پاسخ می‌دادیم. در این رفت و آمدها، مدام کارکنان غربال و تعدادی از مخالفان حذف می‌شدند.

در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸، تقریباً تمامی کارکنان شهرداری تهران در ساختمان مرکزی این نهاد واقع در خیابان ایرانشهر در اعتراض به پاکسازی‌ها دست به اعتصاب و تجمع زدند. کارکنان با تحریک عناصر مخالف انقلاب، دو بار بنده را در دفتر کارم در ساختمان مرکزی شهرداری، گروگان گرفتند.

قطعه‌نامه معترضان خطاب به شهردار بود و با عبارت‌هایی همچون «انقلاب خونین خلق‌های ایران» و با چاشنی «امپریالیسم تیر خورده» شروع می‌شد و سپس معترضان در

باره «اقتشار زحمتکش خلق و مسئولیت انقلابی» داد سخن می‌دادند و اعتراضات به این گلابه می‌رسید که چرا تصفیه‌ها در شهرداری تهران همانند رژیم گذشته است. چند بار که تصمیم گرفتیم با نمایندگان کارکنان معترض مذاکره کنیم، نپذیرفتند. از آقایان دکتر احمد صدر حاج سیدجوادی (وزیر کشور) و دکتر ابراهیم یزدی (معاون نخست‌وزیر در امور انقلاب) دعوت کردیم که برای رسیدگی به درخواست کارکنان به شهرداری بیایند. در جلسه‌ای با نمایندگان کارکنان در حضور آقایان احمد صدر حاج سیدجوادی و دکتر یزدی، پس از استماع نظرات کارکنان، توضیح دادم که این شایعات واقعیت ندارد. خوشبختانه پس از پایان جلسه، اتفاقات در آن روز پایان یافت، اما اعتراضات مربوط به پاکسازی همچنان ادامه داشت.

بیانیه‌های اعتراضی با ادعاهای انقلابی آغاز و معمولاً به پرداخت اضافه کار ختم می‌شد. در پایان همین قطعنامه جنجالی نیز، رسمی شدن همه کارکنان پیمانی و قراردادی و ادامه روند پرداخت اضافه کار درخواست شده بود. در ماه‌های پایانی عمر رژیم پهلوی برای جلب رضایت کارکنان دولت و ممانعت از ورود آنها به صفوف انقلابیون، مبالغی به عنوان اضافه کاری به شکل فوق‌العاده و به صورت بی‌رویه پرداخت می‌شد و پس از انقلاب، هیأت وزیران با توجه به محدودیت‌های مالی دولت، در تصویبنامه‌ای دستور داده بود آن اضافه کاری‌ها که در واقع بدون انجام کار پرداخت می‌شد، قطع شود. در این مورد هم با صدور بیانیه و انجام گفت‌وگو در جمع کارکنان، توانستیم تا اندازه‌ای شایعات مخالفان را خنثی کنیم.

البته وزیر کشور نسبت به اعتراضات جنجالی عناصر ضد انقلاب، واکنش نشان داد و در یادداشت مورخ ۱۴ فروردین ۱۳۵۸ آن عده را اخلاک‌گر نامید و ضمن محکوم کردن اعمال آنها و تأیید قاطعانه اقدامات اینجانب یادآور شد که محرکین تحت تعقیب قانونی قرار خواهند گرفت.<sup>۱</sup>

در همان روز اینجانب نیز با صدور اطلاعیه‌ای خطاب به کارکنان شهرداری، صریحاً اعلام کردم انتشار شایعاتی از قبیل تصمیم به اخراج ۲۳۰۰ نفر از کارکنان شهرداری عاری از واقعیت

بوده و صرفاً به منظور تحریک کارکنان شهرداری پخش شده است. همچنین توضیح دادم که تا کنون برای ۴۰ کارمند شهرداری حکم پایان مأموریت صادر شده که ۲۰ نفر از آنان را امرا و سرهنگان بازنشسته تشکیل می‌دهند و پیش از انقلاب به عنوان مشاور عالی شهردار، حقوق‌هایی بین ۵ تا ۱۵ هزار تومان دریافت می‌کردند. ۸ کارمند دیگر هم طبق مقررات با بیش از ۲۰ سال سابقه بازنشسته شدند. به علاوه طبق تصویبنامه هیأت وزیران، ۱۰ تن از مشاوران و یک مدیرکل مازاد بر نیاز در اختیار وزارت کار و امور اجتماعی قرار گرفته‌اند. ۱۰ نفر از افراد زائد اداره املاک نیز با حفظ حقوق و مزایا در اختیار کارگزینی گذاشته شدند تا به قسمت‌های دیگر شهرداری منتقل شوند. در آن اطلاعیه تأکید کردم شهردار تهران، منتخب دولت موقت انقلاب اسلامی و رهبری انقلاب است و مردم حق دارند در مورد شهردار اظهار نظر کنند، نه کسانی که در مسیر انقلاب منافعشان در معرض خطر قرار می‌گیرد. پس از آن ضمن تأکید بر لزوم آرامش برای ادامه راه انقلاب، قاطعیت شهرداری در اقدامات اصلاحی را تا تصفیه کامل کارکنان متخلف شهرداری و جایگزین کردن نیروهای صالح و خدمتگزار به مردم را یادآور شدم و تأکید کردم بی‌گمان کارکنان زحمتکش و باتجربه شهرداری تهران در احراز مسئولیت‌ها اولویت خواهند داشت.<sup>۱</sup> به این ترتیب با نگرش این نامه سعی کردم به اعتراضات و اغتشاشات پایان داده و شایعات را تکذیب کنم.

البته به محض پخش خبر اغتشاشات در شهرداری، تلفن‌ها و پیغام‌های زیادی از دانشگاه، بازار و سایر مؤسسات و البته کارگران شهرداری به من رسید و از اقدامات من حمایت می‌کردند.

دامنه اغتشاشات و نشر اکاذیب در شهرداری به اندازه‌ای بالا گرفته بود که در ۱۷ فروردین ۱۳۵۸ در جمع کارکنان شرکت اتوبوسرانی سخنرانی کرده و ضمن دفاع از مردمی بودن انقلاب و تشریح اقدامات عناصر ضد انقلاب، کوشیدم کلیه شایعات منتشر شده از سوی محرکین در مورد سوابق شغلی معاونان شهرداری، اخراج وسیع کارکنان شهرداری و

هم‌صدایی برخی مخبرین روزنامه‌ها با محرکین شایعه‌ساز را پاسخ دهم و آنان را به حفظ دستاوردهای انقلاب و ادامه حرکت در مسیر سازندگی و آرمان‌های انقلاب تشویق کنم.

در این سخنرانی مطالبی به این شرح اعلام کردم: پاکسازی در شهرداری با قاطعیت ادامه خواهد یافت و برای این‌که عوامل فاسد و ضد انقلاب نتوانند در صفوف کارکنان صدیق و سالم شهرداری نفوذ کنند، قرار است شورای مشورتی از خود کارکنان تشکیل بشود و مرا در این اقدام یاری دهند. شهرداری متعلق به مردم است و باید به صورتی درآمد که خود مردم بتوانند شهرداران مناطق و حتی شهردار تهران را انتخاب کنند و بر جریان کارها نظارت مستقیم داشته باشند. مردم، سالانه حدود یک میلیارد و پانصد میلیون تومان به کارکنان شهرداری می‌پردازند و لذا کارکنان شهرداری باید خدمت به مردم را جزئی از وظائف خودشان بدانند و به کار خود علاقه‌مند باشند. مردم هم باید کارکنان شهرداری را از خودشان بدانند و در تمام زمینه‌ها همکاری صمیمانه داشته باشند. همچنین اعلام کردم که به تبعیت از دولت و مادامی که کشور با بحران مالی مواجه است، بنده و معاونین شهرداری تنها یک سوم حقوق پایه خود؛ یعنی ۱۰ هزار تومان دریافت خواهیم کرد و به هر حال شایعات منتشر شده از سوی عناصر ضد انقلاب را تکذیب کردم.<sup>۱</sup>

تعدادی از افراد سودجو نیز که اضافه‌کارشان قطع شده بود، با صدور قطعنامه نسبت به واگذاری شغل به افراد خارج از شهرداری، اعتراضاتی کرده بودند. در حالی که اعتراض آنان موجه نبود زیرا منظورشان کسانی بود که شغل رسمی نداشتند بلکه به عنوان مشاور شهردار حضور داشتند. به علاوه در مورد انتصاب شهرداران مناطق، اصل آن بود کسانی به این سمت برگزیده شوند که نیازهای مردم را بهتر درک کنند، نه این‌که الزاماً از کارکنان شهرداری باشند. لذا از گروه‌های نمایندگی در شهرداری درخواست کرده بودم افراد ذیصلاح را معرفی کنند.



قطعنامه افراد معترض و ماجراجو نشان می‌داد که آنان قصد دارند در پوشش چهره‌ای انقلابی، خواسته‌های صنفی را در جهت منافع شخصی بیان کنند و مفاد قطعنامه آنان تناقض‌های درونی داشت. در اقدامی متقابل سعی کردم با صدور اطلاعیه‌ای خطاب به کارکنان صدیق شهرداری، اقدامات نسنجیده آن گروه معترض را ختشی کنم و آنان را به همدلی با اوضاع کشور ترغیب نمایم.<sup>۱</sup>

### ۷) همصدایی برخی روزنامه‌ها با کارشکنی‌ها

در تمام دوره مسئولیتم متأسفانه مطبوعات عملکرد مناسبی نسبت به شهرداری نداشتند. به طور مثال خبرنگار کیهان علی‌رغم حضورش در شهرداری و اطلاع از اطلاعیه‌ها، ضمن خودداری از درج اخبار درست در روزنامه، تنها به درج شایعات مبادرت می‌کرد؛ از جمله این‌که در کیهان درج شده بود پاسداران محافظ ساختمان شهرداری با بی‌میلی به کارشان ادامه می‌دهند که البته خود پاسداران آن مطلب را تکذیب کرده بودند. کیهان در خبر کذب دیگری بدون ارائه هیچ مدرکی مدعی شده بود همکارانم در «شرکت مهندسین مشاور راهور» را برای استخدام به شهرداری آورده‌ام.



## فصل سوم: جلب همکاری و مشارکت‌های مردمی

### ۱) برگزاری روز پاکسازی شهر

با در نظر گرفتن اوضاع انقلابی کشور، نیروهای گسترده‌ای که به مدیران انقلاب اعتماد داشتند، داوطلبانه آماده همکاری بودند. بخشی از آنان که به‌عنوان دانشجوی در خارج از کشور مشغول تحصیل بودند و به‌طور موقت در کشورهای اروپا و آمریکا و کشورهای دیگر اقامت داشتند، پس از پیروزی انقلاب، درس و زندگی خود را رها کرده و به ایران آمده بودند تا به کشور خود خدمت کنند. ما تا حد ممکن از این نیروها به‌صورت داوطلبانه در بخش‌های مختلف استفاده کردیم.

از جمله اقداماتی که از نظر مدیریت شهرداری تهران ضروری به‌نظر می‌رسید و باید هرچه زودتر در این مورد اقدام می‌کردیم، پاکسازی خیابان‌ها، میادین و معابر از آلودگی و خرابی‌های دوران مبارزه بود. برای پاکسازی شهر تهران در گام اول به کمک نیروهای شهرداری، معابر اصلی شهر را آماده کردیم. اما معابر فرعی و در و دیوارها هنوز با مشکل روبرو بود. پس از گذشت نزدیک به یک ماه از پیروزی انقلاب، هنوز آثار خرابی‌ها در شهر موجود بود و کارکنان شهرداری توان رفع این همه خرابی را نداشتند.

شیوه‌ای که برای پاکسازی شهر استفاده کردیم، بهره‌گیری از امکانات عمومی و به‌ویژه فرهنگ بومی مردم بود. از آن‌جا که مردم ایران از دیرباز بنا به رسمی کهن، روزهای پایانی سال را به خانه‌تکانی می‌پردازند بنابراین در آخرین جمعه اسفند ۱۳۵۷ از عموم مردم دعوت

کردیم خودشان به میدان بیایند و همان‌گونه که خانه‌های خودشان را نظافت می‌کنند در پاکسازی شهر تهران مشارکت کنند و آن روز را «روز پاکسازی» تهران نامیدیم. تمام نیروهای شهرداری را بسیج کردیم تا آنها نیز در کنار مردمی که از آنها خواسته بودیم از مقابل منزل خود پاکسازی را آغاز کنند، نظافت را تا خیابان‌ها ادامه دهند و به پاکسازی شهر بپردازند.

وقتی که موضوع پاکسازی را در یکی دو مصاحبه مطرح کردیم، واکنش وسیع و گسترده‌ای در شهر تهران به وجود آمد و واقعاً تصور نمی‌کردیم که مردم با آن اندازه شوق و ذوق در برنامه پاکسازی شهر مشارکت کنند. مردم تهران اعم از زن و مرد، پیر و جوان، همه به سطح خیابان‌ها آمدند و جارو به دست همراه کارکنان شهرداری به نظافت در و دیوار و نمای ظاهری شهر پرداختند. مردم چنان با اشتیاق به خیابان‌ها آمدند که یک فضای کاملاً استثنایی از همبستگی خلق شد. حتی بسیاری از شخصیت‌های مهم و مسئولان هم فارغ از جایگاه و شغلی که داشتند به خیابان‌ها آمده و در کنار مردم، در پاکسازی تهران مشارکت کردند؛ از جمله آیت الله طالقانی در منطقه مسکونی خود با جارو در کنار مردم به پاکسازی محله خودشان پرداختند و یا داریوش فروهر (وزیر کار) نیز خودش و دوستانش منطقه‌ای را شروع به پاکسازی کردند. نهایتاً در آن روز، اغلب مردم مقابل خانه، کوچه و خیابان‌شان را در حد امکان و البته به صورت گسترده‌ای تمیز کردند.

تجربه شخصی ام در مدیریت شهر تهران گواه این معنا است که در فاصله کوتاهی پس از انقلاب، مناسبات اجتماعی، رفتاری و خلق و خوی مردم به قدری تحول یافته بود که ما بعد از انقلاب توانستیم کارهایی را با همکاری مردم انجام دهیم که انجام آنها در اوضاع عادی ممکن نبود. وقتی که عموم مردم، حکومت و مدیران را از خودشان بدانند، با تمام وجود همراه می‌شوند و چنین صحنه‌هایی را می‌آفرینند که باورش لاف‌ل در اوضاع کنونی شاید خیلی مشکل باشد.

متأسفانه مرحوم صادق قطب‌زاده (مدیر وقت صداوسیما) به نیروهای خود دستور نداد تا این رویداد تاریخی را ضبط کنند و پوشش خبری دهند در حالی که خبرگزاری‌ها به ویژه خبرگزاری‌های خارجی این همکاری را که نشان‌دهنده زنده بودن انقلاب در ایران بود، در رسانه‌های خود بازتاب خبری دادند.

## ۲) برگزاری نخستین جشن نوروزی بعد از انقلاب

پس از پیروزی انقلاب، تا مدتی هنوز آثار غم و عزاداری‌های مردم ناشی از فقدان شهدا و رنج مصدومین در گوشه‌هایی از شهر تهران دیده می‌شد. مجموعه‌ای از اعتصابات، راه‌پیمایی‌ها و درگیری‌های نظامی به ویژه در روزهای پایانی عمر رژیم گذشته تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، وضعیتی شبیه شرایط جنگی را در شهر به وجود آورده بود و تحولات سریع، روحیه شهروندان را ملتهب و متأثر ساخته بود. در آن اوضاع بهره‌گیری از فرهنگ ملی ایرانیان، به‌ویژه نزدیک شدن به سال نو و برپایی جشن نوروز فرصت مناسبی فراهم می‌آورد تا آثار غم‌انگیز روزهای انقلاب از روحیه شهروندان زدوده شود. با این که از سوی برخی جناح‌ها گفته می‌شد که مردم نباید اولین نوروز را عید بگیرند، اما مهندس بازرگان معتقد بود باید این فضا را بشکنیم و برای مردم فضای شاد ایجاد کنیم.

بدین ترتیب جشن اولین نوروز بعد از انقلاب در شرایطی برنامه ریزی شد که فقط حدود سه هفته از شروع خدمات بنده در مدیریت شهر تهران گذشته بود. من با صدور پیامی از مردم تهران دعوت کردم در مراسمی که به‌منظور دید و بازدید نوروزی در مجموعه ورزشی ۱۰۰ هزار نفری آزادی تهران در حضور نخست‌وزیر و آیت‌الله طالقانی برگزار می‌شود، حضور یابند و به این ترتیب با همراهی دولت موقت، برنامه دیدار نوروزی مردم شهر تهران را با حضور مسئولان کشور در مجموعه ورزشی آزادی برگزار کردیم. در این دیدار عمومی، مردم با وزرا و دولت همراه بودند؛ به طوری که شهروندان به طور وسیع و اعضای دولت موقت انقلاب از جمله آقایان مهندس مهدی بازرگان، دکتر یداله سبحانی و دکتر احمد صدر حاج سید جوادی با لباس نو و کراوات در این جشن حضور پیدا کردند زیرا همگی معتقد بودند نو شدن یکی از سنت‌های ما در نوروز است و شور و شمع و شادمانی در این برنامه کاملاً چشم‌گیر بود. در این برنامه مهندس بازرگان در سخنرانی کوتاه خود از مردم خواستند به رسم دیرین نوروز، سال نو را با نگاه به آینده و با شادمانی آغاز کرده و امیدوارانه خود را برای بازسازی و توسعه کشور آماده کنند.

نگاه من و مدیریت شهرداری تهران به این رخداد و دستاوردهای اجتماعی آن مثبت بود. پیامدها و تحولی که این نوع اقدامات در خلق و خوی مردم به وجود آورد، زمینه را برای اجرای سایر برنامه‌های شهرداری تهران فراهم نمود؛ برنامه‌هایی که نیازمند حمایت و همکاری شهروندان بود.

متأسفانه باز هم مرحوم صادق قطب‌زاده که مسئول وقت صداوسیما بود، این برنامه را پوشش تصویری و خبری نداد و ما از این مراسم بزرگ، به جز چند عکس، گزارش تصویری نداریم.<sup>۱</sup>

### ۳) برگزاری مراسم افطار عمومی

به منظور بزرگداشت ماه مبارک رمضان و تقویت همبستگی بیشتر مقامات و مردم، در سالن ۱۲ هزار نفری مجموعه ورزشی آزادی در روز جمعه ۲۶ مرداد ۱۳۵۸ برنامه افطاری به میزبانی شهرداری تهران برگزار شد که ورود به آن نیازمند ارائه کارت دعوت بود. هزینه مالی این مراسم را شهردار و معاونان وقت شهرداری تهران شخصاً به عهده گرفته بودند. بدین ترتیب در مراسم اولین افطار عمومی شهر تهران در مرداد ۱۳۵۸ از تمام مسئولان، نمایندگان اقشار مختلف مردم، اعضای هیأت دولت و نمایندگان شوراهای محلی مناطق بیست‌گانه تهران برای حضور در این مراسم دعوت کرده بودیم.<sup>۲</sup> خوشبختانه از این برنامه استقبال خوبی به عمل آمد؛ به طوری که محوطه سالن ۱۲ هزار نفری به طور کامل پر شد و سفره‌های طولانی برای پذیرایی آماده گردید.

۱. روزنامه کیهان ضمن اطلاع‌رسانی اجتماع مردم و تنی چند از اعضای هیئت دولت موقت در مجموعه ورزشی صد هزار نفری آزادی، بیانات مهندس بازرگان (نخست‌وزیر) در این مراسم را منعکس کرده است. (بنگرید: روزنامه کیهان، دوشنبه ۶ فروردین ۱۳۵۸، شماره ۱۰۶۶۷، ص ۲).

به یاد دارم که همزمان با این رخداد، اتفاقات ناگوار پاره در جریان بود و آقای مهندس صباغیان (وزیر کشور وقت) در همان جلسه، گزارشی در این مورد ارائه کرد. آیت‌الله طالقانی نیز در این مراسم سخنرانی کرد و ضمن صحبت‌های خود از برنامه‌ها، تلاش‌ها و خدمات کارکنان شهرداری چنان تمجید و تقدیر کردند که تحول قابل توجهی در روحیه آنان به وجود آورد و اشک شوق از چشمان کارکنان شهرداری جاری شد. فضای ایجاد شده در این مراسم در بسیاری از کارکنان شهرداری تأثیر مثبت داشت؛ به طوری که آنها می‌گفتند نگاه مردم تهران نسبت به کارکنان شهرداری متحول شده و تغییر کرده است. با آن‌که این رویداد، تحولی فرهنگی به حساب می‌آمد متأسفانه باز هم سیمای جمهوری اسلامی تصویری از آن را ضبط نکرد و آن مراسم را در رسانه ملی پوشش خبری نداد.





## فصل چهارم: اقدامات زیربنایی - راهبردی

### ۱) اصلاح ساختار مدیریت شهری

چون بر این باور بودیم که تنها عامل حفظ دستاوردهای انقلاب، سپردن امور به دست مردم، کاهش تراکم مسئولیت‌ها در بخش دولتی و دمکراتیزه کردن جامعه از طریق گسترش شوراهاست، لذا اصلی‌ترین دغدغه ما این بود که مردم انقلاب کرده از این پس چگونه و با چه سازوکارهایی بتوانند در مدیریت و اداره امور شهری جامعه نقش اساسی ایفا کنند.

مطابق آموزه‌های قرآنی که در جلسات تفسیر آیت‌الله طالقانی فراگرفته بودیم و نیز سایر بسترهای تربیتی و آموزشی که مهندس بازرگان بر اساس اندیشه‌های دکتر مصدق در سال‌های دهه ۱۳۳۰ در انجمن اسلامی دانشجویان و ... به ما آموزش داده بود، معتقد بودیم هرگونه کار و فعالیت اجتماعی مانند اداره شهر و جامعه، باید بر تأمین و حفظ حرمت و کرامت انسان‌ها استوار بوده و به رأی و نظر مردم متکی باشد. بر این اساس در اسفند ۱۳۵۷ نخستین اقدام برنامه‌ریزی شده خود را برای تشکیل شورای شهر انجام دادیم.

تجربه و سوابق تاریخی نشان می‌داد که عمده ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی به ساختار قدرت مربوط می‌شود و در توزیع ناعادلانه قدرت و ثروت میان جامعه ریشه دارد. چنانچه مشکل توزیع قدرت در ساختارهای جامعه حل شود، بسیاری از مشکلات دیگر نیز حل خواهند شد. مطابق این نگرش ریشه اصلی مشکلات شهرداری‌ها را در ساختار مدیریت شهر تهران می‌دیدیم. در نظام استبدادی گذشته، مدیران شهر تهران زیر نظر شاه عمل می‌کردند

و مردم و شهروندان در مدیریت شهر خود نقشی نداشتند؛ اگر انجمن شهر هم بود، به صورت فرمایشی و بیشتر صوری عمل می‌کرد.

چنین مدیریت آمرانه‌ای در ساختار مدیریت معیوب کشور ریشه داشت که از دیرباز بر تمام شئون حیات این کشور حاکم بود و به‌خصوص فرهنگ جامعه را تحت تأثیر شدید قرار داده بود. به تعبیر مهندس بازرگان، ایرانیان براساس فرهنگ استبدادی گذشته خود، دنبال زور بوده و همه چیز را زود می‌خواهند؛ یعنی مسائل را به شکل همه یا هیچ و تنها در دو رنگ سیاه یا سفید می‌بینند و به این واقعیت توجه ندارند که تبدیل یک نظام آمرانه به یک مدیریت مشارکتی، مستلزم دگرگون شدن نگرش مدیران و ایجاد تحول فرهنگی در مردم است. البته در ایران لزوم مدیریت و رسیدگی به امور شهری از سال‌های نخست پس از مشروطیت تحت عنوان راه‌اندازی بلدیه مطرح شده بود و در زمان نخست‌وزیری دکتر مصدق این موضوع به موازات اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت، توسعه یافت و اصلاح قانون انتخابات و شهرداری‌ها و توسعه مدیریت شهری و تقویت آن از محورهای برنامه راهبردی او بود.

من در دوران تحصیل در اروپا و آمریکا شاهد روش‌های نوین مدیریت شهری بودم و می‌دیدم در آنجا مردم چه‌طور در اداره شهرها حضور و مشارکت مستقیم دارند. تجربه شخصی‌ام در دوران تحصیل از مدیریت شهری در شهرهای آلمان و آمریکا نشان می‌داد که اگر مردم در کارها مشارکت نداشته باشند، هیچ برنامه اصلاحی و توسعه‌ای نمی‌تواند موفق شود. در این کشورها، دولت‌های مرکزی به جزئیات زندگی مردم کاری نداشته و این قبیل کارها را به‌خود مردم سپرده‌اند. برای این منظور (local government) یا حکمروایی محلی به صورت مدیریت واحد شهری شکل گرفته و دولت‌ها با نگاه کلان‌مدیریتی، اموری همچون منافع ملی، مسائل امنیتی، اجرای قانون و نظارت بر اجرای قانون را بر عهده دارند. به همین دلیل سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی کوچک بوده و در عین حال نیروهای انسانی شاغل در این سازمان‌ها و مراکز، چابک و کارآمد هستند.

در کنار این تجربه بشری، توجه به اصل شوراها بر اساس آموزه‌های قرآنی، از اصول برجسته تعالیم اسلامی بوده که بر پایه آن مردم باید در اداره کشور جایگاه تصمیم‌ساز داشته

باشند. افزون بر این، آیت‌الله خمینی در دوران اقامت خود در نوفل‌لوشاتو چشم‌اندازی از نظام آینده ایران ترسیم کرده بود که نشان می‌داد در نظام جدید انسان‌ها از کرامت و آزادی برخوردار بوده و بر سرنوشت خودشان حاکم هستند. ایشان عنوان کرده بود نظام جمهوری آینده ایران، مشابه همان جمهوری حاکم در فرانسه خواهد بود و در کلیه موضوعات و مسائل کشور، رأی و نظر مردم تعیین کننده است.

از سوی دیگر حضور مردم در انقلاب و مطالباتی که آنان در شعارهای خود مطرح کرده بودند، نشان می‌داد که خواسته آنان صرفاً مخالفت با شخص شاه نبود بلکه آنان با نظام استبدادی که در آن مردم جایگاهی نداشته باشند و مدیریت جامعه تنها از بالا باشد، مخالف بودند. بنابراین مطالبات و انتظار مردم از مدیران انقلاب، فراهم کردن زمینه‌های عینی دستیابی به جامعه‌ای بود تا مردم بتوانند برای اداره شهر و کشورشان نقش اصلی را داشته باشند. چنین مطالباتی در شعار «آزادی، استقلال، جمهوری اسلامی» نیز منعکس بود. به استناد چنین چشم‌اندازی و در راستای مطالبات تاریخی ملت ایران از انقلاب مشروطه، نهضت ملی شدن نفت و تظاهرات گسترده دوران انقلاب، اولویت اصلی برای ما فراهم کردن زمینه مشارکت مردم در اداره شهر بود. ضمن این که عملاً منصوب دولت موقت بودیم و مسئولیت خود را نیز موقت می‌دانستیم، لذا باید مقدمات انتخاب شهردار تهران را از طریق انتخاب مردم فراهم می‌کردیم.

پس از پیروزی انقلاب انتظار می‌رفت ساختار آمرانه مدیریت شهر تهران متحول شده و متناسب با اصول و آرمان‌های انقلاب به یک مدیریت شورایی همراه با مشارکت مردم تبدیل شود. به طوری که در مرحله بعد به هنگام تدوین قانون اساسی، این راهبردها در اصول ششم،<sup>۱</sup> هفتم،<sup>۲</sup> پنجاه و ششم<sup>۳</sup> و بطور مشخص در فصل هفتم که به شوراها (اصول ۱۰۰ تا ۱۰۶) اختصاص یافت، تبلور پیدا کرد.

در اجرای اصول مدیریت شورایی، اخلاق و مدیریت شهری، ضرورت ایجاد هماهنگی با سیاست‌ها، برنامه‌ها و قوانین کلان استانی و ملی را ایجاب می‌کرد. به طوری که در مرحله بعد طبق مفاد ۱۶ گانه اصل سوم قانون اساسی که در آن وظایف دولت به تفصیل ذکر شده و نیز اصل ۲۴ قانون اساسی<sup>۴</sup> در مورد آزادی فعالیت‌های نشریات و مطبوعات، امور کشور باید از طریق شوراهای منتخب مردم منوط به رعایت اصول وحدت ملی، تمامیت ارضی و تابعیت حکومت مرکزی حل و فصل می‌شد. برای تحقق این اهداف، ضروری بود که مدیریت شهری و مدیران شهرداری برنامه‌های خود را با سیاست‌های کلان ملی و استانی هماهنگ کنند. بنابراین شهرداری تهران نیز نمی‌توانست در هیچ زمینه‌ای مستقل از مسائل ملی عمل کند.

۱. اصل ششم قانون اساسی: در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود، از راه انتخابات: انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظائر اینها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد.

۲. اصل هفتم قانون اساسی: طبق دستور قرآن کریم: «و امرهم شوری بینهم» و «شاوورهم فی الامر» شوراها: مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظائر اینها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند. موارد، طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراها را این قانون و قوانین ناشی از آن معین می‌کنند.

۳. اصل ۵۶ قانون اساسی: حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچکس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرقی که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند.

۴. اصل ۲۴ قانون اساسی: نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آن‌که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.

برای زمینه‌سازی کوتاه مدت برنامه‌های فوق، ابتدا شورای همکاری و مشارکت مردم در مناطق شهر تهران تشکیل شد. به منظور ایجاد ارتباط بین مدیریت شهری و مردم در کلیه مناطق، تلاش شهرداری این بود که با جلب همکاری معتمدین محل و افراد داوطلب، از آنان استفاده شود که با توجه به حال و هوای ایام پس از انقلاب، مردم از این موضوع استقبال بسیار خوبی کردند. بسیاری از ایرانیان که در اروپا و آمریکا زندگی و تحصیل می‌کردند، درس و زندگی خود را رها کرده و برای پیش بردن امور انقلاب به ایران مراجعت کرده و به عنوان کارشناس در درون این شوراها به فعالیت مشغول شدند.

برای تحقق این برنامه راهبردی، دو گروه کارشناسی در همان اسفند ۱۳۵۷ تشکیل شد. یک گروه مسئول بررسی تقسیمات شهری شد که مورد نیاز اجرای قانون شوراها بود و گروه دیگر مسئولیت تهیه پیش‌نویس قانون شوراها را به عهده گرفت.

در کارگروه نخست برای مطالعه ساختار و ضوابط حضور مردم در مدیریت شهر، وضعیت موجود تقسیمات شهر بررسی شد. با توجه به این‌که هدف ما ایجاد زمینه برای جلب مشارکت مردم در سطح محلات بود، در مسیر اجرای قانون شوراها در شهر تهران، مشکلاتی در خصوص تقسیمات شهری موجود بود. عمده‌ترین مشکل ناهماهنگی میان تقسیمات شهر تهران با اجرای قانون شوراها بود. به عبارت دیگر شهر تهران را ۱۲ منطقه تشکیل می‌داد<sup>۱</sup> اما مسئله این بود که محدوده و تقسیمات مناطق منظم نبود و با نگاه محله‌محور قانون شوراها تناسب نداشت.

به منظور اصلاح ساختار تقسیمات شهری و استقرار شورای محلات، این کارگروه پس از انجام مطالعات در تهران، ۳۴۱ محله را شناسایی کرد. هر محله ۱۰ تا ۲۰ هزار سکنه را شامل می‌شد. عواملی همچون وسعت محله، تعداد نفوس، فضاهای باز، اماکن عمومی و همچنین تعداد مغازه‌های موجود در هر محله با توجه به همانندی نسبی موجود از نظر مشخصات فیزیکی و اجتماعی، اساس تعیین حوزه هر محله را مشخص می‌کرد. هماهنگی و همانندی

مذکور در نوع مسکن، تراکم جمعیت، وضع اقتصادی و نیازهای فرهنگی و اجتماعی محله جست‌وجو شده و هسته اصلی هر محله با محوریت یک مدرسه یا مسجد مشخص می‌شد. پس از اصلاح ساختار تقسیمات شهری، محلات جدید در قالب ۲۰ منطقه جدید جای گرفتند. محله‌های مجاور و مرتبط با هم یک ناحیه را تشکیل داده و از تجمیع چند ناحیه مجاور، یک منطقه شکل می‌گرفت. مناطق واقع در شرق مسیل کن، مرز محدوده شهر تهران را شکل می‌داد. هر محله به عنوان کوچکترین واحد شهری، شورایی ۹ نفره داشت. منطقه نیز با شورایی مرکب از نمایندگان شورای محلات، تقریباً ۱۵ عضو داشت. با حضور نمایندگان شورای مناطق، نهایتاً شورای شهر (پارلمان شهر) شکل می‌گرفت. وظیفه شورای شهر، هماهنگ کردن فعالیت‌های مناطق، تعیین خط مشی برای مجموعه شهر و تصویب سیاست‌ها و برنامه‌های جامع و درازمدت بود و در این مسیر با کلیه سازمان‌های مسئول در ذیل قانون عمومی کشور همکاری می‌کرد.

گروه مطالعات قانون شوراها ابتدا «طرح تشکیل شوراهای شهری و نحوه اداره شهر تهران» را در ۶ فصل و ۴۴ ماده تهیه کرد. این طرح پس از بررسی در وزارت کشور و انجام اصلاحاتی در آن، مجدداً در ۵ فصل و ۳۰ ماده با عنوان «قانون تشکیل شوراهای شهری و نحوه اداره شهر تهران» تدوین شد و ضمن بازنگری در آئین‌نامه‌های مربوط به وظائف و اختیارات شورای شهر، در تیر ۱۳۵۸ برای تصویب به دولت موقت ارسال شد.<sup>۱</sup> مهندس بازرگان پس از مطالعه دقیق، نظرات خودشان را در حاشیه این قانون نوشته و منعکس کردند.<sup>۲</sup> این یادداشت که خوشبختانه به عنوان سندی ارزشمند حفظ شده، نشان می‌دهد که آن مرحوم چه اندازه برای سامان دادن به مدیریت شهری اهمیت قائل بوده و به آن توجه داشتند. بر اساس این نظرات پیش‌نویس مذکور اصلاح شد و طرح جدید در اول مهر ۱۳۵۸ در اختیار شورای انقلاب قرار گرفت و به تصویب این شورا رسید. علاوه

۱. پیوست ۸

۲. پیوست ۹

بر این، طرح تکمیلی ماده ۴۵ قانون مذکور که بر شوراهای محلات تأکید داشت نیز تهیه شد و در اختیار دولت قرار گرفت.

چندی بعد به صورت آزمایشی در سنندج، قزوین و چند شهر دیگر شوراهای تشکیل شدند. تشکیل این شوراهای به منظور احترام به خواسته مردم بود و اتفاقاً عملکرد خوبی هم داشتند. برای مثال در کردستان که مردم همیشه احساس می‌کردند سرکوب شده‌اند، همین که اداره شهر به دست مردم سپرده شد، پیامد خوبی داشت و وضعیت بسیار فرق کرد. آیت‌الله طالقانی که آن‌جا رفته بودند، گزارش می‌دادند که شخصیت دادن به مردم و مشارکت آن‌ها در اداره امور، انجام بسیاری از کارها را تسهیل کرده است.

بر اساس مطالعات انجام گرفته در مورد مدیریت شورایی در تهران، حل مشکل زاغه‌نشینان اولویت یافت و انجام این کار تشکیل شورای اسکان گودنشینان را ایجاب می‌نمود. لذا رفع این مشکل و نظایر آن نیازمند تشکیل هرچه سریع‌تر شورای محلات در سطح گودنشینان بود که انتخابات آن در اردیبهشت ۱۳۵۸ زیر نظر وزارت کشور برگزار شد.

نگاه ما به عنوان کارشناس در جایگاه موقت مدیریت شهری این بود که ساختار اداره شهر به کلی متحول شود؛ به عبارتی نه تنها می‌بایست مردم از طریق شورای محلات، مناطق و شورای شهر بر خدمات شهری نظارت داشته باشند، بلکه باید ساختارهای مدیریتی سایر دستگاه‌هایی که به عموم شهروندان خدماتی ارائه می‌کردند نیز با این تقسیم‌بندی هماهنگ شده و همه چیز زیر نظر مردم اداره می‌شد. اصلاحات مدیریت شهری تنها به شهرداری و زیرمجموعه‌های آن مربوط نبود بلکه کلیه سازمان‌ها و ادارات مرتبط با خدمات شهری پایتخت مانند مخابرات، قوه قضاییه و حتی نیروی انتظامی باید خدمات خود را مطابق با الگوی جدید مدیریت شهری، با ۲۰ منطقه جدید شهر تهران منطبق ساخته و مناطق خود را بر مبنای تقسیم‌بندی جدید تغییر می‌دادند. این مهم در طرح پیشنهادی اولیه برای شوراهای پیش‌بینی شده بود و تنها در این صورت مدیریت واحد شهری تحقق پیدا می‌کرد.

گفتنی است که در میان سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی، وزارت آموزش و پرورش تحت مدیریت شهید رجایی، همان زمان فعالیت‌های خود را با نظام جدید شهری هماهنگ

کرد اما سایر نهادها متأسفانه از الگوی جدید مدیریت شهری تبعیت نکردند. البته در سال‌های اخیر اداره راهنمایی و رانندگی با این تقسیم‌بندی هماهنگ شده است. اشخاصی مانند آیت‌الله طالقانی اهتمام ویژه‌ای به اجرای اصل شوراها داشتند در حالی که در آن دوره حتی بسیاری از اعضای شورای انقلاب با اندیشه مدیریت شورایی همفکری نداشتند. برخی از مسئولین همواره می‌گفتند: چرا شما این قدر به مردم تکیه می‌کنید؟ مگر نه این است که همین مردم با شنیدن یک سخنرانی نظر خود را تغییر داده و این رو یا آن رو می‌شوند!

کسانی که متن نخستین قانون اساسی را در دولت موقت نوشته بودند، چون از اسلام و قرآن قرائت دموکراتیک داشتند، اصل شوراها و حاکمیت ملت را مورد تأکید قرار داده بودند اما برخی دیگر که به نگاه و قرائت مردم‌سالارانه از اسلام باور چندانی نداشتند، برجسته نمودن نقش مردم در امور دائماً کارشکنی می‌کردند. متأسفانه به تدریج و در سال‌های بعد رویه و فکر این گروه اقلیت در مدیریت کشور، مسلط و حاکم شد.

علاوه بر سازگار نبودن نگاه حاکمان بیرون از دولت موقت با نظام شورایی و مشارکت دادن مردم در امور خودشان، پاره‌ای خصایص فرهنگی رسوخ یافته در مردم ایران نیز مانع تحقق نظام شورایی در کشور بود. متأسفانه در اثر قدمت و تداوم فرهنگ استبدادی، غالب مردم اعتماد به نفس خود را از دست داده و به نقش فعال خود در کارهای جمعی، مشارکت اجتماعی و مدیریت شورایی اعتقاد چندانی نداشته و به غلط گمان می‌کردند اصلاح امور تنها از سوی مقامات بالا ممکن است. از این رو می‌توان گفت که اعتقاد به کارهای مشارکتی و تحقق مدیریت شورایی پیش از هر اقدامی نیازمند تحول در نگرش عمومی و بالا رفتن احساس مسئولیت‌پذیری در آنان است. تحقق چنین شیوه و اقدامی جز با برنامه‌ریزی و تدارک زمینه‌های فرهنگی در فرآیندی مستمر و بلندمدت ممکن نیست.

متأسفانه پس از خرداد ۱۳۶۰ و بسته شدن فضای سیاسی کشور، عملاً کسانی در رأس مدیریت دولت و وزارت کشور قرار گرفتند که به حضور و مشارکت مردم در اداره شهرها طبق اصول قانون اساسی باور نداشتند یا حداقل در آن مقطع اجرای آن را عملی نمی‌دیدند.



این بی‌اعتنایی به نقش مردم، تحقق اصول مربوط به شوراها را (که فصل هفتم قانون اساسی اجرای آن را تصریح کرده بود) دست کم به مدت نزدیک به دو دهه، یعنی تا سال ۱۳۷۶ معطل گذاشت.

البته تجدید ساختار شهر تهران از طریق مدیریت شورایی، گرچه نتوانست به طور کامل و موفق عملی شود، با این وصف برای مدیریت شهری تسهیلات چندی را به وجود آورد. از جمله در دوره جنگ هشت ساله و در بسیج اقتصادی و در مطالعات مرکز آمار ایران از این ساختار بخوبی استفاده شد.

## ۲) برنامه‌ریزی و تهیه پروژه‌های راهبردی برای حل مشکل ترافیک

در آستانه انقلاب، موضوع حمل و نقل عمومی در شهر تهران به چند دلیل با وضع نابسامانی روبرو شده بود. متأسفانه تشویق مردم به استفاده از خودروهای شخصی و ترویج شعارهای تبلیغاتی پیش از انقلاب مانند «هر ایرانی یک پیکان» به طور فزاینده‌ای مردم را به خرید خودرو شخصی ترغیب کرده و موجب شده بود ۷۰ درصد سفرهای روزانه با خودروهای شخصی صورت گیرد. به عبارتی مناسب نبودن خدمات حمل و نقل عمومی، همگان را واداشته بود تا برای جابجایی خود در سطح شهر از خودرو سواری استفاده کنند. مسافرت روزانه درون‌شهری در تهران نزدیک به ۷ میلیون سفر بود اما استفاده از اتوبوس سهم بسیار کمی در حمل و نقل درون شهری داشت زیرا شبکه اتوبوسرانی هم وضع نامناسبی داشت و در مهار حجم ترافیک و جابجایی مؤثر مسافران عملاً ناکام بود. تقریباً ۱۵ درصد سفرهای روزانه با تاکسی صورت می‌گرفت، اما سازمان تاکسیرانی هم وضعیت نابسامانی داشت و برای تاکسی‌ها مسیرهای نامشخص و نامناسبی در نظر گرفته بود؛ به گونه‌ای که بعضاً خود تاکسی‌ها عامل تشدید ترافیک بودند. علاوه بر مواردی که برشمردیم جرائم رانندگی بدون توجه به شناخت ریشه تخلفات رانندگی، وضع شده بود. ایجاد پارکینگ‌های طبقاتی در مناطق مرکزی و پرتردد شهر هم چاره این مشکل نبود و مجموعه موارد فوق، همگی بر وخامت وضع ترافیک افزوده بود.

مسلماً تغییر عادت مردم و ترغیب آنان به استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی در داخل شهر به جای خودروهای شخصی، کار ساده‌ای نبود اما اقدام مهمی بود که باید صورت می‌گرفت.

البته پس از پیروزی انقلاب، به‌رغم فقدان نیروهای انتظامی و راهنمایی و رانندگی، رفتار ترافیکی مردم برای مدتی ولو کوتاه متحول شده بود و مردم عمده‌مسئولیت‌ها در خیابان‌های تهران و تقاطع‌های شهر را تصدی کرده و اگر گرهی به‌وجود می‌آمد، خودشان برای رفع آن کمک می‌کردند. مردم یکپارچه خودشان را متولی مدیریت شهر دانسته و با مسئولان هماهنگی داشتند. حتی در مواقعی که تصادفی پیش می‌آمد، طرفین به همدیگر لبخند زده و از تقصیر هم می‌گذشتند.

جالب آن‌که مهندس بازرگان به‌رغم مشغله فراوان در ۱۴ اسفند ۱۳۵۷، با ارسال نامه‌ای خطاب به بنده ضمن ابراز مراتب نگرانی خود نسبت به معضل ترافیک پایتخت، مسئولانه راه‌حل‌های پیشنهادی خود را مطرح نموده و بر ایجاد محدودیت‌های ترافیکی و توسعه حمل و نقل عمومی تأکید کردند. ایشان در یادداشت خود یادآوری کردند مبدا وضع‌طوری شود که شهردار و مدیرانش به محض نشستن پشت صندلی و میز، آن‌قدر گرفتار مراجعات و مسائل پُر دردسر روزمره و جزئی شوند که برای دیدن مسائل اساسی شهر، کمترین مجال را پیدا نکنند. شهردار برای بررسی و ارائه طرح‌ها و کارهای غیرجاری باید حتماً مشاوران و نیروهای کارشناس در اختیار داشته باشد تا مستقل از مسائل روزمره، همواره موضوعات اساسی را با نگاه راهبردی مطالعه و طرح‌های مورد نیاز را به موقع ارائه کند.<sup>۱</sup>

ما معتقد بودیم که در مدیریت شهرداری نگاه باید انسان‌محور باشد نه خودرومحور؛ یعنی با شناخت درست نیازهای اساسی شهروندان، باید برنامه‌های مناسب تدوین کرد. افزایش امکانات و تسهیلات در جهت ارائه خدمات بیشتر برای خودروهای سواری هیچگاه با نیازهای شهروندان هماهنگ نبوده و نیست زیرا هر اندازه برای تهیه خودرو سواری تسهیلات

بیشتر فراهم شود، به طور طبیعی مشکلات زیست محیطی، تراکم و تأخیر سفر شهروندان بیشتر شده و آمار خسارات و تلفات ناشی از تصادفات بالا می‌رود و این قبیل اقدامات هرگز در جهت منافع ملی نیست.

در همان ماه نخست تصدی مسئولیت شهرداری با هماهنگی وزارت کشور مقرر گردید اولاً شماره‌گذاری خودروهای سواری محدود شوند. ثانیاً کارخانجات خودروسازی، تولید وسائط نقلیه عمومی را از تولید خودروهای شخصی بیشتر کنند و ثالثاً واردات خودروی خارجی نیز ممنوع گردد.<sup>۱</sup>

مشارکت و همدلی مردم برای برخورد با چالش‌های ترافیک به صورتی بود که از همان اسفند ۱۳۵۷ که مشغول کار شدیم، افراد مختلف ده‌ها طرح نسبتاً کارشناسانه برای ما فرستادند. این طرح‌ها را جهت بررسی در اختیار کمیته فنی سازمان حمل‌ونقل و ترافیک تهران قرار دادم. تهیه این طرح‌ها از سوی مردم حاکی از حس همدلی آنان و مشارکت عمومی در ابتدای انقلاب بود و به خوبی نشان می‌داد که مردم، شهر را از خود دانسته و برای حل مشکلات آن خودشان را مسئول می‌دانستند.

بسیاری از پیشنهادات از سوی اشخاصی ارائه شده بود که در حل مسائلی چون ترافیک، کارشناس و خبره بودند و یا به دلیل تجربه حضور در نهادهای مرتبط با معضل ترافیک، از این مسأله شناخت کاملی داشتند<sup>۲</sup> لذا هر کدام به دلیل تحصیلات مرتبط و یا فعالیت در زمینه‌های مدیریتی و شهرسازی، تجربه‌های خود را در اختیار شهرداری گذاشتند. افرادی نیز گرچه تحصیلات و تجربه تخصصی‌شان با مسأله ترافیک ارتباط نداشت اما یا از نیروهای پلیس بوده و مشکلات ترافیکی را از نزدیک لمس کرده بودند و یا به پیشه وکالت اشتغال داشتند و در مجموع مطالب سازنده‌ای را عنوان می‌کردند.

۱. پیوست ۱۱

۲. پیوست ۱۲

محور اصلی تمامی پیشنهادات مردمی شامل مدیریت مهاجرت، افزایش تعداد وسائط نقلیه عمومی و کارآمدسازی اتوبوسرانی و تاکسیرانی، مدیریت و کنترل تمایل عمومی برای تهیه خوروی شخصی، مهار تولید و واردات افسارگسیخته خودروی سواری، تشویق مردم به پیاده‌روی و استفاده از دوچرخه بجای اتومبیل، توسعه فضای سبز، ایجاد محدودیت‌های ترافیکی، ایجاد و توسعه خطوط مترو بود. پیشنهادهای دیگر مانند: افزایش سطح معابر شهری، تعدیل هزینه‌های حمل و نقل عمومی، اخذ هزینه از رانندگان خودروهای شخصی، گروه‌بندی کردن ساعات کار در ادارات و مدارس، گسترش سرویس حمل و نقل ادارات، نزدیک کردن مکان‌های ادارات مرتبط به یکدیگر و آموزش مبانی ترافیکی از دوره دبستان، مواردی بود که هرکدام به نوبه خود جای تأمل داشت.

همزمان با مطالعات شوراها از همان روزهای اسفند ۱۳۵۷ گروه کارشناسی دیگری برای بررسی معضل ترافیک در سازمان حمل و نقل و ترافیک تهران مطالعات خود را آغاز کرد. در مورد ترافیک اولین مسأله کاهش استفاده از خودروسواری، اولویت دادن به حمل و نقل عمومی و کاهش مصرف سوخت بود. آن زمان تهران تقریباً ۸۰۰ هزار خودروی سواری داشت. اگرچه هنوز مشکل سوخت به اندازه امروز بحرانی نشده بود اما سهولت جابجایی شهری ایجاب می‌کرد که تردد خودروسواری محدود شده و حمل و نقل عمومی توسعه یابد. اصلاح رفتار ترافیکی در پایتخت موجب صرفه‌جویی قابل توجه مصرف بنزین می‌شد و از آلودگی هوا به طور محسوسی می‌کاست. به علاوه زمان سفرهای روزانه کوتاه می‌شد و امید بود این امر بهره اقتصادی کلانی همراه داشته باشد.

از سویی برای حل مشکل حمل و نقل و ترافیک شهری، تقویت حمل و نقل عمومی برای سفرهای متوسط و طولانی، دوچرخه‌سواری برای سفرهای کوتاه و متوسط و پیاده‌روی برای سفرهای کوتاه، راهبرد علمی شناخته شده‌ای بود. بر پایه این استراتژی در اسفند ۱۳۵۷ طرح تقویت حمل و نقل عمومی و اجرای طرح ترافیک در محدوده مرکزی شهر مورد توجه قرار گرفت.

در اردیبهشت ۱۳۵۸ با حضور در جلسه هیأت وزیران دولت موقت، گزارشی مقدماتی از اوضاع ترافیکی پایتخت و طرح بهبود ترافیک ارائه نمودم. در این گزارش جابجایی‌های غیرضروری ناشی از عدم هماهنگی نظام اداری را یکی از علل مشکل ترافیک تهران خواندم و در ادامه چنین گفتم:

«بسیاری از سفرهای شهری را می‌توان با اصلاح خدمات اداری و شهری یا تماس‌های تلفنی، ارسال از طریق پست و نظیر آنها جایگزین کرد. از سویی سرگردانی مردم نسبت به انجام امور اداری و ناهماهنگی مناطق شهرداری با سایر مناطق خدمات دولتی بر تعداد سفرهای غیرضروری می‌افزاید. به علاوه انتظار می‌رفت امور ارباب رجوع با حداقل مراجعه به ادارات دولتی رفع شوند.»

در بیان راه حل‌ها، بر افزایش تعداد وسائط نقلیه عمومی تأکید نموده و سیاست‌های تشویقی برای خرید خودروی شخصی را مورد انتقاد قرار دادم. در مرحله بعد شبکه ارتباطی تهران، طرح تقاطع‌ها و ناهماهنگی چراغ‌های راهنمایی را با جمعیت شهر و میزان سفرهای شهری غیرمتناسب خواندم و ضمن تأکید بر اصلاح موارد مذکور بر اهمیت احداث و توسعه مترو پافشاری کردم. آموزش عمومی را نیز مدنظر قرار داده و رعایت نکردن قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی را از عوامل مهم مشکل ترافیک پایتخت دانستم. در نهایت ابراز امیدواری کردم تا با طرح‌های اصلاحی، تردهای درون شهری بیشتر با اتوبوس انجام شود. برای توسعه اتوبوسرانی و افزایش کارآمدی آن و ایجاد محدودیت‌های لازم ترافیکی از هیأت وزیران درخواست همکاری کرده و خواستار تخصیص تسهیلات و تأمین اعتبارات لازم برای خرید اتوبوس شدم. همچنین درخواست کردم هرچه سریع‌تر باغشاه و پادگان عشرت‌آباد برای ایجاد تعمیرگاه و توقف‌گاه اتوبوس‌ها در اختیار شهرداری قرار گیرد.

#### ۱-۲) ایجاد طرح ترافیک در هسته مرکزی شهر (راهبرد کوتاه مدت)

بر اساس مطالعاتی که انجام شد، برای رفع مشکل ترافیک در سه سطح کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت برنامه‌ریزی کردیم. در راهبرد کوتاه مدت طرح محدوده ترافیک مرکز شهر

مد نظر بود. راهبرد میان مدت به توسعه و تکمیل شبکه ارتباطی به‌ویژه شبکه بزرگراهی متمرکز بود و راهبرد بلند مدت به پیگیری پروژه متروی شهر تهران اختصاص داشت.

در راهبرد کوتاه مدت بر این باور بودیم که به لحاظ رعایت محیط زیست و کاهش آلودگی، باید استفاده از خودروهای سواری محدود شود چون مخل محیط زیست است. بنابراین برای بهبود وضعیت ترافیک و ارتقاء کیفیت محیط زیست، لازم بود به موازات تقویت حمل و نقل عمومی، تردد خودروهای سواری در بعضی معابر محدود شود.

سطح معابر در هسته مرکزی شهر تهران خیلی کم و تقریباً ۱۲ درصد بود، در حالی که باید به طور استاندارد ۲۴ درصد از سطح شهر را به معابر شهری اختصاص داد. علاوه بر این که هسته مرکزی شهر تهران، سطح معابر محدودی داشت، کاربری‌های عمده تجاری و اداری شهر نیز در آنجا متمرکز شده بود. لذا این منطقه با جذب سفرهای بالا موجب تراکم زیاد ترافیک می‌شد. ایجاد محدودیت برای تردد خودروی سواری و فراهم کردن تسهیلات برای جابجایی با حمل و نقل عمومی در آن مناطق، راه حل کارشناسانه‌ای بود. ایجاد محدودیت‌های ترافیکی، تعیین مسیرهای ویژه برای تردد اتوبوس و تاکسی در معابر اصلی، پاکیزگی و نظافت اتوبوس‌ها و اصلاح زمان‌بندی تردد وسائط حمل و نقل عمومی از جمله محورهای مهم اصلاحات حمل و نقل شهری بود.

مطالعات مربوط به این کار از اسفند ۱۳۵۷ آغاز شد و پس از ۶ ماه مطالعات فشرده اولین مرحله در شهریور ۱۳۵۸ اجرا گردید. بر پایه این مطالعات باید ۵۰ خیابان مرکزی شهر یک‌طرفه اعلام می‌شد و خط ویژه اتوبوس در آنها ایجاد می‌گردید. به این ترتیب خط‌های ویژه اتوبوس در محور خیابان‌های انقلاب، فردوسی، حافظ، جمهوری و... از همان موقع شکل گرفت و شروع به فعالیت کرد.

بعد از انجام مطالعات، همان طور که توضیح داده شد، ابتدا گزارش آن را در جلسه هیأت دولت موقت مطرح کردیم که با استقبال زیادی مواجه شد. استقبال برخی از وزیران مانند داریوش فروهر به اندازه‌ای زیاد و هیجانی بود که آن مرحوم گفت: از این پس من ماشین سواری خودم را سوار نمی‌شوم و با اتوبوس رفت و آمد می‌کنم!

نکته مهم در اجرای طرح محدودسازی تردد خودروها این بود که باید در مدت کوتاهی اجرا می‌شد. خطوط ویژه اتوبوس، فضای پارکینگ مقابل اماکن تجاری را حذف می‌کرد و طبیعی بود وقتی که خطوط ویژه احداث شوند، کسب و کار مغازه‌های تجاری یک سمت خیابان که پارکینگ آنها مسدود می‌شد، با مشکل روبرو شود. لذا برخی می‌گفتند این برنامه غیرعملی است زیرا در هیچ جای دنیا سابقه ندارد که همزمان ۵۰ خیابان مرکزی شهر را یک‌طرفه کرد و در آنها خطوط ویژه اتوبوس ایجاد نمود. آنها می‌گفتند مثلاً قبل از انقلاب برای فقط یک‌طرفه کردن خیابان‌های تخت‌طاووس (شهید مطهری) و عباس‌آباد (شهید بهشتی)، دو ماه اطلاع‌رسانی شد. در نتیجه از دید آنان به لحاظ علمی و کارشناسی امکان یک‌طرفه کردن ۵۰ خیابان مرکزی شهر به‌طور همزمان مقدور نبود.

در مقابل ما معتقد بودیم با توجه به اوضاع اجتماعی پس از انقلاب و افزایش اعتماد مردم به مسئولان، به کمک این سرمایه اجتماعی و روحیه انقلابی می‌توان پروژه‌های ناممکن را ممکن کرد. زیرا مردم پذیرفته بودند از جایگاه و کرامت انسانی برخوردار شده‌اند و در حقیقت میان مردم و مسئولان دولتی نه تنها شکاف از بین رفته بود بلکه یک ارتباط و اعتماد متقابل نیز شکل گرفته بود.

آقای مهندس محسن صفایی‌فراهانی (مدیر اجرایی این پروژه) در واحد امانی شهرداری بودند که با مدیریت بسیار قوی و خوب، پروژه را پیش بردند. من نیز اهداف و برنامه طرح را طی چند مصاحبه برای مردم توضیح دادم. حتی به منظور اطلاع‌رسانی مفیدتر، موضوع را به اطلاع آیت‌الله طالقانی رساندیم تا از تریبون نماز جمعه نیز لزوم اجرای طرح را به اطلاع مردم برسانند. ایشان هم در یکی از نمازهای جمعه (اواخر مرداد ۱۳۵۸) در سخنرانی بسیار مؤثری، ضرورت اولویت استفاده از حمل و نقل عمومی برای تأمین ایمنی تردد و رفاه و آرامش مردم گوشزد نموده و این طرح را کاملاً مفید و مردمی معرفی کردند و همکاری مردم با مدیران شهری را امری ضروری دانستند. پس از سخنرانی ایشان، بعضی همکاران می‌گفتند ما انتظار نداشتیم که یک روحانی بتواند یک مسئله کارشناسی در مورد ترافیک را این اندازه خوب بیان کند و این قدر قوی و گیرا این پیام را به مردم برساند. در

نهایت با توجه به اطلاع‌رسانی‌هایی که قبلاً انجام شده بود و به‌ویژه سخنرانی آیت‌الله طالقانی در نماز جمعه، این طرح با همکاری مردم به‌طور کامل با موفقیت اجرا شد.

طرح محدودهٔ ترافیک هستهٔ مرکزی شهر چنان کارشناسانه تهیه شده بود که پس از حدود چهار دهه همچنان به عنوان یک ضرورت اجرا می‌شود و در سال‌های اخیر (۱۳۸۳) طرح زوج و فرد هم با گسترهٔ بیشتری به آن اضافه شده است.

بدین ترتیب در شهریور ۱۳۵۸ همزمان با یک‌طرفه کردن خیابان‌های مرکزی شهر، استفاده از خطوط ویژه به طول ۳۳ کیلومتر مورد استفاده قرار گرفت. در آبان همان سال نیز اعمال طرح ممنوعیت تردد خودروهای تک سرنشین، تراکم در محدودهٔ مرکزی شهر را ۲۰ درصد کاهش داد و بر سفرهای اتوبوسی افزود. طبق مصوبه سازمان ترافیک تهران، خیابان‌های مطهری، مصدق (ولیعصر)، فاطمی، کارگر، مولوی و مصطفی خمینی، محدودهٔ ممنوعیت تردد خودروهای شخصی شدند.<sup>۱</sup> مطابق بررسی‌های کارشناسانه، اعمال محدودیت‌های ترافیکی باید در محدودهٔ زمانی ۶:۳۰ صبح تا ۱۰ و یا ۷ تا ۱۵ اجرا می‌شدند که مورد اول چون ساعات کمتری را شامل می‌شد، بار اقتصادی کمتری داشت و می‌توانست با جدیت بیشتری دنبال شود و ضمناً بر مجریان طرح و شهرداری فشار کمتری وارد می‌آورد اما مورد دوم نیازمند قوانین انعطاف‌پذیری بود تا اقتصاد شهری را فلج نکند و ضمناً امکانات بی‌شماری را می‌طلبید.

اجرای مقررات طرح ترافیک و اصلاح عبور و مرور شهری نیازمند به‌کارگیری نیروهایی به‌عنوان مجری و ناظر قانون بود. از این رو به ۱۰۰۰ دیپلمه داوطلب نیاز داشتیم تا پس از آموزش به وظایف خود آشنا شده و به اجرای طرح کمک کنند.

در زمینهٔ آموزش عمومی مسائل ترافیک، نقشه‌های مناطق ممنوعه و ساعات طرح ترافیک و لیست خطوط اتوبوسرانی و دفترچه راهنمای خطوط تهیه شد و ضمن انتشار در جراید مقرر گشت در تلویزیون نیز مطرح شده و نسبت به آموزش مبانی آن اقدام گردد.



مطابق ضوابط طرح ترافیک، کلیه سازمان‌ها موظف شدند مشخصات سرویس‌های خود را معرفی کنند و از سوی شخص رئیس‌جمهور تنها برای ۱۵۰ شخصیت سیاسی اجازه تردد در محدوده طرح صادر شد. خودروهای تحت اختیار آژانس‌ها و وانت‌بارها نیز موظف به رعایت محدودیت‌های جدید ترافیکی بودند.

گزارش‌های شهریور ۱۳۵۹ نشان می‌داد اجرای طرح محدودیت‌های ترافیکی موجب شده تعداد خودروهای شخصی داخل محدوده به میزان تقریباً ۴۰۰۰ دستگاه کاهش یابد که معنی آن کاهش ۳۵ درصدی تردد این خودروها بود. از سوی دیگر با اجرای این طرح، سرعت حرکت اتوبوس‌ها از ۱۳ کیلومتر در ساعت به ۱۵ کیلومتر افزایش پیدا کرد و میانگین تعداد سفرهای اتوبوسی افزایش یافت. نظرسنجی‌ها نشان داد که با اجرای طرح ترافیک، گرچه میزان فروش ۴۰ درصد کسبه در محدوده مرکزی شهر کاهش یافته، با این وصف بیش از ۸۰ درصد مردم با ادامه طرح موافق هستند.

همان‌طور که قبلاً گفته شد، در آن زمان اداره راهنمایی و رانندگی زیرمجموعه مدیریت شهرداری تهران بود و حکم رئیس راهور را شهردار تهران صادر می‌کرد، بنابراین این نهاد در اجرای طرح‌های ترافیکی با شورای ترافیک کاملاً هماهنگ بود. در یک مرحله از طرح‌های ترافیکی هم که رئیس راهور موافق و هماهنگ نبود، فرد دیگری جایگزین او شد.

با همه دشواری‌های پیش‌رو در اصلاح و مهار ترافیک پایتخت، خوشبختانه چون در فضای بعد از انقلاب خلق و خوی مردم عموماً تحول یافته بود، همین فضا توجه عموم شهروندان را به سمت استفاده بیشتر از اتوبوس بجای خودروهای شخصی، ایجاد خطوط ویژه و اعمال محدودیت‌های ترافیکی برای خودروهای شخصی سوق داد؛ به طوری که بیش از ۷۶ درصد مردم موافقت خود را با مقررات جدید ترافیک اعلام کردند و بیش از نیمی از شهروندان به استفاده از اتوبوس روی آوردند. در حالی که پیش از آن بالای ۴۰ درصد مردم از خودروهای شخصی استفاده می‌کردند.

جالب آن‌که با اجرای پروژه حتی یک اعتراض و شکایت هم از مردم دریافت نکردیم. بعضی تصور می‌کردند مردم برای رفع نیازهای خود از اماکن تجاری، خودروی خود را در

مسیر خطوط ویژه متوقف می‌کنند ولی در این مورد حتی یک تخلف نیز گزارش نشد. در مرحله سوم اجرای طرح در خرداد ۱۳۵۹ و ضرورت اعمال محدودیت بیشتر برای خودرو سواری و ضمانت اجرایی آن نیاز به مجوز قانونی بود که از طریق دولت توسط شورای انقلاب صادر شد.<sup>۱</sup>

## ۲-۲) توسعه و تکمیل شبکه ارتباطی (راهبرد میان مدت)

راهکار میان مدت در توسعه شبکه ارتباطی، توسعه زیر ساخت‌های حمل و نقل و توسعه بزرگراه‌های شهر تهران بود. مطابق طرح جامع فرمانفرمایان که در سال ۱۳۴۷ تصویب و در ۱۳۴۹ ابلاغ شده بود و طرح تفصیلی سال ۱۳۵۲، شبکه بزرگراهی شهر تهران ناقص مانده بود و برنامه ما این بود که با اولویت و طبق اسناد بالادستی، شبکه بزرگراهی را تکمیل کنیم.

به طور مثال بزرگراه همت فقط تا تقاطع شهرک غرب (قدس) اجرا شده بود که ادامه آن را به طرف شرق دنبال کردیم. یکی از اقدامات، ساخت یکی از پل‌های تقاطع فجر بود که ارتباط غرب به جنوب و بزرگراه رسالت را برقرار می‌کرد و اکنون قدیمی‌ترین پل آن مجموعه است. آن زمان بزرگراه رسالت همزمان در دست اجرا بود و ادامه آن تا قبل از میدان آرژانتین در حال ساخت بود. این بزرگراه و بزرگراه حقانی بخشی از پروژه شهستان پهلوی در محدوده اراضی عباس‌آباد بود که با مطالعات کارشناسی آنها را برای تقویت محورهای شرقی - غربی تکمیل کرده و مورد بهره‌برداری قرار دادیم. بزرگراه شرق تهران (افسریه) و بزرگراه بعثت در جنوب تهران هم از پروژه‌های میان مدت بود که در سال ۱۳۵۸ اجرا شد.

به طور کلی در این دوره ادامه بزرگراه صدر تا شرق خیابان دکتر شریعتی، بزرگراه رسالت تا خیابان آفریقا، ادامه قسمتی از بزرگراه شهید همت در شمال عباس‌آباد تا بزرگراه مدرس، احداث یکی از پل‌های تقاطع فجر، بزرگراه بعثت و بزرگراه افسریه اجرا شد.

## ۳-۲) احداث مترو (راهبرد بلندمدت)

در سال‌های پایانی رژیم گذشته، مشکل ترافیک شهر تهران و ناکارآمدی شبکه حمل و نقل درون شهری به معضلی جدی و به عقیده برخی به معمای ناگشودنی تبدیل شده بود. ناکافی بودن وسائط نقلیه عمومی، رشد فزاینده اتوبوس‌های فرسوده در شرکت واحد، ازدیاد بی‌رویه وسائط نقلیه شخصی (تردد نزدیک به یک میلیون و ۲۰۰ هزار وسیله نقلیه در شهر تهران)، ازدیاد قابل توجه جمعیت تهران همراه با ضعف فرهنگ تبعیت از مقررات عبور و مرور و همچنین سیاست‌های نادرست و مغایر با اصول شهرسازی، علاوه بر این‌که موجب رشد قارچ‌گونه و بافت ناصحیح شهر تهران شده بود، آسیب‌های زیادی به زیست طبیعی اهالی تهران وارد کرده بود و آلودگی هوا برای مردم تهران در ساعات پر رفت و آمد خودروها به سختی تحمل می‌شد. در چنین وضعی هرگونه اقدام در جهت توسعه و بهبود خدمات شرکت واحد اتوبوسرانی و ترغیب مردم به استفاده از وسائط نقلیه عمومی و یا حتی محدود کردن ساعات عبور و مرور خودروهای شخصی در نقاط مرکزی شهر و برنامه‌هایی از این دست گرچه بی‌تأثیر نبود اما نمی‌توانست مشکل اساسی ترافیک شهر را به کلی برطرف کند. چاره کار آن بود که بتوان با تدوین برنامه درازمدت، ترافیک شهر تهران را مدیریت کرد. مطالعات انجام گرفته از سوی کارشناسان در همان زمان نشان می‌داد که راه حل اساسی برای ترافیک شهرهای با جمعیت بیش از یک میلیون نفر، ایجاد شبکه مترو است. مطالعات ما نشان می‌داد که تا آن زمان بسیاری از کشورها و بیش از ۷۵ شهر جهان به مترو مجهز شده و از جمله در سه شهر فرانسه و هفت شهر شوروی، مترو ساخته شده بود و قدمت متروی باکو به ۳۰ سال می‌رسید. علاوه بر این بسیاری دیگر از کشورها در جهت تعمیم و گسترش مترو برنامه‌های مفصلی در دست اجرا داشتند.

از این رو از همان آغاز کار در شهرداری، پیگیری اجرای پروژه مترو در تهران در کانون توجه ما قرار داشت. البته برخی دست اندرکاران و مسئولان هنوز لزوم آن را متوجه نبودند و بدون آن‌که راه حلی برای حمل و نقل عمومی ارائه دهند، احداث خطوط مترو برای شهر تهران را اقدامی لوکس و تشریفاتی قلمداد می‌کردند. در حالی که مطالعات انجام شده نشان

می‌داد که ایجاد مترو در همه شهرهای پر جمعیت جهان به عنوان کامل‌ترین و مناسب‌ترین وسیله حمل و نقل عمومی شناخته شده و با توجه به نرخ ارزان آن، بیشتر در خدمت طبقات محروم و کم‌درآمد است. بنابراین بکارگیری حمل و نقل ریلی در تردهای درون شهری نه تنها به هیچ وجه جنبه لوکس و تشریفاتی نداشت بلکه با در نظر گرفتن مجموع مزایای آن، به خصوص در مورد تهران، از جنبه‌های گوناگون کاملاً ضروری و فوری بود.

استفاده از مترو یا همان قطار زیرزمینی در مقایسه با اتوبوس، تاکسی و خودروی شخصی از جهات شاخص‌های گوناگون (مانند اشغال سطح معبر مورد نیاز برای مسافران، سرعت جابجایی مسافر در مناطق پرجمعیت شهری، مقدار مصرف سوخت و انرژی، تأمین امنیت مسافران، و اتلاف وقت شهروندان...) به خوبی نشان می‌دهد که جایگاه مترو از هر نظر برتر بوده زیرا علاوه بر این که حداقل مقدار انرژی را برای حمل مسافر در کیلومتر به کار می‌گیرد، انرژی را به شکل تمیز و از طریق شبکه برق دریافت می‌کند و چون زیرزمینی است، آلودگی هوا و صوت نداشته و آرامش مناطق مسکونی و مراکز درمانی را تأمین می‌کند و از هر نظر توجیه اقتصادی دارد.

از جهت اقتصادی و جلوگیری یا کاهش اتلاف وقت شهروندان در نظر بگیرید چنانچه روزانه فقط نیم ساعت از وقت هر شهروند تهرانی بابت تردد در خیابان‌های شهر تلف شود، با احتساب ۷ میلیون سفر روزانه در شهر تهران، مجموع زمان های تلف شده در سال به ۸۷۵ میلیون ساعت می‌رسد که ضایعه عظیمی است. اگر ارزش مادی یک ساعت را ۱۵۰ ریال در نظر بگیریم، زیان حاصل از این میزان در سال، ۱۳۱ میلیارد و ۲۵۰ میلیون ریال می‌شود که معادل ۷۵ درصد بودجه احداث دو خط مترو خواهد بود.

از منظر اجتماعی نیز تردد مردم با مترو موجب خلوت شدن خیابان‌های شهر شده، در نتیجه تردد خودروهای حامل ارزاق و کالا، خدمات و نیروهای امدادی با سهولت انجام می‌گیرد. به علاوه تونل‌های مترو در شرایط اضطراری و جنگی بهترین پناهگاه برای عموم مردم محسوب می‌شود.

به لحاظ زیست محیطی نیز چون نیروی محرکه مترو، انرژی الکتریکی و برق است، لذا راهاندازی آن تأثیر بسزایی در کاهش آلودگی هوا دارد. افزون بر این فضای بالای حفاری‌های مترو برای عبور وسایل تأسیسات شهری مناسب بوده و یا می‌توان از این فضا برای احداث زیرگذر شهری نیز استفاده کرد.<sup>۱</sup> بر این اساس احداث مترو به عنوان یک ضرورت مطرح بود و ما این پروژه را دنبال کردیم.

در سال‌های قبل از انقلاب شرکت فرانسوی «سوفرتو» مطالعات مربوط به پروژه مترو را انجام داده بود. بر اساس مطالعات انجام شده اجرای خط یک مترو از ایستگاه حقانی آغاز می‌شد اما وقوع انقلاب اسلامی، اجرای پروژه را همچون سایر پروژه‌ها، متوقف کرد. قرارداد سوفرتو (مشاور فرانسوی پروژه) را روشن و تسویه کرده و در آن اوضاع بحرانی پیمانکاران را تقویت کردیم تا کارهای اجرایی خط یک مترو دنبال شود. همزمان از مقامات ژاپن درخواست کردیم تا کارشناسانی را برای بررسی طرح فرانسوی مترو به ایران بفرستند که البته این کمک ژاپن بلاعوض بود و برای ما هزینه‌ای نداشت.

قبل از انقلاب برای وارد کردن ماشین‌آلات مخصوص جارو کشی و شست‌وشوی مکانیکی معابر و همچنین خرید دستگاه‌ها و تجهیزات حفاری تونل‌های مترو (TBM) از آمریکا اقداماتی شده بود و سفارش‌هایی وجود داشت. همچنین بابت خرید تجهیزات و لوازم یدکی اتوبوس‌های شرکت واحد از شرکت آلمانی «زیمنس» سفارش‌هایی موجود بود. این سفارش‌ها را پیگیری کردیم و کلیه ماشین‌آلات به ایران آمد و دستگاه حفاری مترو نیز به طور موقت در یکی از سالن‌های نمایشگاه بین‌المللی پیاده شد.

پس از پیروزی انقلاب، شورای انقلاب با تصویب لایحه قانونی احداث مترو توسط شهرداری تهران، دولت را موظف به پیگیری و اجرای این پروژه کرد.<sup>۲</sup> مطابق این لایحه قانونی، دولت موظف شد «شرکت راه‌آهن شهری تهران و حومه (مترو)» را تأسیس کند. طبق قانون این

۱. پیوست ۱۵

۲. پیوست ۱۶

شرکت شخصیت حقوقی و استقلال مالی داشت و براساس اصول بازرگانی و مقررات قانونی و اساسنامه مربوطه اداره می‌شد و مجاز بود از فضای زیرین اراضی در محدوده قانونی شهر بدون پرداخت هیچ‌گونه وجهی استفاده کند. به منظور ایجاد هماهنگی در امور اجرایی مترو، شورایی مرکب از شهردار تهران (یا قائم‌مقام شهردار)، معاون سازمان برنامه و بودجه، مدیرعامل سازمان آب تهران، مدیرعامل شرکت برق منطقه‌ای تهران، مدیرعامل شرکت گاز، مدیرعامل شرکت مخابرات و رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت راه‌آهن شهری (مترو) به ریاست شهردار پایتخت تشکیل شد. تشکیل جلسات شورا با پیشنهاد رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل مترو و دعوت شهردار تهران بود و ریاست شورای هماهنگی نیز با شهردار تهران بود.

از جمله وظایف و اختیارات «شرکت راه‌آهن شهری تهران و حومه»، انجام هر نوع مطالعات و عملیات ساختمانی ضروری؛ خرید وسایل و ماشین آلات مورد نیاز؛ خرید، اجاره و تملک زمین یا ساختمان؛ دریافت وام و اعتبار و انعقاد هرگونه قرارداد مورد نیاز بود. طبق اساسنامه سرمایه شرکت مبلغ ۱۰۰ میلیون ریال (شامل ۱۰۰۰ سهم ۱۰۰ هزار ریالی) بود که کلاً به دولت تعلق داشت.<sup>۱</sup> وزیر کشور، شهردار تهران، وزیر امور اقتصاد و دارایی، وزیر راه و ترابری، وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه، نمایندگی دولت را در مجمع عمومی شرکت برعهده داشتند. هرچند در متن ابتدایی اساسنامه لحاظ شده بود که شهردار تهران ریاست مجمع را برعهده دارد اما وزیر کشور ریاست مجمع را در اختیار داشت. اعضای هیأت مدیره و رئیس آن با تصویب مجمع عمومی از میان اشخاصی منصوب می‌شدند که شغل موظف دیگری نداشته باشند. رئیس هیأت مدیره همزمان به سمت مدیریت عامل نیز منصوب می‌شد.

مهندس عبدالحسین ابراهیمی پس از پذیرش مدیریت شرکت مترو و تقویت کادر فنی و مهندسی آن، ابتدا پروژه مطالعاتی سوفرتو را مورد بازمینی و ویرایش قرار دادند. از جمله اصلاحات صورت گرفته این بود که سوفرتو خط یک را تنها تا ایستگاه حقانی طراحی کرده

بود. در حالی که ایشان معتقد بود چطور ممکن است خط متروی تهران نتواند تا تجریش برود؟ به این ترتیب خط یک مترو اصلاح شد و تا تجریش طراحی گردید.

در دی ۱۳۵۸ در جلسه‌ای با حضور مهندس بازرگان، مهندس سحابی (اعضای شورای انقلاب)، مهندس عبدالحسین ابراهیمی (مدیر عامل مترو) و سایر مسئولان ذیربط مقرر شد که احداث خطوط شماره ۱ و ۲ مترو برای اتصال شمال به جنوب و شرق به غرب از سال ۱۳۵۹ آغاز شود. قرار بود در مدت ۴ سال بخش اعظم آن آماده بهره‌برداری شود. ظرفیت حمل و نقل در خطوط مترو در آن زمان بیش از ۳۰ هزار سفر در ساعت بود که با افزایش تعداد واگن‌ها انتظار می‌رفت روزانه تا ۴۰ هزار سفر را جابجا نماید.

مقرر شده بود پس از توسعه شرکت مترو، مطالعه سایر خطوط مترو هماهنگ با شبکه ارتباطی شهر تهران به تدریج انجام گیرد. همچنین بنا بود مهندسان ایرانی با نظارت و همکاری کارشناسان فرانسوی و ژاپنی ساخت مترو را انجام دهند. برای این منظور هماهنگی‌های لازم به عمل آمد تا ۴ مهندس ایرانی مترو ساز با تجربه از خارج کشور به ایران مراجعت کنند و به پروژه ملحق گردند و ضمن مدیریت احداث مترو، آموزش نیروهای داخلی را نیز عهده‌دار شوند.<sup>۱</sup>

در مطالعات ابتدایی برای تهران و حومه، هفت خط مترو در نظر گرفته شده بود که برای چهار خط ابتدایی تخمین زده می‌شد که به ۱۰۰۰ واگن نیاز باشد. بخشی از این واگن‌ها را باید از خارج کشور تهیه می‌کردیم ولی امکان ساخت باقی واگن‌ها و همین‌طور ریل‌ها به تدریج در کشور فراهم می‌شد.

شبکه ۴ خطی ابتدایی مترو در طرح اولیه ۷۵ کیلومتر طول داشت که طبق آن قطار شهری از زیرزمین محدوده مرکزی شهر عبور می‌کرد ولی در حومه شهر در سطح زمین با سرعت بالاتری حرکت می‌کرد. فاصله ایستگاه‌ها در طرح به طور متوسط ۸۷۰ متر بود.<sup>۲</sup>

۱. پیوست ۱۸

۲. پیوست ۱۹

برای تکمیل کامل دو خط اولیه مترو تقریباً ۶ سال زمان لازم بود اما تصمیم بر آن بود تا پس از رسیدن هر خط به ایستگاه امام خمینی، بهره‌برداری از آن خط آغاز شود لذا انتظار می‌رفت زمان لازم تا بهره‌برداری ابتدایی ۴ سال باشد.

بدیهی است که با شروع فعالیت هر بخش از خطوط مترو می‌بایست در مسیرهای اتوبوسرانی تجدید نظر می‌شد تا حمل و نقل مسافران به ایستگاه‌های مترو هماهنگ و تسهیل گردد. این امر به هیچ وجه به معنای جایگزینی اتوبوس با مترو نبود و باید این دو سیستم به طور مکمل با یکدیگر در کاهش حجم ترافیک فعالیت می‌کردند.<sup>۱</sup>

در برنامه کاری خود روی دو پروژه بطور منظم وقت می‌گذاشتم. یکی نظارت و پیگیری برنامه‌های مناطق جنوب تهران بود که هفته‌ای یک روز را به آن اختصاص می‌دادم. هفته‌ای یک بار هم در جلسات هیأت مدیره مترو شرکت می‌کردم.

### ۱-۳-۲) مخالفت برخی از وزیران با ایجاد مترو در تهران

همزمان با پیگیری و اجرای پروژه مترو در سال ۱۳۵۹، برخی از اعضای دولت شهید رجایی با تشکیل جلساتی تحت عنوان کمیسیون فنی هیئت وزیران متأسفانه نسبت به ادامه فعالیت‌های شرکت راه‌آهن شهری تهران و حومه (مترو) و اجرای کلیات طرح مترو در پایتخت مخالفت کردند. مهندس موسی کلاتری، دکتر حسن عباسپور (تهرانی فرد)، دکتر محمود قندی، دکتر محمدعلی فیاض‌بخش و مهندس شهاب گنابادی از اعضای کمیسیون فنی دولت بودند.

در آذر ۱۳۵۹ به شهید رجایی پیشنهاد کردم اجازه بدهند در این مورد ما به کمیسیون کارشناسی دولت گزارشی ارائه دهیم و پس از آن هر نظری که اعضای کمیسیون مزبور داشتند، آن را قبول کرده و می‌پذیریم. پس از آن‌که شهید رجایی پیشنهاد مرا پذیرفت، من و مهندس عبدالحسین ابراهیمی ضمن حضور در جلسه و ارائه گزارش مکتوب نشان دادیم



که براساس ضوابط فنی مورد قبول در سطح جهانی، احداث شبکه ریلی درون شهری برای حمل و نقل روزانه در شهرهای بزرگ و پرجمعیتی مانند تهران، کاملاً ضروری است.<sup>۱</sup> البته چون جنگ تحمیلی آغاز شده بود و دولت توانایی تخصیص بودجه برای این امور را نداشت، تأکید کردیم که از دولت انتظار نداریم برای این کار، اعتباری اختصاص دهد و از محل اعتبارات شهرداری تهران کلیه هزینه‌های این کار را تأمین خواهیم کرد.

صبح روز بعد آقای رجایی با شماره سیاسی من تماس گرفت و گفت: شما با توضیحات خود، دوستان ما را مسحور کردید و همه قانع شدند. این نکته خیلی جالب بود که در آن جلسه، همه اعضای کمیسیون با صداقت نظرات خودشان را بیان کرده بودند و پس از تماس مرحوم رجایی، ما گمان می‌کردیم با توضیحاتی که داده بودیم مشکل حل شده است. ولی متأسفانه مجدداً برخی از وزرای وقت دولت با ادامه اجرای پروژه متروی تهران مخالفت کردند. ظاهراً استدلالشان این بود که در وضعیتی که مردم مناطق محروم کشور (مثل سیستان و بلوچستان) فقیر هستند، نیازی نیست که ما در تهران مترو داشته باشیم! در نهایت این پروژه با کارشکنی‌های مکرر متوقف شد. با این وصف در همان مدت کوتاه، عملیات حفاری از ایستگاه شهید حقانی تا ایستگاه عباس‌آباد (شهید بهشتی) انجام گرفت.

در واقع مشکل اصلی دولت شهید رجایی، سیاسی بود و برخی از همکاران ایشان با سابقه سیاسی شخص من مشکل داشتند و در آن روزها بر نمی‌تاییدند که یک عضو نهضت آزادی ایران در سمت شهردار تهران باشد!! سال‌ها بعد برخی از نزدیکان آن روز دولت آقای رجایی در مصاحبه مطبوعاتی و در پاسخ به این پرسش که چرا دوستان شما در سال‌های اول انقلاب با مهندس توسلی در شهرداری تهران مخالفت می‌کردند؟ همین مطلب را اظهار کردند.

به هر حال اجرای این طرح در آن زمان برای شهر تهران کاملاً ضروری بود، به‌ویژه که آن موقع می‌توانستیم طرح را با دلار ۷۰ ریال اجرا کنیم، اما به دلیل برخی ملاحظات سیاسی و

گروهی، اجرای طرح در اواخر سال ۱۳۵۹ متوقف گردید و این نیاز مبرم و اساسی شهر تهران به تقویت حمل و نقل عمومی شهروندان بی‌پاسخ و معوق ماند. چندی بعد متأسفانه کلیه اعضای کمیسیون کارشناسی (جز یک نفر) در حادثه انفجار بمب در ساختمان حزب جمهوری اسلامی در هفتم تیر ۱۳۶۰ شهید شدند. تا این‌که در سال ۱۳۶۵ آقای هاشمی رفسنجانی به عنوان رئیس وقت مجلس شورای اسلامی مجدداً موضوع را در یکی از خطبه‌های نماز جمعه پیگیری کرد. ایشان در آن خطبه برای توجیه مخاطبان و سایر مسئولان به ضرورت ساخت مترو، ضمن استفاده از اطلاعات طرح‌های شهرداری در دولت موقت، بدون آن‌که به اقدامات ما در دو سال ابتدای انقلاب اشاره‌ای کند، نسبت به این نظر که عده‌ای احداث مترو را اقدامی لوکس می‌دانند به شدت حمله کرد و بیان چنین اظهاراتی را غیر مسئولانه خواند و اجرای این طرح را از ضروریات زندگی شهری دانست و در پاسخ به سخن منتقدان گفت که البته مردم سیستان و بلوچستان و محرومان نباید هزینه ساخت متروی تهران را بدهند اما ساخته نشدن مترو برای تهران یک ظلم است. وی در ادامه اظهارات خود در آن خطبه ابراز داشت در دوره‌ای که دولت موقت تصدی کارها را به‌عهده داشت، در پی اعتراض‌های نیروهای چپ، پروژه ساخت مترو تعطیل شد. در حالی که اعضای دولت موقت و شهرداری در آن زمان، تمام اهتمام خود را برای اجرا و تکمیل مترو تهران به کار بستند اما برخی وزرای انقلابی با نگاه سیاسی در دولت شهید رجایی از ساخت آن جلوگیری کردند. هرچند روایت ایشان از اقدامات انجام گرفته در زمان دولت موقت و دوره‌ای که من در شهرداری تهران بودم ناقص بود اما به هر حال مجموع صحبت‌های ایشان در جهت رد نظر مخالفان احداث مترو در تهران و لزوم ادامه کارها بود.<sup>۱</sup>

۱. بنگرید به متن کامل اظهارات ایشان در روزنامه جمهوری اسلامی مورخ هفتم اسفند ۱۳۷۸

### ۳) اصلاح و توسعه حمل و نقل عمومی

صرف نظر از احداث مترو به عنوان اقدامی زیربنایی و راهبردی، سایر اصلاحات و توسعه مربوط به شبکه حمل و نقل عمومی سه بخش عمده را شامل می‌شد: اصلاح شرکت واحد و توسعه اتوبوسرانی؛ ایجاد پایانه‌های مسافری و توسعه آنها؛ اصلاح سازمان تاکسیرانی.

#### ۳-۱) اصلاح شرکت واحد و توسعه اتوبوسرانی

در آستانه پیروزی انقلاب، وضع شرکت واحد از هر نظر نامناسب بود. با در نظر گرفتن رشد فزاینده جمعیت تهران در سال‌های دهه ۱۳۵۰، تعداد اتوبوس‌های درون شهری با این جمعیت تناسبی نداشت. از سویی غالب اتوبوس‌های شرکت واحد فرسوده و بسیار کثیف بودند و از سوی دیگر جمعیتی که برای تردد درون شهری از اتوبوس استفاده می‌کردند، بابت فشردگی بسیار زیاد زن و مرد در داخل اتوبوس، ناراضی بودند. مجموع این مسائل موجبات نارضایتی بسیاری از مردم و بی‌ رغبتی آنان برای استفاده از اتوبوس را فراهم آورده بود. افزون بر این سرگردانی در شناسایی خطوط اتوبوسرانی، دشواری برای تهیه بلیت با توجه به پراکندگی نامناسب گیشه‌ها، خطوط اتوبوسرانی گسسته و نامناسب و زمان‌بندی نامعین و غیردقیق حرکت اتوبوس‌ها مشکلات بسیاری برای مردم ایجاد کرده بود و یک سری اصلاحات اساسی را می‌طلبد.

توسعه و تقویت فعالیت شرکت واحد از ابتدا در دستور کار شهرداری بود. برای این منظور و در گام نخست به خدمت تیمسار رزم‌آرا (مدیر عامل وقت شرکت واحد) پایان داده و مهندس رضا بوشهری را به جای او منصوب کردم. همچنین آقایان عبدالرحیم غروی، مهندس اردبان هوشی و مهندس علیرضا هندی نیز به سمت اعضای هیأت مدیره منصوب شدند و پس از دو ماه در پی استعفای آقای مهندس بوشهری، آقای مهندس هندی به سمت مدیر عامل شرکت واحد منصوب گردید.

در آن زمان از ۱۶۰۰ اتوبوس عملیاتی شرکت واحد نزدیک به ۴۰۰ دستگاه نیازمند تعمیر روزانه بودند. این تعداد اتوبوس در ۱۶۰ خط اتوبوسرانی به‌طور ناعادلانه‌ای در مناطق شهری توزیع شده و تردد می‌کردند.

در روزها و ماه‌های اولیه بعد از پیروزی انقلاب و در پی اظهار نظرهای نسنجیده برخی مسئولان و دامن زدن رسانه‌ها به آنها، سیل مهاجران از شهرستان‌ها به تهران سرازیر شد. این معضل نیز از دیگر عوامل افزایش مشکل ترافیک شهر تهران بود و در این اوضاع راه حل معضل ترافیک به هیچ وجه صرفاً توسعه راه‌ها و شبکه ارتباطی نبود. بلکه همان‌طور که قبلاً توضیح داده شد راه حل اساسی را در توسعه حمل و نقل عمومی از جمله اتوبوسرانی و جلب همکاری مردم در استفاده از آن می‌دانستیم.

از جمله طرح‌های پیشنهادی، استفاده رایگان از اتوبوس شهری بود که ابتدا مورد توجه شهرداری نیز قرار گرفت اما در عمل اتفاق نیفتاد. اجرای طرح اتوبوس رایگان برای آن بود تا بستری فراهم شود که در آن بتوان تردد خودروها را کنترل کرده و بر پارکینگ‌ها و توقف‌گاه‌ها نیز نظارت نمود و با تخصیص مالیات بر خودرو، بنزین و مسافت طی شده و دریافت هزینه از پارکینگ‌های عمومی و همچنین کنترل ورود و خروج و ایجاد محدودیت‌های ترافیکی، تردد خودروهای شخصی را تعدیل نمود. پس از اجرای این موارد باید سامانه اتوبوسرانی بهبود می‌یافت. کارآمد کردن و اصلاح ناوگان اتوبوسرانی و حمل و نقل عمومی و همچنین مدیریت و کنترل ترافیک، مستلزم چند اقدام اساسی بود:

۱. افزایش تعداد اتوبوس‌های شرکت واحد متناسب با جمعیت تهران با هدف بیشتر شدن سرعت حرکت آنها و بهره‌مندی کلیه نواحی تهران از شبکه خطوط اتوبوسرانی
۲. زمان‌بندی و تنظیم ساعت دقیق ورود و خروج اتوبوس‌ها در هر ایستگاه تا مسافران بتوانند با برنامه‌ریزی، در مدت زمان کمتری به کارهای خود برسند.
۳. استخدام و به‌کارگیری رانندگان جدید
۴. تعمیر و راه‌اندازی اتوبوس‌های از کارافتاده و قابل تعمیر
۵. آموزش عمومی و تشویق مردم به استفاده از سرویس‌های عمومی و آشنا کردن آنان با عوامل ایجادکننده ترافیک.
۶. ایجاد خطوط ویژه برای تردد اتوبوس در خیابان‌های اصلی شهر

برای تحقق منظوره‌های فوق و فعال سازی ناوگان اتوبوسرانی پس از بررسی‌های لازم، به این نتیجه رسیدیم که نسبت به خرید ۳۰۰۰ دستگاه اتوبوس جدید و استخدام نزدیک به ۶۰۰ راننده اقدام شود. در مدت پنج ماه جلسات متوالی، بالاخره قرار شد ۲۵۰۰ دستگاه اتوبوس به ناوگان اتوبوسرانی اضافه شود. همچنین به منظور جلوگیری از روند از کارافتادگی اتوبوس‌های فعال، قرار شد هرچه زودتر نسبت به تهیه لوازم یدکی و قطعات از کارافتاده اتوبوس‌ها اقدام شود. در آن زمان مثلاً با شرکت بنز آلمان قرارداد خرید داشتیم و کوشیدیم مقداری از قراردادها را عملی کنیم. پس از مدتی تمامی قراردادهای متعددی که برای خرید اتوبوس، قطعات یدکی و ... داشتیم را با رضایت طرفین و در جهت تأمین منافع ملی تسویه کردیم.

به‌منظور اطلاع‌رسانی عمومی از مسیرهای اتوبوسرانی، لازم بود در روزنامه‌های کثیرالانتشار نسبت به انتشار و توزیع نقشه مسیرها و نیز نصب آن‌ها در داخل اتوبوس‌ها اقدام شود. اصلاح تابلوهای راهنما، درج شماره خطوط و درج نام مبدأ و مقصد اتوبوس‌ها از مصوبات دیگر شورا بود.

چون تعداد اتوبوس‌ها با طرح توسعه متناسب نبود، از اتوبوس‌های در اختیار دولت نیز استفاده کردیم که با استقبال دولت مواجه شد و دستگاه‌های دولتی ملزم شدند اتوبوس‌هایی را که به منظور سرویس کارکنان خود در اختیار داشتند، در اختیار طرح بگذارند و کلیه کارکنان دولت نیز با سیستم حمل و نقل عمومی جا بجا شوند. ابتدا برخی ادارات مانند ارتش مقاومت اندکی نشان دادند. اما پس از اعلام درخواست شهرداری از رئیس‌جمهور وقت (آقای بنی‌صدر) نهایتاً نامه‌ای نوشتند و ارتشی‌ها هم اتوبوس‌هایشان را در اختیار این طرح گذاشتند.<sup>۱</sup> شهید دکتر مصطفی چمران در آن زمان وزیر دفاع بود. به علاوه مشغول مذاکره با ارتش بودیم تا محیط برخی پادگان‌های ارتش را به عنوان پارکینگ وسائط حمل و نقل عمومی در اختیار بگیریم.

به‌رغم همکاری گسترده مردم، تغییرات با کندی صورت می‌گرفت و مردم همچنان ناراضی بودند. روند افزایش اتوبوس‌ها به کندی صورت می‌گرفت و طرح را با مشکل مواجه

ساخته بود. تعبیه صندوق پول در داخل اتوبوس‌ها، در کوتاه مدت نتیجه مورد نظر را نداشت و باید نسبت به استقرار بیشتر گیشه‌های بلیت فروشی اقدام می‌شد و بلیت‌های نیم‌بها و یک‌سوم بها در اختیار برخی گروه‌های اجتماعی مانند کارمندان قرار می‌گرفت. بسیاری از نقاط پر تراکم شهر فاقد ترمینال بودند و باید برای این کمبودها به سرعت چاره‌ای اندیشیده می‌شد. فقدان تعمیرگاه‌های سیار و لزوم جابجایی اتوبوس به تعمیرگاه‌های ثابت روند تعمیرات را بسیار کند ساخته بود و نهایتاً آموزش کارکنان شرکت واحد مسیر مطلوبی را طی نمی‌کرد و نیز برای رسیدگی به کاستی‌های موجود، تعداد بازرسان کافی نبود. نبود تسهیلات و امکاناتی مانند سرویس بهداشتی و مکان استراحت از کارایی کارکنان نیز می‌کاست. همه این عوامل سبب شده بود تا هنوز اعتماد کافی به شرکت واحد به‌وجود نیاید.

با گذشت زمان هنوز از جدی‌ترین مشکلات پیش رو کمبود تعداد اتوبوس بود. همان‌طور که ذکر شد شرکت واحد اتوبوسرانی بنا داشت با تأمین قطعات مورد نیاز اتوبوس‌های از کارافتاده و فعال‌سازی تقریباً ۵۰۰ دستگاه تا اندازه‌ای این کسری را جبران کند. از طرفی شهرداری و شرکت واحد قرارداد شش ماهه خرید ۱۸۵ اتوبوس دو طبقه و قرارداد سه ماهه خرید ۱۲۰ اتوبوس مونتاژ ایران ناسیونال را منعقد کرده بودند تا نسبت به رفع هرچه سریع‌تر نیازهای پایتخت اقدام شود. با این حال علاوه بر اتوبوس‌هایی که از سوی نهادهای دولتی و نظامی در اختیار شرکت واحد قرار گرفته بود، لازم بود از بخش خصوصی نیز اتوبوس کرایه شود. به علاوه برای کاهش بار مالی مدیریت اتوبوسرانی، مقتضی بود مسئولیت خطوط حومه به داوطلبان بخش خصوصی واگذار گردد.

برای تسریع در جابجایی مسافران، مطالعات بسیاری بر روی طرح خطوط ویژه اتوبوس صورت گرفت. به موجب طرح ابتدایی برآورد شده بود ۷۲ کیلومتر از خطوط اصلی شبکه اتوبوسرانی به صورت مسیر خط ویژه باشد و پیش‌بینی می‌شد ۷ تا ۱۰ درصد سفرهای روزانه به این شکل انجام گیرد. در طرح تکمیلی مقرر شد خط ویژه اتوبوسرانی گسترش یافته و ۲۰۰ کیلومتر دیگر از سایر مسیرهای لازم را در برگیرد تا به این ترتیب ۱۵ تا ۲۰ درصد دیگر از سفرهای روزانه به این صورت اختصاص یابد. مسیر ویژه توسط بلوک‌های بتونی از مسیر

اصلی جدا شده و علائم و خط‌کشی‌های مخصوص به خود را می‌داشت. به منظور سهولت در توقف اتوبوس‌ها و سوار و پیاده شدن مسافران، مطلوب بود ایستگاه‌های خط ویژه به پیاده‌رو منتقل شوند. خطوط ویژه به کنترل اتوماتیک و هماهنگ چراغ‌های راهنمایی نیازمند بود و طبق قراردادی انتظار می‌رفت طی سه سال ۵۰۰ تقاطع به سامانه تنظیم اتوماتیک مجهز شوند.

در پایان دوره تصدی من در شهرداری، تعداد اتوبوس‌های فعال شرکت واحد به مرز ۳۰۰۰ دستگاه رسید که متأسفانه با وقوع جنگ تحمیلی، روند سرعت تأمین دستگاه‌ها و قطعات یدکی کاهش یافت و بعضاً تعمیر اتوبوس‌ها نیز با مشکل مواجه شد. در مجموع با افزودن ۴۰۰ کیلومتر به خطوط اتوبوسرانی، ۴۰ خط جدید به خطوط پیشین ضمیمه شد. آمار متوسط سفرهای روزانه با اتوبوس به یک میلیون و ۸۰۰ هزار سفر رسید و تعداد اتوبوس‌ها به میزان قابل توجهی افزایش پیدا کرد. توقفگاه‌های جدیدی نیز در مناطق عشرت‌آباد، چهارراه مصدق (ولی عصر بعدی) و پادگان عباس‌آباد احداث شد. مقرر شد برای دانش‌آموزان و دانشجویان کارت‌های ایاب و ذهاب نیم‌بها تدارک شود و به تدریج برای کلیه شهروندان کارت مشابه تهیه و استفاده از بلیت کاغذی، منسوخ گردد.

احداث کارخانه برای نوسازی موتور و بدنه اتوبوس‌های اسقاطی همراه با احداث منطقه جدید اتوبوسرانی و ایجاد جایگاه‌های جدید سوخت‌گیری و احداث ۶۰ واحد سرویس بهداشتی برای استفاده کارکنان و مردم از سایر اقدامات انجام شده بود. به علاوه به منظور برطرف شدن کاستی‌ها، تعمیرگاه اتوبوس‌های ماگيروس از شرکت ماگيروس دویچه آلمان خریداری شد.

تدوین برنامه‌های آموزشی، برگزاری جلسات اجتماعی و فرهنگی، جایگزینی افراد کاردان و متخصص و همچنین توسعه و تکمیل فروشگاه تعاونی کارکنان و تأمین قطعات یدکی مورد نیاز از دیگر اقدامات شهرداری بود. افزون بر این تکمیل ۴۰۰ واحد مسکونی سازمانی کارگری و واگذاری بیش از ۲۰۰ قطعه زمین ۱۶۰ متری به کارگران نیز در این دوره صورت گرفت.

از دیگر اقدامات مهم شرکت واحد در دو سال ابتدای انقلاب می‌توان به موارد زیر

اشاره کرد:

- ایجاد ۲۰ شبکه حلقه‌ای مینی‌بوسرانی در معابری که تردد اتوبوس ممکن نبود
- تهیه و جمع‌آوری اطلاعات و کروکی مناطق
- پرداخت حقوق کارکنان شرکت واحد از طریق شبکه بانکی
- اعزام رانندگان، متخصصان و کارگران فنی به جبهه‌ها
- ساخت و تولید قطعاتی که امکان تولید آنها در داخل فراهم بود
- ایجاد دفاتر تعمیراتی با کارکنان مجرب

### ۲-۳) ایجاد پایانه‌های مسافری و توسعه آنها

ساخت ترمینال مسافری در جنوب تهران پیش از انقلاب آغاز شد و در شهریور ۱۳۵۷ تقریباً بخش اصلی آن آماده بهره برداری بود اما به دلایلی افتتاح آن متوقف شده بود. فقدان انبار جهت نگهداری بار مسافران، نبود نمازخانه، کمبود تاکسی برای حمل مسافر به ترمینال و آماده نشدن مسافرخانه در داخل ترمینال، هدف از ایجاد این ترمینال انتقال مؤسسات مسافری داخل شهر (که عمدتاً در خیابان ناصر خسرو واقع شده بودند) به خارج از مرکز شهر بود. علاوه بر کاستی‌های مورد نظر شهرداری، صاحبان شرکت‌های مسافری نیز با تأکید بر ایرادات یاد شد، حاضر نمی‌شدند کارهای خود را به ترمینال منتقل کنند. آنان چند نقیصه دیگر از جمله فقدان رستوران در داخل ترمینال، افتتاح نشدن هم‌زمان ترمینال‌های شرق و غرب با ترمینال جنوب، ساخته نشدن نوار برقی برای حمل اثاثیه مسافران و ساخته نشدن خط کمربندی تردد به شرق و غرب از ترمینال جنوب را عنوان می‌کردند.

پس از انقلاب، شرکت‌های مسافری هم چنان نسبت به انتقال مؤسسات خود به خارج از شهر نگران بودند و استقرار پایانه در خارج از شهر را موجب افزایش هزینه مسافران و نهایتاً متضرر شدن خود می‌پنداشتند. جالب آن که ناتمام ماندن کارهای ترمینال جنوب و تأسیس نشدن ترمینال‌های شرق و غرب از موارد اتهامی نیک پی (شهردار پیشین) در دادگاه انقلاب بود! به علاوه از دید مؤسسات مسافری، محدوده ترمینال جنوب



پرتراфик بود و کار آنان را با اخلاص مواجه می‌ساخت. آنان در نظر داشتند با هزینه خود در مکان مناسب‌تری نسبت به ساخت ترمینال اقدام کنند.

از سوی دیگر سندیکای اتوبوس‌داران و مینی‌بوس‌داران، امتناع گاراژدارهای مسافربری از انتقال به ترمینال را ناشی از خوی چپاولگری آنان دانسته و ضمن یادآوری خدمات خود، خواستار واگذاری ترمینال جنوب به خودشان بودند.

به هر روی چون بهبود وضع ترفیک تهران، مستلزم خارج کردن مؤسسات مسافری از داخل شهر بود، مقرر گردید در ۲۹ مرداد ۱۳۵۸ روند انتقال این مؤسسات به ترمینال جنوب عملی گردد.<sup>۱</sup> در این میان برخی از این مؤسسات، آقای صادق خلخالی را واسطه اعتراضات خود قرار داده بودند تا انتقال شرکتها به ترمینال را به تأخیر اندازند. ایشان نیز با ارسال نامه‌ای درخواست‌های این افراد را به من اعلام نمود و خواستار این شد که حقی از کسی تضييع نشود و حقوق صنفی افراد رعایت گردد.<sup>۲</sup>

پس از دریافت نامه، با توجه به این نکته که طرح انتقال شرکت‌های مسافری از ناصر خسرو به ترمینال جنوب تهران با مسئولیت شغلی آقای خلخالی ارتباط نداشت، کنجکاو شدم بدانم پشت پرده چه مسأله یا مسائلی نهفته است. با بررسی بیشتر مشخص و محرز گردید آن دسته از مالکین اتوبوس‌ها و گاراژدارها که در ازای انتقال مسافر از رانندگان پورسانت می‌گرفتند، با انتقال به ترمینال مخالفت کرده و حالا به منظور جلوگیری از این کار اصولی شهرداری به ایشان متوسل شده بودند.

برخی دیگر نیز با نامه نگاری به وزارت کشور قصد داشتند موضوع انتقال شرکت‌های مسافری به ترمینال جنوب معلق شود.<sup>۳</sup> صنف مسافربران هم با نامه نگاری‌های متعدد به شخص من بر لزوم افتتاح هرچه سریع‌تر ترمینال‌های شرق و غرب برای افزایش کارآمدی

۱. پیوست ۲۱

۲. پیوست ۲۲

۳. پیوست ۲۳

سیستم مسافربری تأکید داشت.<sup>۱</sup> از تاریخ ابلاغ شهرداری، کلیه مؤسسات و گاراژهای مسافری تنها یک ماه برای انتقال به ترمینال جنوب فرصت داشتند. در مقابل شهرداری تهران نیز موظف بود تا ۱۵ مهر ۱۳۵۸ نسبت به انتخاب اراضی مناسب برای احداث ترمینال‌های شرق و غرب اقدام کند.

در نهایت تصمیم گرفته شد مالکان اتوبوس‌ها، مؤسسات و شرکت‌های حمل و نقل مسافری، ۴۰ نماینده از میان خود انتخاب کرده و همراه با نماینده شهرداری، هیأت مدیره ترمینال تهران را تشکیل داده و روند انتقال به ترمینال را مدیریت کنند. سپس نمایندگان اتوبوس‌داران، مؤسسات، اتحادیه‌ها و سندیکاها ۵ نفر را به عنوان شورای اداره کننده امور مسافری انتخاب کنند تا ضمن نظارت شهرداری، امور مربوط به حمل و نقل مسافری مدیریت شود. برنامه‌ریزی مربوط به حرکت اتوبوس‌ها و استقرار آن‌ها با نظر شورای منتخبین و شهرداری تهران تدوین می‌شد.

مطابق قانون، ۱۵ درصد از دریافتی مؤسسات باید به حساب ترمینال واریز می‌شد که ۱۰ درصد از این مبلغ، به دستمزد کارگران و کارمندان ترمینال اختصاص داشت. مقرر شد تا یک سوم از ۱۵ درصد عوارض دریافتی به حساب شهرداری و مابقی آن برای اداره امور ترمینال اختصاص یابد که پس از شش ماه این نسبت به نفع شهرداری تغییر می‌کرد.

هرچند اعتراضات صنفی شرکت‌های مسافربری تا مدتی پس از انتقال آنها به ترمینال جنوب نیز ادامه یافت اما نامه‌نگاری‌های آنان به نهادهای مختلف کشور، حتی شخص آیت‌الله خمینی حاکی از تلاش آنان برای بهبود اوضاع خود بود.<sup>۲</sup> به عنوان نمونه آنان با ارسال نامه‌ای به مهندس بازرگان، ضمن برشمردن مشکلات ناشی از کمبود وسائط نقلیه عمومی برای انتقال مسافران به ترمینال جنوب و از ترمینال به مقصد اصلی، عنوان کردند ابتدا تنها شرکت‌هایی که برنامه سفرشان به مقصد شهرهای جنوبی کشور است به ترمینال انتقال یابند و شرکت‌های

۱. پیوست ۲۴

۲. پیوست ۲۵

دیگر ۶ ماه بعد؛ یعنی زمانی که ساخت و احداث ترمینال‌های شرق و غرب تهران تکمیل گردید، منتقل شوند. در حالی که برای ما معلوم بود یکی از دلایل اصلی اعتراض آنان، نارضایتی از ۵ درصد دریافتی شهرداری بابت عوارض ترمینال بود. شرکت‌های مسافری مدعی بودند ارزش سرفعلی گاراژهای سابق آنان افت کرده و از این بابت، بسیار متضرر شده‌اند و پرداخت ۵ درصد عوارض به شهرداری را منصفانه نمی‌دانستند.

به هر حال چون برای بسیاری از گاراژداران انتقال به ترمینال جنوب به صرفه نبود، نهایتاً شهرداری موافقت نمود موقتاً تنها آن دسته از گاراژهایی که مسافران خود را به جنوب تهران حمل می‌کنند به ترمینال منتقل شوند؛ مشروط به این که به منظور کاهش حجم ترافیک، کلیه گاراژهای واقع در محدوده مرکزی به ترمینال انتقال یابند. به علاوه با توجه به این که انتخاب زمین برای دو ترمینال دیگر به تأخیر افتاده بود، قول مساعد داده شد تا شهرداری در اسرع وقت به این مهم بپردازد و احداث ترمینال‌ها نیز به اتحادیه گاراژداران واگذار گردد.

گاراژداران مکرر درخواست خود را برای خرید ترمینال جنوب از شهرداری اعلام می‌کردند<sup>۱</sup> و برای این منظور شرکتی با عنوان «شرکت ملی مسافربری ایران» نیز تأسیس کردند. شهرداری نیز بررسی امکان فروش و شرایط آن را به سه تن از کارشناسان رسمی وزارت دادگستری واگذار نمود. به علاوه با حضور اعضای شرکت یاد شده، جلسات متعددی نیز برگزار شد. در نهایت موافقت شد شرکت مذکور پیشنهاد خرید خود را به شهرداری ارسال کند تا مورد بررسی قرار گیرد. با آن‌که شهرداری با درخواست خرید موافقت کرد، گاراژداران ساختمان ترمینال را غیرقابل استفاده دانسته و در این کار اهمال نمودند. با این وصف شهرداری در ۲۷ بهمن مهلتی ده روزه تعیین کرد تا آنان پیشنهاد خرید خود را اعلام کنند<sup>۲</sup> اما آنان اقدامی نکردند.

---

۱. پیوست ۲۶

۲. پیوست ۲۷

آقای بنی‌صدر در جایگاه رئیس‌جمهور و رئیس شورای انقلاب، لایحه قانونی احداث ترمینال‌های مسافری و ممنوعیت تردد خودروهای مسافربری بین شهری را در ۲ اردیبهشت ۱۳۵۹ ابلاغ نمود و شهرداری تهران را موظف کرد علاوه بر احداث دو ترمینال در شرق و غرب شهر، ترمینالی هم در شمال تهران احداث کند و اولویت واگذاری غرفه‌های ترمینال را به شرکت‌های تعاونی اختصاص داد.<sup>۱</sup> به علاوه طبق قانون ابلاغ شده، مالکیت شهرداری تهران بر ترمینال به رسمیت شناخته شد و مسئولیت تدوین آیین‌نامه و ارائه خدمات به این نهاد تفویض گردید. اولویت یافتن شرکت‌های تعاونی، شهرداری را بر آن داشت تا شرکت‌های مسافری و رانندگان را به تشکیل تعاونی موظف نماید و حق استفاده از ترمینال را به تشکیل تعاونی‌ها مشروط کند.

آقای صادق خلخالی باز هم تحت تأثیر برخی شرکت‌های مسافربری که شروط انتقال به ترمینال را نپذیرفته بودند، در این امر مداخله می‌کرد. او تقریباً یک سال پس از نگارش نامه اول خود در موضوع انتقال به ترمینال، اکنون که سرپرست دادگاه مبارزه با مواد مخدر شده بود، دوباره از زاویه ای دیگر، انتقال شرکت‌های مسافری از ناصرخسرو به ترمینال خزانه را به موضوع مبارزه با مواد مخدر پیوند داد و اظهار داشت چون در گاراژهای درون شهری به طور گسترده‌ای به انتقال و توزیع مواد مخدر مبادرت می‌شود، لذا نسبت به انتقال آنان به خارج شهر باید هرچه سریع‌تر اقدام کرد؛ به عبارت دیگر او این بار شرکت‌های مسافربری را به مصادره اموال تهدید کرد و تلاش نمود مدیریت انتقال شرکت‌ها به ترمینال خزانه را به دست بگیرد. او در گفت‌وگو با خبرنگاری پارس اعلام کرد که به بنگاه‌های مسافربری اخطار می‌دهد اگر بخواهند اغتشاش و بلوا ایجاد کنند و هرئین‌فروش‌ها را به عنوان مسافر به تظاهرات وادارند، مدیران مسئول را دستگیر و بنگاه و وسائط نقلیه آن‌ها را به نفع معتادان مصادره خواهد کرد.<sup>۲</sup>

۱. پیوست ۲۸

۲. پیوست ۲۹

من در واکنش به این اظهارات، طی مصاحبه‌ای ضمن تأکید بر اهمیت مبارزه با توزیع مواد مخدر، صریحاً از دخالت‌های او در امور شهری انتقاد کرده و اعلام نمودم موضوع مبارزه با توزیع و مصرف مواد مخدر از بحث انتقال شرکت‌های مسافربری به ترمینال کاملاً جداست و برخورد با هرکدام سیاست خاص خود را می‌طلبد و نمی‌توان سیاست‌های مربوط به دو موضوع را با هم خلط نمود.<sup>۱</sup> اما اختلافات در این زمینه با آقای خلیلی برطرف نشد و ایشان در مصاحبه‌ای به شدت به من و شهرداری تهران حمله کرد و گفت «آقای شهردار هنوز عمق انقلاب اسلامی ما را درک نکرده است!!»<sup>۲</sup>

در نهایت در جوار میدان آزادی، زمینی برای ترمینال غرب و زمین دیگری در نزدیکی میدان آرژانتین برای ترمینال شمال شهر انتخاب شد. به علاوه بعد از افتتاح ترمینال جنوب، اکثر شرکت‌های مسافربری به آن‌جا منتقل شدند. در سال‌های بعد نیز طرح احداث ترمینال غرب اجرا شد و مورد بهره‌برداری قرار گرفت. در سال‌های اخیر هم ترمینال شرق به بهره‌برداری رسید و از ترمینال شمال هنوز به طور موقت بهره‌برداری می‌شود.

### ۳-۳ اصلاحات در سازمان تاکسیرانی

شورای انقلاب به منظور هماهنگی در سیستم حمل و نقل عمومی در تاریخ ۲۸ خرداد ۱۳۵۹ امور مربوط به تاکسیرانی شهر تهران را تحت نظر شهرداری قرار داد و چگونگی مدیریت این نهاد به شهرداری زیر نظر شورای شهر یا وزارت کشور واگذار شد.

در شهریور ۱۳۵۸ پیش‌نویس آئین‌نامه منع خرید و فروش آزاد تاکسی توسط هیأت بررسی مسائل تاکسیرانی تدوین و به شهرداری ارسال شد. این ممنوعیت برای مهار افزایش بی‌رویه قیمت تاکسی و جلوگیری از ورود افراد غیرحرفه‌ای و ناصالح به پیشه تاکسیرانی اعمال می‌شد. لذا مقرر شد کلیه امور مربوط به معامله خودروهای تاکسی تنها

۱. پیوست ۳۰

۳. پیوست ۳۱

در شرکت تعاونی تاکسی‌داران انجام گیرد. به علاوه طبق این آیین‌نامه شرایط تصدی شغل رانندگی تاکسی مشخص و تنها افرادی واجد شرایط شناخته شدند که جز پیشه رانندگی به شغل دیگری اشتغال نداشته و از هیچ صندوقی حقوق بازنشستگی دریافت نکنند. البته در آبان همان سال تصویب شد کسانی که تأمین مخارج زن و فرزند و یا پدر و مادرشان را به عهده دارند می‌توانند به طور موقت به نقل و انتقال مسافر مشغول باشند به شرطی که شغل دیگری نداشته باشند؛ مالک خودرو باشند و دو سال هم سابقه رانندگی داشته باشند. این اشتغال موقت بود و حقوق صنفی برای راننده ایجاد نمی‌کرد.

از آن‌جا که انتخابات هیأت مدیره شرکت تعاونی تاکسیرانی نتایج مطلوبی نداشت، لذا کمیته صنفی رأساً به انتصاب دو نفر به عنوان رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل و تعیین شش راننده اقدام نمود. متأسفانه نهادهای بسیاری مانند نخست‌وزیری، وزارت بازرگانی، پلیس، کمیته تبلیغات و... از پیش بر تاکسیرانی نظارت می‌کردند و انتصاب هیأت مدیره از سوی کمیته صنفی این نهاد را هم به خیل ناظران افزود و همین تعدد ناظران از کارآمدی سامانه تاکسیرانی می‌کاست. چندی بعد نیز که شهرداری هم به جمع این ناظران افزوده شد، کار را بیش از پیش با مشکل مواجه کرد. مقامات انتصابی نیز به تدریج نسبت به وظایف خود بی‌تفاوت شده و حقوق‌های بالاتری می‌خواستند و بعضاً از تسهیلات صندوق رفاهی نیز به نفع خود استفاده کردند. همه این امور نارضایتی گسترده تاکسی‌داران را موجب شده بود. در مجموع دخالت نهادهای مختلف به عدم حضور مدیرعامل در جلسات می‌انجامید و همین غیبت بسیاری از امور تاکسیرانی را با مشکل مواجه ساخته و معطل می‌گذاشت.

در این شرایط، شهرداری تصمیم گرفت تا حداکثر برای ۶ هزار متقاضی، مجوز تاکسی صادر کند. میزان حداکثر نرخ دریافتی از مسافر نیز بر اساس مصرف بنزین روزانه، عوارض شهری و میزان استهلاک وسیله نقلیه برای مسیرهای مختلف تاکسی محاسبه و در تاریخ ۶ آذر ضمن ارائه به وزارت کشور، به تاکسیرانی ابلاغ شد.

در سطح شهر ۴ نوع تاکسی فعالیت و تردد داشت. تاکسی‌های لوکس که به صورت شبانه‌روزی تردد می‌کردند؛ تاکسی‌های تلفنی؛ تاکسی‌های ویژه سرویس که با نرخ معین و رنگ مشخص فعالیت داشتند و تاکسی‌های ویژه سرویس فرودگاه و ترمینال‌ها. رفاه تاکسیرانان شامل بیمه‌های درمان، بازنشستگی و از کارافتادگی می‌شد. به علاوه امکان دریافت وام‌های ضروری مانند وام برای تبدیل خودرو، وام درمانی، وام تعمیرات و وام خرید مسکن وجود داشت. تأمین مواد مصرفی و قطعات یدکی نیز بر عهده تاکسیرانی بود. در کنار این موارد زمین‌های ورزشی و برنامه سفرهای دسته‌جمعی برای رفاه حال رانندگان در نظر گرفته شده بود. دوره‌های آموزشی نیز مانند کلاس‌های سوادآموزی و کلاس‌های فنی مدنظر قرار داشت.

#### ۴) مدیریت توسعه شهری

##### ۴-۱) مهار رشد بی‌رویه شهر (تمرکز زدایی)

در سال‌های دهه ۱۳۵۰ به دلیل تمرکز امکانات در پایتخت و شهرهای بزرگ، مناطق کمتر توسعه یافته و روستاهای کشور با کمبود و بعضاً فقدان خدمات عمومی مواجه شده بودند. از این رو سیل جمعیت روستاها به سوی شهرهای بزرگ روانه شد و شهرهای دارای امکانات و خدمات را نیز به سبب افزایش تقاضا با مشکل مواجه ساخت. با مهاجرت روستاییان به مناطق شهری علاوه بر خالی شدن روستاها از افراد مؤثر و کارآمد که در جای خود تولیدات کشاورزی، دامپروری و صنایع روستایی را با خطر مواجه می‌کرد، فشار بر خدمات شهری بیشتر شده و بروز پدیده حاشیه‌نشینی و شیوع اعتیاد، بیماری، فقر و فحشا را نیز موجب می‌شد. از سویی توسعه خدمات در تهران، باعث ایجاد جاذبه و مهاجرت بیشتر به تهران می‌شد و چون چنین چیزی را به نفع کشور و منافع ملی نمی‌دانستیم از همان سال ۱۳۵۸، ضرورت تمرکززدایی را مطرح کردیم و گفتیم امکانات کشور باید در سطح همه استان‌ها توزیع شود. وقتی قدرت سیاسی و اختیارات در تهران متمرکز باشد به طور طبیعی قدرت اقتصادی نیز در تهران متمرکز خواهد شد و این امر خود به خود باعث جذب مهاجرت و افزایش جمعیت،

ترافیک و... می‌شد. این نظر را همان سال‌ها در بیانیه‌ها و مصاحبه‌های خود مطرح و تأکید کردیم که بر این اساس نمی‌بایست در تهران خدمات بیشتری ارائه می‌شد؛ زیرا واقف بودیم خدمات و تسهیلات بیشتر موجب به هم خوردن تعادل و تشدید مشکلات تهران می‌شود.

پیش از انقلاب، دبیرخانه شورای نظارت برگسترش شهر تهران طی گزارشی در سال ۱۳۵۶ اعلام کرد که تهران با داشتن بیش از ۱۳ درصد جمعیت کشور، تقریباً نیمی از سرمایه‌گذاری‌های ملی و صنعتی کشور را به خود اختصاص داده و همین موضوع موجب شده درصد بالایی از مهاجرت‌ها به مقصد تهران باشد؛ به طوری که سالانه ۱۰۰ هزار نفر تنها از طریق مهاجرت به جمعیت شهر افزوده می‌شود. به عبارتی میزان رشد جمعیت تهران از طریق مهاجرت با رشد طبیعی جمعیت برابر بود و مهاجرت به تهران رشد جمعیت پایتخت را دو برابر می‌کرد.

طبق این گزارش، سهم فوق‌العاده تهران از فعالیتهای اقتصادی مولد اشتغال و تمرکز امور اداری و دولتی در این شهر مهم‌ترین عامل افزایش جمعیت پایتخت بود. بیکاری در سایر نقاط کشور و میزان بالای دستمزد در تهران از مهم‌ترین عوامل جذب جمعیت به تهران بودند؛ هرچند تقریباً یک سوم مهاجران به پایتخت تنها به تبعیت از خانواده، موطن خود را ترک کرده و به تهران آمده بودند.<sup>۱</sup> در مورد رشد جمعیت تهران در ۲۰ سال آینده، مطالعات مختلفی انجام گرفته بود که به موجب این مطالعات، جمعیت تهران حداقل ۶ میلیون و حداکثر ۱۳ میلیون نفر پیش‌بینی می‌شد و این موضوع بسیار نگران‌کننده بود.

صنایع مستقر در تهران با مصرف بیش از سه میلیون متر مکعب آب و ۱/۷ میلیارد کیلووات برق، بار مصرفی زیادی بر شهر تحمیل و آثار مخرب زیست محیطی، آلودگی‌های صوتی و تراکم عبور و مرور را نیز ایجاد کرده بودند.

تراکم جمعیت در تهران سبب شده بود تقریباً ۲ میلیون خانوار شهری نتوانند به مسکن مناسب دسترسی داشته باشند و مجبور بودند در یک اتاق بیش از ۲ نفر زندگی کنند. به

۱. مهاجران به تهران بیشتر از سوی استان‌های مرکزی، زنجان، سمنان و سپس آذربایجان شرقی و غربی می‌آمدند.



علاوه افزایش روزافزون تقاضا، بهای کالاها و خدمات و همچنین قیمت مسکن را افزایش داده بود و همین امر از حجم تقاضاهای مؤثر کاسته بود و به این ترتیب نیازهای مسکونی قشر متوسط و پایین جامعه مرتفع نمی‌شد.

تورم هزینه‌های عمومی، بازده بالای سوداگری زمین، ناکارآمدی ضوابط کنترل ترافیک، کمبود شبکه‌های ارتباطی و تبدیل شدن تدریجی مسکن به یک کالای لوکس از عوارض دیگر تراکم جمعیت در تهران بود. از سویی تهران با کمبود پارک و فضای سبز مواجه بود و بسیاری از پارک‌های موجود نیز هنوز تکمیل نشده یا قابل استفاده نبودند.

امکانات توزیعی آب و برق تکافوی رشد جمعیت تهران را نمی‌کرد؛ آن هم در وضعی که یک سال پیش از پیروزی انقلاب، تهران با کسری ۴۵ هزار کیلوواتی برق مواجه بود، مسلماً این کسری با افزایش جمعیت، باز هم افزایش می‌یافت. به علاوه استفاده از برق تهران در ساعات اوج مصرف، نیمی از تولید برق سراسری را به خود اختصاص داده بود.

از معضلات بزرگ دیگر شهر تهران کمبود خدمات آموزشی، اجتماعی، بهداشتی و درمانی بود و توزیع نامتعادل این خدمات مشکل را مضاعف می‌کرد. سرمایه‌گذاری دولت در بخش خدمات عمومی و اجتماعی از برنامه پنج‌ساله عقب بود در حالی که کمبودهای دولتی در نقاط مرفه پایتخت از سوی بخش خصوصی جبران می‌شد ولی بخش‌های دیگر شهر از فقدان یا کمبود خدمات رنج می‌بردند. آموزش و پرورش نیز در بخش ایجاد مدرسه در اراضی مشخص از برنامه عقب مانده بود و مدارس تهران با کمبود فضای آموزشی برای دانش‌آموزان مواجه بودند. بسیاری از مدارس نیز در ساختمان‌های نامناسب فعالیت می‌کردند. با در نظر گرفتن این کاستی‌ها، استانداردها و سطح کیفی خدمات درمانی پایین آمده و تمرکز خدمات درمانی در مناطق شمالی شهر، سایر ساکنان تهران را با مشکلات عدیده مواجه ساخته بود. به طور کلی از عوامل مهم مهاجرت به پایتخت، تمرکز خدمات درمانی و بیمارستانی در شهر تهران بود و نشان می‌داد مردم در سایر نقاط کشور چه اندازه از کمبود این نوع خدمات رنج می‌برند؛ به طوری که تقریباً ۶۰ درصد تخت‌های بیمارستانی و نیروهای پزشکی در تهران متمرکز شده بودند.

فشار ناگهانی و در عین حال قانونی دولت نسبت به مهاجرانی که به سمت تهران روانه می‌شدند، بدون آن که نیازهای واقعی مناطق کم‌تر توسعه یافته کشور را در بخش‌های مختلف برطرف کند، خطر کاهش تولید ناخالص ملی را در پی داشت و پیامدهای اقتصادی جبران ناپذیری بر کشور تحمیل می‌کرد. به عبارتی جلوگیری از میزان رشد جمعیت تهران و همچنین کاهش وابستگی سایر مناطق کشور به مرکز مستلزم سازوکارهای نظارتی، برنامه‌ریزی اقتصادی و اجتماعی در سطح ملی و آمایش سرزمین بود. در حالی که تهران فاقد یک نظام پایدار برنامه‌ریزی بود و بنا به اقرار مسئولان وقت، طرح‌های جامع پیش از انقلاب با وضعیت روز منطبق نبود و حتی بعضی از طرح‌ها قابلیت اجرایی نداشت.

با توجه به موارد فوق می‌بایست اولاً آهنگ رشد جمعیت تهران به نحوی کاهش می‌یافت تا جمعیت پایتخت در آینده از ۱۵ درصد جمعیت کل کشور بیشتر نباشد. ثانیاً و در ادامه این روند، لازم بود به طور ضربتی از آلودگی‌های زیست محیطی پایتخت جلوگیری کرده و به موازات آن، اقدامات خدماتی و زیربنایی را در مناطق محروم‌تر گسترش داد و در آن مناطق زمینه را تنها برای تأسیس صنایعی با ضریب اشتغال بالا فراهم کرد. به علاوه می‌بایستی مانع احداث کارخانجات جدید در اطراف تهران شد و به موازات آن از تکنولوژی روز برای کاهش نیروی کار مورد نیاز صنایع استفاده کرد تا تهران به بازاری برای جذب نیروی کار تبدیل نشود.

طرح جامعی که در سال ۱۳۴۷ برای شهر تهران تدوین شده بود و خط مشی مدیریت شهری را تا ۱۳۷۰ تنظیم و تعیین می‌کرد به تدریج با تغییر سیاست‌های کلان کشور در سال‌های دهه ۱۳۵۰ دستخوش تغییرات مدام شد. منعطف نبودن مفاد این طرح و فقدان یک نظام هماهنگ اجرایی، عملاً کارآیی این طرح را از بین برده بود؛ به نحوی که در آستانه پیروزی انقلاب، تنها مجموعه‌ای از قوانین دست و پاگیر از طرح جامع باقی مانده بود. طرح جامع تهران، شهر را به سه محدوده خدماتی، ۲۵ ساله و استحفاظی تقسیم می‌کرد و هرکدام از این محدوده‌ها به ترتیب تحت مدیریت شهرداری، شورای نظارت بر گسترش شهر تهران و انجمن شهر قرار می‌گرفتند. ناهماهنگی در مدیریت این سه محدوده، وضع تهران را بحرانی‌تر

ساخت و سیاست‌گذاری‌ها نیز راه به جایی نبرد. به دلیل برنامه‌ریزی نامناسب حتی انعقاد قراردادهای میلیونی مشاوره با دانشگاه هاروارد، جز حیف و میل بودجه، نتیجه دیگری بار نیاورد. شورای نظارت بر گسترش شهر تهران در کوتاه مدت نقش بدیلی یافت و در مسیر صدور پروانه‌های احداث مجتمع‌ها و شهرک‌ها قرار گرفت و حامی منافع گروه‌های ذی‌نفع گشت. دبیرخانه شورای نظارت نیز با کنار گذاشتن نقش اصلی خود به عنوان برنامه‌ریز و تعیین‌کننده سیاست‌های کلی توسعه، به سرعت جایگاه خود را به مرکزی برای نامه‌پراکنی تنزل داد؛ به طوری که می‌توان گفت طرح جامع تهران به خودی خود از نظر محتوا، بیشتر ناظر به نحوه استفاده از اراضی بود و در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و اداری جامعیت لازم را نداشت و با این فرض و نگرش تدوین شده بود که تهران یک جامعه کاملاً مصرفی است. نخستین قانون نظارت بر گسترش شهر تهران در سال ۱۳۵۲ در ۵ ماده در مجلسین شورای ملی و سنا به تصویب رسید و شاه نیز پس از تأیید، آن را ابلاغ کرد اما تصویب این قانون تا زمان وقوع انقلاب نقش سازنده‌ای در کاهش سرعت رشد تهران ایفا نکرد و اشاره‌ای کوتاه به مفاد آن خالی از فایده نیست.

بر اساس این قانون هر گونه ساخت‌وسازی که سبب جلب یا تراکم جمعیت در محدوده خدمات شهری آن زمان و محدوده ۲۵ ساله شهر قرار می‌گرفت، مشمول تصمیمات شورایی مرکب از وزیر آبادانی و مسکن، وزیر آب و برق، وزیر کشور و شهردار تهران می‌شد. این اقدام بدان سبب بود که ادارات و دستگاه‌ها در این مورد تصمیمات هماهنگ بگیرند و به این ترتیب، رشد بی‌رویه جمعیت در تهران کنترل شود. به علاوه طبق این قانون، شهرداری تهران موظف شد ابنیه و تأسیسات بدون پروانه و خارج از محدوده را تخریب و از ساخت و سازهای مجدد جلوگیری کند. در ادامه این روند آیین‌نامه اجرایی شورای نظارت بر گسترش شهر تهران در مرداد ۱۳۵۳ ابلاغ شد تا مصوبات شورا پس از تأیید نخست‌وزیر به دستگاه‌ها ابلاغ گردد.

گزارش‌های مبتنی بر عکس‌های هوایی حاکی از آن بود که تنها طی سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۸، حجم وسیعی از اراضی کشاورزی در جنوب تهران (معادل ۶۶۲۰ هکتار) به طور

غیرقانونی تغییر کاربری پیدا کرده و به زمین‌های مسکونی یا تجاری تبدیل شده‌اند. انجام چنین کاری امکان فعالیت کشاورزی در این مناطق را از بین برده و نابود کرده بود و از نظر زیست محیطی و افزایش بی‌رویه جمعیت و تراکم آن، عواقب زیانباری برای تهران داشت. پس از انقلاب، شهرداری تهران از طریق سازمان عمران و بهسازی جنوب تهران، از ادامه چنین روندی به مقابله برخاست و در این‌گونه زمین‌های بلااستفاده، اقداماتی به عمل آورد. به این ترتیب که در وهله اول با گسترش درختکاری در بخش قابل توجهی از این اراضی، مانع رشد مناطق مسکونی شد و به فضای سبز شهری افزود. در مرحله بعد با احداث مدارس و بیمارستان در برخی از این زمین‌های افتاده، امکانات آموزشی و بهداشتی را در مناطق جنوبی تهران افزایش داد و به این ترتیب از دست‌اندازی بیشتر به این املاک جلوگیری کرد. البته در مقابل این اقدامات، افراد سودجو هم بی‌کار ننشسته و با شگردهای خاص خود از هرگونه اقدام در ایجاد نابسامانی فروگذار نمی‌کردند. لذا اقدام مهم و بنیادین برای مقابله با این‌گونه نابسامانی‌ها، برخورد قاطع با زمین‌خوارانی بود که از تغییر کاربری این اراضی سود می‌بردند. به همین منظور شورای نظارت بر گسترش شهر تهران در هر ناحیه، اقدام به شناسایی افراد سودجو نمود تا علیه آنان اقدام مقتضی انجام بگیرد. در این اقدامات معمولاً با مقاومت این افراد یا شگردهای آنان مواجه می‌شدیم. به طور مثال زمین‌خواران شهرک شریعتی تهران با بذریابی در این اراضی قصد داشتند و انمود کنند کاربری این زمین‌ها برای آنان هنوز کشاورزی است. در حالی که قصد داشتند در فرصت مناسب به اعمال سودجویانه خود مبادرت کنند و سپس با تفکیک و خرد کردن این اراضی، به طور غیرقانونی زمین‌ها را بفروشند. عده‌ای دیگر با ایجاد ساختمان‌های نیمه‌تمام در بخش دیگری از همین شهرک، قصد داشتند شهرداری را تحت فشار و در مقابل عمل انجام شده قرار دهند. عده‌ای از همین زمین‌خواران که اتفاقاً از اوباش هم محسوب می‌شدند، تعدادی اوباش دیگر را به خدمت گرفته و به شکل حادثه‌تری، با چاقوکشی و ایجاد برخورد فیزیکی، مأموران و عوامل سازمان را تهدید می‌کردند.

در واکنش به چنین اوضاع آشفته‌ای، در یادداشت مفصلی خطاب به اعضای شورای انقلاب در ۲۸ بهمن ۱۳۵۸ مشکلات شهر تهران را تشریح کرده و یادآور شدم برای حل معضلات جمعیتی تهران و اقدام در برابر تحریکات افراد سودجو و بعضاً کارشکنی برخی نهادهای انقلابی، لازم است نهادهای قانونی کشور به گونه‌ای هماهنگ تصمیم‌گیری کنند. همچنین تأکید کردم در امور شهری فقط سازمان عمران اراضی و شهرداری حق دارند تصمیم بگیرند. لزوم کنترل سرمایه‌گذاری در بخش مسکن و انتقال برخی سازمان‌هایی که بی‌جهت در تهران مستقر هستند به نقاط دیگر کشور موارد دیگری بود که در این یادداشت به آنها پرداخته بودم.<sup>۱</sup>

موضوعی که برنامه‌ریزی شهری را با مشکل مواجه می‌ساخت، امور مربوط به تکنیک‌های برنامه‌ریزی نبود بلکه نداشتن تسلط کافی در امور شهری مانند مسائل اراضی، مشکلات مربوط به مالکیت‌ها، نظام نادرست تفکیکی، نوسانات مالی و از همه مهم‌تر ناهماهنگی میان سازمان‌های اجرایی بود.

«سازمان برنامه‌ریزی شهر تهران» در اردیبهشت ۱۳۵۸ با ارائه پیشنهادی در قالب «طرح مقدماتی جامع تهران»، مطرح کرد که استقرار فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی در شهرهای کوچک‌تر سبب جذب فعالیت بخش خصوصی شده و از تمرکز کارها در شهرهای بزرگ خواهد کاست. این سازمان از همان ابتدای انقلاب به مطالعه و طرح پرسشنامه به منظور بررسی تعداد کارکنان دولت در تهران پرداخت و نحوه توزیع کارمندان را بررسی کرد تا بتواند با هدف کنترل و مهار تمرکز در پایتخت در آینده، طرح مناسبی تدوین کند.

از اقدامات بعدی «سازمان برنامه‌ریزی شهر تهران» بررسی نوع فعالیت دستگاه‌های دولتی، مطالعه در مورد شناسایی و تعیین شهرهای مستعد برای جذب ادارات عمومی و همچنین شناسایی نهادهایی بود که انتقال آن‌ها به شهرهای دیگر مشکل اساسی ایجاد نمی‌کرد. در مرحله بعد قرار بود چگونگی اجرا و نحوه انتقال ادارات و زمان‌بندی آن بررسی می‌شد؛ موضوعی که در عمل هیچ‌گاه به شکل سازنده و مؤثر اجرایی نشد.

پس از انقلاب نخستین تغییر مهم در خط مشی شورای نظارت بر گسترش شهر تهران این نکته بود که هر گونه برنامه‌ریزی برای تهران نباید از برنامه‌ریزی در سایر نقاط کشور مجزا باشد و مطالعات در مورد تهران باید در کنار مطالعه سایر مناطق کشور صورت گیرد؛ حتی بهتر بود دبیرخانه این شورا در یک نظام مطالعاتی کلان ادغام می‌گشت تا یکپارچگی در برنامه‌ریزی حاصل آید.

شورای نظارت بر گسترش شهر تهران در آبان ۱۳۵۸ اهداف مقدماتی برنامه جامع تهران را با تکیه بر تمرکززدایی این شهر به نحوی تدوین کرد که شتاب رشد جمعیت تهران تا ۱۳۷۵ به صفر برسد و تغییرات جمعیتی این شهر با سایر نقاط کشور یکسان باشد. لازمه این کار توزیع عادلانه درآمدها در سراسر شهرها و روستاهای کشور بود. در این صورت جاذبه‌های اقتصادی کلان شهرها برای سایر مناطق کاهش می‌یافت.

گام بعدی تمرکززدایی سیاسی، اداری، صنعتی و تجاری از شهر تهران بود؛ به طوری که توزیع عادلانه امکانات آموزشی، بهداشتی و اداری و حذف واسطه‌های تجاری از ارکان مهم این برنامه قلمداد می‌شد. به علاوه با توزیع یکسان خدمات آبرسانی و گازرسانی و شبکه توزیع برق به موازات حذف تدریجی بهای زمین (به جز هزینه تصرف زمین) وضع زندگی در پایتخت بهبود پیدا می‌کرد.

بر مبنای همین مطالعات به منظور جلوگیری از توسعه بی‌رویه، حریم شهر را در غرب تهران، رودخانه کن و حریم جنوب تهران را آزادراه آزادگان تعیین کردیم تا از ساخت و سازهای خلاف خارج از حریم شهر جلوگیری به عمل آید.

از سویی برای تمرکززدایی از فعالیت‌های اداری، تجاری و صنعتی که دلیل اصلی مهاجرت به شهر تهران بود، کارشناسان دبیرخانه شورای نظارت بر گسترش شهر تهران مطالعات و بررسی‌هایی به عمل آوردند. به علاوه در سال ۱۳۵۹ با حضور رئیس سازمان برنامه و بودجه، شهردار تهران، وزیر کشاورزی، وزیر مسکن، وزیر کار، وزیر صنایع و وزیر بازرگانی کمیسیونی تحت عنوان «تمرکززدایی» تشکیل شد تا سیاست‌های عدم تمرکز سیاسی، اداری و اقتصادی را تبیین نموده و در جهت توزیع متعادل جمعیت گام

بردارند و در صورت لزوم به انتقال دستگاه‌های دولتی از تهران اقدام کرده و سیاست‌های اشتغال‌زایی مربوط به ساخت مسکن را نیز تدوین کنند. تهیه پیش‌نویس مقدماتی سیاست‌های عدم تمرکز، تهیه و توزیع پرسشنامه در دستگاه‌های دولتی مانند سازمان بنادر، شرکت ذوب‌آهن، وزارت بازرگانی، سازمان تعاون کشور و ... برای بررسی امکان انتقال آن‌ها، برنامه‌ریزی برای تمرکززدایی فعالیت‌های اقتصادی دولتی و برنامه‌ریزی برای مهار مهاجرت از اقدامات ابتدایی این کمیسیون بود.

کمیسیون یاد شده در نظر داشت سیاست‌گذاری‌های کلان کشور را در قالب برنامه‌های کوتاه مدت یک ساله، میان مدت پنج ساله و دراز مدت ۲۰ تا ۲۵ ساله تعریف کند و سپس این برنامه‌ها به نحو مرتبط و هماهنگ با هم اجرا شوند. به علاوه قرار بود نظام بودجه‌ریزی غیرمتمرکز شده و استان‌ها تا حد امکان خودکفا عمل کنند. اعضای کمیسیون مزبور به منظور تمرکززدایی و در نظر گرفتن منافع مناطق روستایی، برنامه‌های درازمدت را بر محورهای زیر استوار کرد:

- تقویت ممنوعیت توسعه صنعتی تهران،
- استقرار صنایع جدید در آذربایجان، کرمانشاه، خوزستان، خراسان و کرمان،
- سازماندهی توسعه صنعتی حول اصفهان، تبریز و اهواز
- بدین ترتیب مقرر شد صنایع سنگین جدید و مزاحم اجازه نداشته باشند ساختمان‌ها و تجهیزات خود را در تهران مستقر کنند و تنها کارخانجات صنعتی با کمتر از ۵۰ کارمند اجازه فعالیت جدید داشته باشند.

در فروردین ۱۳۵۹ نتایج این بررسی‌ها و مطالعات را طی گزارش جامعی از اقدامات شهرداری در تمرکززدایی شهر تهران به انضمام مذاکرات کمیسیون مزبور به ریاست جمهوری و شورای انقلاب تحویل داده شد تا پس از تأیید نهایی نسبت به انتقال واحدهای مذکور در فوق اقدام گردد.<sup>۱</sup>

نتایج بررسی‌ها نشان می‌داد که نهادها و سازمان‌هایی مانند سازمان بنادر و کشتیرانی، شرکت سهامی معادن مس سرچشمه، شرکت ملی ذوب‌آهن، شرکت کشت و صنعت کارون، شرکت کشت و صنعت مغان، شرکت نیشکر هفت‌تپه، شرکت‌های شیلات شمال و جنوب و سازمان مجتمع گوشت فارس و تعداد ۵۷ سازمان دیگر باید تمام یا قسمتی از ساختمان‌ها یا بخش عمده فعالیت‌های خود را به خارج از پایتخت منتقل کنند زیرا کلیه فعالیت‌های تجاری در صدها رشته مختلف در تهران بوده و به‌وسیله تجار تهرانی انجام می‌گیرد و این تاجر چنان بر بازار تسلط دارند که هر کس دیگری در شهرستان‌ها بخواهد وارد معامله شود، شکست می‌خورد. بنابراین حمایت دولت از شهرستان‌ها بسیار ضروری است. همچنین تا زمانی که تجارت خارجی ملی نشده، مرکز تجارت خارجی در یکی از بنادر باشد و رئیس آن (معاون وزارت بازرگانی) با اختیار تام در همان بندر ساکن شود و ضمناً به گونه‌ای تسهیلات مالی و بانکی برای تاجر ساکن بنادر و سایر استان‌ها فراهم شود تا محتاج عمده‌التجار تهران نباشند. همچنین استقرار محل فعالیت هر گونه دستگاه جدید در تهران با تصویب کمیسیونی متشکل از نمایندگان شهردار تهران، سازمان برنامه و بودجه، سازمان امور اداری و استخدامی کشور و وزارت کشور انجام گیرد. هرچند کارمندان و حتی مدیران این دستگاه‌ها به انواع بهانه‌ها اما در واقع به دلایل بهره‌مندی از مزایای سکونت در تهران، برخورداری از انواع امکانات رفاهی، آموزشی، درمانی و تفریحی، نزدیکی به مراکز قدرت، فراهم بودن زمینه‌های ارتقای شغلی و دستمزدهای بالاتر هنوز حاضر نبودند محل کار خود در تهران را ترک کنند اما در اوضاع انقلابی سال‌های نخستین بعد از پیروزی انقلاب، فرصت خوبی برای این اقدام فراهم شده بود و بهتر بود همان زمان در این مورد اقدام می‌شد.<sup>۱</sup>

به‌رغم مطالعات کارشناسانه و اقدامات انجام شده، متأسفانه با کارشکنی‌های متعدد برخی دستگاه‌ها در دو سال ابتدای انقلاب، شهر تهران با رشد بی‌رویه جمعیت مواجه گردید. این رشد بی‌رویه که به مراتب بیش از سال‌های قبل از انقلاب صورت گرفته بود، موجب گردید تا



شهرداری تهران در ارائه خدمات خود به شهروندان با مشکلات زیادی مواجه شود. چنین مشکلاتی برای سایر دستگاه‌ها نیز وجود داشت؛ به نحوی که حتی توزیع آب و برق با مشکلات عدیده همراه بود.

## ۲-۴) دادن وعده‌های بی‌شمار و تشدید مشکل مسکن

سازمان برنامه‌ریزی شهر تهران در مهر ۱۳۵۹ در گزارشی مقدماتی به تبیین وضع کلی مسکن در سطح کشور پرداخت و نشان داد که کشور با کمبود یک میلیون و ۳۰۰ هزار واحد مسکونی در داخل شهرها مواجه است. برای هر ۱/۵ خانوار، یک واحد مسکونی در کشور موجود بود که حاکی از کمبود واحدهای مسکونی بود. بنابراین ایجاد تحرک در بخش ساختمان از ضروریات به نظر می‌رسید و باید با توجه به سایر بخش‌های صنعتی کشور، در این مورد برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری می‌شد. البته برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت در این مورد، بار مالی سنگینی به کشور تحمیل می‌کرد. به علاوه هزینه و مشکلات توسعه شبکه تأسیسات زیربنایی در تهران بسیار بیشتر از سایر نقاط کشور بود اما به هر روی هرگونه برنامه‌ریزی باید هماهنگ با سایر نقاط صورت می‌گرفت.

از سویی روشن نبودن سیاست حاکمیت درباره مالکیت، وعده‌های بی‌شمار و غیرمعقول نهادهای غیر دولتی به مردم مبنی بر اعطای فوری خانه به آنان و افزایش سطح انتظارات مردم برای داشتن مسکن، ضمن آن‌که محیطی نامطمئن ایجاد کرده بود، چشم‌اندازی غیرقابل تحقق برای اقتصاد کشور خلق کرده بود. انتظار فزاینده طبقات محروم، قشرهای بالاتر جامعه را تهدید می‌کرد.

متأسفانه وقوع انقلاب نه تنها مشکلات مربوط به مسکن را کاهش نداد بلکه به دلایلی چند (مانند تعدد مراجع تصمیم‌گیرنده و اجرایی، اتخاذ تصمیم‌های نادرست مبنی بر تأمین فوری مسکن و همچنین ترریق امید کاذب به اقشار غالباً محروم) نه تنها جمعیت تهران در مدت کوتاهی به نحو بی‌سابقه‌ای افزایش یافت، بلکه ساخت‌وسازهای غیرقانونی روند فزاینده پیدا کرد و در نتیجه سطح امنیت اجتماعی در پایتخت پایین آمد. در چنین وضعی بانک‌ها به

منظور کاهش ساخت‌وساز بی‌رویه و جبران سیاست اشتباه اولیه خود، علاوه بر قطع وام‌های فوری مسکن، به کلی پرداخت وام مسکن را متوقف ساختند و با این کار برقراری تعادل نسبی میان عرضه و تقاضا را نیز مختل نمودند.

در سال ۱۳۵۶ کمبود مسکن در تهران ۲۰۰ هزار خانه قلمداد می‌شد. با در نظر گرفتن این نکته که در مدت کوتاهی پس از پیروزی انقلاب، نزدیک به ۶۰۰ هزار نفر به تهران مهاجرت کردند، بنابراین برای تأمین مسکن جمعیت تهران باید واحدهای مسکونی بیشتری ساخته می‌شد. تأمین این تعداد مسکن، نیازمند بودجه‌ای ۶۰۰ میلیارد ریالی بود و با توجه به این‌که در سال ۱۳۵۸ مجموع بودجه عمرانی کشور ۸۸۰ میلیارد ریال بود، اختصاص چنین بودجه هنگفتی تنها به شهر تهران، دور از انتظار بود.

سازمان برنامه‌ریزی شهر تهران معتقد بود اولویت کمک‌ها برای تهیه مسکن در تهران بهتر است با مدت اقامت افراد تناسب داشته باشد و پرداخت وام مسکن بر اساس اشتغال افراد صورت گیرد. از سوی دیگر دولت نیز باید ساخت واحدهای مسکونی را بر خرید آن اولویت دهد و با چنین ضوابطی زمین و وام مناسب در اختیار متقاضیان بگذارد. همه این سیاست‌ها مستلزم امنیت اقتصادی افراد جامعه و نفی تمرکز غیرمعقول سرمایه در دست افراد خاص بود.

سازمان نظارت بر گسترش شهر تهران به‌منظور کنترل جمعیت تهران و تأمین مسکن شهروندان، ملی شدن اراضی را مناسب می‌دانست و دولت را به نوسازی مناطق قدیمی موظف می‌کرد تا زمین‌های قابل ساخت و ساز با پشتیبانی بخش خصوصی وارد بازار زمین گردند. این سازمان با تأکید بر کنترل جمعیت تهران، محیط ناسالم تهران و همچنین کمبود فضای سبز، کاستی‌های مربوط به تأسیسات و امکانات عمومی، فرهنگی و تفریحی را ناشی از ساختمان‌سازی‌های بدون برنامه می‌دانست.

ما در شهرداری معتقد بودیم اعطای بی‌حساب و کتاب زمین به افراد و آزاد گذاشتن دست آنها برای ساخت و ساز به‌منظور رفع مشکل مسکن، اقدامی عجولانه بوده و نه تنها راه حل سودمندی نخواهد بود، بلکه این قبیل اقدامات ناشیانه در آینده عواقب وخیمی به ارمغان خواهد آورد. از نظر ما حل مشکل مسکن مستلزم تمهیدات و رعایت نکات زیر بود:

- مشخص کردن تعداد واقعی مسکن مورد نیاز،
  - تعیین دقیق مکان‌های مناسب برای ساخت و ساز،
  - تهیه نقشه‌های ساختمانی مناسب با در نظر گرفتن حداقل امکانات،
  - نظارت بر ساخت و ساز به منظور رعایت استانداردهای لازم،
  - تناسب نوع ساختمان با ویژگی‌های فرهنگی گروه‌های اجتماعی،
  - تعیین نهاد یا نهادهای مسئول این کار و مشخص کردن محدوده وظایف هر کدام.
- رعایت مواردی که برشمردیم، حداقل کارهایی بود که باید پیش از هر اقدام دیگر انجام می‌گرفت. اما در عمل به هیچ کدام از موارد فوق کمترین توجهی نشد. برای کارشناسان روشن بود که اعطای زمین به‌تنهایی، نه تنها نمی‌توانست برای حل مشکل مسکن راه حل سودمندی باشد بلکه به‌طور قطع عواقب وخیم‌تری در آینده به بار می‌آورد. بدین منظور همواره از نهادها، نیروها و ارگان‌های انقلابی می‌خواستیم از تشتت آرا و اقدامات ناهماهنگ بپرهیزند و در جهت تقویت یک سازمان کارآمد و متعهد گام بردارند.

### ۳-۴) سازمان برنامه‌ریزی شهر تهران

به منظور تبیین اهداف، سیاست‌ها، ایجاد هماهنگی و نظارت بر جلوگیری از توسعه بی‌رویه شهر تهران در چارچوب برنامه‌ریزی ملی و اتخاذ تصمیمات لازم و ایجاد هماهنگی در زمینه‌های گوناگون، تصمیم گرفته شد شورایی تحت عنوان «شورای برنامه‌ریزی شهر تهران» تشکیل گردد. در این شورا که ریاست آن را نخست‌وزیر وقت به‌عهده داشت، اعضای شورای اقتصاد، وزیر مسکن، وزیر راه و ترابری، وزیر نیرو، شهردار تهران، رئیس شورای شهر و دو مهندس منتخب شورا که در امور برنامه‌ریزی شهری متخصص بودند، عضویت داشتند.

بدین ترتیب «سازمان برنامه‌ریزی شهر تهران» زیر نظر «شورای برنامه‌ریزی شهر تهران» با هدف ایجاد یک نظام جامع و هماهنگ برنامه‌ریزی همه‌جانبه با تکیه بر اوضاع اجتماعی و اقتصادی و شناخت این نکته که هرگونه توسعه در تهران، در سایر نقاط کشور نیز اثر متقابل خواهد داشت، شکل گرفت.

از جمله وظایف این سازمان می‌توان به همکاری با دستگاه‌های کشور برای ایجاد هماهنگی میان پایتخت و سایر مناطق کشور، مطالعه مسائل و مشکلات شهر تهران، تنظیم برنامه‌هایی برای توسعه و عمران، همکاری در تنظیم بودجه طرح‌های توسعه‌ای و عمرانی، تهیه برنامه‌های کوتاه‌مدت و اجرایی، طرح برنامه‌های مختص مناطق حاشیه‌ای بعضاً عقب‌مانده از توسعه شهری و همچنین بهسازی مناطق محروم اشاره کرد.

بدین منظور مقرر شد برنامه توسعه تهران پس از مطالعه و بررسی تغییرات و تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور که در رشد و توسعه تهران مؤثر بوده‌اند و بر آن اساس، تهیه گردد و توأمان برنامه‌های شهرداری و سازمان برنامه‌ریزی به دولت ارائه شوند. به علاوه طرح‌های منطقه‌ای و شهری در قالب برنامه‌های کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت تنظیم شده و نحوه استفاده از اراضی، تأسیسات شهری و شبکه حمل و نقل تدوین شده و سازوکارهای به هنگام کردن برنامه‌ها بر مبنای واقعیات و نیازهای روز ایجاد شوند. طبیعی است که در هر مرحله از کار، داشتن ارتباط مستقیم با مردم ضروری می‌نمود زیرا مشارکت دادن آن‌ها در کارها، شرط اصلی موفقیت به حساب می‌آمد.

بدین ترتیب سازمان برنامه‌ریزی با کمک کمیته‌های هماهنگ کننده با سایر دستگاه‌های دولتی به‌ویژه شهرداری تهران، برنامه‌هایی را تدوین نمود و زیرمجموعه‌های شهرداری پایتخت مانند سازمان ترافیک، اتوبوسرانی، شهرسازی و ... برنامه‌های خود را با همکاری کمیته‌های هماهنگی با طرح‌های سازمان برنامه‌ریزی هماهنگ می‌ساختند.

این سازمان پس از مطالعات فراوان، هدف‌ها و سیاست‌های کلی ملی و منطقه‌ای (شامل سیاست‌های اقتصادی، کشاورزی و روستایی، تولیدات صنایع، کنترل جمعیت، مهاجرت، تمرکز زدایی از تهران و ترابری و...) را برای تدوین برنامه‌ریزی شهری پایتخت در نظر می‌گرفت. بدین منظور ارتباط سازمان برنامه‌ریزی با نهادهایی چون سازمان برنامه و بودجه، وزارت مسکن و شهرسازی، وزارت کشور، سازمان ترافیک تهران و شرکت اتوبوسرانی لازم بود. نظارت مردمی بر این سازمان نیز از طریق هماهنگی این نهاد با شوراهای محلی ممکن می‌گشت و مقرر بود با مشارکت روابط عمومی شهرداری و سازمان‌هایی چون رادیو و

تلویزیون (صدا و سیما)، وزارت ارشاد و ... کمیته‌ای تحت عنوان هماهنگی ارتباط با مردم تشکیل شده و این امر مهم را هدایت کنند.

برنامه‌ریزی جامع و پویا در این سازمان نیازمند دسترسی به آمار طبقه‌بندی شده بود. لذا به‌رغم همه محدودیت‌ها، در مورد سوابق جمعیتی، مالی، مسکن، ترافیک، آموزش، بهداشت و درمان و... همراه با آمار دبیرخانه شورای نظارت بر گسترش شهر تهران در سال‌های پیش از انقلاب اطلاعات ارزشمند و قابل توجهی به‌دست آمد که مورد بررسی قرار گرفت و یک بانک اطلاعاتی ایجاد گردید.

سازمان برنامه‌ریزی با تهیه گزارشی در آذر ۱۳۵۹ ضمن تأکید بر راهکارهای گذشته، بهبود مناسبات کشاورزی و اصلاح شیوه کشت را در پرتو بهره‌گیری از مکانیزه کردن فعالیت‌های کشاورزی اعلام کرد. همچنین توسعه فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی در جهت تشویق روستاییان به اقامت در روستا و مراجعت به موطن خود، نخستین اقدام برای کاهش میزان مهاجرت به تهران خواند تا به این ترتیب روستاییان به اهمیت حضور خود در روستا پی ببرند و با افزایش تولیدات روستایی، وابستگی خود در زمینه تأمین نیازهای غذایی به شهرها را کاهش دهند.

#### ۴-۴) مدیریت آب‌های سطحی و مسیل‌های شهری

رسیدگی به مشکل آب‌های سطحی شهر تهران از مسائل مهم و اساسی شهر بود. تا آن زمان هر سیلابی که در شهر جاری می‌شد، فعالیت‌های شهری را به‌خصوص در مناطق جنوبی تهران مختل می‌کرد و خسارات زیادی وارد می‌آورد.<sup>۱</sup> البته مطالعات مربوط به جمع‌آوری و هدایت آب‌های سطحی در تهران سابقه‌ای طولانی دارد. در سال‌های اوایل دهه ۱۳۴۰ مهندسی مشاور ایرانکو در این مورد مطالعاتی انجام داد و بر پایه این مطالعات، طرح‌هایی هم در دو

۱. برای نمونه بنگرید به گزارش خبری روزنامه کیهان مورخ ۸ فروردین ۱۳۵۸ با عنوان: «بدنبال بارندگی و سیلاب دیروز تهران صدها خانه و آلودگی جنوب تهران آسیب دید».

منطقه شرق و غرب تهران، اجرا شد. مدتی بعد و در ۱۳۵۱ دو گروه مهندسان مشاور خارجی و ایرانی (آلکساندر گیب و شرکا، جان تیلر و پسران، تهران بوستن و دکتر کوروس) با همکاری سازمان بهداشت جهانی و سازمان ملل متحد مطالعات دیگری برای سازمان آب منطقه ای تهران آغاز کردند که در سال‌های ۱۳۵۴ و ۵۶ این مطالعات تکمیل و تصویب شد.

پس از انقلاب با بررسی این مطالعات، کوشیدیم در دو مرحله کوتاه مدت و درازمدت، برنامه‌ریزی و اقدامات خود در مورد مهار آبهای سطحی تهران را انجام دهیم. با تدوین برنامه‌ریزی و اقدام کوتاه مدت، برای جمع‌آوری و انتقال آب‌های سطحی محدوده جنوب، ابتدا محل‌های آسیب‌پذیر از سوی «سازمان بهسازی و عمران جنوب تهران» با همکاری شهرداران مناطق جنوب تهران مورد مطالعه قرار گرفت و سپس ۱۱ طرح احداث کانال‌های مناسب برای انتقال و هدایت آب‌های سطحی تهیه و به‌سرعت اجرا شد. ابعاد کانال‌ها متناسب با وسعت حوزه آبخیز و حجم پیش‌بینی شده آب، بین ۱×۱ متر تا ۶×۴ متر متغیر بود. کانال‌ها در قسمت‌هایی سرپوشیده و در قسمت‌هایی روباز اجرا شدند. از جمله می‌توان به کانال‌های اصفهانک، سرخه‌حصار، خیابان فدائیان اسلام، چهارصد دستگاه نازی‌آباد، کوی ملکی زاهدی، سه دختران شهرری، یاخچی‌آباد، جنوب خاوران، خانی‌آباد نو، شادآباد، پارک شریعتی، زهتابی قلعه‌مرغی شریعتی، یافت‌آباد، قلعه نعمت‌آباد، تقی‌آباد (سرخه حصار) و بهشتی (دو قطعه) اشاره کرد. به این ترتیب مسائل مربوط به مسیل‌های محدوده جنوب تهران مرتفع گردید. آب‌های سطحی با احداث مسیل‌هایی در محل‌های لازم، هدایت و در نقاط مشخص تخلیه شد و مناطق جنوب شهر در مقابل سیلاب‌ها حفاظت گردید. از همان سال‌های ابتدای انقلاب نیز با به‌کارگیری و اختصاص چندین دستگاه کامیون، لودر، بولدوزر و ... مسیل‌ها به‌طور منظم لایروبی شدند.

در این‌جا لازم است از آقایان مهندس سعید حجازی (مدیرعامل سازمان بهسازی جنوب تهران) و مهندس سید صادق مجمریان (از شهرداران جنوب تهران) که با اقدامات شایسته خود در مدیریت و اجرای مسیل‌ها نقش به‌سزایی داشتند، تقدیر کنم.

در مطالعات اولیه که در سال‌های پیش از انقلاب انجام شده بود، جمع‌آوری و تخلیه آب‌های سطحی محدوده ۲۵ ساله به ۹ حوزه آبریز تقسیم شده بود؛ حوزه شرقی، حوزه شمالی، حوزه کن و مسیل باختر، حوزه غربی، حوزه جنوب شرقی، حوزه جنوب غربی و حوزه مرکزی شامل سه حوزه مشخص به شرح زیر تفکیک شده بود:<sup>۱</sup>

- «حوزه آبریز ۱۷ شهریور» شامل منطقه شمال شرقی تونل موجود شهرداری از جمله آب‌های سطحی ۱۷ شهریور و خیابان‌های مازندران، پیروزی و قسمتی از خیابان انقلاب می‌شد.

- «حوزه آبریز خیام» از جنوب اراضی عباس‌آباد شروع شده و در امتداد خیابان حافظ ادامه یافته و از طریق خیابان خیام و خزانه به نهر فیروزآباد می‌ریخت.

- «حوزه آبریز نواب» که آب‌های سطحی مناطق غربی تهران را جمع‌آوری و به کانال فیروزآباد و رودخانه کن تخلیه می‌کرد.

بر مبنای مطالعاتی که قبلاً انجام شده بود، برنامه‌ی دراز مدتی را برای رفع اساسی مشکل آب‌های سطحی تهران در دستور کار شهرداری قرار داده و به‌منظور انجام مطالعات تکمیلی و تهیه طرح اجرایی با پیگیری‌های به‌عمل آمده با مهندسین مشاور «پارس کنسولت» که در حوزه آب تخصص داشت در اردیبهشت ۱۳۵۹ قراردادی منعقد کردیم. این طرح در مرداد ۱۳۵۹ به شهرداری ارائه شد و در پنجم آبان همان سال به تصویب رسید.

بر اساس این مطالعات، مسیر آب در حوزه شرقی و محور خیابان ۱۷ شهریور با کمک شاخه‌های فرعی خیابان‌های بهار شیراز، خواجه نصیر، سبلان، مازندران، پیروزی و مجاهدین از میدان خراسان به طرف شرق منحرف شده و از طریق جاده خراسان به رودخانه سرخه‌حصار تخلیه می‌شد. اجرای این طرح به تدریج طی سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۴ انجام شد و به مشکل شدید تجمع آب‌های سطحی در محدوده خیابان ۱۷ شهریور و محورهای مرتبط آن خاتمه داده شد.

در حوزه شمال، شمال شرق و شرق، آب‌های جاری از رودخانه های ولنجک، دربند، گلابدره، کاشانک، جمشیدیه، دارآباد، سوهانک و مجموعه کانال های احداث شده محدوده شرق تهران چون تهرانپارس از طریق مسیل باختر و کانال ابوذر به رودخانه سرخه‌حصار تخلیه می‌شد. سایر کانال‌های شرق تهران، شامل تونل ۱۷ شهریور و سر شاخه‌های آن و کانال‌های شهرداری و شهرزاد نیز در این قسمت به همین رودخانه هدایت و تخلیه می‌شدند. در حوزه محدوده مرکزی شهر که به صورت تونل ساخته شده شامل تونل‌های خیام، نواب و بهمینار و همچنین سرشاخه‌های متعدد آن‌ها، آب‌های جمع‌آوری شده از طریق کانال فیروزآباد، مجدداً به رودخانه سرخه‌حصار سرریز می‌شد.<sup>۱</sup>

طرح‌های بالا نشان می‌دهد که آب‌های اصلی حوزه آبیگر ارتفاعات شمال شهر که از طریق رودخانه‌ها وارد شهر می‌شوند از طریق کانال‌های روباز پیش‌بینی شده به شرق و غرب تهران هدایت می‌شوند و هسته مرکزی شهر را خطر حاصل از سیل کاملاً حفاظت کرده است. بدین ترتیب پس از ۱۳۵۹، با وجود بارندگی‌های شدیدی که پایتخت را سیراب می‌کرد، در جنوب شهر دیگر سیلابی چون گذشته اتفاق نیفتاد زیرا مهار آب‌های سطحی بر اساس مطالعات دقیق کارشناسان انجام گرفته بود و این آب‌ها به مسیرهای پیش‌بینی شده، هدایت می‌گردید و در نتیجه خسارتی به شهر وارد نشد. مطالعات و طرح‌های اجرا شده موجود در شهر تهران نشان می‌دهد که نگرانی کاملاً برطرف شده است.<sup>۲</sup>

۱. مرحله دوم مطالعات کانال خیام، بعد از سال ۱۳۶۸ در دوره مدیریت آقای غلامحسین کرباسچی انجام شد و اجرای آن با استفاده از وام بانک جهانی طی سال‌های ۷۹ - ۷۵ زیر نظر خاکریزآب (مجری طرح) و پیمانکاران مختلف داخلی و خارجی اجرا شد.
۲. در سال‌های اخیر نیز مطالعات متمرکزی در سازمان مشاور فنی و مهندسی شهرداری تهران انجام شده و پروژه‌های متعددی با همکاری مهندسین مشاور برای جمع‌آوری و هدایت آب‌های سطحی شهر تهران اجرا شده است. بر اساس گزارش‌های موجود در حوزه شمال‌غرب و غرب، آب رودخانه‌های درکه، فرحزاد، کن و سرشاخه‌های مرتبط منطقه غرب با کانال‌های روباز جمع‌آوری و نهایتاً از طریق رودخانه کن به دشت‌های جنوب تهران هدایت می‌شود.



## ۵) تشکیل شورای هماهنگی شهرداری تهران

تشکیلات جدید شهرداری با رویکرد مدیریت شورایی در ۱۴ مرداد ۱۳۵۹ به تصویب رسید و بر اساس آن، شورای هماهنگی شهرداری تهران مرکب از دبیران شوراهای مدیریتی تشکیل شد. این شورا با هدف خودکفا کردن و پویاتر نمودن واحدهای ذیربط شهرداری ایجاد شد. طبق مصوبات شورا، کلیه مکاتبات با خارج از شهرداری (به استثنای نهادهایی مانند ریاست جمهوری، نخست وزیری، وزارتخانه‌ها، شورای شهر، نهادهای انقلابی) به دبیران شوراهای مدیریتی واگذار شد. همچنین کلیه مسئولیت‌های معاونان شهردار (که به واحدهای تحت مدیریت شوراهای مدیریتی مربوط بود) به دبیران شوراهای مربوطه تفویض می‌گشت. علاوه بر شهردار، دبیران شوراهای مدیریتی و دبیر شورای هماهنگی مجاز شدند دستورالعمل‌های عمومی و اطلاعیه‌ها را ارسال کنند.

اولویت اصلی برای شورای هماهنگی، تعیین خط مشی شهرداری تهران بر اساس تقدم منافع و مصالح مردم بر منافع صنفی و فردی بود. اولویت بعدی شورا، برنامه‌ریزی‌های میان مدت و دراز مدت با هدف انطباق سیاستگذاری‌های شهرداری با سیاست دولت جمهوری اسلامی و سپس تعیین خط مشی‌های تمرکززدایی از پایتخت بود.

این شورا در دوره مسئولیتم با برگزاری ۱۹ جلسه در مورد مدیریت شهری، تصمیمات کلانی اتخاذ نمود. شوراهای مدیریتی شامل شوراهای اداری و مالی، شهرسازی، مطالعاتی، رفاهی، ترافیک، شهرداران، خدمات شهری و عمرانی می‌شد. در نظر بود تا شوراهای سابق همچون بهداشت و درمان و طرح برنامه به ترتیب در شوراهای رفاهی و شهرسازی ادغام شوند. کلیه مصوبات شورا با رأی اکثریت آرا، تنها پس از تأیید شهردار لازم‌الاجرا بود.

پاره‌ای از تصمیمات مهم شورای هماهنگی عبارت بودند از: تعیین ضوابط پرداخت اضافه‌کاری کارگران، خرید ماشین‌های آتش‌نشانی، استفاده از شورلت‌های ساخت ایران برای خدمات عمومی، لایروبی مسیل‌ها، تعدیل نیرو، تفویض مسئولیت‌های فنی و تخصصی به شهرداران مناطق، انتخاب شهرداران متناسب با مناطق بیست گانه جدید، آموزش برای تشکیل هسته شورای محلات و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل.

طرح جدید طبقه‌بندی مشاغل، وابستگی حقوق به شغل را از میان برد تا عدالت را برقرار سازد. با این وصف مشکلاتی مانند تمرکز مشاغل متعدد در یک شغل، تداخل سطوح سازمانی، تغییر شکل هرم سازمانی، تنزل سطوح کارمندان در سیستم جدید و اعتراض آنان، تحدید امکان ارتقای شغلی، حذف ۷۹ رده شغلی و ادغام مسئولیت‌های نامتجانس هنوز موجود بود و انتظار می‌رفت که در طرح جدید، این مشکلات به تدریج مرتفع شوند که البته اجرای کامل این اقدامات به دوره مدیریتی من در شهرداری کفاف نداد.

به علاوه به منظور صرفه‌جویی و کاهش هزینه و وقت، یک‌سری تصمیمات مهم درون سازمانی نیز در شورا اتخاذ می‌شد که مهم‌ترین آنها تمرکز دستگاه‌های زیراکس، چاپ نقشه و فتوکپی بود. ارزشیابی مدیران شهرداری نیز در دستور کار قرار گرفت تا کیفیت مدیریت شهری به واسطه این ارزشیابی‌ها سنجیده شود و توان مدیریتی افزایش یابد. برای تسریع کارها و رفع امور ارباب رجوع نیز بنا شد با استقرار یک فرد مطلع از هر واحد در طبقه همکف، مردم از طریق این اشخاص، امور خود را در شهرداری پیگیری کنند.

در جلسات شورا به تدریج معلوم شد مدیریت شورایی در سازمان‌ها عمق کافی نیافته و مشکلات مدیریت غیرشورایی متأسفانه هنوز در نظام جدید نیز دیده می‌شد. به عقیده برخی مدیران و طبق بررسی‌های شورای مطالعات، تدوین دستورالعمل و آیین‌نامه به بهبود عملکرد مدیریت شورایی کمک می‌کرد. وظایف سنگین دبیران شوراها و عدم تبیین اختیارات مالی دبیران به موازات سایر اختیاراتشان، از اساسی‌ترین مشکلات بود. به همین دلیل برخی معتقد بودند سیستم معاونت، کارآیی سریع‌تری نسبت به نظام شورایی دارد اما با وجود همه مشکلات موجود، دبیران شورا علی‌الخصوص شورای شهرداران خواستار ادامه کار به شیوه مدیریت شورایی بودند.

از مهمترین تصمیمات شورا در اواخر دوره مسئولیتم در شهرداری، تخصیص بودجه سال ۱۳۶۰ برای امور زیربنایی، ایجاد فضای سبز، احداث مسیل‌ها و ... و در مقابل، کاهش بودجه رفاهی با توجه به شروع جنگ در کشور بود.

## فصل پنجم: اقدامات اجتماعی

### ۱) تغییر نام برخی میادین و خیابان‌ها

بعد از پیروزی انقلاب، افکار عمومی انتظار داشتند که فرهنگ انقلاب در نامگذاری معابر و خیابان‌های شهر تهران منعکس شود و اسامی به اصطلاح «طاغوتی» تغییر نام پیدا کند. در بسیاری از مردم این ذهنیت وجود داشت که اگر اسامی مرتبط با دوران نظام استبدادی را عوض کنیم، آثار فرهنگ استبدادی نیز از جامعه ما زدوده خواهد شد!

برای این منظور شورای نامگذاری شهر تهران مرکب از نمایندگان فعالان سیاسی - اجتماعی، نماینده جامعه روحانیت مبارز، نمایندگان بازار و اصناف، نمایندگان دانشجویان دانشگاه‌ها و... که در انقلاب حضور داشتند، زیر نظر معاونت اجتماعی شهرداری (آقای خسرو منصوریان) تشکیل شد. شورای نامگذاری شهر تهران عموماً با حضور من، برنامه تغییر نام معابر، میادین و خیابان‌های شهر تهران را بعد از انقلاب برعهده داشت.

در آن شورا قبل از نام‌گذاری، ضوابطی برای تغییر نام‌ها پیشنهاد شد و پس از تصویب در شورای معاونان شهرداری، مبنای نام‌گذاری‌ها قرار گرفت. از جمله آن‌که در نام‌گذاری‌ها از فرهنگ و ارزش‌های انقلاب استفاده شود؛ از نام شخصیت‌های انقلاب که در قید حیات هستند استفاده نشود؛ اسامی حتی‌المقدور کوتاه بوده و برای بازگویی سهل باشند؛ برای گرامیداشت خدمات شخصیت‌های ملی - اسلامی گذشته کشور مستقل از گرایش‌های فکری، از نام آنان استفاده شود و در نهایت در چارچوب ضوابط فوق از اسامی پیشنهادی مردم در

نامگذاری‌ها استفاده گردد. بدین ترتیب براساس پیشنهادات دریافت شده از مردم و اسامی‌ای که آنان در راه‌پیمایی‌های دوران انقلاب عنوان و ثبت کرده بودند، با نگرشی فراجناحی و ملی، از شخصیت‌های شاخص کلیه جریان‌های فکری دوران انقلاب در نام‌گذاری‌ها استفاده شد. شورای نام‌گذاری در واقع می‌خواست هویت انقلاب در نام‌گذاری‌ها نمود پیدا کند.

در بعضی نامگذاری‌ها، فرهنگ انقلاب به‌صورت پویا مورد توجه قرار گرفت و بسیاری از نامگذاری‌ها دلایل اجتماعی داشتند. به‌عنوان نمونه شعار «نهضت ما حسینیه، رهبر ما خمینیه» یکی از شعارهای مردم در راه‌پیمایی‌های ۱۳۵۷ بود و چون یکی از محورهای اصلی راه‌پیمایی‌ها از میدان فوزیه (امام حسین (ع)) تا میدان شهید (آزادی) و دادن شعار آزادی بود، این فرآیند در نام‌گذاری محور مذکور منظور شد. بدین صورت که به‌طور نمادین حرکت مردم از میدان امام حسین (ع) آغاز می‌شد و پس از عبور از محور انقلاب و میدان انقلاب، ادامه پیدا کرده و انتظار بود به آزادی (خیابان و میدان آزادی) خاتمه پیدا می‌کرد. این روند حاوی پیام انقلابی بود که از فرهنگ عاشورا نشأت گرفته و در فرآیند انقلاب به آزادی منتهی می‌شد. محور دیگر نام‌گذاری خیابان مجاهدین، میدان شهدا و خیابان پیروزی بود که اندیشه جهاد، شهادت و پیروزی را منعکس می‌کرد.

مردم نیز در راه‌پیمایی‌های بزرگ سال ۱۳۵۷ به‌ویژه بعد از ۲۶ دی (فرار شاه) نام تعدادی از معابر و میادین شهر تهران را تغییر داده بودند؛ به‌طوری‌که در شعارهای آنان این تغییر نام‌ها شنیده می‌شد. به‌عنوان نمونه «چهارراه مصدق» و «میدان شهدا» از این نوع بودند. همچنین تحت تأثیر هیجان انقلابی و شاید واکنش به تبلیغات رژیم پهلوی، بعضی از اسامی مانند خیابان کوروش کبیر، طاغوتی تلقی شد و توجهی نشد که اولین منشور حقوق بشر را او تدوین کرده است. در مورد دیگر مردم در همان راه‌پیمایی تاسوعا، پیچ شمیران در قسمت جنوبی خیابان کوروش را به این دلیل که منزل آیت‌الله طالقانی آن‌جا بود و راه‌پیمایی تاسوعا از آن محدوده آغاز شده بود، به نام آیت‌الله طالقانی نام‌گذاری کرده بودند. اما شورای نامگذاری در این مورد با این ملاحظه روبرو گردید که نباید در نامگذاری از اشخاص در قید حیات استفاده شود. از این رو خدمت آیت‌الله طالقانی رفتیم و ملاحظات شورای نام‌گذاری را مطرح کردیم.

ایشان فرمودند: آیا برای این خیابان نامی انتخاب کرده‌اید؟

گفتم: چون حسینیه ارشاد در این خیابان واقع شده، شورای نامگذاری پیشنهاد کرده نام دکتر شریعتی را بر خیابان بگذارد.

ایشان با روی گشاده گفتند: این تصمیم کاملاً درست است و حتماً این کار را بکنید. البته پس از درگذشت ایشان در ۱۹ شهریور ۱۳۵۸ خیابان تخت‌جمشید به نام آیت‌الله طالقانی نام‌گذاری شد.

در مورد تغییر نام خیابان پهلوی (ولیعصر کنونی) هم حرف و حدیث زیادی مطرح بود. در جریان انقلاب و پس از آن، مردم خودشان نام این خیابان را به «مصدق» تغییر داده بودند. تا این‌که مدتی بعد در یکی از نمازهای جمعه تهران، آقای محمدتقی فلسفی (واعظ شهیر) در سخنرانی پیش از خطبه نماز جمعه، صحبت‌هایی در مورد دکتر مصدق مطرح کرد مبنی بر این‌که اصلاً مصدق کیست؟ انقلاب ما در این جهت نبوده که نام مصدق را روی خیابان‌هایش بگذارند و بعد هم نام ولیعصر (عج) را برای این خیابان پیشنهاد داد که دیگر قابل تغییر نبود و کسی با آن مخالفت نمی‌کرد.

در فرآیند نام‌گذاری، بعضی از خیابان‌ها به نام شخصیت‌های ملی و اسلامی ۲۰۰ سال اخیر ایران مانند «سید جمال‌الدین اسدآبادی»، «اقبال لاهوری»، «آیت‌الله شهید سیدحسین مدرس»، «شهید دکتر حسین فاطمی»، «آیت‌الله کاشانی»، «مصطفی خمینی»، «شهید مرتضی مطهری»، «شهید مهدی عراقی» و «دکتر محمد قریب» اختصاص یافت. بعضی از خیابان‌ها هم به شخصیت‌های تاریخی مانند «مالک اشتر»، «کمیل» و «یاسر» تغییر نام داده شد. اسامی بعضی از خیابان‌ها نیز به حوادث تاریخی مثل «۱۷ شهریور» و «۳۰ تیر» تغییر یافت. بعضی اسامی خارجی مثل «نوفل لوشاتو» (محل اقامت آیت‌الله خمینی در پاریس) برای نام‌گذاری در نظر گرفته شد. نام خیابان «فدائیان اسلام» به عنوان تنها گروه سیاسی به مناسبت ارتباط تاریخی با ماجرای قتل رزم‌آرا در نام‌گذاری‌ها استفاده شد.

در مورد تغییر نام خیابان «سلطنت‌آباد» چون ابتدا نیروهای ارتش و سپس سپاه در آن‌جا مستقر شدند و تأسیسات نظامی آن‌جا قرار داشت، به نام «پاسداران» نام‌گذاری شد زیرا

وظیفه هر دو نهاد را توصیف می‌کرد. خیابان «آرامگاه» نیز ابتدا به خیابان «یادآوران» تغییر نام پیدا کرد و بعد از شهادت محمدعلی رجایی، به نام ایشان نام‌گذاری شد.

گفتنی است که پارک لاله کنونی ابتدا به نام خسرو گل‌سرخ (از فعالان سیاسی مارکسیست که در دادگاه شجاعانه از خود دفاع کرده بود) نام‌گذاری شده بود اما بعداً نام این پارک را به «پارک لاله» که ارتباط مفهومی با شهدا داشت تغییر دادند.

روزی آیت‌الله لاهوتی به دفتر کارم در خیابان ایرانشهر آمد و در حالی که بسیار مضطرب به نظر می‌رسید گفت: عده‌ای در قم علیه تو جو سازی کرده و می‌گویند خیابان اصلی در تمام شهرها به نام آیت‌الله خمینی نام‌گذاری شده ولی تا کنون در تهران خیابانی به نام ایشان نام‌گذاری نشده! به ایشان توضیح دادم مطابق مصوبه شورای نام‌گذاری، دست ما در این مورد بسته است و حق نداریم از نام اشخاص در قید حیات برای نام‌گذاری معابر، میادین و خیابان‌ها استفاده کنیم. با این وصف، موضوع را در شورای نام‌گذاری مطرح کردیم و در آن‌جا توصیه شد که در این مورد با آیت‌الله طالقانی مذاکره شود. بنابراین دوباره خدمت ایشان رفتیم و از ایشان کسب نظر کردیم. ایشان توصیه کردند برای آیت‌الله خمینی استثناء قائل شویم. بعد هم در شورا این موضوع مطرح شد که کدام خیابان مناسب است که به نام ایشان انتخاب شود. در نهایت چون ایشان در مراجعت از پاریس گفته بودند قصد دارم جایی باشم که قلب شهر و کنار مردم باشد، لذا میدان سپه و خیابان سپه که در مرکز شهر قرار داشت، برای این اقدام مناسب تشخیص داده شد. این انتخاب را تلفنی به حاج احمد آقا خمینی اطلاع دادیم و پس از تأیید ایشان، به همین ترتیب این نام‌گذاری انجام شد. چند دفعه بعد که خدمت آیت‌الله خمینی رفتم، هیچ وقت در این باره از ایشان واکنشی ندیدم.<sup>۱</sup>

## ۲) برچیدن گودهای جنوب تهران و اسکان گودنشینان

یکی از جلوه‌های نامناسب و به تعبیری لکه‌های تیره در جنوب تهران، گودهایی بود که مردم فقیر در آن‌ها زندگی بسیار بدی داشتند. در این گودها اندوه‌بارترین مشکلات اجتماعی زندگی در تهران همراه با بدترین جلوه‌های نابرابری، تبعیض، فلاکت انسانی و بحران اجتماعی تمرکز یافته و پنهان شده بود و اگر در این مورد فکری نمی‌شد و اقدامی اساسی انجام نمی‌گرفت، چه بسا زخم‌های هر روزه زندگی گودنشینان به افزایش فعالیت‌های تبهکارانه، شورش‌های اجتماعی و اعتراضات سیاسی منجر می‌گردید.

در محدوده خیابان‌های خیام، شوش، خزانه و میدان غار ۱۵ گود با نام‌های انوری، باغ‌آذری، باغ‌چالی، ترقی، توتونچی، حاج‌ماشاءالله، حاج‌بازاری، رسولی، عرب‌ها، قاسم شکری، معصومی، مرادی، نجیمی، نمکی و ندایی قرار داشت. این گودها در گذشته بقایای کوره‌های آجرپزی شهر بود و چند متر پایین‌تر از کف خیابان قرار داشت و تردد در آن نیازمند عبور از چند ده پله بود و گود در امتداد کوچه اصلی قرار داشت و کوچه‌های تنگ بی‌قواره‌ای به آن کوچه اصلی متصل می‌شد.

شاید بتوان گفت شکل‌گیری گودها نتیجه طمع برخی شهروندان تهرانی بود، زیرا مالکان اراضی کوره‌های آجرپزی جنوب تهران، پس از تقسیم زمین‌های خود به قطعات کوچک‌تر، زمین‌ها را به صورت قولنامه‌ای به مهاجران روستایی فروخته یا اجاره داده بودند و به تدریج اسکان مهاجران در این نقاط افزایش یافت. در واقع ساکنان سند و یا هیچ مدرک دیگری نداشتند.

به هر حال گودنشینی پدیده‌ای ناهنجار از زندگی شهری بود و عموم گودنشین‌ها از امکانات و تسهیلات متعارف شهری محروم بودند. آنان به علت درآمد‌های پایین در مکان‌هایی با تراکم زیاد و محیط‌های غیربهداشتی زندگی می‌کردند و اجاره‌نشین بودند. متأسفانه گودنشینان از روی ناچاری به وضعیت موجود خود رضایت داده بودند و به همین دلیل تا آن زمان تغییرات امیدوارکننده‌ای در گودها رخ نداده بود. در واقع آنان در مقایسه با آلونک‌نشینان و زاغه‌نشینان از امکانات بهتری برخوردار بودند اما به هر حال سطح کیفی زندگی در این

مناطق نازل بوده و باید برای اصلاح آن تمهیداتی اندیشیده می‌شد. به عبارتی نحوه اسکان آن دسته مهاجران شهرستانی که در گودها ساکن بودند به مرور زمان طوری شکل گرفته بود که در تمایز با سایر حاشیه‌نشینان، خودشان را تهرانی به حساب می‌آوردند. در کل علاوه بر اوضاع نامساعد بهداشتی، اجتماعی و امنیتی در آن منطقه، عمده‌ترین مشکل از نظر شهرداری آن بود که در اثر بارندگی با جاری شدن آب در گودها، خانه‌های ساکنان پر از آب می‌شد. البته مشکلات گودنشینان جنوب تهران از مسائل مربوط به حاشیه‌نشینی منفک و مجزا نبود و منطقاً باید در یک نظام کلی و جامع به آنها رسیدگی می‌شد اما چون شرایط ناهنجار بهداشتی در این منطقه همراه با آب‌گرفتگی‌های شدید ناشی از بارندگی و بالا آمدن آب‌های زیرزمینی، سقف بسیاری از ساختمان‌های گود را با خطر ریزش مواجه می‌ساخت لذا حل مشکلات گودنشینان جنوب تهران برای شهرداری اولویت بالاتری پیدا کرد.

از سویی گودها در داخل محدوده خدماتی شهر قرار داشتند و واقعیت جامعه ما بودند لذا نمی‌توانستیم مشکلات آنها را نادیده بگیریم و بعد از انقلاب این مسئولیت راهبردی را داشتیم که بتوانیم این گودنشین‌ها را از آن اوضاع نابسامان زندگی نجات بدهیم.

### ۲-۱) برگزاری انتخابات شورای گودنشینان

پس از بازدید از محل و بررسی کارشناسی با نگاه راهبردی که به موضوع شوراها و نقش مشارکت مردم در حل مشکلات داشتیم، قرار شد با کمک خود گودنشین‌ها، زندگی آنان را در جهت اصلاح تغییر دهیم. در گام نخست لازم بود با برگزاری انتخابات، نمایندگانی از میان گودنشینان تعیین کنیم و ادامه کارها را با کمک خودشان به انجام برسانیم اما وزارت کشور در آغاز برای پیگیری هدف ما که برگزاری انتخابات شورای گودنشینان بود، آمادگی نداشت. چون چاره دیگری نداشتیم، از تصمیم خود منصرف نشده و با ارائه گزارش و پیگیری‌های بیشتر بالاخره توانستیم ضمن جلب موافقت وزارت کشور با این اقدام، انتخابات شورای گودنشینان جنوب تهران را برگزار کنیم و بعد از آن با کمک نیروهای داوطلب و خود گودنشینان، در آن منطقه تحول اجتماعی بزرگی به‌وجود بیاوریم.



به این ترتیب با همکاری مردم و اهالی، آمار جامع و کاملی از ساکنان هر گود تهیه و ضرورت تشکیل شورا برای آنان تبیین شد و توافق گردید تا از هر گود، ۶ تا ۹ نفر به عنوان نامزد شورای گودنشینان انتخاب گردند و نهایتاً ۳ نفر به عضویت شورا درآیند. اولین انتخابات شوراها در گودهای جنوب تهران در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۵۸، یعنی تقریباً دو ماه بعد از پیروزی انقلاب، برگزار شد. البته چون گودنشینان بی‌سواد بوده و در نازل ترین سطح فرهنگی و اجتماعی قرار داشتند لذا در برگه های انتخابات هر محله، عکس نامزدها چاپ شده بود و مردم با نگاه کردن به عکس‌ها، مقابل فرد مورد نظرشان خط می‌کشیدند و علامت می‌زدند. شورای هر گود می‌توانست یک مشاور را نیز برای شرکت در جلسات انتخاب کند. به این ترتیب از مجموع ۱۵ گود، ۴۵ نفر به نمایندگی شورا انتخاب شدند. شورای گودنشینان جنوب تهران با کمک شورای عالی اسکان که از میان نیروهای کارشناس داوطلب تشکیل شده بود، در جریان برنامه‌های خدماتی ما قرار گرفتند و «سازمان بهسازی و عمران جنوب تهران» نیز مدیریت این مجموعه و هدایت آن را به عهده داشت.<sup>۱</sup>

نمایندگان گودنشینان در گروه‌های کاری برای انجام خدمات مورد نیاز گودنشینان با مدیر عامل سازمان بهسازی و عمران جنوب تهران و سرپرست شورای عالی اسکان همکاری نزدیک داشتند. وظایف شورای گودنشینان طرح مسائل و مشکلات بهداشتی، تأسیساتی، عمرانی و فرهنگی ساکنان گود از راه تماس مستقیم با آنها بود.

## ۲-۲) جمع‌آوری اطلاعات از گودنشینان و تحلیل آماری

شورای عالی اسکان گودنشینان با کمک صاحب‌نظران و استادان داوطلب ابتدا به تدوین طرحی پیشنهادی به منظور شناخت گود و گودنشینی و اطلاع یافتن از مشکلات گودنشینان در مرداد ۱۳۵۸ مبادرت کرد. در این فرآیند تقریباً ۱۱ هزار پرسشنامه تکمیل و بررسی گردید و نزدیک به ۲۰۰ زن و مرد داوطلب با الگوبرداری از عملکرد آمارگران، اطلاعات مفیدی را از

طریق تکمیل پرسشنامه‌ها استخراج کردند. سپس داده‌های نهایی برای تحلیل به رایانه داده شد. محورهای اصلی مطالعات این شورا انجام اقداماتی برای رفع مشکل گودنشینی و سپس فراهم کردن تمهیدات دورنگرانه برای جلوگیری از وقوع نارسایی‌های این چنینی بود.

آمارها نشان می‌داد جمعاً ۱۰۴۵۰ خانوار و به عبارتی ۶۲۲۱۰ نفر در گودها سکونت داشتند. پرجمعیت‌ترین گود بیش از ۶۶۰۰ نفر و کم جمعیت‌ترین آن‌ها تقریباً ۱۲۰۰ نفر را در خود جای داده بود. مردان ۵۲٪ جمعیت ساکن در گودها و مایقی را زنان تشکیل می‌دادند و چنان‌چه رده‌های سنی بالاتر ملاک بررسی قرار می‌گرفت، نسبت مردان به زنان افزایش پیدا می‌کرد. میانگین سنی گودنشینان تقریباً ۲۳ سال بود که ۴۳ درصد آنان زیر ۱۵ سال و ۵۴ درصد ۱۵ تا ۶۴ سال داشتند و مابقی افراد بالای ۶۵ سال بودند. تقریباً نیمی از ساکنان در گودها متولد شده و سایرین، مهاجر تلقی می‌شدند. بیش از ۸۰ درصد مهاجران را رؤسای خانوارها و همسرانشان تشکیل می‌دادند و تقریباً ۹۰ درصد فرزندان متولد تهران بودند. کمتر از ۶۰ درصد گودنشینان را افراد متأهل تشکیل می‌دادند. بیشترین تعداد مهاجران گودها به ترتیب از استان‌های آذربایجان شرقی، مرکزی، همدان، اصفهان، زنجان، گیلان، لرستان و خراسان بودند.

چنین نبود که در گودها فقط عده‌ای سکونت کنند بلکه در آن‌جا تعدادی هم درآمد کسب می‌کردند. از این رو، لازم بود میان مالکانی که محل کسب و سکونت آنان توأمان در گود واقع شده بود و کسانی که تنها مغازه و یا خانه‌شان در گود قرار داشت و همچنین مالکانی که تنها ملک مسکونی و تجاری خود را اجاره داده و خودشان خارج از گود زندگی می‌کردند، تفاوت قائل می‌شدیم.

از بین ۴۷ درصد جمعیت باسواد در گودها، تقریباً ۷۰ درصد مدرک ابتدایی و بقیه مدرک بالاتر داشتند. فعالیت اقتصادی گودنشینان عمدتاً کار در معادن، کارخانجات، کارگری ساختمان و امور مربوط به آب، برق و گاز بود. بخش قابل توجهی از آنان در حمل و نقل، انبارداری، خدمات مالی و ملکی، خدمات اجتماعی و کار در رستوران‌ها و هتل‌ها مشغول بودند. بخش کوچکی نیز از محل کشاورزی، جنگلداری، ماهیگیری و شکار امرار معاش

می‌کردند و ۱۹ درصد از شاغلان نیز در بخش دولتی مشغول به کار بودند. درآمد بخش عمده گودنشینان، رقمی بین ۱۰۰۰ تا ۴۰۰۰ تومان بود اما خانوارهای با درآمد کمتر از ۱۰۰۰ تومان و یا حتی بیش از ۵۰۰۰ تومان نیز در میان آنان بودند و هزینه تقریبی ۸۰ درصد خانوارهای ساکن گودها کمتر از ۳۰۰۰ تومان در ماه بود. متأسفانه بیش از ۱۰۰۰ معلول و تقریباً ۱۲۰۰ معتاد در گودها ساکن بودند.

اغلب ساکنان گودها به شکل استیجاری سکونت داشتند و بخش قابل توجهی از مالکان نیز برای تأمین مخارج به صورت اشتراکی از ملک استفاده می‌کردند. یک چهارم جمعیت آنان، مالک ملک خود شناخته شده و درصد بسیار ناچیزی ملک را تصرف کرده یا از طریق وقف در آن می‌زیستند. ۹۹ درصد خانوارها در واحدهای ساختمانی و یک درصد بقیه در چادر، آلونک و یا محیط کارگاهی و همچنین در مکان نامشخص زندگی می‌کردند. اما به هر روی یک‌پنجم واحدهای مسکونی گود (که اغلب آنان از ۱۰۰ متر مربع تجاوز نمی‌کرد) در حال تخریب بود و بقیه کیفیت بالایی داشتند. اشکالات اساسی در سیستم تخلیه فاضلاب منطقه، زیرسازی نامناسب ساختمان‌ها و همچنین کیفیت پایین مصالح به کار رفته موجب شده بود عمده ساختمان‌ها سطح کیفی رضایت‌بخشی نداشته باشند. مساحت تقریبی اتاق‌های محل زندگی ساکنان در بهترین حالت از ۳۰ مترمربع تجاوز نمی‌کرد و متوسط تعداد اتاق برای هر خانوار کمتر از ۱/۵ اتاق بود.

۹۵ درصد ساکنان گود از آب لوله کشی و آب فشاری استفاده کرده و درصد کمی نیز از طریق آب چاه و تانکر آب نیاز خود را تأمین می‌کردند.

هدف اصلی و اولیه طرح ساماندهی گودنشینان، تکیه بر اشتغال مولد در مناطق روستایی و شهرهای کوچک و بازگرداندن عده‌ای از ساکنان گودها به شهرستان‌های خودشان بود. تنها یک چهارم ساکنان گود، نسبت به بازگشت به موطن خود تمایل نشان دادند و از این تعداد ۶۷ درصد نیروی انسانی و ۷ درصد توانایی مادی برای بازگشت به شهرستان مبدأ خود داشتند. بیش از ۷۰ درصد خانوارهای مایل به بازگشت، نیازمند مسکن و اشتغال در موطن خود بودند تا بتوانند حداقل زندگی را در محل جدید فراهم کنند. البته امکان بهره‌گیری از جاذبه‌های

اشتغال با درآمد مناسب در شهرستان‌ها برای ترغیب بخش قابل توجهی از گودنشینان به مهاجرت معکوس وجود داشت.

بنابراین اولویت ما اجرای طرح اسکان گودنشینان با ایجاد زمینه اشتغال در روستاها و شهرهای کوچک با همکاری استانداری‌ها و فرمانداری‌ها و سپس انتقال ساکنان شاغل بخش دولتی به شهرستان‌های خود بود. مرحله بعد تأمین مسکن و شغل برای مستأجران گود در شهرستان‌ها بود. درمان معتمدان و فراهم کردن امکانات آموزشی برای اشتغال آنان نیز از اقدامات مهم بود. در مرحله نهایی باید نسبت به خرید و تخریب املاک گود اقدام می‌گردید.

### ۳-۲) ارائه خدمات درمانی، آموزشی و عمرانی به گودنشینان و اسکان آنها

سازمان شورای عالی اسکان گودنشینان جنوب تهران متشکل از ۱۴ نفر (شامل دو مستخدم، یک دفتردار، یک ماشین‌نویس، یک مسئول هماهنگی و چند نفر دیگر به‌عنوان مسئولان امور مالی، اداری، اسکان موقت، بهداشتی، فرهنگی، عمرانی و...) به منظور برنامه‌ریزی و اجرایی کردن اسکان گودنشینان تشکیل شد و تا پایان ۱۳۵۸ در زمینه عملیات عمرانی موفق گردید برای احداث ۵ حلقه چاه، آماده‌سازی مسیر لوله‌های فشاری و تعمیر لوله‌کشی‌های فاضلاب، یک ساختمان برای رختشوی‌خانه، تعمیر و ساخت پله‌های مورد نیاز، جوی‌سازی و کانال‌کشی و ... اقدام کند.

شورای عالی اسکان همچنین در زمینه ارائه خدمات درمانی و پزشکی نسبت به تأمین لوازم و تأسیسات مورد نیاز واحدهای درمانی اقدام نمود و دارو و شیرخشک را رایگان به مراجعه‌کنندگان ارائه می‌داد. در واحدهای درمانی روزانه به طور میانگین ۱۴۰ بیمار معاینه می‌شدند و به علاوه در این مدت هزار کودک واکسینه شدند.

ساخت و راه‌اندازی ۳ کتابخانه، برقراری کلاس‌های مختلف سوادآموزی و تقویتی

همراه با نمایش فیلم و اسلاید برای گودنشینان از جمله فعالیت‌های فرهنگی شورا بود.

تا زمانی که شهرک‌ها جهت اسکان موقت ساکنان گود آماده می‌شد، لازم بود مکانی برای آنها در نظر گرفته می‌شد. همچنین باید امکان به کارگیری نیروی کار از ساکنان فراهم می‌گردید

تا بتوان از تأسیسات انرژی، آب و فاضلاب سکونت گاه موقت در شهرک‌ها استفاده کرد. مناسب بود اسکان موقت در کمپ‌های سیاری صورت می‌گرفت که اتاق و آشپزخانه داشتند و در مجاورت نهادهای آموزشی، درمانی و فروشگاه‌ها بودند. اما در فرآیند اسکان موقت، ۴۴۰ خانوار به واحدهای مسکونی خریداری شده از سوی شهرداری و یا پایگاه‌های شیروخورشید و ساختمان‌های پراکنده شهرداری در سطح شهر از جمله ساختمان تاکسیرانی منتقل شدند. متأسفانه اسکان رایگان افراد در این ساختمان‌های موقت با توجه به طولانی شدن زمان ساخت مسکن‌های نهایی، موجب شد که بعدها نیز نتوان به سهولت از آنان مبلغی به‌عنوان اجاره دریافت کرد. تعدادی از پرداخت مبلغ اجاره سر باز زده و تعدادی هم اصلاً توانایی پرداخت اجاره را نداشتند. به علاوه چون از ابتدا امکان واگذاری مسکن موقت برای همه‌گودنشینان فراهم نبود، چنین کاری از دید سایر گودنشینان تبعیض‌آمیز تلقی می‌شد.

اثر منفی دیگر چنین اقدامی (با توجه به این‌که سکونت‌گاه‌های موقت در مناطق مرفه‌تر شهر قرار داشتند) عدم رعایت سلامت ساختمان از سوی آنان و بروز ناهنجاری‌های رفتاری و اجتماعی بسیاری از آنان بود که گاهی حتی به درگیری‌های شدید منجر می‌شد؛ به‌طوری‌که گاهی از اعمال مجرمانه آنان (مانند استفاده از سلاح سرد یا تجاوز به کودکان) گزارش‌هایی نیز می‌رسید.

پیش از خرید و تخریب خانه‌های گود، کارشناس دادگستری قیمت ملک را برآورد می‌کرد. سپس از مالک دعوت کتبی به عمل می‌آمد تا با حضور او، نماینده گود، سرپرست شورای عالی اسکان و ناظر سازمان بهسازی، موافقت‌نامه تنظیم شود. پس از آن موافقت‌نامه به دفترخانه فرستاده می‌شد تا به نام شهرداری سند صادر شود. با آن‌که فروشنده معمولاً از قیمتی که کارشناس دادگستری اعلام کرده بود، اطلاعی نداشت، چانه‌زنی‌های زیادی میان فروشنده و خریدار صورت گرفت و همین چانه‌زنی‌ها نیز بعضاً به برخی رفتارهای ناسالم اداری می‌انجامید. تأمین نشدن بودجه کافی برای خرید فوری منازل تحت خطر، سبب بروز درگیری میان ساکنان واحدهای مجاور با یکدیگر می‌شد. از سویی خرید خانه‌های در حال تخریب باید در اولویت قرار می‌گرفت و خانه‌های محکم و سالم نیز همراه با آنان خریداری

شد. متأسفانه در روند خرید، این اولویت رعایت نشد و خرید خانه‌ها به صورت متوالی و یکجا انجام نگرفت و خرید پراکنده نیز به اعتراض ساکنان انجامید. پس از انتقال رسمی زمین‌ها و املاک، تخریب سریع املاک برای شهرداری اهمیت زیاد داشت زیرا احتمال داشت افراد سودجو در زمان کوتاهی، اقدام به ساخت و ساز کنند. البته بعضی تخریب‌ها نیز منازل مجاور را با خطر ریزش بحرانی مواجه ساخته بود. به‌علاوه بسیاری گودنشینان که خود مالک بودند، با وجه دریافتی قادر به خرید مجدد مسکن نبودند و از این بابت گلایه فراوان داشتند. در نگاهی راهبردی طوری برنامه‌ریزی شد تا آن دسته از گودنشینانی که مایل به ترک تهران و مهاجرت به موطن اصلی خود بودند، تعدادشان افزایش یابد. به همین منظور با در نظر گرفتن امکاناتی مانند اختصاص مبلغ بیشتر بابت خرید خانه‌های این دسته ساکنان گود، ایجاد اشتغال و قائل شدن معافیت مالیاتی، سکونت در موطن خودشان را جذاب کردیم تا به مهاجرت از تهران ترغیب شوند.

برای تأمین نیازهای آموزشی و بهداشتی آن دسته از گودنشینان که بنا بود در تهران بمانند و در مناطق جدید اسکان یابند، برنامه ریزی گسترده نیاز بود. مطالعات نشان می‌داد که آنان به ۲۴۰ کلاس درس و تقریباً ۱۰۰۰ پرسنل آموزشی نیاز دارند. نیازهای بهداشتی و درمانی آنان نیز با تأمین ۳۰ پزشک، ۶۰ پرستار و ۱۰۰ تخت بیمارستانی برطرف می‌شد.

سازمان مدیریت صنعتی و سازمان بهسازی و عمران جنوب تهران در نظر داشت با همکاری شورای عالی اسکان گودنشینان برای اسکان مابقی گودنشینان، دو شهرک طراحی کند و از نیروی کار خود گودنشینان در ساخت شهرک‌ها و سپس اداره آن‌ها بهره‌برداری تا به موازات تکمیل فرآیند تأمین مسکن، نوعی درآمدزایی هم داشته باشند. برای این منظور طرح مقدماتی احداث نزدیک به ۲۰۰۰ واحد مسکونی تحت نظر واحد اجرایی سازمان بهسازی جنوب تهران تهیه شده بود.

شهرک‌ها باید برای اسکان ۳۲ تا ۴۰ هزار نفر با همه امکانات طراحی می‌شد. در طرح ابتدایی ۶۵۰۰ واحد مسکونی ۷۵ یا ۱۰۰ متری مد نظر بود و در آن فضای سبز، سالن‌های ورزشی، سالن‌های نمایش، مساجد، فروشگاه، کارگاه‌های تولیدی و واحدهای آموزشی و

درمانی به انضمام شعب بانک‌ها و ادارات مورد نیاز در نظر گرفته شده بود. ساکنان شهرک بعدها با تشکیل تعاونی‌های مختلف می‌توانستند به تولید فرآورده‌هایی مانند مرغ، تخم مرغ، پارچه و لباس، پلاستیک و جعبه روی آورده یا خدماتی ارائه کنند و از این طریق ارتزاق نمایند. البته اجرای این امور در دوره کوتاه تصدی من و همکارانم در شهرداری تهران میسر نشد. با این وصف در شهریور ۱۳۵۹ با ارسال نامه‌ای به رئیس‌جمهور وقت (دکتر ابوالحسن بنی‌صدر)، گزارش اقدامات انجام‌شده در گودها (شامل: مطالعه بنیادی مسائل گودهای جنوب تهران، انجام انتخابات رسمی شورا در گودها، جلب همکاری مردم و تهیه آمار دقیق از وضع ساکنین گودها، آسفالت گودها، نصب شیر فشاری، عرضه خدمات بهداشتی، رفاهی و فرهنگی، خریداری ۵۰۰ خانه و تخریب آنها و اسکان موقت ۷۰۰ خانوار در خانه‌های خارج گود) را برشمرده و درخواست کردم دستور دهد جهت بررسی و تعیین برنامه و اتخاذ تصمیمات اجرایی برای حل بنیادی مشکل گودنشینان و به تبع آن حل مشکل حاشیه‌نشینی در تهران و سایر شهرهای بزرگ، جلسه‌ای با حضور نخست‌وزیر، وزیر مسکن و شهرسازی، کشور، کشاورزی، کار و امور اجتماعی، سرپرست سازمان برنامه و بودجه، سرپرست جهاد سازندگی و شهردار تهران تشکیل گردد.<sup>۱</sup>

نارسایی‌های اجرای طرح اسکان گودنشینان و مشکلات روزافزون آن، موجب شد مسئولیت شورای عالی اسکان به‌آقای مهندس حشمت‌الله نیکخواه (از مدیران با سابقه شهرداری تهران) سپرده شود تا ایشان با تکیه بر شناخت و تجربه خود، در مسیر موفق‌تری گام بردارد. ایشان پس از به دست‌گرفتن سکان هدایت شورا، نسبت به رفع بسیاری از نارسایی‌ها اقدام نمود؛ از جمله با همراهی اعضای شورا، به‌سرعت خانه‌های در حال تخریب را گود به گود مورد شناسایی و در اولویت خرید قرار داد. همچنین نمایندگان گودنشین‌ها را از الزامات تنظیم موافقت‌نامه خرید املاک آگاه کرد و آنها دریافتند مبنای خرید و فروش ملک، قیمتی است که

کارشناس دادگستری اعلام می‌کند. مصالح ساختمان‌های تخریب شده نیز به نفع گودنشینان به فروش رسید؛ هرچند با توجه به کیفیت خانه‌ها، ارزش مصالح تقریباً ناچیز بود. در فرآیند اسکان موقت، اشخاصی که نامشان در سرشماری ابتدای طرح قید شده بود، اسکان یافتند. با این وصف، اعضای شورای عالی اسکان در ۲۴ خرداد ۱۳۵۹ از بی‌توجهی مسئولان نسبت به حل مشکلات گودنشینان، وجود برخی اغراض سیاسی و همچنین کارشکنی‌های برخی (به قول خودشان عناصر ارتجاعی) گلایه کرده و اعلام نمودند قادر به ادامه کار نیستند و بدین ترتیب همگی استعفا دادند. متن این استعفا در جراید آن روزها و همچنین نشریه «فریاد گودنشین» منتشر شد.<sup>۱</sup>

در مجموع با کمک شوراهای منتخب گودها و همکاری سازمان بهسازی جنوب تهران تحت مدیریت آقای مهندس سعید حجازی، با صرف حداقل هزینه توانستیم به تدریج گودنشین‌ها را از گودها خارج کرده و آنها را در نقاط دیگر اسکان دهیم. در این فرآیند، ابتدا یک سری خدمات فرهنگی و درمانی انجام شد و بعد کمک‌های حقوقی به وجود آمد تا به کمک خود آنها و امکانات دولت و شهرداری به تدریج انتقال ساکنین اعم از مالکین و مستأجرین انجام شود. به رغم مشکلاتی که این برنامه داشت، همه ساکنین گودها در محل‌های جدید اسکان پیدا کردند یا زمینه مهاجرت آنان به سکونت‌گاه‌های قبلی‌شان فراهم گردید و به تدریج خانه‌های گودها تخریب و به بوستان‌هایی در جنوب تهران تبدیل شد.

### ۳) خدمات معاونت امور اجتماعی

#### ۳-۱) رسیدگی به اطفال بی‌سرپرست و کودکان معلول

معاونت اجتماعی و رفاه شهرداری تحت مدیریت آقای خسرو منصوریان (کارشناس و متخصص مددکاری اجتماعی) قرار داشت. ارائه خدمات اجتماعی و رفاهی برای شهروندان شامل سازمان‌های بهشت‌زهر (گورستان عمومی شهر تهران)، سازمان تربیتی شهرداری تهران



شامل شیرخوارگاه‌ها و پرورشگاه‌ها و سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهر می‌شد. روابط عمومی شهرداری نیز زیرمجموعه حوزه معاونت اجتماعی و رفاه شهرداری قرار داشت و امور مربوطه را در حد امکان و مقدرات زمانی به انجام می‌رساند.

همچنین طرح تشکیل «وزارت رفاه» از سوی معاونت امور اجتماعی و رفاه شهرداری تهران تدوین شد و به شورای انقلاب ارائه گردید و پس از تصویب نیز، مسئولیت پیگیری آن به همان معاونت محول شد. به علاوه با تشکیل جلساتی در سازمان امور اداری و استخدامی کشور، با همراهی دو تن از داوطلبان نیکنام و شهید انقلاب (آقایان دکتر فیاض‌بخش و دکتر لواسانی)، طرح تأسیس «سازمان بهزیستی کشور» تهیه شد که مورد تأیید و تصویب شورای انقلاب واقع گردید و شهید دکتر فیاض‌بخش به عنوان نخستین رئیس آن سازمان منصوب شد. سازمان بهزیستی طبق قانون، موظف به پذیرش و نگهداری کودکان بی‌سرپرست شهر تهران؛ خصوصاً کودکان سرراهی اعزامی از سوی دادسرای تهران بود.

تحول فرهنگی شکل گرفته در سال‌های بعد از انقلاب، موجب شده بود نگاه مردم در پاره‌ای مسائل اجتماعی قدری تغییر کند و به‌خصوص انتظارات آنان از دستگاه‌ها و ادارات تربیتی و پرورشی افزایش یابد. به عنوان مثال اگر در گذشته خانواده‌ای در اثر فقر مالی یا هر علت دیگری نمی‌توانست از طفل یا کودک خود نگهداری کند و او را بیرون از منزل رها می‌کرد تا مثلاً سازمان‌هایی مانند شهرداری سرپرستی او را قبول کنند؛ چنین چیزی بعد از انقلاب برای عموم مردم، دیگر قابل قبول نبود و آنان دیگر نمی‌پذیرفتند اطفال و کودکان بی‌سرپرست در محیط‌هایی غیر از خانه نگهداری شوند.

در شرایط ویژه اجتماعی بعد از انقلاب، نگاه حرفه‌ای و بشردوستانه و افزایش انتظارات عموم مردم، ایجاب می‌کرد امور مربوط به نگهداری کودکان در پرورشگاه‌های شهرداری تهران مورد بازنگری قرار گیرد. مطابق این بازنگری، مهدکودک‌ها و پرورشگاه‌ها با همه امکانات خود، به‌تنهایی برای نگهداری از کودکان بی‌سرپرست، محل مناسبی قلمداد نمی‌شدند. زیرا در این مراکز، به‌خصوص نیازهای روانی و عاطفی اطفال و کودکان تأمین و برآورده نمی‌شد و آنان در این مراکز همچنان از کانون گرم و پر مهر و عاطفه خانواده‌ها محروم می‌ماندند. بر این اساس

حذف نظام پرورشگاهی در دستور کار سازمان تربیتی شهر تهران قرار گرفت و بجای آن طرح بازگرداندن فرزندان ساکن در پرورشگاه‌ها به کانون پرمهر و دامان گرم خانواده‌ها اجرا شد.

در آن زمان شهرداری تهران تعداد زیادی پرورشگاه داشت و تعداد بی‌شماری کودک تحت سرپرستی شهرداری بودند. ما اعلام کردیم به‌منظور دورماندن کودکان از هرگونه آسیب‌های اجتماعی و تربیت و آموزش بهتر آنان، قصد داریم این کودکان را از پرورشگاه‌ها و مهد کودک‌ها بگیریم و با ساز و کار مناسبی آنها را در اختیار خانواده‌های داوطلب قرار دهیم تا در محیط آرام خانواده و تحت سرپرستی اشخاص باصلاحیت رشد کنند و تربیت شوند. در این صورت آسیب‌های اجتماعی در آینده به میزان قابل توجهی کاهش می‌یافت. لازمهٔ چنین اقدامی تبلیغات گسترده از طریق رسانه‌ها بود که خوشبختانه انجام گرفت و این موضوع با استقبال گستردهٔ مردم روبرو گردید. در نتیجه با تلاش‌های پی‌گیر و در مدت کوتاهی همه کودکان به فرزندخواندگی پذیرفته شدند. استقبال خانواده‌ها از این موضوع به اندازه‌ای زیاد بود که مجبور شدیم خانواده‌های داوطلب را در لیست انتظار قرار دهیم تا موارد احتمالی بعدی کودکان به نوبت تحت سرپرستی این خانواده‌ها قرار گیرند.

بدین منظور در فاصله زمانی کوتاهی عده‌ای از مددکاران اجتماعی، روان‌شناسان و کارشناسان امور تربیتی با تشکیل گروه‌های داوطلب، اقداماتی کردند. این افراد در گام نخست برای تحقیق به محل کار، زندگی و خانوادهٔ بستگان درجه اول و درجه دوم کودکان موجود در پرورشگاه‌ها می‌رفتند و در صورت احراز صلاحیت آنان، تمهیداتی فراهم کردند تا کودکان به خانوادهٔ پدری یا مادری و بستگان خود بازگردند. شهرداری به‌منظور رفاه حال خانواده‌ها و بابت نگهداری از هر کودک، مبلغی کمک می‌کرد. این مبلغ در گذشته تحت عنوان امداد خانواده پرداخت می‌شد و رقم آن به‌طور متوسط ۷۰ تومان در ماه بود و ما آن را به رقم ۱۲۰۰ تومان در ماه افزایش دادیم. گفتنی است رقم متوسط تمام شده برای شهرداری تهران در ازای نگهداری هر کودک در پرورشگاه یا شیرخوارگاه، ده برابر این مقدار بود. بدین ترتیب بسیاری از کودکان و فرزندان پرورشگاه‌های شهرداری به دامن خانواده‌ها بازگشتند. تنها تعداد معدودی از کودکان معلول که تقریباً ۱۰ درصد کودکان بی‌سرپرست را شامل می‌شدند یا آنهایی که

والدینشان در قید حیات نبوده و یا به دلایل مختلف از جمله زندانی بودن موقت سرپرست، امکان واگذاری آن‌ها به خانواده‌های متقاضی وجود نداشت، در مراکز ویژه کودکان معلول مانند آسایشگاه رفیده نگهداری شدند.

بدین صورت مکان‌های وسیع و گسترده پرورشگاهی تخلیه شد و مطابق ضوابط و مقررات موجود برای انجام امور عام‌المنفعه فرهنگی، درمانی و آموزشی به سایر سازمان‌های دولتی واگذار گردید. در این فرآیند پرورشگاه شماره یک دخترانه واقع در خیابان کارگر (سی‌متری) چهارراه لشکر، به دانشگاه علامه طباطبایی واگذار شد. پرورشگاه شماره ۲ پسران واقع در خیابان سینا در اختیار آموزش و پرورش و هنرستان فنی و حرفه‌ای قرار گرفت. پرورشگاه پسران ویژه کودکان پسر واقع در خیابان قزوین به دو بخش تقسیم شد: یک بخش به اداره راهنمایی و رانندگی تعلق گرفت و بخش دیگر در اختیار شهرداری منطقه که فاقد مکان لازم بود، قرار گرفت. محل نگهداری معلولان ذهنی و بزرگسالان واقع در خیابان سعدی جنوبی به اداره شماره‌گذاری راهنمایی و رانندگی تحویل گردید و نهایتاً بخش ساختمان‌های عظیم و نوساز در غرب پرورشگاه دختران شماره یک که در ضلع شمالی بیمارستان واقع بود، جهت توسعه خدمات روان‌درمانی به بیمارستان روزه واگذار شد.

کودکان باقی‌مانده به تفکیک سن و نوع معلولیت در واحدهای مختلف تقسیم شدند. کودکانی که از سلامت جسمانی بهره‌مند بودند به تفکیک سن و جنس در شعبات مختلف پذیرش شده و تا ۱۸ سالگی نگهداری و سرپرستی می‌شدند. کودکان دیگری نیز در مراکز شبیه خانواده به نام‌های سوده، هانیه، آسیه و... نگهداری شدند. همچنین تعدادی دیگر از کودکان در خانه‌هایی که بنیاد مستضعفان در اختیار سازمان بهزیستی قرار داده بود و هرکدام ظرفیت نگهداری از ۱۰ تا ۱۵ تن را داشتند، اسکان یافتند.

### ۲-۳) برچیدن قلعه شهرنو

پیش از انقلاب در تهران ولگردان، معتادان و زنان تن‌فروش در چند منطقه ویژه حضور داشتند. مثلاً قلعه شهرنو در جنوب غربی تهران و در ضلع جنوبی بیمارستان فارابی واقع

شده و وسعتی برابر ۱۳۵ هزار متر مربع را به خود اختصاص داده بود. در فضای خاص بعد از انقلاب اصلاً قابل قبول نبود که در چنین اماکنی، زنانی با آن اوضاع و احوال و حرفه فعالیت کنند. فضای اجتماعی شهر طوری تغییر یافته بود که دیگر اجازه نمی‌داد چنین اماکنی با آن وضع فلاکت‌بار بتوانند به شیوه سابق حفظ شوند.

مدتی پیش از پیروزی انقلاب این مکان‌ها مورد هجوم و تخریب عده‌ای از مردم قرار گرفته و بخش‌هایی از آن طعمه آتش‌سوزی شده بود. ساکنان این محل‌ها که بعضاً در خیابان‌های مجاور (محل جمشید) و در درون قلعه اسکان داشتند، در این ایام متواری شدند و قلعه شهر نو نیز به مکان مخروبه‌ای تبدیل گردید که جز معتادان به مواد مخدر، ولگردان و برخی افراد بی‌خانمان، کسان دیگر در آن تردد نمی‌کردند.

در این ایام تعدادی از زنان قلعه به خانه آیت‌الله طالقانی پناهنده شده و متقاضی کمک و حمایت بودند. ایشان رسیدگی به آن منطقه و ساماندهی این زنان و بهسازی ویرانه‌های شهرنو را به معاونت امور اجتماعی و رفاه شهرداری ارجاع دادند و خواستار انجام اقدامات مقتضی گردیدند.

بدین لحاظ در حوزه معاونت امور اجتماعی شهرداری، شورایی مرکب از چند تن از معاونین شهرداری، نمایندگان از روحانیون، دانشگاہیان و کمیته‌های انقلاب اسلامی تشکیل گردید و ضمن رسیدگی و ارائه کمک‌های لازم به زنان مراجعه‌کننده، اقدامات لازم درخصوص اشتغال‌زایی، توانمندسازی، حمایت‌های اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و... در باره آن‌ها انجام پذیرفت.

## فصل ششم: خدمات شهری

### ۱) انتقال ادارات شهرداری به ساختمان جدید

در ابتدای انقلاب شهرداری تهران در نقاط مختلف پایتخت، چندین ساختمان داشت و دفتر کار شهردار نیز در ساختمان کنونی معاونت شهرسازی و معماری در خیابان ایرانشهر بود. هر کدام از معاونت‌ها نیز در نقطه‌ای از شهر پراکنده بودند.

پس از مدتی متوجه شدیم ساختمان حزب رستاخیز در خیابان دکتر فاطمی به صورت نیمه‌کاره مانده و تمام تجهیزات و امکانات مورد نیاز آن، از مبلمان گرفته تا تأسیسات و سامانه صوتی آن از خارج از کشور سفارش شده و در گمرک است. بنابراین از طریق دولت موقت از شورای انقلاب مجوز گرفتیم تا این ساختمان را در اختیار شهرداری تهران قرار دهند. هدف این بود که واحدهای پراکنده شهرداری را در مکان مشخصی متمرکز کنیم تا شهروندان برای انجام کارهای اداری خود مجبور نباشند در نقاط مختلف شهر تردد کنند. برای این منظور کمیته‌ای تشکیل شد تا تکمیل ساختمان و ترخیص تجهیزات از گمرک را پیگیری کند. سپس برای تکمیل هرچه زودتر ساختمان با شرکت‌های پیمانکاری لوزان<sup>۱</sup> و جنرال مکانیک که پیمانکاران ساختمانی و تأسیساتی پروژه بودند، مذاکره کردیم. آن‌ها هم

---

۱. در سال ۱۳۴۶ مدتی با شرکت لوزان همکاری داشتیم. آقایان دکتر زیرک‌زاده و مهندس عطایی مدیران اصلی این شرکت بوده و با آنها آشنایی و همکاری داشتیم.

داوطلبانه کمک کردند و در زمان فشرده‌ای ساختمان تکمیل شد. از سویی اگر تجهیزات سفارش داده شده به موقع از گمرک جمع‌آوری نمی‌شد، معلوم نبود ساختمان و تجهیزات چه سرنوشتی پیدا می‌کرد. در نهایت کلیه واحدهای ستادی شهرداری در زمستان ۱۳۵۸ به ساختمان جدید در خیابان دکتر فاطمی منتقل شد و نهایتاً حدود ۵۰۰۰ کارمند ستادی شهرداری را در آن ساختمان جمع کردیم.

در نخستین روز استقرار در ساختمان جدید (۱۸ اسفند ۱۳۵۸)، برای کارکنان شهرداری سخنرانی ایراد کردم که پس از اذان ظهر از سیستم صوتی ساختمان پخش شد. در این سخنرانی بر ضرورت ادامه پاکسازی تأکید کرده و در مورد اقدامات شهرداری در جهت امنیت شغلی کارمندان و رفع تبعیض‌های اداری و نارسایی‌های گذشته، رسیدگی به شکایات کسانی که در رژیم سابق تعلق و یا اخراج شده بودند و پرداخت حقوق کامل آنان، شرایط ترفیع کارکنان، استخدام رسمی کلیه کارکنان پیمانی و پرداخت به موقع حقوق و مزایای کارکنان با وجود مشکلات مالی توضیحاتی ارائه کردم.<sup>۱</sup>

مدتی بعد و در دوره مدیریت شهرداری آقای دلجو، موقعی که در مرکز شهر بمبی منفجر شد، به دستور آقای ناطق نوری (وزیر کشور وقت) ساختمان وزارت کشور در خیابان بهشت (محل کنونی شهرداری) تخلیه شد و کارمندان وزارت کشور به این ساختمان منتقل شدند. به موجب این تصمیم ۵۰۰ کارمند وزارت کشور به ساختمان فاطمی آمدند و مجدداً ۵۰۰۰ کارمند شهرداری در تهران پراکنده شدند. هرچند آقای ناطق نوری برای حفظ امنیت کارکنان وزارت کشور این دستور را صادر کردند، اما به نظر من این اقدام در جهت مصالح مدیریت شهر تهران نبوده است.

## ۲) افزایش بودجه و درآمد شهرداری

بودجه شهرداری تهران برای تحقق اهداف ۹ گانه خدمات عمومی، رفاه کارکنان، طراحی و شهرسازی، عبور و مرور، پاکیزگی شهر، فضای سبز، ایمنی و نجات، خدمات اجتماعی و فرهنگی و تأسیسات و تسهیلات شهری اختصاص داده می‌شد.

در آن زمان بودجه شهرداری تقریباً ۲/۵ میلیارد تومان بود که از محل‌هایی چون عوارض شهرداری شامل عوارض نوسازی ساختمان‌ها (که مبلغ کمی بود)، عوارض گمرکات و وزارت دارایی تأمین می‌شد.<sup>۱</sup> گردش مالی شهرداری تهران نیز تقریباً ۵ میلیارد تومان بود.

اعتبار بودجه شهرداری در سال ۱۳۵۹، مبلغ ۳۰ میلیارد و ۲۷ میلیون ریال در سه بخش جاری، ثابت و هزینه‌های متفرقه در نظر گرفته شد. در این بودجه درآمدهای اختصاصی و عمومی از هم تفکیک شده و برای هرکدام منابع متمایزی در نظر گرفته شد. همچنین تصویب شد که اداره کل امانی و سازمان خدمات موتوری نیز در جهت ایجاد تمرکززدایی به صورت بازرگانی و از طریق فروش خدمات و تولیدات خود، منابعشان را تأمین کنند. در آن سال بر مبنای برنامه‌های مطالعه شده، اصلاحاتی در بودجه صورت گرفت که بر آن اساس امکان نظارت بر اجرای برنامه‌ها ممکن گشت و برای مشکلات آینده شهر نیز پیش‌بینی‌هایی انجام شد.

در سال ۱۳۵۶ بازده تقریبی پرداختی مواجب ماهانه کارگران و کارمندان بین ۱۴۰۰۰ تا ۱۰۴۹۰۰ ریال و در سال ۱۳۵۷ میان ۱۷۰۰۰ تا ۱۲۲۰۰۰ ریال بود. پس از انقلاب و در سال ۱۳۵۸ شهرداری و البته کل سیستم دولتی توانایی افزایش قابل توجه دستمزدها را نداشت لذا به حقوق کارگران تقریباً ۱۰ درصد و به حقوق کارمندان ۱۳ درصد اضافه گردید.

---

۱. البته کمک‌های دیگر هم بود مانند کمک ۱۰۰ میلیون دلاری عربستان به شاه که برای نوسازی و توسعه جنوب تهران اختصاص یافت و هزینه شد. در این مورد در صفحات آتی، مبحث «توسعه جنوب شهر تهران» بیشتر توضیح داده‌ایم.

حقوق ماهانه شهردار تهران ۳۰ هزار تومان بود که با احتساب مزایا به ۱۰۰ هزار تومان می‌رسید. البته من و معاونینم فقط بخشی از حقوق و مزایا (یعنی مبلغ ۱۰ هزار تومان) را دریافت می‌کردیم و کارشناسان نیز بسیاری از خدمات کارشناسی را نیز داوطلبانه انجام می‌دادند. حقوق ماهانه کارکنان شهرداری هم دو تا چهار هزار تومان بود. پیش از انقلاب ۷۰ تا ۸۰ درصد درآمد شهرداری صرف حقوق کارکنان می‌شد و تنها ۳۰ درصد به پروژه‌های عمرانی اختصاص می‌یافت.

برای خودکفا کردن بودجه شهرداری، مطالعات کارشناسی راهبردی انجام شد تا بتوان از اشخاص و سازمان‌هایی که به نحوی از خدمات شهری بهره‌مند می‌شوند، متناسب با خدمتی که دریافت می‌کنند، عوارض دریافت شود تا از محل همان عوارض، بتوان امور شهر را اداره کرد. برنامه‌ریزی و مدیریت مالی آن دوره بسیار شفاف بود لذا با جلب همکاری مردم و اعتمادی که آنان به مدیران انقلاب داشتند، درآمد شهرداری افزایش یافت زیرا مردم با طیب خاطر عوارض خود را پرداخت می‌کردند.

به طور کلی در دو سال ابتدای انقلاب، شهرداری تهران مکلف شد با اعمال سیاست‌هایی در جهت افزایش درآمد، تعیین اولویت در برنامه‌ها، صرفه‌جویی از طریق حذف پست‌های زائد، تنظیم تشکیلات جدید و جلوگیری از فساد، دخل و خرج خود را متوازن نماید. لذا با توجه به صرفه‌جویی و حذف فساد سابق، هزینه‌های آن دوره نسبت به قبل کاهش یافت، گردش مالی شفاف شد و کارکنان شهرداری منضبط عمل کردند. در آن دوران حتی یک گزارش خلاف که مثلاً یک نفر رشوه گرفته باشد نداشتیم. به علاوه همه هزینه‌های زائد شهرداری حذف شده بود.

البته با فقدان آمار و نداشتن معیارهای کافی در آن دوره، برنامه‌ریزی بسیار مشکل بود. با این وصف اداره کل درآمد با تشکیل شوراها، بهره‌گیری از همکاری کارمندان و مدیران، مطالعه اقتصاد برنامه‌ریزی شده کشورهای در حال توسعه و استفاده از تکنیک‌ها و ضرایب محاسبه خطا موفق شد طرح‌های جامعی تدوین کند. بدین منظور با انتشار پرسشنامه و انجام مصاحبه با کارکنان، در قدم اول شناخت کاملی از توانایی‌های سیستم به دست آمد.



سپس با توجه به توانایی های هر بخش، وظایف و مسئولیت‌ها تقسیم شد. هرچند کاستی‌های بسیاری بر سر راه اصلاح این سیستم وجود داشت و اداره کل درآمد، نظام بودجه‌ریزی را منافی استقلال خود می‌دانست.

برای اصلاح و گردآوری قوانین و روش‌های اجرایی مربوط به درآمد، کمیته‌ای تشکیل شد تا با گردآوری مصوبات بلدیة از ابتدای تشکیل آن در سال ۱۳۰۰ش و بررسی مفاد آن، نسبت به اصلاح موارد مبهم و افزودن نکات لازم به آن اقدام کند.

جهت افزایش بهره‌وری نظام مالی شهرداری، مقرر شد امور مربوط به عوارض نوسازی و سایر عوارض‌های دریافتی مانند عوارض دریافتی از اتومبیل‌ها، مکانیزه شوند. به علاوه ترتیبی اتخاذ شد تا کلیه اطلاعات لازم برای وصول عوارض به فرم‌های کامپیوتری منتقل شده و به صورت رایانه‌ای محاسبه گردند.

برای نیل به استقلال مالی و تأمین درآمد مطلوب در سال ۱۳۶۰، طرح قانونی وصول عوارض خدمات شهری، مورد بازنگری قرار گرفت. شهرداری برای توزیع عادلانه درآمد در قالب طرح حمایت از شهرها و روستاهای کوچک، ناگزیر بود از شهروندان درآمد کسب کند چرا که اوضاع مالی کشور دیگر اجازه نمی‌داد از دولت کمک دریافت کند. بدین ترتیب معافیت‌های نوسازی تا ۳۰۰ هزار ریال و معافیت‌های خاص نهادهای دولتی لغو شد و املاک و اراضی مستقر در محدوده ۲۵ ساله نیز به شرط استفاده نکردن از آب، برق و آسفالت از تخفیف ۴۵ درصدی برخوردار شدند. جریمه دیرکرد نیز به عوارض دریافتی تعلق گرفت. البته املاک عمومی شامل اماکن مقدسه، املاک موقوفه، ابنیه باستانی، ندامتگاه‌ها، املاک سیاسی و کنسولی، اماکن آموزشی و ورزشی متعلق به دولت از معافیت برخوردار شدند.

در این دوره، تمام قراردادهایی که با شرکت‌های خارجی (به ویژه شرکت‌های آمریکایی، آلمانی و انگلیسی) داشتیم را از طریق مذاکره و در شرایط ملت‌هیب آن زمان به صورت مسالمت‌آمیز تسویه کردیم. بعد از اشغال سفارت سابق آمریکا که رابطه ما تقریباً با همه کشورها قطع و نهایتاً به صدور بیانیه الجزیره منجر شد، شرکت‌های طرف قرارداد با

ایران، ادعای خسارت کردند و شاید شهرداری تهران تنها دستگاهی بود که در دادگاه مربوطه در لاهه پرونده‌ای نداشت.

در دی ۱۳۵۹ که من استعفا دادم و آیت‌الله مهدوی کنی (وزیر کشور)، آقای زواره‌ای را برای سرپرستی شهرداری و در واقع به عنوان محلل معرفی کردند، جلسه‌ای در شهرداری تهران با حضور آقای زواره‌ای و همه مدیران شهرداری برگزار شد. در آن جلسه طی سخنانی، چارچوب اقدامات انجام شده در آن دو سال را اعلام کردم و گفتم خوشحالم که آقای زواره‌ای این مسئولیت را به عهده گرفتند و اعلام کردم که ۶۵۰ میلیون تومان در حساب شهرداری موجود است. پس از آن بسیاری کوشش کردند که نقطه ضعفی از نظر مالی در شهرداری پیدا کنند اما کوچکترین اثری پیدا نکردند.

### ۳) ایجاد میادین میوه و تره‌بار

در زمینه اقتصاد شهری و تأمین نیازهای روزمره شهروندان تهرانی، اقدامات زیادی باید انجام می‌گرفت که ایجاد بازارهایی برای عرضه مستقیم میوه و تره‌بار جزو مهم‌ترین کارها بود. تا آن زمان بازار میوه و تره‌بار به‌طور انحصاری دست گروهی بود که میوه و تره‌بار را به صورت سلف‌خری و با قیمت نازل از تولیدکننده خریده و با قیمت بالا در اختیار شهروندان قرار می‌دادند.

پیش از انقلاب در وزارت بازرگانی پروژه‌ای مطرح شده بود که من نیز به عنوان کارشناس ترافیک در جریان آن قرار داشتم. این پروژه موضوع کاهش قیمت میوه و تره‌بار از طریق تنظیم ارتباط میان تولیدکننده با مصرف‌کننده و حذف واسطه‌ها را دنبال می‌کرد تا تولیدکنندگان یا نمایندگان آن‌ها با برنامه‌ریزی و رعایت ضوابط مشخص بتوانند محصولات خود را به شهروندان عرضه کنند. به همین منظور در طرح مربوطه ایجاد یک میدان مرکزی و تعدادی میادین اقماری در مناطق و نواحی شهری پیش‌بینی شده بود.

با پیروزی انقلاب، شهرداری تهران این پروژه را پیگیری کرد و برای کاهش هزینه زندگی مردم، مطالعه طرح را ادامه داده و آن را پیگیری و تکمیل کردیم. در همین راستا در

جنوب تهران و در مجاورت شبکه بزرگراهی آزادگان و تندگویان زمینی را به‌عنوان میدان مرکزی و مادر انتخاب و محصور کردیم و چند میدان دیگر را به‌عنوان میدان اقماری (مانند میدان فزل قلعه در بزرگراه جلال آل‌احمد، آزادی، پیروزی و ...) احداث کردیم تا برای این منظور مورد بهره‌برداری قرار گیرند.

در سال‌های بعد به تدریج میدان مرکزی میوه و تره‌بار و میادین اقماری آن در مناطق و نواحی مختلف شهر تهران ایجاد شد و مورد بهره‌برداری قرار گرفت. احداث و راه‌اندازی این میادین در اقتصاد خانوارهای شهری نقش برجسته و کلیدی داشته که از نتایج آن تأمین نیازهای روزمره مردم به میوه و تره‌بار با قیمت مناسب است.

از چالش‌های جدی مدیریت شهری در آن دوره، موضوع سازماندهی و انتقال واسطه‌ها در میدان‌هایی بود که در بافت قدیمی تهران متمرکز بودند. گاهی شب‌ها با نمایندگان آنان جلسات مشورتی طولانی برگزار می‌شد تا نظام جدید ارتباط تولیدکنندگان با مصرف‌کنندگان با موافقت آنان تنظیم شود. در کشورهای اروپایی مانند فرانسه نمونه‌هایی از این تجربه را در اختیار داشتیم. یک روز آقای جواد رفیق‌دوست (خانواده ایشان از میدان‌دارهای قدیمی شهر تهران بودند و در جریان انقلاب نیز با هم ارتباط نزدیکی داشتیم) به دفترم آمد و با لحن تهدیدآمیزی گفت: «توصیه می‌کنم پایت را از گلیم میدانی‌ها خارج کن!» به هر حال مناسبات میان متنفذان میادین قدیمی با صاحب‌منصبان حکومتی به‌اندازه‌ای پیچیده و درهم تنیده بود که بعد از من و حتی در دوره مدیریت آقای کرباسچی در شهرداری تهران که ساختمان میدان مرکزی آماده شده بود، به‌رغم مدیریت مقتدرانه آن دوره، باز مسئولان شهرداری نتوانستند اهداف اولیه طرح را عملی کنند. امروز هم با نظارت شهرداری ظاهراً هنوز همان مناسبات قبلی در میادین میوه و تره‌بار حاکم است.

#### ۴) توسعه و نوسازی جنوب شهر تهران

در آستانه پیروزی انقلاب، مناطق شمالی شهر در مقایسه با جنوب تهران، مرغوب و آباد بود زیرا امکانات و سرمایه‌گذاری‌ها بیشتر در شمال شهر متمرکز بود. لذا پس از انقلاب طبیعی بود که

ما به جنوب شهر تهران توجه ویژه داشته باشیم. به همین منظور «سازمان عمران جنوب تهران» تقویت شد و مدیران قوی در آن مستقر شدند. من نیز هفته‌ای یک روز از مناطق جنوبی سرکشی می‌کردم. البته قبل از انقلاب سازمان بهسازی جنوب شهر تهران وجود داشت و ما آن را تقویت کرده و مدیران با تجربه‌ای مثل آقای مهندس سعید حجازی که در سال‌های قبل از انقلاب پایه‌گذار و مجری پروژه فاضلاب شهر اصفهان بود را برای مدیریت آن سازمان انتخاب کردیم.

هدف از تقویت سازمان بهسازی جنوب تهران، شناسایی و تأمین نیازهای رفاهی، اجتماعی و عمرانی مناطق جنوب و حاشیه‌ای شهر تهران با رعایت سیاست‌های کلی دولت در زمینه‌های عمرانی با تکیه بر مطالعات دستگاه‌های مختلف بود تا نهایتاً به تهیه و اجرای طرح‌های بهسازی منجر گردد. وظایف این سازمان در وهله نخست بررسی و شناسایی کمبودهای مناطق مختلف جنوب تهران و سپس برنامه‌ریزی برای رفع نیازهای مربوط به تأمین آب، خروج فاضلاب، تأمین برق، تهیه مسکن و همچنین ایجاد مراکز آموزشی، درمانی و رفاهی بود. اقدامات زیربنایی مانند احداث معابر و تعمیر آسفالت خیابان‌ها، پیادوسازی و همچنین تأمین ارزاق و مایحتاج روزانه این مناطق با تأسیس فروشگاه‌های بزرگ تعاونی نیز مدنظر بود.

برنامه‌ریزی برای جابجایی افراد از مناطق غیرقابل سکونت و تهیه برنامه برای بهبود اوضاع زندگی ساکنان جنوب تهران از طریق جلب مشارکت بخش خصوصی و حمایت‌های دولتی از دیگر وظایف مهم آن سازمان بود. در نهایت توجه به این مهم ضروری بود که همه اقدامات فوق باید با تکیه بر مشارکت‌های مردمی و با همکاری شوراهای محلی صورت پذیرد.

ساختار سازمانی این نهاد از معاونت‌های برنامه‌ریزی و نظارت فنی و اجرایی، اداری و مالی و معاونت اجتماعی تشکیل شده بود.

برای عمران و توسعه مناطق جنوبی، اصلاح معابر و مهار سیلاب‌ها از جمله اولویت‌ها بود؛ زیرا بیشتر خیابان‌های جنوب تهران هنوز خاکی بودند. انجام این امور به بودجه کلانی نیاز داشت که در اوضاع انقلابی قابل تأمین نبود تا این‌که متوجه شدیم قبل از انقلاب دولت عربستان، ۱۰۰ میلیون دلار به شاه کمک کرده بود تا به ساماندهی جنوب تهران اختصاص دهد و با کاهش فاصله طبقاتی از وقوع انقلاب پیشگیری کند. البته حکومت شاه برای انجام این

برنامه فرصتی نیافت. این پول در اختیار بانک مرکزی بود که با پیگیری‌های صورت گرفته از دولت موقت، پول در اختیار شهرداری تهران قرار گرفت. این اعتبار برای اجرای برنامه‌های مورد نیاز جنوب شهر از جمله اجرای پروژه‌های بهسازی معابر و آسفالت در جنوب تهران استفاده شد. آسفالت معابر خیابان‌های جنوب تهران بر عهده مناطق شهرداری تهران (مناطق سابق ۴، ۶، ۷ و ۱۲) بود که تا پایان دوره مدیریت من در بسیاری از مناطق کار آن به اتمام رسید و یا در مراحل نهایی بود؛ هرچند بخش قابل توجهی از خیابان‌ها مراحل ابتدایی پروژه را طی می‌کردند و در مورد آسفالت بسیاری خیابان‌های دیگر نیز هنوز اقدامی انجام نگرفته بود.

علاوه بر اصلاح معابر، بازسازی مسیل‌ها و مهار آب‌گرفتگی، با در اختیار گرفتن زمین‌های آزاد، نسبت به احداث چندین پارک اقدام گردید که از آن نمونه می‌توان به ایجاد پارکی در خیابان شهید رجایی یا پارک بزرگی در شرق ترمینال جنوب، اشاره نمود. بدین ترتیب توسعه فضای سبز نیز صورت گرفت.

تا پایان آبان ۱۳۵۹، سازمان بهسازی و عمران جنوب تهران، پروژه ساخت ۲۲۲۴ واحد مسکونی شامل ۸ دستگاه ساختمان ۲۰ واحدی، ۴ ساختمان ۱۲ واحدی و دو ساختمان ۸ واحدی را آغاز کرد و ۵۷ واحد را به مرحله تحویل رساند.

این سازمان ۶۱ پروژه آموزشی شامل همه مقاطع تحصیلی در ۸۷ واحد ساختمان آموزشی را در دست ساخت داشت که تا آن تاریخ ۱۱ پروژه به اتمام رسید. به علاوه ساخت ۵ پلی‌کلینیک و ۱۳ درمانگاه در حال اجرا بود که سازمان موفق شد بیش از ۵ درمانگاه را به وزارت بهداشت تحویل دهد.

با توجه به نیازهای فرهنگی، رفاهی و ورزشی مناطق محروم جنوب تهران، طرح ساخت ۲ باب مهدکودک و ۵ سالن ورزشی نیز در دستور کار قرار گرفت که تا آبان ۱۳۵۹ ساخت یکی از سالن‌های ورزشی به اتمام رسیده بود.

برای آبرسانی به مناطق جنوبی شهر نیز طرح‌هایی تهیه شد و ۳ طرح نیز مورد مطالعه قرار گرفت. برای این منظور در این مناطق ۴۵ اسکلت فلزی با منبع هوایی برای ذخیره آب احداث شد و ۱۹ حلقه چاه عمیق برای آبرسانی بهتر به پمپ مجهز گردید و مورد

بهره‌برداری قرار گرفت. به علاوه برای آبیاری پارک‌ها و نگهداری از فضای سبز، ۳۲ حلقه چاه مجزا اختصاص داده شد.

### ۵) توسعه فضای سبز

از آن‌جا که مبنای هر م زندگی در نظام طبیعت، وجود گیاهان هستند و تعادل و پایداری پهنه گیاهی تعادل سایر لایه‌های زیستی را ممکن می‌کند، لذا توجه به محیط زیست و بهداشت عمومی از مسائل مهم مدیریت شهری به حساب می‌آید. متأسفانه توسعه شهری در ذات خود عامل مهمی برای کاهش پوشش گیاهی است. از این رو در توسعه فضای سبز شهری باید کوشید تا فقدان و کمبود این پوشش جبران گردد.

در سال‌های پیش از انقلاب تحت تأثیر اقتصاد مصرفی رایج، توسعه شهری به گونه‌ای نبود که توجه چندانی به جبران فضاهای سبز صورت گیرد و همان اندک پوشش گیاهی شهری نیز به سبب آلودگی‌های زیست‌محیطی، طروات خود را از دست داده و پژمرده و بی‌طراوت گشته و عرصه رشد گیاهان هم به سبب استفاده ناموزون از فضا تنگ شده بود. بنابراین تقاضای روزافزون مردم از شهرداری برای بهبود و توسعه فضای سبز امری طبیعی بود. لیکن امکانات و اعتبارات لازم در حد برآوردن تقاضاهای روزافزون و شرایط پس از انقلاب نبود. از سوی دیگر فضای سبز و پارک‌های تهران مجموعه گسترده و پراکنده‌ای در سطح شهر داشت و برخی تجمعات و گردهم‌آیی‌های مردم در داخل پارک‌ها صورت می‌پذیرفت که شرایط ویژه و نیازهای خود را می‌طلبید.

لازمه توسعه و گسترش فضای سبز در هر منطقه، در نظر گرفتن استعداد و امکانات طبیعی و اقلیمی آن منطقه است. شهر تهران همچون بسیاری مناطق دیگر کشور از دیرباز از مشکل کم‌آبی رنج می‌برد. در برنامه‌ریزی شهرداری با در نظر گرفتن این مشکل و نیاز مبرم چمن به آبیاری فراوان، برای توسعه فضای سبز درختکاری بر چمن‌کاری ارجحیت داشت؛ به‌ویژه که درخت و درختکاری با روحیات و فرهنگ ایرانی نیز سازگاری بیشتری داشت. نکته مهم در مدیریت توسعه فضای سبز شهری این بود که رفع کمبودها جز با

همکاری مردمی ممکن نبود زیرا کاشت درختان و احداث فضای سبز تنها قدم اول بوده و نگهداری از آن به عهده همگان بود. از این جهت بنا بر نظر کارشناسان سهم مردم در ایجاد فضای سبز، چهار برابر سهم شهرداری بود. بنابراین برای مدیریت شهری مطلوب بود که اقدام به توسعه فضای سبز هم‌زمان از سوی مردم و شهرداری صورت گیرد. به همین منظور شهرداری برای درختکاری، نهال درختان لازم و مورد نظر را در اختیار مردم قرار می‌داد تا خودشان در این اقدام مشارکت کنند.

در اوضاع آن روزها نمی‌توانستیم با موج مهاجرت و تجاوز به اراضی شهری مقابله کنیم، اما برای جلوگیری از این مشکل یا کاهش آن، زمین‌های آزاد شهری را به پارک تبدیل کردیم. به عنوان مثال، در شرق خیابان شهید رجایی کنونی، زمین بزرگی بود که در معرض تجاوز قرار گرفته بود و ما موفق شدیم آن را به فضای سبز و پارک عمومی تبدیل کنیم. در جنوب خاوران نیز زمین بسیار بزرگی بود که به کاربری فضای سبز اختصاص پیدا کرد و امروز به صورت پارک بزرگ آزادگان مورد بهره برداری قرار می‌گیرد. به علاوه در راستای اهداف انقلاب اسلامی در تمامی پارک‌ها، محل ویژه‌ای جهت اقامه نماز احداث گردید.

در مناطق جنوبی شهر نیز احداث پارک‌ها، جنگل‌کاری و درخت‌کاری در قالب ۴۷ پروژه تدوین گشت و به همین منظور برای تسطیح اراضی متناسب با این طرح‌ها و هم‌چنین اجاره تانکر، ماشین‌آلات، خرید نهال با پیمانکاران مختلف قراردادهایی منعقد شد. در روز درختکاری با شعار «به یاد هر شهید یک درخت بکاریم» به استقبال این روز رفتیم و در مناطق و محلات مختلف شهر تهران درختکاری شد و در پارکی جدیدالتأسیس در جنوب تهران هر یک از خانواده معظم شهدا با کاشتن درختی و الصاق عکس شهید خانواده خود، یاد و راه شهیدان را پاس داشتند.

از دید کلان اهداف ایجاد فضاهای سبز در شهر تهران با توجه به پراکندگی نامتوازن این‌گونه فضاها میان شمال و جنوب تهران، تحدید توسعه شهری در مناطق جنوبی، توسعه فضای سبز به ویژه در جنوب و نهایتاً کاهش سطح آب‌های آلوده در لایه‌های میانی زمین بود تا بتوان از این طریق بخشی از ۴۵۰ میلیون متر مکعب تراکم فاضلاب و نفوذ سیلاب را جذب کرد و به مصرف رساند.

در گام‌های بعدی کاهش آلودگی هوا با افزایش رطوبت نسبی و گردش هوا به وسیله کاشت پوشش گیاهی و مهار اراضی بایری که محل انباشت خاکروبه و زباله شده بودند و تغییر چهره شهری مدنظر مدیریت فضای سبز قرار داشت. به علاوه در نگاه بلند مدت ایجاد مراکز ورزشی و فرهنگی در کنار فضاهای سبز به افزایش روحیه جوانان نیز منجر می‌گشت. توسعه فضاهای سبز شهری، برنامه‌ریزی ۵ ساله داشت تا ۳۰۰۰ هکتار از اراضی موات و بایر نواحی جنوبی زیر پوشش گیاهی روند. در سال اول قرار بود ۶۰۰ هکتار از این اراضی به پارک‌سازی و جنگل‌کاری اختصاص یابد که با موفقیت به پایان رسید و حتی ۲۰۰ هکتار بیش از برنامه‌ریزی انجام شد.

پارک قیطریه از پارک‌هایی است که بعد از انقلاب با راهنمایی آقای... اکبر (وکیل توانمندی که داوطلبانه با شهرداری تهران همکاری می‌کرد)، ایجاد گردید. روزی ایشان گزارش دادند خانم مالک باغ واقع در قیطریه مایلند ملک خودشان را به شهرداری اهدا کنند. با استقبال از این عمل خیرخواهانه پس از بررسی و طراحی و تبدیل باغ به صورت پارک عمومی، اثر ماندگار این خانم خیر امروز مورد استفاده شهروندان قرار دارد و در افزایش فضای عمومی و سرانه فضای سبز شهر نقش مؤثری داشته است.

در سال‌های ابتدای انقلاب در پایتخت، فضاهای سبز امتداد بزرگراه‌ها، پارک‌ها و گورستان‌های پارک شده جمعاً ۶۳۷۰۰۰۰ متر مربع بود که ۳۰۰ هکتار آن به گورستان بهشت‌زهر اختصاص داشت. تعداد پارک‌های شهری و ناحیه‌ای ۸ قطعه و پارک‌های محله‌ای ۲۶ قطعه بودند. به عبارتی سرانه فضای سبز تهران با احتساب جمعیت ۵ میلیونی، ۵ متر مربع در نظر گرفته می‌شد. در صورتی که سرانه پیشنهادی طرح جامع تهران برای مجموع فضاهای باز و سبز شهری تقریباً ۱۸ مترمربع بود.

سال دوم تا چهارم برنامه به واکاری نقاط کاشته شده، تکمیل عملیات ساختمانی و آبرسانی و افزایش سطح جنگل کاری در امتداد شریان ارتباطی ساوه و قم به وسعت ۱۰۰۰ هکتار اختصاص داشت. سال پنجم برنامه نیز باید به ترمیم و نگهداری و سمپاشی‌های درون شهری اختصاص داده می‌شد که این دوره به بعد از مدیریت ما در شهرداری بازمی‌گردد.



در مجموع با تدوین سیاست هایی برای توسعه و مراقبت از فضای سبز، شهرداری از ۵ میلیون مترمربع فضای سبز تهران را حراست کرد و به موازات اجرای طرح های ترافیکی به میزان ۱۲ درصد از آلودگی هوا کاسته شد. به علاوه ۸۰۰ هکتار از اراضی حریم شهر برای ایجاد فضای سبز در نظر گرفته شد و بیش از یک میلیون اصله درخت کاشته شد.<sup>۱</sup>

### ۶) مراقبت از محیط زیست و جمع آوری زباله

در ابتدای انقلاب چون در تهران آلودگی صوتی و آلودگی هوا بسیار کمتر بود لذا در مسأله محیط زیست، بحران جدی نداشتیم. به علاوه با اقداماتی که در مورد توسعه حمل و نقل عمومی انجام گرفت، آلودگی هوا و آلودگی صوتی به میزان قابل توجهی کاهش یافت. برای حفظ پاکیزگی شهر و جمع آوری زباله، چون موضوعی فنی بود لذا حل آن به زمان بیشتری نیاز داشت. تا آن روز جمع آوری زباله به صورت سنتی انجام می شد و شهرداری تهران ۴۵ تا ۵۰ هزار کارگر داشت که به صورت دستی، جمع آوری زباله را به عهده داشتند و کامیون های مخصوصی زباله ها را در دو منطقه جنوب و شرق تهران (عمدتاً جنوب) در گودال هایی دفن می کردند و گاهی هم آنها را می سوزاندند.

قبل از انقلاب یک شرکت انگلیسی در مورد تبدیل زباله به کود کمپوست کار کرده بود و طرح کارخانه کمپوست هم در کهریزک واقع در جنوب تهران طراحی و اجرا شده بود. قرار بود در این کارخانه با جداسازی زباله های تر از خشک، کود به دست آید. اما شرکت انگلیسی اجرای این پروژه را با مشکلاتی مواجه کرد. به آقای اکبر (وکیل دادگستری که داوطلبانه با شهرداری همکاری می کرد) وکالت دادیم تا در یکی از دادگاه های انگلستان شکایتی را علیه شرکت انگلیسی مطرح کند. دادگاه علیه شرکت انگلیسی رأی داد و علاوه بر دریافت خسارت سنگین، تمام تجهیزات کارخانه نیز در اختیار شهرداری قرار گرفت. در سال های بعد کارخانه کمپوست، بازسازی و تکمیل شد و هم اکنون از آن بهره برداری می شود به علاوه برای

جمع‌آوری و دفع زباله پروژه‌ای تعریف کردیم و قرار شد کارشناسان در مورد جمع‌آوری زباله به صورت بهداشتی مطالعاتی انجام دهند که در دو سال اول به نتیجه نرسید.

### ۷) برطرف کردن اشکالات در کشتارگاه تهران

تأمین و تجهیز امکانات کشتارگاه دامی در تهران از مسئولیت‌های شهرداری تهران بود. کشتارگاه در جنوب تهران در محله جوادیه و جنب میدان بهمن (میدان کشتارگاه) قرار داشت. در این مکان وسیع و مجهز، با نظارت دامپزشکان و کادر فنی شهرداری، روزانه هزاران رأس دام زنده (گوسفند، گاو و ...)، معاینه شده و پس از تأیید سلامتی گوشت و زدن مهر مخصوص به لاشه‌ها، کانتینرها گوشت را به مراکز فروش در سطح شهر و قصابی‌ها انتقال می‌دادند.

همچنین به‌منظور تأمین بخشی از کمبود گوشت داخلی از سال‌های قبل تیم ویژه‌ای از وزارت کشاورزی دام زنده و گوشت منجمد را از خارج کشور خریداری کرده و با همکاری شهرداری تهران و سازمان کشتارگاه، گوشت در سطح تهران توزیع می‌گردید.

تداخل مسئولیت‌ها و محدودیت اختیارات در موضوع تأمین گوشت مصرفی مردم، بعضاً مشکلاتی به‌وجود می‌آورد که برای حل و فصل آنها لازم بود در جلسات هیأت دولت موقت انقلاب حضور پیدا کنیم. آقای خسرو منصوریان معاون امور اجتماعی و رفاه شهرداری به نمایندگی از شهرداری تهران مسئولیت پیگیری و حل و فصل آن را بر عهده داشت. بیانات رهبر فقید انقلاب در خصوص گوشت‌های یخ‌زده و منجمدی که از خارج خریداری می‌شد، حساسیت‌هایی به‌وجود آورده بود و عده‌ای به این حساسیت‌ها دامن می‌زدند. سرانجام با پیگیری آقای دکتر یزدی و مذاکره حضوری با آقای دکتر علی محمد ایزدی (وزیر کشاورزی) و شهادت ایشان مبنی بر این که گوشت‌های منجمد با ضوابط شرعی ذبح می‌شوند، مشکل برطرف شد.

در مدت دو سال مدیریت شهری با اصلاح امور کشتارگاهی به موازات ذبح بیش از ۲/۵ میلیون رأس دام، بالغ بر ۸ میلیون لاشه دام مورد معاینه قرار گرفت و ۷ هزار تن موارد گوشتی به بازار عرضه شد.

البته در سال‌های بعد اداره سازمان کشتارگاه از مدیریت شهر تهران جدا گردید و اکنون زیر نظر وزارت بهداشت عمل می‌کند.

### ۸) توسعه و تکمیل زیرساخت‌های گورستان‌های تهران

در تهران قبرستان‌های فرعی و امامزاده‌هایی مثل امامزاده عبدالله، امامزاده یحیی، امامزاده قاسم وجود داشت اما گورستان بهشت زهرا در سال ۱۳۵۷ به عنوان گورستان اصلی تهران جا افتاده بود. هرچند کارهای ساماندهی و زیرساخت‌های آن به‌طور کامل انجام نشده بود و تکمیل شبکه معابر و فضای سبز آن، پروژه سنگینی بود که باید انجام می‌گرفت.

بهشت زهرا از نیمه دوم سال ۱۳۵۷ به ویژه در سال‌های ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ عملکردی فراتر از گورستان عمومی شهر داشت و علاوه بر کفن و دفن و خاکسپاری اموات، مراسم مذهبی مربوطه همان جا انجام می‌شد. در وضعیتی که امکانات و تجهیزات آن‌جا و حتی آب مصرفی برای شست‌وشوی اموات دچار کمبود و کاستی بود، همه روزه خیل عظیم تشییع‌کنندگان و مستقبلین پیکر شهدای انقلاب به بهشت زهرا روانه می‌شد و با حضور چند صد هزار نفر مراسم دینی و ملی در آن‌جا برگزار می‌شد. به همین لحاظ شاید بتوان گفت نه تنها بهشت زهرا که شاید هیچ گورستانی در مقطع زمانی دو سال اول بعد از پیروزی انقلاب چنین بار سنگینی از حضور مردم را تجربه نکرده باشد.

افزون بر این حضور رهبر فقید انقلاب در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ همراه با خیل عظیم مردم در بدو ورود به میهن در بهشت زهرا، همچنین حضور دبیرکل سابق سازمان ملل (کورت والدهایم) در بهشت زهرا جهت ادای احترام به شهدای انقلاب و نیز اجرای مراسم نماز جمعه در ۱۷ شهریور ۱۳۵۸ به امامت آیت‌الله طالقانی این مکان را بسیار برجسته ساخته بود. بعدها نیز مراسم تشییع جنازه و خاکسپاری شهدای جنگ ایران و عراق به ویژه شهید چمران و شهدای واقعه هفتم تیر و... همگی با حضور جمعیت میلیونی مردم در بهشت زهرا برگزار می‌شد.

از برنامه‌های مهم در آن مقطع، تکمیل آسفالت و توسعه شبکه ارتباطی بهشت زهرا (که عموماً خاکی بود) و همچنین توسعه فضای سبز و واحدهای خدماتی آن، از جمله

اقدامات توسعه زیرساخت های بهشت زهرا بود. یکی از واحدهای خدماتی، ساختمان جدید غسلخانه بود.

آیت الله طالقانی در شهریور ۵۸ پس از مراسم نماز جمعه که به مناسبت گرامیداشت شهدای ۱۷ شهریور در بهشت زهرا برگزار شد؛ طبق برنامه تنظیم شده برای افتتاح ساختمان جدید غسلخانه که پس از انقلاب تکمیل و تجهیز شده بود، متواضعانه حضور یافت و هنگام بازدید از غسلخانه در کنار بزرگترین سنگ شست و شوی اموات قرار گرفت و با گفتاری طنز گونه گفت: «چه خوب است پس از مرگ، جسد مرا روی این سنگ بشوید.» و در حالی که با دست روی سنگ مرده شوی خانه می زد، با لحنی محکم خطاب به آن غسل گفت: «مرا در اینجا خوب بشوی!» هرچند این سخنان آن زمان موجب تعجب همگان شد اما فردای آن روز متأسفانه ایشان فوت کرد و پیکر او اولین پیکری بود که در آن غسلخانه و روی همان سنگ شسته شد و در ۱۹ شهریور دفن گشت.

فقدان آیت الله طالقانی برای مدیریت شهر تهران ضایعه بزرگی بود زیرا حمایت های معنوی ایشان برای اقدامات و تصمیمات شهرداری پایتخت، پشتوانه بزرگی بود. بیانات ایشان در بسیاری امور مانند تبیین مسائل شوراها، توصیه ها در خصوص طرح ترافیک در محدوده هسته مرکزی شهر، همکاری در تبیین مشکلاتی مانند آلودگی هوا برای مردم در خطبه های نماز جمعه و ترغیب مردم به رعایت طرح ترافیک به لحاظ اجتماعی و جلب حمایت و اعتماد شهروندان از اهمیت ویژه ای برخوردار بود.

به نمایندگی از کارکنان و مدیریت شهرداری تهران، پیام تسلیتی خطاب به ملت داغدار ایران تهیه و منتشر شد و از خدمات ایشان قدردانی کردم.<sup>۱</sup>

پس از فوت ایشان با خانواده آن مرحوم و دوستان نزدیک در خصوص تعیین محل دفن مشورت کردیم. با شناختی که از نگاه اجتماعی ایشان داشتیم، پیشنهاد ما این بود که محل دفن ایشان مابین شهدای قبل و بعد از انقلاب باشد. اکنون مزار ایشان در میدانی

است که یک طرف آن قطعه‌ای است که شهدای میدان ۱۷ شهریور قرار دارد و در سمت دیگر آن شهدای بعد از انقلاب دفن شده‌اند.

البته شهدای بعد از انقلاب لزوماً شهدای جنگ تحمیلی نبودند و تعدادی از آنها در درگیری‌های بعد انقلاب به شهادت رسیده بودند. در دوره تصدی من بر مدیریت شهر تهران، قطعه شهدای بهشت زهرا جداسازی و گل‌کاری شد و کلیه معابر این گورستان به مساحت ۱۴۰ هزار متر مربع آسفالت گشت و بزرگراه بهشت زهرا به جاده قم متصل شد. در همان زمان حجت‌الاسلام محمدی گیلانی (حاکم شرع مستقر در دادگاه‌های انقلاب مرکز)، با غیرشرعی خواندن دفن غیرمسلمانان در بهشت‌زهرا، دستور منع دفن آنان را صادر نمود. به علاوه خواستار آن شد حتی‌المقدور غیرمسلمانان مدفون، نبش قبر شوند.<sup>۱</sup> احمد پورجانی (مدیرعامل بهشت زهرا) در پاسخ به این درخواست به حجت‌الاسلام گیلانی نامه‌ای نوشت و عنوان کرد اگر مشخص شود دفن غیرمسلمانان به دوران پیش از انقلاب مربوط است و اگر مراد از نامسلمان، معدومین انقلاب باشد، آنها خود را مسلمان معرفی کرده بودند. بنابراین تشخیص مسلمان یا نامسلمان بودن اموات با مسئولان بهشت زهرا نیست و حکام شرع می‌توانند معلوم کنند چه کسی مسلمان نبوده است. چنانچه موردی هست نماینده‌ای از سوی حاکم شرع معرفی کنید تا نسبت به اخراج اجساد نامسلمانان اقدام شود.<sup>۲</sup>

در ادامه این وقایع در آذر ۱۳۵۹ آقای مهدوی کنی (وزیر کشور وقت) بدون اطلاع مدیریت شهرداری به منظور نظارت بر امور مذهبی، آقای ابوالفضل صرافها را به نمایندگی از وزارت کشور به بهشت زهرا معرفی کرد. او هم متأسفانه از موقعیت خود سوء استفاده کرده و جوهری را از نزدیکان متوفیان اخاذی می‌کرد. من با ارسال نامه‌ای اعلام کردم: بهشت زهرا هیأت مدیره‌ای دارد که چند روحانی در آن عضو هستند و امور شرعی را زیر نظر دارند و

۱. پیوست ۴۲

۲. پیوست ۴۳

همگی تابع شهرداری هستند. به علاوه از شایستگی مدیر بهشت زهرا دفاع کرده و اعمال خلاف قانون (از جمله اخاذی) نماینده وزارت کشور را برشمرده و خواستار برکناری او شدم.<sup>۱</sup> در برنامه‌ریزی شهری، علاوه بر بهشت زهرا، برای توزیع ترافیک در سطح شهر، دو منطقه دیگر را نیز برای کاربری گورستان در شرق و غرب تهران پیش‌بینی کرده بودیم تا افرادی که در سایر نقاط تهران زندگی می‌کنند، مسیر طولانی را طی نکرده و سفرهای درون شهری کم شود. در راستای احداث این دو گورستان در حال برنامه‌ریزی بودیم اما در زمان کوتاه تصدی ما بر شهرداری نتوانستیم زمین مناسب برای این دو گورستان انتخاب کنیم.

## فصل هفتم: ارتباطات خارجی و بین‌المللی

### ۱) ملاقات با سفرا و کارداران

در سال‌های قبل از انقلاب، پروتکل جایگاه سیاسی شهردار تهران، در سطح وزرا بود و همهٔ مسئولان این جایگاه را قبول داشتند. در همان زمان که سفرای خارجی طبق پروتکل حق داشتند با وزرا دیدار داشته باشند با شهردار تهران هم دیدار می‌کردند. بدین ترتیب من هم در دورهٔ تصدی شهرداری با سفرا دیدار یا ارتباط داشتم. به عنوان نمونه پس از زلزله الاصنام در مجلس ترحیم کشته شدگان این واقعه شرکت کردم که عبدالکریم فرایب (سفیر الجزایر در تهران) رسماً طی نامه‌ای از این اقدام تشکر نمود<sup>۱</sup> و یا در آذر ۱۳۵۹ دفتر سازمان آزادی‌بخش فلسطین از موضع شهرداری نسبت به رژیم اشغالگر اسرائیل قدردانی نموده و مراتب سپاسگزاری شهرداران الخلیل و حلحول را اعلام کرد و بر همبستگی نهضت فلسطین و انقلاب اسلامی تأکید نمود.<sup>۲</sup>

---

۱. پیوست ۴۵

۲. پیوست ۴۶

## ۲) شرکت در کنفرانس شهرداران پایتخت‌های کشورهای اسلامی

کنفرانس شهرداران پایتخت‌های اسلامی در روزهای ۲۹ و ۳۰ ژانویه ۱۹۸۱ (۹ و ۱۰ بهمن ۱۳۵۸) در شهر مکه برگزار می‌شد. شهرداری تهران پس از آن‌که از طریق وزارت امور خارجه ایران از برگزاری این کنفرانس اطلاع یافت<sup>۱</sup> قرار شد بنده به‌عنوان شهردار تهران در این کنفرانس حضور یافته و سخنرانی ایراد کنم و با همکاری کارکنان سفارت ایران در عربستان، متن سخنرانی به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی منتشر شود که همین‌طور هم شد.

کنفرانس با قرائت قرآن و سپس سخنرانی شهردار مکه، دبیر کنفرانس و شاهزاده سعود بن بدالحسین بن عبدالعزیز آغاز شد. من هم یکی از سخنرانان بعدی بودم و در این سخنرانی ضمن طرح مشکلات مدیریت شهر تهران و با تکیه بر ظرفیت انقلاب ایران به تشریح اقدامات انجام شده پرداخته و زمینه‌های انقلاب اسلامی را تبیین نمودم.

ابتدا وجود خودکامگی را منشاء فساد در همه ساحات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... دانسته و نشان دادم چگونه آثار خودکامگی و فساد ناشی از آن در همه شهرهای ایران خصوصاً تهران قابل مشاهده است و ضمن تحلیل مسائل جمعیتی تهران، نشان دادم رشد جمعیت، چگونه می‌تواند مشکلات متعددی چون گرانی، کمبود مسکن، حجم سنگین ترافیک، آلودگی هوا، بیکاری و شیوع انواع مفاسد اجتماعی را پدید آورد و درآمدهای کلان نفتی در سال‌های دهه ۱۹۷۰ چه اندازه در به‌وجود آوردن این مشکلات تأثیر داشته است. بعد با تبیین مشکلات جمعیتی شهرها در کشورهای اسلامی توضیح دادم که جابجایی جمعیت در کشورهایمانند ایران به‌دنبال تغییر و تحولات عادی و طبیعی رخ نداده بلکه در اثر نیازهای تحمیل شده از سوی سرمایه‌داری جهانی و اقتصاد دلالی وابسته به آن ایجاد شده است. ضمن آن‌که این مهاجرت‌ها عمدتاً بر فعالیت‌های ساختمانی و خدماتی متکی بوده و حتی بعضی از آن‌ها انگلی بوده و با فعالیت‌های تولیدی نسبتی نداشته است.



سپس به تشریح اوضاع تاریخی ایران پرداخته و توضیح دادم که چگونه اجرای نادرست اصلاحات ارضی در سال‌های دهه ۱۳۴۰ و همچنین تمرکز امکانات در شهرهای بزرگی مانند تهران، موجب شد تا سطح درآمد میان شهر و روستا تفاوت فاحش پیدا کند. در نتیجه موج گسترده روستائیان و اقشار محروم به امید یافتن مشاغل بهتر و پردرآمدتر به شهرها مهاجرت کنند و به این ترتیب توازن جمعیتی شهرها را بهم بریزد.

همچنین توضیح دادم که پس از تصویب طرح جامع تهران، خرید و فروش اراضی شهری برای سرمایه‌داران وابسته به حکومت، به شغل پرسودی تبدیل شد به طوری که بهای زمین‌های مسکونی ۴۰ تا ۷۰ برابر افزایش یافت و به این ترتیب همه درآمدهای مردم به جیب دلان سرازیر شد. با افزایش بهای ملک، بخشی از مردم به‌ویژه مهاجران که توان مالی برای خرید مسکن نداشتند، به‌ناچار در حاشیه شهرها که فاقد امکانات اولیه مانند آب و برق و آسفالت و... بود، اسکان یافتند. به تدریج مشکلات مناطق حاشیه‌ای به معضلی جدی تبدیل شد و نارضایتی‌های فراوانی را دامن زد. در حالی که تا پیش از آن زندگی کردن در بسیاری از مناطق روستایی کشور (به‌رغم پاره‌ای کمبودها) مناسب‌تر قلمداد می‌شد.

در این سخنرانی تأکید کردم اعتبارات تخصیص یافته به امور عمرانی در مناطق اعیانی شهرها از شگردهای قدرت‌های اقتصادی برای وابسته ساختن اقتصاد کشورهای نفت‌خیز بود تا درآمدهای سرشار نفتی به سوی کارهای ساختمانی سوق یافته و از این راه سود فراوانی تحصیل کنند. تمرکز فعالیت‌های اقتصادی در بخش ساختمان و افزایش واردات گسترده کالاهای مصرفی، از یک‌سو مانع رشد صنایع شد و از سوی دیگر تولیدات کشاورزی را کاهش داد و مهم‌تر این‌که سوددهی در سرمایه‌گذاری تولیدی را ناممکن ساخت.

در ادامه با انتقاد از وضع حمل و نقل و اوضاع معابر شهری در رژیم سابق، احداث چندین پل و راه‌های زیرزمینی و بزرگراه را برای شهری چون تهران متناسب و مکفی ندانستم و ناکارآمدی سیستم اتوبوسرانی و تاکسیرانی شهری را به دلیل توقف‌های چندساعته در روز نقد کردم.

بدین ترتیب به مسائل دوره مسئولیت خود وارد شدم و به تبیین اقدامات شهرداری تحت مدیریت خود در این مدت در حوزه‌های توسعه شبکه ارتباطی، تقویت حمل و نقل عمومی و مترو پرداختم و اقدامات انجام شده را بیان کرده و تغییرات طرح مترو پس از انقلاب را برشمردم. اجرای موفق طرح ترافیک در منطقه مرکزی شهر را از مهم‌ترین اقدامات شهرداری دانستم و از برنامه‌های آتی شهرداری برای توسعه شبکه ارتباطی و تکمیل شبکه بزرگراه‌ها سخن گفتم. اصلاح و گسترش فضای سبز شهر تهران، اصلاح مراکز دفع زباله و بهسازی و ترمیم آسفالت معابر از نکات دیگری بود که در سخنرانی خود بدانها اشاره کردم.

در خاتمه حاضران را توجه دادم که جامعه ایران در یک دوره گذار قرار دارد و موفقیت‌های شهرداری پایتخت در شرایطی رخ داده که هنوز سیستم دولتی و بخش خصوصی تجدید حیات نیافته و جامعه سامان نگرفته است. نهایتاً ابراز امیدواری کردم که شهرداران کشورهای اسلامی بتوانند نقش خود را در جهت مصالح امت اسلامی ایفا کنند.

حضور در این کنفرانس با توجه به حجم سنگین کارها و برنامه‌های روزانه، تنها سفر خارجی من بود که با تأکید و پیگیری وزارت امور خارجه انجام شد. برخورد محترمانه مقامات عربستان و شهرداران کشورهای اسلامی نشان می‌داد که در آن روزها ارزش‌های انسانی و گفت‌وگومانی انقلاب اسلامی در سطح جهانی به ویژه برای کشورهای اسلامی چه اندازه تأثیر داشته است.

در این اجلاس انتخاب رئیس شورای شهرداران پایتخت‌های اسلامی و دبیر شورا از دیگر اقداماتی بود که پس از ایراد سخنرانی‌ها بدان مباردت گردید.

## فصل هشتم: مسائل و چالش‌های داخلی شهرداری

### ۱) شرایط خدمت کارکنان و رسیدگی به امور رفاهی همکاران

در امور مربوط به کارکنان شهرداری، کوشش شد ابتدا ساختار سازمانی اصلاح و امنیت شغلی آنان تأمین شود. هدف ما تضمین احترام و حفظ شخصیت کارکنان و در عین حال، دادن مسئولیت به آنها بود تا در مدیریت شهر مشارکت داشته باشند.

کوشیدیم با سازوکاری از کارکنان شهرداری در مدیریت شهرداری استفاده کنیم. برای این منظور استعداد‌های موجود در شهرداری را شناسایی کرده و به‌خودشان مسئولیت دادیم و از اعتمادی که در روند انقلاب به وجود آمده بود، سود جستیم. این تجربه بسیار موفقی بود. با وجود برخی کارشکنی‌ها و تلاش بعضی افراد که مخالف حضور بنده در شهرداری تهران بودند و از بیرون سمپاشی می‌کردند، با برگزاری جلسات گفت‌وگو کوشیدیم بر این سمپاشی‌ها فائق آییم؛ چون امکانی جز این نداشتیم و با این اقدام توانستیم استعدادها را جذب کنیم و به کارگیریم. در نتیجه تا اندازه‌ای فضا تلطیف شد.

همواره معتقد بودم تا زمانی که کارکنان رفاه نداشته باشند، نمی‌توانند در اجرای مسئولیت خود مفید واقع شوند. لذا میان حقوق و خدمت کارکنان، تناسب برقرار کرده و حقوق کسانی - که مشاغل سخت داشتند مانند کارکنان کشتارگاه و بهشت زهرا را افزایش دادیم. البته دولت با توجه به اوضاع اقتصادی کشور، انتظار داشت مدیران دولتی نباید فعلاً برای کارکنان خود مزایا و اضافاتی برقرار کنند؛ حتی هیأت وزیران تصویب کرده بود اضافه کارها حذف شود و

شهرداری هم موظف بود آن را اجرا کند. کما این که قطع اضافه کاری‌ها با سروصدای مخالفان چپی روبه‌رو شد؛ حال آن که بنده و معاونانم برای تبلیغ فرهنگ صرفه‌جویی و ریاضت اقتصادی که اقتضای سال اول انقلاب بود، حقوق ماهیانه خود را که ۳۰ هزار تومان بود به یک سوم تقلیل داده و این را اعلام هم کرده بودیم. در مقابل با توجه به اوضاع اقتصادی ابتدای انقلاب، حداقل حقوق و مزایای کارکنان اعم از کارمند و کارگر ۲۵۰۰ تومان تعیین گردید. سپس مقرر شد به کلیه کارگران رسمی با حقوق کمتر از ۲۵۰۰ تومان مابه‌التفاوت پرداخت گردد و درآمد حداقل روزانه ۵۰ تومان نیز برای کارگران پیمانی تضمین شود. به علاوه پاداش و عیدی کارگران معادل دو ماه مزایا و یک ماه دستمزد مطابق مصوبه سه ماه پیش از انقلاب تأیید شد و به بازنشستگان و وراث آنان هم مابه‌التفاوت پرداخت گردید.

مدتی پس از انتصاب به سمت شهرداری، در یک سخنرانی برای کارکنان شهرداری به دغدغه‌های آنان پرداختم؛ از جمله خواسته دیرین آنان مبنی بر تفکیک پست‌ها از رتبه‌ها را جامه عمل پوشاندم. به علاوه درآمد کارکنان را متناسب با خدمتشان تنظیم کردیم تا حقوق‌های پایین، افزایش پیدا کند و سختی کار نیز در محاسبه پرداختی‌ها لحاظ شود. در مقابل از کارمندان خواستیم از مطالبه اضافه کاری بپرهیزند و مشکلات مالی دولت موقت را درک کنند. یکی از مطالبات مهم کارکنان شهرداری تأمین مسکن برای آنان بود که در این مورد با وزارت مسکن و شهرسازی مذاکره کردیم. وزارت مسکن در حال ساخت و تکمیل مجتمع‌هایی در غرب تهران بود و مقرر شد پس از اتمام پروژه، تعداد قابل توجهی از واحدهای مسکونی به کارکنان شهرداری واگذار گردد. البته تأمین مسکن برای کلیه کارکنان نیازمند زمان بیشتر بود؛ لذا همواره از کارکنان می‌خواستیم با درک شرایط انقلابی، صبر پیشه کنند.<sup>۱</sup>

در آبان ۱۳۵۸ نیز با صدور اطلاعیه‌ای خطاب به کارگران اعلام کردم مطالبات آنان از جمله پرداخت مابه‌التفاوت دستمزدها و کلیه مزایایی که شهردار وقت تهران پیش از انقلاب

برای مهار اعتراضات برای کارگران قائل شده بود به زودی پرداخت خواهد شد؛ همچنین دو ماه مزایا و یک ماه دستمزد به عنوان پاداش و عیدی سال ۱۳۵۷، یک ماه دستمزد به عنوان پاداش شش ماهه اول ۱۳۵۸ به کارگران رسمی و موقت پرداخت خواهد شد. احتساب ۲۴ روز مرخصی استحقاقی برای کلیه کارگران و پرداخت تفاوت مستمری به کارگران بازنشسته و وراث قانونی آنها و بالاخره در نظر گرفتن ۴۵ میلیون ریال کمک بلاعوض به صندوق وام جهت پرداخت وام به کارگران از دیگر اقداماتی بود که در آن زمان انجام گرفت. رسمی شدن کلیه کارگران پیمانی، قراردادی و موقت از مهم‌ترین خواسته‌های آنان بود که این مهم نیز در دستور کار کارگزینی‌های شهرداری قرار گرفت. موضوع تأمین مسکن کارگران نیز مانند کارمندان از معضلات مهم بود که شهرداری با ایجاد واحدی در اداره کل رفاه نسبت به پیگیری عملیات عمرانی و تخصیص اراضی به مسکن کارگران اقدام کرد.<sup>۱</sup>

پیش از این اشاره کردم که مخالفان در کار رسانه‌ای، سابقه بیشتری داشتند و حضور فعال نیروهای چپ در رسانه‌های گروهی و روزنامه‌های پرتیراژ مثل کیهان و حتی صدا و سیما چالش دیگری بود که دولت و به تبع آن شهرداری با آن مواجه بودند. همین افراد در رسانه‌ها عنوان کرده بودند با این‌که تعداد زیادی از کارکنان شهرداری حقوق بسیار پایینی دریافت می‌کنند، شهردار تهران اضافه کار کارکنان شهرداری را قطع کرده است. این‌گونه اخبار سبب نارضایتی و اعتراضات بی‌درپی می‌شد.

برای حل مشکل مسکن کارکنان شهرداری، با مجتمع‌های غرب تهران که زیر نظر وزارت مسکن ساخت و ساز می‌کردند مذاکراتی شد تا تعداد قابل توجهی از آن واحدها در اختیار کارکنان شهرداری قرار گیرد. همچنین شهرک و مجموعه آپارتمان‌های آماده بهره‌برداری واقع در بزرگراه رسالت، پس از تکمیل در اختیار کارکنان فاقد مسکن شهرداری تهران قرار گرفت. در مقابل چون این موضوع در چند ماه قابل حل نبود، پیوسته در این خصوص از کارکنان می‌خواستیم صبر پیشه کنند.

به منظور تأمین امکانات رفاهی کارکنان، اداره رفاه کارکنان شهرداری با بخش‌های زیر تشکیل شد:

- ارائه خدمات بهداشتی و درمانی کارکنان

- شرکت‌های تعاونی کارکنان شهرداری

- باشگاه کارمندان و مسکن کارکنان فاقد مسکن

سرویس‌های درمانی و بهداشتی، شرکت‌های تعاونی کارمندان و دیگر خدمات اداره رفاه، حسب ضوابط و مقررات شهرداری کماکان تداوم یافت. در زمینه تأمین هزینه‌های درمانی پرسنل شهرداری و رسیدگی به مدارک و اسناد پزشکی کارمندان در کمیسیون ویژه‌ای مرکب از مدیرکل، کارشناسان اداره رفاه، پزشک معتمد شهرداری و با حضور معاون امور اجتماعی و رفاه، درخواست‌های آنان مورد رسیدگی و تأیید قرار می‌گرفت و هزینه‌های درمانی آنان از محل صندوق رفاه کارکنان پرداخت می‌شد.

باشگاه شهرداری تهران در باغ مصفایی واقع در شرق تهران، محلی برای گردهمایی‌ها و نیز برگزاری مراسم خانواده‌های کارکنان شهرداری تهران بود و به آنان سرویس می‌داد.

## ۲) تشکل‌های کارکنان شهرداری

### ۱-۲) انجمن اسلامی کارکنان

از آن‌جا که آیت‌الله‌خمينی در مدت کوتاهی پس از پیروزی انقلاب انتظار داشت برای تحقق احکام اسلامی، باید هر چه زودتر ظواهر اسلامی در کلیه دستگاه‌ها، ادارات و وزارتخانه‌ها عملی شود، در قسمتی از پیام خود به‌مناسبت نیمه شعبان صریحاً اعلام کرد: «وزارتخانه‌های ما باز هم طاغوتی است؛ باید به اسرع وقت اصلاح شود و اگر نشود به اسرع وقت اصلاح می‌کنیم». ایشان حتی در پیامی تصریح کرده بود: «انجمن اسلامی چطور گذاشته است تا حالا این‌طور خرابی‌ها باشد». با چنین رویکرد انقلابی، عده‌ای از کارکنان ادارات و دستگاه‌های دولتی با هدف پیروی از اندیشه آیت‌الله‌خمينی و استقرار اصول حکومت اسلامی درصدد تأسیس تشکلی تحت عنوان انجمن اسلامی کارکنان برآمدند تا ضمن پیگیری اصول

انقلابی و اسلامی، بتوانند در ایجاد جامعه‌ای یک‌دست آرمانی و اسلامی سهم خود را ایفا کنند و به زعم خود توطئه‌های ضد انقلاب و عوامل نفوذی را در دستگاه‌های دولتی خشتی سازند. در شهرداری نیز مانند سایر سازمان‌های دولتی تعدادی از کارمندان ضمن تأسیس انجمن اسلامی گاهی اطلاعیه‌هایی صادر کرده و در واکنش مثبت به پیام‌های رهبر انقلاب، کارکنان و مسئولین شهرداری را تحت فشار قرار می‌دادند.

از مهم‌ترین اقدامات انجمن اسلامی شهرداری تهران نگارش نامه‌ای در ۱۱ تیر ۱۳۵۹ خطاب به شورای انقلاب، دفتر ریاست جمهوری، صدا و سیما و شهردار تهران بود که در این نامه مسئولان شهرداری را به سازشکاری و محافظه‌کاری متهم می‌ساخت. در این نامه آمده بود که هیأت پاکسازی در شهرداری تهران قاطعیت انقلابی لازم را در تصفیه منحرفان اعمال نکرده و بعضاً مدیران و متصدیان دوره پهلوی و یا افراد غیرمعتقد به آرمان‌های اسلامی و انقلابی به سمت‌های حساس گمارده شده‌اند. به علاوه شهرداری در تأمین محیط اسلامی متناسب با موازین و عفت مطلوب و حفظ حجاب اسلامی بانوان کوتاهی نموده است. در این نامه تصریح شده بود که شهرداری نسبت به امور مذهبی و فرهنگی توجه کافی نداشته و در جهت ارتقای شناخت اسلامی کارکنان، اقدامات مقتضی را انجام نداده و هنوز ضوابط طاغوتی سابق به کلی مرتفع نشده است.

نگارندگان نامه خواهان برکناری عوامل وابسته و منحرف، ایجاد فضای اسلامی و انقلابی و همچنین اصلاح ضوابط جاری در شهرداری بودند و حتی هشدار داده بودند در صورت عدم همکاری شهرداری، از حضور اعضای خود در هیأت پاکسازی خودداری کرده و رأساً نسبت به اصلاح امور اقدام خواهند کرد.<sup>۱</sup>

برخی زیرمجموعه‌های شهرداری مانند سازمان آتش‌نشانی، انجمن اسلامی خاص خود را داشتند؛ به طوری که طبق اساسنامه این تشکل، کلیه واحدهای زیرمجموعه شهرداری با حداقل ۵ عضو می‌توانستند نسبت به تشکیل انجمن اسلامی در واحد خود اقدام کنند.

تشکل اسلامی در واحد آتش‌نشانی با صدور اطلاعیه‌ای در ۱۵ تیر ۱۳۵۹ نسبت به پاکسازی در سازمان خود اعتراض داشتند و وجود افرادی که موجب تضعیف انقلاب می‌شدند را از مصادیق بارز فساد اداری می‌دانستند. در این اطلاعیه از کارمندان خواسته شده بود، خود را با موازین انقلاب هماهنگ ساخته و روش خود را تغییر دهند؛ در غیر این صورت اسامی آنان به اداره پاکسازی فرستاده شده و نسبت به تصفیه آنان اقدام خواهد شد. به علاوه از بانوان کارمند خواسته شده بود با پوشش اسلامی در محل کار حاضر شوند. این اطلاعیه در پایان از اعضای انجمن اسلامی تقاضا داشت نسبت به شناسایی افراد مغرض، فاسد و یا کم‌کار اقدام کنند و در ادامه هیأت پاکسازی را تهدید کرده بود عواقب هرگونه سستی در برخورد با عوامل فاسد بر عهده مسئولین شهرداری است.<sup>۱</sup>

در واکنش به این گونه شکایات و شبهات ایجاد شده در بدنه شهرداری، مقرر شد از ۱۲ آبان ۱۳۵۹ هر هفته روزهای سه‌شنبه پس از اقامه نماز ظهر، زمانی را برای رسیدگی به پرسش‌ها و مشکلات کارکنان اختصاص دهیم و شورای اسلامی کارکنان نیز هر یکشنبه نظرات اعضا را در باره نشست‌ها گردآوری کند. شورای اسلامی کارکنان خلاصه گزارش هر نشست را به صورت خبرنامه منتشر می‌کرد.

در این نشست‌ها شخصاً به مشکلات و سؤالات اساسی کارکنان پاسخ می‌دادم. در یکی از این جلسات اعلام کردم: «مسئولی که وظایف خود را به‌طور کامل انجام می‌دهد، هم جنبه اسلامی مسئولیت را رعایت کرده و هم معنای علمی آن را به انجام رسانیده است.» بدین ترتیب تصریح کردم که ضابطه انتخاب مسئولان شهرداری، دارا بودن دو بُعد اعتقاد به مردم و انقلاب و همچنین توانایی و شایستگی انجام کار است که باید توأماً در مسئول وجود داشته باشد. با این وصف بعضاً در انتصاب برخی نتوانسته‌ایم به ایده‌آل‌ها برسیم و ناچار شدیم به حداقل‌ها قناعت کنیم.



در مورد رفاه کارکنان شهرداری نیز توضیح دادم شخصاً پیگیر حقوق کارکنان و کارگران هستم اما هنوز در این مدت، تحول لازم و مطلوب رخ نداده و برای نیل به مقصود می‌کوشیم. لذا دستور دادم نظام پرداخت اضافه کار که برخی نسبت به آن گلایه داشتند، بررسی شود. شایع شده بود برخی کارکنان در محیط شهرداری نسبت به توزیع نشریات غیرمجاز اقدام می‌کنند. بنابراین درخواست کردم چنانچه شخصی خلاف نظر دادستانی انقلاب، نشریه غیرمجازی توزیع نموده طی گزارشی معرفی گردد تا با وی برخورد شود. در مورد طرح جامع تهران نیز انتقاداتی وجود داشت و منتقدان معتقد بودند این طرح در دوره پهلوی و با حضور مستشاری آمریکایی‌ها تدوین شده و برخی جوانب آن باید اصلاح گردد. در این باره اعلام کردم این کار به چند سال مطالعه نیاز دارد، با این وصف شهرداری با ادغام دبیرخانه و اداره شهرسازی و تأسیس سازمان برنامه‌ریزی شهر تهران، زمینه را برای برخی اصلاحات اساسی فراهم کرد. در مرحله بعد با واگذاری امور شهرسازی به مناطق ۲۰ گانه، تسریع امور پی گرفته شد تا در اسرع وقت مطالعات کافی برای اصلاح ضوابط و معیارها در سازمان برنامه‌ریزی صورت پذیرد. در مورد پاکسازی و ابهامات حول آن در یکی از این نشست‌ها بیان کردم که در شهرداری، اصل سالم‌سازی واحدهاست؛ چنانچه افرادی زائد تشخیص داده شوند و یا به هر علت به خدماتشان نیازی نباشد، تصفیه خواهند شد. هرچند رعایت آئین‌نامه پاکسازی مصوب شورای انقلاب تا ۶ شهریور لازم‌الاجرا بود و پس از آن دستورالعمل پاکسازی نیارمند تکمیل پروسه بررسی در مجلس بود. در همین سلسله نشست‌ها تأکید کردم ضابطه اصلی برای انتخاب مسئولان در شهرداری، ایدئولوژی نیست بلکه شایستگی و خدمتگزاری است. به همین دلیل نباید مانند دوره پهلوی با برچسب زدن، افراد و خدمتگزاران را از خدمت معاف و حذف کرد. در این دوره برچسب‌هایی نظیر مارکسیست، توده‌ای، سلطنت‌طلب و سرمایه‌دار رواج داشت و چندی بعد برچسب لیبرال هم اضافه شده بود و متأسفانه عده‌ای با ماسک اسلامی می‌خواستند کارآمدی دستگاه‌ها را مختل کنند. با این حال تأکید کردم چنانچه نسبت

به انتصاب برخی مدیران و مسئولان انتقاداتی وارد است، مطرح کنند و اگر افراد شایسته‌تری را می‌شناسند، معرفی کنند تا پس از بررسی در صورت امکان از وجودشان استفاده شود.

## ۲-۲) شورای کارکنان شهرداری

شورای کارکنان شهرداری تهران شورایی عمومی‌تر بود که سابقه آن به پیش از انقلاب می‌رسید. نخستین موضع این تشکل در ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ پس از تسلیم استعفای آقای مهندس جواد شهرستانی و در تأیید اقدام او در قالب بیانیه‌ای صادر شد. به علاوه این تشکل با غیرقانونی خواندن انجمن شهر، هرگونه انتخاب شهردار از سوی این نهاد را قابل قبول ندانست. با توجه به این‌که این بیانیه چند روز پیش از پیروزی انقلاب صادر شده بود، اعتراض به حضور ژنرال هایزر در ایران، اعلام انزجار نسبت به دولت بختیار و تأکید بر ادامه اعتصاب‌ها تا پیروزی انقلاب از دیگر مفاد این بیانیه بود.

پس از پیروزی انقلاب این شورا همچنان باقی بود و در دوره دوساله ابتدای انقلاب، موضع‌گیری‌های متعددی داشت. البته پس از انقلاب هیأت‌وزیران، تشکیل شورای کارمندان را با هدف ایجاد تفاهم و همکاری بیشتر میان مدیران و کارمندان دستگاه‌های دولتی تصویب کرد. طبق آیین‌نامه مصوب دولت، هر شورا یک مجمع و یک شورای هماهنگی داشت که امور شورا را مدیریت می‌کردند و شورا سیاست‌های خود را با رأی اکثریت پیاده و مواضع خود را اعلام می‌نمود.

مطابق اساسنامه شورای کارمندان شهرداری پایتخت، اهداف این شورا اعتلای اصول مدیریتی، رفع تبعیض و اجرای عدالت، بازبینی ضوابط و آیین‌نامه‌ها و مشارکت در تهیه و تدوین آن‌ها، پیگیری برای استفاده مطلوب از ظرفیت کارکنان و کمک به تصفیه عوامل ناسالم اعلام شده بود.

در دوره اعتصابات پیش از انقلاب، تعداد محدودی از کارکنان شهرداری برای هماهنگی با سایر سازمان‌های اعتصاب‌کننده، نمایندگانی از میان خود انتخاب کردند که پس از پیروزی انقلاب، بعضاً هنوز به نمایندگی خود و برپایی جلسات، تهیه چارت

فرمایشی و اتخاذ تصمیمات خودسرانه ادامه می‌دادند. همین موضوع سبب شد تا کارکنان قسمت‌های مختلف شهرداری با صدور بیانیه‌های متعدد از خود واکنش شدید نشان دهند؛ تصمیمات آنان را نپذیرند و به طور کلی آنان را نمایندگان خود ندانند.<sup>۱</sup>

پس از انقلاب متأسفانه عده‌ای از کارمندان اعتصابی، برای خود وجهه بالاتری قائل شده و نسبت به تشکیل مجمعی به نام مجمع اعتصابیون اقدام کردند که مجدداً با واکنش منفی سایر کارکنان مواجه شد و شورای کارمندان در ۱۱ فروردین ۱۳۵۸ با ارسال نامه‌ای این اقدام را محکوم کرد و به نمایندگی از سایر کارکنان، خواستار شرکت در دگرگونی‌های محیط کار و پاکسازی شدند. آنان در جلسات حضوری می‌خواستند به نمایندگی از به اصطلاح خلق زحمتکش انقلابی، مسئولیت تصفیه‌ها را خودشان بر عهده بگیرند.

شورای کارمندان با توجه به افزایش قیمت‌ها، حذف مبالغی از حقوق کارکنان را پس از انقلاب، غیرمنصفانه دانسته و آن را ترمیم حقوقی عنوان می‌کرد. بالاخره آنان خواهان رسمی شدن همه کارکنان پیمانی و قراردادی و ادامه روند پرداخت اضافه کار درخواست شده بودند. من در مصاحبه‌ای خواسته‌های آنان را غیر منطقی خوانده و بیان کردم آن‌ها خواستار حفظ بنیان‌های مالی گذشته هستند و بر حذف اضافه‌کاری و پرداخت‌های غیر موجه بر اساس دستورالعمل دولت موقت تأکید نمودم.

این شورا که بابت تقسیم نشدن پست معاونت‌های شهرداری به خودشان یا همفکرانشان گلایه داشتند، در دوم اردیبهشت ۱۳۵۸ با صدور اطلاعیه‌ای ضمن تأکید بر لزوم بازنگری در انتخاب مدیران، اعلام کرد که مدیران شهری باید از درون کارکنان شهرداری انتخاب شوند و انتصاب خارج از دایره کارکنان شهرداری به معنی ادامه رویه طاغوتی است.

شورای کارمندان دو هفته پس از صدور اطلاعیه فوق که آن را قطعنامه می‌خواندند، پس از ترتیب اثر ندادن به خواسته‌هایشان مبنی بر عدم انتصاب مدیران شهری خارج از

سازمان شهرداری طی اطلاعیه دیگری انتصابات مرا بر مبنای روابط شخصی عنوان کرده و مرا متهم نمودند که نمی‌خواهم از افراد شایسته داخل شهرداری استفاده کنم.

آنان معتقد بودند در تصفیه شهرداری از عوامل رژیم گذشته هیچ اقدام مناسبی صورت نگرفته و مصاحبه مرا توهین به کارکنان شهرداری دانستند. هرچند اعتراض به حذف پرداخت اضافه کار در همه ادارات و دوایر زیرمجموعه شهرداری رایج بود و مدیران هر بخش در صدد آرام کردن اوضاع با اتخاذ سیاست‌های مختلف بودند. صدور این اطلاعیه‌های اعتراضی تا هفته‌های بعد نیز ادامه داشت و کارکنان با انتصابات من مشکل داشته و مدیران منصوب مرا افراد ناشایست و بی‌تجربه‌ای می‌دانستند که به تدریج این‌گونه اقدامات کم‌رنگ شد.

این شورا بولتنی خبری نیز منتشر می‌کرد و به بهای دو تومان در اختیار کارمندان می‌گذاشت و نسبت به نشر اخبار و اعلام مواضع شورا اقدام می‌نمود. این نشریه معمولاً در انتقاد از سیاست‌ها و مدیران شهرداری تحریر می‌شد و در قالب‌های گوناگون خبری و طنز و... به نقدهای اغلب غیرمنصفانه می‌پرداخت.

از مهم‌ترین اختلافات شورای کارمندان با مدیران شهری حضور افرادی چون مهندس منوچهر صنیع‌پور و آقای مهندس رضا بوشهری بود که پیرو خبری در روزنامه کیهان در ۳۰ مهر ۵۸ مبنی بر توقیف اموال این افراد ظن وابستگی آنان به رژیم سابق تقویت شد و شورای کارمندان که از ابتدا موضع تندی علیه این انتصابات داشت، مواضع حادثری اتخاذ نمود. در همان زمان اطلاعیه‌ای متناسب به این شورا در محکومیت این افراد منتشر شد که مهندس صنیع‌پور را مشوق طومارسازی علیه شورای کارمندان، عامل تفرقه میان کارمندان، شایعه پراکن و عامل تثبیت عناصر رژیم گذشته می‌خواند. رئیس دفتر من با پیگیری این نامه متوجه شد هیچ یک از اعضای شورای کارمندان حاضر نیستند اطلاعیه‌را تأیید و امضا کنند. لذا به نظر می‌رسید این اطلاعیه ساختگی و با هدف تضعیف مدیریت شهری صادر شده است. بعد هم دادستان انقلاب در دوم آبان مطالب مندرج در روزنامه کیهان را تکذیب کرد. من نیز خطاب به شورای کارمندان به کذب بودن مطالب علیه مدیران اشاره نموده و بر صحت انتصابات تأکید و اعلام کردم با افرادی که شایعات را ترویج داده و به

نشر اطلاعیه ساختگی از سوی شورا اقدام کرده‌اند برخورد می‌کنم. نهایتاً مهندس صنیع‌پور با تحریر بیوگرافی خود و تکثیر آن میان کارمندان به ابهامات درباره خود پاسخ داد و توانست فضا را تغییر دهد و حمایت کارکنان را کسب کند. من نیز خطاب به کارکنان در حمایت از آقایان بوشهری و صنیع‌پور اطلاعیه‌ای منتشر کردم که به تملیف فضا و آگاه‌سازی کارکنان کمک نمود.<sup>۱</sup>

به درخواست ما شورای کارمندان در امر پاکسازی کمک‌های شایانی نمود و با تهیه لیست‌های دستنویس، بسیاری از کارکنان شایسته را مشخص و مجرمان و نفوذی‌ها را معرفی کرد. هرچند لیست‌های متعدد الزاماً دقیق نبودند ولی برای بررسی‌های مقدماتی هیأت پاکسازی مفید واقع شدند.

### ۳-۲) شورای اسلامی کارگران شهرداری

در تیر ۱۳۵۸ شورای اسلامی کارگران شهرداری به منظور صیانت از حقوق صنفی کارگران و التزام به مبانی انقلاب اسلامی تأسیس شد. حمایت از انتصاب من به عنوان شهردار پایتخت و همچنین پشتیبانی این تشکل از روند پاکسازی و محکوم نمودن مخالفان این امر از نخستین اقدامات و بیانیه‌های آن بود. به علاوه این تشکل متناسب با جایگاه صنفی خود به اطلاع‌رسانی رویدادهای مرتبط به اعضایش در قالب اطلاعیه نیز می‌پرداخت.

نپرداختن اضافه‌کاری‌ها و امکانات محدود شهرداری در افزایش پرداختی متناسب با انتظار درآمد کارگران، اعتراض بسیاری را در پی داشت. متأسفانه مذاکرات و همدلی با این عده نیز مفید واقع نشد و نتوانست آنان را به درک اوضاع اضطراری کشور مجاب کند. این قبیل کاستی‌های ناخواسته به دشمنی مدیران شهرداری با کارگران و یا بی‌فکری این گروه تعبیر شد. در ادامه این وضع، شورای اسلامی کارگران شهرداری نیز با نوشتن نامه‌ای به شورای انقلاب، بابت وارد آمدن فشارها بر کارگران گلایه کرد و افزود بخشنامه‌های غیرقابل اجرای شهرداری

تنها حاوی جملات فریبنده‌ای است که از شکم گرسنه کارگر، دردی دوا نمی‌کند و مشاوران شهرداری تهران را مسئول هرگونه اقدام احتمالی حاد از سوی کارگران دانست.<sup>۱</sup>

در مرداد همان سال شورای کارگران با برگزاری نشستی به تبیین مسائل ضروری کارگران پرداخت و ضمن تشکر از مواضع حمایتی من نسبت به مبالغه و تحرکات هیجانی ضدانقلاب و فریب دادن کارگران، موضع منفی گرفت. از مهم‌ترین خواسته‌های این تشکل، تسریع در پرداخت معوقات و همچنین قائل شدن حقوق و مزایای کارگران رسمی به کارگران پیمانی، قراردادی و روزمزد طبق قانون کار و رسمی شدن همه این کارگران بود. برابری حق مسکن پرداختی به کارگران شهرداری با مبلغ پرداختی به کارگران وزارتخانه‌های دارایی، نیرو و صدا و سیما و ... از دیگر خواسته‌های مهم کارگران بود.

شورای اسلامی کارگران افزایش حقوق کارگران را برای احقاق حقوق و تأمین مایحتاج این قشر کافی نمی‌دانست بنابراین از دید این تشکل مطلوب بود ترتیبی اتخاذ شود تا با تأسیس فروشگاه‌های تعاونی در مناطق و سازمان‌های شهرداری نسبت به عرضه اجناس و مواد غذایی ارزان اقدام شود؛ مسأله‌ای که در مدت دو سال مدیریت شهری تا حد ممکن به آن جامه عمل پوشانده شد.

در آبان ۱۳۵۸ پیشنهاد شورای اسلامی کارگران مبنی بر اصلاح بخشنامه پرداخت مواجب و تغییر ملاک صدور احکام مربوط به افزایش دستمزد ثابت کارگران را پذیرفتم و اجرای آن را از ابتدای آذر ابلاغ نمودم.<sup>۲</sup>

به منظور محقق ساختن خواسته‌های مکرر کارگران شهرداری در ۲۰ آذر با حضور نمایندگان شورای انقلاب، وزارت کار و امور اجتماعی، سازمان برنامه و بودجه، نمایندگان کارگران شهرداری با حضور اینجانب کمیسیونی تشکیل و توافق شد که هزینه مسکن و کمک هزینه خواروبار به کلیه کارگران غیر رسمی پیش از استخدام رسمی نیز تعلق بگیرد.

۱. پیوست ۵۴

۲. پیوست ۵۵

همچنین مقرر شد پرداخت مبلغ توافقی سختی کار مصوب اسفند ۵۷ کمافی السابق به مبلغ ریالی ثابت انجام گردد. در مورد مابه‌التفاوت پرداختی و ضرایب حقوقی نیز توافقاتی حاصل و سقف اضافه‌کاری نیز چهار ساعت تعیین شد.<sup>۱</sup>

فردای آن روز را نیز به بررسی درخواست رانندگان شهرداری اختصاص داده و پس از تبادل نظر موافقت شد که تا پایان فروردین ۱۳۵۹ طرح طبقه‌بندی مشاغل کارگران شهرداری و جدول حقوقی آن‌ها با متوسط حقوق مزایای کارگران مشمول قانون کار سایر دستگاه‌های دولتی هماهنگ گشته و مابه‌التفاوت احتمالی آن تأمین گردد.<sup>۲</sup>

### ۳) اجرای قانون پاکسازی کارکنان

بعد از انقلاب، اجرای طرح قانون پاکسازی کارکنان از وظائف دستگاه‌های اجرایی بود. مطابق قانون کسانی که در ساواک سابقه حضور داشته، یا با نهادهای بیگانه ارتباط داشتند و یا به لحاظ اخلاقی و مالی فاسد بودند، باید قانون در مورد آنان اجرا می‌شد. طبق قانون، شورایی زیر نظر شهردار تهران مسئولیت اجرای این طرح را در حوزه شهرداری پایتخت به عهده داشت.

آقای احمد صدر حاج‌سید جوادی (وزیر کشور) در ۲۱ اسفند ۱۳۵۷ طی نامه محرمانه‌ای قدم نخست پاکسازی را برداشت و اسامی ۲۵ کارمند شهرداری را که از اعضای ساواک محسوب می‌شدند به شهرداری اعلام نمود تا نسبت به تصفیه آنان اقدام شود.<sup>۳</sup> اما لایحه قانونی پاکسازی در ۷ شهریور سال بعد به تصویب شورای انقلاب رسید<sup>۴</sup> و توسط مهندس

۱. پیوست ۵۶

۲. پیوست ۵۷

۳. پیوست ۵۸

۴. پیوست ۵۹

بازرگان به کلیه دواير دولتي ابلاغ شد.<sup>۱</sup> در آبان ۱۳۵۸ نیز بخشنامه‌ای از سوی نخست‌وزیر صادر گشت که طبق آن برای ایجاد محیط مساعد در راستای رشد نهادهای انقلاب، دولت مجاز شد در وزارتخانه‌ها، دانشگاه‌ها، بانک‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی هیأتی مرکب از ۵ نفر از کارمندان شایسته که ۳ نفر از آنان از سوی وزیر یا مقام عالی سازمان مربوطه (در این جا شهردار) انتخاب می‌شدند و دو نفر دیگر منتخب نخست‌وزیر بودند، تشکیل دهد تا با مراجعه به سوابق کارکنان، صلاحیت آنان را بررسی نمایند که این مهم نهادهای مذکور ۶ ماه فرصت داشتند تا افرادی را که صلاحیتشان به تأیید نرسیده از خدمت منصرف و یا با ارفاق ۵ ساله بازنشسته کنند.<sup>۲</sup> در دوره ریاست جمهوری آقای بنی‌صدر تبصره‌هایی به لایحه پاکسازی اضافه شد که دست هیأت ۵ نفره را برای مجازات، بازخرید و برخورد‌های قانونی بیشتر با مجرمان احتمالی باز می‌گذاشت.<sup>۳</sup>

انتخاب ۳ کارمند شایسته از سوی شهرداری برای معرفی به هیأت ۵ نفره برای تصمیم‌گیری بهتر مدتی به درازا انجامید و موجب نامه‌نگاری‌های متعدد از مقامات بالا برای تسریع در این انتخاب شد. در نهایت ۲۳ مهر طی جلسه‌ای مقرر شد از هرکدام از نهادهای کارکنان شهرداری یعنی شورای اسلامی کارگران، انجمن اسلامی کارکنان و شورای کارمندان دو نماینده به نخست‌وزیری معرفی شوند تا از میان این ۶ نفر، سه کارمند نهایی مشخص شده و در هیأت حضور داشته باشند. نهایتاً هر سه از شورای کارمندان انتخاب شدند.

در نهایت کمیسیون ۵ نفره اجرای لایحه پاکسازی با حضور آقایان عباس ابوذری از وزارت کشور، مصطفی حیدرینیا، محمد بهاری‌مقدم و غلامحسین خواجه‌تبریزی از شهرداری پایتخت تشکیل شد تا این مهم را با مراجعه به پرونده‌ها و سوابق کارکنان برآورده سازند. البته

---

۴. پیوست ۶۰

۲. پیوست ۶۱

۳. پیوست ۶۲



برای پاکسازی به یک شورای مشورتی مرکب از نمایندگان واحدهای مختلف متکی بودیم که منتخب کارکنان شهرداری بودند.<sup>۱</sup>

بدین ترتیب نهادی مرکب از کارکنان و افراد دولتی، این اختیار را داشت که زیر نظر بالاترین مدیر اجرایی دستگاه، قانون را اجرا کند. همه دستگاه‌ها این قانون را اجرا می‌کردند و لیست‌ها در جراید منتشر می‌شد و در روزنامه‌های آن زمان بحث پاکسازی داستانی مفصل داشت. بدین ترتیب وزارتخانه‌ها عموماً تصمیمات خود را در روزنامه‌ها رسانه‌ای می‌کردند. ما همواره کوشش کردیم پاکسازی در چارچوب قانون انجام شود و دقت داشتیم که ضوابط انسانی را در نظر داشته باشیم. البته این طور نبود که مدارک مستند در مورد همه وجود داشته باشد اما همیشه حرمت کارکنان شهرداری را حفظ کردیم و هیچ حکمی مبنی بر این‌که مثلاً فردی فراماسونر یا عضو ساواک بوده را رسانه‌ای نکردیم. بنابراین قانون را کامل ولی حداقلی اجرا کردیم؛ در عین حال حتی‌المقدور افراد را ننگه داشتیم و حداکثر از مجازات‌هایی نظیر اخراج و بازخرید استفاده کردیم تا روحیه کارکنان شهرداری حفظ شود و خوشبختانه این روش بر روحیه کارکنان اثر مثبتی داشت.

این روند موجب می‌شد کارکنان باور کنند با کسی اختلاف شخصی نداریم و حتی وقتی فردی را اخراج می‌کردیم از ما تشکر می‌کردند زیرا که احترام خانواده‌شان را حفظ کرده و اطلاعات مستند شخصی افراد را منتشر نکرده بودیم. با این حال در داخل شهرداری درباره پاکسازی‌ها تنش ادامه داشت و تا آخرین روزها حزب توده و آن دسته از رقبای سیاسی که نمی‌خواستند ما در شهرداری به خدماتمان ادامه دهیم، مشکل ایجاد می‌کردند اما ما تلاش کردیم این تنش‌ها را مدیریت کنیم.

در میان ساواکی‌های نفوذی پیش از انقلاب در شهرداری پایتخت، برخی مدیران و مقامات و حتی منشی شهردار نیز حضور داشتند. پس از آن به ترتیب گزارش‌های دستنویسی از شرح حال کارکنان شهرداری تهیه می‌شد و در اختیار من و البته هیأت پاکسازی قرار می‌گرفت.

ناگفته نماند بسیاری از افرادی که ابتدا در هیأت پاکسازی محکوم شده بودند، پس از بازرسی مجدد، از اتهام خدمت به ساواک و یا اتهامات دیگر تبرئه شده و امکان خدمت مجدد در شهرداری برای آنها فراهم می‌گشت. به طور مثال طی گزارش دستنویس شده از هیأت پاکسازی در ۱۶ بهمن ۱۳۵۸، اسامی ۲۴ متهم به همکاری با ساواک که به انفصال دائم و یا تعلیق از خدمت انجامیده بود، پس از بازبینی مجدد، مشخص شد هشت تن از افراد مذکور تنها پرسنل حفاظت بوده و با ساواک ارتباطی نداشته‌اند. در فضای هیجانی ابتدای انقلاب این‌گونه اشتباهات معمولاً رخ می‌داد.

در اقدامات بعدی با توجه به حضور برخی عناصر مشکوک در اداره بازرسی شهرداری، این اداره موقتاً تعطیل شد و پرونده افرادی که درباره سوابق آنان تردید وجود داشت به کمیسیون پاکسازی فرستاده شد تا تصمیم نهایی درباره آنان گرفته شود. عملکرد برخی کارکنان اداره بازرسی نشان می‌داد که برای تشویش اذهان کارکنان شهرداری و ایجاد مسائل حاشیه‌ای، تلاش مداوم می‌کنند. عده‌ای از آنان نیز به دوایر دیگر منتقل شدند که البته نسبت به این امر معترض بودند اما با قاطعیت برابر آنان ایستادگی شد تا اهمال‌های گذشته خود را جبران کنند.

در ۱۵ اسفند ۱۳۵۸ برخی از کارمندان اداره کل بازرسی شهرداری تصمیم به تنظیم شکواییه‌ای علیه من گرفتند تا موارد تخلفات مدیران شهرداری را مطرح کنند. چندی بعد این گروه ۱۸ نفره طی اطلاعیه‌ای مدعی شدند من پس از اطلاع از مفاد آن شکواییه، اقدام به تهدید و توهین کارمندان و بازجویی از امضاکنندگان نامه کرده و برخی را اخراج و برخی دیگر را با کسر از حقوق توییح نموده‌ام و تصمیم به انحلال اداره بازرسی گرفته‌ام. فردای آن روز با انتشار اطلاعیه‌ای، اصل ماجرا و واقعیت را برای کارکنان شهرداری شرح داده و نسبت به نامه مذکور واکنش نشان دادم.<sup>۱</sup>

به تدریج معلوم شد در همه دستگاه‌های زیرمجموعه شهرداری؛ حتی در میان رانندگان تاکسی نیز نفوذی‌های ساواک فعالیت دارند که باید نسبت به تصفیة آنان اقدام متناسب صورت

می‌گرفت. در سایر واحدها نیز گزارش‌هایی به من می‌رسید که شامل معرفی افراد شاغل، میزان صلاحیت حرفه‌ای آنان و تأیید ایشان از سوی معتمدین بود و بدین وسیله شایستگی افراد مورد تأیید قرار می‌گرفت، یا برای بررسی به هیأت فرستاده می‌شد. حتی برخی مدیران جراید که خود را از نشریات پیشگام مبارز به شمار می‌آوردند، بعضاً با ارسال نامه به من اسامی برخی کارکنان شهرداری را که آنان را افرادی پاکدست و درستکار می‌دانستند، در اختیار شهرداری قرار می‌دادند که از آن اطلاعات نیز در بررسی‌ها استفاده شد.

هیأت پاکسازی، شناسایی نفوذی‌های ساواک در شهرداری را تقریباً تا پایان دوره مسئولیت من ادامه داد؛ به طوری که در مرداد ۱۳۵۹ اسامی ۳۷۰ عضو ساواک که مستقیم یا غیرمستقیم با شهرداری همکاری داشتند از سوی هیأت در اختیار من قرار گرفت و من این مرتبه طبق رویه جاری عمل کرده و برای اطلاع عموم دستور دادم اسامی آنها منتشر شود.<sup>۱</sup> در نهایت در دوره مدیریت من در شهرداری تهران، تقریباً ۳۰۰ نفر از کارکنان پیشین پاکسازی شدند.

#### ۴) مسائل راهنمایی و رانندگی و اداره شماره‌گذاری

بنا بر اسناد موجود در دوم بهمن ۱۳۵۳ کلیه امور مربوط به راهنمایی و رانندگی و ترافیک در محدوده شهر تهران طبق قانون به شهرداری تهران واگذار شده بود و درجه‌داران و کارمندان آن اداره در عین آن‌که از نظر امنیتی زیرمجموعه شهربانی محسوب می‌شدند، برای انجام امور مذکور در اختیار شهرداری بودند.<sup>۲</sup> ما نیز معتقد بودیم ضروری است راهنمایی و رانندگی با سایر ارگان‌های خدمات حمل و نقل شهری هماهنگ عمل کند تا مدیریت صحیح بر شهر اعمال گردد.

۱. پیوست ۶۵

۲. پیوست ۶۶

من حضور افراد غیرنظامی را در واحد شماره گذاری به مصلحت نمی‌دیدم، زیرا میان کارکنان پلیس و افراد عادی اصطکاک ایجاد می‌شد. به علاوه کارمندان غیرنظامی به جز ۱۰ نفر، باید طبق مقررات به اداره‌های جدید منتقل شده تا نسبت به رسمی شدن آنان اقدام می‌کردیم.

از مرداد ۱۳۵۸ نماینده من با شورای کارمندان اداره شماره گذاری، جلسات متعددی برگزار کرده بود. اهم خواسته‌های آنان استخدام رسمی و برکناری برخی از مدیران بود. جو مسمومی برضد برخی مدیران شایسته جریان داشت؛ در حالی که مقامات سابق اداره به صلاحیت و پاکی آن‌ها اذعان داشتند. در باره انتقال نیرو و نیز مقامات اداره مزبور عنوان کرده بودند آن واحد به آن تعداد کارمند نیاز ندارد لذا تصمیم گرفته شد کارمندان خانم به بخش خدمات کامپیوتری و آقایان نیز به سایر واحدها علی‌الخصوص شرکت واحد منتقل شوند.

سرپرست شهربانی در مهر ۱۳۵۹ به این بهانه که راهنمایی و رانندگی از نظر امور انتظامی، انضباطی و پرسنلی تابع شهربانی است، رأساً تصمیم گرفت نماینده خود را به اداره راهنمایی و رانندگی گسیل دارد تا عملکرد کارکنان را بررسی کرده و حتی به میل خود خاطیان را نیز مجازات نماید.<sup>۱</sup> چون وجود نماینده شهربانی سبب هرج و مرج می‌شد، اعتراض خود را در واکنش به این اقدام به شهربانی و نخست‌وزیر ابلاغ کرده و توقف این‌گونه اقدامات بی‌رویه را خواستار شدم.<sup>۲</sup> به علاوه از وزارت کشور و ریاست جمهوری درخواست کردم شهربانی را به تبعیت از قانون وادارد.<sup>۳</sup> هرچند با وقوع جنگ مسئله تغییر کرد و اوضاع امنیتی و اضطراری کشور، ستاد امنیت کشور را برآن داشت تا به منظور حفظ انسجام نیروهای مسلح، واگذاری راهنمایی و رانندگی به مدیریت

---

۱. پیوست ۶۷

۲. پیوست ۶۸ و ۶۹

۳. پیوست ۷۰ و ۷۱

شهرداری را معلق کند. در ماه آذر نسبت به مداخلهٔ شهربانی در امور راهنمایی و رانندگی به وزیر کشور هشدار داده و قانون را به ایشان یادآوری کردم.<sup>۱</sup>

متأسفانه به تدریج میان مدیران نظامی و سایر کارمندان اختلافات شدت گرفت. اوج این اختلافات در زمان انتقال گروه نخست از ادارهٔ شماره‌گذاری رخ داد و به ایام تاسوعا و عاشورا منتهی شد. کارمندان معتقد بودند حضور نیافتن در آن ایام به دستکاری مدیران در اسناد آن واحد خواهد انجامید و در مقابل، مدیران نیز اصرار کارمندان را برای حضور به نیت تصرف در اسناد تلقی کردند. نهایتاً مقرر شد دو روز قبل از تعطیلات، ادارهٔ شماره‌گذاری تعطیل شود تا خیال دو طرف (نظامی و غیرنظامی) از هرگونه دخل و تصرف در اسناد آسوده گردد. متأسفانه تعطیلی اداره به شکل‌گیری تظاهرات اعتراضی انجامید که دو هفته نیز به درازا کشید. در ۱۸ آذر شورای کارمندان خواستار شد تا شورایی هفت نفره برای پایان دادن به غائله، راه حلی پیدا کند و با کارمندان غیرنظامی ادارهٔ شماره‌گذاری در راستای تأمین خواسته‌های آنان مذاکره شود. من نیز دستور بازگشایی این اداره را به دلیل نیاز مردم صادر کنم و تصفیه عوامل وابسته به رژیم سابق در این اداره را اعلام کرده و بپذیرم کارکنانی که قرار است به واحدهای دیگر انتقال یابند پیش از انتقال، رسمی شوند.

با رد خواسته‌های آنان در ۲۰ آذر ۱۳۵۹ کارکنان غیرنظامی برابر ساختمان مرکزی تجمع کرده و پذیرش خواسته‌هایشان و بازگشایی اداره را خواستار شدند. پیشنهادات ما مورد موافقت کارکنان قرار نگرفت و ادامهٔ اعتراضات به درگیری میان کارمندان و عوامل سپاه پاسداران منجر شد و در همین درگیری یکی از کارمندان اداره به ضرب گلوله به قتل رسید و متأسفانه مسئولیت مرگ او در ابتدا بر دوش شهرداری گذاشته شد.

در ۲۴ آذر ۱۳۵۹ میان کارمندان ادارهٔ شماره‌گذاری، نمایندهٔ دادستان انقلاب و نمایندهٔ ستاد مرکزی کمیته انقلاب جلسه‌ای برگزار گردید و مقرر شد در اسرع وقت به موضوع قتل کارمند مرحوم رسیدگی شده و نیازهای بازماندگانش از سوی شهرداری تأمین گردد. به علاوه تصمیم

گرفته شد کارمندان این واحد اداری پس از استخدام رسمی به واحدهای دیگر شهرداری انتقال یابند و تا صدور احکام رسمی در همان واحد مشغول بمانند. پس از آن محیط کار عادی سازی شده و تمامی پوسترها و شعارها از در و دیوار اداره پاکسازی شدند.<sup>۱</sup>

از مشکلات دیگر اداره شماره گذاری، حضور نماینده کمیته انقلاب در این واحد برای بررسی اطلاعات اتومبیل ها بود. این نماینده همچنین وظیفه خود در سایر امور نیز دخالت می کرد، به پرونده ها سرک می کشید و به بیرون از اداره گزارش می داد. علاوه بر این در امر پاکسازی نیز دخالت های متعددی می کرد و نظر خود را در قالب گزارش های متعدد به کمیته می فرستاد. این اقدامات مورد انتقاد ریاست راهنمایی و رانندگی و سایر کارمندان اداره قرار گرفت و متأسفانه اعتراض این افراد نیز به جایی نرسید.<sup>۲</sup>

---

۱. پیوست ۷۳

۲. پیوست ۷۴

## فصل نهم: چالش‌های بیرونی مدیریت شهری

### ۱) اشغال سفارت آمریکا و استعفای دولت موقت

ماجرای اشغال سفارت سابق آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ گرچه با مدیریت شهر ارتباط مستقیمی نداشت اما چون روز بعد از آن، دولت موقت در اعتراض به این اقدام استعفا داد، برای شهرداری نیز حامل تبعاتی بود. اتفاقاً در همان روز ۱۳ آبان، کلیه شهرداران از شهرهای سراسر کشور به تهران آمده بودند تا در سمیناری که برای هماهنگی و مدیریت شهرها در تهران برگزار می‌شد و من هم مدیریت آن‌جا را بر عهده داشتم، شرکت کنند. قرار بود ۱۴ آبان هم برای دیدار با آیت‌الله‌خمينی به قم برویم که ماجرای اشغال سفارت آمریکا و استعفای مهندس بازرگان و اعضای هیئت دولت پیش آمد.

البته از پیش برنامه‌ریزی شده بود که شهرداران در قم با رهبری دیدار کنند.<sup>۱</sup> اما در آن روز شهر قم ملتهب بود و فضای ملاقات هم در سایه این التهاب قرار داشت. در این دیدار آیت‌الله‌خمينی به من گفتند که کوتاه صحبت کنم و من با این‌که مطالب زیادی را در مورد جمع‌بندی نظرات کنفرانس تهیه کرده بودم، برای چند دقیقه صحبت‌های کلی را مطرح کردم. ایشان هم توصیه‌های کلی داشتند و درباره اهمیت خدمت به مردم و لزوم صداقت مسئولان، نکته‌هایی را عنوان کردند.

پس از آن به جز یکی دو بار که ایشان بیمار بودند و به تهران آمدند و من به دلیل آشنایی با احمد آقا، از ایشان عیادت خصوصی داشتم، دیگر با آیت‌الله خمینی ملاقاتی نکردم هرچند ایشان از مدت‌ها پیش با من آشنایی داشتند.

حادثه ۱۳ آبان به لحاظ شهری حادثه مهمی بود چرا که محل سفارت آمریکا در یکی از خیابان‌های مرکزی شهر قرار داشت و تجمع مردم در خیابان طالقانی، ترافیک منطقه را مختل کرده بود. البته دانشجویانی که سفارتخانه را اشغال کرده بودند، تصور نمی‌کردند که اشغال سفارت این اندازه طولانی شود. گروه‌های چپ مخالف انقلاب، از فرصت استفاده کردند و در ادامه برنامه تداوم انقلاب با افکار ضد امپریالیستی و بعضاً افکار مارکسیستی خود می‌خواستند از تسخیر سفارت آمریکا (به عنوان نماد امپریالیسم) بهره‌برداری و مطالبات خود را در سطح جامعه مطرح کنند؛ به طوری که دولت موقت نتواند پاسخگوی آن‌ها باشد و به این ترتیب با نیروهای سازمان یافته خود، بتواند قدرت را کنترل کرده و در اختیار بگیرند. درحالی‌که آیت‌الله خمینی با هوشمندی این موج را کنترل و هدایت کردند و گفتند این اقدام، انقلاب دوم و مهم‌تر از انقلاب اول است.

ماجرای اشغال سفارت، حادثه‌ای نبود که شهرداری بتواند آن‌را مهار و کنترل کند. در این رویداد هرچند در حاشیه قرار گرفته بودیم اما وضعیت شهر را زیر نظر داشتیم و برای کاهش اختلال در ترافیک و رفت‌وآمد بطور ۲۴ ساعته مسائل را پیگیری می‌کردیم.

با پایان گرفتن کار دولت موقت، اختلاف سلیقه میان مدیران شهری و سایر مدیران دولتی شدت یافت و امور شهرداری تهران پی‌در پی با موانع متعدد و بعضاً لاینحل مواجه گردید.

## ۲) تعدد مراکز قدرت و تصمیم‌گیری

تا ماه‌ها بعد از انقلاب، روند پیشین ساخت و سازها متوقف شده بود و عموم مردم با شهرداری همکاری خوبی داشتند. میزان تخلفات به صورت آشکار کاملاً کم شده بود. تخلفات محدود بود؛ مثلاً در خیابان ملاصدرا برخی ساختمان‌های تجاری در زمین‌های



اوقافی احداث شده بود که با موارد محدودی از این دست مقابله کردیم و حتی مواردی تخریب هم صورت گرفت. بیشتر تخلفات به نوعی سازمان یافته بود و باید با آنها برخورد می‌کردیم. اما به طور کلی خلق و خوی مردم تغییر کرده و با مدیران انقلاب هماهنگ بوده و دنبال مطالبات خود از انقلاب بودند.

به تدریج نهادهای موازی متعددی به طور خودسرانه در امور شهری و شهرداری دخالت می‌کردند و مانع بزرگی سر راه مدیریت شهری شدند. به علاوه نهادهایی هم بودند که عمده‌اً یا سهواً سیاست‌هایشان در جهت خلاف مسیر توسعه شهری بود. بدین ترتیب در ابتدای انقلاب، برخی مسائل و مشکلات در حوزه مدیریت شهر تهران به کارشکنی‌های بیرون از شهرداری بازمی‌گشت. عمده این مشکلات از سوی گروه‌های خودسر که در نهادهای مختلف از جمله کمیته‌های انقلاب حضور داشتند، رخ می‌داد.

به طور مثال از ۱۳۵۹ در موضوع مدیریت شهری نظراتی از سوی وزارت کشور به‌ویژه اظهارات آیت‌الله مهدوی کنی (وزیر کشور) و آقایان میرسلیم و زواره‌ای که معاونان ایشان بودند، مطرح می‌شد که در مجموع با دیدگاه ما هماهنگ نبود. از سوی دیگر افرادی با تفکر چپ، اخبار مورد علاقه خود را بدون ملاحظه پیامدهای این اخبار، بازتاب می‌دادند و به ناگاه خبری در مورد تقسیم زمین میان مستضعفان در تهران در صفحه اول روزنامه‌ها با حروف درشت جا می‌گرفت که شهرداری را با مشکل روبه‌رو می‌ساخت.

از آن سو صدا و سیما از خانه‌های خالی تهران فیلم‌هایی پخش می‌کرد و به این ترتیب (شاید ناآگاهانه) ساکنان روستاها و شهرهای مختلف را برای مهاجرت به تهران تحریک می‌نمود و خلاف مصوبات و مصالح شهری در جهت تشویق مهاجرت عمل می‌کرد.

در موردی دیگر در اردیبهشت ۱۳۵۹، از شهرداری منطقه ۲۰ تهران به بنده اطلاع دادند که آقای خلخالی با یک تیم مجهز به بیل و کلنگ، مشغول تخریب مقبره رضاشاه پهلوی در مجاورت حرم حضرت عبدالعظیم (ع) است. پیش از آن در مصاحبه‌ای گفته بودم که این مقبره با هر سابقه‌ای جزو هویت شهر تهران است و می‌تواند تحت عنوان موزه جنایات رضاشاه مورد استفاده قرار گیرد و نباید تخریب شود. می‌توان تمام سوابق عملکرد رضاشاه

را در آنجا جمع آوری کرد و در معرض دید و داوری آیندگان قرار داد. علاوه بر این هیچ کشوری سوابق تاریخی خوب یا بد گذشتگان را از بین نمی‌برد؛ کما این که کشورهای خارجی مثل یونان و مصر، سوابق تاریخی خود را حفظ کرده‌اند.

به هر روی هنگامی که مطلع شدم عده‌ای در حال تخریب مقبره هستند، بلافاصله به شهردار منطقه دستور دادم جلوی این کار را بگیرد و اکیبی از نیروهای شهرداری با امکاناتی که در اختیار داشتند، جلوی تخریب را گرفتند. تا این که در فاصله کوتاهی آیت‌الله خمینی در سخنرانی خود گفتند رضاشاه ظلم کرده و باید مقبره‌اش خراب شود. بنابراین با حمایت‌هایی که ایشان از این اقدام آقای خلخالی کرد، امکان جلوگیری از تخریب مقبره رضاشاه سلب شد و در مدت بیش از ۲۰ روز این مقبره کاملاً تخریب و با خاک یکسان شد.

به جز مورد فوق آیت‌الله خمینی شخصاً هیچ‌گاه در جزئیات امور کشور مداخله نمی‌کرد و این امر هم منحصر به شهرداری تهران نبود. هرچند ایشان در مدیریت کلان کشور نظر داشتند ولی در امور مدیریت شهری مداخله‌ای نمی‌کردند.

### ۳) مداخلات غیرقانونی کمیته‌های انقلاب

فقدان نهادهای انتظامی در سال‌های اولیه انقلاب موجب گردید در مدت کوتاهی پس از پیروزی انقلاب در مناطق و محله‌های مختلف شهر و به‌ویژه در مساجد، کمیته‌هایی تحت ریاست روحانیون و ائمه جماعت ایجاد شوند. کمیته‌های انقلاب نه تنها قانونمند عمل نمی‌کردند بلکه کارهای بی‌رویه‌ای در سطح شهر از سوی آنان انجام می‌شد که بیشتر موارد با مدیریت شهر تداخل پیدا می‌کرد و این از مشکلات کلیدی ما در سال‌های آغازین انقلاب بود. با توجه به عطشی که برای گرفتن زمین و مسکن در شهرهای بزرگ به‌ویژه تهران به وجود آمده بود، قبل از تصویب قانون اراضی شهری، در مقام شهردار تهران در مصاحبه‌ای اعلام کردم که بهتر است اشخاص فاقد مسکن صبر کنند، زیرا قیمت زمین پایین خواهد آمد و به صفر نزدیک خواهد شد. هرچند این مصاحبه تأثیر زیادی در بازار گذاشت و دست سودجویان را تا اندازه‌ای بست، اما نیروهای فرصت‌طلبی که در کمیته‌ها هم نفوذ کرده بودند،

به دلیل نبود نیروهای انتظامی و اطلاعاتی در سطح شهر، با سوء استفاده از موقعیت، به زمین‌های شهری تجاوز کرده و بدون پروانه اقدام به ساخت و ساز می‌کردند. مشکل حادثه آن بود که حتی برخی مسئولان کمیته‌ها برای خود مسئولیتی قائل بودند که می‌خواستند مسکن همه مردم را تأمین کنند. بسیاری هم گمان می‌کردند مشکل اصلی مردم مسکن است و اگر این مشکل حل شود، اشتغال آن‌ها نیز خود به خود حل می‌شود. در حالی که ما درست برعکس فکر می‌کردیم. افرادی از منسوبان و نزدیکان مسئولان حکومتی که در کمیته‌ها بودند، با این شعار که می‌خواهیم به مستضعفین کمک کنیم، با اسلحه‌ای که در اختیار داشتند، زمین‌های مرغوب شهری را تصاحب و تفکیک می‌کردند و می‌فروختند و حتی سند دستی می‌دادند. این قبیل کارها علاوه بر آن که خلاف قانون و مصالح شهر بود، مردم و دولت و شهرداری را به جان هم می‌انداخت.

مشخص بود که عناصر چپ و ضد انقلاب با نفوذ خزنده خود در داخل کمیته‌ها، چنین خط‌هایی می‌دادند زیرا تأکید بر این شعار که در مدت سه ماه مشکل مسکن تهران را حل خواهیم کرد، نمی‌توانست ابتکار شخص آیت‌الله خسروشاهی (مسئول کمیته منطقه ۱۲ تهران) باشد. بیشتر به نظر می‌رسید این نوع کارها از ناحیه همان افرادی انجام می‌شود که دوربین‌های تلویزیونی را روی آپارتمان‌های خالی در تهران زوم می‌کردند تا شب در تلویزیون پخش کند.

با توجه به اوضاع نابسامان مدیریت اراضی، در تیر ۱۳۵۸ از شهرداران مناطق تهران خواستم نسبت به شناسایی اراضی بیش از ۵۰۰۰ مترمربع در داخل محدوده پنج ساله و ۲۵ ساله اقدام کنند تا شهرداری با اطلاع از این زمین‌ها در حفظ و حراست از آنها توانایی بیشتری داشته باشد. در نتیجه صدها قطعه زمین شناسایی شد که طبیعتاً شهرداری پایتخت مسئول حفظ آنها بود.

اطلاعات مربوط به اراضی که باید شهرداران مناطق نسبت به شناسایی آن اقدام می‌کردند، به اطلاعات طرح جامع شهری ۱۳۴۷ متکی بود و به پیش از اجرای طرح جامع تهران بازمی‌گشت. احتمال می‌رفت که وضعیت بسیاری از اراضی تغییر کند و همین موضوع دستیابی

به اطلاعات دقیق را مشکل می‌کرد. با این وجود با تکیه بر آمارهای جنبی مانند آمار تهیه شده در ادارهٔ نوسازی در صدور گواهی معافیت اراضی خارج از محدوده کوشیدیم به فهرست دقیقی برسیم. در برخی مناطق نیز برای تهیهٔ فهرست دقیق زمین‌ها با مشکلات دیگری مواجه بودیم. زیرا در ایام انقلاب ساختمان‌های اداری بعضی مناطق (مانند منطقه ۳) دچار حریق شده و اسناد زیادی در آتش سوخته بود و دستیابی به رونوشت آن پرونده‌ها زمان بیشتری می‌طلبد.

به هر روی مداخلات کمیته‌ها برای مدیریت شهر تهران بسیار پرهزینه بود و وقت زیادی را از ما می‌گرفت. قصد داشتیم با مذاکره و گفت‌وگو این مشکلات را حل کنیم اما اغلب موفق هم نبودیم. شهردار منطقه ۱ در خرداد ۱۳۵۸ اعلام کرد کمیته‌های مستقر در آن منطقه علاوه بر صدور مجوز برای احداث ساختمان، اجازه داده‌اند اطراف اراضی دیوارکشی شود؛ حتی برای ایجاد فروشگاه‌های تعاونی اسلامی نیز اقدام کرده‌اند.

آزادراه آزادگان در جنوب تهران، از پروژه‌های وزارت راه بود که قبل از انقلاب برای کمربندی تهران طراحی شده اما اجرا نشده بود و بعد از انقلاب نیز حریم آن در معرض تجاوز بود. با شناختی که از این پروژه داشتیم با پیگیری شخصی توانستیم از سازمان برنامه در زمان مدیریت آقای مهندس علی‌اکبر معین‌فر مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان اعتبار گرفته و در اختیار وزیر راه وقت (آقای مهندس یوسف طاهری قزوینی) قرار دهیم تا جاده‌های کناری آن را بسازند. به این ترتیب حریم ۱۲۰ متری آزادراه آزادگان حفظ شد. البته در قسمت جنوب آزادراه کمربندی نیز فضای سبز اجرا شد که برای جلوگیری از ساخت و ساز بی‌رویه و افزایش فضای سبز شهر اثر بسیار خوبی داشت که توضیح آن پیش از این آمد.

تصرف زمینی در منطقهٔ خاک سفید و اقدام به ساخت و ساز غیرقانونی در آن با واکنش فوری شهردار منطقه ۸ مواجه شد. شهردار منطقه برای جلوگیری از این ساخت و ساز غیرقانونی تلاش کرد اما حضور افراد مسلح حامی دفتر خانه‌سازی با دو خودرو و نهایتاً اقدام آنان به تیراندازی در حضور افراد حاضر و زخمی شدن چند نفر مسأله را بغرنج کرد؛ به‌طوری که شهرداری از پاسدارخانه منطقه ۵ استمداد طلبید. برخی شاهدان در برگه‌های

استشهاد، شهادت داده بودند که افراد مسلح به بنیاد مستضعفان وابسته بوده و از نیروهای سپاه پاسداران بوده‌اند.

به عنوان نمونه تنها کمیته شماره ۲ انقلاب تا دی ۱۳۵۸، شش مورد تصرف عدوانی و واگذاری غیر قانونی را مرتکب شده بود. سعی می‌شد گزارش این‌گونه اعمال خلاف قانون در اسرع وقت به نماینده شورای انتظامی تحویل داده شود اما اقدامات نهادهای مسئول علیه این قبیل بی‌قانونی‌ها معمولاً کارساز نبود.

در موردی دیگر در منطقه ۶ شهرداری، ساختمان سازی بی رویه مستقیماً توسط پاسداران کمیته شماره پنج در جریان بود که پیگیری های شهرداری از طریق مقامات بالاتر کمیته‌ها و دادگاه انقلاب مستقر در شهرداری نیز راه به جایی نبرد.

کارگاه شماره ۵ اداره کل امانی شهرداری نیز از گزند سودجویان زمین‌خوار در امان نماند و این افراد رسماً اقدام به تسطیح زمین کارگاه نمودند و خود را نمایندگان کمیته شماره ۲ خیابان زنجان عنوان کردند.

بدین ترتیب سودجویان، کمیته‌های انقلاب را به عنوان نهاد مسئول و مختار در امور شهری می‌شناختند و ساکنان این مناطق نیز با مشاهده این‌گونه اقدامات، کمیته‌ها را مسلط بر دولت و شهرداری می‌پنداشتند که بر سختی کار می‌افزود.

متأسفانه نیت خیر نهادهایی که به خانه‌سازی برای نیازمندان اقدام می‌کردند در مسیر نادرستی قرار گرفته و با انواع قانون‌شکنی‌ها ادامه یافته بود. به علاوه زمین‌خواران بزرگ و مفسدان عرصه ساخت و ساز با مناسب دیدن اوضاع، خود را به سازمان‌های فوق نزدیک کرده و اقدام به ساخت سازه‌های کلان نموده بودند. دفاع پاسداران کمیته‌ها از زمین‌خواران و کلاهبرداران، دخالت این افراد را در مناطق شهر تهران اشاعه داده و برخورد با این افراد را در عمل غیرممکن ساخته بود. در یکی از این موارد در انتهای هاشم‌آباد سه تن از زمین‌داران بزرگ در حال احداث خانه مشاهده شدند که در برابر واکنش سلبی بازرسان، فعالیت خود را احداث خانه برای مستضعفان عنوان نمودند. پافشاری بازرسان بر توقف فعالیت ساختمانی، استمداد این خلافکاران از کمیته منطقه را در پی داشت و کمیته مسجد لرزاده نیز به حمایت از

این افراد وارد صحنه شد و به آنان جسارت مضاعف اعطا کرد. به عبارتی در مواردی هم که کمیته‌ها خودشان در قانون‌شکنی نقشی نداشتند، در نقش حامی قانون‌شکنان اجرای ضوابط را با موانع مواجه می‌کردند.

قراردادهای خودسرانه کمیته‌ها نیز از سوی دیگر مشکل‌ساز بود. به‌عنوان نمونه کمیته منطقه ۱۲ و کمیته احمدآباد بدون در نظر گرفتن مراتب فنی و ضوابط قانونی، برای استخراج شن و ماسه از اراضی مجاور مسیل سلیمانخانی، قراردادی ۵ ساله با شخص ثالثی منعقد کرده بودند که شهرداری نسبت به الغای این قرارداد اصرار داشت. تپه واقع شده در این زمین‌ها از تپه‌های تاریخی بود و عملیات استخراج صدمات بسیاری به آن وارد ساخت. نظیر همین قرارداد را کمیته مرکزی شهرستان کرج با یکی از شرکت‌های ساختمانی نیز منعقد کرده بود.

تجاوز به زمین‌های شهری مسئله مهمی بود. ما با آیت‌الله مهدوی کنی که آن موقع رئیس کمیته مرکزی بودند صحبت کردیم و به اتفاق ایشان از خاک سفید بازدید کردیم. در بازدید حضوری از افرادی که به آنجا منتقل شده بودند پرس و جو کردیم. آن‌ها مدعی بودند که خانه ندارند و حالا که انقلاب شده به اینجا آمده‌اند تا صاحب خانه شوند. پس از بازدید از محل، آقای مهدوی کنی گفتند که ما نیروهایی در اختیار شما می‌گذاریم تا با کمک این نیروها، کمیته شرق تهران و شهردار منطقه از ساخت‌وسازهای خلاف جلوگیری کنید.

بدین ترتیب نیروهای مذکور با کسانی که در خاک سفید به زمین‌ها تجاوز کرده بودند، مذاکره کرده و در صورت لزوم، نیروهای کمیته هم از آنان پشتیبانی می‌کردند. البته کمیته مرکزی به تعهد خود عمل نکرد و در نهایت نیروهای شهرداری نتوانستند به طور کامل از ساخت‌وسازها جلوگیری کنند.

فعالیت مأموران مسلح در اختیار شهرداری نیز بعضاً توسط سودجویان با موانعی روبه‌رو می‌شد و حتی درگیری‌های لفظی و فیزیکی در پی داشت که نظیر این اتفاق در محله شمیران نورخ داد و افراد کمیته، مأموران مسلح شهرداری را خلع سلاح کردند و حتی در مراجعه حضوری به کمیته محل به هماهنگی با اعضای کمیته مجبور گشتند. بر اثر شکایات متعدد مردمی از اقدامات سودجویان، کمیته‌های متخلف به ظاهر اقدام به بازداشت متجاوزان

می‌کردند اما در مدت کوتاهی آن افراد را آزاد کرده و در معیت اعضای همان کمیته اعمال خلاف خود را ادامه می‌دادند.

مشکلات شهر تهران از جهت اظهارنظرها و اقدامات افراد و نهادهای غیرمسئول در امور شهری و دادن وعده‌های بی‌اساس در مورد تأمین مسکن نیازمندان همراه با بعضی برنامه‌های محرک رادیو و تلویزیون نتیجه‌ای جز هجوم مهاجران روستایی و تمرکز در حاشیه‌های شهر، رونق کار سودجویان و تشویق مهاجران به ساختمان‌سازی بدون رعایت طرح‌های تفصیلی و گسترش بی‌رویه تهران و بالاخره افزایش هرج و مرج و بی‌نظمی و بالاگرفتن درگیری‌های اجتماعی نداشت. از این رو پس از استعفای دولت موقت در آبان ۱۳۵۸ به شورای انقلاب نامه‌ای نوشتم و پس از تشریح وضعیت زمین‌ها در تهران و تجاوزات صورت گرفته به آن‌ها و کارشکنی‌های کمیته‌ها، به‌منظور سامان یافتن امور و جلوگیری از گسترش بی‌رویه تهران، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه کردم:

- انجام سرمایه‌گذاری در شهرهای کوچک و روستاها متناسب با استعداد و امکاناتشان با هدف اشتغال‌زایی

- تمرکز یافتن برخی از خدمات در مناطق روستاها و شهرهای کوچک

- سخت‌تر کردن شرایط زندگی مادی در تهران و شهرهای بزرگ یا لااقل مساوی با سایر نقاط کشور با هدف کاهش انگیزه مهاجرت به تهران (مثلاً آن زمان قیمت گوشت و برخی ارزاق در تهران ارزان‌تر از نقاط دیگر کشور بود).

- ایجاد انتظامات در شهرداری تهران و تقویت آن به‌منظور جلوگیری از تصرف زمین‌های موات شهری

- هماهنگ شدن اقدامات نهادهای انقلابی با شهرداری تهران<sup>۱</sup>

در وضعیتی که نیروهای انتظامی (مانند کمیته‌ها و سپاه پاسداران) به‌جای آن‌که بازوی اجرایی دستگاه‌های تصمیم‌گیرنده (مانند شهرداری) باشند، خودشان رأساً زمین‌های موات

شهری را تصرف کنند و بدون در نظر گرفتن طرح‌های تفصیلی و اخذ مجوز تفکیک از شهرداری این زمین‌ها را به مردم بفروشند، طبیعی است که نمی‌توان از خریداران زمین انتظار داشت در ساختمان سازی، ضوابط فنی شهرسازی را رعایت کنند.

به هر حال برای آگاهان روشن بود که چنین وضعی نمی‌تواند ادامه یابد. کما این‌که به تدریج فضای ملتهب ایجاد شده، خود کمیته‌ها را به واکنش واداشت تا جایی که سرپرست کمیته منطقه ۲ با نگارش نامه‌ای به شورای انقلاب، دادستان کل و کمیته مرکزی و شهرداری خواستار برخورد هرچه سریع‌تر با سودجویان و متخلفان شد. همچنین در ۳ آذر ۱۳۵۸ آقای هاشمی‌رفسنجانی (سرپرست وزارت کشور) در نامه‌ای خواستار برگزاری جلسه‌ای برای رسیدگی به تجاوزات غیرقانونی و چاره‌جویی سریع در این مورد شد و از من خواست تا نماینده تام‌الاختیار شهرداری را به جلسه اعزام دارم.<sup>۱</sup>

در همین راستا در جلسه مورخ ۱۱ آذر ۱۳۵۸ با حضور آقای هاشمی‌رفسنجانی (سرپرست وزارت کشور)، حجت‌الاسلام سیدهادی خسروشاهی (سرپرست بنیاد مسکن انقلاب اسلامی)، آیت‌الله قدوسی (دادستان کل انقلاب)، آیت‌الله مهدوی کنی (ریاست کمیته‌های انقلاب اسلامی) و محسن یحیوی (سرپرست وزارت مسکن) در موضوع تجاوز به اراضی دولتی مذاکراتی صورت گرفت و در پایان مقرر شد که اولاً با توجه به امکانات شهر تهران و مصلحت انقلاب، سیاست کلی مسئولین کشور بایستی به نحوی باشد که از افزایش جمعیت در تهران جلوگیری شود و از کلیه مقامات درخواست گردد که در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها این موضوع را گوشزد کنند تا حتی‌الامکان افراد از دیگر شهرها و روستاها به تهران مهاجرت نکنند. ثانیاً از دستگاه‌های مسئول خواسته شود که از تجاوزات ارضی و ملکی انجام شده در نقاط مختلف شهر شدیداً جلوگیری کرده و افراد محرک را دستگیر و به مقامات صالحه تحویل دهند. ثالثاً هر نوع واگذاری‌های زمین یا مسکن باید با توجه به اصل جلوگیری از مهاجرت از سوی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی با مشاورت وزارت مسکن و پس



از کسب مجوز از شهرداری انجام گیرد. علاوه بر این مقرر گردید آئین‌نامه واگذاری زمین یا مسکن در تهران در کمیسیون مرکب از نمایندگان وزارت مسکن، بنیاد مسکن و شهرداری تهران طرح و پس از تصویب به مورد اجرا گذاشته شود. ضمناً برای جلوگیری از تجاوزات مقرر گردید دفتر امام با صدور اعلامیه، هرگونه تجاوز به اراضی و املاک را بدون اجازه مقامات مسئول مملکتی محکوم کند. رادیو و تلویزیون و جراید نیز موظف شدند با توجه به سیاست کلی مذکور در جهت تنویر افکار عمومی اقدام کنند. وزارت مسکن موظف شد لایحه مربوط به نحوه مجازات متخلفین و متجاوزین به اراضی و املاک را جهت تصویب شورای انقلاب تهیه کند. کمیته‌های انقلاب نیز موظف شدند متجاوزینی که شهرداری معرفی می‌کند را دستگیر و به دادستان انقلاب تحویل دهند و در آخر نیز مقرر گردید شورای انتظامی شهر تهران تشکیل شود و با کمک کمیته مرکز و ۱۰۰ نیروی انتظامی شهربانی در این مورد اقدام کنند.<sup>۱</sup>

علاوه بر تصمیمات مهمی که در این جلسه گرفته شد، برخی از شهرداران مناطق نیز که در برابر تخلفات ناشی از تجاوز به اراضی مستأصل شده بودند، در این باره با آیت‌الله خمینی نامه‌نگاری مستقیم کرده و ایشان را در جریان اهم این مسائل قرار داده بودند. بر این اساس ایشان در ۲۰ آذر ۱۳۵۸ با صدور بیانیه محکمی از همه مسئولان، کمیته‌ها، دادگاه‌ها و سپاهیان پاسدار خواستند که با کمال قدرت و جدیت در برابر اقدامات متجاوزانه اشخاص شرور که به نام پاسداران انجام می‌دهند و هرج و مرج ایجاد می‌کنند جلوگیری کنند. ایشان هیأتی برای رسیدگی به متصرفات غیرقانونی تشکیل داد و دادستان انقلاب نیز ملزم شد از این‌گونه تجاوزات جلوگیری کند.<sup>۲</sup>

با صدور فرمان آیت‌الله خمینی تا اندازه‌ای مشکلات کاهش یافت اما برطرف نشد و در برخی موارد حادث‌تر نیز شد. به طور مثال بنا به گزارش دریافتی از شهردار منطقه ۸، تصرف

۱. پیوست ۷۸

۲. پیوست ۷۹

عدوانی اراضی در تهران پارس و ساخت و ساز غیرقانونی در آن در سطح بسیار وسیعی ادامه یافته بود و تمامی اقدامات شهرداری برای مهار آن شکست خورده بود و بیم درگیری مسلحانه میان پاسداران و اعضای کمیته و سودجویان متخلف وجود داشت. کمیته منطقه هم که قول همکاری با شهرداری و پاسداران را داده بود، عملاً نتوانست کار مفیدی برابر این قانون‌شکنی انجام دهد.

در فروردین ۱۳۵۹ نیز مطلع شدیم باغ واگذار شده فرمانمائی‌ان که در حوزه عملیاتی ستاد شماره ۵ کمیته انقلاب قرار داشت و این ستاد آن را در اختیار بنیاد قرار داده بود، توسط بنیاد مستضعفان به ۱۳۵ قطعه تفکیک شده و بدون دریافت پروانه در حال ساخت است. تا پایان دوره مسئولیت من در شهرداری برای توقف این ساخت و ساز خلاف قانون و منافع مدیریت شهری، اقدام موفقی صورت نگرفت.

یکی دیگر از مشکلات شهرداری آن بود که تعدادی از ده‌داران و دستفروشان در پیاده‌روها و معابر، سد معبر درست کرده و برای مردم، کسبه و شهرداری مشکلاتی ایجاد کرده بودند. برای رفع این مشکل برخی از شهرداران معتقد بودند از بسیاری زمین‌های بایر تهران می‌توان برای انتقال پیشه‌ها و کسب و کار ده‌داران و دستفروشان استفاده کرد تا این‌گونه مشاغل بیش از این در پیاده‌روها و معابر سد معبر نکنند و مدیریت آن‌ها نیز تسهیل شود. مثلاً در ضلع جنوبی پارک ملت با چنین مشکلی روبه‌رو بودیم. تعدادی دستفروش و ده‌دار که از ۱۹ نفر تجاوز نمی‌کردند در ضلع جنوبی خیابان مصدق (ولی عصرعج) فعالیت داشتند و چون حضورشان ترافیک شدیدی ایجاد می‌کرد با فشار پاسداران به جنب پارک ملت منتقل شدند. در این مکان جدید روز به روز بر تعداد آنان افزوده شد تا جایی که به ۲۴۸ ده‌دار رسیدند؛ به‌خصوص که مواد مخدر نیز خرید و فروش می‌کردند و کنترل آنان نیز با مشکل مواجه شد. البته در بین فروشندگان، افراد تحصیل‌کرده بودند که از این راه امرار معاش می‌کردند اما مصالح شهری ایجاب می‌کرد به‌منظور جلوگیری از سد معبر گسترده‌ای که به‌وجود آمده بود، این منطقه از ده‌ها و دستفروشان پاکسازی گردد.

اقدام شهرداری برای جمع‌آوری دکه‌ها و رفع سد معبر با واکنش منفی فروشندگان ضلع جنوبی پارک ملت روبرو شد. آنان با انتشار اطلاعیه و حتی نامه‌نگاری به آیت‌الله خمینی خواستار رسیدگی شدند و حتی پا را فراتر گذاشته و اقدامات شهرداری را در جهت حمایت از رستوران‌داران بزرگ طاغوتی دانسته و شهرداری را به کم‌کاری در زمینه بهداشت معابر متهم کردند و مدعی شدند خودشان محیطی سالم و اسلامی را جایگزین مراکز فساد و فحشا کرده‌اند زیرا آن منطقه پیش از انقلاب مرکز فحشا و فساد به شمار می‌رفت. کم‌کم اعتراض آنان به برگزاری تجمع برابر ساختمان شهرداری منطقه ۱۰ نیز رسید و خواستار صدور پروانه قانونی کسب و کار و امتیاز آب و برق شدند. با توجه به چنین مشکلاتی، شهرداران درخواست کردند به کسبه دکه‌دار زمین واگذار شود.

در این میان ستاد امنیت تهران با صدور اطلاعیه‌ای در اواسط آذر ۱۳۵۹ شهرداری تهران را از هرگونه عمل شتابزده برای جمع‌آوری دکه‌ها برحذر داشت و اعلام کرد که این اقدام احتمالاً آثار سوء سیاسی و پیامدهایی در بر خواهد داشت.<sup>۱</sup>

متعاقب این اطلاعیه، در نامه‌ای خطاب به وزیر کشور (آیت‌الله مهدوی کنی) در ۲۰ آذر ۱۳۵۹ تصریح کردم که بر اساس تبصره یک ماده ۵۵ قانون شهرداری، جمع‌آوری دکه‌ها و سد معبر جزء وظایف شهرداری است و به‌ویژه در مورد کسانی که تأسیسات ثابت ایجاد کنند، چون در موارد بی‌شماری این‌گونه تأسیسات به مراکز فساد و فحشا و مراکز سیاسی مخالف انقلاب درآمده، اغماض در اجرای قانون به‌هیچ‌وجه به مصلحت نمی‌باشد. از سویی اجرای تصمیمات ستاد امنیت تهران که مستقل از شهرداری اتخاذ می‌شود و تا کنون مشکلات زیادی برای اداره شهر و مردم به‌وجود آورده، ممکن است در اجرای برنامه حاکمیت گروهی و انحصارطلبی آنان مفید باشد اما نمی‌تواند مصالح انقلاب و مردم شهر را تأمین کند. چطور می‌توان تصور کرد کسانی که در جریان مسائل اجرایی شهر تهران نیستند، بتوانند به تنهایی در این شرایط حساس امنیت آن را تأمین کنند؟ و تأکید کردم چنان‌چه جنابعالی به‌عنوان وزیر

کشور و قائم مقام انجمن شهر تهران اجرای این قانون را به مصلحت نمی‌دانید و مسئولیت تمام تبعات آن را به عهده می‌گیرید، خواهشمندم کتباً اعلام فرمائید.<sup>۱</sup>

اوضاع نابسامان ابتدای انقلاب هر مشکلی را بر مشکلات دیگر می‌افزود. ساخت و سازهای گسترده و غیرقانونی از سوی نهادهای انقلابی در داخل و حاشیه شهر، موجب شد تا توان و نیروی شهرداری به میزان بسیار بالایی صرف مقابله با این امور شود و اقدامات نسنجیده سایر نهادها نیز همواره مشکلات جدیدی ایجاد می‌کرد. سازمان ثبت اسناد که موظف بود پیش از عقد هرگونه معامله، از فروشنده گواهی پایان کار شهرداری را مطالبه کند، در این امر مهم سستی می‌کرد و معاملات بسیاری از خانه‌های غیرقانونی را انجام می‌داد که واکنش منفی بسیاری از شهرداران مناطق را به دنبال داشت.

به هر روی مبارزه با تجاوز از حریم‌های قانونی، کار بسیار دشواری بود و به دلیل حاشیه‌ها و دردهای این کار، معاونین شهرداری از اواخر سال ۱۳۵۸ به دفعات استعفا دادند. من هم در زمان ریاست جمهوری آقایان بنی‌صدر و شهید رجایی از جمله به همین دلایل استعفا دادم که البته مورد پذیرش قرار نگرفت.

#### ۴) دادگاه انقلاب مستقر در شهرداری

با ادامه یافتن تصرفات غیرقانونی اراضی شهری، برای این‌که شهرداری مستقیماً در این امور قضایی مداخله نکند با شهید علی قدوسی (دادستان انقلاب) صحبت کردیم. ایشان در ۵ آذر ۱۳۵۸ به مهندس بهنام ذکایی مأموریت داد تا به نمایندگی از دادستانی انقلاب در شهرداری تهران حضور یافته و ضمن همکاری با شهرداری نسبت به دستگیری توطئه‌گران اقدام کند.<sup>۲</sup> سایر کارکنان اداری دادگاه مستقر در شهرداری نیز زیر نظر مستقیم دادستان فعالیت داشتند. مهندس ذکایی به عنوان نماینده دادستان در شهرداری مستقر شده بود و حتی الامکان از

۱. پیوست ۸۱

۲. پیوست ۸۲

تجاوز به زمین‌های شهری جلوگیری می‌کرد. این اقدام بسیار مؤثر و لازم بود اما کافی نبود. چون به‌رغم این اقدامات باز هم در مواردی کار از اختیار ما خارج می‌شد. در ادامه این اقدام، آقای مهدوی کنی (رئیس کمیته‌های انقلاب) نیز دستور جلوگیری از ادامه تصرف زمین در خاک سفید را صادر کرد و برای جلوگیری از تخلفات، قول داد نیروهایی از کمیته مرکزی را در اختیار نماینده دادستانی انقلاب مستقر در شهرداری قرار دهد. تخلفات و تصرف زمین‌های شهری بیشتر در مناطق یافت آباد و محدوده میدان ونک و خیابان ملاصدرا بود که نماینده دادستانی انقلاب با آنها برخورد می‌کرد.

متأسفانه بعدها این شائبه برای هیئت بررسی شکنجه ایجاد شد که مسئولان دادرسی شهرداری منتخب من بوده و در دوره تصدی آنان در دادگاه مستقر در شهرداری تهران نیز شکنجه و آزار و اذیت جریان داشته است. لذا من با نگارش نامه‌ای خطاب به دادستان کل کشور (آیت‌الله موسوی اردبیلی) و یادآوری این نکته که دادگاه‌های شهرداری زیر نظر دادستانی انقلاب بوده و بر اساس قوانین خود، مستقل از شهرداری عمل کرده‌اند، تأکید کردم شهرداری تهران هیچ‌گاه در امور قضایی مداخله نکرده و گزارش هیأت بررسی شکنجه صرفاً بر اساس مسموعات تهیه گردیده و خلاف واقع بوده و احتمالاً با انگیزه سیاسی صادر شده است.<sup>۱</sup>

### ۵) بنیاد مسکن و بنیاد مستضعفان

مدیریت شهر تهران در چارچوب وظایف قانونی خود، به‌ویژه در اوضاع بحرانی بعد از انقلاب، وظیفه خود می‌دانست همه زمین‌های شهری (اعم از این‌که مالک داشته یا نداشته باشند) را حفظ کند. در آن دوره موارد زیادی نشان می‌داد که اشخاص یا نهادهای جدید به‌خود حق می‌دادند بی‌رویه عمل کنند. از آن‌جا که تقریباً همه شهرها به این معضل مبتلا بودند، با وزیر مسکن و شهرسازی (آقای مهندس مصطفی کتیرایی) جلسات کارشناسی متعددی برگزار کردیم. نتیجه این جلسات در قانون اراضی شهری متبلور شد که ابتدا در

شورای انقلاب و سپس در مجلس اول شورای اسلامی تصویب و در همین راستا سازمان زمین شهری در وزارت مسکن و شهرسازی ایجاد شد. بنابراین طبق قانون، زمین‌های موات شهری در اختیار سازمان زمین شهری قرار گرفت و کسانی حق ساخت و ساز در این زمین‌ها را داشتند که از این سازمان مجوز دریافت کرده باشند. بر اساس این قانون هر فرد می‌توانست فقط تا ۱۰۰۰ مترمربع ساخت و ساز کند.

همزمان با انقلاب طبق قانون، نهادهایی تأسیس شد و مسئولیت کاخ‌ها، املاک بلاصاحب و املاک وابستگان رژیم سابق به آنها واگذار گردید. البته در این امور شهرداری مسئولیتی نداشت و حفظ و کنترل آن‌ها با شهرداری نبود. در همان زمان روند مهاجرت روستاییان از روستاها و شهرهای کوچک به تهران افزایش یافت. بخشی از این مهاجران از چند سال پیش، روستا یا شهر کوچک خود را رها کرده و به امید یافتن شغل در حاشیه‌های جنوب غربی تهران در چادر و کپر مستقر شده بودند. اما در مدت کوتاهی پس از پیروزی انقلاب، موج دیگری از مردم گوشه و کنار شهرها و روستاها به جهاتی که برخوادم شمرد، این بار علاوه بر یافتن شغل، به امید دستیابی به مسکن مناسب، روانه پایتخت شد و با استقرار در مناطق حاشیه‌ای شهر به انتظار نشست. دلایل عمده مهاجرت‌های آن زمان را می‌توان این‌گونه برشمرد:

- اظهارنظرهای غیرکارشناسانه در مورد ضرورت تأمین مسکن مستضعفان،

- افتتاح حساب ۱۰۰ امام برای تأمین مسکن نیازمندان که ابتکار ایشان بود،

- برنامه‌های تحریک‌آمیز رادیو و تلویزیون و پخش سراسری آن‌ها،

- ادعاهای بی‌اساس در مورد تعداد بی‌شمار آپارتمان‌های خالی در تهران.

آیت الله سیدهادی خسروشاهی (مسئول حساب ۱۰۰ امام و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی) برای تأمین مسکن مستضعفان معتقد بود که مشکل مسکن ساکنان تهران باید ۳ ماهه و حداکثر تا ۶ ماه حل شود. در رسانه‌ها نیز اعلام شد که بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در مدت سه تا شش ماه مشکل مسکن را حل خواهد کرد. عملکرد ایشان نه تنها با شهرداری که با وزارت مسکن هم تداخل داشت. ایشان اقدامات موازی خود را از همان بهار ۱۳۵۸ آغاز کرد. فروش زمین به مردم (به تعبیری مستضعفان) متأسفانه از طریق تعرض به زمین‌های موات شهری

انجام می‌شد و ایشان در تهران شخصاً پروانه ساخت و ساز صادر می‌کرد؛ در نتیجه خارج از ضوابط و اصول شهرسازی، ساخت و سازهای زیادی انجام شد.

ما به موازات تهیه و تصویب قانون اراضی شهری، از فروردین و اردیبهشت ۱۳۵۸ ضمن دعوت مکرر از آقای خسروشاهی برای حضور در شهرداری و صرف ناهار، تلاش زیادی کردیم تا در حضور معاونین شهرداری، ایشان را قانع کنیم که مشکل اصلی مردم ایران، نه «مسکن» بلکه «تولید و اشتغال» است. مضافاً آن‌که می‌خواستیم نشان دهیم تصور حل مشکل مسکن در مدت سه تا شش ماه، غیر کارشناسانه است.

از سویی آیت‌الله خمینی دو ماه پس از افتتاح حساب ۱۰۰ امام، در خرداد ۱۳۵۸ اعلام کردند که خانه‌سازی برای مستضعفان باید از روستاها آغاز شود و چنان‌چه به این رهنمود توجه می‌شد، روند خانه‌سازی به شکل دیگری ادامه می‌یافت؛ در حالی‌که اقدامات بنیاد مسکن اصلاً در این مسیر نبود.

بنیاد مسکن مدعی واگذاری ۵۰ هزار قطعه زمین به مردم بود در حالی که آمار قطعات واگذار شده، رقم به مراتب بالاتری را نشان می‌داد. متأسفانه نهادهایی چون بنیاد مسکن راه حل مشکل مسکن را صرفاً تفکیک و توزیع اراضی شهری می‌دانستند در حالی‌که از نظر کارشناسان، هرگونه واگذاری اراضی می‌بایستی با طرح تفصیلی شهر تهران انطباق می‌داشت. نهادهایی مانند بنیاد مسکن به این اصل مهم توجه نداشتند که ساخت و ساز مسکن در هر نقطه از شهر نمی‌تواند از ارائه خدماتی همچون آب، برق، گاز، فاضلاب، آموزش، بهداشت و... مستقل باشد. در آن‌زمان ادارات مربوطه امکان خدمت‌رسانی به اراضی واگذار شده را نداشتند و ساخت و سازهای بی‌رویه بدون در نظر گرفتن این ملاحظات انجام می‌شد. در نتیجه به تدریج زمینه بدبینی مردم را نسبت به انقلاب ایجاد می‌کرد.

به دنبال اقدامات افسارگسیخته بنیاد مسکن، «شورای انقلاب» مصمم گردید موضوع واگذاری زمین و مسکن به واجدین شرایط را به‌نحو مطلوب و قانون‌مندی ساماندهی کند. از این‌رو شورای انقلاب با تشکیل جلسه در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ تصویب کرد سازمانی با عنوان «سازمان عمران اراضی شهری» تأسیس شود و از این پس روند واگذاری مسکن در تمام

استان‌ها تنها از طریق این سازمان صورت گیرد. به‌موجب این قانون، بنیاد مسکن مکلف شد فهرست افراد واجد شرایط واگذاری مسکن در کلیه استان‌ها را به این نهاد تازه تأسیس اعلام کند. در مورد احداث مسکن در اراضی‌ای که پیش از تصویب این قانون از سوی بنیاد مسکن واگذار شده بود، مقرر گردید هر گونه ساخت و ساز منوط به صدور گواهی عمران از سازمان عمران اراضی شهری باشد و پس از صدور گواهی عمران برای هر زمین، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی وجوهی را که بابت اراضی واگذار شده دریافت نموده می‌بایست پس از کسر ۱۰ درصد به‌عنوان هزینه‌های انجام شده به سازمان عمران اراضی پرداخت کند.<sup>۱</sup>

پس از تصویب این قانون، بنیاد مسکن بلافاصله با انجام اقداماتی در عمل نشان داد که نسبت به تصویب و اجرای قوانین جاری کشور بی‌تفاوت است زیرا در مدتی کمتر از یک ماه بعد و در دی ۱۳۵۸ دو هکتار زمین در خیابان خاقانی از سوی بنیاد مسکن به پرسنل نیروی هوایی واگذار کرد.

در ۲۸ آبان ۱۳۵۸ طی جلسه‌ای در بنیاد مسکن با حضور مقامات بنیاد مسکن، وزارت مسکن و شهرسازی، بنیاد مستضعفان و شهرداری تهران توافق شد که با توجه به محدود بودن امکانات، از اقدامات مهاجرپذیر در تهران پرهیز شده و امور عمرانی در سطح کشور و به‌خصوص روستاها پخش شود تا انگیزه‌های مهاجرت به تهران کاهش پیدا کند. به علاوه انحصار واگذاری زمین و مسکن به مستضعفان در اختیار بنیاد مسکن قرار گرفت و عملکرد بنیاد منوط به رعایت ضوابط و قوانین شهری و هماهنگی با سازمان عمران اراضی شهر تهران برای تخصیص زمین‌های موات ملی شده گردید. در نهایت نیز برنامه‌ریزی برای مسکن مستضعفان به شورایی مرکب از نمایندگان وزارت مسکن، شهرداری تهران و بنیاد مسکن واگذار شد. به عبارتی این جلسه به تنظیم صورت‌جلسه‌ای انجامید که مقرر می‌کرد واگذاری زمین‌ها با اخذ مجوز از شهرداری صورت بگیرد. آیت‌الله خسروشاهی در این جلسه پذیرفت که دیگر بدون مجوز از سازمان زمین شهری، به کسی زمین اعطا نکند.<sup>۲</sup>

۱. پیوست ۸۴

۲. پیوست ۸۵



نهم فروردین ۱۳۵۹ بنیاد مسکن انقلاب با صدور اطلاعیه‌ای، اعلام کرد اگر شهرداری تهران ظرف یک هفته برای ساخت و ساز در زمین‌های واگذار شده توسط بنیاد مسکن، پروانه ساختمانی صادر نکند، مردم می‌توانند بدون اخذ پروانه، اقدام به ساخت و ساز کنند!<sup>۱</sup> در همان زمان با چاپ این مطلب در جراید، تعداد پروانه‌های صادر شده، دو برابر گذشته بود و همین اندازه هم مشکلات را دوچندان کرده بود؛ در حالی که نظر شهرداری همواره بر توقف ساخت و ساز بی‌رویه در شهر تهران بود.

به هر حال این اطلاعیه با تیر درشت در صفحه اول مطبوعات منتشر شد و زمینه را برای مواجهه علنی من با آیت‌الله خسروشاهی فراهم کرد. ابتدا خبرگزاری پارس در ۱۷ فروردین ۱۳۵۹ مصاحبه مفصلی با من در این مورد انجام داد.<sup>۲</sup> بعد از آن آیت‌الله خسروشاهی در پاسخ به اظهارات من با صدور اطلاعیه‌ای، اتهامات تندی را به این‌جانب نسبت داد؛ از جمله این‌که مرا با نیک‌پی قیاس کرد و مدعی شد با گروه‌های ضدروحانی ارتباط دارم. بعد هم از روحانیون متعهد خواست که جواب مرا بدهند.<sup>۳</sup>

بعد از صدور این اطلاعیه، کمیسیون مسکن در ریاست جمهوری تشکیل شد. در این جلسه در حضور آقای بنی‌صدر (رئیس‌جمهور) و آیت‌الله خسروشاهی، من نمونه‌هایی از پروانه‌های ساختمانی که ایشان صادر کرده بودند را ارائه کردم؛ با این انتظار که دولت از این اقدامات جلوگیری کند. همچنین اعلام کردم که بالاخره برای اداره یک شهر، یک قانون و یک مدیریت متمرکز لازم است و نمی‌توان با چند کلاتر که مخالف هم عمل می‌کنند، شهر را اداره کرد. اگر قرار باشد هر کس و هر نهاد پروانه ساخت صادر کند، در این صورت شهرداری چه کاره است! هدف ما آگاه کردن و متوجه ساختن مسئولان به این نکته بود که ادامه این وضع به نفع شهر و به نفع انقلاب نیست و پیامدهای نامطلوبی دارد.

---

۱. پیوست ۸۶

۲. پیوست ۸۷

۳. پیوست ۸۸

در پی وارد کردن اتهامات غیرمنصفانه آقای خسروشاهی در جراید نسبت به اینجانب و همکارانم، در ۲۵ فروردین ۱۳۵۹ از آقای بنی‌صدر خواستم تا شورای انقلاب در این باره سکوت نکند و نسبت به تنویر افکار عمومی اقدام نماید تا اثرات سوء تهمت‌های آقای خسروشاهی خنثی شود. در این نامه از اقدام رئیس‌جمهور مبنی بر منع اظهارنظر مسئولان درباره سیاست مسکن تا تعیین سیاست کلی در این باره تشکر کردم. در ادامه عدم هماهنگی ارگان‌های مسئول و نهادهای انقلابی و ایجاد زمینه برای افراد سودجو در کنار عدم موفقیت در ایجاد اشتغال در استان‌ها را از عوامل هرج و مرج برشمردم. سپس طرح کردم که ایجاد دفاتر بنیاد مسکن در کمیته‌های ۱۴ گانه شهر بدون رعایت قوانین مصوب و اقدامات بی‌رویه آنان هرج و مرج را تشدید کرده و حتی زمین‌داران فراری را نیز از طریق وکالت به غیر، به فروش غیر قانونی ترغیب کرده است. در این نامه اقدامات و مکاتبات شهرداری تهران را از ابتدای نابسامانی‌ها تا به آن تاریخ به طور مفصل برای آقای بنی‌صدر شرح و هشدار دادم که این رویه نامناسب، زندگی مصرفی و عواقب آن را بیش از دوره پهلوی تشدید نموده و هرچه سریع‌تر باید با توقف این گونه اقدامات ناصواب، ایجاد جاذبه‌های کافی در سایر نقاط کشور و برگزاری انتخابات شوراهای محله و شهر، نسبت به مهار آن اقدام کرد.<sup>۱</sup>

جالب آن که کارکنان، مدیران و مهندسان صدیق بنیاد مسکن در ۱۹ فروردین ۱۳۵۹ استشهادیه‌ای در تأیید اقدامات شهرداری و انتقاد از عملکرد آقای خسروشاهی و رد ادعاهای ایشان تهیه کرده و ضمن رد مفاد مصاحبه ایشان در ۱۸ فروردین ۱۳۵۹ تصریح کردند مصاحبه‌های ایشان برای مسئولین مملکتی و حتی بنیاد مسکن مشکلاتی به‌وجود آورده اما به ملاحظه موقعیت کشور حتی‌الامکان از تضعیف ارگان‌های مملکتی خودداری می‌کنیم و در صورتی که بنیاد مسکن این وضع نابسامان را ادامه دهد، با آن نهاد همکاری نخواهیم کرد. این استشهاد همراه با نامه‌ای در اختیار ریاست شورای انقلاب قرار گرفت.<sup>۲</sup>

۱. پیوست ۸۹.

۲. پیوست ۹۰.

در ۱۳ فروردین همان سال مقرر شده بود نمایندگان سازمان عمران اراضی شهری، شهرداری و بنیاد مسکن جهت هماهنگی بین خود کمیسیون سه نفره‌ای تشکیل دهند و از آن پس شهرداری نیز بر احداث خانه‌های بنیاد، نظارت داشته و با هماهنگی سازمان عمران مجوز صادر کند. برای جلوگیری از سرگردانی مردم، بخشی از پروژه‌های گذشته بنیاد مسکن با همه تخلفات عدیده‌ای که مرتکب شده بودند، مجاز شناخته شد. علاوه بر این برای کنترل ازدحام مردم مقرر شد با همراهی نمایندگان بنیاد مسکن یک روز در هفته به بررسی پروژه‌های بنیاد اختصاص یابد. مدیران بنیاد هم با این امر موافقت کردند اما مدتی بعد اولیای بنیاد مسکن این موضوع را مصداق وقت‌کشی دانسته و به شدت با آن مخالفت کردند. پس از آن مدیر بنیاد مسکن سعی کرد همه کاستی‌ها و اقدامات خلاف خود را توجیه نموده و شهرداری را مسبب کاستی‌ها معرفی کند. مشکلاتی از این دست به تدریج صبر کارکنان شهرداری را به پایان رساند تا جایی که نماینده شهرداری در کمیسیون سه نفره از عضویت در این گروه استعفا داد.

در حالی که شهرداری، مدیران و کارکنان آن از سوی بنیاد مسکن به اطلاع‌زمان، قصور و کم‌کاری و ضدیت با انقلاب متهم می‌شدند، بسیاری از شهروندان با ارسال نامه‌های خصوصی، حمایت خود را از اینجانب در مقابله با بنیاد مسکن اعلام کرده و در مقابل، برخی از هواداران آقای خسروشاهی در نامه‌های خود با یادآوری آرمان‌های انقلابی او موارد متعدد اقدامات خلاف قانون را متذکر می‌شدند که از ذکر آن موارد در اینجا خودداری کرده و تنها به این نکته بسنده می‌کنم که آقای خسروشاهی علاوه بر اقدامات خلافی که در بنیاد مسکن علیه مصالح شهری انجام داد، در برخی موارد با مداخله در امور جزئی شهرداری نیز مشکلات مضاعفی ایجاد می‌نمود؛ مثلاً ایشان به شخصی که ملک مسئله داری را به تصرف شخصی خود درآورده بود اطمینان داده بود که حریم اوست و از منظر فقهی کاشت درختان در آن بلامانع است! متأسفانه دخالت‌هایی از این قبیل را بسیار شاهد بودیم.<sup>۱</sup>

قانون‌شکنی‌های بنیاد مسکن انقلاب اسلامی مرا به نوشتن نامه‌ای واداشت تا به این طریق نظر دادستان کل کشور (آیت‌الله موسوی اردبیلی) را به بخشی اعمال خلاف قانون این نهاد جلب کنم و ضمناً وزارت کشور، کمیته مرکزی انقلاب و حتی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی را در جریان مفاد نامه قرار دهم. در این نامه اشاره کردم بنیاد مسکن زمین مشجر شخصی به مساحت ده هزار متر مربع را که از سوی سازمان عمران اراضی به عنوان باغ به رسمیت شناخته شده، به نحو غیرقانونی تفکیک کرده و به چند سرهنگ واگذار نموده و آنان نیز با کمک و حمایت بنیاد مسکن درختان چندین ده ساله باغ را قطع کرده‌اند و شکایات متعدد مالک به شهرداری، کلانتری و بنیاد مسکن نیز راه به جایی نبرده و هر بار با پاسخ‌های غیر منطقی و خلاف بنیاد مسکن شعبه شمیران مواجه شده و هیچ اقدامی برای احقاق حق وی به عمل نیامده و عملیات خلاف قانون بنیاد مذکور کماکان ادامه دارد. مشابه این مورد در باغ مشجر خانم معصومه کشتکار بالغ بر ۲۶ هزار متر مربع نیز رخ داده و رئیس بنیاد مسکن شعبه شمیران باز با نادیده گرفتن گواهی سازمان عمران اراضی شهری مبنی بر باغ شناختن ملک مزبور و بی‌توجهی به دستورات متعدد سرپرست کمیته‌های انقلاب اسلامی دائر بر ممنوعیت تقسیم اراضی زراعی، درختان باغ را قطع و فضای سبز را به صورت زمین درآورده و بین اشخاص غیر محق تقسیم کرده و کماکان عملیات خلاف قانون و تصرف عدوانی را ادامه می‌دهد. بنیاد مسکن شمیران در شمال اراضی یوسف‌آباد در محدوده اراضی ونک نیز بیش از ۱۳۰ قطعه زمین که مشمول اراضی موات نبوده و قطعاتی از آن به انجمن زرتشتیان تعلق داشت را به‌طور غیرقانونی به اشخاص سودجو و فرصت‌طلب واگذار کرده که پس از بازدید، معلوم شد متصرفین با پشتیبانی مقامات غیرمسئول اما مداخله‌جو در آن‌جا ساختمان‌های چندطبقه ساخته و مشغول زد و بند و کاسبی‌های کلان هستند. در این نامه خطاب به دادستان کل کشور تأکید کردم حفظ و نگهداری فضاهای سبز در داخل محدوده شهری از وظایف اولیه و قطعی شهرداری بوده، در حالی که عده‌ای غیرمسئول، سودجو و حرفه‌ای به بهانه حمایت از افراد بی‌خانه، با قطع بی‌رویه اشجار که جنبه عمومی داشته و متضمن نفع عامه مردم است، محیط زیست و سلامت مردم شهر را با خطر قطعی مواجه کرده و با تصرف

عدوانی املاک مردم موجبات بی‌نظمی و هرج و مرج را فراهم می‌آورند. از جناب‌عالی که حافظ حقوق عمومی و اجرای قوانین هستید درخواست می‌کنم با دستور اکید و مؤثر در جلوگیری از تعرض به این‌گونه اراضی و موارد مشابه آن، مقرر فرمائید مرتکبین و مسببین مورد تعقیب و مجازات قانونی قرار گیرند.<sup>۱</sup>

با این وصف بنیاد مسکن همچنان به کارهای خود ادامه داد و حتی تصویب قانون سازمان عمران اراضی شهری نیز بر عملکرد بنیاد مسکن تأثیری نداشت؛ به طوری که در شهریور ۱۳۵۹ نیز ساخت و سازهای گسترده‌ای در انتهای خیابان کواکولا و همین‌طور در قطعات متعددی از خیابان هاشم‌آباد در حال انجام بود و شهردار منطقه با همه پیگیری‌های خود نتوانست از آن جلوگیری کند. طبق گفته شهردار منطقه، پاسداران ذینفع در عملیات ساختمانی در برابر اجرای حکم قانونی مقاومت کرده و دستور تعطیلی عملیات را نداده بودند لذا شهرداری منطقه، گزارش این اقدامات را برای نماینده دادستان انقلاب مستقر در شهرداری تهران ارسال کرد. دادستانی با تشکیل گروه تحقیق و تفحص مراتب را پیگیری و موضع شهرداری را نسبت به آن اعمال غیرقانونی تأیید کرد.

ایشان در ادامه کارشکنی‌ها به استقرار کارکنان شهرداری در ساختمان حزب رستاخیز هم اعتراض داشت و می‌خواست ساختمان مذکور را به دانشجویان شهرستانی مقیم تهران که بعضاً به تصرف غیرقانونی املاک روی آورده بودند، واگذار کند.<sup>۲</sup> من نیز خطاب به عموم مردم اعلام کردم آن ساختمان با تصویب شورای انقلاب و هیأت وزیران دولت موقت به شهرداری واگذار شده است و با همت کارکنان شهرداری در حال آماده‌سازی و انجام کارهای ساختمانی است. در ادامه تصریح کردم که پراکندگی واحدهای ستادی شهرداری تهران موجب ناراحتی مردم بوده و ادغام این واحدها در ساختمان جدید خدمت‌رسانی را تسهیل نموده است.<sup>۳</sup>

۱. پیوست ۹۲

۲. بنگرید به روزنامه کیهان مورخ ۱۶ فروردین ۱۳۵۹

۳. بنگرید به روزنامه کیهان مورخ ۲۰ فروردین ۱۳۵۹

## ۶) بنیاد مستضعفان

طبق توافق مسئولان نظام، بنیاد مستضعفان در شهر تهران تنها مجاز به واگذاری زمین و ساخت و ساز محدود برای نیازمندان خاص بود، اما متأسفانه این بنیاد در کلان‌شهرها (علی‌الخصوص در تهران)، فعالیت‌های گسترده‌ای را آغاز کرد. به علاوه وظیفه اصلی بنیاد مستضعفان، رسیدگی به اموال مصادره شده بود اما بعضاً مشاهده می‌شد که این نهاد خلاف مصوبات شورای انقلاب، اراضی موات شهری را که قانوناً به دولت تعلق داشت را لغو مالکیت نموده و در زمره اموال مصادره‌ای قلمداد می‌کرد. اختلاف کلان‌شهرداری با بنیاد مستضعفان بیشتر در این مسائل بود.

در مواردی هم ساخت و سازهای مسکونی در زمین‌هایی که به فضای سبز اختصاص داشتند با پشتیبانی بنیاد مستضعفان صورت گرفته بود که خلاف ضوابط شهری بود. در بسیاری از مناطق مانند یافت‌آباد و شرق مسیل کن، بنیاد مستضعفان مستقیم از زمین برای ساخت و ساز استفاده نمی‌کرد اما با احداث کارگاه و یا اجاره آن به کارگاه‌های ساختمانی از شن و ماسه موجود در این اراضی برای امور ساختمانی بهره می‌برد. نهایتاً طی نامه‌ای در بهمن ۱۳۵۸ مراتب اعتراض شهرداری تهران را نسبت به این اقدامات به اطلاع آیت‌الله موسوی‌اردبیلی (دادستان کل کشور) رساندم.<sup>۱</sup>

در خیابان خاوران گاراژی جزو اموال متصرفه بنیاد مستضعفان قلمداد می‌شد و مبداء حرکت اتوبوس‌ها یا مینی‌بوس‌ها به سمت گرمسار بود. چندی بعد شهرداری تهران پس از بررسی، منطقه افسریه را برای استقرار مینی‌بوس‌های شرکت واحد مناسب تشخیص داد و از طریق سازمان مدیریت اموال اقدام کرد تا واحد خاوران به افسریه منتقل شود. مخالفت بنیاد مستضعفان با این اقدام به کارشکنی در امور شهرداری انجامید و موضوع از طریق دادگاه انقلاب پیگیری شد و دادگاه به نفع شهرداری رأی داد.

نهایتاً بنیاد مستضعفان و کمیته‌ها هیچ‌گاه به مفاد صورت‌جلسات و مصوبات عمل نکردند و تجاوزها به زمین‌های شهری به شکل گسترده‌تر از قبل ادامه یافت زیرا نهادهای مسئول در حد انتظار با شهرداری همکاری نمی‌کردند. علاوه بر دولت، از کمیته‌های انقلاب و سپاه پاسداران انتظار می‌رفت با شهرداری همکاری کنند اما سپاه مسائل شهری را هیچ‌گاه جزو مسئولیت خود تلقی نکرد و کمیته‌ها هم خودشان در خط مقدم تخلفات قرار داشتند. کمیته مرکزی هم اعلام می‌کرد نمی‌تواند کمک مؤثری نماید.

در سال اول مدیریت در شهرداری تهران، می‌توان گفت بخش مهمی از نیرو و ظرفیت شهرداری صرف مبارزه با تخلفات ساختمانی شد. اوج‌گیری خانه‌سازی‌ها در آن سال سبب شده بود مالکان قدیمی اراضی ملی شده، تحت پوشش حمایت از محرومان، تجاوز به اراضی دولتی را آغاز و زمین‌ها را تصاحب کنند و یا سودجویان این زمین‌ها را به قیمت‌های کلان به نیازمندان واگذار نمایند.

### ۷) دفتر خانه‌سازی برای مستضعفین

دفتر خانه‌سازی برای مستضعفین با مدیریت آقای حسن کربویی نهادی عملاً خودسر بود که مستقلاً و بدون توجه به قوانین مصوب و نظارت شهرداری اقدام به تهیه مسکن‌های بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ مترمربع برای مستضعفان می‌کرد و اقداماتی مغایر با تصمیمات شهری و برنامه‌های مدیریت شهری داشت. در شرح وظایف این دفتر چنین آمده بود: «چگونگی واگذاری خانه و زمین به متقاضیان و مردم سراسر کشور مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.»

این دفتر از اول اردیبهشت ۱۳۵۸ فعالیت خود را آغاز کرد و تا آن‌بان همان سال نزدیک به ۳۰ هزار متقاضی درخواست خود را جهت دریافت مسکن به این دفتر ارائه کرده بودند. نخستین اقدام وی که مورد توجه شهرداری قرار گرفت، صدور مجوز ساخت مسکن به دو تن از شهروندان در زمینی واقع در خیابان شریعتی بود. نکته قابل تأمل این که خودش رأساً اقدام به صدور مجوز ساخت و ساز می‌کرد و سپس شهرداری را به همکاری با اقدامات غیرقانونی

خود فرا می‌خواند و بعد با تکیه بر فرمان آیت‌الله خمینی در جهت رفع مشکل مسکن مستضعفان سعی می‌کرد شهرداری را برای این اعمال منافی قانون تحت فشار قرار دهد. این نهاد برای خود برگه‌های قراردادی تهیه کرده بود که به موجب آن متقاضیان مسکن متعهد می‌شدند در مدت کوتاهی ساختمان‌ها را مطابق نقشه‌های دفتر مذکور احداث کنند و در غیر این صورت متقاضیان امتیاز خود را از دست می‌دادند. نحوهٔ فروش اراضی نیز به صورت قسطی و در اقساط بلند مدت بود. آقای کروبی مدعی بود که مبالغ دریافتی حاصل از فروش اراضی، برای احداث شهرک‌های مسکونی هزینه خواهد شد. مجوزهای این دفتر معمولاً خطاب به نیروهای سپاه پاسداران نوشته می‌شد تا این نهاد از عملیات ساختمانی جلوگیری نکند. یکی از شروط واگذاری زمین در این دفتر آن بود که متقاضی متعهد می‌شد در مدت ۳ ماه اقدام به ساخت زمین کند، در غیر این صورت زمین از او پس گرفته می‌شد. دیگر این که متقاضی باید ۵ سال ساکن تهران می‌بود؛ به عبارتی مهاجرت کنندگان به تهران مشمول دریافت خانه یا زمین نبودند و کارمندان مؤسسات یا کارگران کارخانجات تهران در اولویت قرار داشتند.

به موجب طرحی که او تنظیم کرده بود کلیهٔ ساختمان‌های خالی از سکنه (اعم از مصادره شده یا نشده) در شهرک غرب و شهرک اکباتان و همچنین کلیهٔ ساختمان‌های مصادره شده سرمایه‌داران فراری که بلاتکلیف بودند، در اختیار مستضعفین قرار می‌گرفتند. او با ارسال نامه‌های متعدد به مقامات رسمی و نهادهای قانونی سعی داشت همه آن‌ها را با خود همراه سازد. به طور مثال ابتدا سعی کرد با جلب همکاری بنیاد مسکن و دیدار با آیت‌الله خسروشاهی، فعالیت خود را قانونی جلوه دهد اما به تدریج بنیاد مسکن نیز از همراهی با اقدامات او سرباز زد، زیرا دفتر خانه‌سازی او همه مبالغ دریافتی را به حساب ۱۰۰ امام واریز نمی‌کرد و بخش قابل توجهی از این پول‌ها را به مصارف دفتری و پروژه‌های خود اختصاص می‌داد. او برای اقدامات خود پشتیبانی وزارت دفاع را خواستار شد و از سازمان جغرافیایی کشور که زیرمجموعهٔ وزارت دفاع بود، درخواست کرد ماشین‌آلات مورد نیاز برای



نقشه‌برداری را در اختیارش قرار دهد. همچنین از وزارت دفاع خواست از طریق لشکر ۲ پیاده، خودروها و ماشین‌آلات سنگین مورد نیاز دفتر خانه‌سازی او را تأمین کند.<sup>۱</sup>

متأسفانه این نهاد جدیدالولاده نیز با همه اقدامات مخربش، مورد حمایت جمعی از افراد مسلح به ظاهر انقلابی بود و همین موضوع، برخورد با این مجموعه را سخت‌تر می‌کرد.

نیروهای پاسدار برای کنترل ساخت‌وسازهای غیرقانونی تشکیلات آقای کروی در مواردی با شهرداری همکاری می‌کردند. عده‌ای با گرفتن مجوز از تشکیلات خانه‌سازی ایشان، بخشی از اراضی واقع در محدوده قنات کوثر را تصرف کرده و مشغول ساخت‌وسازهای غیرقانونی بودند که این قبیل اقدامات با همکاری پاسداران کنترل شد. البته بازرس منطقه ۸ شهرداری تهران ضمن ابراز نارضایتی از عملکرد پاسداران حاضر در منطقه خاک سفید، مرتباً گزارش می‌داد که خانه‌سازی‌های غیرقانونی به شدت در حال انجام بوده و هیچ‌کدام از نیروهای پاسدار، عملاً واکنشی نشان نمی‌دهند در حالی که شهرداری علاوه بر تدارک ناهار و شام آن‌ها، همه‌گونه امکانات و خودرو در اختیارشان قرار داده و با ادامه این وضع بیم آن می‌رود که در آن منطقه زمین خالی باقی نماند. شهردار منطقه معتقد بود کنترل ساخت و سازها باید به نیروهای شهربانی، ژاندارمری و یا حتی ارتش سپرده شود تا کارساز گردد.

در سال ۱۳۵۸ دفتر خانه‌سازی برای مستضعفین نسبت به تصرف زمین‌های واقع در تپه قیطریه که یادگار خاطرات نمازهای عید فطر سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ بود و ما برای حفظ و ماندگاری تاریخی آن برنامه داشتیم، رأساً اقدام کرد و با صلاحدید خود زمین‌ها را تفکیک نمود. آنها برای بخش‌های مختلف تپه، سند صادر کرده و زمین‌ها را در ازای دریافت پول به افراد فروخته بودند. چندی بعد شهروندان زیادی به شهرداری منطقه مراجعه کرده و با نشان دادن اسناد، پروانه ساخت می‌خواستند تا در تپه قیطریه ساخت‌وساز کنند که البته شهرداری منطقه با درخواست آنان مخالفت کرد. در نتیجه در بهار ۱۳۵۹ نزدیک به ۷۰ تن که خود را

مدعی و صاحب زمین در تپه قیطریه می‌شناختند، با عصبانیت به ساختمان شهرداری در خیابان فاطمی روانه شده و به دفتر من هجوم آوردند و با فشار خواستار صدور پروانه ساختمان شدند. محافظان شهرداری ضمن آرام کردن مهاجمان ناراضی، آنان را به اتاق بزرگی راهنمایی کردند تا برای آنها صحبت کنم.<sup>۱</sup>

پس از این‌که در جمع آنها حاضر شدم خطاب به آنان توضیح دادم همان‌طور که می‌دانید تپه قیطریه محل برگزاری نماز عید فطر در آخرین سالهای رژیم گذشته بوده و در تاریخ انقلاب اسلامی نقطه عطف محسوب می‌شود و از این نظر برای مردم و انقلاب جنبه معنوی دارد. از این رو شهرداری قصد دارد در محل این تپه یادمان و فضای سبز ایجاد کند. علاوه بر این تپه قیطریه جزو زمین‌های موات بوده و مطابق قانون اراضی شهری که در شورای انقلاب تصویب شده، زمین‌های موات شهری در اختیار سازمان زمین شهری است و فقط آن سازمان می‌تواند زمین‌های شهری را واگذار کند. به این ترتیب معترضان را به سازمان زمین شهری احاله دادم. چندی بعد دفتر خانه‌سازی برای مستضعفین موظف و مجبور شد پول‌های این افراد را پس بدهد. بدین ترتیب با تلاش فراوان از تصرف غیرقانونی تپه قیطریه جلوگیری به عمل آمد و ما توانستیم این تپه‌ها را حفظ کنیم.

در آبان ۱۳۵۸ شهردار منطقه ۹ اطلاع داد زمین‌هایی واقع در خیابان شیراز ونک توسط مجموعه تحت امر حسن کروبی به صورت خلاف قانون و بدون اطلاع شهرداری به صدها قطعه کوچک تفکیک و به افراد مختلف واگذار شده و خریداران نیز شروع به ساخت و ساز و احداث خانه کرده‌اند. خوشبختانه با حضور به موقع مأموران شهرداری، از این اقدام جلوگیری شد. نظیر این رویداد در بسیاری از نقاط دیگر شهر مانند شهرآرا نیز رخ داد و مأموران شهرداری را به استقرار دائمی در این مکان‌ها برای مهار این اقدامات واداشت.

۱. متأسفانه در آن زمان برخی روزنامه‌ها خبر را چنین منعکس کردند که عده‌ای شهردار تهران را در دفترش گروگان گرفتند.

به طور کلی خیابان‌های ملاصدرا، رویال ونک، شیراز، شیخ‌بهایی، یوسف‌آباد، مطهری، جویبار و ده فرحزاد در معرض اقدامات دفتر خانه‌سازی آقای کروب‌ی قرار داشتند. آقای کروب‌ی در توجیه اقدام خود مبنی بر تصرف و تفکیک اراضی این مناطق می‌گفت که بنیاد مستضعفان در این زمینه برای احقاق حقوق نیازمندان قاطعانه عمل نمی‌کند. جالب این که تشکیلات خانه‌سازی او در واکنش به اعتراضات مکرر شهرداران مناطق همواره به این پاسخ اکتفا می‌کرد که چون نظارت فنی و تهیه نقشه این ساخت‌وسازها برعهده دفتر خانه‌سازی است و این امور به پروانه شهرداری نیازی ندارد و به زودی با شهردار تهران مذاکره خواهد شد. البته مذاکرات نمایندگان شهرداری و پاسداران مقیم مناطق تحت تصرف دفتر خانه‌سازی با شخص حسن کروب‌ی نیز راه به جایی نبرد.

از آن‌جا که بسیاری از اراضی تصرف شده توسط دفترخانه‌سازی متعلق به مردم بود، مالکان اصلی این املاک، ضمن آن‌که شکایت خود را در دادستانی ثبت می‌کردند، برای جلوگیری هرچه سریع‌تر از ساخت و سازهای غیرقانونی در این زمین‌ها نامه‌های بسیاری نیز به شهرداری می‌نوشتند و به این ترتیب فشار زیادی به شهرداری پایتخت وارد می‌آمد. در مقابل، مجموعه دفتر خانه‌سازی مدعی بود مالکان املاک تصرف شده در خارج از کشور هستند و اگر روزی به ایران باز گردند، درباره تصرف زمین‌هایشان با آنان مذاکره کرده و به آن‌ها اجاره معقول خواهیم پرداخت ولی در عین حال زمین از آن کسی است که به آن نیاز واقعی دارد!

در نهایت با صدور اعلامیه‌ای اقدامات دفتر خانه‌سازی را به شدت محکوم کرده و خواستار اجماع نهادهای مربوطه برای جلوگیری از ادامه فعالیت آن‌ها شدم. خوشبختانه کمیته انقلاب به ریاست آیت‌الله مهدوی‌کنی در این هدف با ما همراه بود و پی در پی به این مجموعه اخطار می‌داد تا فعالیت خود را متوقف کند. ضمن آن‌که فعالیت افراد مسلح وابسته به دفتر خانه‌سازی را مغایر قانون می‌دانستند.

از سویی وعده‌های حسن کروب‌ی در مورد اعطای زمین و خانه، انگیزه زیادی در قشر مستضعف و نیازمند مسکن ایجاد کرده بود. به این ترتیب تجمعات بسیاری از سوی افراد

متقاضی مقابل محل دفتر خانه‌سازی انجام می‌گرفت تا بلکه زمینی را صاحب شوند. حسن کروبی در پاسخ به تقاضاهای موجود و نیز در واکنش به مخالفت‌های شهرداری و انتقادات آیت‌الله مهدوی‌کنی همواره اعلام می‌کرد که شهرداری نسبت به اقدامات خیرخواهانه او سوءنیت دارد و آیت‌الله مهدوی‌کنی نیز تحت تأثیر القانات شهرداری تصمیم گرفته از فعالیت دفتر جلوگیری کند.

نهایتاً با بالاگرفتن مخالفت‌های بنیاد مستضعفان، بنیاد مسکن، شهرداری و کمیته‌های انقلاب با حسن کروبی و مجموعه تحت امرش، ابتدا آیت‌الله‌خمينی ادامه فعالیت کروبی را به هماهنگی با دادستانی انقلاب و نهادهای مربوطه موکول کرد و چندی بعد، پس از آن‌که کروبی عملاً به اختطاهای کمیته مرکزی و دادستان انقلاب وقعی نهاد، نیروهای ستاد عملیاتی کمیته منطقه ۴ تهران و پاسداران کمیته مرکزی در ۲۵ دی ۱۳۵۸ افراد مسلح این دفتر را خلع سلاح کرده و با تأیید کمیته مرکزی، آن دفتر را منحل نمودند.

#### ۸) فعالیت تجاری به بهانه تأسیس دانشگاه

از جمله چالش‌های جدی شهرداری تهران در دوره مدیریت من، اختلافی بود که در مورد زمین واقع در تقاطع خیابان‌های ولیعصر- طالقانی به وجود آمد و تا زمانی که من شهردار بودم حل نشد.

ماجرای این قرار بود که در ضلع شمال غربی چهارراه مصدق (تقاطع ولیعصر- طالقانی) زمین مشجری به مساحت تقریبی یک هکتار قرار داشت که بانک ملی آن را از ۱۳۱۹ به سفارت افغانستان انتقال داده بود. در دی ۱۳۵۵ سهامداران شرکتی، ملک مذکور را از سفارت افغانستان خریداری کردند ولی با بررسی اسناد مشخص شد ابتدا قرار بوده زمین در اختیار هژبر یزدانی<sup>۱</sup> باشد. همزمان از وزارت امور خارجه به شهرداری وقت اطلاع دادند نسبت به قطع غیرقانونی درختان این زمین اقدام شده است. شهردار وقت (غلامرضا نیک‌پی) با استناد به

۱. از سرمایه‌داران وابسته به رژیم پهلوی

این‌که شاه، نخست‌وزیر و وزارت امور خارجه از موضوع اطلاع دارند، نسبت به قطع درختان واکنشی نشان نداد و تنها اعلام کرد سفارت‌خانه‌ها تابع قوانین خاص بوده و مصونیت دارند! در حالی که چند ماه پیش از آن زمین فروخته شده بود.

سهامداران شرکت مذکور قصد داشتند هنگام واگذاری سهام خود، زمین را به قیمت گراف ۱۴۸ میلیون تومان به شخص ثالثی بفروشند. مالکان جدید زمین نیز نسبت به دریافت پروانه تجاری اقدام کردند اما چون اراضی متروکه شهرداری در اطراف زمین قرار گرفته بود، این اقدام به نتیجه نرسید و صدور پروانه به خرید زمین‌های واقع در ضلع‌های شمالی و غربی آن زمین مشروط شد و به این ترتیب از مرداد ۱۳۵۷ موضوع مسکوت ماند. مطابق مفاد مندرج در قرارداد فروش، عدم موفقیت در کسب پروانه تجاری موجب فسخ قرارداد می‌شد و مالکیت زمین در اختیار مالکان سابق باقی می‌ماند.

پس از انقلاب تعیین خطوط ویژه برای تردد اتوبوس در معابر و خیابان‌های اصلی شهر تهران و همچنین استقرار تعمیرگاه اضطراری برای اتوبوس‌ها به منظور تسهیل حمل و نقل عمومی از نیازهای جدی بود. از آن جهت که طبق قانون اراضی شهری، زمین‌های معطل مانده در داخل محدوده با تشخیص شهرداری می‌توانستند به خدمات عمومی اختصاص یابند، لذا در شهریور ۱۳۵۸ شهرداری تصمیم گرفت زمین تحت اختیار خود واقع در چهارراه مصدق (ولی عصر کنونی) را به تعمیرگاه اختصاص دهد تا روند تعمیر اتوبوس‌ها به سرعت انجام شده و اتوبوس‌ها به سرعت به خطوط ویژه بازگردند.

مالکان زمین با اطلاع از این اقدام مهم شهرداری چون ملک خود را از دست رفته می‌دیدند با این اقدام موافقت کردند. دو ماه پیش از نیمه شعبان شخصی که خود را نماینده آیت‌الله حسین علی منتظری می‌نامید از شهرداری درخواست کرد برای برگزاری بهتر جشن میلاد امام زمان (عج) زمین موقتاً در اختیار آنان قرار گیرد. در مقابل متعهد شد به روند کاری شرکت واحد آسیبی وارد نخواهد شد. اما مدت کوتاهی پس از تحویل زمین، او خلف وعده کرد و با استفاده از جرقه‌گیر، اتوبوس‌ها و سایر تجهیزات شهرداری را از محوطه تعمیرگاه خارج کردند و برخلاف تعهدات قبلی خود زمین را متصرف شدند.

سپس به منظور تثبیت موقعیت تملک خود اعلام کردند که زمین برای تأسیس دانشگاه امام صادق (ع) در نظر گرفته شده و در همان روز نیمه شعبان با دعوت از آیت‌الله منتظری، کلنگ افتتاح دانشگاه مذکور را به زمین زدند. در حالی که حق تعیین کاربری اراضی تنها در اختیار شهرداری بود. علاوه بر این، ملک مذکور به دلیل قرارگرفتن در منطقه پرتراфик و کم مساحت، مکان مناسبی برای احداث دانشگاه نبود. با این وصف تا مدت‌ها بعد، این افراد همواره در مطبوعات مدعی بودند شهرداری زمین را از آنان به طور امانی تحویل گرفته و با این اقدام مانع تأسیس دانشگاه شده است. در حالی که شهرداری به کرات به آن‌ها اعلام کرده بود که ملک در منطقه شلوغ و پر تردد شهر قرار گرفته و با توجه به کافی نبودن مساحت آن، مکان مناسبی برای احداث دانشگاه نیست و به جای آن می‌توانند در منطقه مناسب دیگری ملکی را با مساحت کافی برای دانشگاه تخصیص دهند ولی همواره با این پیشنهاد مخالفت کردند. درست بود که شهرداری زمین را به طور امانی از آنان گرفته بود اما پس از تصویب قانون اراضی شهری، مالکیت شهرداری بر آن زمین محرز و مسلّم شده بود بنابراین گفته آنان تنها بخشی از واقعیت بود.

برای شهرداری محرز شده بود که آقایان قصد ندارند دانشگاه ایجاد کنند چرا که اگر چنین هدفی داشتند شهرداری حاضر بود زمین مناسبی با مساحت بیشتر را در نقطه دیگری در اختیار آنان قرار دهد. تنها هدف آنان دست‌اندازی بر این زمین با اهداف تجاری بود. در این میان دفتر آیت‌الله منتظری عنوان کرد بابت زمین پولی رد و بدل نشده و زمین به دانشگاه بخشیده شده لذا سود شخصی در میان نیست.

در واکنش به اظهارات فوق طی مصاحبه‌ای با روزنامه کیهان عنوان کردم که مطابق قانون، نوع استفاده از زمین و کاربری آن را شهرداری معین می‌کند و شهردار در چارچوب قوانین و مقررات، مسئول مدیریت شهری است و بیشتر از آنان در جریان نیازهای عمومی شهروندان قرار دارد. در نهایت از مداخلات افراد غیرمطلع در امور شهری انتقاد کردم.

نماینده آیت‌الله منتظری در واکنش به این سخنان، ملاک عمل در این باره را تنها سخن آیت‌الله دانست و عنوان کرد اصلاً ضرورتی برای اطلاع شهرداری وجود نداشته و تنها

برای تبیین امور به شهرداری اطلاع داده شده و بار دیگر تأکید کرد زمین به دانشگاه تعلق دارد. در پی این اظهارات مالکین زمین مجدداً عنوان کردند این زمین را اصلاً با این هدف خریده‌اند تا مانع خرید هژبر یزدانی شوند. همچنین عنوان کردند که اختیارات مالکان زمین به هیأت مؤسس دانشگاه واگذار شده است.

در نهایت از مسئولان شرکت مذکور خواستم ادعای خود را از طریق وزارت مسکن و شهرسازی پیگیری کنند؛ اگر آن وزارتخانه تأیید کند که حقی از آنان سلب شده، در آن صورت شهرداری تسلیم خواهد بود. به‌علاوه در ۲۵ مرداد ۱۳۵۹ با ارسال نامه‌ای خطاب به آیت‌الله موسوی اردبیلی (دادستان کل کشور) و نماینده دادستانی انقلاب مستقر در شهرداری خواستار رسیدگی سریع قوه قضاییه به این پرونده و احقاق حقوق شهرداری شدم.

اختلافات موجود بر سر این زمین تا اتمام دوره خدمت من در شهرداری ادامه یافت و پس از پایان دوره مسئولیتم، شهردار وقت تهران (آقای نیک روش) در ۳۰ اردیبهشت ۱۳۶۰ با واگذاری رسمی این زمین به آن دانشگاه به این اختلاف پایان داد. اما با گذشت زمان دیدیم که در آن زمین دانشگاه بنا نشد.

دو سال پس از آن، از سوی هیأت مؤسس دانشگاه فوق‌الذکر، زمین چهارراه مصدق به مستغلات دانشگاه امام صادق (ع) اختصاص یافت تا دانشگاه مزبور از نظر اقتصادی خودکفا شود. بنابراین مدعای شهرداری در استفاده تجاری از آن زمین صحیح بود. کما این‌که اکنون نیز این مکان با کاربری تجاری کلان و ایجاد مغازه‌های متعدد تجاری مورد بهره‌برداری است.

### ۹) فشارهای وزارت کشور برای قطع پشتیبانی شهرداری از جنگ تحمیلی

عصر روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ در جلسه شورای معاونین شهرداری در ساختمان خیابان دکتر فاطمی (وزارت کشور فعلی) بودیم که چند هواپیمای عراقی، لحظاتی پس از عبور از بالای ساختمان ما، فرودگاه مهرآباد را بمباران کردند. آیت‌الله خمینی در واکنش به این حمله و تجاوز هوایی با روحیه بالایی گفتند: «چند تا سنگ انداختند و رفتند.»

با شروع جنگ ما به عنوان مدیریت شهر تهران احساس مسئولیت کردیم که برای حفظ امنیت شهروندان، باید در تهران پدافند داشته باشیم زیرا احتمال حمله به تهران همیشه وجود داشت. البته در مدت کوتاهی پس از آغاز جنگ تحمیلی، کلیه نهادهای کشور برای تقویت جبهه‌ها بسیج شدند. لذا از همان روزهای نخست بمباران تهران توسط جنگنده‌های روسی رژیم عراق، نسبت به تشکیل ستاد پشتیبانی جنگ اقدام کردیم. با همکاری ستاد سازمان بسیج و آموزش کارکنان شهرداری و شوراهای محلات، امکانات خود را ساماندهی کردیم تا در مواقع اضطراری بتوانیم خدمات شهری و اقدامات مربوط به امداد رسانی و بازسازی را به هموطنان ارائه دهیم.

در ۶ مهر ۱۳۵۹ با مدیران شهرداری جلسه‌ای تشکیل داده و اهداف مورد نیاز در جنگ را مورد بررسی قرار دادیم و پس از تدوین طرح «ستاد بسیج خدمات عمومی شهر تهران» و تشکیل آن<sup>۱</sup> در نامه‌ای به سرپرست سازمان بسیج مستضعفین از آن نهاد درخواست کردیم جهت توسعه همکاری و ایجاد هماهنگی لازم، نماینده خود را به ستاد بسیج خدمات عمومی شهر تهران اعزام کند.<sup>۲</sup>

شناسایی و بسیج کلیه امکانات شهرداری و مردم، آموزش کمک‌های اولیه، اطفاء حریق، آموزش نظامی با امکانات شهرداری و ایجاد آمادگی در کارمندان برای امداد رسانی ۲۴ ساعته از اهم اهداف «ستاد بسیج خدمات عمومی شهر تهران» بود. با نیل به این اهداف می‌توانستیم نیروی انسانی ماهر در امور درمانی، فنی، انتظامی، تأسیساتی و خدماتی را همراه با تجهیزات و ماشین‌آلات در اختیار و دسترس اماکن درمانی، مراکز تأمین حوائج عمومی و پناهگاه‌ها قرار دهیم. این ستاد با موافقت نخست‌وزیر و زیر نظر سازمان بسیج مستضعفین با هدف شناسایی امکانات، به‌کارگیری کلیه امکانات شهرداری، ایجاد هماهنگی میان نیروهای مختلف مردمی و ارگان‌ها، جمع‌آوری ماشین‌آلات و ابزار مورد نیاز، به‌کارگیری اماکن و نیروهای پزشکی،

۱. پیوست ۹۵

۲. پیوست ۹۶



کارگری و خدماتی، ایجاد آمادگی لازم برای مقابله با خطرات جنگ، شناسایی زیرزمین‌های مناسب برای پناهگاه و... تشکیل گردید.

اعضای ستاد مرکزی بسیج خدمات عمومی شهر تهران شامل نماینده جامعه روحانیت، نماینده تام‌الاختیار بسیج مستضعفین، نماینده جمعیت هلال احمر، شهردار تهران و سرپرست آموزش در شهرداری بود که برنامه‌ریزی برای بهره‌گیری از امکانات را برعهده داشت.

در ذیل ستاد مرکزی، ستاد مناطق با حضور شهردار منطقه، رابط ستاد مرکزی، نماینده روحانی منطقه، نماینده هلال احمر، نماینده آموزش سازمان بسیج و نماینده آموزش ستاد مرکزی همراه با دو تن از معتمدین محل و مورد اعتماد شهردار فعال بود و به آموزش نیروهای شهرداری و ایجاد ستاد محلات می‌پرداخت. اعضای ستاد محلات با خودیاری مردم سازماندهی شده و خدمات لازم از سوی آنها ارائه می‌گردید.

برنامه‌ریزی برای تشکیل هرچه بیشتر اهالی و توده مردم، هماهنگی با جمعیت هلال احمر و هماهنگی با سازمان آتش‌نشانی از جمله اقداماتی بود که این ستاد در قدم نخست انجام داد.

در طول دو سال مدیریت شهری، شوراهای محلی داوطلبانه با شهرداری همکاری می‌کردند و بازوی اجرایی ما در محلات بودند و کارهای بزرگی در محلات انجام می‌دادند. با آغاز جنگ این شوراها در امور پشتیبانی جبهه‌های جنگ، کمک زیادی می‌کردند. نمایندگان سازمان بسیج مستضعفین به اعضای ستاد بسیج خدمات عمومی آموزش‌های لازم از جمله آموزش نظامی دادند و از این طریق بیش از هزار داوطلب به جبهه‌ها اعزام شدند و علاوه بر این کمک‌های نقدی و جنسی مردمی برای جبهه جمع‌آوری شد. لذا افراد زیر نظر مسئولان، آموزش‌های لازم را می‌دیدند و کمک‌های مالی و نیازهای جبهه هم از طریق ستاد بسیج شوراهای محلات به جبهه‌ها ارسال می‌شد. به‌عنوان نمونه در ۱۲ مهر ۱۳۵۹، تعداد ۲۰ دستگاه تانکر زیر نظر ستاد مشترک ارتش به غرب و جنوب کشور ارسال گردید.

در ۲۴ مهر ۱۳۵۹ با ارسال یادداشتی به شهید رجایی (نخست‌وزیر وقت)، او را در جریان تشکیل «ستاد بسیج خدمات عمومی شهر تهران» قرار داده و درخواست کردم که با توجه به ضرورت فعالیت این ستاد، دستورات لازم برای اطلاع و همکاری سایر سازمان‌ها و نهادها را

صادر کند.<sup>۱</sup> اما در مسائل دوران جنگ، جای تعجب بود که خطاب به شهرداری تأکید می‌شد: «به جبهه‌های جنگ کمک نکنید!» این نوعی واکنش سیاسی بود و نشان می‌داد که نمی‌خواستند ما در امور جنگ حضور داشته باشیم. حتی آیت‌الله مهدوی‌کنی (وزیر کشور) در ۳ آبان ۱۳۵۹ خطاب به این‌جانب نوشتند: این قبیل خدمات در اختیار سازمان بسیج مستضعفین بوده و با توجه به مقررات موجود شهرداری تهران مستقیماً نمی‌تواند متصدی این‌گونه امور باشد.<sup>۲</sup> و دو روز بعد با صدور اطلاعیه‌ای تشکیل «ستاد بسیج خدمات عمومی شهر تهران» را غیرقانونی دانسته و اعلام کردند: «گروهی بدون توجه به ضوابط و مسئولیت‌های محوله دست به اقدامات غیر قانونی زده و با پخش اطلاعیه‌هایی با عناوین مجهول‌الهویه مردم را به تشکیل شوراهای محلی و ستادهای بسیج و خدمات شهری دعوت می‌کنند! انتخاب شوراهای شهر و محلات باید با نظارت وزارت کشور انجام شود. لایحهٔ مربوط به شوراها تحت بررسی مجلس است و شوراهای فعلی نباید به چنین اقداماتی دست بزنند. در حال حاضر مسئولیت این امور با سازمان بسیج است و شهرداری نمی‌تواند به‌طور مستقیم متصدی این امور باشد.» البته ایشان همیاری مردم در توزیع عادلانه مواد ضروری در منطقهٔ تحت نظارت توزیع اقلام ضروری را زیر نظر روحانیون و معتمدین محل را از شمول این اطلاعیه مستثنی نمودند.<sup>۳</sup>

شهرداری تهران همواره بر این نکته تأکید داشت که ستاد بسیج خدمات عمومی برای استمرار خدمات شهری در شرایط اضطراری تشکیل شده و تشکیل آن با موافقت نخست‌وزیر، سازمان بسیج و وزارت کشور بوده است. بر این اساس با صدور اطلاعیه‌ای در پاسخ به وزیر کشور عنوان کردم که ستاد بسیج در ارتباط با وظایف شهرداری در زمان اضطرار با همکاری مردم و سازمان بسیج شکل گرفته و موفق شده آموزش‌های لازم را در

۱. پیوست ۹۷

۲. پیوست ۹۸

۳. بنگرید به روزنامه میزان، شماره ۴۰، مورخ ۵ آبان ۱۳۵۹

سطح وسیعی برای کارکنان ارائه نماید. به علاوه برنامه این ستاد اصلاً به انتخابات رسمی شوراها ارتباطی ندارد و فعلاً افراد ذیصلاح مورد تأیید مساجد امور مربوطه را انجام می‌دهند.<sup>۱</sup> از آنجا که محمدعلی رجایی (نخست‌وزیر) همواره اذعان می‌داشت که پس از انقلاب خدمات شهرداری تهران چشمگیر بوده و بر این باور بود که باید میان شهرداری و نهادهای دولتی و انقلابی هماهنگی به‌وجود آید، لذا در ۱۷ آبان ۱۳۵۹ نامه‌ای خطاب به ایشان نوشتم و متذکر شدم که این وعده‌ها تنها در حد حرف باقی‌مانده و در عرصه عمل هرروز شاهد مداخله بیشتر عوامل وزارت کشور در امور شهرداری تهران هستیم. سپس شماری از کارشنکی‌های متعدد وزارت کشور را بیان کرده و تأکید کردم چنین مداخلاتی اداره امور شهری را با مشکل مواجه ساخته است. همچنین با یادآوری نحوه تشکیل ستاد بسیج، به ایشان گفتم که تصمیمات مأخوذه در ستاد بسیج خدمات عمومی در مذاکره حضوری با شخص جناب‌عالی گرفته شده است. لذا از جناب نخست‌وزیر درخواست می‌کنم شرایط جنگی کشور را در نظر گرفته و مدیریت دوگانه شهر تهران را مهار نمایند و زمینه هماهنگی وزارت کشور با شهرداری را فراهم کنند.<sup>۲</sup>

مرحوم دکتر سیدمحمدحسین بهشتی (رئیس وقت دیوان عالی کشور) در سخنرانی روز ۲۹ آبان ۱۳۵۹ در مسجد امام خمینی، در واکنش به اقدامات شهرداری در مورد ستاد بسیج خدمات عمومی، غیرمستقیم خطاب به شهردار تهران گفت: «روحانیت آگاه متعهد حداقل در حد نظارت همه‌جانبه تمام‌عیار به عنوان معتمدان ملت بر جریان کارهای کشور برای همیشه نظارت خواهد کرد. کسانی در جمهوری اسلامی مسئولیت‌های خرد و کلان را قبول میکنند که مزاجشان با این نظارت سازگار باشد. آنهایی که نمی‌توانند این نظارت را تحمل کنند لطفاً جایشان را به کسانی بدهند که از این نظارت صمیمانه استقبال می‌کنند.»

۱. پیوست ۹۹

۲. پیوست ۱۰۰

به نظرم این فکر و این نحوه بیان به ضرر اهداف انقلاب و منافع ملی بود لذا پاسخ به ایشان را واجب عینی قلمداد کرده و در نامه‌ای خطاب به ایشان مطالبی با این مضمون نوشتم: ... آیا این سخن را از جایگاه ریاست دیوان عالی کشور ایراد کردید و یا به‌عنوان رهبری حزب جمهوری اسلامی چنین ضرورتی را تشخیص داده‌اید! چرا که رئیس دیوان عالی کشور چنین اختیاری ندارد. لطفاً دستور فرمائید دولت فرد شایسته‌ای را که تابع این نظر باشد معرفی کند تا مسئولیت اداره شهر به ایشان تحویل شود. ضمن آن‌که طبق تأکید آیت‌الله خمینی مردم باید در حدود قوانین، امور خود را اداره کرده و هر که را صالح دیدند، انتخاب و بر حُسن اجرای امور نظارت کنند. روحانیون نیز به‌عنوان بخشی از جامعه، در صورت احراز صلاحیت و نشان‌دادن تعهد و مسئولیت‌پذیری از سوی مردم انتخاب خواهند شد؛ همان‌طور که روحانیون برجسته‌ای مانند مدرس، طالقانی و منتظری چون در قلب مردم جای داشتند، از سوی آنان انتخاب شدند و آنان این جایگاه را با تحمیل خود بر مردم کسب نکردند. نظارت مورد نظر جنابعالی که نتیجه آن به سلطه یک حزب در جامعه خواهد انجامید و عواقب نگران‌کننده‌ای در پی خواهد داشت متمایز از نظارت مردم در امور است. ما در شرایط بسیار دشواری برای خدا و خلق او مسئولیت قبول کردیم چرا که معتقدیم قدرت تنها از آن خداست و در این راه شدیدترین حملات را تحمل نموده و بدون داشتن اختیارات کافی انجام وظیفه کرده و لحظه‌ای از زیر بار مسئولیت شانه خالی نکردیم. موقعی که انتخاب مسئولان بر مبنای ضوابط مکتب اسلام و شایستگی صورت پذیرفته، دیگر ضرورتی برای دخالت روحانیت باقی نمی‌ماند. نظارت اصولی، طبق قانون در همه سطوح باید صورت گیرد. مطابق تعالیم اسلامی و اصول بدیهی مدیریت، اختیار همیشه در کنار مسئولیت معنی دارد و کسی که در قبال قانون و مردم هیچ مسئولیتی ندارد، نباید از اختیارات نظارتی بهره‌مند باشد. بر این اساس چون اداره شهر شش میلیونی تهران با تمام نابسامانی‌های آن در شرایط خاص بعد از پیروزی انقلاب مسئله‌ای پیچیده و فنی است، لذا هرگونه تصمیم و اقدام نسنجیده می‌تواند اثرات بسیار وخیمی در سطح مملکت به بار بیاورد و به همین مناسبت اگر مدیریت شهرداری قرار بود تسلیم نظرات عاطفی و انحرافی معدودی از روحانیون شود،

بن‌بست‌های زیادی برای اداره شهر به وجود می‌آمد و می‌توانست حتی از توطئه ضد انقلاب عواقب وخیم‌تری داشته باشد. در مورد اداره شهر تهران، مدیریت شهرداری از ابتدا انقلاب همواره به ضرورت نظارت و مشارکت مردم در اداره شهر تأکید داشته و عملاً در اکثر محلات و مناطق، معتمدین مردم نظارت و همکاری بسیار ارزنده‌ای با شهرداری تهران داشته‌اند و حتی بسیاری از معتمدان محلی در کسوت روحانیت بوده و قبول مسئولیت کردند و مسئولان اداره شهر را یاری دادند؛ به طوری که بدون این همکاری بسیاری از پروژه‌ها با موفقیت انجام نمی‌گرفت. در عین حال خودتان با قریب ۲۰ سال آشنایی با من اطلاع دارید همواره موافق و مؤید روحانیت متعهد بوده‌ام و اظهاراتم تنها برای دفاع از اصول انقلاب و جلوگیری از ایجاد جو بدبینی است.<sup>۱</sup>

از این پاسخ که بگذریم، مطلب بعدی آن بود که آقای مهدوی کنی در یکم آذر ۱۳۵۹ با ارسال نامه‌ای خطاب به من اظهار داشتند که هیچ مدرکی دال بر موافقت نخست‌وزیری برای فعالیت «ستاد بسیج خدمات عمومی شهر تهران» وجود ندارد و موافقت وزارت کشور هم تنها به بسیج کارکنان شهرداری محدود بوده و نه بسیج شهری همگانی.<sup>۲</sup> من نیز با نگارش نامه‌ای تصریح کردم که تشکیل ستاد بسیج خدمات عمومی بعد از مذاکره با نخست‌وزیری و وزارت کشور و پس از کسب موافقت اصولی انجام شده و هیچ اقدامی خلاف شرع و مصالح انقلاب از این ستاد سر نزده است.<sup>۳</sup>

سرانجام در جلسه‌ای که برای مذاکره در این خصوص در وزارت کشور تشکیل گردید، آیت‌الله مهدوی کنی و دو تن از معاونان ایشان (آقایان زواره‌ای و میرسلیم) با مردود دانستن ضرورت تشکیل ستاد بسیج خدمات عمومی، ارائه خدمات آن‌را نیز نپذیرفتند و آیت‌الله مهدوی‌کنی در پایان جلسه به ما گفتند: «امور جنگ به شما مربوط نیست، شما بروید

---

۱. پیوست ۱۰۱

۲. پیوست ۱۰۲

۳. پیوست ۱۰۳

زباله‌هایتان را جمع‌آوری کنید!!» ایشان و معاونانشان که از حزب جمهوری اسلامی بودند همواره با من که در مسیر فکری و سیاسی مهندس بازرگان بودم، اختلاف نظر سیاسی داشتند و از این جهت حضور بنده را در مدیریت شهر تهران بر نمی‌تابیدند بنابراین تأکید داشتند که نباید در امور پشتیبانی جنگ دخالت کنیم.

## فصل دهم: کناره‌گیری از مدیریت شهرداری و...

### (۱) دلایل استعفا

بعد از استعفای مهندس بازرگان و دولت موقت، مدیران بعدی کشور عموماً با ما هماهنگ نبودند و این ناهماهنگی به ضرر مردم تهران بود. با آن‌که من در کارهای حرفه‌ای خود و از جمله در مدتی که مسئولیت شهرداری پایتخت را برعهده داشتم، هیچ‌گاه نگاه سیاسی را دخالت نداده‌ام اما ظاهراً این مقدار برای مدیران بعدی کافی نبود و انتظار داشتند در مسائل کارشناسی هم تابع نظر آنان باشیم. ما نمی‌خواستیم از قبول مسئولیت شانه خالی کنیم، اما در آن شرایط ادامه حضور ما قطعاً موجب تشدید مشکلات مدیریت شهر می‌شد. اگر ریشه مشکلات مدیریت شهری در سال‌های بعد از انقلاب عمدتاً ناشی از عملکرد عناصر مخالف انقلاب اسلامی و سودجویانی بود که از فضای بی‌نظمی سوءاستفاده می‌کردند اما در دوره بعد از دولت موقت، بیشتر حساسیت سیاسی در خصوص سوابق سیاسی بنده موجب شده بود عده‌ای نتوانند تحمل کنند که یک عضو نهضت آزادی، در جایگاه مدیریت شهرداری تهران قرار داشته باشد. هرچند این نوع حساسیت‌ها در عملکرد ما دخالتی نداشت، اما به مدیریت شهری و نهایتاً به شهروندان و منافع ملی هزینه‌های سنگینی را وارد می‌ساخت.

مشکل اصلی این بود که ما مانند دولت موقت، خود را موقت می‌دیدیم لذا بنده پس از دولت موقت، استعفا دادم تا دولت منتخب شورای انقلاب، برای انتخاب شهردار تهران دستش باز باشد. بدین ترتیب در ششم اسفند ۱۳۵۸ در نامه‌ای به آقای بنی‌صدر که رئیس‌جمهور و

رئیس شورای انقلاب شده بود، ضمن برشمردن مشکلات، استعفای خود را تسلیم کردم. در آن نامه تصریح کرده بودم که با توجه به مشکلات شهری، شهردار تهران باید با دولت هماهنگ باشد تا بتواند در مقابل چالش‌های شهر پاسخگو باشد. به علاوه استعفای من به دلیل نامزدی‌ام برای انتخابات مجلس اول هم بود که این مطلب را نیز در نامه‌ای به اطلاع رئیس‌جمهور رساندم اما آن زمان استعفایم مورد موافقت قرار نگرفت.<sup>۱</sup>

معاونان من نیز به کرات در واکنش به اوضاع نابسامان و ناهماهنگی مدیریت‌ها استعفا دادند. از جمله آقایان حریری، منصوریان و صنیع‌پور به دلایلی مانند اظهارنظرهای غیرمسئولانه عده‌ای اشخاص متنفذ و تأکید برخی دیگر بر شعارهای بی‌محتوا که عملاً قدرت برنامه‌ریزی را از شهرداری سلب نموده بود از مقام خود استعفا دادند.<sup>۲</sup> این وضع نتیجه تعارض آراء نهادها و ناهماهنگی آن‌ها در اداره کشور بود و وضع به اندازه‌ای بغرنج شده بود که قانون در عمل توانایی خود برای تشخیص حق و حقدار را از دست داده بود و هرگونه اصرار بر قانون‌مداری به عنوان وابستگی به روش‌های طاغوتی تلقی می‌گشت.

مجدداً در ۲۷ اسفند ۱۳۵۸ در نامه‌ای خصوصی به آقای بنی‌صدر با دستخط خودم نوشتم که شهر تهران با ارت بردن مشکلات فراوان از رژیم منحط گذشته و به‌خصوص عملکرد نادرست مراکز متعدد قدرت و مداخله اشخاص غیرمسئول بعد از انقلاب قابل اداره نیست. خواهشمندم این نامه را به عنوان اعلام خطر جدی نسبت به آینده تهران (که قبلاً طی گزارش‌های مبسوط تسلیم شورای انقلاب شده) بپذیرید و هر چه زودتر نسبت به انتخاب شهردار جدید اقدام کنید. البته نه تنها با استعفای من موافقت نشد بلکه هشدارهایم نیز بی‌جواب ماند.<sup>۳</sup>

۱. پیوست ۱۰۴

۲. پیوست ۱۰۵

۳. پیوست ۱۰۶



به دلیل بی توجهی به مصوبات مدیریت شهری، برای دومین بار در اردیبهشت ۱۳۵۹ همراه با معاونانم با ارسال نامه‌ای خصوصی به آقای بنی‌صدر (رئیس‌جمهور) استعفای خود را تقدیم کردیم.<sup>۱</sup> اما آقای بنی‌صدر خواست که تا روی کارآمدن نخست‌وزیر جدید، امور شهر را همچنان اداره کنیم.

مشکلات ادامه پیدا کرد تا این‌که در دوران نخست‌وزیری آقای رجایی به علت ناهماهنگی میان وزارت کشور و شهرداری، من در ۲۰ شهریور ۱۳۵۹ از سمت خود استعفا دادم و گفتم ادامه کار ما به مصلحت نیست و بهتر است شهرداری انتخاب شود که از پشتیبانی و حمایت لازم برخوردار بوده و با اعضای کابینه یکدست باشد.<sup>۲</sup> به این درخواست هم ترتیب اثر داده نشد و من مجدداً در ۳۱ شهریور به آقای رجایی اعلام کردم به دلیل آن که سفر زیارتی حج در پیش دارم، هرچه سریع‌تر نسبت به معرفی شهردار جدید اقدام نماید.<sup>۳</sup> آقای رجایی با استعفای من موافقت نکردند و در نامه‌ای نوشتند که شما باید بمانید و من با وزارتخانه‌ها و سایر دستگاه‌ها هماهنگی لازم را تأمین می‌کنم. من انتظار داشتم این اتفاق از طریق وزارت کشور رخ دهد. ایشان در نامه‌ای به تاریخ ۴ مهر ۱۳۵۹ به من نوشت که با توجه به وضع حساس کشور و شروع جنگ و با توجه به خدمات چشمگیری که شهرداری بعد از پیروزی انقلاب تا کنون داشته، شایسته است همچنان به خدمات صادقانه خود ادامه دهید.<sup>۴</sup> ما هم با علاقه‌مندی خدماتمان را ادامه داده و سپس از ایشان خواستم به نهادهای ذیربط کشور ابلاغ نمایند تا همکاری‌های لازم را با شهرداری داشته باشند.<sup>۵</sup> آقای رجایی نیز در پاسخ ضمن تشکر از من برای پذیرش ادامه مسئولیت، اعلام کرد که امیدوارم در فرصت‌های آینده پیشنهاد منطقی شما به منظور ایجاد هماهنگی ارگان‌ها که نمونه آن در جلسه مورخ ۵۹/۷/۹ هیئت دولت به تصویب

۱. پیوست ۱۰۷

۲. پیوست ۱۰۸

۳. پیوست ۱۰۹

۴. پیوست ۱۱۰

۵. پیوست ۱۱۱

رسیده و مقرر شده هر نوع رابطه و مکاتبه با وزارتخانه‌ها و سازمان‌های وابسته و مؤسسات نیمه دولتی را تنها از طریق دفتر نخست‌وزیری انجام دهند و همه سازمان‌ها با احساس این ضرورت وظایف و تکالیف خود را به‌منظور رسیدن به جامعه اسلامی ایده‌آل دقیقاً مراعات نمایند.<sup>۱</sup> به عبارتی ایشان سعی داشت هماهنگی‌های لازم را برای عملکرد موفق شهرداری ایجاد کند. متأسفانه به رغم این تلاش‌ها به تدریج و مجدداً ناهماهنگی‌ها پیش آمد.

ایجاد محدودیت‌های پی در پی برای شهرداری مانند دخالت ندادن شهرداری در امور پشتیبانی جنگ، آزردهنده بود. آن‌زمان به‌رغم مخالفت آقای زواره‌ای با ما، چون آقای رجایی حامی شهرداری بود لذا کسی نمی‌توانست علیه ما کاری انجام دهد. من با شهید رجایی ارتباط نزدیکی داشتم و ایشان هم به من اعتماد کامل داشت. وقتی هم که ایشان خواستند مسئولیت نخست‌وزیری را بپذیرند، یک شب در دفتر کارشان در وزارت آموزش و پرورش (خیابان اکباتان) چندین ساعت با ایشان صحبت کردم و دوستانه توصیه کردم که این مسئولیت را نپذیرد. برای همین وقتی قبول مسئولیت کردند، رسماً از سمت شهردار تهران استعفا دادم، زیرا می‌دانستم برخی از وزرای ایشان به لحاظ سوابق سیاسی با ما هماهنگ نیستند و این شرایط به نفع مدیریت شهر تهران نیست. مکرر اعلام می‌کردم که به‌دلیل مداخلات سایر نهادها در امور شهرداری، نمی‌توانیم به وظایف خود عمل کنیم اما چون جایگزینی برای این سمت نبود با استعفا موافقت نمی‌کردند و کسی هم آمادگی نداشت به این حوزه وارد شود.

بعد از دولت موقت، ناهماهنگی و مداخلات بی‌رویه دستگاه‌های اجرایی و نهادها و افراد غیرمسئول با مدیریت شهر تهران تشدید شد و همان‌طور که پیش از این اشاره کردم متأسفانه با وجود اعتماد کامل و حسن ظنی که شهید رجایی به مدیریت شهرداری تهران داشت و به‌رغم تلاشی که به‌عمل آورد، هماهنگی و همگامی با شهرداری صورت نگرفت و همچنان مداخلات بی‌رویه دستگاه‌های اجرایی و نهادها و افراد غیرمسئول در شهر تهران به‌ویژه عدم تفاهم مجریان وزارت کشور و کسانی که وظایف و خدمات شهرداری تهران را فقط در

جمع‌آوری زباله منحصر می‌دانستند و با هر نوع خدمات فرهنگی و اجتماعی حتی در شرایط جنگ تحمیلی با تشکیل ستاد جمع‌آوری کمک‌های کارکنان شهرداری و مردم شهر تهران برای جبهه‌های جنگ مخالف بودند، موجب گردید اداره شهر تهران و انجام خدمات با مشکلات پیچیده‌ای روبرو شود. در چنین شرایطی قبول مسئولیت و ادامه خدمت برای من و همکارانم مقدور نبود. من اعتراض خود را نسبت به ناهماهنگی موجود میان وزارت کشور و شهرداری علی‌رغم این‌که توافق قبلی صورت گرفته بود، به اطلاع آقای رجایی رساندم اما باز هم تغییری در شرایط صورت نگرفت.<sup>۱</sup>

یکی از دلایل استعفای من پس از استعفای معاونانم، نگاه راهبردی در برنامه‌های توسعه ملی بود که به دفعات در آن موقع مطرح می‌کردم. زیرا شهرداری تهران باید از همان ابتدا به دنبال تمرکززدایی از شهر تهران بود تا قدرت سیاسی و اقتصادی تنها در شهر تهران متمرکز نباشد و دیگر شهرهای کشور نیز به یک اندازه از میزان اختیارات سیاسی و ثروت ملی استفاده کنند. مدیران شهر تهران باید تلاش می‌کردند همه شهرهای کشور به صورت همزمان با شهر تهران، توسعه پیدا کنند تا از توسعه نابرابر بین شهرهای کشور جلوگیری شود و مشکل مهاجرت به ویژه به کلانشهر تهران و حاشیه‌نشینی پیش‌گیری می‌شد. به رغم این توصیه‌های مکرر در دو سال اول بعد از انقلاب توجهی نشد و با وقوع جنگ تحمیلی بحران‌های شهر تهران بیشتر از گذشته افزایش پیدا کرد و این وضعیت پس از پایان جنگ شکل جدی‌تری به خود گرفت.

در آخرین نامه‌ای که به مرحوم رجایی نوشتم، رئیس دفتر ایشان (حسن عسکری‌راد) به نقل از نخست‌وزیر جواب داد که با توجه به شرایط موجود، راه حل مسئله تعویض مسئولین یکی از دو ارگان (شهرداری تهران یا وزارت کشور) است.<sup>۲</sup> من که نمی‌توانستم بگویم آیت‌الله مهدوی‌کنی از وزارت کشور کنار بروند و آقای رجایی هم در مورد بنده،

۱. پیوست ۱۱۳

۲. پیوست ۱۱۴

زیر فشار وزرای خودش بود. به همین دلیل در ۲ دی ۱۳۵۹ خدمت آیت‌الله خمینی رفتم و ادله خود برای استعفا را خدمتشان ارائه دادم که همان موقع در رسانه‌ها منعکس شد. متن نامه‌ای که خدمت ایشان قرائت نموده و تقدیم کردم چنین بود:

"حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی رهبر عالیقدر انقلاب اسلامی ایران

با سلام و تحیت، به طوری که استحضار دارید اینجانب بعد از پیروزی انقلاب مسئول اداره شهر تهران شدم و با توجه به مسائل و مشکلات شهر تهران بعد از دوران انقلاب و مشکلات داخلی سازمان وسیع شهرداری تهران و سایر مشکلاتی که پس از انقلاب به طور مستمر به وجود آمده است، با تحمل فشار کار و همه کارشکنی‌ها و دخالت‌های بی‌رویه به خاطر خدا و مصالح انقلاب و خدمت به مردم تا کنون به کار خود ادامه دادم و شهر تهران در حد مقدور اداره شده است.

با توجه به ارتباط و پیوند عمیق مسائل شهر تهران با مسائل کلی مملکت و ضرورت هماهنگی شهردار تهران با دولت، از حدود یک سال گذشته این ضرورت را به دفعات به طور شفاهی و کتبی به شورای انقلاب، ریاست جمهوری و وزارت کشور متذکر شده‌ام. پس از انتخاب برادر جناب آقای رجایی به سمت نخست‌وزیر، با توجه به این ضرورت استعفای خود را تسلیم نمودم تا ایشان بتوانند هماهنگ با وزاری خود، شهردار جدید تهران را برای اداره شهر انتخاب کنند. ایشان در جواب کتباً خواستند با توجه به وضع حساس کشور و با توجه به خدمات چشمگیری که شهرداری از فاصله پیروزی انقلاب تا کنون داشته‌است، همچنان به خدمات خود ادامه بدهم.

اینجانب نیز با توجه به شرایط جنگی مملکت مشروط بر این که بتوانند هماهنگی لازم را ایجاد نمایند با ادامه کار موافقت نمودم. متأسفانه با وجود تلاش زیادی که در این زمینه به عمل آمده است، نه تنها تا کنون هیچگونه هماهنگی ایجاد نشده است بلکه عدم هماهنگی دولت و به خصوص عدم تفاهم مجریان وزارت کشور با شهرداری تهران، مشکلات اساسی برای مدیریت شهرداری و اداره شهر به وجود آورده‌است که قبول مسئولیت و تبعات قانونی و اجتماعی آن در مقابل مردم شهر برای اینجانب مقدور نمی‌باشد.

با توجه به این که بر اساس مکاتبات اخیر با دولت و وزارت کشور، دولت قادر به ایجاد هماهنگی نبوده و بر اساس درخواست مکرر اینجانب شخص دیگری را برای اداره شهر معرفی نکرده‌اند، نظر به این که ادامه وضع کنونی به هیچ وجه به مصلحت انقلاب و مردم شهر تهران نیست و با توجه به این که شورای شهر تهران هنوز تشکیل نشده‌است، از حضورتان استدعا می‌کنم با استعفای اینجانب موافقت بفرمایید. سلامتی و طول عمر وجود شریف جناب‌عالی و پیروزی انقلاب اسلامی ایران را از خداوند تبارک و تعالی مسئلت می‌کنم."

در این ملاقات گزارشی از اهم مسائل و مشکلات اداره شهر تهران و نمونه‌هایی از اقدامات بی‌رویه و مکاتبات با دولت و وزارت کشور را به آیت‌الله خمینی تسلیم کردم و به عرض ایشان رساندم که چون دولت قادر به ایجاد هماهنگی و همگامی بین دستگاه‌ها و سازمان‌ها و مدیریت شهرداری تهران نیست و به علاوه نتوانسته است با اصرار مکرر اینجانب شخص دیگری را برای اداره امور شهر معرفی نماید و ادامه این وضع به مصلحت انقلاب و مردم شهر تهران نمی‌باشد، لذا از حضور رهبر فقید انقلاب درخواست می‌کنم که با استعفای اینجانب موافقت فرمایند. ایشان فرمودند باز هم باید تلاش کنید تا هماهنگی ایجاد شود و در این زمینه دستورات لازم را به دولت خواهند داد.

بعد از این دیدار آیت‌الله توسلی<sup>۱</sup> خواستند موضوع دیدار خود را با خبرنگاران در میان بگذارم. من هم عیناً مطالب را به خبرنگاران منتقل کردم. روز بعد جراید به ویژه روزنامه‌های «میزان» و «انقلاب اسلامی» مشروح این گزارش را پوشش دادند.

روز بعد در ۳ دی ۱۳۵۹ آیت‌الله مهدوی کنی (وزیر کشور) ضمن تشکر از زحمات من سرانجام با استعفایم موافقت کردند.<sup>۲</sup> بلافاصله پس از موافقت با استعفایم در جلسه

۱. آیت‌الله محمدرضا توسلی محلاتی (فوت ۱۳۸۶ - تولد ۱۳۰۹) فقیه، رئیس دفتر امام، سرپرست حجاج ایرانی در حج ۱۳۵۹، عضو شورای بازنگری قانون اساسی و مجلس خبرگان و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام که در ۲۷ بهمن ۱۳۸۶ هنگام نطق پیش از دستور در جلسه مجمع، دچار عارضه قلبی شد و روز بعد درگذشت و در آرامگاه روح‌الله خمینی دفن گردید. (م. ر)

تودיעی که با حضور آقای زوارهای و کلیه مدیران شهرداری تهران در سالن اجتماعات ساختمان مرکزی شهرداری تهران در خیابان دکتر فاطمی (وزارت کشور فعلی) برگزار شد، اهداف و برنامه‌های خدمات قریب دو سال مدیریت شهرداری تهران بعد از پیروزی انقلاب و رئوس برنامه‌های جاری و آتی و موجودی حساب‌های شهرداری تهران و مسائل و مشکلات را ارائه دادم و برای شهردار جدید تهران آرزوی توفیق خدمت نمودم.

متأسفانه سیل اتهامات با اتمام دوره مسئولیت اینجانب پایان نیافت و از همان لحظه خداحافظی من با شهرداری با هجمه سنگین‌تری ادامه پیدا کرد. در نخستین اقدام آیت‌الله مهدوی‌کنی ضمن سخنرانی در جلسه معارفه دکتر نیک‌روش به عنوان شهردار جدید تهران، پس از تشکر از زحمات شهرداری در دو سال ابتدای انقلاب، انتقاداتی را به من وارد ساخت که دور از واقعیت بود. زیرا در دوره دو ساله ابتدای انقلاب بابت خدمات شهرداری، تقدیرهای زیادی به‌ویژه از سوی رئیس‌جمهور وقت صورت گرفته بود.<sup>۱</sup> ایشان مدعی بود که اگر شهرداری جلوی ساخت‌وسازهای غیرقانونی مستضعفین در خاک سفید را گرفته، چرا در مقابل در شهرآرا و کوی کن مجوز ساخت و ساز صادر کرده و اگر قرار به مهار گسترش شهر است باید قانون در همه نقاط یکسان باشد. قصد داشتم به خاطر مصالح انقلاب به اظهارات ناصواب و مکرر ایشان پاسخی ندهم اما در سخنان ایشان به‌اندازه‌ای انحراف بود که ناچار شدم مجدداً از تصمیم خود بازگردم. به همین جهت در ۲۹ دی ۱۳۵۹ خطاب به ایشان نامه‌ای نوشتم و صریحاً اعلام کردم که شهرداری هیچ‌گاه انتقاد اصولی و سازنده‌ای از ایشان دریافت نکرده و آنچه ایشان عنوان کرده تنها نشان دهنده برداشت نادرست ایشان است. چرا که شهرداری بر مبنای قانون مصوب شورای انقلاب تنها برای کسانی مجوز ساخت صادر می‌کرد که دارای برگ عمران از سوی سازمان عمران اراضی شهری بودند و کسانی که بخواهند با تجاوز به اراضی شهری اقدام به خانه‌سازی کنند مشمول این قانون نیستند. نکته جالب این بود که آیت‌الله مهدوی‌کنی از سوابق خاک سفید اطلاع کامل داشت چرا که خود یکبار به

درخواست من به اتفاق از آن نقطه بازدید کرده بودیم و آگاه بودند که کارشکنی‌های کمیته‌ها عملاً قدرت را از شهرداری برای جلوگیری از بسیاری امور خلاف سلب نموده و حتی پاسدارانی که بنا بود برای صیانت از اراضی در اختیار شهرداری قرار گیرند، هیچ‌گاه حضور پیدا نکردند و همین سنخ مشکلات مرا به استعفا‌های مکرر واداشت. در پایان نامه خود تصریح کردم که برای تأمین حقوق مستضعفین شعار بسیار داده می‌شود ولی عملاً کاری صورت نمی‌گیرد. جناحی که سعی دارد ما را به استکبار و مستکبرین پیوند بزند فراموش کرده که فی‌المثل تنها ۷۰ درصد بودجه عمرانی شهرداری تهران در ۱۳۵۸ در جنوب خیابان شوش و برای خدمت به اقشار محروم هزینه شده و بیشترین تلاش‌ها برای تثبیت جایگاه کارگران زحمتکش شهرداری شده است. نهایتاً از آقای مهدوی‌کنی درخواست کردم که از اظهارنظر در اموری که در تخصصشان نیست پرهیز کنند زیرا این مسأله انقلاب را به بن‌بست کشانده و فاجعه خواهد آفرید.<sup>۱</sup>

نکته مهم این بود که کارشکنی‌های آن دوره تنها به دلیل مدیریت اینجانب که سابقه عضویت در نهضت آزادی داشتم بود؛ زیرا با پایان یافتن مدیریت ما و آغاز سرپرستی آقای زواره‌ای یکباره کلیه ناهماهنگی‌ها پایان یافت و با ایشان و شهردار بعدی به بهترین شکل همکاری انجام شد.

بدین ترتیب پس از رفتن من از شهرداری تهران، بسیاری سعی کردند به لحاظ سیاسی به نوعی با جریان نهضت آزادی مقابله کرده و حتی دستاوردهای این دوره شهرداری را مانند طرح ترافیک هسته مرکزی شهر را حذف کنند. ولی به تدریج دیدند که هیچ چاره‌ای جز اجرای آن طرح‌ها نیست و چارچوب طرح‌ها به لحاظ علمی چنان مطالعه شده که نه تنها به طرح‌ها دست نزدند بلکه بعدها به طور مثال طرح‌های دیگری مانند طرح زوج و فرد هم در محدوده بزرگ‌تری به آن اضافه کردند.

## ۲) وارد کردن اتهامات بی‌اساس به مدیریت شرکت واحد

با پایان مسئولیت من در شهرداری، پس از کنار رفتن آقای مهندس علیرضا هندی از مدیریت عامل شرکت واحد، آقای اعتضادی به جای او سرپرستی شرکت واحد را به دست گرفت. این فرد پس از شروع خدمت طی مصاحبه‌ای در ۲۷ دی ۱۳۵۹ اعلام کرد انعقاد قراردادهای بی‌مورد و استخدام‌های بی‌رویه، میلیون‌ها تومان بودجه بیت‌المال را در این شرکت هدر داده است. به گفته اعتضادی استخدام‌های شرکت واحد در دوره مدیریت بنده در شهرداری که از آن به دیکتاتوری نام می‌برد، همه بر اساس روابط بوده و از این طریق تقریباً ۴ هزار نفر مازاد استخدام شده بودند که به جز ۱۰۰ نفر مابقی همه زائد هستند. او عنوان کرده بود که تنها با بخشی از هزینه اجاره مینی‌بوس‌ها امکان تعمیر خودروهای معیوب وجود داشت و این هزینه کلان دور ریختن پول مردم بوده است. وی همچنین قراردادهای منعقد در دوره مدیریت سابق را به قرارداد ترکمن‌چای تشبیه نمود که عملاً برای شرکت واحد سودی نداشته‌اند. ایشان امکانات رفاهی رانندگان را که در دوره مدیریت ما ایجاد شده بود مانند ایجاد مکان سرو صبحانه برای رانندگان از مصادیق مدیریت ناصحیح مالی می‌دانست.

گفته‌های اعتضادی سپس توسط نمایندگان انجمن اسلامی شرکت واحد نیز تأیید شد و در مطبوعات انتشار یافت. این نماینده اعلام نمود استخدام اتوبوس‌های دولتی برای خدمت در شرکت واحد عملاً بی‌نتیجه بود و تا کنون از آن‌ها استفاده‌ای نشده است. وی مدیریت آقای مهندس هندی را مصداق ضدیت با خودکفایی فنی دانست و اعلام کرد آقای هندی همواره با تولید قطعات یدکی توسط پرسنل شرکت مخالفت کرده است.

مهندس هندی با نگارش نامه‌ای اعتراضی خطاب به دادستانی کل کشور، اتهامات وارده را تکذیب و انتشار آن در مطبوعات و صدا و سیما را محکوم کرد و خواستار برخورد با آقایان زواره‌ای (سرپرست وقت شهرداری)، اعتضادی و دو تن از پرسنل شرکت واحد شد.<sup>۱</sup>



به دنبال اعتراض آقای مهندس هندی من نیز نامه‌ای به دادستانی نوشتم و قضاوت را به افکار عمومی و میزان رضایت مردم از شرکت واحد واگذار کردم. به علاوه خواستار رسیدگی به سوابق آقای اعتضادی و دو نفر از اعضای انجمن اسلامی همراه ایشان شدم و به پخش یک سویه مطالب کذب آنان از تلویزیون آن هم بدون برگزاری هیچ دادگاه صالحه‌ای و عدم اختصاص زمان پاسخگویی به مسئولان وقت اعتراض و عنوان کردم که دلیل سکوت پرسنل شرکت واحد در دوره مدیریت ما در شهرداری چه بوده و به چه علت بیان آن موارد را تا به امروز به تعویق انداختند؟ در آخر این گونه اقدامات را انحرافی خوانده و به عناصری نسبت دادم که در فرآیند انقلاب پاکسازی شده بودند و خواستار تشکیل هیأتی ذیصلاح بر اساس اصل ۳۷ و ۳۹ قانون اساسی جهت رسیدگی به این انحراف شدم.<sup>۱</sup>

واقعیت این بود که مدیریت وقت شرکت واحد داوطلبانه استعفای خود را به سرپرست شهرداری تقدیم کرده و برکنار نشده بودند. به علاوه اعتضادی سرپرست جدید شرکت واحد شخص بی تجربه‌ای بود که با تکیه بر اعضای انجمن اسلامی، مدیریت را به دست گرفته بود که آن هم نتیجه‌ای جز هرج و مرج اداری نداشت.

اقدامات شرکت واحد در دوره ریاست مهندس هندی همواره زیر نظر شهرداری و وزارت کشور بوده و برنامه‌های آن نیز هماهنگ با سازمان ترافیک و راهنمایی و رانندگی اجرا گشته و تصمیم‌گیری‌های کلان نیز در شورای عالی ترافیک با حضور شخص اینجانب بود و مدیریتی خودمختار در آن شرکت وجود نداشت.

نارسایی‌های بسیاری در مدیریت شرکت واحد تا اتمام دوره کوتاه مسئولیت ما باقی مانده بود اما با این وجود یک واحد کارگری با ۱۲ هزار کارگر برای این شرکت تعبیه شده بود تا با تدارک تجهیزات مناسب و افزایش کیفیت کارکنان، کارایی آن شرکت را دوچندان سازد. فعالیت منظم شرکت واحد پس از شروع جنگ تحمیلی با وجود صرفه‌جویی خودروهای شخصی در مصرف سوخت و کاهش حضور این خودروها نشان از مدیریت کارآمد در آن زمان داشت.

متأسفانه این غائله به ضرر مدیران سابق شرکت واحد ادامه پیدا کرد و در جراید مطرح شد که آقای هندی در ۲۳ شهریور ۱۳۶۰ به دلیل اختلاس در شرکت واحد و حمایت از رئیس‌جمهور (آقای بنی‌صدر) بازداشت شده است. با آن‌که دکتر نیک‌روش شهردار وقت پس از آغاز مدیریتش رسماً اعلام کرده بود هیچ‌گونه سوء استفاده مالی در شرکت واحد مشاهده نکرده است. پس از مشاهده این خبر به آقای ربانی املشی (دادستان جدید انقلاب)، نامه‌ای نوشتم و یادآوری کردم تنها راه حل تشکیل هیأت ذیصلاح است. به علاوه از اقدامات مهندس هندی و شخصیت پاک و مومن او دفاع کردم و مطالب مطروحه را مجدداً کذب خواندم.

می‌دانستم که دستگیری مهندس هندی جزو رویدادهایی است که به دلیل وابستگی به من و برای فشار به نهضت آزادی ایران رخ داده است چرا که در مراتب بعدی اتهام‌زنی به ایشان، عضویت او در نهضت آزادی، جرم اعلام شده بود. بنابراین در نامه‌نگاری‌های خود اعلام می‌کردم که آقای هندی آن موقع اصلاً عضو نهضت آزادی نبوده است.

در دی همان سال رئیس‌جمهور وقت (آقای خامنه‌ای) هنگام بازدید از شرکت واحد، متأسفانه اتهامات مطروحه در مطبوعات را مطابق با جوسازی‌های منفی تأیید کرد و مدیریت دوره ما را متعلق به قشر طلبکار از انقلاب دانست و دوره مدیریت مهندس هندی را مصداق توطئه خواند.<sup>۱</sup> لفظ توطئه برای آن بود تا کارکنان با تجربه دوره مدیریت ما از صحنه فعالیت‌ها دور نگاه داشته شوند و از آن پس برای اعضای نهضت آزادی و طرفداران این جریان واژه لیبرال به کار برده می‌شد.

### ۳) دیدار از جبهه‌های جنگ

در اولین اقدام پس از پایان دوره مسئولیت شهرداری همراه با آقای دکتر کمال خرازی برای دیدار از جبهه‌ها به مناطق جنگی رفته و با دکتر چمران در ستاد جنگ‌های نامنظم دیدار کردم. البته با دکتر چمران از سال‌ها قبل به ویژه در برنامه آموزشی مصر آشنا بودم. هنگام

استقرار در آبادان متوجه شدم که آقای خلخالی و چند نفر از پاسدارانشان نیز آن شب در آن محل اقامت دارند. من و آقای خلخالی شروع کردیم به صحبت درباره وقایع دو سال اول انقلاب و وقایعی همچون عملکرد دولت موقت و عملکرد ایشان. برای من حیرت‌آور بود که وقتی آقای خلخالی می‌خواست پاسخ مرا بدهد با یکی از پاسدارانش مشورت می‌کرد. این پاسدار ظاهراً ساده که نفوذ فوق‌العاده‌ای بر ایشان داشت، شخصیت مرموزی داشت که حتی حاضر نشد در عکس دسته‌جمعی یادگاری در جمع ما بایستد. آن شب حس کردم برخی حرف‌ها و برخی اقدامات افراطی برخی از روحانیون مانند آقای خلخالی حاصل افراد نفوذی است که در آن شرایط حساس به سهولت از طریق کمیته‌ها و مساجد در حلقه‌های نزدیک آنان قرار می‌گرفتند و با جلب اعتماد آنان به اقدامات افراطی دامن می‌زدند.

در آن سفر شهید دکتر چمران به من پیشنهاد کرد مسئولیت واحد مهندسی ستاد جنگ‌های نامنظم را بپذیرم. من از این پیشنهاد استقبال کردم اما با توجه به مشکلاتی که خود ایشان در جبهه روبرو بود و در جلسات خصوصی با حضور برادرش (مهندس مهدی چمران) و دکتر کمال خرازی مطرح می‌کرد، خواستم که این امر با موافقت شورای عالی دفاع انجام شود. بعداً مطلع شدم که آقایانی که در این شورا بودند با آن موافقت نکردند!!

بزرگترین ضربه‌ای که در اواخر ۱۳۵۹ و سال ۱۳۶۰ به کشور وارد شد، حاکم شدن همین جو خشونت بر جامعه بود و این امر باعث شد فضای جامعه بسته شود. ما راهبرد مدیریت از پایین و سپردن کارها به دست مردم را مطابق اصول قانون اساسی مورد توجه قرار داده بودیم، اما از اوایل دهه ۱۳۶۰ بسته شدن فضای سیاسی کشور، متأسفانه این روند متوقف شد.

همه این موارد گویای این واقعیت بود که بعد از استعفای دولت موقت، عده‌ای از مدیران با ادامه حضور ما در مدیریت شهر تهران موافق نبودند. این اوضاع را بعد از کنار رفتن دولت موقت، پیش‌بینی کرده بودم و به همین دلیل بعد از هر تغییر مدیریتی، موضوع استعفاء را مطرح می‌کردم. اما چون کار سنگینی بود و صاحب‌منصبان جدید هم کسی را برای جایگزینی در این سمت نداشتند، نهایتاً استعفای مرا پس از دیدار با آیت‌الله خمینی و انتشار خبری آن پذیرفتند.



پیوست‌ها



## فهرست پیوست‌ها

۲۳۱	حکم انتصاب مهندس توسلی به سرپرستی موقت شهرداری تهران از سوی وزیر کشور (احمدصدر حاج‌سیدجوادی)	پیوست ۱
۲۳۲	نامه تشکرآمیز وزیر کشور به شهردار تهران بابت اقدامات قاطعانه در برابر مفسده‌جویان در شهرداری	پیوست ۲
۲۳۳	اطلاعیه شهرداری تهران در مورد اغتشاش عناصر ضدانقلاب در محل ساختمان اصلی شهرداری تهران در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ و اقدامات شهرداری در این مورد	پیوست ۳
۲۳۵	متن سخنرانی شهردار تهران در جمع کارکنان شرکت واحد	پیوست ۴
۲۳۹	اطلاعیه شهردار تهران خطاب به کارمندان شهرداری در مورد نفوذ عناصر ضد انقلاب در شهرداری و اقدامات تحریک‌آمیز آنان و لزوم مقابله با این اقدامات	پیوست ۵
۲۴۱	نمونه کارت دعوت شهردار تهران جهت شرکت میهمانان در مراسم افطاری ۲۳ رمضان در مجموعه آزادی	پیوست ۶
۲۴۲	مناطق ۱۲گانه تقسیمات شهری قدیمی تهران	پیوست ۷
۲۴۳	نامه مهندس صباغیان (وزیر کشور) به نخست‌وزیر مبنی بر ارائه طرح آیین نامه وظایف و اختیارات شورای شهر و یادداشت مهندس بازرگان در هامش نامه	پیوست ۸
۲۴۴	قسمتی از آیین‌نامه وظایف و اختیارات شورای شهر همراه با اظهار نظر مهندس بازرگان با خط خودشان	پیوست ۹
۲۴۵	یادداشت مهندس بازرگان به مهندس توسلی در مورد چاره‌اندیشی برای کاهش مشکلات ترافیک شهر تهران	پیوست ۱۰
۲۴۸	نامه مهندس توسلی به وزیر کشور (احمدصدر حاج‌سیدجوادی) در مورد طرح کلی بهبود ترافیک شهر تهران	پیوست ۱۱
۲۴۹	نمونه‌هایی از پیشنهادات مردمی برای حل مشکل ترافیک	پیوست ۱۲
۲۵۱	محدوده طرح ترافیک	پیوست ۱۳
۲۵۲	نامه مهندس توسلی به نخست‌وزیری مبنی بر تصویب قانونی ماده واحده طرح ترافیک	پیوست ۱۴
۲۵۴	نامه عبدالحسین ابراهیمی به شهردار تهران در مورد ارسال نسخه «نکاتی راجع به ترافیک و طرح متروی تهران»	پیوست ۱۵
۲۶۶	متن لایحه قانونی اصلاح قانون تأسیس شرکت مترو	پیوست ۱۶
۲۶۸	نامه عبدالحسین ابراهیمی به مهندس توسلی در خصوص ارسال لایحه قانونی تأسیس شرکت مترو همراه با اساسنامه آن	پیوست ۱۷

- ۲۷۶ اعلام مسیر جدید خطوط مترو تهران از زبان مهندس توسلی و مهندس ابراهیمی در مطبوعات پیوست ۱۸
- ۲۷۷ صورت‌جلسه کمیسیون فنی هیأت وزیران در مورد احداث مترو تهران پیوست ۱۹
- ۲۸۴ نامۀ ابوالحسن بنی‌صدر (رئیس‌جمهور و رئیس شورای انقلاب) به دکتر مصطفی چمران (وزیر دفاع ملی) در خصوص همکاری با شهرداری تهران برای حل مشکل ترافیک پیوست ۲۰
- ۲۸۵ مصاحبه مطبوعاتی شهردار تهران در مورد تحریکات مدیران بنگاه‌های مسافربری و هشدار به آنان پیوست ۲۱
- ۲۸۶ نامۀ صادق خلخالی به مهندس توسلی در مورد انتقال شرکتهای مسافربری به ترمینال پیوست ۲۲
- ۲۸۷ نامۀ تعدادی از اعضای اتحادیه صنف مسافربری تهران به وزیر کشور در اعتراض به انتقال شرکتهای مسافری به ترمینال جنوب پیوست ۲۳
- ۲۸۸ نامۀ اتحادیه صنف مسافربری تهران به شهردار تهران در خصوص واگذاری ترمینال جنوب به آن اتحادیه پیوست ۲۴
- ۲۸۹ عریضهٔ اعضای صنف مسافربری تهران به امام خمینی در اعتراض به اقدام شهردار تهران برای انتقال شرکتهای مسافربری به ترمینال جنوب پیوست ۲۵
- ۲۹۰ نامۀ اعضای اتحادیه صنف مسافربری تهران به شهردار در خصوص واگذاری مدیریت ترمینال جنوب به اتحادیه مزبور پیوست ۲۶
- ۲۹۱ پاسخ شهردار تهران به درخواست اتحادیه صنف مسافربری تهران پیوست ۲۷
- ۲۹۲ نامۀ رئیس‌جمهور به شهرداری تهران در مورد ابلاغ لایحهٔ قانونی احداث ترمینال‌های مسافربری و ممنوعیت تردد خودروهای مسافربری بین شهری در داخل شهر پیوست ۲۸
- ۲۹۵ اخطار شیخ صادق خلخالی به بنگاه‌های مسافربری پیوست ۲۹
- ۲۹۶ مصاحبه مطبوعاتی شهردار تهران در پاسخ به اظهارات شیخ صادق خلخالی پیوست ۳۰
- ۲۹۷ اظهارات شیخ صادق خلخالی در پاسخ به شهردار تهران پیوست ۳۱
- ۲۹۸ نامۀ شهردار تهران به شورای انقلاب در مورد مشکلات مدیریت شهر و لزوم هماهنگی میان دستگاه‌های ذی‌ربط پیوست ۳۲
- ۳۰۲ نامۀ رسمی شهردار تهران به رئیس‌جمهور مبنی بر ارسال گزارش مربوط به تمرکززدایی شهر تهران عطف به مذاکرات کمیسیون مجلس پیوست ۳۳
- ۳۰۷ نقشهٔ حوزه‌های آبریز تهران پیوست ۳۴



- پیوست ۳۵ اسامی میادین و معابر شهری تغییر یافته در ابتدای انقلاب ۳۰۹
- پیوست ۳۶ اسامی تعدادی از نامزدهای انتخاباتی گودهای جنوب تهران ۳۱۰
- پیوست ۳۷ نامه شهردار تهران به رئیس‌جمهور در خصوص درخواست تشکیل جلسه با حضور نخست‌وزیر و سایر مسئولان جهت رسیدگی و حل مشکلات گودنشینان جنوب تهران ۳۱۱
- پیوست ۳۸ نامه استعفای کارکنان شورای عالی اسکان گودنشینان جنوب تهران به شهردار تهران ۳۱۲
- پیوست ۳۹ متن پیام شهردار تهران به کارکنان شهرداری در ساختمان میدان فاطمی ۳۱۳
- پیوست ۴۰ برنامه‌های شهرداری تهران برای رفع کمبود فضای سبز شهر ۳۱۵
- پیوست ۴۱ اطلاعیه شهردار تهران به مناسبت درگذشت آیت‌الله طالقانی و یادآوری خدمات و راهنمایی‌های ایشان در برنامه‌ریزی شهری ۳۲۴
- پیوست ۴۲ نامه آیت‌الله محمدی‌گیلانی (حاکم شرع و رئیس دادگاه‌های انقلاب اسلامی مرکز) به سرپرست گورستان بهشت‌زهرا در خصوص خارج کردن اجساد غیرمسلمان از قبرستان ۳۲۶
- پیوست ۴۳ پاسخ مدیرعامل گورستان بهشت‌زهرا به آیت‌الله محمدی‌گیلانی ۳۲۷
- پیوست ۴۴ نامه شهردار تهران به وزیر کشور (آیت‌الله مهدوی‌کنی) در خصوص تخلفات و اقدامات سوء حاج ابوالفضل صراف‌ها (نماینده وزارت کشور در گورستان بهشت‌زهرا) ۳۲۸
- پیوست ۴۵ یادداشت تشکرآمیز سفیر الجزایر در تهران به شهردار تهران بابت حضور در مجلس ترحیم قربانیان زلزله الاصنام در مسجد جامع قلهک ۳۲۹
- پیوست ۴۶ نامه تشکرآمیز دفتر سازمان آزادی‌بخش فلسطین در تهران به شهردار تهران به مناسبت موضع‌گیری شرافتمندانه نسبت به مبارزه فلسطینیان در برابر صهیونیسم ۳۳۰
- پیوست ۴۷ نامه معاون امور بین‌المللی وزارت امور خارجه به شهردار تهران در مورد برگزاری کنفرانس شهرداران پایتخت‌های اسلامی در جده ۳۳۱
- پیوست ۴۸ متن سخنرانی مهندس توسلی در گردهم‌آیی کارمندان شهرداری تهران در پارک شفق ۳۳۲
- پیوست ۴۹ اقدامات رفاهی انجام شده برای کارگران شهرداری ۳۳۵
- پیوست ۵۰ اطلاعیه هیأت اجرایی انجمن اسلامی کارکنان شهرداری تهران در مورد لزوم پاکسازی در شهرداری و اجرای ضوابط اسلامی ۳۳۸

- ۳۳۹ ۵۱ اطلاعیه انجمن اسلامی کارکنان سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی در مورد لزوم پاکسازی در شهرداری و رعایت ضوابط اسلامی در آن
- ۳۴۰ ۵۲ اطلاعیه کارکنان سازمان خدمات موتوری شهرداری در اعتراض به مصوبات نمایندگان کارمندان شهرداری
- ۳۴۱ ۵۳ اطلاعیه شهردار تهران در دفاع از مهندس بوشهری و مهندس صنیع‌پور و رد اتهامات وارده از سوی شورای کارمندان شهرداری تهران
- ۳۴۳ ۵۴ اطلاعیه شورای اسلامی کارگران شهرداری تهران مبنی بر مخالفت با بخشنامه‌های صادره از سوی معاونان و مشاوران شهرداری تهران
- ۳۴۴ ۵۵ صدور بخشنامه از سوی شهردار تهران و معاونان در مورد نحوه محاسبه حداقل دستمزد کارکنان شهرداری
- ۳۴۵ ۵۶ تصمیمات کمیسیون رسیدگی به امور رفاهی کارگران شهرداری تهران
- ۳۴۶ ۵۷ صورت جلسه اعضای کمیسیون در مورد رسیدگی به درخواست‌های رانندگان شهرداری تهران
- ۳۴۷ ۵۸ نامه محرمانه وزیر کشور به شهردار تهران در مورد اعلام اسامی ساواکی‌های شهرداری پایتخت
- ۳۴۸ ۵۹ متن لایحه قانونی پاکسازی
- ۳۴۹ ۶۰ نامه مهندس بازرگان به سازمان امور اداری و استخدامی مبنی بر ابلاغ لایحه قانونی پاکسازی
- ۳۵۰ ۶۱ بخشنامه به کلیه وزارتخانه‌ها و ... در مورد لایحه قانونی پاکسازی
- ۳۵۱ ۶۲ افزودن تبصره به لایحه قانونی پاکسازی از سوی رئیس جمهور و رئیس شورای انقلاب
- ۳۵۲ ۶۳ سند ۱: صدور حکم انتصاب سه تن از اعضای کمیسیون مربوط به پاکسازی از سوی شهردار تهران
- ۳۵۳ سند ۲: صدور حکم انتصاب عباس ابوذری به عضویت در کمیسیون ۵ نفره مربوط به پاکسازی از سوی وزیر کشور
- ۳۵۴ ۶۴ اطلاعیه شهردار تهران در مورد ضرورت انحلال اداره بازرسی
- ۳۵۵ ۶۵ اطلاعیه شهردار تهران در مورد رسانه‌ای کردن اسامی ۳۷۰ ساواکی مرتبط با شهرداری تهران

- پیوست ۶۶ نامه سرپرست شهربانی (مصطفی میرسلیم) در مورد تغییر لایحه قانونی واگذاری امور انتظامی راهنمایی و رانندگی به شهرداری ۳۵۶
- پیوست ۶۷ نامه سرپرست شهربانی به ریاست اداره راهنمایی و رانندگی تهران در مورد معرفی نماینده خود جهت بازدید از یگان‌های تابعه اداره راهنمایی و رانندگی و بررسی تخلفات آن اداره ۳۵۸
- پیوست ۶۸ نامه شهردار تهران به سرپرست شهربانی در خصوص پرهیز از مداخلات بی‌رویه شهربانی در امور شهرداری ۳۵۹
- پیوست ۶۹ نامه شهردار تهران به نخست‌وزیر مبنی بر متوقف ساختن مداخلات بی‌رویه شهربانی در امور شهرداری تهران ۳۶۰
- پیوست ۷۰ نامه شهردار تهران به وزیر کشور در مورد ملزم کردن شهربانی به انجام وظایف قانونی خود ۳۶۱
- پیوست ۷۱ نامه شهردار تهران به رئیس جمهور و درخواست ایجاد هماهنگی میان شهربانی و شهرداری ۳۶۲
- پیوست ۷۲ نامه شهردار تهران به وزیر کشور و ابراز تأسف از مداخلات شهربانی در امور شهرداری تهران و تأکید بر لزوم هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی ۳۶۳
- پیوست ۷۳ صورتجلسه کارکنان اداره شماره‌گذاری راهنمایی و رانندگی و نماینده دادستان انقلاب و نماینده ستاد مرکزی کمیته انقلاب اسلامی در خصوص رسیدگی به قتل علی‌اکبر رضائی و تأکید بر انجام کارها مطابق قانون ۳۶۴
- پیوست ۷۴ سند ۱: نامه رئیس کمیته مرکزی انقلاب اسلامی به شهردار تهران در مورد معرفی محمد ضیایی‌پور جهت بررسی شماره خودروهای مظنون به خلاف‌کاری ۳۶۵
- سند ۲: متن گزارش سرهنگ ثانی (رئیس اداره راهنمایی و رانندگی تهران) در مورد اهمال نماینده کمیته مرکزی از وظایف اصلی خود و مداخله در امور شماره‌گذاری و پرسنلی ۳۶۶
- سند ۳: گزارش نماینده کمیته مرکزی مستقر در شماره‌گذاری در مورد مشاهدات خود از این اداره ۳۶۷
- پیوست ۷۵ سخنان امام خمینی در ملاقات با شهرداران شهرهای سراسر کشور ۳۷۰
- پیوست ۷۶ یادداشت شهردار تهران خطاب به شورای انقلاب در مورد مصائب و مشکلات اساسی شهر تهران و ارائه پیشنهاداتی برای حل آن‌ها ۳۷۱

- پیوست ۷۷ نامه اکبر هاشمی رفسنجانی (سرپرست وزارت کشور) به شهرداری تهران مبنی بر برگزاری جلسه‌ای در مورد چاره‌جویی برای تجاوزات عدوانی و غیرقانونی
- پیوست ۷۸ صورت جلسه مسئولان وزارت خانه‌های کشور و مسکن و شهرسازی، بنیاد مسکن، دادستان کل انقلاب، رئیس کمیته مرکزی و شهرداری تهران در موضوع بررسی مشکلات شهر تهران
- پیوست ۷۹ پیام امام خمینی در مورد جلوگیری از تجاوز به اراضی دولت و مردم
- پیوست ۸۰ اطلاعیه ستاد امنیت تهران در مخالفت با اقدام شهرداری تهران برای جمع‌آوری دکه‌های غیرمجاز
- پیوست ۸۱ نامه شهردار تهران به وزیر کشور در خصوص قانونی بودن اقدام شهرداری در موضوع جمع‌آوری دکه‌های خیابانی و یادآوری مشکلات ستاد امنیت تهران برای شهرداری
- پیوست ۸۲ نامه علی قدوسی (دادستان کل انقلاب) به بهنام ذکائی مبنی بر انتصاب او به نمایندگی دادستان کل در شهرداری
- پیوست ۸۳ نامه شهردار تهران به دادستان کل کشور در مورد ادعاهای کذب هیأت بررسی شکنججه
- پیوست ۸۴ لایحه قانونی مصوب شورای انقلاب در تأیید واگذاری‌های انجام شده از سوی بنیاد مسکن
- پیوست ۸۵ نامه محسن یحوی به آقایان خسروشاهی، خاموشی، توسلی و سیفیان در مورد ارسال صورت جلسه تشکیل شده در بنیاد مسکن
- پیوست ۸۶ اطلاعیه بنیاد مسکن مبنی بر مکلف نمودن شهرداری تهران به صدور پروانه ساختمان برای متقاضیان در مدت حداکثر یک هفته
- پیوست ۸۷ مصاحبه مطبوعاتی شهردار تهران در انتقاد از فعالیت‌های بنیاد مسکن
- پیوست ۸۸ پاسخ آیت‌الله خسروشاهی به شهردار تهران در روزنامه کیهان
- پیوست ۸۹ نامه شهردار تهران به رئیس‌جمهور و ارائه گزارش تحلیلی در مورد مشکلات اساسی شهر تهران و پیشنهادهای برای حل آن‌ها
- پیوست ۹۰ نامه تعدادی از کارمندان و مهندسان بنیاد مسکن به شهردار تهران در مورد مشکلاتی که آیت‌الله خسروشاهی برای بنیاد مذکور به وجود آورده و اعلام احتمال قریب‌الوقوع استعفای دسته‌جمعی خود
- پیوست ۹۱ نمونه‌هایی از توصیه‌ها و مداخلات آیت‌الله سید هادی خسروشاهی و کمیته منطقه ۹ در امور شهرداری

۳۷۴

۳۷۵

۳۷۸

۳۷۹

۳۸۰

۳۸۱

۳۸۲

۳۸۳

۳۸۴

۳۸۶

۳۸۷

۳۸۹

۳۹۰

۳۹۶

۳۹۷

- پیوست ۹۲ نامه شهردار تهران به دادستان کل کشور در مورد تصرفات غیرقانونی اراضی و خانه‌ها از سوی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و درخواست جلوگیری از این‌گونه اقدامات ۴۰۲
- پیوست ۹۳ نامه شهردار تهران به سرپرست بنیاد مستضعفان در مورد اقدامات غیرقانونی بنیاد مزبور جهت تصرف اراضی موات و خانه‌سازی غیرقانونی و درخواست جلوگیری از این‌گونه اقدامات ۴۰۵
- پیوست ۹۴ نامه حسن کروبی به وزارت دفاع مبنی بر درخواست وسایل و ماشین‌آلات سنگین برای خانه‌سازی ۴۰۶
- پیوست ۹۵ طرح ستاد بسیج خدمات عمومی شهر تهران، اهداف و وظایف و گزارش فعالیت‌های آن ستاد ۴۰۸
- پیوست ۹۶ مکاتبه شهردار تهران با سرپرست سازمان بسیج مستضعفین در خصوص همکاری‌های متقابل ۴۱۶
- پیوست ۹۷ نامه شهردار تهران به نخست‌وزیر مبنی بر لزوم برقراری ارتباط و هماهنگی میان ستاد بسیج خدمات عمومی شهر تهران و سازمان بسیج مستضعفین ۴۱۸
- پیوست ۹۸ نامه وزیر کشور به شهردار تهران در مخالفت با تشکیل ستاد بسیج خدمات عمومی شهر تهران ۴۱۹
- پیوست ۹۹ صدور اطلاعیه شهردار تهران در مورد قانونی بودن ایجاد ستاد بسیج خدمات عمومی از سوی شهرداری تهران ۴۲۰
- پیوست ۱۰۰ نامه شهردار تهران به محمدعلی رجایی (نخست‌وزیر) در مورد اقدامات بی‌رویه و مداخلات وزارت کشور در امور شهرداری و مطلع کردن ایشان از وظایف ستاد بسیج خدمات عمومی شهر تهران ۴۲۱
- پیوست ۱۰۱ نامه شهردار تهران به دکتر بهشتی و انتقاد از او بابت پذیرش نظارت همه‌جانبه روحانیون در مدیریت‌ها ۴۲۴
- پیوست ۱۰۲ نامه وزیر کشور به شهردار تهران مبنی بر غیرقانونی بودن ستاد بسیج خدمات عمومی شهر تهران ۴۲۸
- پیوست ۱۰۳ پاسخ شهردار تهران به وزیر کشور در مورد فعالیت‌های قانونی ستاد بسیج خدمات عمومی شهر تهران ۴۲۹
- پیوست ۱۰۴ نامه شهردار تهران به رئیس‌جمهور مبنی بر استعفا از سمت خود به دلیل نامزدی در انتخابات مجلس ۴۳۱

- پیوست ۱۰۵ نامه حسین حریری به شهردار تهران مبنی بر استعفای خود از معاونت شهرداری ۴۳۲
- پیوست ۱۰۶ نامه شهردار تهران به رئیس‌جمهور مبنی بر تسریع در تعیین شهردار جدید و هشدار در مورد غیرممکن بودن اداره شهرداری با وجود تعدد مراکز قدرت ۴۳۳
- پیوست ۱۰۷ نامه استعفای محمد توسلی و معاونین شهرداری به رئیس‌جمهور ۴۳۴
- پیوست ۱۰۸ متن استعفای محمد توسلی به نخست‌وزیر ۴۳۵
- پیوست ۱۰۹ نامه شهردار تهران به نخست‌وزیر مبنی بر تسریع در معرفی شهردار جدید بنا به استعفا و عزیمت به سفر حج ۴۳۶
- پیوست ۱۱۰ پاسخ نخست‌وزیر به شهردار تهران مبنی بر مخالفت با استعفای او ۴۳۷
- پیوست ۱۱۱ نامه شهردار تهران به نخست‌وزیر در خصوص ادامه فعالیت خود در شهرداری و درخواست از او برای هماهنگی کلیه سازمان‌ها با شهرداری ۴۳۸
- پیوست ۱۱۲ پاسخ نخست‌وزیر به شهردار تهران و قبول پیشنهاد او به منظور ایجاد هماهنگی ارگان‌ها با اقدامات شهرداری ۴۳۹
- پیوست ۱۱۳ نامه شهردار تهران به نخست‌وزیر در این خصوص که عملاً هیچ اقدامی برای ایجاد هماهنگی بین ارگان‌های اجرایی صورت نگرفته و توصیه برای جدی گرفتن این موضوع ۴۴۱
- پیوست ۱۱۴ نامه رئیس دفتر نخست‌وزیر به شهردار تهران در موضوع ناهماهنگی میان شهرداری و وزارت کشور و اعلام نظر نخست‌وزیر در این مورد ۴۴۲
- پیوست ۱۱۵ نامه وزیر کشور به شهردار تهران در مورد قبول استعفای او از این سمت ۴۴۳
- پیوست ۱۱۶ نامه تشکرآمیز اولیایی (کمسیون مسکن دفتر ریاست جمهوری) به مهندس توسلی بابت زحمات شبانه‌روزی او در شهرداری تهران ۴۴۴
- پیوست ۱۱۷ نامه سرگشاده مهندس توسلی به وزیر کشور در پاسخ به انتقادهای او از شهرداری ۴۴۵
- پیوست ۱۱۸ نامه مهندس علیرضا هندی به دادستان کل کشور در خصوص ادعای کذب نسبت به مدیریت شرکت واحد و درخواست رسیدگی به اتهامات ۴۴۹
- پیوست ۱۱۹ درج نامه مهندس توسلی به دادستان کل کشور در دفاع از عملکرد مدیرعامل سابق شرکت واحد در مطبوعات ۴۵۰
- پیوست ۱۲۰ شرح گزارش دیدار رئیس‌جمهور (سیدعلی خامنه‌ای) با اعضای هیأت اجرایی انجمن اسلامی کارکنان شرکت واحد و دفاع از عملکرد آنان ۴۵۱

پیوست ۱: حکم انتصاب مهندس توسلی به سرپرستی موقت شهرداری تهران از سوی وزیر کشور  
(احمدصدر حاج سیدجوادی)



وزارت کشور

۲۹۴۲۳/۴/۵۳

۱۳۵۲/۱۲/۸

آقای مهندس محمد توسلی

بموجب این حکم بسمت سرپرست موقت شهرداری

پایتخت منصوب می‌شوید.

احمد صدر حاج سید جوادی

وزیر کشور

صدر

حاج سید جوادی

پیوست ۲: نامهٔ تشکرآمیز وزیر کشور به شهردار تهران بابت اقدامات قاطعانه  
در برابر مفسده‌جویان در شهرداری



وزارت کشور  
د. قزویری

۳۱۹/۱  
۱۳۵۸/۱/۱۴

جناب آقای محمد توسلی  
شهردار تهران

بقرار اطلاع واسله شده ای از عناصر ضد انقلاب روز  
یکشنبه ۵۸/۱/۱۲ با ایجاد اغتشاش موجب اختلال در گردش  
امور شده اند شک نیست که اقدامات انقلابی برای اصلاح  
وضع ادارات و موسسات عمده ای بهنگاره و مفسده جو را بجنجال  
و نکابویی مذبحخانه وادار میسازد. ضمن تأیید قاطعانهٔ تخص  
جناحیالی و اقدامات قبلی و ابلاغیهائی که تاکنون صادر  
شده است عمل ضد انقلابی آن عمده اخلاق را تدبیر است  
محکوم مینمایم و محرکین آنها تحت تعقیب قانونی قرار  
خواهند گرفت.

احمد صدر حاج‌شید جوادی

وزیر کشور

وزیر کشور  
د. قزویری  
۲۳۰  
۱۳۵۸/۱/۱۴



پیوست ۳: اطلاعیه شهرداری تهران در مورد اغتشاش عناصر ضدانقلاب در محل ساختمان اصلی شهرداری تهران در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ و اقدامات شهرداری در این مورد



شهرداری تهران

تاریخ \_\_\_\_\_ ۱۳۵۸

شماره \_\_\_\_\_

پیوست \_\_\_\_\_

چهارده فروردین ماه ۱۳۵۸

بسمه تعالی

#### اطلاعیه شهرداری تهران

بدنبال اغتشاشی که عده ای از عناصر ضد انقلاب و یا کسانی که منافع نامشروعشان بخطر افتاده است ضمن تحریک کارکنان زحمتکش شهرداری در روز یکشنبه ۱۲ فروردین ماه در محل ساختمان اصلی شهرداری بعمل آورده اند لازم میدانم مراتب زیر را با اطلاع کلمه کارکنان صدیق و زحمتکش شهرداری تهران برسانم :

۱- شایعاتی از قبیل تصمیم به اخراج ۲۳۰۰ نفر از کارکنان شهرداری بمنظور تحریک کارکنان شهرداری پخش شده است که عاری از واقعیت است - تاکنون برای چهل نفر از کارکنان شهرداری حکم پایان مأموریت صادر شده که بیست نفر آنان را اسرا و سرهنگان بازنشسته تشکیل میدهند که بعنوان مشاور عالی شهردار حقوقهایش بین پنج تا پانزده هزار تومان دریافت می نمودند. هشت نفر از کسانی که بیش از بیست سال سابقه خدمت داشته اند طبق مقررات بازنشسته شده اند. ده نفر از مشاورین و یک مدیرکل که زائد بر احتیاج بوده اند طبق تصویبنامه هیات وزیران در اختیار وزارت کار و امور اجتماعی قرار گرفته اند. ده نفر از افراد زائد اداره کل اسفلاک در اختیار کارگزینی گذاشته شده اند تا به قسمتهای دیگر که بوجود آنان احتیاج است منتقل شوند. بدیهی است حقوق و مزایای افرادی که در اختیار کارگزینی قرار می گیرند تا تعیین نسل جدید بطور کامل پرداخت خواهد شد.

۲- کارکنان صدیق و زحمتکش شهرداری همواره مورد احترام بوده و بخصوص بمنظور تامین نیازهای زندگی آنان فعلاً با توجه به شرایط اقتصادی کشور حداقل مجموع حقوق و مزایای کارکنان ام از کارمند و کارگر بیست و پنج هزار ریال تعیین گردیده



- ۲ -

۱۳۵۰

و بزودی ابلاغ خواهد شد.

- ۳- شهردار همواره آماده شنیدن نظرات و انتقادات سازنده نمایندگان بحق کارکنان و کارگران شهرداری و نهادل نظر با آنان می باشد و راهی جز خدمت به مردم و تأمین حقوق مشروع کارکنان صدیق شهرداری نمی بود.
- ۴- شهردار تهران منتخب دولت موقت انقلاب اسلامی و رهبری انقلاب می باشد و لذا مردم هستند که باید در مورد شهردار تهران اظهار نظر کنند نه کارکنانسی که در مسیر انقلاب مناهستان در معرض خطر قرار می گیرد.
- ۵- همانطور که رهبری انقلاب تصریح فرموده اند در شرایط حساس کنونی نظم و آرامش برای تداوم ره آورده های انقلاب اسلامی مردم ما ضروری است لذا هرگونه تعطی که موجب بی نظمی و اغتشاش گردد ضد انقلابی تلقی شده و از جانب مردم بشدت محکوم خواهد شد.
- ۶- شهردار تهران اقدامات اصلاحی خود را تا تصفیه کامل کادر شهرداری و جایگزین کردن افراد صالح و خدمتگزار به مردم که عشق خدمت به مردم در وجودشان باشد با قاطعیت ادامه خواهد داد و بدون تردید کارکنان زحمتکش و با تجربه شهرداری تهران در این انتخاب اولویت خواهند داشت در مواردی که اجباراً از افسراد خارج از شهرداری استفاده شده باشد بعضی شناسائی افراد شایسته در داخل شهرداری جایگزین آنان خواهند شد.
- درخانه از کلبه کارکنان شهرداری انتظار دارد با توجه به مراتب بالا و شرایط حساس کنونی کشور هوشیاری انقلابی خود را حفظ نموده و باخدمات صادقانه خود هرگونه توطئه ضد انقلابی را در نطفه خنثی نمایند.

محمد توسلی

شهردار تهران

## پیوست ۴: متن سخنرانی شهردار تهران در جمع کارکنان شرکت واحد

### متن سخنرانی در جمع کارکنان شرکت واحد اتوبوسرانی

۱۳۵۸/۱/۱۷

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

والذین جاهدوا فینا لنهذبهم مبینا

از این فرصتی که پیش آمده است که در میان شما کارگران و کارمندان شرکت واحد اتوبوسرانی باشم بسیار خوشحالم. شرکتی با این گسترش و اهمیت که زندگی قشر عظیمی از مردم شهر ما وابسته به خدمات شماست و با طرحی که در دست مطالعه و اقدام داریم در آینده این وابستگی وسیع‌تر و گسترده‌تر می‌شود - جا دارد در این‌جا پیروزی مردم در انقلاب اسلامی و رفتنم اخیر که مردم با چنین اکثریتی قاطعی به جمهوری اسلامی رأی دادند به شما هم تبریک بگویم - این پیروزی‌ها که شمره سال‌ها مبارزه، مجاهدت و جانبازی فرزندان غیور این آب و خاک است مسئولیت‌هایی برای یکپایگی ما بوجود می‌آورد و تعیین می‌کند.

### این وظائف چیست؟

ملت ایران در طی مبارزات پانزده سال و به‌خصوص دو سال اخیر با ایمان و اراده قوی و جانبازی و رهبری آگاهانه، قاطع و مصممانه امام خمینی توانست کاخ استبداد و نظام طاغوتی را سرنگون کند و دست استبداد و استعمارگران را از اموال و ثروت‌های ملی قطع نماید و با پیروزی انقلاب، آزادی و استقلال و جمهوری اسلامی را که خواست همه مبارزین و مجاهدین بوده است تأمین کند - اما همه این پیروزی‌ها همان‌طور که رهبری انقلاب تصریح فرموده‌اند قدم اول و مرحله اول پیروزی است و برای نیل به آرمان‌های انقلاب که همان استقرار جامعه ایمنی براساس ارزش‌های اسلام است زامی بس دشوار و طولانی در پیش روی داریم و باید آگاهانه خودمان را برای طی مراحل بعدی مبارزه آماده سازیم - از جمله مسئولیت‌های این مرحله از انقلاب خشتی کردن توطئه‌های عوامل ضد انقلاب و خودسازی و ایجاد روحیه صبر انقلابی است.

### خشتی کردن توطئه‌های عوامل ضد انقلاب

پس از شکست استبداد و استعمار عوامل وابسته به آنها که همه‌جا پراکنده هستند با کمک‌هایی که دریافت می‌کنند متشکل شده و از هر فرصتی برای ضربه زدن به انقلاب استفاده می‌کنند. جنگ سیاسی - نظامی - فرمایشی که در کردستان، گنبد و زمزمه آن در نقاط دیگر شنیده می‌شود، ره‌آورد تلاش این عناصر ضد انقلاب است که پس از خاتمه یافتن غائله در یک نقطه به نقطه دیگر کوچ می‌کنند - هدف این جنگ فرسایشی مشغول کردن دولت و نیروهای انقلابی و تأخیر در کار سازندگی مملکت و ایجاد نارضایتی در مردم است. لذا وظیفه فرد فرد ما این است که با هوشیاری کامل متوجه وسوسه‌های این عوامل ضد انقلابی باشیم و اجازه ندهیم در صفوف ما رخنه کنند.

### خودسازی و سهیم شدن در دوره سازندگی انقلاب

ضمن خشتی کردن توطئه‌ها باید کار سازنده نیز بکنیم. در درجه اول باید خودمان را بسازیم. همیشه که نمی‌شود از دیگران مایه گذاشت. بینم هر یک خودمان می‌خواهیم در این دوران سازندگی چه نقشی داشته باشیم و چه سهمی به‌عهده بگیریم. کارهای مملکت به‌دنبال اعتصاب‌های طولانی خوابیده و غده زیادی از هموطنان ما بیکار شده‌اند پس هر کجا که هستیم و تا آن‌جا که بتوانیم باید در راه‌اندازی کارها تلاش بکنیم، نه فقط در ساعت کار اداری بلکه تا آن‌جا که می‌توانیم بیشتر - رئیس دولت با کمال صراحت و صداقت به ما می‌گوید اختیار نداریم، باید صرفه‌جویی کنیم انتظاراتمان حد اکثر به اندازه احتیاج‌مان باشد. جای دوری نمی‌رود دیگری زانو و یا سوراخی وجود ندارد که ثروت‌های مملکت خارج بشود. این ثروت‌ها و نعمات مال همه مردم است و باید به‌طور عادلانه توزیع شود. حالا کارمندی که مساک انقلابی نیز بر چهره دارد در حالی که کاری

انجام نمی‌دهد. انتظار دارد به‌جز حقوق و مزایا، اضافه‌کاری‌های مفلوج، ترمیم حقوق‌ها، پرداخت‌های محرمانه، وام اتومبیل، مزایای شغل و ... همه و همه به‌طور کامل پرداخت شود. هم خودبیتی و هم خدا و خلق، چنین شرایطی امکان‌پذیر نیست. لن نال البرّ حتی تنفقوا مما تحبون - رسیدن به نیکی و خیر عمومی امکان ندارد مگر بشوایتیم از آن‌چه دوست داریم بگذریم و صرف‌نظر کنیم.

### تبعیت از دولت

بنده و معاونین شهردار به تبعیت دولت حقوق خودمان را (حقوق رسمی ۳۰ هزار تومان) تا برطرف شدن تضییقات مالی به ثلث یعنی ده هزار تومان برای کار شش‌ماه‌روزی و معاونین نیز به ده هزار تومان تقلیل داده‌ایم. - و از این مقدار هم فقط به اندازه احتیاج مصرف خواهیم کرد. از همه همکاران خودمان در شهرداری انتظار داریم با دریافت حقوق و مزایا صادقانه به مردم خدمت کنند و کاهش حقوق‌شان داوطلبانه خواهد بود.

### سروصدا در شهرداری

با وجودی که قشر وسیعی از کارکنان شهرداری صدیق و زحمتکش هستند و وجود همین افراد به ما مایه و امید می‌دهد ولی عوامل فساد و وابسته به رژیم سابق تعدادشان کم نیست. همان‌طور که طی اطلاعیه ۱۴ فروردین ماه قبلاً اعلام شده است در شهرداری تاکنون چهل و چهار نفر حکم پایان مأموریت داده شده - ۸ نفر بازنشسته شده‌اند و ۱۱ نفر افراد زائد به وزارت کار و امور اجتماعی منتقل شده‌اند و ۸ نفر افراد زائد اداره کل املاک در اختیار کارگزینی گذاشته شده تا به قسمت‌های دیگر منتقل شوند - عده‌ای از این افراد و افراد دیگری که منافع نامشروع خودشان را در خطر می‌دیدند شروع به شایعه‌پراکنی اخبار نادرست و اتهاماتی علیه همکارانم و حتی خودم نمودند. عوامل وابسته به رژیم سابق نیز دست به‌دست هم دادند و در کارکنان شهرداری این وحشت را به‌وجود آوردند که قرار است ۲۳۰۰ نفر اخراج شوند و به‌زودی نوبت شما هم خواهد رسید. موقعی که با این افراد به‌گفت‌و‌گو نشستیم و توضیح دادیم به واقعیت امر متوجه شدند و کسانی که تحریک شده و آلت‌دست عناصر فاسد شهرداری شده بودند، اظهار شرمندگی و ناراحتی می‌کردند.

### شایعات

این شایعه به‌طور مختلف شنیده شده است که معاونین شهرداری و سه نفر از مدیران کل که اخیراً انتصاب شده‌اند قبلاً در شرکتی و دفتری کار می‌کرده‌اند و چون حالا کارشان تعطیل شده است شهردار آن‌ها را سرکار گذارده است - این‌ها فکر می‌کنند افرادی که برای معاونت شهرداری انتخاب می‌شوند باید قبلاً بیکار بوده باشند. خیلی طبیعی است این افراد مطلع و سالم در گذشته در محلی کار می‌کرده‌اند - مهم این است که اگر سوانح سیاسی و خلاقیتی در محیط کارشان اطلاع دارند مستقیماً به‌خود من گزارش کنند نه این‌که پشت‌سر شایعه‌پراکنی کنند.

### همکاری روزنامه‌های وابسته

مخبر کیهان که در تمام مدت روز سه‌شنبه و در شهرداری حضور داشته و اطلاعیه رسمی شهرداری به‌دستش رسیده - از درج اطلاعیه شهرداری خودداری می‌کند و به‌جای آن شایعات و دروغ‌هایی از قول کارکنان شهرداری همسرا به‌عکس درج می‌کند - وابستگی کسی که در عکس مشغول سخنرانی است مورد تأیید همه کارکنان شهرداری است. نمونه اقدامات در کارت تبریکی است که ملاحظه می‌فرمایید آن‌قدر سابقه این گوینده «آقای ابطحی» خراب است که کارکنان او را پایین می‌کشند. پاسداران انقلابی که از ساختمان شهرداری حفاظت می‌کرده‌اند و باید مورد احترام همه مردم باشند مورد حمله و دشنام قرار می‌گیرند ولی با صبر انقلابی که بدان مسلح هستند هوشیاری و خون‌سردی خودشان را حفظ می‌کنند. بعد مخبر روزنامه می‌نویسد این پاسداران با بی‌میلی و بی‌تفاوتی در مقابل ساختمان ایستاده بودند. این پاسداران خود مطلب را تکذیب

کرده‌اند و برای روزنامه فرستاده‌اند. مخبر کیهان در کنار آمار غلط و نادرست البته از قول کارکنان شهرداری حمله را متوجه خواننده می‌کند و می‌گوید:

عیناً مانند «حسن و حسین هر سه دختران معاویه‌اند» سر تا پای دروغ - اولاً راهور مهندسین مشاور است نه شرکت ساختمانی - بنده مدیر ساده و صاحب سهم کوچکی بودم نه یکی از سهامداران بزرگ! مهندس مشاور سرمایه‌اش کارش هست.

بالاخره بنده به‌علت بیگار شدن همکارانم در این شرکت آنان را به شهرداری آورده‌ام. خیلی خوب بود لاف‌قل یک نفر برای نمونه اسم می‌دادند.

این آقایان باید بدانند که حدود بیست سال سابقه مبارزات سیاسی و اجتماعی بنده از روزی که در دانشگاه تهران عضو انجمن اسلامی دانشجویان بودم و در مسجد هدایت در درس تفسیر مجاهد بزرگ حضرت آیت‌الله طالقانی شرکت می‌کردم - در طول سال‌های پر تلاطم دانشگاه تهران تا سال ۱۳۴۱ و چه در مدت ۶ ساله که برای ادامه تحصیل در آمریکا و آلمان و خاورمیانه بودم و چه مدتی که در شرایط حساس سال ۱۳۵۰ در زندان بودم تاکنون و چه محیط کارم و زندگی‌م آن چنان روشن است که هرگونه شایعه‌ای و تهمتی تیری خواهد بود بر چشم خودشان ولی آنچه قابل توجه است همکاری روزنامه‌ها با این عوامل فاسد و ضدانقلابی - آیا هنوز وقت آن نرسیده است که مردم با رفتار هوشمندانه خود جواب توطئه این نوع روزنامه‌ها را بدهند.

#### هوشیاری مردم

به‌محض پخش خبر اغتشاش عدل‌ای از کارکنان در مقابل شهرداری تلفن‌ها و پیغام‌های زیادی از دانشگاه، بازار، محلات، مؤسسات، کارگران شهرداری برای حمایت از برنامه اینجانب داشتند که ضمن تشکر از همه خواستیم در صورت لزوم حمایت اطلاع خواهیم داد. انقلاب مردمی است و لذا خود مردم از انحرافات جلوگیری می‌کنند.

#### ادامه پاکسازی شهرداری

دزحرجال کار پاکسازی در شهرداری با فاطمیت ادامه خواهد یافت. برای این که عوامل فاسد و ضد انقلاب نتوانند در صفوف کارکنان حدیق و سالم شهرداری نفوذ کنند قرار است شورای مشورتی از خود کارکنان تشکیل بشود و مرا در این اقدام یاری دهند.

#### شهرداری مال مردم است

شهرداری متعلق به مردم است و باید به‌صورتی در آید که خود مردم شهرداران مناطق و شهردار تهران را انتخاب کنند و نظارت مستقیم بر جریان کار داشته باشند. مردم، سالانه حدود یک میلیارد و پانصد میلیون تومان به کارکنان شهرداری می‌پردازند و لذا کارکنان شهرداری باید خدمت به مردم را جز وظائف خودشان بدانند و به‌کار خود علاقمند باشند - مردم هم باید کارکنان شهرداری را از خودشان بدانند و در تمام زمینه‌ها همکاری صمیمانه داشته باشند.

#### گزارش از شرکت واحد

گفتیم در شرایط کنونی انقلاب چه وظائف داریم. خشتی کردن توطئه عوامل ضد انقلاب (حفظ دستاوردهای انقلاب) و سهم بودن در دوره سازندگی (حرکت به‌سوی آرمان‌های انقلاب)

ترافیک مشکل روزمره شهر ماست، با وجودی که از بدو شروع کار به‌طور فشرده روی طرح بهبود ترافیک شهر تهران کار شده و طرح نهائی آن هم‌اکنون در هیأت وزیران در دست بررسی است ولی ترجیح می‌دهیم موقعی شروع به صحبت بکنیم که توأم با عمل باشد. اساس این طرح که طبق برنامه قرار است حدوداً توسط تیرماه پیاده شود استفاده از حمل و نقل عمومی به‌جای استفاده از اتومبیل سواری است - حمل و نقل عمومی یعنی موضوع خدمات شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و

حومه - با توجه به اهمیتی که حل مشکل ترافیک شهر تهران در این مرحله از انقلاب و در کنار روزمره مردم دارد نقش و سهم شما در دوره سازندگی بسیار برجسته و روشن است و امیدوارم همه شما با آگاهی یا کار و تلاش خودتان سهم و دین خودتان را به نحوی ایفا کنید.

#### بیان شرکت واحد

شرکت واحد جمعاً ۱۰/۷۷۵ نفر پرسنل دارد که از این عده ۲۱۰۰ نفر راننده ۲۱۲۳ نفر کمک راننده ۱۱۷۳ نفر بلیطفروش و ۲۲۳۷ نفر کارگر و مکانیک و ۱۱۴۲ نفر کارمند اداری می‌باشد.

- شرکت واحد جمعاً ۲۲۵۲ دستگاه اتوبوس در اختیار دارد که ۵۲۷ دستگاه متوقف و ۱۷۰۵ دستگاه کار می‌کند. در بودجه سال ۱۳۵۸ شرکت واحد درآمد ۳۰۲ میلیون تومان و هزینه ۱۱۵۸ میلیون تومان و کسری آن ۸۵۶ میلیون تومان می‌باشد یعنی درآمد شرکت واحد فقط ۲۵ درصد هزینه‌ها را تأمین می‌کند.

بلیطی که از هر مسافر گرفته می‌شود فقط حدود  $\frac{1}{6}$  هزینه را تأمین می‌کند. به عبارت دیگر شرکت واحد به‌طور متوسط برای هر مسافر متحمل ۳۲ ریال هزینه می‌شود و برای هر اتوبوسی که کار می‌کند ۶ نفر پرسنل وجود دارد.

#### ضرورت توسعه شرکت واحد

آمار بالا به‌نحوی بیان و وضع کار شرکت واحد را نشان می‌دهد - در طرح جدید ترافیک تعداد اتوبوس‌ها باید حداقل دو برابر شود. بنابراین مشکلات و پیچیدگی کار شرکت واحد بیشتر خواهد شد و به همین مناسبت وظائف و رسالت شما بسیار سنگین‌تر می‌گردد - البته با بخش خصوصی هم مذاکره خواهد شد که قسمتی از طرح را با نظارت شرکت واحد انجام دهد.

#### معرفی مدیرعامل و هیأت‌مدیره

تیمسار رزم‌آرا به علت گرفتاری‌های شخصی و خانوادگی استعفاء داده‌اند.

مدیرعامل جدید آقای مهندس رضا بوشهری

اعضاء هیأت‌مدیره عبدالرحیم غروی - مهندس اردبان هوشی - مهندس علی‌رضا هندی

کاره کار بسیار متنگی است، همان‌طور که مردم ما با مبارزه و جانبازی نهال انقلاب را بلور کرده‌اند امروز وظیفه همه ماست کار سازنده و انقلابی بکنیم تا دین خودمان را به مردم و انقلاب و خدا ادا کرده باشیم - کار هر چقدر مشکل و صعب باشد و حتی فکر و جهت و عمل حق باشد با توکل به خدا امکان‌پذیر است.

والدین جاهدوا فینا لنهذبهم سبیلنا

پیوست ۵: اطلاعیه شهردار تهران خطاب به کارمندان شهرداری در مورد نفوذ عناصر ضد انقلاب در شهرداری و اقدامات تحریک‌آمیز آنان و لزوم مقابله با این اقدامات



بسمه تعالی  
اطلاعیه شهردار تهران

۲۳۹  
۱۳۵۸/۲/۱۶

روی سخن با کارکنان واقع بین ، صدیق و زحمتکش شهرداری تهران می باشد .  
خوب است همگان بدانند که بمصادق " وناورهم فی الامر " بر این اعتقادیم که از طریق شورآ  
و نظر جمع کارها بهتر و صحیح تر حل و فصل میشود .  
لذا به درخواست کارکنان شهرداری در این دو ماه و نیمه جلسات متعدد فردی و گروهی  
تشکیل گردیده و به خواست آنها تاکنون در بهشت زهرا ، کشتارگاه ، شرکت واحد ، اداره امانی  
و پارک شفق و نقاط دیگر بیان آنها رفته و از نزدیک با آنها به گفتگو نشسته ایم که در تصفیه  
و انتصابات شهرداری ما را راهنمایی کنند .  
کوناه سخن آنکه هرگاه با آنها به مشورت نشستیم ، گلابه از عدم تقسیم پست معاونت ، مدیریت  
کل و شهرداران مناطق در میان کارمندان قدیمی شهرداری و سخن از اضافه کار ، رسمی شدن  
و هتدار به اعتصاب و اعتراض و ..... بود .  
و این است نمونه ای از آنکه تحت عنوان قطنامه سخن را با انقلاب خونین خلقهای ایران  
شروع نموده و چاشنی امیرالایمسم تیر خورده ، افتار زحمتکش خلق ، مسئولیت انقلابی و .....  
را بان اضافه کرده و یکباره حرف اول و آخرشان را زده اندکه انتصابات و تصفیه ها مانند رژیم  
گذشته است و تغییر مهره هایی در سطح بمنظور سرپوش حفظ وضع موجود می باشد و متأسفند کسه  
افراد بیگانه به داخل شهرداری آمده و نمی گذارند این فشر زحمتکش انقلابی خلق بطور یکپارچه  
محیط شهر و شهرداری را با دقت و شدت هرجه بیشتر از وجود افراد ناسالم و فاسد وابسته بسسه  
سواوک پاک نمایند و لذا با درک موقعیت کنونی و احساس مسئولیت انقلابی انتصابات را محکوم  
نموده و خواستار لغو کلیه احکام صادره بمنظور استعاده حداکثر از کارمندان صالح شهرداری می باشند!



- ۲ -

در خانه فطنامه بغول خودشان به مسئلهٔ حیاتی اضافه کار پرداخته و خواستار حفظ بنیانهای مالی بصورت گذشته هستند و با ناکید و پافشاری بیکارچه خواستار پرداخته شدن کسور ناشی از تصمیم دولت انقلاب اسلامی ایران دایر بر لزوم عدم پرداخت اضافه کار به کسانی که کاری اضافه انجام نمی دهند بوده و در جهت ناسن حقوق حقه کارمندان مصرا<sup>۱</sup> خواستار رسمی شدن بدون قید و شرط کلیه کارمندان پیمانی و قراردادی می باشند .

در اینجا فضاوت را بر عهده کارکنان شهرداری می گذاریم . آیا در شرایطی که میلیونها موهبت ما بیکار بوده و امام خمینی برای نجات محرومترین طبقات مردم از همه<sup>۲</sup> هم میهنان مبارز و سلطان خود خواسته اند که هرکس در حد توان خود در این سیح ملی و مذهبی شرکت کند . آیا بجا و ناپسته است که نمایندگان کارمندان شهرداری در این شرایط حساس و سرنوشت ساز بجای اعلام آمادگی انجام هرگونه کمک مادی و معنوی و همسنگی با سایر افتخار ملت که دارای هیچگونه ادعایی نیستند فطنامه ای بشرح آنچه گذشت صادر کنند ؟

شهردار تهران به نامی کسانی که خون شهیدان و انقلاب شکوهمند خلق مستضعف ایران را به حساب خود گذاشته و آنرا وسیله ای برای کار نکستی و رسیدن به هدفهای مادی خود می دانند هشدار می دهد افرادی را نماینده واقعی و بر حق نامی کارمندان شهرداری تهران می شناسد و با آنان به ستورت می شنید که صداقت داشته و خواسته های آنان خواست مردم بوده و مطیع فرامین امام خمینی و دولت موقت جمهوری اسلامی که مورد تایید ۹۹۹ مردم ایران است باشند .

شهردار تهران  
محمد نویسی



پیوست ۶: نمونه کارت دعوت شهردار تهران جهت شرکت میهمانان در مراسم افطاری ۲۳ رمضان در مجموعه آزادی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شهرداری تهران افتخار دارد و منظور بزرگداشت ماه مبارک  
 رمضان و تقویت روح و کلمات و بستگی افطانی هر چه بیشتر  
 شماست سؤل و مردم تهران در افطار جنبه بیت و نسیم  
 ماه مبارک (۵۸,۵,۲۶) بیسته بان شما باشد .

شهردار تهران

لطفاً برای ورود کارت را همراه داشته باشید

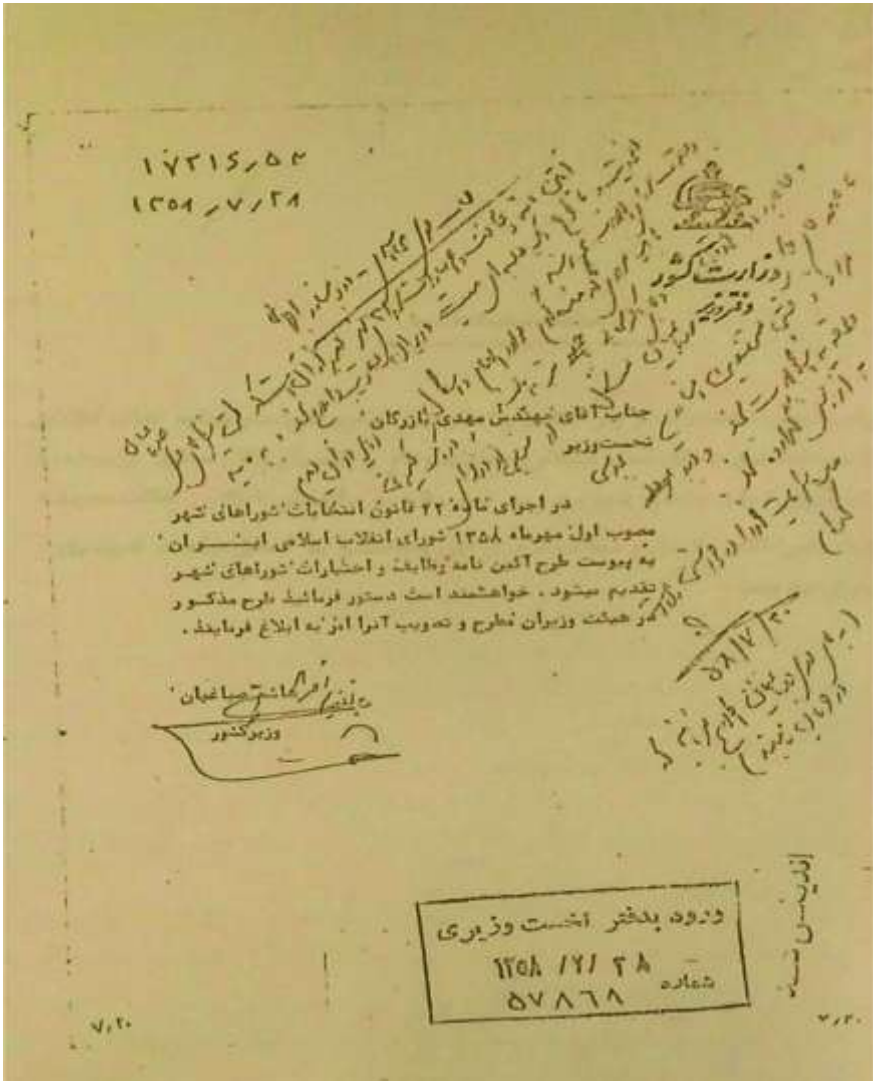
شماره ۱۹۵۲

نشانی: اتوبان کج - دفتر مجلس شورای اسلامی - تهران  
 محل: اداره و ستاد شورای اسلامی شهر تهران (پایتان)

پیوست ۷: مناطق ۱۲ گانه تقسیمات شهری قدیمی تهران

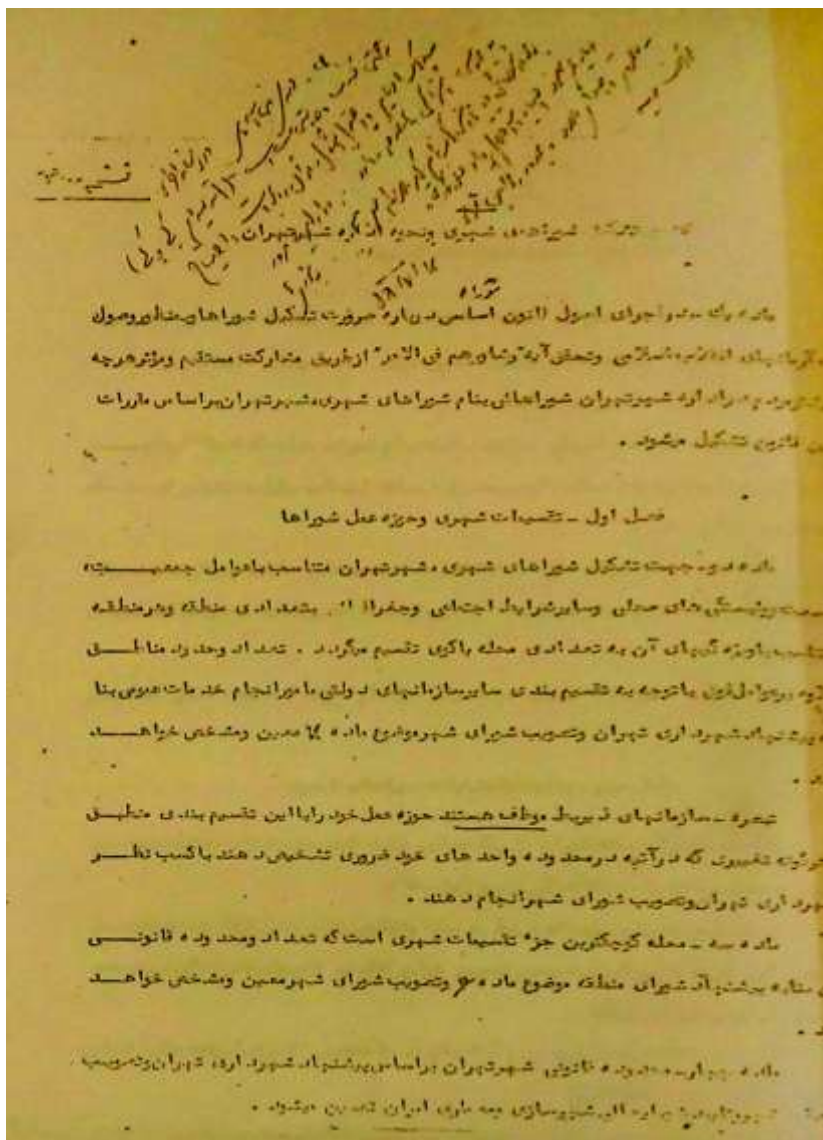


پیوست ۸: نامهٔ مهندس صباغیان (وزیر کشور) به نخست‌وزیر مبنی بر ارائه طرح آیین‌نامهٔ وظایف و اختیارات شورای شهر و یادداشت مهندس بازرگان در هامش نامه



پیوست ۹: قسمتی از آیین‌نامه وظایف و اختیارات شورای شهر همراه با اظهار نظر مهندس بازرگان با

خط خودشان

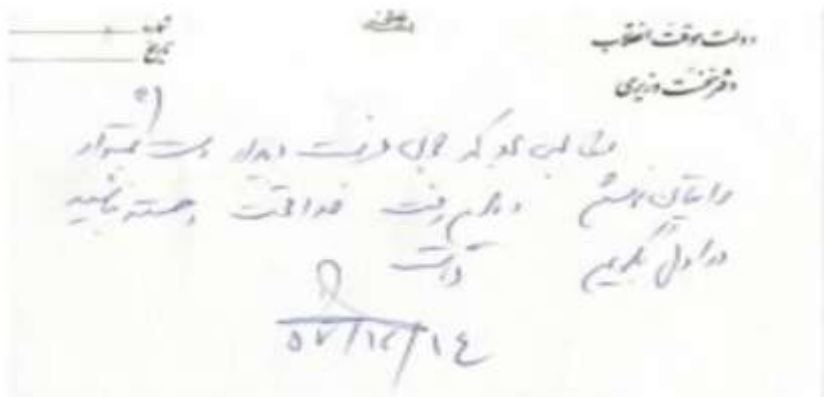


پیوست ۱۰: یادداشت مهندس بازرگان به مهندس توسلی در مورد چاره‌اندیشی برای کاهش مشکلات ترافیک شهر تهران

دست‌نویست منتخب هیئت  
 مهندسین ترافیکی  
 در میان هم و نظر که در دسترس است و از این جهت  
 در کلاس درس و کلاس است تا امکان کمالات و حقا استقامت  
 هر چه بیشتر کیفیت عالی آنرا در آن دارند  
 چه بیکدیگر؟ چه فکر که این را میکند؟  
 مردم را به هر چه است که گفته‌اند که این چه چیزی است  
 می‌باید هر قاطع که در جهت عالی بیرون می‌نهد  
 آنچه است که در دسترس است (استدلال و منطق است)  
 در مورد این امر است که تحقیق و نظر و گفتار  
 همه در جهت کلیه اینها است (اینها هم هستند) (موضوع  
 اینها در جهت اینها و در جهت همین جهت است و در جهت  
 رسیدن به نتیجه اینها می‌تواند  
 با هم در جهت است که چندین سال  
 شکل خود (استدلال) و چندین سال در جهت

دست موقت انتخاب اول  
 دفترت دزیری  
 - آردوس و کماله محمدی هم در این مجلس که چهارده سال  
 در جمع طلاب بر کلاسها نشاندند تا با تقریب و کمال  
 در مدرسه آذربایجان صحت یابند ...  
 در میان لغتینا اینها را هم آردوس و کماله محمدی در  
 آردوس و کماله محمدی در اینها را هم آردوس و کماله محمدی در  
 نامه مستقیمه . رفع جنبه کماله و آردوس مستقیمه  
 یابند ...

فرقی که سبباً در مورد اینها هم فرقی است  
 یک نوزاد و مدرسه محمدی نشین نسبت به آن در  
 آنقدر که در وقت اینها در مدرسه آردوس و کماله محمدی  
 فرموده که کلاسهای عالی را با اینها در این مجلس و در  
 اینها را هم کماله محمدی در اینها را هم کماله محمدی در  
 در اینها را هم کماله محمدی در اینها را هم کماله محمدی در  
 کماله محمدی در اینها را هم کماله محمدی در اینها را هم کماله محمدی در



بسمه تعالی

تاریخ: .....  
شماره: .....**دولت موقت انقلاب اسلامی****دفتر نخست وزیری****جناب مهندس توسلی، دوست عزیز**

از مسائل مهم و بحرانی که روبرو هستید و از سالیان دراز در شهرداری وجود داشته است تریلیک شهر می‌باشد و حتماً انتظار حل یا لایزال تخفیف اشکال آن را از ما دارند.

چه باید کرد؟ چه فکری کرده‌اید یا می‌کنید؟

مردم راه‌حل‌های متعدد گفته‌اند که باید رسیدگی نمود. یک راه حل قاطع که از بیست سال پیش من پیشنهاد می‌کردم این است که در ساعاتی از روز (مثلاً ۸ صبح تا ۸ شب) در محدوده‌های از شهر (مثلاً تخت جمشید تا شوش و شهناز تا سی‌متری) عبور و حرکت کلیه ماشین‌های سواری (با لایزال غیر تاکسی) ممنوع باشد و فقط اتوبوس‌ها و وسائط عمومی حرکت کنند و در صورت لزوم بر تعداد و تسهیلات اتوبوس‌ها بفرماییم.

راه‌حل واسطه‌تر این است که چند خیابان اصلی شمالی جنوبی (مثلاً سه خط) و چند خیابان شرقی غربی را اختصاص به [عبور] اتوبوس و وسائط نقلیه عمومی بدهیم و کاری بکنیم که چهارراه‌ها موقع چراغ سبز به هیچ وجه بند نباشد تا به این ترتیب حرکت دو محور اتوبوس‌ها خیلی زیاد شود.

در هر حال یقیناً به این راه حل‌ها و راه‌حل‌های پیشنهادی دیگر ابراه و اشکال وارد است و آسان است. دیدن و گفتن اشکال‌ها نباید مقصود باشد. رفع چاره اشکال‌ها یا ارائه پیشنهادی بهتر را باید کرد.

حرفی که سابقاً به آقای نصرالله امینی می‌زدم این بود که یک شهردار و مدیرانش به محض نشستن پشت صندلی و میز آنقدر گرفتار مراجعات و مسائل پردردسر روزمره و جزئی و ضروری می‌شوند که کمترین مجال را برای دیدن کلی [دو کلمه ناخوانا] اساسی پیدا نمی‌کنند. شهردار باید حتماً معاونین و شوراها و سرویس‌هایی برای طرح‌ها و کارهای غیر جاری و کلیج کتنبه داشته، آنها را عمده‌ترکنار از این مسائل بگذارد و بخواهد در آن زمینه کار کنند [یک کلمه ناخوانا] کنند.

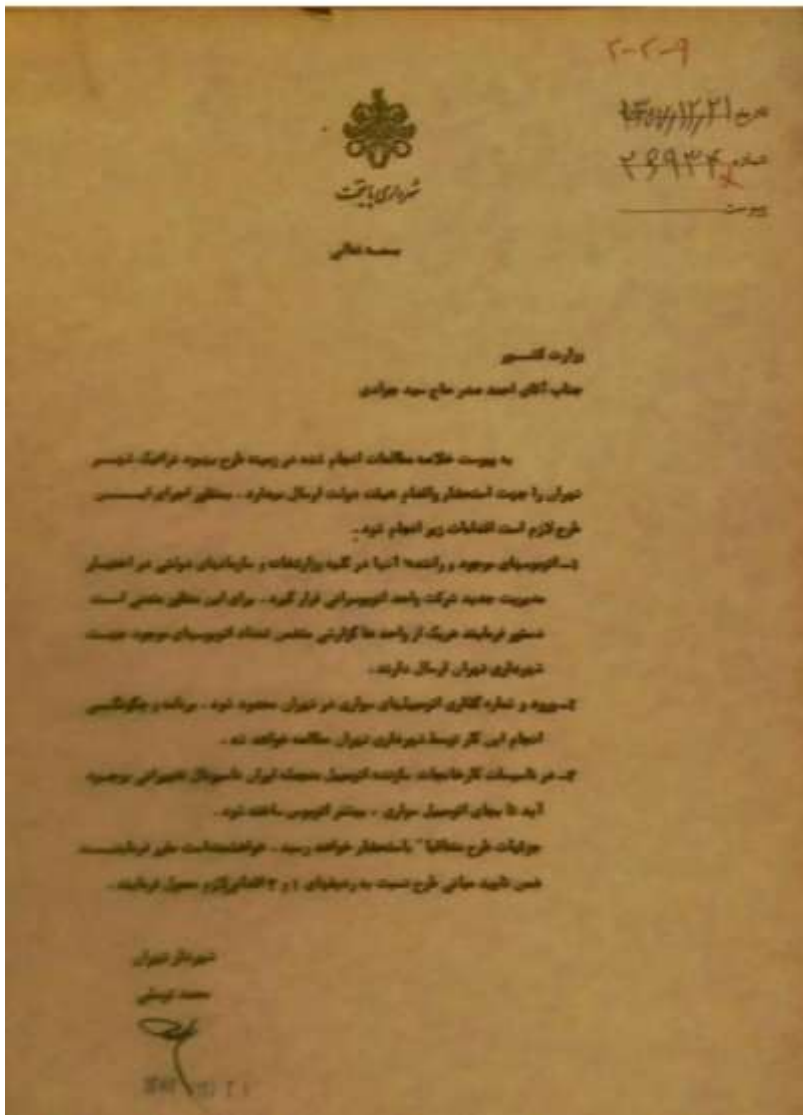
مغایبی بود که چون فرصت دیدار دست نمی‌داد برایتان نوشتم و بادم رفت خدا قوت و خسته نباشید در اول بگویم.

قریبات

امضاء

۵۷/۱۲/۱۴

پیوست ۱۱: نامهٔ مهندس توسلی به وزیر کشور (احمدصدر حاج سیدجوادی) در مورد طرح کلی بهبود ترافیک شهر تهران





## پیوست ۱۲: نمونه‌هایی از پیشنهادات مردمی برای حل مشکل ترافیک

بنام خدا

این از چهار سال بزرگانین بحالت داشتن ترافیک کشنده تبدیل به یک شگفتی‌ناز بزرگ شده است

مقدمه

از اوائل سال ۱۳۵۴ ترافیک ناخوار شهران بصورت فسادى و در حالتى وحشتناك پدیدار گردید. و عوارض بشمارى را موجب گردید که معتبرین و خطرناک‌ترین آن آلودگی بمر از حد مجاز هوا و بویز امراس و مسمومیت‌های گوناگون ناشی از آن میباشد.

بنابوظیفه ملی و همیشه اینجانب که يك آرشیوتکست شیم شهران بوده و در چند ساله اخیر بحالت مسؤلیت‌اداری در رابطه مستقیم با مسائل شهر سازی کشور و بخصوص شهر شهران بوده ام جهت رفع این مشکل بزرگ از سال ۱۳۵۴ به مطالعه و بررسی دقیق این موضوع پرداخته و شروع به جمع‌آوری اطلاعات و مدارک لازم از منابع ذیصلاح نمودم.

پس از تریب به یکسال با توجه به مطالعات انجام شده و با در نظر گرفتن رفع موجود ترافیک ساده و اجرایش جهت حل این مشکل ارائه نمودم که مورد قبول اهل فن نیز قرار گرفت. و حقی بنابا نظار آنها تنها راه حل منحصر بفر این مشکل میباشد.

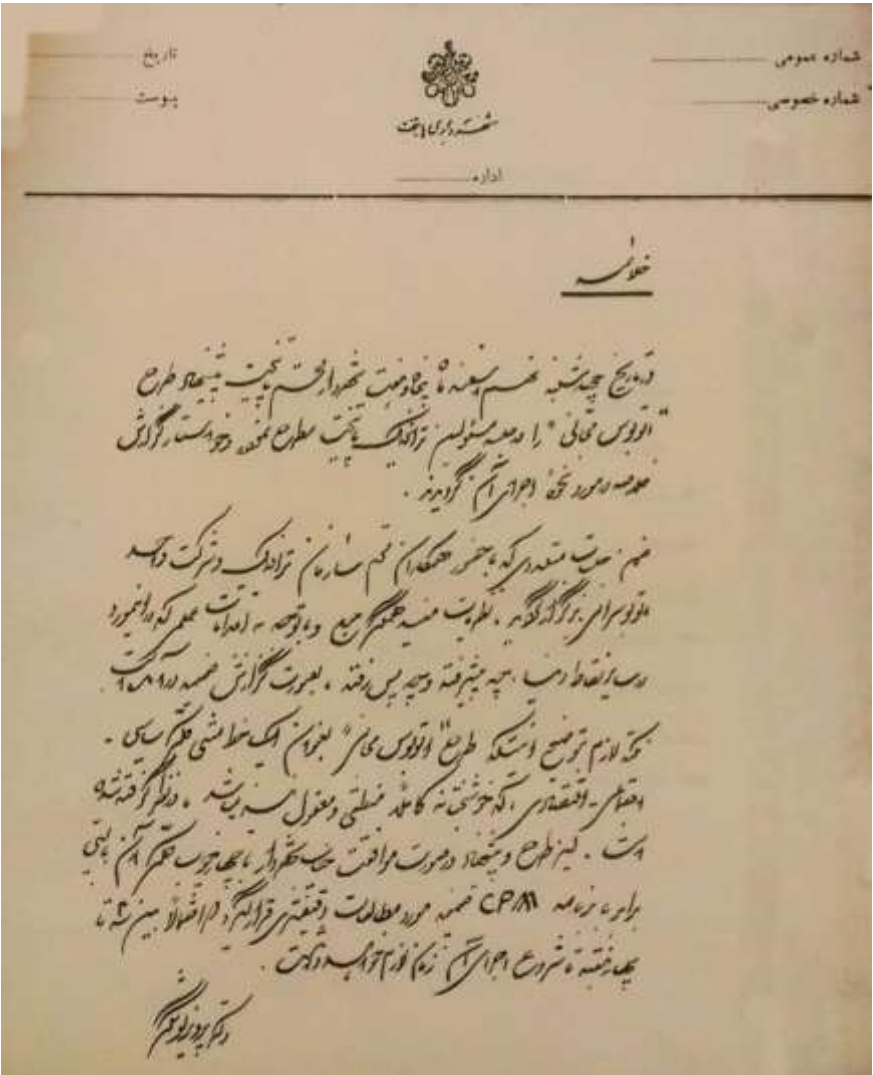
پس از آماده شدن طرح از اراد آن به مقامات مسئول نسلی بحالت فدا این قدرت اجرایش کافی و عدم علاقه‌مندی به رفع اینگونه مشکلات اساسی امتناع نمودم.

پس از انقلاب بحضور استاد معظم جناب آقای دکتر بداله سبحانی وزیر مشاور طرح‌های انقلابی رسیده و طرح مربوطه را تقدیم داشتم، ایشان پس از ملاحظه فرمودند شرح خلاصه شده و جهت بررسی و اجرا در اختیارشان گذاشته شود. ضمناً طرح به جناب آقای شهردار نیز ارائه شود.

در ملاقات با جناب آقای توسلی علاوه بر این طرح حین گردید و متذکر این دو ملاقات خلاصه مطالعات و خلاصه طرح به حضور جناب آقای دکتر بداله سبحانی و مناب آقای شهردار و سازمان ترافیک پایتخت تقدیم میگردد.

مردین ناطق البین : فارغ التحصیل رشته معماری و مشول طرح‌های معماری وزارت

اطلاعات و جهانگردی - کفنه شهیر ازار - ۶۵۸۷۷۲ و ۳۵۰۰۳۳ نشانی ۹۲۱۷۱۷



پیوست ۱۳: محدوده طرح ترافیک



پیوست ۱۴: نامه مهندس توسلی به نخست‌وزیری مبنی بر تصویب قانونی ماده واحده طرح ترافیک



شهرداری تهران

بسمه تعالی

تاریخ ۱۷/۳/۱۳۵۹  
شماره ۶۰۲۸  
پیوست

نخست‌وزیری

احتراماً - در طرح جدید ترافیک که بزودی بمرحله اجرا گذارده خواهد شد بمنظور امکان استفاده هرچه بیشتر از سطح قابل عبور خیابانها ، ضمن اختصاص خطوط ویژه در مسیر خیابانهای اصلی جهت عبور اتوبوسهای شرکت واحد و وسائط نقلیه عمومی محدوده ای بنمیتز بمنظور اجرای مسوئیت عبور اتوبوسهای شخصی در نظر گرفته شده است . چون اجـــــرای مقررات جدید احتیاج بضاینت اجرایی فابرد و مقررات فعلی راهشمالی و راستدگی چنین مسوئردی پیش بینی نشده است ، لذا ماده واحده ای بشرح پیوست تهیه و تقدیم میگردد . مستدعی است مقرر فرمایند نسبت به تصویب و ابلاغ آن اقدام مقتضی معمول فرمایند .

محمد توسلی  
شهردار تهران

تاریخ

۱۳۵۰

شماره



شهرداری تهران

ریشه سند

اداره راهنما (راهنما) تهران  
تعمیرات  
تعمیرات

ماده واحده ۱ :

از تاریخ اجرای طرح جدید تراکم ( مرحله سوم ) برود  
وسائط نقلیه در ساعات و محدوده ای از شهر که از سوی  
اداره راهنمایی و رانندگی تهران تعیین و با اطلاع حضور  
میرسد ممنوع بوده و متخلفین از اجرای این مقررات  
مبلغ یکهزار ریال جریمه خواهند شد .

ماده واحده ۲ :

عبور و توقف وسائط نقلیه غیرمجاز در مسیر ویژه ممنوع  
بوده و متخلفین مبلغ یکهزار ریال جریمه خواهند شد .

در همین رتبه ۱۴۳۱۳۵۹ کپی شده است در دفتر شهرداری

ارتباطات و امور اداری  
۱۳۵۰

پیوست ۱۵: نامه عبدالحسین ابراهیمی به شهردار تهران در مورد ارسال نسخه «نکاتی راجع به ترافیک و طرح متروی تهران»



جمهوری اسلامی ایران



متروی تهران

شرکت راه آهن شهری تهران و حومه

بسمه تعالی

شماره  
تاریخ ۱۳۵۹/۵/۱۵  
پوست  
درد

جناب آقای مهندس توسلی - شهردار محترم تهران

یک نسخه " نکاتی راجع به ترافیک  
و طرح پی متروی تهران " برای استحضار آنجناب  
ارسال میگردد خواهشمند است در صورتیکه  
نظریا اصلاحاتی دارند امر با بلاغ فرمایند. / خ

با تشکر فراوان - عبدالحسین ابراهیمی

فترک  
شماره ۱۸۷۳۴  
تاریخ ۱۳۵۹/۵/۱۵



شرکت راه آهن شهری تهران و حومه

بسمه تعالی

۱۳۵۹/۴/۱۵

نگاشتی راجع به ترافیک و طرح مترو تهران

### مقدمه - مشکل ترافیک قبل از انقلاب

- در سالهای آخر رژیم شاهنشاهی مشکل عظیمی بنام "فول ترافیک" در تهران ایجاد شد، که سلامتی و رفاه مردم را هنوز بخطر انداخته است. حل معدهای را که منجر به بروز این مشکل شده، میتوان بشرح زیر برشمرد:
- ۱- ازدیاد بی رویه جمعیت شهر تهران (بیش از ۴/۵ میلیون نفر در سال قبل از انقلاب و نزدیک به ۶ میلیون نفر در حال حاضر).
  - ۲- وضع نابسامان رفت و آمد مردم شهر (ضعف فرهنگ تبعیت از مقررات عبور مروز).
  - ۳- رفت و آمد اضافی ناشی از مراجعه بیش از حد مردم به ادارات و واحدهای دولتی (مراجعه مکرر برای انجام کارهای کوچکی که در جاهای دیگر معمولاً برآید، بست و قفلن انجام میشود. مثلاً گذرنامه که در خارج با بست برای تعدید فرستاده و عودت داده میشود).
  - ۴- ازدیاد بی رویه اتومبیل و خصوصاً وسائط نقلیه شخصی (نزدیک به یک میلیون و دویست هزار وسیله نقلیه در شهر تهران).
  - ۵- وضعیت شرکت واحد اتوبوسرانی: تعداد زیادی اتوبوس کهنه و دردست تعمیر که جوابگوی قسمت کوچکی از شش میلیون رفت و آمد روزانه تهران بوده است.
  - ۶- بی‌تلاقی مردم به استفاده از وسائط نقلیه عمومی (به پیروی از شعارها مبدرونیکه هر ایرانی یک بیگان داشته باشد).
  - ۷- سیاستهای غلط و مغایر با اصول شهرسازی که منجر به رشد قارچی و پافانت ناصحیح شهر گردید.



شرکت راه آهن شهری تهران و حومه

شماره \_\_\_\_\_

تاریخ: ۱۳۵۹/۷/۱۵

موضوع: \_\_\_\_\_

- ۲ -

### کوششهای انجام شده برای حل مشکل ترافیک از انقلاب به بعد

بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، حل مسئله ترافیک تهران بعنوان یکی از قدمهای اساسی در جهت تأمین رفاه مردم و تغییر بنیادی خط مشی غلط گذشته، مورد توجه مقامات شهرداری تهران و دولت قرار گرفت. اولین بررسیها نشان داد که در این زمینه سه اقدام اساسی باید صورت گیرد:

۱- جلوگیری از ازدیاد جمعیت شهر تهران- در این مورد اقدام نتیجه بخشی صورت نگرفت و بگفته مقامات مسئول شهر نه تنها جمعیت تهران کاهش نیافت بلکه در فاصله یکسال و نیم از ۴/۵ میلیون به شش میلیون نفر رسیده است.

۲- جلوگیری از ازدیاد وسائط نقلیه شخصی- برای محدودیت وسائط نقلیه شخصی اقدامات جدی و عاجل صورت گرفته که نسبتاً نتیجه بخش بوده است.

۳- ازدیاد وسائط نقلیه عمومی و تشویق مردم به استفاده از آن- از جمله اقدامات اساسی و مهمی بوده که بعنوان یک تحول ضروری و انقلابی انجام شده است. در مورد اخیر توضیحات بیشتر بدینال خواهد آمد.

### طرح توسعه و تکمیل شبکه حمل و نقل عمومی

این طرح از دو قسمت یکی کوتاه مدت و دیگری دراز مدت تشکیل میشود:

#### الف- برنامه کوتاه مدت

این برنامه که طی یکسال اخیر با موفقیت نسبی توسط سازمان ترافیک تهران و شرکت واحد تهیه شد، این به مرحله اجرا درآمد. عبارت است از:

- ۱- اقدام در جهت توسعه و بهبود خدمات شرکت واحد اتوبوسرانی تهران.
- ۲- ترغیب مردم به استفاده از وسائط نقلیه عمومی بوسیله محدود کردن سامانهات





۱۳۵۹/۴/۱۵

ت

- ۳ -

حور و مرور وسائط نقلیه شخصی در مناطقی از مرکز شهر و ایجاد مسیرهای ویژه اتوبوس و الزام مردم بر هایت آن .

اشکال کار - این طرح بدلائل زیر فقط در کوتاه مدت میتواند مؤثر باشد :

۱ - مانعیت مردم از حور و مرور با وسیله شخصی وقتی میتواند در دراز مدت اثر مثبت داشته باشد و منجر به رکود فعالیتهای اقتصادی و تحرك مردم نشود که وسیله نقلیه عمومی بقدر کافی و بحوریت مطمئن در اختیار آنان قرار گیرد .

۲ - تأمین قسمت عده ای از ۷ میلیون سفر روزانه فعلی ، بوسیله اتوبوس بحولت محدودیت تعداد و ظرفیت اتوبوس و با توجه به سطح محدود خیابانها و وضعیت ناموزون بافت و خیابان بندی شهر و اشکالات دیگر از قبیل محدودیت تعمیرگاهها و توقفگاهها و تعمیر کارها و خطر آلودگی بیش از حد هوا ، مشکل و بلکه غیر ممکن است . بنا بر مراتب فوق از برنامه کوتاه مدت ترافیک تهران نتیجه قطعی و مطلوب بدست نخواهد آمد .

ب - برنامه دراز مدت

با توجه به مسائل فوق که ممالک دنیا از دیر زمانی بآن متوجه شده اند و با نهایت سه نظرات و نتایج مطالعات کارشناسان و استادان فن ، ایجاد مترو راه حل اساسی ترافیک شهرهای با جمعیت بیش از يك میلیون نفر شناخته شده است ، بنا بر این تنها اقدام اساسی در این زمینه بعنوان راه حل قطعی و نهایی برای رفت و آمد مردم در شهر تهران طرح احداث " مترو " میباشد .

مترو تهران که ضرورت و فوریت آن در مطالعات گوناگون ده سال اخیر بشوئت رسیده دارای مشخصات اصلی زیر است :

۱ - بهیچوجه جنبه لوکس نداشته و فقط بمنظور حمل و نقل عادی و جوابگویی به ترافیک تهران ، خصوصاً در ساعات ازدحام ، میباشد .



جمهوری اسلامی ایران



سازمان

شرکت راه آهن شهری تهران و حومه

شماره .....

تاریخ ۱۳۵۰-۹-۲۷

بیت .....

- ۴ -

- ۲ - خطوط مترو در قسمت‌های مرکزی شهر از زیرزمین عبور میکند و در حومه شهر در سطح زمین خواهد بود .
- ۳ - این طرح که اصولاً ۲ خط دارد ، قبل از انقلاب ، مرحله اول آن بصورت يك شبکه چهارخطی بطول تقریبی ۲۵ کیلومتر تهیه شده بود . پس از انقلاب و بدرخواست شهرداری تهران در کمیسیون تخصصی شورای انقلاب مجدداً مورد بررسی قرار گرفت و مقرر گردید فعلاً دو خط آن بشرح زیر در برنامه کارهای اجرایی شرکت قرار گیرد ( نقشه پیوست ) .
- خط شماره ۱ : این خط از میدان تجریش شروع میشود و پس از عبور از خیابانهای دکتر شریعتی - میرداماد - منطقه عباس آباد - خیابانهای مازان و سعدی از میدان امام خمینی عبور کرده و پس از گذشتن از خیابانهای خیام و شوش از کنار راه آهن آذربایجان بطرف پل آباده میآید . يك انشعاب در ایستگاه راه آهن از این خط جدا شده و بطرف شهری میرود .
- خط شماره ۲ : این خط از تهران پارس شروع میشود و پس از عبور از خیابانهای رسالت - نظام آباد - بهارستان - اکباتان در میدان امام خمینی با خط شماره يك متقاطع بوده و پس از عبور از خیابانهای امام خمینی و آذربایجان به منطقه بین طرشت و کاظم آباد ختم میشود .
- ۴ - هر خط مترو برای عبور قطارها در دو جهت مخالف است و ظرفیت عبور در هر جهت ۴۰۰۰ مسافر در ساعت خواهد بود .
- ۵ - حداکثر سرعت قطارها ۸۰ کیلومتر در ساعت و سرعت متوسط با احتساب زمان توقف در ایستگاهها ۳۶ کیلومتر در ساعت است .
- ۶ - تردد قطارها در مرحله نهائی هرزود ثانیه يك قطار میباشد و در شروع کار این مدت حدود سه دقیقه است .



شماره .....

تاریخ ۱۳۵۰-۹-۲۷

پوست .....

- ۰ -

- ۷ - ظرفیت هر قطار ، که متشکل از ۸ واگن خواهد بود ، بالغ بر ۱۴۰۰ نفر که ۲۵ درصد نشسته و بقیه ایستاده است .
- ۸ - ابعاد ایستگاهها ( ۶۰ × ۱۰ ) متر میباشد .
- ۹ - فاصله ایستگاهها بطور متوسط ۸۷۰ متر است .
- برای اجرای ساختمان این دو خط بطول کل ۵۰ کیلومتر ۵ الی ۶ سال وقت لازم است . ولی در نظر است پس از رسیدن هر خط به میدان امام خمینی بهره برداری قسمت ساخته شده شروع شود . باین ترتیب بهره برداری در مدت کمتری شروع خواهد شد .
- رقم متوسط هزینه هر کیلومتر متروی نهر زمینی در شرایط اقتصادی امروز بالغ بر ۳۰۰۰ ملیون ریال ( با احتساب تعمیرگاهها و ایستگاهها و کلیه تأسیسات جنبی ) برآورد میشود ، رقم تخمینی هزینه دو خط جمعاً بالغ بر ۱۷۵ میلیارد ریال خواهد بود . در حال حاضر رقمی برابر هشت میلیارد ریال از این مبلغ هزینه و بیش از دو میلیارد ریال تعهد شده است .

#### تفتن مترو و اتوبوس در شبکه حمل و نقل متروی

بطوریکه تجربه کشورهای دیگر نشان میدهد ، این دو وسیله جانشین یکدیگر نبوده بلکه مکمل هم میباشند . از جمله مترو وسیله ایست که در محورهای اصلی پررفت و آمد شهر ایجاد میشود و تفتن اصلی خود را در ساعات ازدحام و حداکثر عبور صبح و عصر ایفا مینماید .

با توجه به وضعیت خاص شهر تهران که در آن محورهای رفت و آمد و ساعات " ازدحام " بسیار متمایز میباشد ( مثلاً محور تهران - پاریس - مرکز شهر ) انتظار میرود فقط با احداث این دو خط بتوان پیش از سی درصد ترافیک ساعات ازدحام شهر را تأمین نمود .

بدیهی است با شروع کار هر قطعه از خط مترو لازمست در مسیر شبکه اتوبوسرانی منطقه تجدید نظر شود بنحوی که در جهت " مسافرسازی " به خط مترو کار خود را بنحو اکمل انجام دهد .



شرکت راه آهن شهری تهران و حومه

خ ۱۳۵۹/۴/۱۵

ت

- ۶ -

ظرفیت کلیه خطوط شبکه اتوبوسرانی تهران در حال عادی بیش از یک میلیون و پانصد هزار نفر در روز است ، در حالیکه فقط دو خط پیش‌بینی شده مترو قادر خواهد بود پنجه خود بیش از یک میلیون و پانصد هزار نفر مسافر در روز جا بجا نماید .

### دلایل فنی ، اجتماعی و اقتصادی انتخاب مترو

- ۱ - مترو بعنوان کاملترین و مناسبترین وسیله حمل و نقل عمومی در شهرهای پرجمعیت جهان شناخته شده است . در فرانسه سه شهر با جمعیت بیش از یک میلیون نفر دارای مترو است . در شوروی ۲ شهر بزرگ دارای مترو است که قدمت متروی باکو به سی سال میرسد ، حتی در شهرهای آمریکا که قبلاً بدلائل سیاسی و اجتماعی خاص بنای رفت و آمد پرتوسعه معابر و استفاده از وسائط نقلیه شخصی و عمومی در سطح زمین بوده است در طی چند سال اخیر تغییر کلی در روش و سیاست خود داده اند و برنامه های مفصلی در جهت توسعه شبکه مترو در شهرهای مختلف نظیر واشنگتن ، سانفرانسیسکو ، آتلانتا ( ۱۷۰۰/۰۰۰ نفر ) و چند شهر دیگر در دست اجراست ( مستخرجه از جدول نشریه UITP سال ۱۹۷۸ مربوط به شهرهایی که مترو دارند . فتوکپی جدول پیوست است ) .
- ۲ - مترو بعنوان وسیله سریع و ارزان قیمت رفت و آمد در ایجاد امکانات رفاهی در خدمت عموم و بخصوص طبقه محروم و کم درآمد میباشد .
- ۳ - ارقام زیر مقایسه بین سه وسیله رفت و آمد متداول شهری ( مترو ، اتوبوس ، اتومبیل شخصی ) را نشان میدهد .
 

الف - سطح معیار مورد نیاز در شهر برای حمل ۰/۰۰ : نفر مسافر در ساعت و در هر جهت عبارت است از :

  - برای مترو بجهت محور از زیر زمین این مساحت صفر است .
  - برای اتوبوس یک خیابان یکطرفه بعرض ۳۰ متر و مطو از اتوبوس در حرکت .



شرکت راه آهن شهری تهران و حومه

رد

خ ۱۳۵۹/۷/۱۵

ت

- ۷ -

برای اتوبیل شخصی يك خيابان يكطرفه بعرض ۱۰۰ متر ملو از اتوبیل شخصی در حرکت .

ب- سرعت رفت و آمد در مناطق پرجمعیت شهری :

- ۳۶ کیلومتر در ساعت برای مترو

- ۶ تا ۱۰ کیلومتر برای اتوبوس

- ۸ تا ۳۰ کیلومتر برای اتوبیل شخصی

ب- مقدار انرژی مصرفی برای هر مسافر در هر کیلومتر :

- برای مترو یا اتوبوس معادل ۸ تا ۱۰ گرم نفت

- برای اتوبیل شخصی معادل ۶۰ گرم نفت

ت- سرعت جابجایی مسافر برای طی يك مسافت ۲۰ کیلومتری مثلا از میدان تجریش تا میدان راه آهن :

- برای مترو: زمان انتظار ۱۰/۵ دقیقه زمان طی مسافت ۳۶ دقیقه ، جمع ۳۷/۵ دقیقه

- برای اتوبوس: زمان انتظار ۱۰ دقیقه زمان طی مسافت ۱/۵ ساعت جمع یکساعت و چهل دقیقه .

بدیهی است که رقم ارائه شده برای مترو تعدیم شده و قطعی است ولی رقم ارائه شده برای اتوبوس نبر منظم است و بستگی زیاد به وضعیت ترافیک در طول مسیر خواهد داشت.

۴- اگر برای هر سفر شهروند تهرانی بطور متوسط نیم ساعت وقت تلف شده در ترافیک و

رفت و آمد حساب کنیم و تعداد سفرهای روزانه ۷ میلیون باشد ، ۳/۵ میلیون ساعت

در روز و حداقل ۸۷۵ میلیون ساعت در سال وقت تلف شده مردم تهران ضایعه

عظیمی است که جبران آن مشکل است و اگر فقط ارزش مادی وقت گذشته را بطور متوسط

۱۰۰ ریال در ساعت بحساب آوریم سالانه رقمی معادل یکمید و سی و یک میلیار و

دویست و پنجاه میلیون ریال صرفه جویی اصولی ناشی از ایجاد مترو است که برابر



شرکت راه آهن شهری تهران و حومه

شماره .....

تاریخ ۱۳۵۹/۷/۲۵

پوست .....

- ۸ -

۴- معارج ایجاد در خط مترو می باشد .

۵- در مواقع اضطراری و حملات هوایی به شکل بهترین پناهگاه عمومی میتوان از مترو استفاده کرد . این امر در شهرهای دیگر جهان از جنگ دوم جهانی مورد توجه و استفاده بوده است و در مورد متروی تهران نیز مذاکراتی در این باره با سازمان بسیج مستضعفین بعمل آمده است .

۶- در شهری که به مترو مجهز است میتوان با اتخاذ سیاست مناسب و محدودیت عبور وسائط نقلیه شخصی ترتیب داد که سطح خیابانهای مرکز شهر برای عبور کامیونها و وانت های توزیع کننده ارزاق ، مواد ضروری و بخصوص رفت و آمد سریع آمبولانسها و ماشینهای آتش نشانی آزاد باشد .

۷- مترو فاصله اجتماعی بین طبقات مردم را کم میکند و باین منظور برای متروی تهران فقط یک نوع واگن پیش بینی شده است و درجه ۱ و ۲ ندارد .

۸- مترو وسیله ای منظم و برخوردار از ایمنی نهاد است و از حوادث رانندگی کم میکند .

۹- مترو از توسعه بی رویه و ناخواسته شهر جلوگیری کرده و بآن جهت میدهد . در شهرهای بزرگ دنیا رشد شهر در جهش است که وسیله رفت و آمد خصوصا " از نظر مترو و خط آهن و ارتباط با نقاط حساس و مهم شهر تأمین شده باشد .

۱۰- مردی که با مترو بسر کار خود میروند به علت خسته نشدن آماده تر و شاداب تر بوده و بازدهی بیشتری خواهند داشت .

آلودگی هوا و شرایط محیط زیست :

شرایط محیط زیست در تهران در سالهای اخیر وضعیت " فاجعه آمیز " دارد .

کاسه بودن موقعیت طبیعی شهر ، نداشتن باد های مناسب و فقدان نزولات آسمانی بعدت بیش از شش ماه در سال و وجود پاره ای کارخانجات و تعداد زیادی وسائط نقلیه سنگین ( که غالبا " به علت نامیزان بودن و کامل نبودن سوخت گازهای مضر تولید میکنند )



مترو تهران

شرکت راه آهن شهری تهران و حومه

شماره \_\_\_\_\_

بخش ۱۳۵ / ۷ / ۱۵

رست \_\_\_\_\_

- ۹ -

بالاخره وجود نزدیک به یک میلیون و دویست هزار اتوبوس و خصوصاً اتوبوسها و کامیونهای گازیست که سوز هوای شهر تهران را بصورت "خطرناک" در آورده است که سلامت و زندگی شهروندان و بخصوص کودکان، پیران و بیماران قلبی را بحفاظت میاندازد. بدیهی است صدای اتوبوسها نیز خود بعنوان یک عامل ناسالمی برای محیط زیست شناخته میشود ( بخصوص اطراف بیمارستانها و محله های مسکونی ).

باین ترتیب مترو بعنوان وسیله ای که حداقل مقدار انرژی را برای حمل یک مسافر در یک کیلومتر بکار میگیرد و به علت اینکه این انرژی را بصورت تمیز و از طریق شبکه برق دریافت میکند و از طریق شبکه مدرن مترو، زیرزمینی و کم صدای بوده آرامش مناطق مسکونی را تأمین مینماید، یک راه حل ایده آل از نظر بهبود شرایط محیط زیست است.

شرکت راه آهن شهری تهران و حومه








## پیوست ۱۶: متن لایحه قانونی اصلاح قانون تأسیس شرکت مترو

شماره: \_\_\_\_\_  
تاریخ: \_\_\_\_\_  
پست: \_\_\_\_\_

  
جمهوری اسلامی ایران

وزارت راه و ترابری  
سازمان مترو

لایحه قانونی اصلاح قانون تأسیس شرکت راه آهن شهری تهران و حومه

ماده یکم - بدولت اجازه داده میشود بمنظور احداث راه آهن شهری در تمام ایستگاههای مربوط و بهره برداری از آن شرکتی بنام راه آهن شهری تهران و حومه (مترو) تأسیس نماید.

شرکت دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی است و طبق اصول بازرگانی و مقررات این قانون و اساسنامه مربوط اداره میشود.

تصریح ۱: شرکت میتواند بمنظور اجرای طرح راه آهن شهری تهران و حومه تا سن نیازمندیهای خود از زیرساختها و املاک معدوم قانونی شهر و حومه بدون هیچگونه پرداختی استفاده نماید و در مواردیکه برای انجام امور فنی و اجرایی ورود به مالکوسلبهای کسبو مالک عمومی ضروری تشخیص داده شود یا اختلاف گزینشی ۴۸ ماهه بمحیطهای ترابری وارد و در صورت مسامحت با حضور نماینده دادستان شهرستان نسبت با اجرای موارد فوق اقدام نماید. در صورتیکه اثر قطعیات اجرایی مترو شناسایی بمتجددات اشخاص وارد شود میزان خسارت وارده (طبق ماده ۵ قانون برابری موجود در کشور مصوب اسفندماه ۱۳۵۱) قابل پرداخت میباشد.


تصریح ۲: مقررات مواد ۱ و ۲ قانون یعنی راه آهن تهران مصوب تیرماه ۱۳۴۹ و همچنین قانون کفایتزحمتهای مربوط به راه آهن مصوب سال ۱۳۲۰ و ملحقات آن در مورد راه آهن شهری تهران و حومه اجرا خواهد شد.

والتکلیف و اختیارات وزارت راه و راه آهن دولتی ایران در قانون کفایتزحمتهای مربوط به راه آهن در این مورد مجرده راه آهن شهری تهران و حومه (مترو) خواهد بود.

تصریح ۳: آن قسمت از تسهیلات مجمع عمومی گذشتکه بدون حضور عضو سوم با درباری در انقضای تصویب و بهره برداری راه آهن در ایستگاه مترو در آنکه بتصویب مجمع عمومی مندرج در اساسنامه مربوط برسد بهتر است.

ماده دوم - بمنظور تأمین هماهنگی در امور اجرایی احداث راه آهن شهری (مترو) شورای بنام شورای هماهنگی مرکب از جهت نفرین شرح زیر تشکیل میگردد:

۱- سرپرست راه آهن یا قائم مقام سرپرست



بیت‌الم

شماره  
تاریخ  
پرست



شماره  
تاریخ  
پرست

۲- معاون سازمان برنامه و بودجه

۳- مدیر عامل سازمان آب تهران

۴- مدیر عامل شرکت برق منطقه‌ای تهران

۵- مدیر عامل شرکت معابر ات

۶- مدیر عامل شرکت گاز

۷- رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت راه آهن شهری (مترو)

همچنین مسئولان سایر سازمانها نیز که به تشخیص شهردار تهران حضور آنها در جلسات شورای هماهنگی لازم است. وظایف شورای هماهنگی عبارتست از ایجاد هماهنگی در کارهای اجرایی راه آهن شهری که مانند سایر اماکن و اماکنهای سازمانهای مختلف ارتباط حاصل میکند و رفع مشکلاتی که از عدم رعایت هماهنگی ممکن است پیش آید و همچنین اتخاذ تصمیم نسبت به گامهای سلفی که از طرف هیئت مدیره شرکت راه آهن شهری تهران و حومه (مترو) و سایر اماکن متفرقه در این زمینه مطرح میشود.

تصمیمات شورای راهبردی به گونه‌ای برای کلیه سازمانهای ذیربط لازم الاجرا خواهد بود.

نسخه ۱: تشکیل جلسات شورای هماهنگی با پیشنهاد رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت راه آهن شهری (مترو) و دعوت شهردار تهران بعمل خواهد آمد.

نسخه ۲: ریاست شورای هماهنگی با شهردار تهران است.

ماده سوم - بررسی و تصویب اساسنامه و همچنین اتخاذ تصمیم نسبت به وابستگی شرکت به کمیته سوتی مرکب از نمایندگان وزارت کشور، شهرداری تهران، سازمان امور اداری و استخدامی کشور و سازمان برنامه و بودجه متوجه می‌گردد.

سید ابوالحسن بنی صدر  
رئیس جمهور پیشین شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران

پیوست ۱۷: نامهٔ عبدالحسین ابراهیمی به مهندس توسلی در خصوص ارسال لایحه قانونی تأسیس شرکت مترو همراه با اساسنامهٔ آن



شماره ۲۲۷۴

تاریخ ۱۳۵۹/۷/۱۴

پوست ۱۵

شرکت راه آهن شهری تهران و حومه

بسمه تعالی

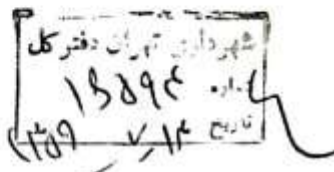
جناب آقای مهندس توسلی

شهردار محترم تهران و عضو مجمع عمومی شرکت

بپیوست فتوکپی لایحه قانونی تأسیس شرکت راه آهن شهری تهران و حومه (مترو) بانضمام یک نسخه اساسنامه مربوط که با مضامین نمایندگان مقامات مختلف موضوع ماده سوم قانون مذکور رسیده است برای استحضار عالی ارسال میگردد. / خ

رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل

عبدالحسین ابراهیمی





شرکت راه آهن شهری تهران و حومه  
بسته تعاملی

-۱-

شماره \_\_\_\_\_  
تاریخ ۱۳۵ \_\_\_\_\_  
پیوست \_\_\_\_\_

- اساسنامه شرکت سهامی راه آهن شهری تهران و حومه ( مترو )
- ماده ۱- شرکت راه آهن شهری تهران و حومه ( مترو ) شرکشی است سهامی و تابعیت آن ایرانی و وابسته به وزارت کشور است .
- ماده ۲- مدت شرکت نامحدود و مرکز آن تهران است .
- ماده ۳- هدف شرکت احداث شبکه راه آهن شهری تهران و حومه و بهره برداری از آن میباشد در اجرای این هدف وظائف و اختیارات شرکت بدینقرار است :
- ۱-۲- هر نوع عطیات مطالبه‌ای و ساختمانی ضروری
- ۲-۲- خرید وسایل و ماشین آلات مورد نیاز .
- ۳-۲- خرید و اجاره و تظک زمین یا ساختمان با رعایت قسمت اخیر تبصره ۱ ماده ۱ قانون تأسیس شرکت .
- ۳-۴- دریافت وام و اعتبار طبق قوانین و مقررات مربوط .
- ۴-۲- انعقاد هر گونه قرارداد ضروری در چهار چوب قوانین و مقررات موجود .
- ۴-۳- انجام سایر عطیات مجاز که در جهت هدف فوق ضرورت داشته باشد .
- ماده ۴- شرکت موظف است ظرف ۱ ماه از تاریخ تصویب این اساسنامه نسبت به تهیه آئین نامه مالی و معاملاتی و استخدامی و نیز تشکیلات خود در چهار چوب قانون محاسبات عمومی و مقررات استخدامی شرکتهای دولتی و ارائه آن به مراجع ذیصلاح جهت تأیید اقدام نماید .
- ماده ۵- سرمایه شرکت مبلغ یکصد میلیون ریال است که کلاً متعلق به دولت است و به هزار سهم یکصد هزار ریالی با نام تقسیم میشود و عند در عند آن پرداخت شده است .

#### ارکان شرکت

ماده ۶- ارکان شرکت عبارتند از :

الف - مجمع عمومی

تاریخ: ۱۳۵۸



شرکت راه آهن شهری تهران و حومه

شماره .....

تاریخ ۱۳۸۵ .....

موضوع .....

- ۲ -

ب- هیئت مدیره و مدیر عامل

ج- حسابرس ( بازرس )

ماده ۲- نمایندگان سهام دولت در مجمع عمومی شرکت با وزیر کشور - شهردار تهران - وزیر امور اقتصاد و دارایی - وزیر راه و ترابری - وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه می باشد .

ریاست مجمع عمومی با وزیر کشور است .

ماده ۸- مجمع عمومی حداقل سالی دو بار برای بررسی و تصویب برنامه و بودجه و همچنین تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت بدو مرتب مجمع تشکیل میگرد .

ماده ۹- مجمع عمومی شرکت بطور فوق العاده بنا بدو مرتب مجمع عمومی یا رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل یا بنا بتقاضای حسابرس ( بازرس ) تشکیل خواهد شد .

ماده ۱۰- تشکیل مجمع عمومی با دعوت نامه کنی که در آن دستور جلسه با تاریخ و محل تشکیل آن تعیین شده باشد بعمل میاید .

دعوتنامه باید حداقل پانزده روز قبل از تاریخ تشکیل جلسه برای نمایندگان صاحب سهام با مدارک لازم فرستاده شود .

ماده ۱۱- جلسات مجمع عمومی با حضور وزیر کشور و حداقل با حضور دو نفر از اعضا با نمایندگان ایشان رسمیت دارد و در اینصورت تصمیم مجمع باید با اتفاق آراء باشد در غیر اینصورت رأی اکثریت قابل اجراء است .

ماده ۱۲- هیئت مدیره و حسابرس ( بازرس ) در جلسات مجمع عمومی حاضر خواهند بود ولی حق رأی ندارند .

ماده ۱۳- وظایف و اختیارات مجمع عمومی شرح زیر است :

۱-۱۳ بررسی و تصویب خط مشی و برنامه کلی شرکت .

۲-۱۳ رسیدن و تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت با توجه به گزارش هیئت

مدیره و حسابرس ( بازرس ) .



شرکت راه‌آهن شهری تهران و حومه

شماره .....

تاریخ ۱۳۵ .....

پروت .....

-۳-

- ۱۲-۲- بررسی و تصویب بودجه و برنامه سالانه شرکت و تغییرات آنجا .
- ۱۳-۴- انتخاب و یا عزل اعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل .
- ۱۳-۵- انتخاب حسابرس ( بازرس ) به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی .
- ۱۳-۶- تعیین حقوق و مزایای هیئت مدیره و مدیر عامل با تأیید شورای حقوق و دستمزد و تعیین حق الزحمه حسابرس .
- ۱۳-۷- تصویب آئین نامه های مالی و معاملاتی و استخدامی شرکت و سایر آئین نامه های مورد نیاز شرکت با پیشنهاد هیئت مدیره .
- ۱۳-۸- تصویب تشکیلات شرکت پس از تأیید سازمان امور اداری و استخدامی کشور .
- ۱۳-۹- پیشنهاد هرگونه تغییر در اساسنامه برای تصویب در مراجع ذیصلاح .
- ۱۳-۱۰- تصویب افزایش یا کاهش میزان سرمایه .
- ۱۳-۱۱- رسیدگی و اتخاذ تصمیم در مورد سرمایه گذاری - مشارکت - اخذ وام و تحصیل اعتبار .
- ۱۳-۱۲- اتخاذ تصمیم نسبت به پیشنهاد هیئت مدیره شرکت درباره ارجاع دعاوی بد اورد و تعیین داور یا داوران و تفویض حق صلح و سازش یا استرداد دعاوی با رعایت مقررات مربوط .
- ۱۳-۱۳- رسیدگی و اتخاذ تصمیم نسبت به سایر مسائلی که در دستور جلسه منظور شود .

#### هیئت مدیره

ماده ۱۴- هیئت مدیره شرکت مرکب از سه نفر ضوابطی و یک نفر عضو علی البدل است. رئیس هیئت مدیره که عمدتاً مدیر عامل شرکت نیز خواهد بود با پیشنهاد رئیس مجمع عمومی و تصویب مجمع عمومی انتخاب میشود . سایر اعضاء هیئت مدیره با پیشنهاد رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل و تصویب مجمع عمومی انتخاب خواهند شد . عضو











شرکت راه آهن شهری تهران و حومه

شماره .....

تاریخ ۱۳۵ .....

بیمت .....

-۴-

- علی البدل هیئت مدیره از میان کارکنان ذیصلاح شرکت انتخاب خواهد شد .
- ماده ۱۶- مدت تصدی اعضا هیئت مدیره و مدیر عامل چهار سال خواهد بود و تا موقعیکه تجدید انتخاب بعمل نیامده و یا تغییر نیافته اند در سمت خود باقی میمانند. ضمناً انتخاب مجدد هر یک از اعضا هیئت مدیره و مدیر عامل بلا مانع است .-
- ماده ۱۶- اعضا هیئت مدیره بطور موظف انجام وظیفه میکنند و در مدت تصدی خود نمیتوانند شغل موظف دیگری را داشته باشند .
- ماده ۱۷- تصمیمات هیئت مدیره با اکثریت آرا معتبر است و تصمیمات و نظرات هیئت مدیره در دفتر مخصوص ثبت و ضبط خواهد شد .
- ماده ۱۸- هیئت مدیره دارای وظائف و اختیارات زیر است :
- ۱-۱۸- اداره امور شرکت در اجرای قوانین و مقررات مربوطه .
- ۲-۱۸- تهیه و تنظیم ترازنامه و گزارش سالانه و بودجه شرکت .
- ۳-۱۸- رسیدگی و اتخاذ تصمیم نسبت به معاملات شرکت طبق آئین نامه معاملات که بتصویب مجمع عمومی رسیده است .
- ۴-۱۸- تهیه و تدوین تشکیلات شرکت جهت تصویب مجمع عمومی .
- ۵-۱۸- پیشنهاد هرگونه تغییر در اساسنامه جهت طرح در مجمع عمومی .
- ۶-۱۸- تهیه آئین نامه های مالی و معاملاتی و استخدامی و سایر آئین نامه ها برای پیشنهاد به مجمع عمومی .
- ۷-۱۸- تصویب آئین نامه های اجرایی شرکت در حدود مقررات این اساسنامه و بنا به پیشنهاد رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل .
- ۸-۱۸- پیشنهاد دریافت وام و اعتبار از منابع داخلی یا خارجی به مجمع عمومی .
- ۹-۱۸- پیشنهاد به مجمع عمومی در مورد صلح و سازش در دعاوی و ارجاع امر به داور و تعیین داور و سرداور .

  
رئیس هیئت مدیره

  
مدیر عامل

  
رئیس هیئت مدیره





شرکت راه آهن شهری تهران و حومه

شماره \_\_\_\_\_

تاریخ ۱۳۵ \_\_\_\_\_

پیوست \_\_\_\_\_

- ۵ -

- ۱۸- ۱۰- تصویب فرار داد ها .
- ۱۸- ۱۱- رسیدگی و اخذ تصمیم درباره گنجه پیشنهاد های مدیر عامل و حسابرس .
- ۱۸- ۱۲- پیشنهاد افزایش یا کاهش سرمایه شرکت به مجمع عمومی .
- ۱۸- ۱۳- رسیدگی و اتخاذ تصمیم نسبت به مسئله اینکه با هدف شرکت مربوط باشد .
- ماده ۱۹- رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل بالاترین مقام اجرایی شرکت بوده و عهده دار اجرای مصوبات مجمع عمومی و هیئت مدیره میباشد . اداره امور شرکت اعم از ادارتی و مالی و استخدامی در حدود آئین نامه ها و بودجه آن که بتصویب مجمع عمومی رسیده با رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل است ولی میتواند قسمتی از اختیارات خود را بصورت خود یا با اعضا یا بزر هیئت مدیره یا معاونین و یا مدیران شرکت تفویض نماید .
- ماده ۲۰- رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت در برابر گنجه دادگاهها و مراجع قانونی و رسمی و مؤسسات خصوصی با حق توکل نماینده تام الاختیار میباشد .

#### حسابرس ( بازرس )

- ماده ۲۱- حسابرس ( بازرس ) را مجمع عمومی به پیشنهاد وزارت امور اقتصاد و اراضی برای مدت یکسال انتخاب خواهد کرد و انتخاب مجدد وی بلامانع است .
- ماده ۲۲- وظائف و اختیارات حسابرس ( بازرس ) بقرار زیر است :
- ۲۲- ۱- بررسی گزارش سالانه و رسیدگی ترانزاکشن و حساب عملکرد و سود و زیان و صورت دارایی شرکت و تطبیق آن با دفاتر و گارتهای شرکت و اظهار نظر درباره آنها .
- ۲۲- ۲- تهیه گزارش چگونگی طبقات و امور مالی سالانه شرکت برای تقدیم به مجمع عمومی .
- ۲۲- ۳- گزارش مزبور باید حداقل ۱۰ روز قبل از تشکیل مجمع عمومی از هر حیث آماده بوده و جهت بررسی هر یک از اعضا مجمع عمومی ارسال و رونویس آن به هیئت مدیره فرستاده شود .
- ۲۲- ۴- سایر وظایف مقرر در قانون تجارت .



شرکت راه آهن شهری تهران و حومه

شماره \_\_\_\_\_  
تاریخ ۱۳۵ \_\_\_\_\_  
پوست \_\_\_\_\_

- ۶ -

تجربه - حسابرس (بازرس) حق مداخله در امور جاری و اجرائی شرکت را ندارد و اقدامات او در اجرائی وظایف نباید مانع جریان کارهای شرکت گردد. پس حسابرس (بازرس) میتواند در هر موقع برای انجام وظایف خود بدفاتر و پرونده و اسناد شرکت مراجعه نماید و مدیرعامل موظف است کپی اسناد و مدارک و اطلاعات مورد نیاز را در اختیار حسابرس (بازرس) قرار دهد و همچنین تصمیمات و صورتجلسات هیئت مدیره را برای حسابرس (بازرس) ارسال نماید.

#### حسابهای شرکت

ماده ۲۳ - سال مالی شرکت از ابتدای فروردین تا پایان اسفند ماه هر سال است.  
ماده ۲۴ - هیئت مدیره شرکت باید پس از پایان هر سال مالی صورت دارایی و دیون و ترازنامه را به رسمه گزارش در باره وضع عمومی شرکت در سال مالی مربوط حداکثر تا آخر خرداد ماه سال بعد تهیه و آنها را حداقل سی روز قبل از تشکیل مجمع عمومی عادی به حسابرس (بازرس) تسلیم نماید و حسابرس (بازرس) مکلف است حداقل پانزده روز قبل از تشکیل مجمع عمومی یک نسخه از گزارش خود را به هیئت مدیره تسلیم کند.  
ماده ۲۵ - نحوه نگهداری دفاتر قانونی و نگهداری و تنظیم حسابها و محاسبه استهلاك طبق مقررات و قوانین موضوعه خواهد بود.

#### انحلال و تصفیه - مقررات کلی

ماده ۲۶ - مجمع عمومی شرکت میتواند در صورت اختفاء انحلال شرکت و نحوه تصفیه را بدولت پیشنهاد کند تا در صورت تأیید از طریق قانونی اقدام بعمل آید.  
ماده ۲۷ - کلیه مسائل و موضوعاتی که در این اساسنامه پیش بینی و تصریح نشده است تابع مقررات قانون تجارت و سایر قوانین و مقررات شرکت های دولتی خواهد بود.



سازمان امور اداری و استخدامی کشور

شرکت راه آهن شهری تهران و حومه

شماره: \_\_\_\_\_

تاریخ: ۱۳۵۹ \_\_\_\_\_

پیوست: \_\_\_\_\_

-۷-

این اساسنامه مشتمل بر ۲۷ ماده و یک تبصره بر طبق اختیاریه شورای انقلاب در  
 لایحه قانونی تأسیس شرکت راه آهن شهری تهران و حومه ( مترو ) مصوب  
 ۱۳۵۹/۴/۱۵ به کمیسیون مرکب از نمایندگان وزارت کشور - شهرداری تهران -  
 سازمان امور اداری و استخدامی کشور و سازمان برنامه و بودجه داده است  
 در تاریخ اول مهر ماه ۱۳۵۹ به تصویب این کمیسیون رسیده است و از تاریخ  
 مذکور قابل اجرا می‌باشد . / م

نماینده شهرداری تهران  
 عبدالحسین ابراهیمی

نماینده وزارت کشور  
 محسن موسوی

نماینده سازمان امور اداری و استخدامی کشور

اکبر شکوهی

نمایندگان سازمان برنامه و بودجه

لیندا احمدی

ابوالقاسم تهرانی

پیوست ۱۸: اعلام مسیر جدید خطوط مترو تهران از زبان مهندس توسلی و مهندس ابراهیمی در

مطبوعات

## مسیر جدید خطوط مترو تهران اعلام شد

جمعیت دارند سرگرم ایجاد مترو هستند و بنا به همین ضرورت ما نیز فعلاً نه راه پیشبرد این هدف گواش خواهیم کرد و کار ساختمان خطوط شماره یک و دو را که شمال شهر را به جنوب و شرق را پیفز شامل خواهد کرد از اول سال آینده آغاز میکنیم.

وی با توجه به تغییراتی که در مسیر پروژه قبلی داده شده است مسیر خطوط شماره یک و دو مترو را باین شرح اعلام کرد.

● مسیر شماره یک از تجریش آغاز می شود و مسیر های زیرگندم - قلهک - دکتر علی شریعتی - میرداماد - عباس آباد - مبارزین - دروازه دولت - سدی - میدان امام خمینی - قویخانه - خیاب شوش و راه آهن را طی می کند.

● مسیر شماره دو از تهران پارس آغاز میشود تا مرکز نظام آباد - نزدیک میدان امام حسین - میدان امام خمینی - و تقاطع با مسیر خط شماره یک - خیابان امام خمینی - سه سابق - میدان حر - باغشاه سابق - خیابان آذربایجان را طی میکند و امتداد آن تا کن کشیدمخو ها شد.

مهندس ابراهیمی مدیر عامل شرکت مترو افزود: در تهران و حومه حفست مسیر مترو در نظر گرفته شده است که برای چهارخط آن احتیاج به بیش از یک هزار واگن است که مقداری از واگن های اولیه از خارج تهیه می شود و بقیه واگن ها و ریلها بطور کلی در ایران ساخته خواهد شد.

مدیر عامل سازمان مترو در مورد عملیات قبلی مترو در منطقه عباس آباد گفت: در حال حاضر ۲۷۰۰ متر مسیر مترو که ۲۳۰۰ متر آن تونل است در سه ایستگاه آماده است که از آنها همزمان با سایر نقاط آغاز میشود.

در مورد سرعت و گنجایش خطوط شماره یک و دو مترو مهندس ابراهیمی گفت: هر یک از این خطوط قادر خواهند بود در هر ساعت ۱۰۰ تا ۱۰۰ هزار مسافر را حمل کنند. سفران تجریش با استفاده از خط شماره یک میتواند در عرض ۳۵ دقیقه خود را به راه آهن برساند و فاصله زمانی حرکت قطار ها در هر ایستگاه ۳ دقیقه خواهد بود که این مدت زمان با پایان کار مترو به دو دقیقه خواهد رسید.

کار ساختمان خطوط شماره یک و ۲ مترو تهران بطور فعال از اول سال آینده آغاز خواهد شد و در چهارمین سال مورد بهره برداری قرار خواهد گرفت و این دو خط می توانند بطور متوسط در هر ساعت ۱۰ هزار مسافر را حمل و نقل کنند و مسافران پیش از سه دقیقه در ایستگاه ها منتظر خواهند ماند و مسافران تجریش نیز خواهند توانست ظرف ۲۵ دقیقه به میدان راه آهن برسند.

مهندس توسلی شهردار تهران در این زمینه گفت: در جلسه ای که روز پنجشنبه با حضور مهندس بازرگان عضو شورای انقلاب، مهندس سجایی وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه و کارشناسان شرکت مترو، سازمان برنامه و بودجه، وزارت راه و ترابری، راه آهن دولتی ایران و سازمان برنامه و بودجه تشکیل شد به بررسی نهایی طرح مترو پرداختیم و این کمیسیون تصویب کرد که خطوط شماره یک و دو مترو فعالیت خود را آغاز کند.

مهندس توسلی افزود: پس از توسعه شرکت مترو و ایجاد یک دفتر فنی و نظارت مسائل مترو و مطالعه خطوط دیگر مورد بررسی قرار خواهد گرفت برای ایجاد یک سیستم حمل و نقل متعادل شهری هم آهنگ با شبکه ارتباطی شهر تهران و مترو شبست با ادامه پروژه تصمیم گرفته خواهد شد.

مهندس ابراهیمی مدیر عامل شرکت مترو نیز در این زمینه اظهار داشت: پروژه تصویب شده مترو بدست مهندسان ایرانی و مشاوران کارشناسان فرانسوی و ژاپنی انجام خواهد شد و چهارمهندس خرد ساز ایرانی موافقت کرده اند که از خارج به ایران باز گردند و کار ساختمان مترو تهران را بعهده بگیرند و مهندسان و مفاطمه کاران ایرانی را در این زمینه آموزش دهند.

مدیر عامل شرکت مترو با تاکید بر اینکه تنها راه رهائی از مسئله ترافیک ایجاد مترو است گفت: در کشور های پیشرفته و در شهرهایی که بیش از یک میلیون

پیوست ۱۹: صورت جلسه کمیسیون فنی هیأت وزیران در مورد احداث مترو تهران



بسمه تعالی

صورت جلسه کمیسیون فنی هیئت وزیران

جلسات کمیسیون فنی هیئت وزیران در روزهای ۵ و ۱۲ آذر ماه ۱۳۵۹ در ساعت ۱۵ در محل نخست وزیری با حضور اعضای فنی هیئت وزیران و شهردار تهران و مسئولین شرکت طرق تشکیل و تسهیلات زیر گرفته شد :

در دستور جلسه :

رسیدن به نامه های شماره ۱۹۰۱۰ مورخ ۵۹/۸/۱۹ شهرداری تهران و شماره ۲۱۴۴۱ مورخ ۵۹/۸/۱۹ شرکت راه آهن شهری تهران و صومعه (شرو) راجع به اخذ مجوز ترانک طاقچه جهت ارجاع کارهای اجرایی قطعه ۲ از خط ۱ بطول ۲/۶ کیلومتر واقع در خیابان چارزاد به کنسرسیوم چهار شرکت پیمانکاری ایرانی که مدیران دولتی دارند مرکب از جنرال کانیکا - هدیتن - ملی ساختمان - نسا .

مذاکرات جلسه اول :

آقای مهندس کلانتری وزیر راه و ترابری مقدمتاً توضیح دادند که چون صدور اجازه شرکت طاقچه برای قطعه مورد نظر به معنای تسویب ادامه طرح توسط هیئت وزیران خواهد بود و از طرف دیگر چون سکولائی در زمینه ضرورت ضروری شهر تهران و درجه اولویت طرح در شرایط اقتصادی فعلی برای اعضای کمیسیون و حتی از همان صوبی مطرح میباشد لذا بهتر است کلیات طرح از نظر اقتصادی ، اجتماعی و فنی مورد بررسی قرار گیرد .

آقای مهندس کلانتری اضافه کردند که در ارزیابی بعد از انقلاب منظور تعدد مسئول جمعیت تهران لازمست سرمایه گذاری در شهر تهران بعد اقل ضروری تلقیل نماید و اهمیت سرمایه گذاریها در شهرهای کوچک و خصوصاً در جهت تأمین رفاه و نیازهای ضروری روستائیان انجام گیرد .



- ۲ -

تلاش دولت در برنامه ریزی پنجمی باشد که جمعیت تهران به حد سه میلیون نفر تقلیل یابد تا شاید باین صورت بتوان بدون ایجاد مشورت و آمد مردم را تأمین نمود . سپس مباحثاتی که در زمینه امکان عملی تقلیل جمعیت شهر تهران مطرح و موافقت و مخالفین دلائلی ابراز نمودند . سخنان آقای مهندس عباس پور وزیر نیرو - مشورت سرمایه گذاری در زمینه تأمین ضروریات زندگی در روستاها از قبیل درمان آب و برق را یادآوری نمودند .

آقای مهندس توسلی شهردار تهران مختصری درباره سوابق طرح قبل از انقلاب و اداه آن بعد از انقلاب مطرح و اظهار نمودند : پس از پیروزی انقلاب هیئت مدیره جدید مترو و مسئولین شهرداری تهران مطالعات مفصلی در زمینه مترو و قرارداد های موجود و ضرورت اداه و یا تکمیل آن در رابطه با راه حل دراز مدت ترافیک تهران انجام و نتایج آن در کمیسیون تخصصی شورای انقلاب مطرح و اداه طرح مشرو به شرح زیر به تصویب رسید :

۱ - اجرای خطوط ۱ و ۲ که کریدورهای اصلی و پررفت و آمد شهر را در بر میگیرد با تسهیلاتی اداه یابد .

۲ - در مورد سایر خطوط مطالعات بررسی ترافیک اداه یابد و مناسب ترین راه حل مورد نظر قرار گیرد .

در اینجا گزارش توجیهی مورخ مهرماه ۶۶ شرکت راه آهن شهری تهران و حومه ( مترو ) شامل مجموعه دلائل فنی و اجتماعی و اقتصادی مترو و اطلاعاتی راجع به مشخصات آن که تحت عنوان " ترافیک و متروی تهران " تهیه شده بود بین حاضرین توزیع کردید . یک نسخه از این گزارش بهیوست این صورتجلسه میباید .

آقای مهندس توسلی در اداه سخنان خود گفتند که شهرداری تهران اهتمام راسخ دارد که لازمت جلوی از یاد جمعیت شهر تهران گرفته شود و خود نیز حد اکثر تلاش را در این جهت انجام میدهد . وی تأویق که تهران محل تمرکز تمام نهاد های اقتصادی مملکت است نه تنها جمعیت تهران کم نخواهد شد بلکه روند غیر قابل تسبیل



- ۳ -

۱. زیاد جمعیت نیز به صورت فکری باقی خواهد ماند .

معملاً حتی اگر موفق شویم جمعیت تهران را تا حد مورد نظر تقلیل دهیم اولاً "بعلت توسعه بی‌رویه شهر و وقت تلف شده مردم برای رفت و آمد کم نخواهند شد ثانیاً همه متقاضین و صاحب نظران مسائل ترافیکی معتقدند که وقتی کپی‌ورهای مورد دارد که تعداد رفت و آمد در آنها از بیست تا سی هزار نفر در ساعت تجاوز می‌نماید ارائه خدمات قابل قبول با وسایل کم ظرفیتی نظیر اتوبوس و تاکسی مقدور نمی‌باشد و علاوه بر اتلاف وقت و نیروی انسانی و شرایط نامناسب محیط زیست سلامت مردم را نیز بطور جدی به خطر می‌اندازد .

حسین جدولی مقدم به گزارش شرکت م트로 مطرح کردید . در این جدول آماری و مشخصات بیش از ۲۵ شهر جهان که میزبانه م트로 است ذکر گردیده و از این تعداد نزدیک به ۱۷ شهر دارای جمعیت حدود یک میلیون نفرو یا کمتر می‌باشد .

آقای مهندس توسلی نتیجه گرفته که تجویزات و مطالعاتی که بعد از انطباق در محیط محکم وسایل نقلیه عمومی و انحراف شهرتند آن از یک طرف و سوله نقلیه شخصی بحمل آمده است نشان می‌دهد که ادامه این امر در دراز مدت در صورت ایجاد م트로 ضرر است و برای تهران نه تنها م트로 ضروری است بلکه در حال حاضر با تأخیر بسیار صورت می‌گیرد . علاوه بر این اجرای متری تهران تجربه نابغهش برای مهندسین و پیمانکاران و سازندگان ایرانی خواهد بود تا در آینده که شهرهای نظیر اصفهان و تبریز و مشهد نیاز به متری داشته باشند رأساً در طرح و اجرای آن اقدام نمایند .

چون به تشخیص اعضای کمیسیون اخذ تصمیم در این مورد مستلزم مطالعه و تعمق بیشتر و خصوصاً آشنائی بیشتر اعضای کمیسیون با مشخصات طرح بود لذا صورت اہم سئوالات در اختیار نماینده شرکت متری گذاشته شد تا در جلسه بعدی کمیسیون فکری پاسخ داده شود . ضمناً قرار شد آقایان وزراء مسکن و شهرسازی - پست و تلگراف



- ۴ -

سازمان برنامه و بودجه - نیرو - منابع و جانشین وزیر نفت در ساعت ۷ روز سه شنبه ۱۱ آذر از خطبات ساختمان طعمه اول خط شماره ۱ مشرق که بیش از هفتاد درصد خطبات اجرایی آن با تمام رسیده است بازدید نمایند .

این بازدید در حوض ظریفاً حضور آقای مهندس توسلی شهردار تهران انجام و ضمن تطمين فهم مأمین حلقه از کارگاه بازدید و سئوالات فنی مورد نظر توسط مهندس مین و مسئولین شرکت مشرو پاسخ داده شد .

مذاکرات جلسه ۱۲ آذر

در این جلسه ابتدا تطمينده شرکت مشرو توضیحاتی بشرح زیر در پاسخ سئوالات بطورمه جلسه قبل بیان نمود :

۱ - سیستم های حمل و نقل شهری متداول را بطورکلی به سه دسته میتوان تقسیم نمود :

الف - سیستم هایی که در سطح معابر حرکت میکنند مانند اتوبوس - تراسی - بسوس - ترامواي .

این وسائل دارای شرفی بین ۴ تا ۷ هزار نفر در ساعت و سرعت آنها بین ۶ تا ۱۵ کیلومتر در ساعت میباشد . بافت ناخالص شهر تهران خصوصاً در قسمتهای مرکز شهر ( خیابانهای کوتاه و کم عرض که ۸ تا ۱۵ متر سطح شهر را تشکیل میدهد در حالیکه این رقم در شهرهای بزرگ جهان بین ۲۰ تا ۴۰ متر است ) کارائی آنها بعد ازل تقلیل میدهد .

این سیستم به علت هزینه کم و اهمیت انعطاف رانج ترین سیستم حمل و نقل عمومی است که تکالیف استعجابات شهرهای کوچک و متوسط را مینماید . در شهرهای بزرگ نیز در محورهای که تراکم رفت و آمد آنها در حدود ذکر شده است بکار میرود .

هدت استهلاک این وسائل حدود ۱۰ سال است .





- ۵ -

## ب- سیستم حمل و نقل سریع هوایی - مونوریل

این سیستم که برای حمل و نقل در مسیرهای خاص حومه شهر و با معایر بسیار هم‌پایه و مستقیم بکار می‌رود موارد استعمال محدودی دارد. ظرفیت آن حدود ۲۰۰۰ نفر در ساعت و سرعت متوسط آن حدود ۳۰ کیلومتر است. نمونه معروف این سیستم خطی است بطول تقریباً ۱ کیلومتر که فرودگاه توکیو را به شهر متصل می‌نماید.

## ج - سیستم حمل و نقل سریع زیرزمینی - مترو

این سیستم که برای حمل و نقل مسافر در محورهای پرآزدحام شهرها بکار می‌رود متداول‌ترین نوع حمل و نقل سریع شهری در جهان است. ظرفیت حمل آن با تغییر تعداد واگن‌ها و فاصله زمانی بین دو قطار معمولاً بین ۳۰ تا ۵۰ هزار نفر در ساعت و در هر جهت و سرعت متوسط (تجارتی) آن ۳۵ کیلومتر در ساعت می‌باشد. به علت سرمایه‌گذاری قابل ملاحظه و زمان طولانی اجرای آن، فقط در محورهای اصلی شهرهای بزرگ ساخته می‌شود. مدت استهلاک برای قطارهای مترو ۳۰ سال و برای ایستگاهها و تونلها ۱۰۰ سال است.

بطوریکه از این بررسی برمی‌آید سیستم حمل و نقل سطحی با سیستم حمل و نقل سریع به‌وجود آمده قابل مقایسه نبوده و نمی‌توانند جایگزین یکدیگر شوند. بلکه همان‌طوریکه در اغلب شهرهای بزرگ متداول است مکمل یکدیگرند.

۲- میزان مسافت صرفی برای هر کیلومتر مترو زیرزمینی (با احتساب فاصله متوسط ۸۰۰ متر بین دو ایستگاه) بطور متوسط ۱۵۰۰۰ تن می‌باشد - ۳۷۰۰ تن آهن و ۳۰۰ تن ریل می‌باشد.



- ۶ -

۲- کارهای ساختمانی ۶۰٪ سرمایه گذاری را تشکیل می‌دهد و لوازم وارداتی بیسین ۱۵ تا ۲۵٪ این رقم می‌باشد.

۳- تعداد واکنشهای مورد نیاز خط اول حدود ۲۵۰ عدد است. براساس آنگاه ساخت آنها در ایران با وزارت صنایع و معادن و سازمان گسترش صنایع کامپانسی بعمل آمده است تا طی برنامه ریزی مناسبی نسبت به ساخت قسمت عده آنها در ایران اقدام بعمل آید. با انعقاد چنین سیاستی در نظر است تا حد امکان تجهیزات مورد نیاز طرح از صنایع داخلی تأمین شود.

در پایان توضیحات فوق آقای مهندس نعمت زاده وزیر صنایع می‌توان توافق بر سر ارائه گزارش اظهار داشت که باید ترتیبی داده شود که تا حد امکان از تیرری اساسی شخص ایرانی و محصولات و لوازم ساخته شده در ایران استفاده شود.

آقای مهندس توسلی شهردار تهران پاسخ داد که این موضوع در رأس برنامه های شرکت مشرو قرار دارد و در این مورد نحوه عمل اداره کل ساختمان راه آهن را در پیش خواهد گرفت که سالها پیش با انتقال و کسب دانش فنی لازم طوری مجهز گردید که اکنون کتبه احتیاجات خود را در زمینه طرح و اجرای خطوط آهن بر می‌آورد.

آقای مهندس غیر وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه سئوالاتی در زمینه مدت اجرای کار و نحوه برآورد اظلام شده در گزارش مشرو و لزوم برنامه زمان بندی دقیق و امکان استفاده از ماشین حفاری طرح نمود که به آن پاسخ داده شد و مشرو گردید بر برنامه زمان بندی اجرای طرح و اظهارات مورد نیاز سازه‌ها مختلف و همچنین جدول تهیهی معوض کارهای مشرو در جلساتی با کارشناسان سازمان برنامه مورد بررسی دقیق و تصویب قرار گیرد. سپس کفایت مذاکرات اظلام و برای اطلاع از نظر کمیسیون در مورد ارائه طرح مشرو رأی گیری بعمل آمد که با اکتسب تریب به اتفاق تصویب شد.



- ۲ -

آقای مهندس توسلی شهردار تهران در تأیید نظرات اعضای کمیسیون در زمینه لزوم روشن کردن اذهان عوام اظهار نمودند: متأسفانه تا بحال جنبه های مردمی طرح مترو چه برای پاره ای از مسئولین مطکئی و چه برای عامه مردم آنطور که بایست شناسانده نشده است و همین دلیل مخالفت هایی که در اینجا و آنجا صورت میگرفت خدمات زیادی به پیشرفت کار وارد نمود. بدیهی است با بررسی هایی که صورت گرفت و تصویب طرح اقدامات جامع و همه جانبه ای بکنند رسانه های گروهی بحمل خواهد آمد تا جنبه های مردمی طرح برای همگان روشن گردد. از مسئولین مطکئی نیز انتظار میرود تا با حمایت خود شهر تهران را در این امر مهم یاری دهند.

در پایان موضوع مجوز ترک مناقسه برای اجرای قطعه دوم از خط ۱ مترو مطرح گردید و قرار شد صورت خلاصه مذاکرات تهیه و مراتب توسط کمیسیون فنی در هیئت دولت مطرح و پس از تأیید مجوز ترک مناقسه با نظر موافق جهت تصویب نهائی شورای عالی اقتصاد ارسال شود.

پیوست ۲۰: نامهٔ ابوالحسن بنی صدر (رئیس‌جمهور و رئیس شورای انقلاب) به دکتر مصطفی چمران (وزیر دفاع ملی) در خصوص همکاری با شهرداری تهران برای حل مشکل ترافیک



پیوست ۲۱: مصاحبه مطبوعاتی شهردار تهران در مورد تحریکات مدیران بنگاه‌های مسافری و هشدار به آنان



شهردار تهران:

به شدت از تحریکات مدیران سابق بنگاه‌های مسافری جلوگیری خواهد شد

روز شنبه آخرین شرکت تعاونی مسافری تشکیل میشود باید بین ساعت کار و ترافیک تهران هماهنگی باشد

خواهد شد. آقای مهندس نوسلی شهردار تهران صبح گذشته که در اتوبان قانون تشکیل شرکت‌های تعاونی ۱۶ شرکت هیئت مدیره خود را انتخاب کرده و در روز گذشته با آخرین شرکت‌ها جلسه عمومی خود را تشکیل خواهد داد اما آخرین هیئت مدیره خود را انتخاب و معرفی نماند.

در این رابطه تاکنون استنادها چند شرکت تعاونی مسافری به نام است رسیده و شرکت‌های قانونی آنها پایان یافته در نتیجه هر یک از اسامه و عسکرتیپان فرماندهان شهرداری تهران هستند که نتوانند در ترمینال بزرگ تهران بهره بگیرند.

شهردار تهران گفت بعضی شرکت‌های تعاونی تشکیل شده که شرکت‌های تعاونی سهام‌دار و فرماندهان شهرداری ما آنها را میانه خود فرقه‌ای از حصار چه آنها پاکار خواهد شد تا خود بهره گیری و بهره برداری قرار گیرد.

شهردار تهران با اشاره به تحریکات سازمانگسترده مسافران مسافری گفت اخیراً گروهی از آنها که متعلق خود را در خطر میدانند شده‌اند به تحریک و توطئه پرداختند که با حکومت و آژانس‌ها و کمک‌رسانه‌ها و شرکت‌های مسافری روبرو شده که تا چهار به سکونت شده‌اند.

راندگان، کمک‌رسانه‌ها و کلیه دست‌اندرکاران حمل و نقل که حقوق و مزایای خود را در تشکیل شرکت‌های تعاونی مسافری می‌بایدند مستحق هستند و به صاحبان کارخانه و صنایع مسافری و مسافری و مسافری که در قانون تشکیل شرکت‌های تعاونی مسافری ادامه دهنده نه فقط سروکارشان با همکارانشان خواهد بود که برنده اختلال آنها به دادگستری اختلال استعدیه

مخصوصاً که اگر توجه کنید این ساعات کار دقیقاً با ساعات شروع کار مدارس توأم است که در نتیجه صدها هزار شاگرد مدرسه همراه هزاران کارمند و کارگر در ساعات محسوس از روز داخل خیابانها سرزبان خواهند شد و مشکلات و مضامین زیادی را طرح خواهند کرد.

شهردار تهران در همین رابطه تاکید کرده که مسأله کلیه سازمانهای دولتی در حقیقت گردیده تا مدارای از محل ساختمان، تعداد کارمندان، تعداد مراجعین خود و بعضی از مسائل دیگر را اعلام نمایند تا در شورای عالی ترافیک تهران طرح و برای سانسات شروع و راه‌اندازی کنند.

مهندس نوسلی شهردار تهران در پایان گفت این پیشنهاد مورد قبول آقای رحمتی نخست‌وزیر قرار گرفته و قرار است در اولین جلسه هیئت وزیران مطرح شود.

شهردار تهران سپس با اشاره به تشکیل شرکت‌های تعاونی مسافری گفت: اختلالی سابق شرکت‌های مسافری اگر می‌خواهند به تحریک خود علیه انقلاب و قانون تشکیل شرکت‌های تعاونی مسافری ادامه دهند نه فقط سروکارشان با همکارانشان خواهد بود که برنده اختلال آنها به دادگستری اختلال استعدیه

بشهر تهران در بیگ گشتگوی اختصاصی با مدیران گفت:

چون نظیر ساعت کار کارمندان به شکلی که اعلام شده در ساعات رفت و آمدهای شهری مشکلات فراوانی را ایجاد خواهد کرد در ملاقاتی که با آقای رحمتی نخست‌وزیر داشتیم پیشنهاد کرده‌ام که ساعات کار سازمان‌های دولتی را بین ۷ تا ۵ صبح و ۵ تا ۱۲ ظهر و همین‌طور تا بعد از ظهر تعیین کنند. تا آنکه از بازسگین ترافیک گذشته مسافران سازمان‌های دولتی نیز راحتتر و آسانتر بتوانند مسیر محل کار و مسکن را طی کنند.

آقای مهندس نوسلی شهردار تهران اضافه کرد اصولاً وقتی که ترافیک نظم و ترتیب نداشته باشد و نتواند به نقل و انتقال سریع کارمندان سازمان‌های دولتی بپردازد طبیعتاً است که در سازمان‌ها شروع کنند، حساب‌ها و آزمایش‌هایی را برای آنها بوجود خواهد آورد که در بدین کار و نحوه برخوردشان با آرباب رجوع تأثیر مثبتی باشد. مثلاً خواهد گذاشت به همین ابعاد لازم است که بین ساعات کار کارمندان و ساعات ترافیک حمل و نقل مسافران شهری نوعی هماهنگی مسکونی و همکاری وجود داشته باشد.

شهردار تهران اضافه کرد این اختلالی است که از سوی همکاران مدعی و مومن و انقلابی آنها شده است ولی در مقابل تحریک و توطئه این سازمان ضد انقلابی شهرداری نیز وظایفی دارد که بخواهد انجام خواهد داد.

پیوست ۲۲: نامه صادق خلخالی به مهندس توسلی در مورد انتقال شرکتهای مسافری به ترمینال

**یادداشت**

تاریخ ..... ماه ..... ۱۳۵۰ شماره .....

بیمه تراش

فنا به ترمینال شهر را ترمیم تهران

به نام ..... در ادامه در تهران از طرف صنایع مسافری تهران

را هم به انتقال به ترمینال و نحوه تعیین ترمینال به محوطه کوه به

در ۲۹ مرداد این نام برد اعتراض دارد اما در این با ترمیم

به سر این ترمینال و به ترمیم به حقوق صنایع ترمینال است و در ادامه

به حقوق مسلم به ترمینال این ترمیم به تقدیم اعتراض

مهندس خلخالی

۱۳۵۸/۵/۱۴

پیوست ۲۳: نامهٔ تعدادی از اعضای اتحادیه صنف مسافری تهران به وزیر کشور در اعتراض به انتقال شرکت‌های مسافری به ترمینال جنوب



پیوست ۲۴: نامهٔ اتحادیه صنف مسافری تهران به شهردار تهران در خصوص واگذاری ترمینال جنوب  
به آن اتحادیه

اتحادیه صنف مسافری  
تهران

تاریخ: ۵۸/۵/۲۳  
شماره: ۱۷۸/۳۰/۴  
پیوست:

جناب آقای مهندس توسلی شهردار محترم تهران

احتراماً به عرض می‌رساند شماره ۳۰/۴۰ - ۱۷۰/۳۰ - ۵۸/۵/۲۳ مبنی بر واگذاری ترمینال ساخته شده فعلی موسسات مسافری وابسته باین اتحادیه به پد الکترات حفیظی استعلام دارد مقرر فرمایند تصمیمات شغله را جمع به پیشنهاده مد نظر راسریماعاً باین اتحادیه اعلام و در مورد تهیه و واگذاری و در قطعه زمین دیگر مشرق و غرب تهران برای تأسیس ترمینالهای دیگر از طرف آن شهرداری که فراهم است بهتف مسافری داده شود تقاضا دارد قبل از تفصیل شدن فعل ساختمان و فرا رسیدن زمستان زمین را عبور بحث واد اختیار این اتحادیه قرار دهند در غایت اخذ امتیاز چنانچه شهرداری تهران برای واگذاری ترمینال فعلی موسسات مسافری که سابقاً است در این کار تجربه دارند - پیشنهاده مساهد و قابل قبول دیگری داشته باشد . این اتحادیه حاضرینذاکره و انعقاد کسرا و داد مجلسی الطرفین مامسبورداری تهران میباشد عناناً آقای مامداد فرخ قاضی بازرسشده و سایر حفیظی این اتحادیه به برای هرگونه مذاکره با آن شهرداری معرفی میشود .

باتقدیم احترام

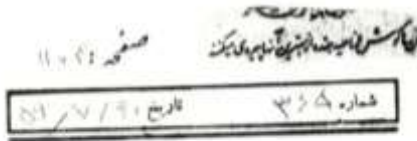
اتحادیه صنف مسافری تهران

رونوشت: جناب آقای مهندس مجلسی ریاست محترم اداره ترافیک تهران جهت استعلام و اعلام  
مجلسی تقدیم میگردد .  
ژرژال اتحادیه صنف مسافری تهران

شماره و زمان شورای شهر: شماره ۱۸۱ کتبی ۵۴۹۳۷۳



پیوست ۲۵: عریضهٔ اعضای صنف مسافری تهران به امام خمینی در اعتراض به اقدام شهردار تهران برای انتقال شرکت‌های مسافری به ترمینال جنوب



بسمه تعالی  
 کرامت سرگشته  
**اعضای صنف مسافری تهران به امام امت**  
 حضور محترم حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی رهبر  
 عالم‌مقدور و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران

با کمال احترام عرض می‌نمایم بدین است آفسبای  
 میهن‌دین بوسلی شهردار تهران بدون مطالعه و توجه  
 اهتت امور مسافرت در سطح کشور و عدم توجه به سبب-  
 سامانی شدیدی که در اینجورده گریبانگیر بوده نظم  
 مسافری که از طبقات محروم و مستضعف جامعه هستند  
 نده و همچنین بدون توجه به حقوق جده بی‌حاشانه  
 صنفی مسافریها که مشتمل بر ۵۲ نوسه در تهران و  
 سدها می‌باشد در شهرسانها سبانه و غریبانه  
 مغلی به چندین نفر و صغار و عائله ترکای منوی بوده  
 و محل ارتقای ۴ هزار نفر کارگر و کارمند و غیره می‌باشد  
 آمان است و با نظم و انضباط صحیح امور بواسطی و  
 مسافرتی کشور را انجام می‌دهند عده‌ای از اسیوبی-  
 های مسافری راه ترمینال دورافتاده جابان بعنت  
 و بده را به نمایانهای اطراف میدان آزادی که فاسد  
 هرگونه وسایل رفاهی و آب و برق و غیره می‌باشد انتقال  
 داده و برخلاف اصل ۴۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی  
 که گاز و کس را برای افراد ملت آزادکننده ارگاره  
 کس محروم ننوده و عملاً دهها هزار نفر کارگر، کارمند  
 و غیره را برگردان نموده است. فریب سن ماه است  
 که اینجانبان صاحبان موسسات مسافری برای استعاضای  
 حقوق جده و عرضی خود بوسله نایبها و نظارات بغداد  
 و درجه نایب سرگشته در روزنامه شماره ۱۶۴۳ - ۱۹  
 جمهوریخواه اطلاعات به نام مقامات و ارگان‌های  
 سلطنتی مینویسد ندایم که مناسفانه تاکنون هیچکس از  
 مقامات مزبور کوچکترین توجهی به عرضی ما نفرموده‌اند  
 لذا ما وجودیکه در این بوفیت نمی‌بایستی مراجع اوقات  
 صرف آن رسم عالمگیر بنویس ولی چون معاین دهها  
 هزار نفر بخطر افتاده‌اند انتظار این رهبر عالم‌مقدور  
 بوسل حسنه و احتراماً استدعا می‌کنیم با عنایت به اینکه  
 این جانبان همگی سلطان و درگاه انظار شکوهند  
 اسلامی شرکت دانستیم اوامر عالی در جلو کسری از  
 بیگاری و سرگردانی و از بین رفتن عائله ماها و بسک  
 عمرگاره و کوشش فرموده بایده در تحت نظر نمایندگان  
 امام بموضوع رسیدگی و احقاق حق فرموده و عدالت  
 عدل اسلامی را درباره اینجانبان اجراء فرمایند.

اعضای صنف مسافری تهران

پیوست ۲۶: نامهٔ اعضای اتحادیه صنف مسافری تهران به شهردار در خصوص واگذاری مدیریت ترمینال جنوب به اتحادیه مزبور

اتحادیه صنف مسافری  
تهران

بسمه تعالی

جناب آقایان هیئت دولتی شهردار محترم و هیئت مدیران شهرداری تهران

مستزاداً به عرض می‌آید که مسوول نمایندگی تهران با احتساب اینکه شهردار، تهران با گرفتاریها، زیاد، که برای رفاه و تأمین و سایر آسایش آنانی تهران دارند مسلماً با رعایت که با آن بر مسوولیت های روز افزون شهرداری افسه بود از این رو به نحوی که در مذاکرات حضوری که مورد قبول هیئت احتساب قرار گرفت نمایندگان منتخب متحد مسافری تهران حاضرند در کسالت مالموع و مورد تامل آن شهردار، ترمینال محلی را که موجود است از آن بهر آن مسافری خواهد بود اداره نمایند بدین ترتیب که آنرا از امور ترمینال به نمایندگان متحد مسافری تهران از طرف آن شهردار، به امور اداره و اقدار شود و

۱- متحد مسافری با ترمینال جدیدی ساخته بر آن اداره این عهد امور ترمینال واگذار از آن شهردار را داشته باشند مگر در اختیار مسافری از آن جهت جنوب گنبد که ترمینال فعلی کسالت حدودی گنبد چون آنها را دارد بگذارد.

۲- تهران تا این هزینه های ساختار ترمینال که از طرف شهرداری پرداخت شده از هر جهت مسافری که ۱۰۰۰ نفر مترا از تهران ساخته آن متعلق به ۱۰۰۰ تومان و برای اجیر شدن که متعلق آنها بعد از ۱۰۰۰ نفر مترا متعلق به ۳۰۰۰ تومان بود شهرداری با تهیه بونی که از طرف آن شهرداری در اختیار این سند داشته می‌بود و عند المنزوم سند آنرا شرف تراشید مگر شهرداری - در یافتن حساب شهرداری را بریز گرداند. بدین است نشانده این پیشنهاد بود چون تا این حد هر شرفی که رعایت برده و سفلی شهرداری و این سند در آن شده باید مورد بررسی و عندالاستفا قبول خواهد شد.

۳- تا اینجه بجهت آنرا در ترمینال حاضرین است و از آن رو در سلطهٔ کلیه هزینه های - نامحدود بود از آن جهت که باید از آن طرف سند محاسب و صادره خواهد شد و بهای آن - هر چه در آن برهید، متحد مسافری، و اعتماد.

۴- این تدابیر چون کار و معنی از طرف این شهرداری و خدمات آنرا ترمینال کسالت متعلق به شهرداری می‌باشد بجهت شهرداری و خدمات که به شهرداری از مأمورین بود اقتضای این خدمات مزبور محاسب و به نمایندگان این عهد محترم خواهد شد و مزایای مأمورین خود از درآمد

سازمان وصال شرفی شماره ۹۸ - طبق ۴۴۴۳۳

پیوست ۲۷: پاسخ شهردار تهران به درخواست اتحادیه صنف مسافری تهران

شهراری پست

۲-۱-۲۷

بسمه تنالی

هیات مدیره شرکت ملی مسافربری ایران

بسمه مکانیات فیلی شهرماری تهران با آن شرکت و اتحادیه صنف کاروان‌سای مسافربری تهران و جلسات مگوری که در جهت تعیین تکلیف نفسی ساختمان ترمینال در اسرع وقت نسبت به اصلاح و ارسال پیشنهاد میثالی کاروان‌سازان و شرکت ملی مسافربری ایران به شهرداری اقدام گردد و تا این تاریخ پیشنهاد مذکور به دفتر اینجانب واصل نگردیده و مدت زیادی است که کارشناسان منصب نظر کارشناس خود را اعلام دانسته اند لذا با اصلاح میسر شده چنانچه طرف مدت ۱۰ روز پیشنهاد آن شرکت در مورد خرید و ترمیم برآمده از ترمینال واصل ننمود شهرداری تهران ناگزیر به اتخاذ تصمیم مقتضی و اجرایی آن بوده و بیسواسن از آن هیچگونه ادعا و یا پیشنهادی از طرف آن شرکت مورد قبول قرار نخواهد گرفت.

محمد توکل  
شهردار تهران

۲۵۸۱۱  
۱۳۵۹ ۱۱ ۲۷

روپوشت جهت اطلاع و بنگری به واحد معاونت ترمینال و برنامه ریزی اطلاع بفرماید.

فهرست  
تاریخ: ۱۳۵۹/۱۱/۲۷

شماره پرونده: ۲۸  
تاریخ: ۱۳۵۹/۱۱/۲۷  
۸۸۷۳

۱۳۵۹/۱۱/۲۷

پیوست ۲۸: نامهٔ رئیس‌جمهور به شهرداری تهران در مورد ابلاغ لایحهٔ قانونی احداث ترمینال‌های مسافربری و ممنوعیت تردد خودروهای مسافربری بین شهری در داخل شهر



شهرداری تهران

لایحه قانونی احداث ترمینال‌های مسافربری ممنوعیت تردد خودروهای  
مسافربری بین شهری در داخل شهر تهران که در جلسه مورخ ۲۹/۹/۵۹ به تصویب  
شورای ایالات جمهوری اسلامی ایران رسیده است به پیوست ابلاغ می‌گردد.

سیدناوالحسن بی‌بی  
رئیس‌جمهور و رئیس شورای ایالات جمهوری اسلامی ایران

شماره ۳۲۶۴  
تاریخ ۱۳۵۹

بر ترمینال  
شهر تهران  
جمهوری اسلامی ایران

شماره .....  
تاریخ .....  
پست .....  
۲۹۳

لازمه‌های احداث ترمینالهای مسافری و مسوومیت تردد اتوبوسهای مسافری

مس شهری در داخل شهر تهران

**ماده اول-** شهرداری تهران موظف است علاوه بر بهره برداری از ترمینال موجود به شرح مستندات ترمینالهای جدید مناسب با نیاز شهر در شرق و غرب و شمال تهران اقدام نماید. سازمان برنامه و بودجه با توجه به امکانات دولت تکلیف تمامین اعتبار لازم جهت احداث ترمینالهای جدید خواهد بود.

**ماده دوم-** شهرداری تهران برعهده های ترمینالهای شهر را به شرکتهای مسافربری که طبق شرایط خاص تشکیل میشود در مقابل اخذ اجازه بنای مناسب بصورت نامتعین واگذار میشود. شرایط تشکیل این شرکتها بر طبق آئین نامه ای خواهد بود که توسط شهرداری تهران براساس فواید منسوب وزارت راه و ترابری و همکاری آن وزارت تهیه و تصویب شورای شهر و در غیاب شورای شهر به تصویب وزارت کشور خواهد رسید. شرکتهای ناموقی متشکل از دارندگان اتوبوسها و کارکنان شرکتهای مسافربری موجود اولویت خواهد داشت.

**بمصرفه -** شرایط واگذاری برعهده های طبق آئین نامه ای خواهد بود که توسط شهرداری تهران تهیه و تصویب شورای شهر یا در غیاب شورای شهر تصویب وزارت کشور خواهد رسید. این واگذاری مشمول مقررات ذابین روابط مؤجر و مستأجر نموده و حلسوق استبدادی و کسب و پیشه برای متصرفین یا متصدیان آنها ایجاد نخواهد گسسمون و هر موقع که شهرداری لازم بداند میتواند محل را با توجه بشرايط واگذاری نامابندگی و با احتیاط قبلی لافیل بکشاده تصرف کند.

**ماده سوم-** مالکیت و مدیریت تاسیسات ترمینالها و مسولیت خدمات با شهرداری تهران میباشد. شهرداری تهران موظف به نظارت بر برنامه ریزی مسافربری و کیفیت عرضه خدمات شرکتهای خواهد بود.

**بمصرفه -** حدود وظایف و اختیارات و نظارت شهرداری تهران و خدمات شرکتهای بر طبق آئین نامه جداگانه ای خواهد بود که براساس ماده دوم و تبصره ذیل آن مشخص خواهد شد.

**ماده چهارم-** شروع کار ترمینال و مسوومیت تردد اتوبوسهای مسافربری بین شهری همزمان انجام خواهد شد. زمان و محدوده مسوومیت تردد اتوبوسهای مسافربری حداقل یکماه قبل از شروع توسط شهرداری تهران اعلام می شود.

۲۹۳



ماده پنجم- سایر شهرداریهای شهرهای بزرگ کشور که جدیدت آنها بیش از یکصد هزار نفر باشند موظفند نسبت به ایجاد زمینال مسافر بری بین شهری در محلهای مناسب مراسمی معاد این قانون با توجه با امکانات اقدام نمایند .  
 ماده ششم- کلیه مقررات و قوانین و آئین نامه های موجود که متعارض با مفاد این قانون باشد از درجه اعتبار ساقط است .

سید ابوالحسن بنی صدر <sup>المراد</sup>  
 رئیس جمهور و رئیس شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران <sup>کلمه</sup>

پیوست ۲۹: اخطار صادق خلخالی به بنگاه‌های مسافری

# انقلاب اسلامی

پایگاه اطلاع‌رسانی و تبلیغی  
 دفتر مطبوعاتی و انتشارات  
 تهران، میدان کوشک، پلاک ۱۲۰، طبقه اول

صفحه ۱۲۰

شماره ۲۹۰ تاریخ ۸/۴/۵۹

## ۷ اخطار حجت الاسلام خلخالی به بنگاه‌های مسافری

تهران - خبرگزاری فارس -  
 حجت‌الاسلام خلخالی سرد-  
 پرست دادگاه‌های مبارزه با  
 مواد مخدر در مورد بستن  
 شدن پارک‌های از بنگاه‌های  
 مسافری در یک تماس تلفنی  
 با خبرنگار خبرگزاری فارس  
 اظهار داشت: به بنگاه‌های  
 مسافری سه‌هفته‌ای، اکتوبر  
 ایران، پیمان و انوسز گریان از  
 مرکز تهران اخطار می‌شود  
 اگر این بنگاه‌ها نخواهند  
 ایجاد اعتناتی و بلوا کنند  
 و هرواقع فروشها را به‌سویان  
 مسافر به نظایرات و ادارات  
 مدیران مسئول بوجه‌ها  
 مأمورین دستگیر و بنگاه و  
 مناطق نظایرت آنها به‌منسج  
 معاندین صادره خواهد شد.  
 نوبت‌های فرج‌آباد حراجه برای  
 پذیرائی مسافری و انوسوها  
 آماده است. حجت‌الاسلام  
 خلخالی در پایان اعلام  
 داشت که خود شخصا بوضع  
 بنگاه‌های مسافری مرتشی  
 خواهد نمود.

پیوست ۳۰: مصاحبه مطبوعاتی شهردار تهران در پاسخ

به اظهارات شیخ صادق خلخالی

# کیمیا

صفحه ۱

شماره: ۱۱۰۳۱ تاریخ: ۸/۶/۵۹

## شهردار تهران: مسئله مبارزه با مواد مخدر از انتقال شرکتهای مسافری جداست

مبصران، لسدا از آلمانی  
حجت الاسلام خداحالی خواسته  
شده است که این مهتر با مسئله  
مبارزه با مواد مخدر مخلوط  
نکند و زیوا مسائل بر این  
امر مطرح شده و میشود که  
اگر بطور بنیادی عمل نشود،  
شرکتهای مسافری در بنیاد  
میکردند و در جهت دیگر موضوعات  
تأرضی شهر و نفع کلیه شهر  
ها از نظر مسافرت های بین  
شهری فراهم میگردد و ابتکار  
اصولا با جو و فضای موجود  
به هیچوجه به صلاح انقلاب  
ایران نیست. شهردار تهران  
گفت موکدا از آقای حجت الاسلام  
خداحالی خواسته شده که بر این  
مدیریت شهر تهران که ارتباط  
سقیم با زندگی حدود ۹  
میلیون نفر شهری دارد مداخله  
نمایند و ایشان نیز این امر را  
پذیرفته اند.

مهندس توسلی شهردار تهران  
در رابطه با بازدید حجت الاسلام  
خداحالی از شرکتهای مسافری  
و انتقال این شرکتها به ترمینال  
تهران، اعلام کرد که  
انتقال ریاست جمهوری و  
همچنین تعالی که به آقای  
خداحالی در این زمینه صورت  
شده است، فراموشی که مسئله  
مبارزه با مواد مخدر را با انتقال  
شرکتهای مسافری و همچنین  
مکانتهای تهران مخلوط کنند  
شهردار تهران در استودر  
طی یک تماس تلفنی به خبرنگار  
کیمیا گفت مسئله مبارزه با  
مواد مخدر کار است اساسی و  
بسیار است سروری، اما باید  
با است کمقدمات انتقال  
های مسافری به ترمینال  
تهران با جدیت دنبال شده و  
چون این کار تا پایان زمستان  
مطور بنیادی و اساسی پایان






پیوست ۳۲: نامه شهردار تهران به شورای انقلاب در مورد مشکلات مدیریت شهر و لزوم هماهنگی میان

### دستگاه‌های ذی‌ربط

تاریخ ۱۳۵۸ / ۱۱ / ۲۸  
شماره ۲۵۸۹۸  
پیوست

  
شهرداری پایتخت

بسمه تعالی

شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران

احتمالاً دارید که مدیریت امور شهری با وسعت و ویژگیهای تهران که تعداد ساکنین آن از جمعیت بسیاری از کشورهای جهان بیشتر است امری بسیار دقیق و خطیر میباشد و ارتباط عمیق و همه جانبه مسائل کالبدی و اجتماعی و امور اقتصادی و فرهنگی و رشد هماهنگ و متناسب آنها، چه از نظر حراهای و چه از نظر حقوقی و کیفیت و با کمیت آنها و همچنین از نظر نیاز به خدمات شهری و رفاهت عمومی باید مورد توجه خاص باشد و اینک میخواهم هشدار بدهم که پیچیدگی مسائل تهران بس از حد انتظار مبروح و خطر آفرین است.

سهران، نه در جریان یک رشد طبیعی و منطقی بلکه بعلت تریابط خاص رژیم گذشته بهمینار گونه مورد گردیده است زیرا در سال ۱۳۱۸ جمعیت سهران بر اساس آمار گیری دهم اسفند همانسال حدود ۵۲۰۰۸۷ نفر بوده است اگر رشد طبیعی ۳٫۲ درصد در سال را قبول کنیم (حد اکثر رشد قابل قبول و بدروس معاد منطقی مهاجر) میانست جمعیت سهران در سال ۱۳۲۸ به رقم ۷۴۰۴۹ نفر و در سال ۱۳۲۸ به حدود ۱۰۱۲۴۶ و در سال ۱۳۲۸ به ۴۸۵ و در سال ۱۳۵۸ جمعیت سهران ۱٫۹۰۳۲۲ نفر بالغ میگرددید و در حالیکه بر شطری سال ۱۳۵۵ جمعیت را ۴۴۹۶۱۵۹ نفر نشان داد.

جمعیت آمار سال ۵۸ سهران کمی بیش از پنج میلیون نفر و جمعیت کنوسی شهر را حدود شش میلیون نفر محسب میزنند.

در اینجا دو مسئله بسیار اساسی و مرتبط بهم مطرح میگردد.

اول - تهران بدس سررگی را چگونه اداره کنم و از عواقب اجتماعی و فرهنگی نا مطلوب در امان بمانم.

دوم - رشد مول آسای تهران را چگونه متوقف سازیم زیرا خطرات جنین رشدی هم برای تهران و هم برای مملکت از دید معانت صاحبمطران پوشیده نیست.

در حالیکه حل جمعیت از چهار گونه مملکت سوسی سهران سرازیر است و در بیهوده گذردن راه حل عملی و منطقی برای صحت و کنآورری کشور حدان موفق نبوده ایم. بسیار سنا شده اندساره خواهد بود اگر کمان برسم که نا سالهای سال بتوانیم از افزایش جمعیت این شهر جلوتری کنیم و با گمان برسم بوده های چند میلیوسی را بتوانیم به مبداء خود بازگردانیم و حداقل موقع ایست که نا اقدامات بسجیده و تحسلی های ساده اندیشانه و خوشبینانه گسار

تاریخ ۲۵۳

شماره

پیوست



شورای عالی تعلیم و تربیت

- ۶ -

مکتبیم که بیست‌ها و سی تنگلی‌ها در حجتی تشدید گردد که امکان اصلاحی باقی نماند .  
اولس شرطی که باید پذیرفته شود وحدت فکر و هماهنگی اقدامات در تصمیم‌گیری‌ها  
و کارهای مربوطه می‌باشد و سپرداری تهران بتدریج بیست‌ها های اساسی در این مهم برای تصویب شورای  
انقلاب و دولت مقدم خواهد کرد و تا سهم و تصویب آنها سپرداری کونا بوده و خواهد بود که  
حس العدوی از بیست‌ها و سبب و هرج و مرج بیشتر جلوگیری کند .

برکنس بیست‌ها و تنگلی پس از انقلاب تجاوزات افراد فرصت طلب و سودجویی بود که  
آنچه بازار این دوران را تسبیح سردند و با نادیده گرفتن تمام اصول و مقررات اعمال خلاف رویه  
و مضر به حال جامعه متعول گردیدند و تا تجاوز به رسم‌های موات و ایجاد ساختمانهای نا بجا  
امکان مدیریت شهر را ناممکن ساخته‌اند و بسیاری از بنیادها و مؤسسات انقلابی هم بجهت غیر  
با آگاهانه در این مسیر قدم بر میدارند .

سپرداری تهران طی شماره ۱۸۶۸۸ مورخ ۱۳۵۸/۸/۲۰ که کمی آن پیوست است  
براساس موضوع تاسیس سازمان شورای انقلاب رساند و در بین آن جلسه‌ای با حضور افراد مسئول در تاریخ  
۱۳۵۸/۹/۱۱ در وزارت کشور تشکیل گردید و تصمیمات منتهی تا اعضای حاضرین رسید که یک نسخه  
آن پیوست مقدم میگردد تا صدور فرمان امام در مورد ضرورت جلوگیری از تجاوزات به زمینهای  
شهری و موسسات شماره ۱۸۲ / مورخ ۱۳۵۸/۹/۲۴ شورای انقلاب اسلامی ایران انتظار مبرکت  
با فاطمیت جلوی اینکه اعمال پیرویه گرفته شود اما تاثر این اقدامات بسیار محدود بود  
و دستگاههای انتظامی و کتیمه‌ها نتوانستند افراد سود جو را بجای خود بشناسند و بنیاد های  
اسلامی با حمل‌های حسی و عدم توجه کافی بنیام ایجاد مسئله و تنگلی ، بروز گذشته حدود  
ادایه دادند و موجبات بحری دیگران و متروعبت اقدامات آنان را فراهم آوردند و کوتاهی‌های  
روسنگرامه سپرداری و مذاکره‌ایکه در جلساتی متعدد بعمل آمد به نتیجه مطلوبی نرسیده زیرا :

- ۱- بنیاد های انقلاب ، چون بنیاد سکن انقلاب اسلامی و با بعضی از گروهها چون دفترخانه  
سازی برای مستمعین ، راه حل تنگلی سکن را تفکک و توزیع زمینهای موات شهر تهران  
دانسته‌اند و با وجود اینکه طبق صورجلسه مورخ ۱۳۵۸/۹/۱۱ قرار بود واگذاری این  
زمین‌ها با توجه به طرح مفصلی شهر و اخذ مجوز از سپرداری تهران انجام پذیرند .  
امر قرار اجرا نشد و در نتیجه تا معات زیادی بار آمد .



شهرسازی پایتخت

۲۵۳

تاریخ

شماره

وشت

- ۳ -

۲- اگر سبب جمعیت نسبی تهران روان باشد، هر اقدامی در راه رفع مشکل مسکن در شهر تهران به این سبب سبب بسیاری سدها و مشکل را نه تنها در بعد کمی مسکن بلکه در تمام ابعاد دیگر، اثرات سوء خواهد داد گروهی گمان میبرند که چون نمیدانند مسکن را تنها برای آنانکس به حساب آورند یا دهسال است در تهران ساکن هستند بعمل آورده اند مشکلی بوجود نخواهد آمد. ناچار از آنکه مشکل کسی قطعی اعم از آلوتک، تک اطاق و یا واحد اجاره ای توسط خانواده جدیدی جایگزین میشود و در فرصت ساختمان خانه برای دهساله ها تازه واردین دهساله شده اند.

۳- مشکل مسکن نمیتواند مستقل از خدمات آن یعنی آب، برق، فاضلاب و دیگر مسائل شهری و ملاحظه اشغال معین، حل شود در نتیجه تمامی این افراد زمین یافته برای گرفتن سند پروانه ساختمان به شهرداری و برای اخذ وام و آب و برق و امتثال آنها به سایر سازمان ها مراجعه میکنند و چون انجام درخواست آنان امکان پذیر نمیشد ناراضی شده چنین تصور میکنند که گمانیکه بدون هیچ مسئولیت و اجتناباری زمین بویع میکنند. سازمانها و پیمانکاران اخلاقی حسد و بغیبه سازمانهای مسئول عمر اخلاقی میکنند و بتدریج همسنگاری مردم با این سازمانها کاهش یافته و بدینینها فروسی میکنند و مانع از این خواهند شد که در جهت خدمت مردم سوق نداد و باز سازی کرد. بنابراین ضمن درخواست تحفظ توجه مخصوص بررسی فراهم گردد تا.

الف- سرمایه گذاری های ثابت مخصوص در امر مسکن بیشتر متوجه شهرهای متوسط و کوچک روستاها باشد و بنیاد های انقلاب که در این راه کوشش میکنند اهم امکانات و نواحی را در آن نقاط متمرکز سازند و راه مسکن هم محصورا در آن نقاط متمرکز و قابل اعطاء باشد.

ب- تصمیم گیری در امور مربوطه زمین با رعایت بنیوان، شورای انقلاب منظور انحصاری در احسان سازمان عمران اراضی شهری و شهرداری تهران قرار گیرد و واگذاری زمین از طریق دیگر موسسات و سازمان ها و بنیاد ها ممنوع شود.



۲۵۳

تاریخ  
شماره  
پیوست

- ۲ -

ج - سازمانها و مؤسسات دولتی و وابسته که بدون جهت در تهران مستقر هستند به سبب غلط‌گسور و محلهاشبهه کارشان مربوط میشود منتقل شوند . بدین ترتیب مدیران و نیروهای فعال جامعه در سطح مملکت ترویج میشوند و اعتبارات مربوطه آسانها و سرمایه گذار بهسای ثابت مسواند هزینه شود و با ایجاد کار در سطح روستاها و سایر شهرها و بالا رفتن سطح خدمات عمومی از مهاجرت بیسر بسوی شهرهای بزرگ بخصوص شهر تهران جلوگیری بعمل میآید .

پسندیده و  
شهردار تهران  
محمد توسلی

۲۵۸۹۸  
۱۳۴۸/۱۱/۲۵

رئوسب جهت استحصار و اقدام جناب آقای هاشمی رفسنجانی مدیریت محترم وزارت کشور .

پیوست ۳۳: نامه رسمی شهردار تهران به رئیس‌جمهور مبنی بر ارسال گزارش مربوط به تمرکززدایی  
شهر تهران عطف به مذاکرات کمیسیون مجلس



شهرداری پایتخت

تاریخ ۱۳۵۹/۱/۳۱

سازمان ۱۶۵۲

پیوست

بسمه تعالی

جناب آقای دکتر ابوالحسن بنی صدر  
ریاست جمهوری و ریاست شورای انقلاب اسلامی ایران

به پیوست یک نسخه گزارش مربوط به تمرکز زدایی  
شهر تهران عطف به مذاکرات کمیسیون مسکن جهیست  
استحضار و اقدام مقتضی ارسال می‌دارد.

محمد توسلی  
شهردار تهران



شورای عالی

تاریخ: ۱۳۹۹/۴/۲۰

شماره: ۱۹۰۰

پیوست: \_\_\_\_\_

بسمه تعالی

بخدمت ریبری

مخاطب به مذاکرات جلسات کمیسیون مسکن در دفتر جناب آقای دکتر ابوالحسن بنی صدر - ریاست جمهوری، مرکز فعالینداری اداری و اقتدارات مملکتی در تبریز، که مرکز تجارت و صنایع و جمعیت و حضور مهاجرین را به دنبال خود آورده است. علت اصلی مسائل حاد و دشمنانهای متعددی است که این شهر گرفتار آن میباشد.

از طرف دیگر هنگامیکه یک شهر بزرگ شد میل به مرکز فعالینداری (چه بخش دولتی و چه بخش خصوصی) در آن شهر بیشتر میگردد. از امروز با توجه به بررسی‌ها و مطالعات کارشناسان دیمروخانه شورای نظارت بر گسترش شهر تبریز و گزارش مرحله اول مطالعه مرکز زمانی شهر تبریز، که یک نسخه آن پیوست میباشد توجه مقامات مسئول را به نتایج زیر معطوف میگرد.

۱- سازمانیای زیر منظور بدین باید از شهر تبریز منتقل شوند. تجربیات حاصل از شرایط انتقال این دستگاهها و اثرات آن در مراحل بعدی مطالعات مورد استفاده قرار خواهد گرفت. بنابراین نیاز است که واحد برنامه‌ریزی شهر تبریز در این امر نظارت و همکاری مستقیم داشته باشد.

- سازمان مبادر و کنسرسیومی

- شرکت سهامی معادن مس سوخته کرمان

- شرکت ملی ذوب آهن تبریز

- شرکت کنت صنعت گارون

- شرکت کنت صنعت منال

- شرکت کنت صنعت نینگر هفت تپه

- شرکت تیلات شمال

- شرکت تیلات جنوب

- سازمان مجتمع کویت فارس

۲- تعداد ۵۶ سازمان دیگر که تمام و یا قسمتی از آنها باید منتقل شوند در صفحات ۳۵ الی ۳۹ گزارش پیوست آمده است. نام سایر دستگاههاییکه امکان انتقال آنها از تبریز وجود دارد پس از بررسی‌های لازم متعاقباً اعلام میشود.

۳- مطالعات و اقدامات انتقال سازمانها باید شامل کلیه سازمانهاییکه طبق یک مطالعه اصولی قابلیت انتقال دارند انجام شود زیرا مرکز زمانی تبریز و اثرات توسعه منطقه‌ای انتقال سازمانها از نپسوان نسیا هنگامی تاثیر ناظع خواهد داشت که در سطح وسیع و با اصول منطقی انجام پذیرد.



وزارت امور خارجه  
جمهوری اسلامی ایران

تاریخ: ۲۵۳

شماره: .....

پیوست: .....

ص / ۲

بد توجه به بول و ثروت هنگفت و عظیمی که از فعالیت‌های تجاری تمام مملکت در شهر تبریز ریخته می‌شود در تمرکز زمانی تبریز بسیار مهم است. کلیه فعالیت‌های تجاری درصدها رشته مختلف در تبریز و بوسیله تاجران تبریزی انجام می‌گیرد زیرا تمام اختیارات و تسهیلات و اعتبارات در تبریز است. این تاجران آنچنان بر بازار تسلط دارند که هر فرد دیگری در تبریز و یا شهرستان بغضاً همدارند معامله با اقدامی گردد برهم ننگنه می‌شود و بنابراین حمایت دولت از شهرستانها بسیار ضروری است. پیشنهاد می‌شود مرکز تجارت خارجی تا انجام ملی شدن این تجارت تبریزی از بنابر باشد و رئیس آن معین وزارت بازرگانی و با اختیار تام در همان بندر ساکن گردد و باید تسهیلات لازم مالی و بانکی برای تاجران ساکن بنابر وسایل استاندارد فراهم گردد بطوریکه محتاج عمده‌التجار تبریز نباشند.

۳- ادامه برنامه‌ریزی تمرکز زمانی شهر تبریز توسط کمیسیونی متشکل از نمایندگان شهرهای تبریز - سازمان برنامه و بودجه (نماینده معاونت بودجه و نماینده دفتر آمایش سیزمین و سیست رست) - سازمان امور اداری و شخصه‌های کشور و وزارت کشور انجام گیرد و امکانات و منابع لازم برای کمیسیون مذکور فراهم گردد. علاوه بر این استمرار محل فعالیت هرگونه دستگاه جدید در تبریز بسا نصیب کمیسیون مذکور انجام گیرد.

۴- گرچه در بررسی دستگاههای دولتی همانطوریکه در بند ۲ آورده شده است بواقع در مورد سازمانی که باید کار ملی شدن تجارت خارجی را بعهده بگیرد اظهار عقیده خواهد شد که ممکن است این کار بعهده سازمان کالا جدید و یا سازمانی از ترکیب و ادغام ادارات موجود گذارنده شود. لکن لازم است از هر اکتوی اعلام گردد که سازمان کالا و نعاماً و با اختیارات کامل در یکی از مجموعه‌ها تاسیسات بندری ایران (محصوه اهواز - خرمشهر - آبادان - امام خمینی و با مجموعه بندر عباس - شلم کیش) مستقر گردد. این موضوع را باس دلت باوریت میان گردیم تا مبادا سازمان تجارت خارجی در تبریز شکل بگیرد و بعداً گرفتار هزینه‌های سنگین و اختلافات ناشی از این انتقال گردیم. و این سازمان باید بنواند از اول ارتباطات داخلی و جهانی خود را با توجه به محل استقرار خود شکل دهد و تاسیسات لازم را ایجاد کند.

۵- باید صراحتاً گفته شود که کارمندان و حتی مدیران دستگاهها نمی‌خواهند تبریز را ترک کنند و انواع دلایل و خصوصی لزوم ارتباط مادیمگر دستگاهها را مطرح می‌سازند و گوشتی در داخل این مشکلات نمی‌کنند. علت اضافه به سکنای تبریز علاوه بر برخورداری از مزایا و امکانات رفاهی آموزشی تفریحی و نزدیکی به مراکز قدرت که ترفیبات آینده آنها را برینتر می‌سازد و وابستگی های خانوادگی. در گذشته این بود که بیشتر کارمندان فعالیت دولتی در محضر خصوصی ما باشند که گاه بیشتر از دستمزد





شهراری پایتخت

تاریخ ..... ۲۵۳

شماره .....

ص / ۴

اداری فراموشرا بود. اینک که این انبیل‌کارها تعطیل است... گرچه امید به مافز شدن آفتاب فارغ‌م‌بهر  
 حال فرصتی است که برای انتقال کارمندان میتوان او آن سود گرفت.  
 با عنایت به موارد فوق‌الذکر خواهشمنداست دستور فرمایند نسبت به بررسی و تصویب مسأله  
 واحده پیوست در شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران تسریع لازم را معمول فرمایند تا کمیسیون مذکور  
 در بند ۲ بتواند هرچه زودتر نسبت به برنامه‌ریزی و انتقال واحدهای مورد نظر با اختیارات لازم اقدام  
 نماید.

محمد توسلی

شیرخان شیراز

۱۹۸۰  
 ۱۳۵۹/۱۳۱

رونوشت:

۱۳۵۹/۱۳۱

سازمان امور اداری و استخدامی کشور  
 دبیرخانه شورای نظارت بر گسترش شهر تهران  
 جناب آقای صدر وزیر بازرگانی  
 حجت الاسلام مهدوی کی سرپرست وزارت کشور  
 جناب آقای دکتر سعادی وزیر متاخر و سرپرست سازمان برنامه بودجه.



تاریخ ..... ۲۵۳

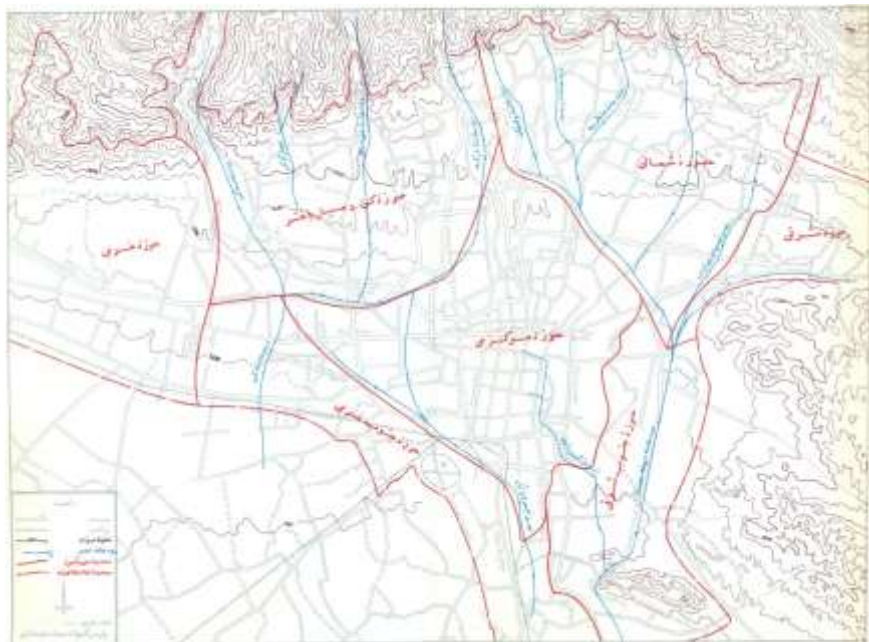
شماره .....

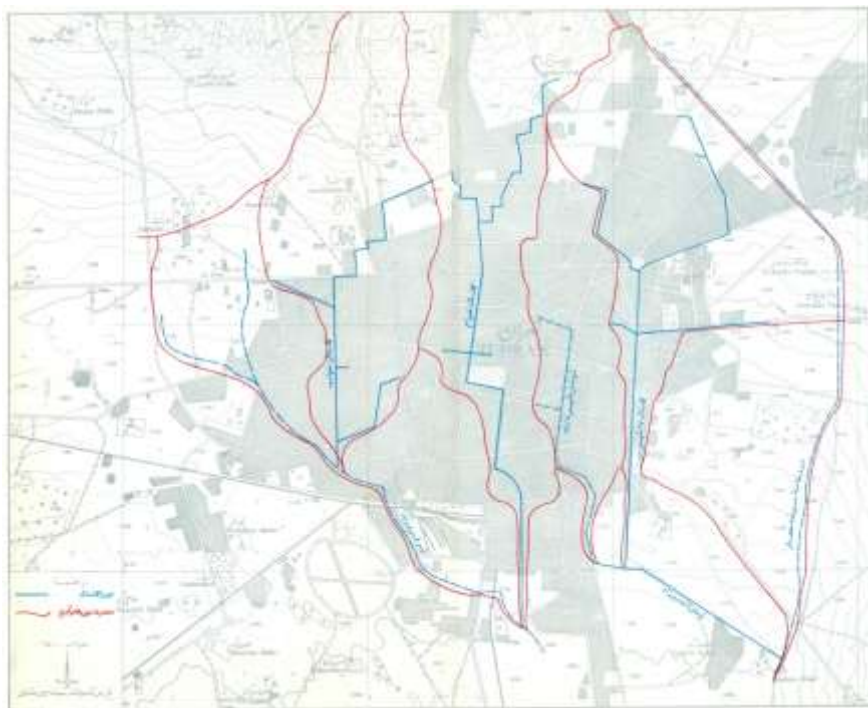
پیوست .....

### پیوست : ماده واحده

بمنظور تمرکز زدایی شهر تهران و در جهت سیاست توسعه متعادل منطقه ای وطنی به کمیونسی تحت نظر شهردار تهران متشکل از نمایندگان شهرداری تهران ، سازمان برنامه و بودجه ، سازمان امور اداری و استخدامی کشور و وزارت کشور ماهیت داده میشود تا امور برنامه ریزی و برنامه های اجرایی انتقال دستگا ههای دولتی را از تهران به سایر نقاط کشور انجام دهند و نتایج را جهت بررسی نهایی و تصویب به شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران ارائه نمایند . م .

## پیوست ۳۴: نقشه حوزه‌های آبریز تهران





### پیوست ۳۵: اسامی میادین و معابر شهری تغییر یافته در ابتدای انقلاب

برخی از اسامی ارزشهای فرهنگی انقلاب را منعکس نموده‌اند مانند :

انقلاب - استقلال - بزرگ - بعثت - پاسداران - پرستار - پیام - پیام‌آوران - توحید - جمهوری اسلامی - دانشجو - دهقان - دهکده - راستی - رسالت - رضوان - زحمتکشان - زمزم - سپاه - سنگر - شورا - شهدا - شهید گمنام - طلوع - قدس - قلم - قیام - کارگر - کشاورز - کوثر - لاله - مبارزان - محصل - ملت - معراج - نبرد - نیاکان - هجرت - باران - یادآوران - یاور

نام شخصیت‌های ملی - اسلامی و خدمت‌گزاران تاریخ دویست ساله اخیر در نامگذاری تعدادی از خیابانها استفاده شده :

جلال آل احمد - سیدجمال‌الدین اسدآبادی - اقبال لاهوری - اندرزگو - صادق امانی - باقرخان - صمد بهرنگی - خنیف‌زاد - مصطفی خمینی - مهدی رضایی - ستارخان - آیت‌الله سعیدی - دکتر علی شریعتی - شمشیری - طبیب - حاج مهدی عراقی - آیت‌الله کاشانی - دکتر حسین فاطمی - فدائیان اسلام - قائم مقام قزاقی - دکتر محمد فریب - سپهبد قرنی - کریم پور شیرازی - مدرس - مصطفی - استاد مطهری - دکتر محمد مفتاح - ملک المنکلمین - میرزای شیرازی - میزا کوچک‌خان - میرزای کرمانی - کامران نجات‌آلهی - دکتر محمد نخشب - محمد نریمان - نواب صفوی - شیخ فضل‌آله نوری - هرندی - محمد همایون

برخی نام‌گذاری‌ها ، شخصیت‌های ملی - اسلامی تاریخی را گرامی داشته‌اند :

آسیه - ابوذر - ابودر غفاری - ابومسلم خراسانی - انصار - اوستا - بلال حبشی - پانزیس لومومبا - خر - حمزه - سیمه - سپهرودی - شیخ شوق - شهرزاد - عمار - غدیر - فتح - فرخ یزدی - لقمان حکیم - مالک اشتر - مسلم - مفاد - میرداماد - مانی - یاسر

برخی نام‌گذاری‌ها حوادث مهم تاریخی گذشته کشور را یادآوری نموده‌اند :

پانزده خرداد - نوم زوئن - سی‌تیر - شانزده آذر - هفده شهریور

برخی از نام‌گذاری‌های دیگر اسامی شهرها و مکانهای تاریخی را منعکس نموده‌اند :

آذربایجان - ارومیه - استانبول - بندرانزلی - خرمشهر - فلسطین - نوفل لوشاتو

اسامی میدان آیت‌الله حسین - خیابان انقلاب - میدان انقلاب - خیابان آزادی - میدان آزادی فرهنگ عاشورا و حرکت ضداستبدادی انقلاب را تصویر می‌کند که در شعارها و محتوی حرکت اسلامی مردم منعکس بوده است .

اسامی "خیابان مجاهدین" ، "میدان شهدا" ، "خیابان پیروزی" ، فرهنگ و شعار" ، "جهاد - شهادت پیروزی" انقلاب را بیان می‌کند.

پیوست ۳۶: اسامی تعدادی از نامزدهای انتخاباتی گردهای جنوب تهران

وزارت کشور  
مهره‌داری تهران  
انتخابات شورای اسکان گودشتیان جنوب تهران

۱۳۱۲ هجری قمری

محمد جندی		محمد جندی		هراند علی شعبی	
محمد ساری سارلی		عظیم زعالی		حمید مکی	
حاجعلی فتحی خالونی		غلام شکاری		تبداله حقیقه‌الکبری	

پیوست ۳۷. نامه شهردار تهران به رئیس‌جمهور در خصوص درخواست تشکیل جلسه با حضور نخست‌وزیر و سایر مسئولان جهت رسیدگی و حل مشکلات گودنشینان جنوب تهران



پیوست ۳۸: نامه استعفای کارکنان شورای عالی اسکان گوندشینان جنوب تهران به شهردار تهران

شماره ۵۹,۲,۲۴  
شماره ۱۰۵۶  
پست

سند عالی  
شورای عالی اسکان  
گوندشینان جنوب تهران

بنام خدا

شهردار محترم تهران

بدم توجه لازم مسئولین به مسائل و مشکلات مردم گوندشینان و کارکنانی  
عناصر ارتجاعی یا این نهاد شورایی عملاً ادامه کار را امکان ناپذیر نموده -  
از آنجا سبکه تشکیل این شورا در جهت حمایت از منافع مردم گوندشینان توسط  
جوانان متعهد یا انگیزه خدمت به خدا و خلق بوده است. ادامه کار به این  
شکل را موثر ندانسته و با مشکلاتی که انحصار طبیان و مرتجعین ضرور در مسیر  
ما ایجاد میکنند و دست خالی امکان حل مشکلات مردم میسر نمی باشد -  
لذا با توجه به دلایل فوق و به عنوان همدردی با گوندشینان استعفای انفرادی  
آمییز خود را اعلام داشته و توجه مقامات مسئول را به مشکلات روز افزون مردم  
جلب مینمائیم .

بدیهی است که علت استعفا بطور مشروح به اطلاع گوندشینان محترم خواهد رسید .

کارکنان شورا عالی اسکان گوندشینان جنوب تهران

<p>ناصر علیغاجی محمد باقری حسن محبوبی</p>	<p>محمود محبوبی محمد محمودی محمد اسلامی محمد بوزین</p>
---	--

روشنتر نمایندگان محترم گوند

آقای شیخوآه سرپرست دفتر اسکان گوندشینان

: روزنامه های غربیه گوندشینان . اطلاعات . کیهان . با مآد . معاهد انقلاب اسلامی



پیوست ۳۹: متن پیام شهردار تهران به کارکنان شهرداری در ساختمان میدان فاطمی



شهرداری تهران

تاریخ ..... ۱۳۵۰

شماره .....

پیوست .....

متن پیام جناب شهردار تهران به کارکنان شهرداری که در اولین روز کار در ساختمان جدید مرکزی شهرداری تهران بعد از بخش‌اندان شهر از طریق سیستم صوتی پخش گردید \* (۱۳۱۸/۵۸۷)

بِسْمِ تَعَالَى

سلام بر خواهران و برادران

همکاران عزیز:

در اولین روز شروع کار در ساختمان جدید (ساختمان مرکزی واقع در خیابان دکتر حسین فاطمی) با انتقام فرصت و استفاده از امکاناتی که در ساختمان جدید برای ایجاد ارتباط مستقیم با همکاران گرامی فراهم آمده است لازم میدانم نکات زیر را با اطلاع شما همکاران گرامی برسانم:

اول ضرورت ادامه پاکسازی در جهت احراز شخصیت کارمندان جدید شهرداری تا مجموعه بتواند بصورت یک سازمان مردمی شهر خدمت نماید و هر کارمند شهرداری بتواند با افتخار خود را کارمند شهرداری معرفی نماید. در این جهت هیئت پاکسازی گماکان فعال خواهد بود و انتظار دارد همه شما با در اختیار گذاشتن اطلاعات مستندی که دارید به تحقق این امر کمک نمایید.

دوم: اشاره مختصری است به اقداماتی که در جهت اشیات شنلی کارمندان و رفع تبعیضات اداری و ناراستی‌های گذشته بعمل آمده است از جمله:

۱- پایان مأموریت تعداد زیادی از پرسنل وزارتخانه‌های مختلف و گرفتن کارمندان شهرداری - بنیای آنها \*

۲- پیشنهاد ماده واحده به شورای انقلاب اسلامی ایران در مورد رسمی شدن کلیه کارمندان بهیمنی و همه کسانی که از امتیازات مختلف دست‌نزد دریافت می‌داشتند و عملاً در مشاغل کارمندی انجام -

وظیفه میکردند و پس از تصویب ماده واحده مذکور صدور احکام آنها حدود دوهزار حکم \*

۳- تهیه و تنظیم و اصلاح آئین نامه جدید استخدامی کارمندان که بتصویب رسیده و امیدوار است اجرای آئین نامه مذکور مشکلات بسیاری را در رابطه با مسائل استخدامی کارمندان شهرداری برطرف کند \*

۴- تهیه و تنظیم طرح طبقه بندی مشاغل کارمندان که مراحل نهائی و امیدوارند بنحوی که ان‌شاء الله بتواند در دست‌های سازمانی با رعایت انصاف در چهارچوب ضوابط صحیح منصوب شوند \*



تاریخ ..... ۱۳۵


شماره .....

پیوست .....

- ۵- تحصیل مجوز و صدور احکام ترفیع پایه کارمندان شاغل و بازنشسته بازا\* هر دو سال یک پایه از بدو خدمت \*
- ۶- رسیدگی به تعداد زیادی شکایات استخدامی کارمندان در شورای اداری و صدور آراء عادلانه در جهت رفع تبعیض و احقاق حق آنها \*
- ۷- رسیدگی به شکایات کسانی که در طول سالهای گذشته اکثرًا بعلت مبارزه با رژیم از خدمت اخراج شده و احقاق حقوق آنها پس از رسیدگی کامل \*
- ۸- تشخیص گروه و صدور احکام همطراز از نشستگان شهرداری که مشمول قانون استخدام کشوری بوده اند در کوتاهترین مدت در حدود دو هزار حکم \*
- و بالاخره پرداخت بقوق حقوق و مزایای کارکنان با وجود مشکلات مالی بسیاری که در شرایط خاصی بعد از پیروزی انقلاب در طول سال جاری با آن مواجه بوده ام که همه شما بخصوص تستهای مانسی به جزئیات آن واقف هستید \*
- اینکه که از امکانات مردم شهر چنین ساختمان مجهزی در اختیار شهرداری تهران قرار داده شده - است جا دارد همه ما شکر این نعمت را از طریق مردمی تر کردن سازمان و ضوابط و مقررات و ارائه خدمات بیشتر به مردم ادای کنیم و با ایجاد محیط نفعال و کارساز پیوند خود را با انقلاب اسلامی و مردم شهر تهران مستحکمتر بسازیم \*
- از خداوند توفیق و شادکامی همه شما را در این روزهای پایان اولین سال پیروزی انقلاب آرزو میکنم \*

متشکرم

## پیوست ۴۰: برنامه‌های شهرداری تهران برای رفع کمبود فضای سبز شهر

  
 شورای پایتخت  
 سبزین

تاریخ \_\_\_\_\_  
 شماره \_\_\_\_\_  
 پیوست \_\_\_\_\_

" برنامه زیری ویژه شهرداری تهران در زمینه  
 " رفع کمبود پارک‌ها و فضای سبز شهر تهران "

۱- مقدمه

آوا زمین آسفته که موسم و باغ درختکاری است و لزوم گسترش فضاهای سبز در شهر تهران و افزایش آن که امکان شهرداری در سطح وسیع و بی سابقه‌ای در این زمینه آغاز کرده است طس طرح مسائل و مشکلات مربوط به کار درختکاری را ضروری میسازد.

آسفته باغ که آغاز شکوفایی و بیداری طبیعت و گیاهان است مناسب ترین زمان درختکاری است. در اسیطر همه مثل سن بسیاری در مورد چنین موسمی وجود دارد و به حسب پیوند نزدیکی گیاهان گیاه و انسان وجود دارد غالب این سن جنبه مقدس و مبارکی یافته اند. گیاهان در همه اسیطین اخلاقی و بشری نقش داشته اند. زمین همواره منظر مطح بوده است و در کتب مقدسه از جمله در آیه تریفه " الفیض والزینین " به آن اشاره شده است. در اسیطر ایرانی گیاه سرو ستانه مبارکست و تیش یک نمین دیرین می باشد. در اطراف بسیاری از بقا مشرکه درخت سرو می شناسند و حتی بعنوان یک سمبل بوده سرو در نقش فرش‌ها و پارچه‌ها بصورت " بونه جغه " دائم تکرار میسود و ادبیات ایران برار اشاراتی به سرو چنار بعنوان مظاهر آزادیگی و راستی است. هنادگونه که بازردهم مهر ماه روز مهرگان است و محصول برداشت میسود بازردهم آسفته هم روز درختکاری و وحدت سرودم برای گشتن درخت و آریح میهادن به طبیعت و محیط و ایجاد روحیه توسعه درختکاری است.

اما " در نظام طبیعی میبای ترم زندگی بر گیاهان است. قبل از هر چیز تارو بود پونسه گیاهی باید بنمادل و پایدار میاند تا بنمادل پایه لایه های زیست اسنوار گردد. گیاهان اولسین بازدهگان و حلقه های زنجیره حیات و آفریش هستند. از این دیدگاه توسعه شهرها از عوامل کاهشده گیاهان بوده اند و بعنوان مثال توسعه شهر تهران موجب کاهش پوشش گیاهی این محیط شده و به بیان دیگر بنمادل آترو بهم رده است. بناسفانه در سال های اول از انقلاب و به تاتیر اقتصاد متمرکسی منحصلی که بصورت رنده یافت. توسعه شهر تهران و توسعه توسعه ساختمان و ناسیسات بگونه ای بصورت گزانت که کمترین توجهی به ایجاد این بنمادل و جریان فضا های سوزار دست رفته در سطح شهر شده. از طرف دیگر افزایش عوامل آلوده ساز محیط کسیره فضا های سوزار بیشتر شدن داد و حتی میسوران آلودگی بنماده ای رسیده که گیاهان موجود در شهر بزرده و تیره و بی طراوت منظر می رسند. بنابراین

سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

- ۲ -

تاریخ \_\_\_\_\_ ۲۵۳

شماره \_\_\_\_\_

پیوست \_\_\_\_\_

برمه رتد گیاهان بدلیل استفاده ناموزنی از زمین و فضای رتد آنها بدلیل آلودگی محیط تنگ شده است .

درختکاری و گسترش فضا های سبز مزایای بسیاری دارد . درخت نه تنها سبیل پاکیزگی و مطبوع و آرامش است بلکه وجود آن در محیط عامل حفظ تعادل و روحیه و زیبایی است . شهرهایی که در دنیا زیبا تلقی میگردند از فضا های سبز زیادتری برخوردارند . زیبایی شمال کشور سبزی محیطی می باشد . ولی نوده ای از ساختمانهای مناسب با سنگ و مصالح جنوب و منطق بر اصول مهندسی و معماری در صورت فقدان فضا های سبز سنگ است زیبا بنظر نرسد . به علاوه درختان با تنفس و تخمیر عامل مهمی در تعدیل محیط و جذب عوای آلوده و کاهش خشکی هوا هستند . تا به بتوان نقش اصلی درخت را سالم سازی محیط تلقی کرد . یعنی از لحاظ فیزیکی باعث تعدیل محیط زیستی و کاهش آلودگی میگردند و انعکاس این منابع در محیط اجناسی تعادل و آرامش و گرایش به صلح می شود .

درخت نخستین و بهترین یاد بود است . نهال می ستاییم تا با زندگی آن یاد گذشتگان را زنده داریم . همین سبب پس از انقلاب باید نهفتنی بوجود آوریم که مناسبت با آن همگان در آن شرکت جویند و نخستین سال آنرا با یاد همه زحماتگان و شهیدان درخت بکاریم . شهرداری تهران امسال اسفند ماه را ماه درختکاری و هفته دهم تا هفدهم اسفند را هفته درختکاری و بازرهم اسفند را روز درختکاری میداند . ولی نه بیامند گذشته بلکه بیاس زنده کردن یاد شهیدان انقلاب با کاشتن درخت ، با دعوت همگان به شرکت در نهفت درختکاری و بسیاری محیط زندگی و شهرتشان و با فراهم آوردن امکان شرکت همه مردم شهر و نهاد های داوطلب در نهفت درختکاری .

۲- وضع موجود پارک ها در شیر تهران

در شیر تهران در حال حاضر فضا های سبز امتداد تند راه ها و بزرگ راه ها ، پارک های بزرگ و کوچک ، گورستانهای پارک شده و پارک های کودکان جمعا ۶۴ قطعه و مساحت آنها در حدود ۶۳۷۰۰۰ متر مربع است . البته جنگلکاری مهر آباد جزو فضا های سبز شهر محسوب نشده است . از این سطح نزدیک به ۳۰۰ هکتار مربوط به گورستان بهشت زهرا می باشد . پارک های بزرگ تهران که بیش از پنج هکتار مساحت دارند عبارتند از پارک شهر - نجف آباد - سامی - لاله نیاوران ، بهشت و ملت که جمعا ۱۷۷۰۰۰ متر مربع مساحت دارند . تعداد پارک های شهری و ناحیه ای ۱۵ قطعه ، پارک های محله ای ۲۶ قطعه ، فضا های سبز محله ای ۱۵ قطعه



شورای امنیت

تاریخ \_\_\_\_\_ ۱۳۴۲

شماره \_\_\_\_\_

پیوست \_\_\_\_\_

- ۲ -

گورستانهای سبز و نشودنشانهای سبز حائیه این م. طبقه می باشد.

پارک های بزرگ تهران

شخصیات	مساحت	پارک شهرت
۱- پارک شهر	۲۷۷۷۷۲	۲۷۷۷۷۲
۲- جنگ آباد	۱۸۲۰۰۰	۱۸۲۰۰۰
۳- ناسی	۱۱۰۰۰۰	۱۱۰۰۰۰
۴- لاله	۲۵۰۰۰۰	۲۵۰۰۰۰
۵- میاویان	۱۸۸۰۰۰	(جزو نشانهای سبز می باشد و پارک محسوب نمی گردد)
۶- میاویان	۲۲۶۲۸	۲۲۶۲۸
۷- آزادی	۸۵۰۰۰	( نشان میراست )
۸- پارک کودک شیراز	۵۰۰۰۰	( " " )
۹- حراندنمیت	۲۵۰۰۰۰	۲۵۰۰۰۰
۱۰- طخت	۲۲۰۰۰۰	۲۲۰۰۰۰
جمع	۲۱۵۵۱۰۲	۲۷۷۷۱۰۲ متر مربع

کل فضا های سبز شیر تهران اجم از مجموعی و عمومی در حدود ۲۵۰۰ هکتار می باشد .  
 ما برای روانه نشانهای سبز شیر تهران در هیزرتنگه جمعیت شیر نزدیک ۵ میلیون نفر فرستادیم  
 پنج متر مربع و روانه نشانهای سبز عمومی نزدیک یک متر مربع می باشد . استانداردهای شیر  
 حاکی از آن است که بر حسب تفاوت اقلیم و شرایط آب و هوایی روانه نشانهای سبز در شهر  
 بین ۱۵ تا ۲۵ متر مربع متفاوت است . روانه پیشنهادی طرح جامع تهران برای پارک های شهری  
 ۱/۱۲ متر مربع ، مراکز تفریحی ۲/۰۴ متر مربع و اراضی ذخیره سبز ۵/۵۵ متر مربع و مسطح  
 نشانهای سبز و سبز ۱۸/۷۱ متر مربع می باشد . شیر تهران با ولایت کم ، هوای خشک و آلودگی  
 زیاد هوا به نشانهای سبز درختی بیشتری احتیاج دارد . با توجه به کمبود آب و نیاز فراوان چمن  
 به آب و تاثیر ناچیز چمن در تعدیل محیط و نیز انطمان درخت با روحمات ایرانی ، توسعه نشانهای  
 سبز درختی به چمن کاری از جمعیت دارد . بجز صورت استاندارد متعادل نشانهای سبز در شهر  
 تهران ۲۰ متر مربع می باشد و پارک هر نفر ۱۵ متر مربع و در سطح شهر ۲۵۰۰ هکتار یعنی  
 برابر کل نشانهای سبز موجود وجود دارد . با توجه به اینکه نشانهای سبز عمومی موجود



شهرداری با بخت

تاریخ \_\_\_\_\_ ۱۳۵۳

شماره \_\_\_\_\_

بیوست \_\_\_\_\_

- ۲ -

تنها یک پنجم کل فضا های سبز شهری را تشکیل داده اند و بویژه در نواحی جنوبی فضای سبز کثیری وجود دارد این کمبود قابل لمس تر میگردد . از کل پارک های موجود تنها پارک شهر و پارک بعثت در جنوب محور سیه قرار دارند . مساحت این دو پارک در حدود ۲۹۷۰۰۰ متر مربع است که حدود ۳ درصد کل فضا های سبز بزرگ تهران را تشکیل داده است .

رفع کمبود فضا های سبز شهر تهران جز با همکاری و تشریک مساعی مردم مسکن نیست رفع کمبود را می توان با احداث پارک ها ، جنگل کاری و کاشش درختان در محله جبران کرد . ولی ساله مهم نگهداری درختان است . علاوه بر این که مردم باید فضای سبز موجود آورند چهار برابر سوم شهرداری است و چه دهتر که سوم مردم و شهرداری مشترکاً و تماماً کاشته شود و همگان در آن شرکت جویند و از آن بهره مند گردند .

کم برنامه شهرداری تهران در زمینه جبران کمبود فضا های سبز و درختکاری .

شهر تهران علاوه بر کمبود فضا های سبز با عدم توزیع عادلانه این فضا ها در سطح شهر مواجه است . بیشتر فضا های سبز خموسی در شمال شهر وجود دارد . در جنوب شهر تنها یک پارک بزرگ ( پارک بعثت ) موجود است . البته در سال های اخیر در طرح های ساختمانی شهری به ضرورت وجود فضاهای سبز در طرح توجه چندانی ننند و مجموعه بزرگی جین شوبرگ آکامانسان قائم فضای سبز می باشد . در حالیکه متناسب با مقدار آلودگی و ترافیک و گاز هائی که هر واحد ساختمانی ایجاد میکند بایستی فضای سبز نیز تأمین کند تا مشکلات شهر افزوده نگردد . عملاً بیشتر فعالیت های آلوده ساز و بزرگ در جنوب شهر متمرکز هستند . بنابراین شهرداری اسامال پس اجرای برنامه پارک سازی در سطح شهر در قالب یک طرح آینده نگر تأمین فضای سبز لازم در جنوب تهران را در اولویت قرار داده است . بطور کلی هدف های ایجاد فضا های سبز در شهر تهران عبارتند از :

۱- محدود کردن توسعه شهر تهران در نواحی جنوبی ، جنوب غربی و جنوب شرقی

۲- کاشش کمبود فضا های سبز در شهر تهران ، بویژه در نواحی جنوبی

۳- کاشش سطح آبیهای آلوده لایه های میانی زمین . هم اکنون استفاده آبیهای زیرزمینی ناشی از تراکم فاضلاب و نفوذ سیلاب های دامنه البرز به ۲۵۰ میلیون متر مکعب در سال رسیده است بنابراین سطح این لایه آبدار دائماً "مالا تر" می آید . با درختکاری می توان بخشی از این آبها را جذب و بصورت رسانید .



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

تاریخ ..... ۶۵۳

شماره .....

پیوست .....

- ۵ -

۱- کاهش آلودگی هوا - بانوجه به جهت وزش باد غالب تهران از جنوب غربی به شمال و شمال شرقی که اعمار دشت های جنوبی را به فضای شهر منتقل میکند ایجاد فضاهای سبز در سطح شهر و نواحی جنوبی موجب جذب اعمار و نیز افزایش رطوبت نسبی محیط و ایجاد میکل هوا نسبت به سایر نقاط میگردد که بر انجام مسیر به جذب بیشتر گرد و اعمار و گاز های مائی از اتمسفر آبی مواد آلی میشود.

۲- تغییر چهره محیط - بهره برداری از زمین های بایر و موات و بجا مانده در نقاط مختلف شهرک بعضی از آنها محل امیانت ربانه و خاکریزه شده اند و نیز کاهش رطوبت و ناموزنی ناشی از فقدان درخت و تراکم عوامل آلوده نواز از نتایج نسبی درخت کاری می باشد .  
۳- تقویت روحیه جوانان - در کنار فضا های سبز و پارک ها ناسیانی از فصل کتابخانه سه زمین های ورزشی و زمین های بازی کودکان موجود می آید که منجر به بهبود روحیه جوانان و گسترش فرهنگ و سلامت اجتماعی میگردد .

اجرای طرح توسعه فضا های سبز در نواحی جنوبی و شمالی شهر برتعمیر زیر می باشد .  
در نواحی جنوبی در قالب یک طرح پنجساله جمعا ۳۰۰۰ هکتار از اراضی موات و بایر و بجا مانده زیر پوشش فضا های سبز اتم از پارک - جنگل - زمین های ورزشی و مزارع سبز خواهد رفت .  
برنامه زمانی طرح مورد بحث شرح زیر است -

- سال اول ( سال جاری ) : اجرای ۶۰۰ هکتار پارک سازی و جنگل کاری - این قسمت از طرح با موفقیت انجام شد و حتی از میزان برنامه ریزی شده نیز گذر کرد و به ۸۰۰ هکتار رسیده که در صورت مساعد بودن شرایط جوی باز هم قابل توسعه است ( تا ۲۰۰ هکتار )  
نقاطی که در حال حاضر در دست اجرای طرح می باشد عبارتند از : پارک کوی فردوس و ۱۷ شهرپور - پارک شهرک تریمنی ، جنگل کاری اسفندیاری ، جنگل کاری تریمنی ( در ۲ قطعه ) جنگل کاری مازابل کوی ۱۳ آبسان ، فضای سبز و استخر جاده آرامگاه ، پارک علی آباد ، پارک و جنگل جوانسرود ضراب ( در ۲ قطعه ) جنگل کاری خوانه - پارک دولت آباد ، جنگل کاری شهرک نوش ( در سال جاری فقط اقدامات زیر بنائی انجام می گیرد ) ، پارک های هانم آباد در دو قطعه - جنگل کاری هانم آباد ، جنگل کاری غرب مشیریه ، پارک کودک اتفاق در مشیریه ، پارک کودک مسعودیه ، پارک اسفندیاری



شهرسازی پایتخت

تاریخ ..... ۱۳۳۳

شماره .....

پیوست .....

- ۶ -

جنگل کاری و پارک و تاسیسات ورزشی سلیمانیه - عمداً از طریق انجمن های محلی ساکنان محلات جنوب تهران در حاشیه خیابانها و کوچه ها جانله های درختی حفر می نمایند که درخت زانگان سرای کانت در اختیار آمان گذاشته میشود تا خودشان بکارند و نگهداری کنند - در فصل بهار نیز در حدود ۲۵۰ هکتار بزرگه بویجه برای آماده کردن و تکوین و درخت سبز بودن زمین گذاشته میشود .

- سال دوم : تکوین نقاط کاشته شده ، تکمیل عملیات ساختمانی و آبرسانی ، افزایش سطح جنگل کاری در امتداد تریانهای ارتباطی سازه ، خراسان و قم تا ۱۰۰۰ هکتار .

- سال سوم و چهارم : واکاری های گذشته ، تکمیل طرح های ساختمانی و آبرسانی ، توسعه جنگل کاری میزان ۱۰۰۰ هکتار .

- سال پنجم : اصلاح ، ترمیم و نگهداری نقاط توسعه یافته و تکمیل عملیات ساختمانی ، بر سطح شهر غیر اولویت توسعه نما های سبز بر ترمیم و تکمیل نما های سبز و درختکاری در حاشیه خیابانها گذاشته شده است . پارک هایی که توسط سازمان پارک ها و مناطق شیرداری در سطح شهر در سال جاری اجرا میگردد عبارتند از پارک های طرشت ، طوس ، یاد آوران ، وحدت ، آزادی و صفار . اما مزاده حسن و نظام آباد جمعاً به مساحت ۵۰۰۰ متر مربع بملاوه در منطقه نماس آباد نیز با همکاری وزارت کشاورزی و عمران نماس آباد در سطحی معادل ۴۰ هکتار پارک سازی میگردد در سطح شهر نیز با همکاری مردم در مناطقی که آب داشته باشند با امکان آبرسانی آنها وجود داشته باشد تا ۲۰۰۰ متر مربع درخت کاشته میشود . بملاوه نما های سبز در سطح شهر نیز تماماً مساحتی میگردد .

در سال های آینده نیز توسعه نما های سبز ترتیب زیر صورت خواهد گرفت .

۱- پارک سازی در زمین هایی که در مناطق حزام کم مسکونی بها مانده اند قبل از آنگاه مورد استفاده دیگری قرار گیرند .

۲- تکمیل زمین هایی که فضای سبز جزئی دارند .

۳- توسعه نما های سبز خیابانها

۴- احداث پارک آزادی در مسیر آباد در جنوب میدان آزادی

۵- توسعه پارک ملت صفدار ۲۸۰۰۰ متر مربع

۶- توسعه پارک های ساخته شده در جنوب تهران

۷- مساحتی نما های سبز شهر تهران

۸- حفظ و توسعه نما های غیر امتداد بزرگ راه ها و تند راه ها و تریانهای شهری





شورای پلانت

تاریخ \_\_\_\_\_ ۶۵۳

شماره \_\_\_\_\_

پیوست \_\_\_\_\_

- ۲ -

۱- جنگلی اجرائی طرح توسعه نفاذ حای جز شیر تهران

اجرائی چنین طرح وسیعی در سال جاری متکی است بر همکاری نیروهای داوطلب و مردمی و نهاد هایی که استعداد و امکانات همکاری در این زمینه را دارند. برای برنامه ریزی و تهیه و اجرای این پروژه و سرانجام ساز ها و امکانات مردم با طرح بودجهت ستادی با همکاری وزارت آموزش و پرورش - جهاد سازندگی - سپاه پاسداران - سازمان پیناهنگی - سازمان تربیت بدنی - سازمان و بسیاری جنوب تهران - سازمان پارک ها و رادیو و تلویزیون تشکیل یافته است که از طریق اعلام در رسانه های گروهی - انتشار پوستر و بروشور و دستورات عملیاتی اجرائی در شیرداری تهران تشکیل یافته است که هنگام سی نوانند از طریق رادیو و یا تلخ حای ۵۵۰۰۰۲ و ۵۵۵۲۸۰ و ۵۵۰۰۰۵ با این ستاد تماس گیرند و در برنامه های تدوین شده شرکت جویند - ستاد بطور مستمر در محل سازمان عمران و بسیاری جنوب تهران در جاده یاد آبران دایر می باشد.

از طریق ستاد دانش آموزان و پیناهنگان داوطلب - مردم - انجمن های محلی و سازمانیاتی که امکانات همکاری را داشته باشند و یا بتوانند تجهیزات در اختیار ستاد قرار دهند در جهت درختکاری بویژه در اسفند ماه شرکت داده میشوند. در حال حاضر پنج نقطه در سطح شیرداری شرکت نیروهای داوطلب در امر کاشت - آبیاری و نگهداری درختان در نظر گرفته شده است - این نقاط عبارتند از :

- ۱- پارک عباس آباد به مساحت ۴۰ هکتار با ظرفیت درختکاری ۳۰۰۰۰ اصله
- ۲- پارک های شیرک تربیتی به مساحت ۸۰ هکتار با ظرفیت درختکاری ۱۰۰۰۰۰ اصله
- ۳- پارک ترب کوی ۱۲ آبان به مساحت ۲۵ هکتار با ظرفیت درختکاری ۳۰۰۰۰ اصله
- ۴- پارک جنگلی مشربیه به مساحت ۱۵۰ هکتار با ظرفیت درختکاری ۳۰۰۰۰۰ اصله
- ۵- خزانه کاری سز راه جهت رهرا که در این نقطه جهت کاشت میاره و تابستانی درخت در حدود ۵۰۰۰۰۰ اصله درخت بصورت گلهائی تبدیل و نگهداری خواهند شد.

ستاد تاکنون موفق به آماده کردن پیناهنگان پنج ناحیه جنوبی آموزش و پرورش و دانش آموزان داوطلب همان نواحی - انجمن های محلی - جوانان روزنکار جنوب تهران و افرادی که تاکنون بسا ستاد تماس گرفته و اعلام آمادگی کرده اند شده است - بطورکلی هدف ستاد مردمی کسودن درخت کاری و ایجاد همکاری میان دستگاه های اجرائی - نهاد های انقلابی و مردم در جهت تبدیل جهت درختکاری به یک حرکت مستمر - ضروری و هنگامی می باشد - از طریق ستاد



تاریخ ..... ۶۵۳

شماره .....

پیوست .....

- ۱ -

درختان لازم برای گشت نوشهر مردم در اختیار آنها گذاشته می شود. بعضی هرکس می توانست در کوچه ها و خیابانها در نقاط مناسبی که بعداً آسیب نیند و محل توافق نیز شود چاله درخت خلق دستورات مربوط گشت درخت که از طرف شهرداری توزیع شده است نماید و با نامش یا شماره درختکاری بهال را مگن مریاست دارد . نگهداری این درختان همیشه خود مردم است . سازمانیاتی که در اجرای طرح توسعه نفا های شهر تهران با شهرداری همکاری دارند عبارتند از :

- وزارت آموزش و پرورش

- وزارت کشاورزی - وزارت نیرو

- سازمان جنگل ها و ترکت خدمات این سازمان

- جهاد سازندگی

- بنیاد مستضعفان

- کمیته های انقلاب اسلامی

- سازمان پناهنگی

- سازمان تربیت بدنی

- سازمان عمران اراضی

- نگهداری :

شهرداری همواره برای نگهداری درختان در سطح شهر حواجه با شوراییاتی است . مهم ترین عامل حفظ درختان مردم و مراحت آنان در آبیاری و جلوگیری از آسیب دیدن درختان می باشد . بیشتر اقدامات درختکاری مربوط به مرحله بعد از گشت است که نشاء " انتظار شهرداری از مردم شرکت فعال ، آگاهانه و مفید در این مرحله می باشد . مردم خود مالک و گنجان درختان هستند و باید آنها نگاه دارند . مردم می توانند از اقدامات مخرب می مانند شستوی آبیاری در نقاط درختکاری . جاری ساختن آبهای آلوده و ناعلاج در پای درختان ، تخلیه زباله و نخاله های ساختمانی در پای چاله ها و سوراخ آبیاری ممانعت بوزند . لذا شهرداری که دستگاهی از آن مردم است در آسانه موسم درختکاری از مردم انتظارات زیر را دارد :

۱- همکاری فعال با سناء درختکاری و تناسی معادوم با آن برای اطلاع دادن ضرورت ها و نیازها . اعلام امکانات همکاری و بخصوص کار در نقاط گشت درخت . اعلام آمادگی در نگهداری و آبیاری درختان . حفظ چاله های درخت به ایماه ۲۰۰×۲۰۰ سانتیمتر و تناسی با سناء برای مریاست شهسال تناسی دیگر هشتبرهان برای ترکت در نیست درختکاری اطلاع دادن مشکلات خدمت های متخلف



شهرسازی پایتخت

تاریخ \_\_\_\_\_ ۹۵۳

شماره \_\_\_\_\_

پیوست \_\_\_\_\_

- ۹ -

شهر مرزبند مرختگری به ستاد و نگهداری مراکز از مرختان و در صورت توجیهن شهسرداری  
آبشاری مرختان .

۶- هنکاري انحصار هاي محلي ساکنان هر محله با ستاد . انحصار ها بايستي از طريق ساچه و  
کرد هم آئي ها مردم را تشويق به ترکت از آئين مرختگاري نمايند و با آماده ساختن گروه ها و  
خيابانها و زمين هاي مناسب که براي مرختگاري در اختيار دارند از طريق ستاد حسنگاري لازم  
را کتب نمايند و باموقع فعال دريافت دارند .

۷- جوانان و دانش آموزان و ورزشکاران که بحق بايستي نقش مهمي در اين حرکت داشته  
باشند ضراء ساير نيروهاي داوطلب در زمان فراغت با ستاد تماس و براي کار در محل حسنگاري  
مرختگاري اعلام آمادگي نمايند .

۸- ساچه . کمينه ها . آموزنگاه ها . انجمن هاي دانش جويي و ساير نهاد هاي نردمسي  
ايرش اخلاقي و اجتماعي مرختگاري و نوبزه نگهداري و مراکزت هاي بعمار کانت را تشويق و آموزش  
دهند و با ستاد براي برنامه ريزي حسنگاري در موسم مرختگاري تماس گيرند .

پیوست ۴۱: اطلاعیه شهردار تهران به مناسبت درگذشت آیت‌الله طالقانی و یادآوری خدمات و راهنمایی‌های ایشان در برنامه‌ریزی شهری



شهرداری شهرداری تهران  
بسمه تعالی

همشهریان عزیز مردم مبارز تهران

با قلبی آکنده از درد و ملالی بی‌پایان از فقدان بزرگ مجاهد عمر انقلاب حضرت آیت‌المعظمین و تسلیت به همه شیفتگان و هموطنان همانطور که مستحضرید علم بزرگ ما همواره راهنما - مایه و منبع و سرچشمه برنامه‌های شهرداری تهران بوده‌اند - همه ما ضمن برصعلاقت و پیام‌های شوق‌انگیز ایشان را به‌مناسبت روزهای پاکسازی شهر تهران در ماههای اول بهد از پیروزی انقلاب اسلامی بخاطر داریم .

در برنامه‌ریزی کارهای عمرانی شهر همیشه ضرورت توجه به مناطق جنوب و حاشیه‌های شهر را تأکید داشتند و از اینکه شهرداری تهران مسائل و مشکلات را با مردم در میان میگذارد و با خودیاری و استمداد از تواناییهای سرشار و نهفته آنان میخواهد اصلاحات را انجام دهد بسیار راضی و خرسند بودند که نقطه اوج خواسته‌ها و ابعادهای ایشان تشکیل شوراهای محلی ساکنین گودها صورت تحقق بخورد گرفت .

پاراهنمائی و ارتقاء ایشان آئین‌نامه تشکیل شوراهای شهر تهران از مدتی قبل در دست مطالعه و تدوین است که بزودی جهت اطلاع و اظهار نظر مردم اعلام خواهد شد .

عنايت و علاقه نديده ایشان به مردم و تـر ایشان از اتلاف وقت و نیروهای انسانی و خسارتهای پیش آمده و بالاخره آلودگی هوا و مسائل شهری موجب شد که با درخواست شهرداری تهران در نماز جمعه چون پیسنگ کارشناس ویرزیده و بی‌نظر مردم را راهنمائی و درجهت همکاری باطرح ترفیغ و تأکید بر وظایف فردی ، همگنان را نصیحت و ارتقاء نمایند .

موضعی که مشکلات نوده شهر تهران با ایشان مطرح میشد پس از استماع گزارش خیلی صریح و روشن اظهار نظر فرمودند که نباید تحت تاثر مسائل عاطفی قرار بگیریم و برای حل مشکلات مردم در حاشیه‌های تهران اقدام به احداث خانه‌های جدید نکنیم بلکه باید علل مهاجرت و حضور مردم را در شهر تهران و سایر شهرهای بزرگ با دیدی همه جانبه بررسی و بطور ریشه‌ای و بنیادی برنامه‌ریزی و اقدام کنیم . خانه سازی در شهر تهران نه تنها سازه آنان و مشکلات اقتصادی مملکت را حل نمیکند بلکه مشکلات اقتصادی و اجتماعی جدیدی را بوجود می‌آورد . . .



شهرداری و آتلیته تهران

- ۲ -

راهنمایی‌های به‌مخبر و ارزنده ایشان در مسائل شهری به همه همکاران مافطرت و توان به‌بشتری می‌بخشید که بتوانیم تمامی امکانات موجود را در راه خدمت مردم بسیج کنیم و فراموش نخواهیم‌کرد که در سالروز شهدای هفده شهریور در بهشت زهرا دعوت شهرداری تهران را چگونه با اعلام‌ورا است انسانی پاسخ گفت و همه را به برادری ، همکاری - کوشش و سازندگی فرا خواند . تأکید و حمایت مبنای این است در همه حال پشخوانه بزرگی برای ارائه صاعمی و خدمات بیشتر بود و فقدان این مظهر حرکت اتحاد و آگاهی برای همه بخصوص در تاریخ معاصر کنونیان غایبه سنگین و جبران ناپذیری به‌آ آورد . است ، ولی امیدواریم با ادامه راه ایشان که همان راه انقلاب اسلامی ایران برهبری امام خمینی است با حمایت و همکاری مردم بتوانیم رسالت و وظیفه خود را نسبت به خدا و خلق خدا ادا نمائیم .

شهردار تهران

محمد توسلی

پیوست ۴۲: نامه آیت الله محمدی گیلانی (حاکم شرع و رئیس دادگاه‌های انقلاب اسلامی مرکز) به سرپرست گورستان بهشت زهرا در خصوص خارج کردن اجساد غیرمسلمان از قبرستان

تاریخ ۱۳۵۳ / ۹ / ۱۷

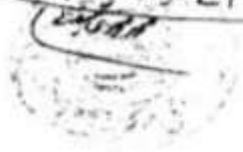
شماره ۴۵۳ - ۴۶۵

دستخط



سرپرست محترم گورستان بهشت زهرا

حسب اطلاع لاسته میسر شد افراد غیرمسلمان در آن گورستان دفن گردیده  
ظاهر آسندیدان قبرستان در سند شرعی اجماع داشته اند لذا اجماع می گردد  
که دفن مرد غیرمسلمان در گورستان مسلمین حرام است و حق القبر و  
سند مکان در کفایت در آن قبرستان در اجماع میسر شد و از گورستان را مگر نماید  
و در آئینده آئینده شرعی آئینده چون که تلف آن در آن حرام است  
حاکم شرع در کفایت آئینده شرعی آئینده



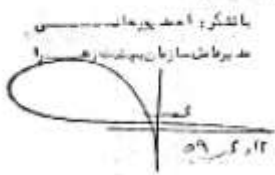
پیوست ۴۳: پاسخ مدیرعامل گورستان بهشت زهرا به آیت‌الله محمدی گیلانی



۱۳۵۹/۰۹/۲۲  
شماره: ۲۰/۸۹۳۶  
پیوست

حضرت مدعی الاسلام آقای سید محمد زکریا گیلانی، حاکم شرع

بازگشت به نامه شماره ۷۵۳ د ک م مورخ ۱۳۵۹/۶/۱۱ اشتهار رسید. آرد :  
اولاً در مورد گزارش اینکه افراد غیرمسلمان در گورستان بهشت زهرا دفن شده‌اند اگر چنین باشد چیزیست معلوم  
مردود بر ما بعد از پیروزی انقلاب نیست. هر چه بود در گذشته طاقت و تابانمان بود ما دست را گرفتیم و  
بعد از انقلاب است که ابتدا همه خود را مسلمان معرفی کرد فایده انبیا به گمراه در تفریق و اگر این چنین نیست  
و طبقه حاکم شرع بود و وسایل است حتماً این سازمان را مذبح میگرد تا انجام داده شود. تا آنجا که هیچ  
معلم یا مفسر بود متوفی برای ما از ان مفسر است چون به متوفی زامن شده و نه بستگاری را که  
افراد دیگر که شمرت به غیرمسلمان بود در اشتهارند که ستم مسئله شرعی را خوب میدانند زیرا با هم هستند که آنکه  
در مورد بهائیت اصل کردیم و در مورد بهائیان کتاب هم همچون - تا آنجا که ما شایسته هستیم نه و آنکه  
بهاغوشان که بعداً هم به شورا جدا در مردگان مخالف کنیم تا مسئولان ما هم و در بهشت زهرا دفن ~~مستحق~~  
بسیار نیست که آن را ستم ما ستم نیست بلکه برین - بر اساس امرشورا در انقلاب - حرمت خون شهید ~~است~~  
و حرمت باقی آن و آن عنوان مبرهنه و اصل و مکتب که با انکار خود بهای و برای روشنان انقلابان را که ~~مستحق~~  
و صرفاً به حد قدرت و بصیرت عبادت - خود متکبران در این مکان بعد از ان بعد از گرفته ایم به مقام و منصب و ~~گسی~~  
عنوان ما توضیح مراتب بد آن را بکنند و آنند و مورد مشکوکه اشیا است از این که برای ~~بچه~~ ~~توسیع~~  
تایید شود که خلاف کرد ما به این که جنازه‌سازند ما هم ستم ما شد ما دروازه همیشه بهما از ان ~~مستحق~~  
تا برای دفن جنازه‌سوز شرعی صادر نمایند - از بعد از در مورد اخراج آن اجساد که مورد تخریب و ~~بچه~~ ~~توسیع~~  
نمایند ما معرفی تا هم روز معرفی که پس از فوت شرعی انجام شود.



پیوست ۴۴: نامه شهردار تهران به وزیر کشور (آیت‌الله مهدوی کنی) در خصوص تخلفات و اقدامات سوء حاج ابوالفضل صراف‌ها (نماینده وزارت کشور در گورستان بهشت‌زهره)



تاریخ ۳۰ شهریور ۱۳۵۹

شماره ۹۹۳۴۰-ع

پیوست

جناب آقای مهدوی کنی  
وزیر محترم کشور

احتراماً، شماره ۵۶۱۳ مورخ ۵۹/۹/۱۱ آقای حاج ابوالفضل صراف‌ها را به عنوان نماینده وزارت کشور در سازمان بهشت زهرا منصوب فرموده‌اید تا امور مذهبی را زیر نظر فرزند محمد و راهنمایی‌های لازم را بیاورد. و چنانچه نظاهی مشاهده نموده به وزارت کشور گزارش نماید.

همانگونه که مستحضر دارید سازمان بهشت زهرا یکی از سازمانهای پایه شهرداری تهران است و حق این است که این امر از صدور این اطلاع‌نامه جانب را در جریان امر قرار می‌دهد. حتماً بر آن جناب بویژه نیست که سازمان بهشت زهرا دارای هیئت مدیره است معتمد و مسئول و در جمیع آقایان حضرت حجت الاسلام آقای نورالله... شهرداری میباید و امورات برعهده را دنبال و زیر نظر فاروق و در صورت ضرورت شرکت لازم را میفرمایند... و در لایحه مدیرعامل سازمان با تصویب شورای انقلاب و با اطمینان جناب آقای ابوالفضل بنی‌صدر به این تصدیق معصوب گردیده است و از افراد معتمد و مسئول میباید که مسلماً اجازه تخلف بناحق را نخواهد داد و این امر موجب تبعیت آقای صراف‌ها به جناب‌عالی گردیده است. برای مزید اطلاع اولین متخلف شخص آقای صراف‌ها میباید. با علم بر اینکه ایشان میباشند که سازمان بهشت زهرا با ویژه‌گفتاری خاص مذهبی که دارد باید از هر گونه آشوبگری فکری و نفسی مبری باشد و باین منظور مدیریت سازمان صراف‌ها یا اطلاعات کنی و مذاکرات نظاهی اطلاع میدارد از دامن هرگونه وجهی نگارگان سازمان مدیریت امور از انعام و نیرو جدا خودمباری نرسود. مع‌الوصف این بود فرصت طلب در شرایطی خاص خود را سازمان صراف‌ها و از مواظبت ها دفع خودمبارزه برداری میباید و از جامعین جناح خود نظر وجهی اخذ و بین اسلای و دیگران تقسیم میباید که این امر نه تنها بصلاً به صلاح جامعه انقلابی ایران نیست بلکه در جهت تضعیف و تخریبی در امر اداره بهشت زهرا میباید و چندین مرتبه به ایشان تذکر داده شده ولی موقتاً نگردیده تا اینکه با نامه جماعتی بدون اطلاع شهرداری تهران به سازمان مراجعه و موجبات بوهیروس امیر این سازمان مذهبی و مردمی گردیده. لذا ما اجازه نخواهیم داد که فرستنده اینگونه اخطارها خاص کارکنان و مسئولان و ذریع و بی‌توجه سازمان بهشت زهرا با چنین اعمالی خلاف قانون و اخلاقی یعنی ساهو فرصت طلب که حتی در گورستان مسلمان هم دست بردار نیستند آنسوده شود.

لذا با توجه به مراتب فوق حضور ایشان در گورستان بهشت زهرا بضرورت نمیباشد. استدعا می‌نماید پس از اطلاع نامبرده دستور فرمایند چنانچه در نحوه اداره امور بهشت زهرا از نظر اداری و امکاناتی نظر مقرر اعلام تا پس از رسیدگی گزارش آن ابلاغ شود.

محمد تقی  
شهردار تهران

رودوست حجت اطلاع سازمان بهشت زهرا ارسال میگردد.



پیوست ۴۵: یادداشت تشکر آمیز سفیر الجزایر در تهران به شهردار تهران بابت حضور در مجلس ترحیم قربانیان زلزله الاصنام در مسجد جامع قلهک

AMBASSADE D'ALGERIE  
A  
TEHERAN



مكثارة الجمهورية الجزائرية  
الديبلوماسية الشعبية  
طهران

جناب آقای توسلی  
شهردار تهران  
شهرداری تهران  
تهران

تاریخ : ۲۴ / مهرماه / ۱۳۵۹

بسمه تعالی

از حضور حضرتعالی در مجلس ترحیم که بمناسبت یادبود قربانیان زلزله الاصنام در مسجد جامع قلهک برگزار شد از طرف دولت و ملت الجزایر تشکرو سپاسگزاری میکنم و این را نشانگر احساسات صمیمی آنجناب به کشور و ملت مسلمان الجزایر میدانم که در این موقعیت با تمام خلوص و ابراز میگردد \*

موفقت جنابعالی و ملت شرف ایران را از درگاه خداوند متعال  
خواهم \*

بسرادقها - جد التکم فرایب  
سفیر الجزایر در تهران  
محمد کریم کریمی

وزارت تهران مترجم  
۱۶۹۲۸  
۱۳۵۹/۷/۲۹

پیوست ۴۶: نامهٔ تشکرآمیز دفتر سازمان آزادی‌بخش فلسطین در تهران به شهردار تهران به مناسبت موضع‌گیری شرافتمندانه نسبت به مبارزهٔ فلسطینیان در برابر صهیونیسم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

منظمة التحرير الفلسطينية

تهران



سازمان آزادی‌بخش فلسطین

تهران

شماره: شت / ۱ / ۱

تاریخ: ۱۳۵۹ / ۹ / ۱۸

رقم:

تاریخ:

برادر محترم توسلی شهردار تهران

درود انقلاب \*

دفتر سازمان آزادی‌بخش فلسطین در تهران از موضع شرافتمندانه شما نسبت به مبارزه خلق بنکارگر فلسطینی ما علیه دشمن صهیونیستی غاصب سرزمین ما ، بویژه از موضع شرافتمندانه و همبستگی شما با شهرداران الخلیل و حلحول که مقامات اشغالگر صهیونیستی آنها را از وطنشان تبعید کرده‌اند ، تجلیل میکند .

زنده باد همبستگی انقلاب فلسطین و انقلاب اسلامی ایران و انقلاب تا پیروزی ادامه دارد .

دفتر سازمان آزادی‌بخش فلسطین - تهران




پیوست ۴۷: نامهٔ معاون امور بین‌المللی وزارت امور خارجه به شهردار تهران در مورد برگزاری کنفرانس شهرداران پایتخت‌های اسلامی در جده

اداره امور بین‌الملل  
شماره: ۴۸۷۷۸-۴۱/۲۱۰  
تاریخ: ۱۳۵۸-۱۰-۲۶  
پیوست



دولت موقت جمهوری اسلامی ایران  
وزارت امور خارجه

خیلی خیلی فوری

جناب آقای محمد توسلی شهردار تهران

بموضوع شماره ۴۸/۵۷۷۸-۴۱/۲۱۰ مورخ ۱۳۵۸/۱۰/۸  
درباره کنفرانس شهرداران پایتخت‌های اسلامی اشعار می‌دارد:  
سفارت جمهوری اسلامی ایران در جده اطلاع داده است که  
کنفرانس مذکور در تاریخ ۲۶ تا ۳۰ ژانویه ۱۹۸۰ برابر با ۲۹ تا ۱۰ بهمن  
۱۳۵۸ در مکه معظمه تشکیل میگردد. خواهشمند است دستورات  
فرمایند چنانچه تغییری در ترکیب هیئت نمایندگی بعمل نیامده است  
مراتب را هر چه زودتر اعلام دارند تا به اطلاع مقامات برگزارکننده  
کنفرانس رسانده شود.

معاون امور بین‌المللی، اقتصادی و فرهنگی

علی صادقی تهرانی

پیوست ۴۸: متن سخنرانی مهندس توسلی در گردهم‌آیی کارمندان شهرداری تهران در پارک شفق



تاریخ ۱۳۵۸-۰۰-۰۰  
 شماره .....  
 پیوست .....

- ۱ -

بهايات آقای مهندس توسلی شهردار تهران در گردهم‌آیی کارمندان شهرداری تهران در پارک شفق

از فرصتی که پیش آمده که در خدمت نمایندگان کارمندان باشم خوشحال هستم و انتخاب آقایان را تبریکه میگویم چراکه قدمی است در کار اجتماعی و مکرانیک که کارها و اجتماعی را تقویت کنیم و این خود در لیل رشد اجتماعی همه ما است .

کارگران سندیهای کارگری تشکیل میدهند در مقابل کارفرما . کارفرمایی که کارگران را استثمار میکند که سود بیشتر ببرد سندیها تشکیل میشود تا از حقوق خود دفاع کند . در گذشته هم شما نمایندگان انتخاب میکردید در مقابل شهردار و نظام حاکم که از حقوق صنفی خود دفاع کنید .

اما باید بپذیرید که امروز چنین نیست . امروز دولت و منتخبین دولت نمایندند شما هستند . سالها مبارزه کردند برای احقاق حق طبقات استثمارشده و جامعه . و من خود را از شما میدانم . اینطور نیست که من اینطرف باشم شما آن طرف مسئله کارگرو کارفرما باشد .

بنده از روز اولی که کار بردار شهرداری شروع کردم قبل از اینکه نمایندگان شما در مورد مسائل رفاهی فکری مطرح کنند این احساس را داشتم که تا کارمندان شهرداری آن رفاه را نداشته باشند نمیتوانند عناصر مفید و سازنده باشند .

این برداشت را داشتم که مردم نسبت به کارمندان شهرداری دید خوبی ندارند و ما بر آن اینکسه شهرداری را سازمان مردمی بکنم بچون مردم و کارمندان شهرداری را محکم کنیم و در این جهت هم در هر صحبتی و در هر نوشته ای تا آنجا که مقدور بود تلاشی کرده‌ام .

در مورد آشنایه استخدامی شهرداری : از همان هفته های اول گروهی را انتخاب کردم که روی این مسئله مطالعه کنند .

و در این دو ماه گذشته این مطالعات ادامه دارد . خوشبختانه میتوانم بگویم آنچه سالها خواست کارمندان بود یعنی مسئله تفکیک نیست از گردید (رتبه) عملی میشود .

مسئله طبقه بندی مشاغل : یعنی اینکه برداشتی که به هر کارمند میشود تناسب مستقیم داشته باشد با خدماتی که عرضه میکنند و نتیجه این چنین آشنایه ای است که بخصوص کسانی که حقوقشان پایین است بالا خواهد رفت و کسانی که کار سخت دارند مثل کشتارگاه یا بهشت زهرا که باید



شورای سیاست

- ۲ -

تاریخ ..... ۲۵۴

شماره .....

پیوست .....

د وساعت وقتشان را صرف آمد و رفت کنند و باید فرقی با کسی که در خیابان تخت جمشید زیر کولر کار میکند داشته باشد .

هیأت وزیران بر اساس اطلاع و آگاه‌ها کامل تصمیمنامه ای صادر کرده اند که قسمتی از آن را میخوانم :  
 دولت مجبورتاً جارا است که برای برگردش در آوردن چرخهای اقتصاد ی کشور و ایجاد اشتغال و مولد و شعر بخش اقداماتی انجام دهد و ناچار است سرعت و در مقیاس وسیعاً زهزینه های خود گاسته و منافعی را برای ادامه و شروع و راه اندازی طرحهای عمرانی آزاد کند .  
 حداقل و تأیید ما اینستکه با مشکلات دولت خود را سهم بد انیم و شریک ساعی کنیم . الان چند ملیون بیگار وجود دارد ؟ تعید انیم . دولت میگوید برای برگردش در آوردن چرخهای تولیدی مملکت چند تا درخواست کوچک از شما داریم یکی مسئله پرداخت اضافه کار و دیگری مأموریتهای صوری - است که در شهرداری مطرح نیست کارشناسان و فارغ التحصیلان زیاد هستند که بیگار هستند درخواست دولت اینستکه برای اینکه بتواند چرخهای اقتصاد را برگردش در بیاورد آقایان انتظار زیادی نداشته باشند . آیا در این شرایط بعد از انقلاب درخواستی ساده تر از این میتواند باشد که از ما بکنند ؟ بعد از این تحول باید یک مقدار فشار را ماحتمل کنیم میشود انتظار داشت که همان حقوق مزایا و اضافات را حفظ کنیم و تمام فشار را برای اقشار دیگر بخواهیم بگوئیم ما انقلابی هستیم ؟ اگر واقعا در این جمع دوستان فکر میکنند این تصمیم دولت غیر منطقی است آقایان نمایندگان کارمندان بانمایندگان دولت مذاکره کنند . این دستور نیست که ماده باشیم . وقتی چرخهای اقتصادی مملکت در حرکت در بیاید اثراتش در زندگی فرد فرد ما منعکس میشود .

مسئله مسکن : یکی از مشکلات مامسکن است . در مورد مسئله مسکن کارمندان و کارگران برنامه ریزی .....  
 را شروع کرده ایم و با جمع معا اینکه در غرب تهران وزارت مسکن و شهرسازی مشغول تمام آن است در تعارض هستیم کتعداد قابل ملاحظه ای از آنها را بگیریم و در اختیار کارمندان شهرداری قرار بدهیم ولی این احتیاج بزمان دارد . این امکان پذیر نیست که طرف دو ماه این مسائل را حل کنیم . انتظار داریم که با تحمل درست مسائل اجتماعی یک چند ماهی مشکلات را تحمل کنیم با واقع بینی و صبر انقلابی مفهوم صبر انقلابی یعنی یک تحمل آگاهانه تحلیلی که با بنفش و بصیرت توأم است . تا حالا اضافه کار به همه پرداخت میشد و از این به بعد یکسانی پرداخت میشود که کار اضافی انجام دهند . مثل سازمانها اینکه خدماتی انجام میدهند که مستلزم کار اضافی است . مثل آتش نشانی . بهشت زهرا



شورای ملی

-۳-

تاریخ ..... ۱۳۰۳

شماره .....

پیوست .....

کشتارگاه و مخصوص کارهای خدمات شهری .

در مورد پاکسازی : عده ای خارج آمدند و بودند . عده ای در سطح باز نشستگی بودند و عده ای مشاورین بودند و پس از تحقیق جلوی بعضی از آنها اعلامیه های خیلی کوچک و برخی اعلامیه های خیلی بزرگ بود . در مورد پاکسازی چه کسانی اولی تر از خود شما هستند که سالها در کنار همکاران خود کار میکردید و شناخت مستقیم دارید ؟ تأکید میکنم کوشش کنیم با احدی اختصامیت و با احساس تعهد و مسئولیت بپردازیم و اینکه شهرداری باید بصورت سازمان مردمی در بیاید و کسانی باید در شهرداری کار کنند که عشق و علاقه با بنا کرد داشته باشند . تا وقتی که عوامل فاسد در شهرداری وجود داشته باشد و تا زمانی که عوامل وابسته به رژیم گذشته وجود داشته باشند و نمیتوانیم انتظار داشته باشیم شهرداری بصورتیک سازمان مردمی در بیاید .

در مورد انتخابات : اگر یک روز شهرداری وقت همشهریهای خود را میآورد امروز ما کسانی را که عشق و علاقه بخدا و مردم دارند بشهرداری میآوریم و بگرسنگی مزایا و مسئله حقوق و مشق بمقام انگیزه کارشان در شهرداری نیست در مورد بقیه پستها بعد بران گل و سایر پستها اعتقاد اینست که از کار روز بسنده و ساخته شده شهرداری استفاده بشود . وقتی می بینم وضعیت شهرداری بوضیقه العاده بسدی در آمده مجبورم از کسی خواهش کنم . تقاضا کنم اینکار را انجام بدهد و هر کسی در این شرایط قبول مسئولیت جز در سرجزه کار ؟ ساعتی هیچ مزیت دیگری ندارد . مزیتی که دارد همان علاقه خدمت است . عبادت است بنا بر این اگر کسی از خارج میآید که بخدمت کند و شعا صداقت و صمیمیتش را ضمن عمل می بینید دستش را بشارید و با او همکاری کنید . خلاصه میکنم در مورد انتخابات با کمک شما کوشش میکنم شایسته ترین افراد را که در شهرداری هستند انتخاب کنیم چه در سطح مناطق و چه در سطح سازمانها دیگر .

بند و از این همکاری که خواهید کرد تشکر میکنم و امیدوارم که با کمک شما بخصوص در این شرایط حساس انقلاب دین خودمان را بخدمت ما در انکم و در این سنگر وظیفه خودمان را به بهترین نحو انجام دهیم هر حال بند و در اختیار همه شما هستیم اگر با هم مسائل دیگری مطرح بود در خدمت شما هستیم .

پیوست ۴۹: اقدامات رفاهی انجام شده برای کارگران شهرداری



شهرداری پایتخت

بسمه تعالی

۲۰۷۲۳  
۱۳۵۸/۸/۲۴

اطلاعیه جهت کارگران شهرداری تهران

### کارگران عزیز

شهرداری تهران بمنزله یک سازمان کارگری بزرگ همواره کوشیده است تا در حدود امکانات خود در بالابردن سطح زندگی کارگران شهرداری که بحق از زحمات کثرت‌ترین گروه کارگران میباشند از هیچ‌گونه تلاشی و توجهی فروگذار ننماید. ذیلاً خلاصه اقدامات انجام شده در سال جاری را به‌منظور باآزایی بااطلاع می‌رساند :

۱- اجرای تصویب‌نامه شورا محالی کار در مورد پرداخت ماهیانه تفاوت حداقل دستمزد :

از آنجا که باتوجه به کسری فاحش فرآمد شهرداری تهران اجرای تصویب‌نامه شورا محالی کار موکول به تأمین اعتبار لازم از بودجه دولت بود ، از تاریخ اصلاح تصویب‌نامه مذکور اقدامات لازم برای تأمین اعتبار مورد نیاز که مبلغ آن متجاوز از ۳۰۰ میلیون تومان اضافه پرداخت است بعمل آمد . سپس از اخذ نتیجه در تاریخ ۱۳۵۸/۸/۱۹ صدور احکام پرداخت ماهیانه تفاوت از تاریخ ۵۸/۱/۱ برای کلیه کارگران آغاز گردیده و از هفته آینده نیز پرداخت آن شروع خواهد شد .

۲- تأمین حداقل معیشت برای کلیه کارگران :

پس‌حافظ تأمین حداقل امکانات برای کم‌درآمدترین قشر کارگران ، شهرداری تهران در اردیبهشت ماه سال جاری تقبل نمود که بکلیه کارگران رسمی که مجموع حقوق و مزایای دریافتی آنان از ۲۵۰۰۰ ریال کمتر میباشند ماهیانه تفاوت تا حداقل مزبور ترمیم گردد . همچنین برای کارگران فنی نیز حداقل ۵۰۰ ریال در روز دریافتی تضمین گردید .

۳- اجرای مفاد پیمان دسته‌جمعی که در رژیم گذشته منعقد شده بود :

گروه به تصدیق عموم کارگران پیمان دسته جمعی مورخ ۵۷/۸/۱۶ شهردار وقت صرفاً برای منحرف ساختن مبارزات سیاسی کارگران و تلاشی مذمومانه برای حفظ رژیم م



شهرداری پایتخت

- ۲ -

۲۰۷۲۳  
۱۳۵۸/۸/۲۴

بوده است ، لیکن از آنجا که محتوی آن در جهت رفاه کارگران میباشد گوشش گردیده  
 کلیه مواد مورد توافق اجرا گردید که مهمترین آنها عبارتند از :

الف - پرداخت دیماه مزایا و یکماه دهمزد بعنوان پاداش و عیدی سال ۵۷۲ با وجود  
 همه کمبودهای مالی شهرداری .

ب - پرداخت یکماه دهمزد بعنوان پاداش شش ماهه اول سال ۱۳۵۸ به کارگران  
 رسی و موقت که بویژه پرداخت پاداش به کارگران موقت در گذشته معمول نبوده است .

ج - احتساب ۲۲ روز مرخصی استعاضی برای کلیه کارگران

د - پرداخت تفاوت مستمری با کارگران بازنشسته و وراث قانونی آنها

ه - پرداخت مبلغ ۲۵ میلیون ریال کمک بلاعوض ب صندوق وام ضروری کارگران  
 و پرداخت وام به کارگران .

۴- رسی کردن کارگران :

از آنجا که در درجه اول هدف اساسی رسیدگی بوضعیت محرومترین قشر کارگران  
 شهرداری تهران بوده است ، گوشش گردید کارگرانی که در سالهای گذشته بصورت  
 قراردادی ، پیمانی ، وحتی موقت استخدام شده بودند و در بلاتکلیفی بسر میبردند  
 بصورت رسی درآیند و در حال حاضر نیز کارگرانی را مشمول تهیه و صدور احکام مربوطه  
 میباشد .

۵- تأمین مسکن برای کارگران :

بدین منظور با استفاده از وام بانک رفاه کارگران و ایجاد واحدهای در اداره کل رفاه  
 برای پیگیری عملیات ساختمانی و اختصاص دادن زمینهای آزاد برای مسکن کارگران تاچنین  
 مسکن کارگران بطور اساسی مورد توجه قرار گرفته است .

۶- پرداخت ترغیبات استعاضی کارگران :

علیرغم کمبود اعتبارات شهرداری احکام کلیه پایههای استعاضی کارگران صادر گردیده  
 و نسبت به پرداخت مابقی تفاوت آن در حدود امکانات مالی اقدام بعمل آمده است .





شهرداری پایتخت

۲۰۷۲۳

۱۳۵۸/۱/۲۴

- ۲ -

کارگران عزیز :

توجه میکنیم که شهرداری تهران در شرایط و امکانات بعد از پیروزی انقلاب تا چه حد در جهت تأمین رفاه و نیازهای شما تلاش کرده و میکند. بدون تردید این اقدامات نمیتواند شرایط سخت زندگی بسیاری از شما را دگرگون سازد چه حل اساسی این مشکلات نیاز به انجام تحولات انقلابی در تمام شئون اجتماعی داشته و مستلزم زمان و امکانات میباشد. موجب تعجب است درحالیکه کارگران - بسیاری از شهرداریهای مملکت دستمزد اندک خود را در چند ماهه گذشته دریافت نکردند، درحالیکه اقشار مختلف مردم با مشکلات سخت زندگی روبرو هستند و درحالیکه ملت ما با هر رهبر عالیقدر خود امام خمینی با اجرای برنامه روزه سیاسی آماده تحمل بسیاری از سختیها و فشارهای اقتصادی میشود نمایندگان کارگران ما با عنوان " شورای اسلامی کارگران شهرداری تهران " با اطلاع کامل از تمام اقدامات انجام شده و مشکلاتی که شهرداری تهران و دولت انقلاب اسلامی با آنها روبرو است با صدور اطلاعیههایی اقدامات انجام شده را ناپایده گرفته‌اند - شما باید اطمینان داشته باشید که جهت انقلاب اسلامی ما تأمین نیازهای طبقات محروم و مستضعف جامعه است و در حد امکانات عمل مینماید.

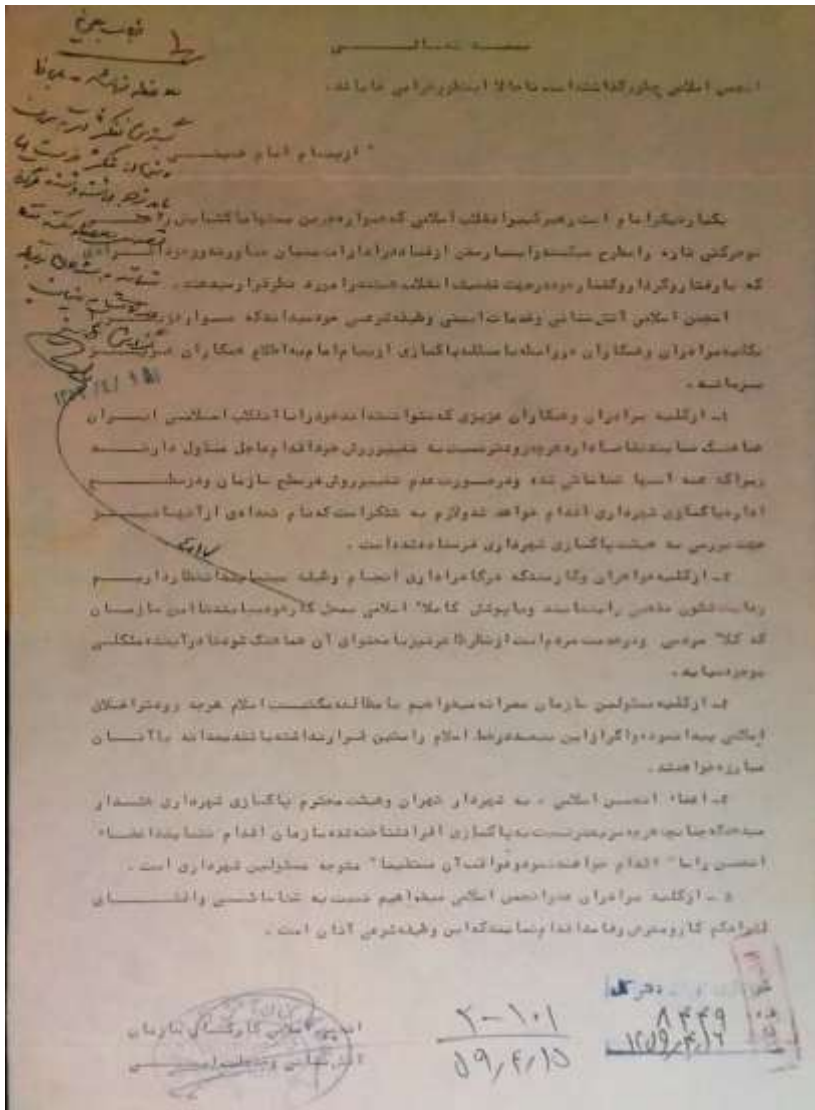
در صورتیکه حقوق قانونی شما همکاران با توجه به اقدامات انجام شده تضمین شده باشند میتوانید موارد آنرا صریحاً به دفتر اینجانب بنویسید تا در جلسهای که با حضور نماینده شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران و وزارت کار و امور اجتماعی و سازمان برنامه و بودجه و نمایندگان شما تشکیل خواهد شد مورد رسیدگی قرار گیرد .

محمد توسلی  
شهردار تهران

۱۳۵۸  
۱/۲۴



پیوست ۵۱: اطلاعیه انجمن اسلامی کارکنان سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی در مورد لزوم پاسسازی در شهرداری و رعایت ضوابط اسلامی در آن



پیوست ۵۲: اطلاعیه کارکنان سازمان خدمات موتوری شهرداری در اعتراض به مصوبات نمایندگان کارمندان شهرداری



پیوست ۵۳: اطلاعیه شهردار تهران در دفاع از مهندس بوشهری و مهندس صنّیع پور و رد اتهامات وارده از سوی شورای کارمندان شهرداری تهران



شهرداری پایتخت

بسمه تعالی

۱۳۵۳/۸/۸

تاریخ ..... ۲۵۳

شماره .....

پیوست .....

اطلاعیه جهت کارکنان شهرداری تهران

همکاران عزیز

بدین‌گونه اطلاع‌دهیم در چند روز گذشته در مطبوعات مسائلی در مورد آقای مهندس بوشهری و مهندس صنّیع پور سابق شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و آقای مهندس صنّیع پور معاون صنّیع پور سابقاً اجرای شهرداری تهران در جهت منقلب آن نام‌های بدون تاریخ و واسطه بنام شورای کارمندان شهرداری تهران و همسواان اینجانب ارسال شده است .

نظر اینکه انتشار این اتهامات تاریخی مصالح انقلاب اسلامی ما را هدف قرار داده و فرس از حلاکت‌گه به افراد مینهد انتشار بدبینی و سوءنظام در مردم است لذا لازم دیدیم برای آگاهی شما بزرگواران به ابهام و شبهه‌های موارد زیر را با اطلاع برسانم .

۱- آنچه در روزنامه گه‌بان مورخ ۵۸/۷/۳۰ به نقل از ماسرای انقلاب و بعنوان سازمان ثبت اسناد با تخریر مرتضی و محرک درج شده بود در تاریخ ۵۸/۸/۲ کلاً توسط جهت‌الاسلام قدوسی دادستان کل انقلاب اسلامی ایران تکذیب گردیده است .

۲- آقای مهندس بوشهری بانوجهی حسن سابقه به همکاری با شهرداری تهران دعوت گردید و در سمت همکاری با شهرداری تهران در شرکت واحد ملاحظه می‌شود به انقلاب و صحت عمل و تلاش فراوان خود را نشان داد ولی به علت حجم زیاد کار و پیچیدگی مسائل داخلی آن شرکت وعدم توفیق در اجرای وظائف محوله مستعفی گردید .

۳- آقای مهندس صنّیع پور از افراد مورد اعتماد است که سابقه کار و فعالیت‌های اجتماعی و مبارزات وی برای کسانی که از نزدیک با فعالیت‌های انجمن اسلامی مهندسان تماس داشته‌اند کاملاً روشن است وی در شرایطی که فراتر فشارهای رژیم گذشته انجمن اسلامی مهندسان جز افرادیکه صلاحیتش از مسلم می‌گردید به عضویت نمی‌پذیرفت باین انجمن مطلق شد و در سمت همکاری وی با شهرداری نبود و آن نیز نداشت تلاش‌های دیگری و اینان و ملاحظه می‌شود که به انقلاب و مردم بودعالم و تلاش وی در مدیریت کارهای اجرایی شهرداری که موجب جلب رضایت مردم و مردمی‌شدن شهرداری تهران گردیده است کاملاً روشن و برجسته است .

۴- آنچه در اینجا باید با توجه کرد پاسخ این سؤال است که چرا نام‌های با این طاق توسط معاون ماسرای انقلاب وقت به سازمان ثبت اسناد نوشته شده و چرا بعضی از مطبوعات و منقلب آن گروه‌های شایعه شده با این مسئله در جهت تصحیف دولت و انقلاب دامن می‌زنند و چرا در پرونده‌های که بر اساس اظهار دادستان کل نامی آقای مهندس صنّیع پور برده نشده و حتی یکبار هم ایشان برای تطبیق احضار نگردیده است . اصرار در اینست که ویرا مجرم معرفی نمایند .



شهرداری پایتخت

تاریخ ..... ۲۵۳

شماره .....

پیوست .....

- ۲ -

طرح این شمولات صرفاً به لحاظ پیوند عمیق ما به انقلاب اسلامی و ضرورت نشاط و عامل نامالک و پاکسازی آنجا برای بنیاد انقلابی و تأکید بر لزوم آگاهی و روش‌یابی برای فعالان و تشکیلات انقلاب اسلامی است و نشاط - مادیات - کل انقلاب اسلامی برای زمینه پیگیریهای لازم و معمول خواهد شد.

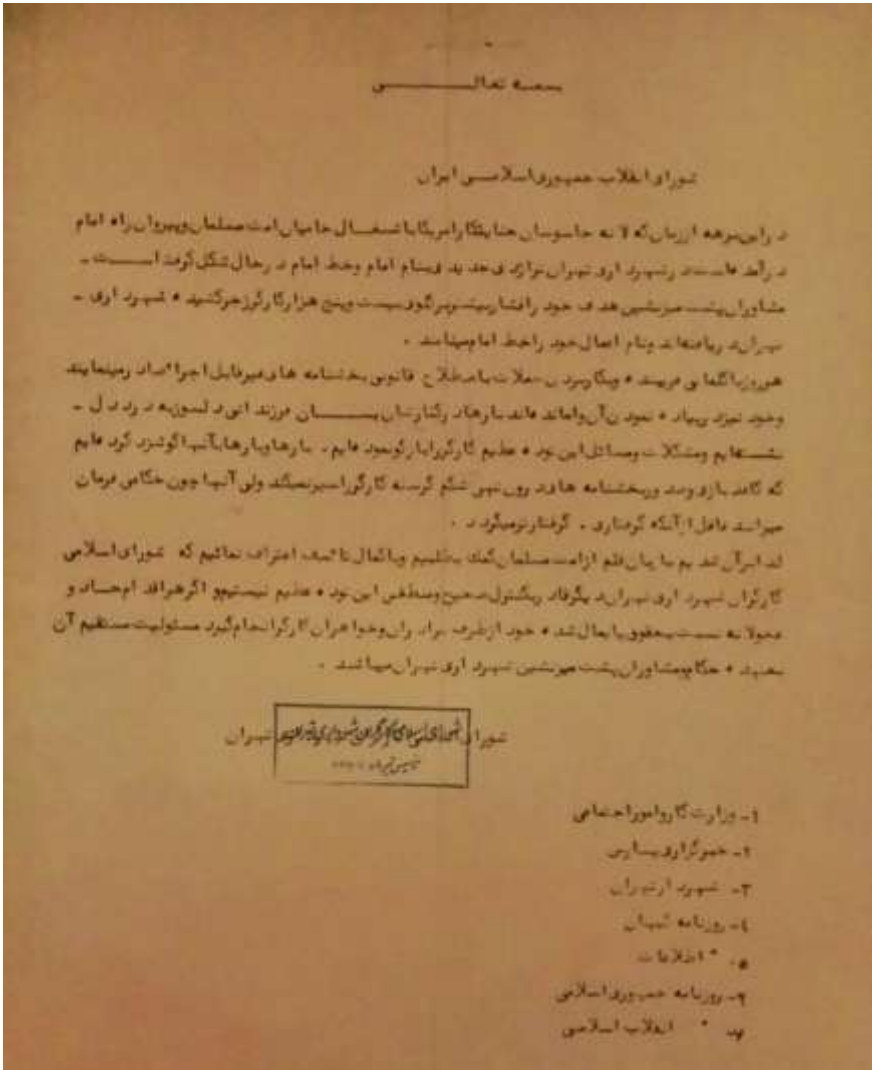
در فرجه‌های این انتظامات مواظبت اصلی مشهود است - خط اول اعمال نظر افراد ذیصلاح برای پیونده از طریق نفوذ در مادیات انقلاب و صدور نامه به سازمان ثبت اسناد و املاکات دیگر است که برای مضمحل کردن آنها خودمباری میسر شود - لازم به تذکر است که آقای مهندس ضعیف پور گسه بعنوان یکی از کارکنان رسمی و متصدیه مادیگسری مأمور رسیدگی و اظهار نظرانی روی پیونده میسر و منتظر نمی‌شود تا کتب اظهار نظری ننویسد است - خط دوم به پیرومرداری گروهها و افراد مفرض از این ماجرا علمای انقلاب و دولت و تفصیل روحیه مردم است .

با آنچه در فضای که تحت عنوان شورای کارمندان شهرداری تهران خطاب به اینجانب آمده با آنکه به این انتظامات تازیا و افزودن انتظامات واهی و مفرطانه دیگر است - عبارات و کلمات این نامه کاملاً شایسته اصحاب بیانیهها و غیر نامطمئن است که چند ماه قبل توسط افراد چپ نما تهیه می‌شود و با جعل اخبار و آقا ذیاب میخواستند به حرکت انقلابی کارکنان شهرداری تهران ضربه وارد سازند و ضربه دهنده که چگونه توسط کارکنان حدیق و زحمتکش شهرداری تهران طرد شدند - اینک بار دیگر بسا استفاده از این فرضی که برایشان فراهم شده است یا سوء استفاده از شعارهای اسلامی می‌خواهند در صحنه ظاهر شوند و نیروی کارکنان شهرداری را که باید در خدمت مردم باشد ، با ایجاد تزلزل و تردید به نهایی بکنانند - چه فرضی نشد شهرداری و حرکت و جهت آرمانهای انقلاب اسلامی بخاری است در چنان گور اتان .

بدین ترتیب شهرداری تهران با کمک همه شما و با تعلقیت و اصراری خود را ادامه خواهد داد و نظام افرادی را که سه این راه باشند طرد و تعقیب خواهد کرد - انتظار و توصیهها همه شما در این شرایط حساس اینست که همواره عفا و مصالح انقلاب اسلامی مردم را در نظر داشته باشید و بجای پذیرفتن این تاخیرات که خواست دشمنان مردم است همانطور که رهبری انقلاب اخیراً تأکید کرده‌اند تمام نیروهای خود را در جهت بهبود و عرضه خدمات بیشتر به مردم متمرکز نمایند که این را با انقلاب اسلامی ما است . در صورتیکه ابهامی در موارد ذکر شده وجود داشته باشد همینجا آماده امان توضیح بیشتر هستیم .

محمد توسلی  
شهردار تهران

پیوست ۵۴: اطلاعیه شورای اسلامی کارگران شهرداری تهران مبنی بر مخالفت با بخشنامه‌های صادره از سوی معاونان و مشاوران شهرداری تهران







پیوست ۵۶: تصمیمات کمیسیون رسیدگی به امور رفاهی کارگران شهرداری تهران



پیوست ۵۷: صورت جلسه اعضای کمیسیون در مورد رسیدگی به درخواست های رانندگان  
شهرداری تهران

**شهرهائی بخت**  
بسمه عالی

فرخ \_\_\_\_\_  
شماره \_\_\_\_\_  
پیوست \_\_\_\_\_

صورت جلسه ۲۱/۱۱/۵۹

موضوع: درخواست های رانندگان شهرداری تهران، کمیسیون در تاریخ ۲۱/۱۱/۱۳۵۹ در دفتر جناب آقای شهردار، با حضور اصحاب: کندی، کمال ذیل تشکیل  
وین جلسه جهت تبادل نظر موافق شد که تا پایان فروردین ۱۳۵۹ طرح  
طبقه بندی مشاغل کارگران شهرداری و جدول حقوق آنها با معیار متوسط حقوق و  
مزایای کارگران مشمول قانون کار سایر دستگاه های دولتی و شرکت های راه آهن تهران  
مورد بررسی قرار گرفته و نسبت به حاصل نمودن آن اقدام در صورت  
وجود باره مالی که اول فروردین ماه سال ۱۳۵۹ ماه انفکات نامش گوید.  
~~مشروط بر اینکه در این حیطه کارگران~~  
کلاس شایسته...  
اصحاب سرزاده...  
در تاریخ فروردین ماه ۱۳۵۹...  
منطقه ۹

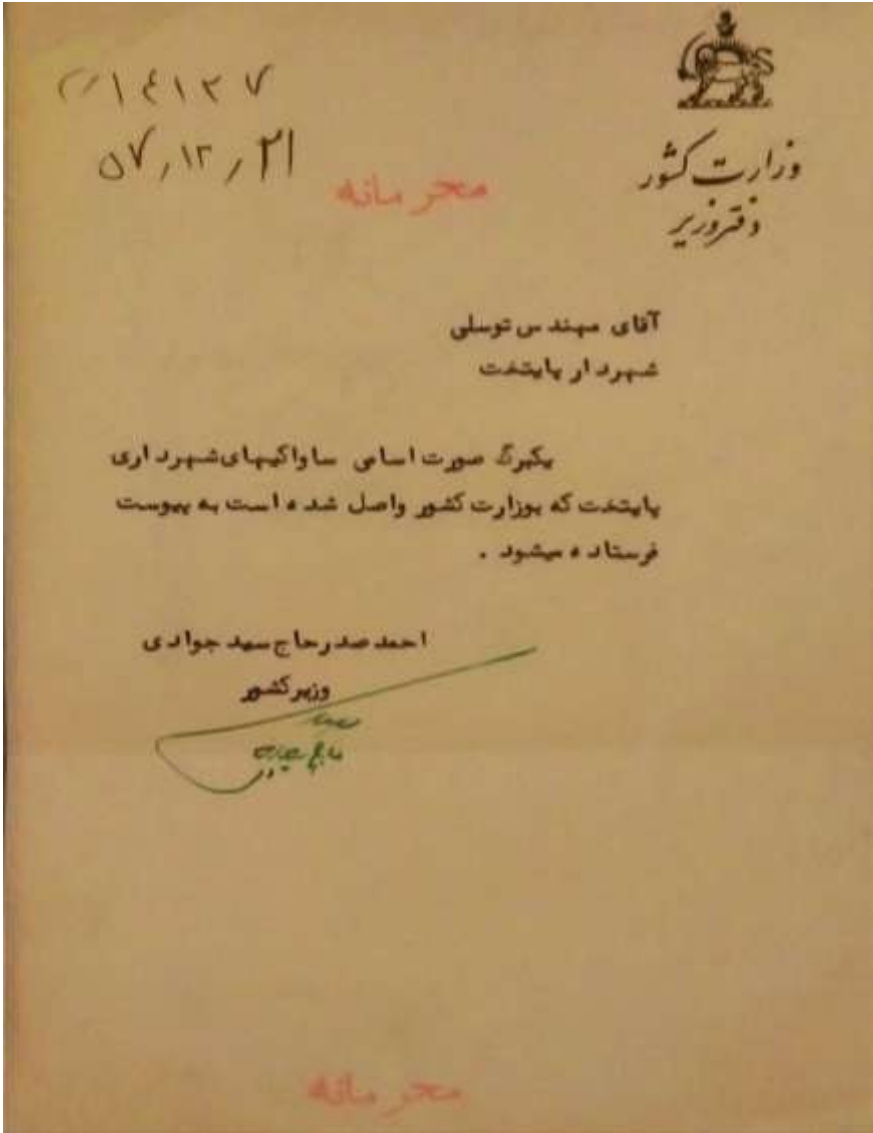
۱۳۵۹

۱۱/۱۱/۵۹

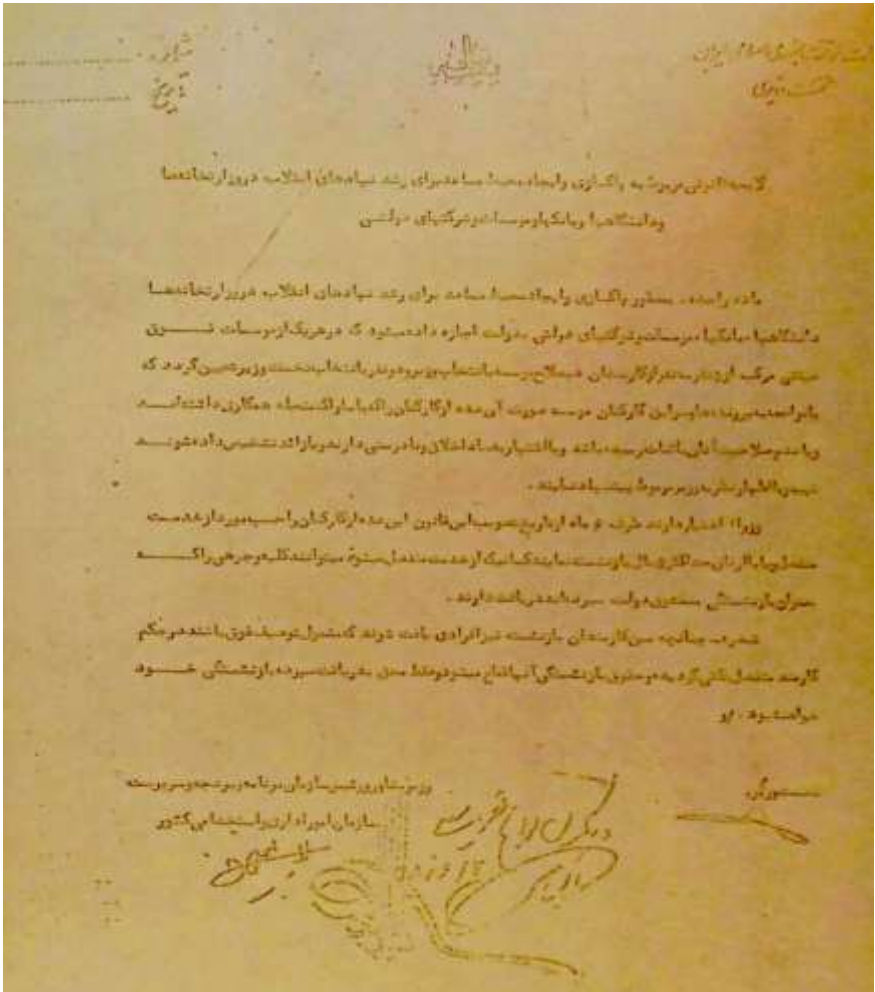
۱۳۵۹

منطقه ۹

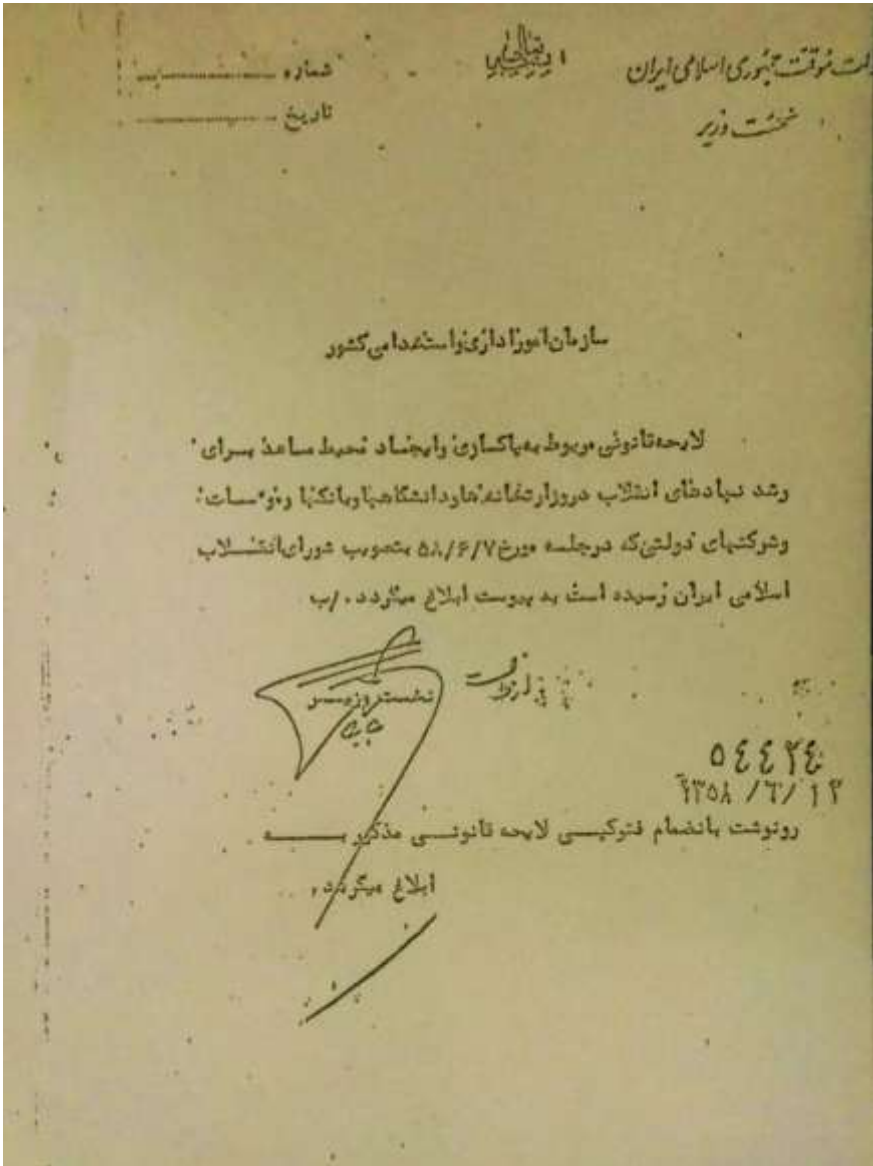
پیوست ۵۸: نامهٔ محرمانه وزیر کشور به شهردار تهران در مورد اعلام اسامی ساواکی‌های  
شهرداری پایتخت



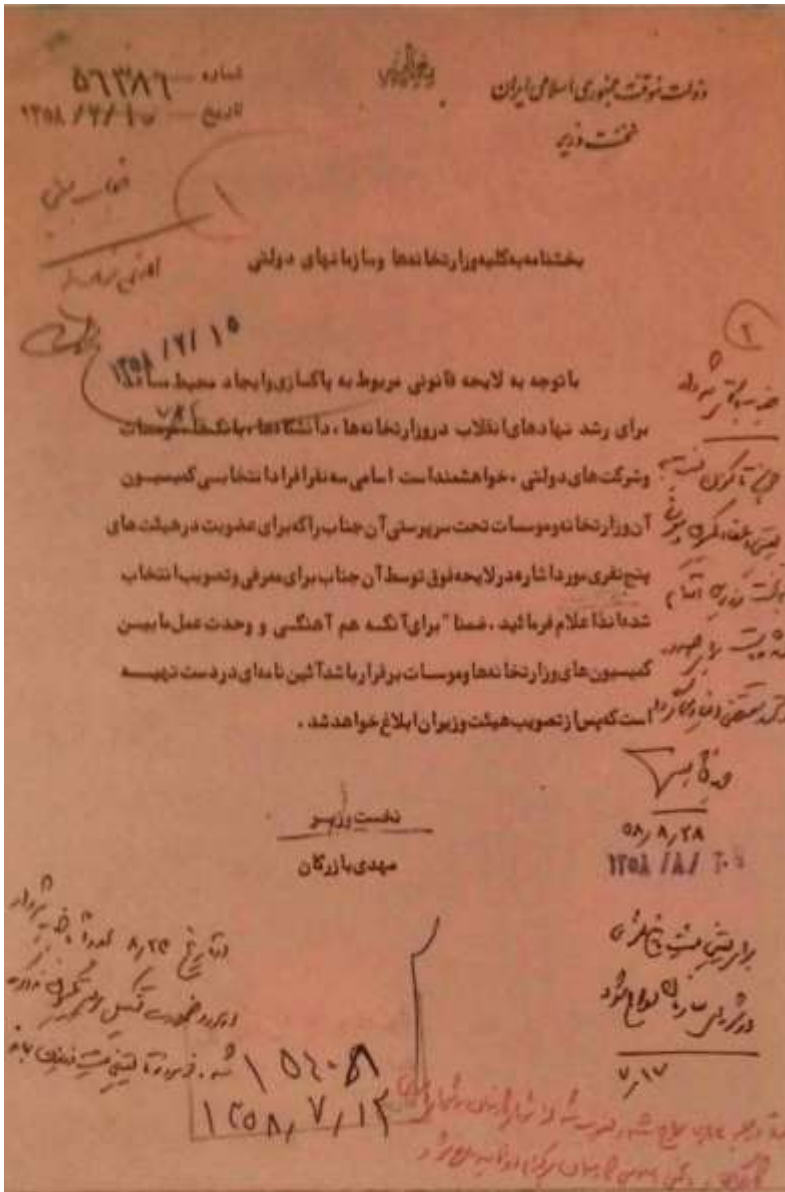
پیوست ۵۹: متن لایحه قانونی پاکسازی



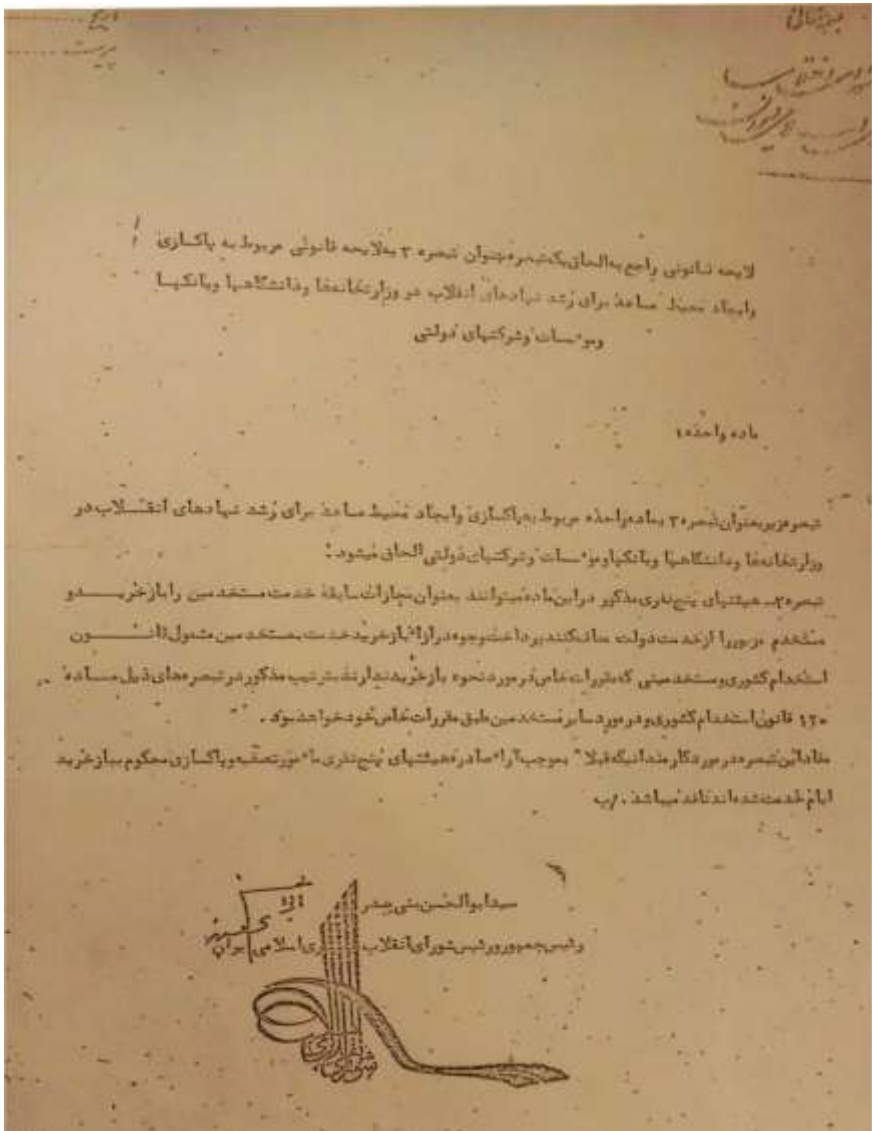
پیوست ۶۰: نامه مهندس بازرگان به سازمان امور اداری و استخدامی مبنی بر ابلاغ لایحه قانونی  
پاکسازی



پیوست ۶۱: بخشنامه به کلیه وزارتخانه‌ها و ... در مورد لایحه قانونی پاکسازی



پیوست ۶۲: افزودن تبصره به لایحه قانونی پاکسازی از سوی رئیس‌جمهور و رئیس شورای انقلاب



پیوست ۶۳

سند ۱: صدور حکم انتصاب سه تن از اعضای کمیسیون مربوط به پاکسازی از سوی شهردار تهران



تاریخ ۱۳۵۸-۱۰-۲۸

شماره \_\_\_\_\_

پیوست \_\_\_\_\_

شهرداری پایتخت  
سرکاری  
مجلسین حضرتی  
مهر پارس مقدم  
وزیران فرهنگ تهرانی

بموجب این حکم با حفظ سمت به عضویت کمیسیون و نظارت  
موضوع اجرای لایحه ثانوی مربوط به پاکسازی و ایجاد محیط  
مناسب برای رشد نهادهای انقلاب در شهرداری تهران منصوب  
میگردد که با تشکیل کمیسیون و مراجعه به پرونده ها و سوابق  
کارکنان شهرداری صورت آن عده از کارکنانی را که با سوابق منطبقه  
هنگامی مشاهده می نمایند یا عدم صلاحیت آنان با ثبات رسیده باشد و یا  
انتخاب به ضابطه اخلاقی و تأمرستی دارند و یا زائد شخصی عاده  
شوند ، با همین نوع تصمیمی که بر اساس آئین نامه اجرایی  
لایحه مذکور بایستی اتخاذ گردد ، تهیه و پیشنهاد فرمایند تا  
تصمیم لازم نسبت به آنها اتخاذ شود .

محمد توسلی  
شهردار تهران



سند ۲: صدور حکم انتصاب عباس ابوذری به عضویت در کمیسیون ۵ نفره مربوط به پاکسازی از سوی وزیر کشور



وزارت کشور  
دفتر وزیر

۸۰۵۰۸ / م  
۲۷ / ۱۱ / ۱۳۵۸

آقای عباس ابوذری

بموجب این حکم عضویت کمیسیون پنج نفری موضوع اجرای لایحه قانونی مربوط به پاکسازی و ایجاد محیط مناسب برای رشد نهادهای انقلاب در شهرداری تهران منصوب میشود که همه روزه با تشکیل کمیسیون و مراجعه به پرونده‌ها و سوابق کارکنان شهرداری صورت آن عده از کارکنانی را که با سوءاقدام منحل‌ه همکاری داشته‌اند یا عدم صلاحیت آنان بانیات رسیده باشد و یا اشتباه نه فساد اخلاق و نادرستی دارند و یا رانندگی تشخیص داده شوند تهیه و پیشنهاد فرمایند تا تصمیم لازم نسبت بانها اتخاذ شود.

سرپرست وزارت کشور

مهدوی‌کنی

محمدعلی  
۲۵ / ۱۱ / ۵۸

## پیوست ۶۴: اطلاعیه شهردار تهران در مورد ضرورت انحلال اداره بازرسی



شیرداری تهران

بسمه تعالی

## اطلاعیه برای کلیه کارکنان شهرداری تهران

نظر باینکه ۱۸ نفر از کارمندان اداره کل بازرسی سابق نامه ای به دفتر اینجناب ارسال داشته و فتوکی آنرا برای اطلاع کارکنان شهرداری تکثیر و ترویج نموده اند . در پاسخ توجه کلیه همکاران گرامی را به نکات زیر جلب می نماید :

۱- انحلال اداره کل بازرسی بدلیل عدم کارآیی و در جهت اجرای برنامه تجدید سازمان واحد های شهرداری بعنوان یک ضرورت و براساس مطالعه کافی صورت گرفته است .

۲- صلاحیت آن تعداد از کارکنان بازرسی که نامه به مقامات و جراید را امضا نموده اند برای ادامه کار در شهرداری تهران مورد تردید قرار گرفته است زیرا که موارد قابل بررسی در نامه مذکور با توجه به اطلاعات موجود در پرونده ها با واقعیت تطبیق نمی کند و از آنجا که گزارش بازرسی باینستی با بی نظری و دقت کافی تنظیم شود و در نامه مذکور عکس این موضوع ثابت شده است این احتمال وجود دارد که امنیت شغلی تعدادی از کارکنان رحمت کش شهرداری درگذشته بی جهت بوسیله این بازرسی به مخاطره افتاده و به شرافت کاری آنها لطمه وارد شده باشد .

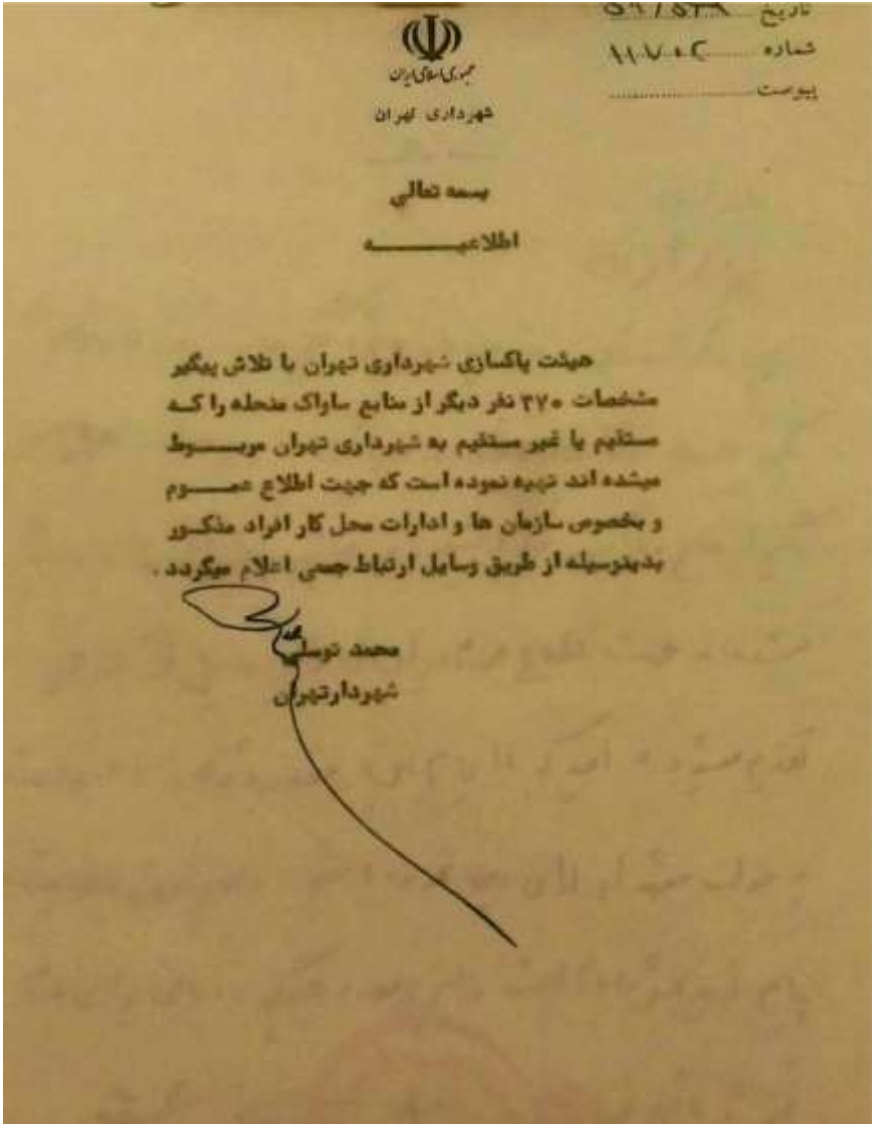
برحسب دلیل حداقل مجازات اداری در مورد تعدادی از کارمندان بازرسی اعمال شد و پرونده های آنان برای رسیدگیهای بیشتر به هیئت پاکسازی فرستاده میشود تا تصمیم نهایی در مورد آنان اتخاذ و مرحله اجرا گذارده شود .

۳- محتوی نامه ای که قبلاً تعدادی از کارمندان بازرسی امضا و برای مقامات و جراید ارسال کرده بودند نشانگر طردن و برخورد غیر اصولی شده معمولی است که در بنگال گذشتگیه کوشش داشته اند بصورت مختلف از کارکنان ترفیخ شهرداری را متحرک و مدیریت شهرداری را با ایجاد مسائل فرضی و جانبی از حرکت فعال باز دارند و با ایجاد تحریک در بعضی از واحدهای شهرداری مشکلاتی برای مدیریت شهرداری و عرضه خدمات به مردم شهر تهران فراهم کنند گسسه جزئیات آن بموقع اعلام خواهد شد .

۴- نامه مورخ ۱۳/۱۲/۵۸ هیجده نفر کارکنان سابق بازرسی در این مورد که از ادامه کار براساس احکام صادره خودداری می نمایند بهیچوجه قابل قبول نیست و موظف هستید در اسرع وقت در واحد هائی که برای آنان تعیین شده است بواجبیران کم کاری های گذشته خود فعالانه خدمت نمایند . در غیر اینصورت در مورد آنان تصمیم منفی اتخاذ خواهد شد . و بجز صورت قابل تحمل نیست کسانی که از بیت انمال حقوق دریافت میدارند کوچکترین اعمال و سستی در انجام وظیفه داشته باشند .

محمد توسلی  
شهردار تهران

پیوست ۶۵: اطلاعیه شهردار تهران در مورد رسانه‌ای کردن اسامی ۳۷۰ ساواکی مرتبط با شهرداری تهران



پیوست ۶۶: نامه سرپرست شهربانی (مصطفی میرسلیم) در مورد تغییر لایحه قانونی واگذاری امور انتظامی راهنمایی و رانندگی به شهرداری

**شهربانی جمهوری اسلامی ایران**

از: شهردار محترم جمه‌ورد اسلامی ایران (اداره طرح و بررسی) شماره: ۳۹۵-۱۱۳-۱۵  
 به: شهرداری تهران (سازمان ترابری)  
 موضوع: لایحه قانونی واگذاری امور انتظامی راهنمایی و رانندگی شهرداری تهران  
 تاریخ: ۵۶/۱/۵۶  
 تقدیم امر: میرسلیم

بدانور فراهم ساختن تسهیلات لازم در اجرای مقررات راهنمایی و رانندگی  
 جمهوری اسلامی ایران و همچنین واگذاری امور راهنمایی و رانندگی  
 در انتظامی و راجع شهروان آشنایی که امور انتظامی راهنمایی و رانندگی مستقیم با  
 ادارات دولتی و قضایی است و با توجه به اینکه این شهرداری فاقد امکانات و تجهیزات  
 لازم جهت انجام امور انتظامی و رانندگی در سطح وسیع است و به پیوست ارسال  
 میگردند خواهشمند است دستور فرمائید این پیوست را در هیئت بررسی و نظارت سازمان  
 راه و ترابری - سرپوشه - اعلام در اردن تا در جریان سرپرست محل قانونی قرار گرفته بوی

سرپرست شهربانی جمه‌وردی اسلامی ایران - مصطفی میرسلیم

شهربانی جمهوری اسلامی ایران  
 دفتر سازمان ترابری  
 تاریخ: ۵۶/۱/۵۶  
 شماره: ۳۹۵-۱۱۳-۱۵

تقدیم امر: میرسلیم

داریوش زینالی  
 مدیرکل ترابری  
 ۵۶/۱/۵۶

ایم: ۵۶/۱/۵۶ - شماره ثبت: ۵۶/۱/۵۶



جمهوری اسلامی ایران

شهرداری تهران

تاریخ ..... ۱۳۵۰

شماره .....

پیوست .....

قانون واگذاری امور مربوط به راهشانی و رانندگی  
شهر تهران به شهرداری پایتخت

ده واجده - از تاریخ تصویب این قانون کلیه امور مربوط به راهشانی و رانندگی و تراز  
اعمال صدور پروانه رانندگی - نصب تابلو - صدور اجازت نامه شماره اتومبیل "پلاک" و وسایل  
نظایر - معدوم قانونی شهر تهران به شهرداری پایتخت واگذار میشود.

ماده ۱- افسران و همکاران کارمندان و همکاران و مرخصان و افراد با رعایت قوانین  
و مقررات استخدامی و کهری مورد عمل نیروهای مسلح برای انجام امور محول به صورت مأمور در اختیار  
شهرداری پایتخت گذارده میشوند لکن از نظر امور حفاظتی و امنیتی زیر نظر شهرداری کشور انجام وظیفه  
نموده - دستورات و خط مشی های صادره شهرداری کشور را اجرا خواهند کرد.

ماده ۲- بودجه و استمارات مورد نیاز امور پرسنلی و مدارک و تجهیزات پرسنلی مربوط به  
راهشانی و رانندگی پایتخت همه ساله توسط شهرداری پایتخت تهیه و از طریق شهرداری کشور بررسی  
و بگذاشته میشود در بودجه سنواتی منظور میگردد. بودجه و استمارات و تجهیزات و مدارک عمومی  
و سایر سازمانها بوسیله شهرداری تهیه و پس از تأیید انجمن شهر تهرانت بپیشنهاد شهرداری که  
قلم در بودجه کل کشور منظور و پس از تصویب بعنوان کمک هزینه در اختیار شهرداری پایتخت قرارگیرد.

ماده ۳- کلیه وسایل نقلیه موتوری و تجهیزات فنی و ارسالی امور راهشانی و رانندگی مربوط  
به محدوده شهر تهران که بپس از در اختیار اداره راهشانی شهرداری کشور میباشد و همچنین کلیه  
تجهیزات و ساختمانهایی که در تهران از محل اخذ جریمه اجناس یا خریداری گردیده است سلا محسوب  
نمیشود و پایتخت واگذار میگردد.

ماده ۴- اجرای کلیه تراش و آشنی نامه ها و مقررات موضوعه مربوط به امور راهشانی و رانندگی  
پایتخت - همچنین کلیه استمارات و وظایف که بموجب مقررات موضوعه مربوط به امور راهشانی و رانندگی  
به شهرداری کشور واگذار گردیده است عیناً در شهر تهران به شهرداری پایتخت واگذار میگردد.

ماده ۵- وجوه حاصل از جرائم تخلفات رانندگی اعم از موجودی و وصولی که طبق قانون محسوب  
رسیده - به نفع و اخذ جرائم رانندگی در تهران وصول میشود - کل آن در حساب مخصوص که توسط  
شهرداری پایتخت در بانک مرکزی ایران افتتاح میشود واریز و بجزایر - منظور میشود امور راهشانی و  
رانندگی و پارکینگ طبق آشنی نامه خاص که بتصویب انجمن شهر خواهد رسید صرف خواهد شد.

این قانون مشتمل بر یک ماده و پنج تبصره پس از تصویب مجلس در جلسه روز ۱۳۵۲/۱۱/۷ در  
جلسه - بر سه شنبه بیست و نهم بهمن ماه یکهزار و سیصد و سی و شش - در کمیسیون مجلس شورای ملی  
در

پیوست ۶۷: نامه سرپرست شهربانی به ریاست اداره راهنمایی و رانندگی تهران در مورد معرفی نماینده خود جهت بازدید از یگان‌های تابعه اداره راهنمایی و رانندگی و بررسی تخلفات آن اداره

شهربانی جمهوری اسلامی ایران

انقره  
شماره: ۵-۵-۱۲۳۰۱  
تاریخ: ۱۳۵۹/۷/۲۲  
پیوست

بسمه تعالی

از: ...  
به: ...  
تاریخ: ...

ریاست اداره راهنمایی و رانندگی تهران

باسمه تعالی که اداره راهنمایی و رانندگی تهران از لحاظ امور انتظامی و انضباطی پرسنل  
تکالیف نامحسب سنگین از شهروندان جمهوری اسلامی ایران دارد به برادر رسید محترمی زانکه  
سرپرست اداره مشاوره و بررسی مأموریت داده میشود شخصاً از نحوه انجام وظیفه پرسنل آن  
یگانهای تابعه آن اداره بازدید و در صورت مشاهده هرگونه کم کاری، بی تفاوتی و تخلفات  
سرور، نظر از وابستگی من و مالی آن اداره با شهردار تهران، پرسنل تخلف را تا حدود  
اجتهادات ایجاد تهیه انضباطی و در صورت لزوم برای خاوش پیشنهاد تعقیب کفایت نماید.  
در صورت فراموشی مراتب با احد اصحاب بگفته پرسنل جمعی ابلاغ و آنان را بتلاش و عدالت پیگیری  
در احکام و نظامات معونه راهنمایی و رانندگی نماید.

سرپرست شهربانی جمهوری اسلامی ایران / مصطفی میرعلی‌سهم



تاریخ: ...

حساب آقای - پودار تهران جهت استحضار.

۱۲۳۰۱ - ۵ - ۵  
۱۳۵۹ / ۷ / ۲۲

پیوست ۶۸: نامه شهردار تهران به سرپرست شهرداری در خصوص پرهیز از مداخلات بی‌رویه شهرداری  
در امور شهرداری



جمهوری اسلامی ایران

شهرداری تهران

بسمه تعالی

سرپرست محترم شهرداری شهرداری اسلامی ایران

تاریخ: ۱۳۵۹/۷/۲۲  
شماره: ۱۷۲۰۳  
پیوست: \_\_\_\_\_

عطف به رونوشت نامه شماره ۱۰۰-۳۰۱-۲/۴ مورخ ۱۳۵۹/۷/۲۲ مراتب زیر را باطلاع می‌رساند:

۱- بطوریکه استحضار دارید امور مربوط به اداره راهنمایی و رانندگی شهر تهران براساس ماده واحده مصوب ۱۳۴۳ که یک نسخه آن ضمیمه می‌باشد به شهرداری تهران واگذار شده که بر مبنای این صورت حاضر بر اختیار شهرداری تهران گذارده شده اند و ارتباط این اداره با شهرداری جمهوری اسلامی ایران از نظر حفاظتی و امنیتی هر قانون تصریح شده است.

۲- معرفی برادر آقای سید محمد صفی زاده برای بازدید و نظارت بر انجام وظیفه پرسنل اداره راهنمایی و رانندگی برخلاف قانون و اصول بدیهی مدیریت می‌باشد زیرا شرح وظائف پرسنل بر اساس برنامه ریزی شهرداری است. تراکم شهرداری تهران مشخص می‌شود و نظارت آن نیز طبیعتاً باید از همین طریق بعمل آید و این مداخله بی‌رویه شهرداری در امور اداره راهنمایی و رانندگی موجب هرج و مرج و تضییع این اداره خواهد شد.

۳- متأسفانه مداخلات بی‌رویه شهرداری در امور این اداره و صدور اطلاعیه‌های غیر قانونی در مقابل گذشته‌های و ضایعات زیادی بار آورده است که موجب مختل شدن اداره شهر تهران گردیده و ایلاً بکرات شهرداری، تلفنی و طی چند مکاتبه تذکر شده است.

۴- هر شرایط حساس کنونی منکبت بجای مداخلات بی‌رویه که نتیجه آن بدون تردید به تسریع انقلاب اسلامی خواهد بود تلفنی است. شهرداری جمهوری اسلامی ایران تمام تلاش و هم خود را مصروف تقویت پایه‌ها و انتظامات شهری نماید تا مدبران اجرایی انقلاب بتوانند با اعمال قانون و تأسیس خود را عمل نمایند.

۵- متعریف مذاکرات بعمل نگشوده شب (۱۳۵۹/۷/۲۵) در محل وزارت کشور و با حضور جناب آقای مومنی کنی منظر ایجاد هماهنگی صورت چنین انقلابی موجب تعجب است. طبیعتاً با توجه به مراتب بالا خواهد بود نسبت به لغو ابلاغ فوق‌الذکر اقدام و در صورتیکه با حفظ حفاظتی و امنیتی مواردی مشاهده شد طبق قانون و مقرراتیهای انقلاب اقدام بفرمائید.

۶- با توجه به مراتب بالا و با حفظ مسئولیتی که بعهده این جناب می‌باشد هر صورت تکلیف اینگونه اقدامات بی‌رویه و برخلاف قانون مراتب از طریق مقامات مسئول پیگیری و همزمان با اطلاع مردم شهر تهران خواهد رسید.

شهردار تهران  
محمد تومانی

رونوشت جهت اطلاع اداره راهنمایی و رانندگی شهر تهران ابلاغ می‌شود. تلفنی است دستور فرمائید بر اساس وظائف تعیین شده اقدام و هرگونه تعللی را گزارش نمایید.

شهردار تهران  
محمد تومانی

پیوست ۶۹: نامه شهردار تهران به نخست‌وزیر مبنی بر متوقف ساختن مداخلات بی‌رویه شهرداری در امور شهرداری تهران





پیوست ۷۰: نامه شهردار تهران به وزیر کشور در مورد ملزم کردن شهرداری به انجام وظایف قانونی خود



جمهوری اسلامی ایران

شماره: ۱۷۴۰۲

بسمه تعالی

جهت الاسلام جناب آقای میندوی کی

وزیر محترم کشور

بموضوع رونوشت نامه شماره ۱۷۲۵۸ مورخ ۵۹/۷/۲۲  
 با ارسال گزارشی شماره ۲۳۶-۱۳۳۵-۱۳۳۶ مورخ ۵۹/۷/۲۶  
 رئیس اداره راهنمایی و رانندگی تهران با استحضار میسراند  
 با توجه باینکه تدقیق ناموس فقط در اختیار ناموس گستر  
 میبایست بنابراین خواهشمند است دستور فرمائید شهرداری  
 جمهوری اسلامی ایران در مورد اداره راهنمایی و رانندگی  
 بر اساس ناموس عمل بنمایند تا از هرگونه هرج و مرجع  
 و لوث شدن مسئولیتها جلوگیری شود.  
 طبیعتی است بر اساس مفاد تبصره یک ماده واحده  
 واگذاری اداره راهنمایی و رانندگی به شهرداری تهران  
 مأموران از نظر امور حفاظتی و امنیتی زیر نظر شهرداری  
 کشور انجام وظیفه نموده و دستورات و خط مشی مسای  
 صادره را اجرا خواهند کرد.

شهردار تهران

محمد توکل

رونوشت جهت استحضار سرپرست بهرمانی جمهوری اسلامی  
 ایران .

رونوشت جهت اطلاع اداره راهنمایی و رانندگی و اجرای  
 تدقیق مقررات و گزارش هرگونه تخلف .

پیوست ۷۱: نامه شهردار تهران به رئیس جمهور و درخواست ایجاد هماهنگی میان شهربانی و شهرداری



تاریخ ۱۳۵۹ / ۷ / ۲۲  
شماره ۱۷۲۶۴  
پیوست

جناب آقای دکتر سید ابوالحسن منی صدر  
ریاست جمهوری و فرمانده کل نیروهای مسلح

با ارسال نامه شماره «۵۵-۶-۲/۳۰۱ مورخ ۱۳۵۹/۷/۲۲»  
شیرینانی جمهوری اسلامی ایران و پاسخ شماره ۱۷۲۰۶ مورخ  
۱۳۵۹/۷/۲۲ شهرداری تهران با توجه به اهمیت موضوع در شرایط  
کنونی انقلاب و ضرورت ایجاد هماهنگی خواهشمند دستور  
فرمائید اقدام لازم معمول فرمائید.

محمد توکلی  
شهردار تهران

پیوست ۷۲: نامه شهردار تهران به وزیر کشور و ابراز تأسف از مداخلات شهربانی در امور شهرداری تهران و تأکید بر لزوم هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی



تاریخ: ۱۳۵۷/۷/۱۹  
شماره: ۱۹۵۷۸

جناب آقای حجت‌الاسلام مهندس کی  
وزیر محترم کشور

با احترام و بونیت گزارش شماره ۶۹۷۱ مورخ ۱۳۵۹/۸/۲۵ مقرر است سازمان ترافیک و مپو شورای عالی ترافیک شهرداری و فنیکی، نامه شماره ۱۶-۴۳۳-۲۹۶ مورخ ۱۳۵۹/۸/۵ سرپرست شهربانی جمهوری اسلامی ایران و هشتم آن با اطلاع برساند:

با توجه به مذاکرات قبلی و تذکرات متعدد جای تعجب نیست است که مأموران "شهربانی جمهوری اسلامی ایران" اقدام به نگه‌داری غیر اصولی و غیر منطقی و مداخلات غیر اصولی شهربانی تهران می‌نمایند. مضافاً به جای نگه‌داری با این جناب مستظفلاً "به - ایران ترافیک که یکی از واحدهای شهرداری است نامه ارسال یافته‌اند.

همانگونه که قبلاً نیز گزارش شده است بر اساس نظام‌ها و اساسی و نظام‌ها که برای اداره شهر تهران با توجه به ضرورت مشارکت مردم در امور و رفع ریشه‌های نظام استعدادهای گذشته جعل آمده است نه تنها واحدهای براندگی شهربانی در کنار سایر واحدهای مربوط به سیستم حمل و نقل شهری سازمان ترافیک، شرکت واحدهای ترافیکی و تاکسیرانی، فرارگرددنیاس انتظامی شهرداری و دیگران - کار واحدهای حمل و نقلی شهری فرارگرددنیاس انتظامی شهرداری مشارکت مردم بتوان مرجهت تنظیم آراء و نظایر انقلاب اسلامی قدم موثری برداشت و ریشه‌های فکر و مرکز کارها را که از ریشه نظام مأمورین است خشک کند.

خواهشمند است دستور اگه‌دهد. بر مبنای آنکه شهربانی جمهوری اسلامی از مداخله بی رویه مأمورین واحدهای براندگی تهران، خصوصاً "فرزاد حساس کونی که با پشتیبانی و تأییدات انتظامی جهت حل مشکلات انتظامی بخصوص در مناطق جنگی صرف کرده مأمورین نمایند.

شهردار تهران  
محمد مصدق‌پلی

رونیت جهت اطلاع سازمان ترافیک همراه با موابیل

پیوست ۷۳: صورتجلسه کارکنان اداره شماره‌گذاری راهنمایی و رانندگی و نماینده دادستان انقلاب و نماینده ستاد مرکزی کمیته انقلاب اسلامی در خصوص رسیدگی به قتل علی‌اکبر رضایی و تأکید بر انجام کارها مطابق قانون

بسم الله الرحمن الرحيم  
 صورتجلسه مورخه ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۱ شهریور ماه ۱۳۵۸  
 تعداد زیرین جلسه کارکنان اداره راهنمایی و رانندگی - و نماینده دادستان انقلاب  
 و نماینده ستاد مرکزی کمیته انقلاب اسلامی - و معاون رئیس  
 ۱- رسیدگی به قتال و مشورت قتل مرحوم علی‌اکبر رضایی و تأکید بر انجام کارها مطابق قانون (مسکن و حقوق بومی فرزندان) از برای این ماده طبق جدول پیوسته شورای عالی ادارات شهر تهران است  
 ۲- اداره راهنمایی و رانندگی تا زمانی استثنای است و مدیریت آن از طرف افراد مسئول آن سازمان عمل می‌شود.  
 ۳- منظور حل مشکل پیشتر آمده، تمام کارمندان شهرداری در اداره راهنمایی و رانندگی پس از بررسی شدن بتدریج در سایر مقررات جمهوری اسلامی در واحد کار دیگر شهرداری مشغول خواهند شد.  
 ۴- شرفائی مرتب از ~~کارمندان~~ از کارمندان شهرداری امور در اداره راهنمایی و رانندگی در مسقط نمایندگی دادستان انقلاب اسلامی و تعداد دیگر که در کمیته اسلامی و شهرداری تهران با حکم شهرداری اطلاع‌رسانی و مطابق بر طبق ماده ۴ اداره راهنمایی و رانندگی بررسی در جهت اصلاح آن، می‌تواند و نمایندگی از طرف دادستان انقلاب اسلامی در شهرداری جمهوری اسلامی اقدام شود.  
 ۵- کلیه یوسترها و شماره‌گذاری که روی دیوار نصب شده است برداشته و محیط کار در صورت گشوده شدن اداره بصورت عادی در آید.  
 ۶- کارمندان واحد شماره‌گذاری مسدود احکام رسمی شان در این واحد مستقران انجام وظیفه بود و همه می‌توانند که شرایط اداری رعایت بالارفعی نمایند و کمیته در حفاظت کامل مدارک و مدارک را از این بجز نمونه نمایند. با معضلتین، طبق مقررات جمهوری اسلامی عمل خواهد شد.  
 (مهر و امضاها)

پیوست ۷۴

سند ۱: نامهٔ رئیس کمیتهٔ مرکزی انقلاب اسلامی به شهردار تهران در مورد معرفی محمد ضیایی پور جهت بررسی شماره خودروهای مظنون به خلاف‌کاری

بزرگوار  
 کمیته مرکزی  
 انقلاب اسلامی ایران

از: .....  
 موضوع: .....  
 شماره در دفتر حکومت مرکزی

مستند به شماره ۵۶  
 از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی  
 در خصوص معرفی آقای محمد ضیایی پور  
 جهت بررسی شماره خودروهای مظنون به خلاف‌کاری

شماره ثبت: ۷۸۲۷  
 تاریخ: ۱۳۵۹/۴/۱۰

آدرس: بهارستان مجلس شورای ملی تلفن ۳۱۰۰۹-۳۱۰۰۰۰

سند ۲: متن گزارش سرهنگ ثانی (رئیس اداره راهنمایی و رانندگی تهران) در مورد اهمال نماینده کمیته مرکزی از وظایف اصلی خود و مداخله در امور شماره گذاری و پرسنلی

موضوع: .....  
 شهر داری تهران  
 اداره راهنمایی و رانندگی  
 جمهوری اسلامی ایران  
 تهران  
 شماره: ۵۹/۴/۵  
 تاریخ: ۱۲/۹/۶۰  
 موضوع: .....  
 پیوست: .....  
 گ: .....  
 محترماً\* بااستحضار میرساند .

باتقدم تشوکیک نامه مورخه ۵۹/۴/۵ کمیته مرکزی انقلاب اسلامی ایران که تقاضا شده بود که آقای محمد شیبادی بپور بعنوان نماینده آن کمیته بدایره شماره گذاری جهت تعیین شماره های اتومبیل های مورد نظر و مذاکرات معرفی شوند که امر مفروض بود (جناب سرهنگ ثانی ایشان بعنوان رابط کمیته مرکزی از ارباب پنجاب در دایره شماره گذاری مستقر شوند تا اطلاعات در مورد اتومبیلها را در اختیار کمیته فرار دهند) که در اجرای امر به سادگی اقدام متأسفانه مشارالیه اندک استفسار در آن بکان و نتیجه اصلی خود را که کسب اطلاعات در مورد اتومبیلها بود فراموش و حساب امور شماره گذاری مداخله حتی در امور پرسنلی نیز دخالت مینماید که در نتیجه اعمال بیفکته و بی وضع آنفخته در آن بکان بوجود آمده است که بدینوسیله رونوشت یکی از نامه ها که ایشان در مورد پاکسازی عوامل شماره گذاری بکمیته مرکزی و شهرداری جمهوری اسلامی نوشته و ارسال نموده است - به پیوست ایفاد و استدعای صدور اوامر مقتضی در این مورد را دارد - ج

رئیس اداره راهنمایی و رانندگی تهران . سرهنگ نظامی

سند ۳: گزارش نماینده کمیته مرکزی مستقر در شماره‌گذاری در مورد مشاهدات خود از این اداره

شماره: _____	 مجلس شورای اسلامی ایران شهرداری تهران اداره راهنمایی و ترافیک	از: _____
تاریخ: ۹۶/۴/۲۵		به: _____
پیوست: _____		موضوع: _____

بسم الله الرحمن الرحيم

کلفن

گزارش

بدینوسیله جریاناتی که که در رابطه با کارکنان اداره شماره‌گذاری راهنمایی و ترافیک شهرداری و راهنمایی در طول چند ماه که من محمد شیانی پور نماینده کمیته مرکزی مستقر در این اداره مشاهده - نمودم بنا بر رویه شرعی و وجدانی و مسئولیتی که نسبت به اسلام و جمهوری اسلامی و خون شهیدان - احساس می‌کنم به عرض می‌رسانم:

بعد از اولیه درگیری در این اداره و کشته شدن مرحوم رضایی کارمند شهرداری و چند روز تعطیلی اداره مجدداً اوضاع به حال عادی بازگشت و کم و بیش هرچند وقت سر و صدای در اداره صورت میگرفت ( در رابطه با کشته شدن مرحوم رضایی بود که کارمندان شهرداری درخواست رسیدگی به این جریان را داشتند ) البته خواسته برحق بود ولی به ندرت من روس‌خط را دنبال می‌کردند بعد از مدتی چند نفر از کارمندان شهرداری مستقر در اداره که بهره اصلی جریان بودند منتقل و منتظر خدمت شدند انتقال این افراد درست ولی سبب شده که دست افراد از پرسنل راهنمایی جهت سو\* استفاده کاملاً باز شود و زمینه مساعدی برای آنها بوجود آید زیرا حاکمیت خود را باز یافتند و همان اعمال نفوذ های دوران طاغوت که علاوه بر این علیه جمهوری اسلامی هم تبلیغات میکنند شاهد این تبلیغات سو\* افراد مومن و معتقد راه اسلام و جمهوری اسلامی که در همین اداره شایع هستند از آنها شنیده شد موصحتی در مواردی خود شنیدم عام همینطور چند مورد سو\* استفاده را مشاهده کردم اما موقعیتهای کسب مدارک مناسب نبوده و به چند روز گذشته بعضی از اینها صحبت از - سقوط جمهوری اسلامی میکنند بنابراین در مجموع این اشخاص قطعاً به جمهوری اسلامی عدای مخالفند و عدای هم ضایق و به اذعان فساد در اداره و ضربه به اسلام هدف دیگر ندارند لذا در اینمورد چند پیشنهاد دارم که به ندرت آن می‌رسانم:

۱- شناسایی ماهیت این اشخاص و پاک سازی آنها و اگر فعلاً چنین امکان نیست از این اداره حسان -

انتقال داد و بوفقط حقوق دریافت کنند نه اینکه همه از بیت المال طاعت استفاده کنند و هم ضربه بزنند و جایگزین

شماره .....  
 تاریخ .....  
 پست .....  
 کلمه



از : .....  
 به : .....  
 موضوع : .....

کردن افراد مومن و مسلمان در پست آنها :

- ۱- سرهنگ میرفندرسکی ( معاون اداره شماره گذاری )
- ۲- سرگرد سیاسی ( رئیس قسمت بایگانی اداره )
- ۳- ستوانیکم خانم افشار ( رئیس دفتر اداره )
- ۴- استوار سمعی ( کارمند دفتر اداره )
- ۵- استوار گلایی ( کارمند دفتر اداره )
- ۶- استوار فرجی ( کارمند دفتر اداره )
- ۷- ستوانیار شادمان ( سر پست قسمت انبار پلاکهای اداره شماره گذاران )
- ۸- استوار سفای زاده ( انباردار اداره )
- ۹- استوار کارگر ( نگهبان اداره )

بعضی میرسانم تصفیه و انتقال این افراد گامی در جهت اهداف جمهوری اسلامی است.

۲- در صورتیکه امکان نداشته باشد افراد زیرموس به جمهوری اسلامی هستند که شناسایی شده اند اگر پست مهمی نداشته باشند در این اداره مستقر گردند تا انواع آشفته اینجا را مرتب کنند .

- ۱- سرگرد بهرامی ( مستقر در قسمت موتور داراش روبروی شماره گذاری )
- ۲- سروان کاشی ( \* \* \* \* )
- ۳- استوار جودی ( مستقر در ترارگاه مرکزی ) ایشان قبلاً در نگهبانی شماره گذاران بودند
- ۴- استوار محمد پور ( مستقر در قسمت پست مهندسی پلیس تهران )
- ۵- استوار بروجردی ( \* \* \* )
- ۶- سروان اسعایل راد ( منطقه ۵ راهنمایی )



شماره .....	 شهر داری تهران اوراد راهبانه گسترده	از : .....
تاریخ .....		به : .....
پیوست .....		موضوع : .....

تلفن .....

۳- تغییر نظام اداره شماره گذاری و تبدیلی آن به سیستم کامپیوتری میباشد که طرح این سیستم توسط دکتر معیر مدیرواظم قسمت کامپیوتر اداره شماره گذاری داده شده است که باید شتاب بیشتری شود و تعیین سه سو استفاده وجود نداشته باشد .

۴- تشکیل انجمن اسلامی در اداره راهنمایی که متشکل از افراد مومن و معتقد در میان این مطلب راهم اضافه کم در تاریخ ۲۶/۲/۵۹ آقای سرهنگ ضیح رئیس دایره صدور گواهینامه به من ابلاغ نمودند که به شما دیگر نیاز نیست من همین جریان را به کمیته مرکز گزارش نمودم و ابلاغ را - مشروحا بیان کردم که حتی حکم مور: ۵۹/۴/۳۰ مجدداً به شماره گذاری مراجعه نمودم آقای سرهنگ ضیح باز مرا خواست و حکم را بنیذ برقت و گفتند که از سرهنگ ثانی رئیس کل راهنمایی حکم بیاور . موضوع هم کاملاً واضح است که مرا میخواهند از اداره بیرون کنند و بعد هم حکمی از کمیته مرکز که بتائید آقای شهردار و آقای سرهنگ ثانی رسید من در اداره مشغول خدمت شدم که شاهد تیره زدن افرادی به اسلام و سوء استفاده های هستم و تقاضا دارم هرچه زودتر در این مورد اقدامات لازم را مبذول دارید . الف

نماینده کمیته مرکزی مستقر در شماره گذاری . محمد ضیائی پور

۱- شورای پاکسازی شهرداری

۲- کمیته مرکزی جهت اطلاع و پیگیری

پیوست ۷۵: سخنان امام خمینی در ملاقات با شهرداران شهرهای سراسر کشور



### سخنان امام خمینی در ملاقات شهرداران شهرهای سراسر کشور

بسم الله الرحمن الرحيم

من میل دارم که عمل ما بیشتر از قولمان باشد با موافق با قولمان - الان  
شهرهای ایران ، روستاهای ایران ، حتی شهر تهران گرفتار بگ کمبودهایی است  
و این بعهده شهرداریها است که با کمک مردم ، البته من میدانم که خرابیها  
آنقدر است که شهرداری تنها نمیتواند ، لکن با کمک مردم اقدام میکند و  
شهرهای خودشان و روستاهای اطراف را آباد کنند و آنچه که مهم است این است  
که این قشر مستضعف بیشتر مورد نظر باشد .

دینار دوش

پیوست ۷۶: یادداشت شهردار تهران خطاب به شورای انقلاب در مورد مصائب و مشکلات اساسی شهر تهران و ارائه پیشنهاداتی برای حل آن‌ها



بسمه عالی

### شورای انقلاب اسلامی ایران

احتراماً " با توجه به مسؤلیت مستقیم آن شورا در مسائل اجرایی مشکلات لازم می‌آید به‌مطالعه فوریت و اهمیت امر موارد زیر را با استحضار برساند :

۱- شهر تهران با مخاطرات و مآسای هجوم مهاجرین روستایی و شهرهای کوچک مواجه است افرادی که شهر و دیار خویش را به‌خصوص بنامه تأمین مسکن رها کرده و به تهران آمده‌اند ، این افراد اغلب در حاشیه‌های جنوبی و غربی شهر با استفاده از چاه‌رو گیر مسافر شده‌اند و در انتظار دریافت کتبه آپارتمان و یا ساختمان هستند .

۲- افراد سوجو و محروک ضد انقلابی با تحریک افراد میازنده به مسکن به زمینهای آزاد شهر به‌خصوص در حاشیه‌ها هجوم آورده و بدون رعایت طرحهای تفصیلی شهرسازی و شرایط فنی اتمام به ایجاد ساختمان می‌نمایند . افراد سوجو با ایجاد انفالک که در اولین زمستان اکثر " رود ساکنین آن غراب خواهد شد به قیمت گزافی به خانواده محروم می‌فرستند و دوباره در محل دیگری فروخته می‌نمایند و از این رفتار سود کلانی می‌برند . افراد محروک که معمولاً مسلح و با تجهیزات لوکس در محوطه رخت و آمد دارند و مردم را تشویق به ایجاد ساختمانهای خلاف می‌کنند و تسهیلان ایجاد طرح و مرج و بی نظمی و فرگروهای اجساد است تا از این طریق نیز پولی می‌برند و بر راه انقلاب اسلامی بوجه آورده . در این جریان افسران مستطف که اکثر " اشیرا " از شهرستانها به تهران آمده‌اند تمام زندگی و سعی خود را بصورت مستطرد و مصالح تلف می‌کنند .

۳- بعضی از کتیبه‌ها مانند کتیبه منطقه ۲ واحد های غیر مسلول چون دفتر خانه سازی برای مستطفلان خود را " زمینهای موات شهری را تصرف کرده و بدون صلاحتی با طرحهای تفصیلی شهر تهران و احد تجهیز فلکک از شهرداری تهران به مردم می‌فرستند و طبیعتاً " خریداران نیز بدون رعایت شرایط شهرسازی و فنی اتمام به ساختمان می‌نمایند .

۴- یکی از علل مهم افزایش شدید مهاجرت اظهار نظر ها و اقدامات افراد غیر مسلول و بعضی از برزانه های محروک را میسر و طبعی زمین بوده است . طرح ضرورت تأمین مسکن برای مستطفلان از طرف رهبری انقلاب و کتابهای حساب ۱۰۰ نیز با توجه اینکه ایدان پاره‌ها



- ۲ -

تصریح کرده اند که مشکل مسکن باید با اختلال حل شود و در مرحله اول روستاها و مراکز تولیدی باید مورد توجه و تمرکز تلاشها و سرمایه گذاریها باشد. با تصحیح اوضاع سلامت درمانی برآمده مسائل ارتباطی جسمی موجب مهاجرت گزیده است... تمرکز نسبی تلاش گروههای غیر از مسکن، درمان و خدمات موجود و نشان دادن آمارهای خاصی روی صفحه تلویزیون و طرح مسورت و انگلند و آمارهای و ساختمانهای عالی به ساختمان بدون اینکه عملی انجام شود بطور طبیعی مردم را امیدوار میسازد. همه ای از قبل انقلاب اسلامی پس از پیروزی انقلاب شماره این موضوع را اعلام نموده است که دولت و گروههای غیر نباید در تهران اقدام به خانه سازی کنند. مشکل بر مشکلات موجود بیفزاید این امکانات بهتر است در روستاها و شهرهای دیگر گسترده با توجه به بالندگی مراکز اختلال هستند. تمرکز دولت در عین حال در جهت تسهیل کار مردم با ساده کردن مقررات و ضوابط در ده ماه اول سال تصادف برآمده های ساختمان صادر شده حدود دو برابر نظیر آن در سالهای قبل میباشد که این امر با توجه به تصادف ساختمانی که بدون پروانه در این مدت ساخته شده است رنگ خطر جدی است برای انقلاب و برنامه ریزی های آینده شهر تهران.

۲- شهرداری تهران گروهی با کمک خود مردم در این مدت موانع شده است بعضی از مشکلات پیچیده شهری منجمله ترافیک شهر را بهبود نسبی ببخشند اما در زمینه جلوگیری از توسعه بی رویه شهر و تعلقات با وجود اقدامات و پیگیریهایی که در ماههای گذشته مسئول شده متأسفانه سلامت نظامان نیروهای اجرایی و انتظامی و عوامل باز ماندگه در بساطا اشاره شد موظفانی حاصل نشده است و صرف نظر از مسئله گسترش شهر تهران در ساختمانهای از شهر ساختمانی احداث شده است که برای همیشه بصورت لکه قهوه ای از دوره جمهوری اسلامی باقی خواهد ماند نهاد های انتظامی انتظامی چون کمیته ها و پاسداران انتظامی آنها نیروهای موجود هستند که میخواهند با شهرداری تهران همکاری کنند. سپاه پاسداران



## شهرداری پایتخت

-۲-

انقلاب اسلامی مسائل شهری را همچون کار خود طاقی نکرده است و گفته تا نیز صرفاً از گفته طاقی که خود مقدم تعطیلات بوده اند اولیستی برای این همکاری لائل ندوده و بصورت کار جانی همکاری کرده اند بالاخره اخیراً "گفته مرکزی اعلام مانده است که کمیته در مسائل شهری کمک می‌کند".

۱- اصولاً مشکل مسکن و راه‌های آن بطور انحصاری مطرح شده است. اگر چه مشکلات محروم جامعه که طبعاً "فاند مسکن و سایر نیازهای اولیه زندگی هستند و آردانه‌های انقلاب و اقدامات انجام شده در جهت تأمین نیازهای این طبقه می‌باشد چنین می‌انگارند که باید تمام مشکلات منجمله مشکل مسکن در سال اول پس از پیروزی انقلاب حل شود. آنچه در شهر تهران - و حال آنکه تا همین مسکن نیاز به زمان کافی لائل تا ده سال مانده و حاصل آن باید بر اساس برنامه ریزی اصولی و توجیح منطقی در مرکز اشتغال تعیین شود نه در شهر تهران که همچون "شهر مصرف و خدمات است".

با توجه برآورد بالا منطقی است ضمن بررسی سریع موارد ذکر شده در زمینه های زیر اقدام تصمیم لازم بعمل آید.

۱- تمرکز سرمایه گزایندهای ثابت و خدماتی در روستاها و شهرهای کوچک منطقی و متعادل ساختن این اقدامات در مسائل ارتباطی و گذار افراد مسئول منطقی.

۲- ایجاد شرایط سخت تر و یا لائل سازی در شهر تهران و سایر قسمتهای منطقی بطوریکه بتدریج قدرت جذب مهاجرت تهران کاهش یابد - قیمت گزشت و بسیاری از لرازان در شهر تهران لرازان تر از سایر شهرهای منطقی است در مورد گزشت شهرهای تهران طی شش ماه گذشته مکانیبات و مذاکرات مجلسی با وزارت کشاورزی یعنی بر لغو تفاوت قیمت مانده است گسه تاکنون می‌تواند مانده است.

۳- تعیین خط مشی جلوگیری از تصرف زمینهای موات شهری و اقدامات افراد غیر مسئول و مهاجرت گزشت اقدامات نهاده های انقلابی با شهرهای تهران.

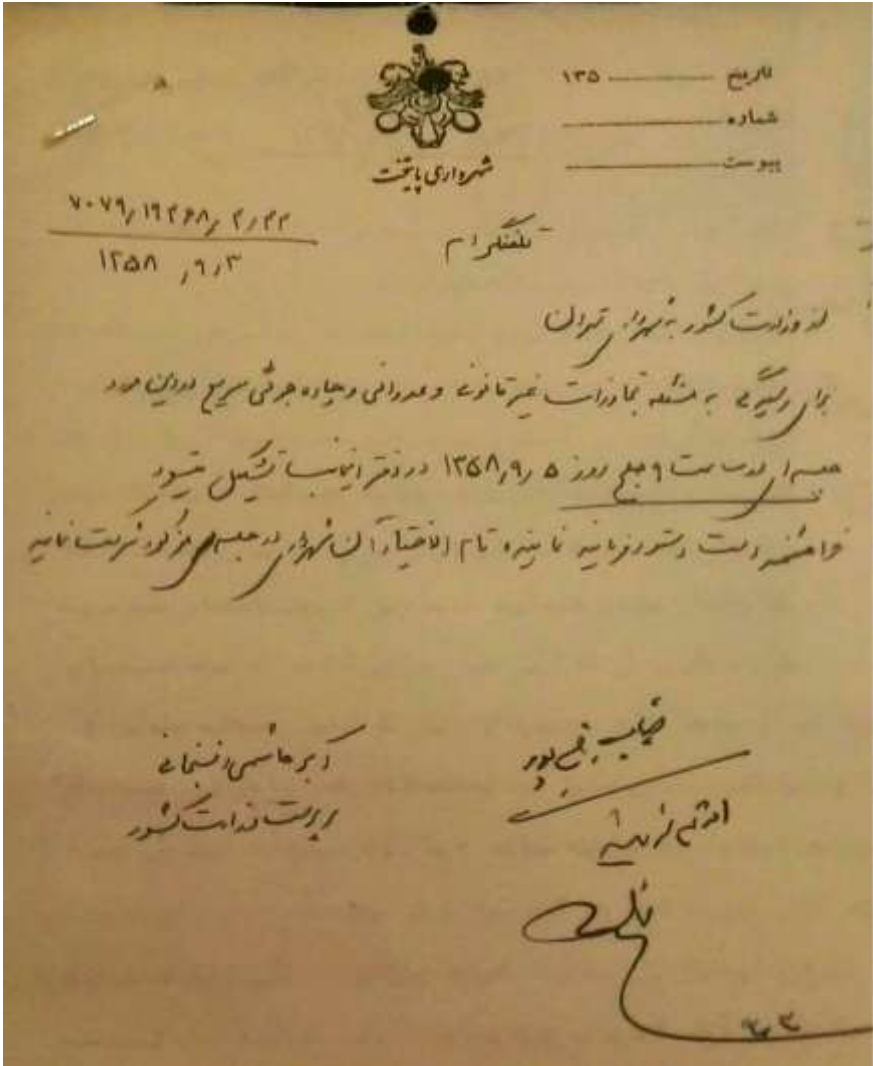
۴- ایجاد و تقویت انتظامات شهرنظمی تهران تا بتواند بر اساس خط مشی تعیین شده و سایر ولایاتی که تاکنون مشخص کرده اقدام نماید.

انتظار مکرر با توجه به اهمیت موارد ذکر شده و اثرات سیاسی - اجتماعی آنها شهرهای تهران را در اسرع وقت از تصمیمات و اقدامات شورای انقلاب اسلامی ایران مطلع بفرمایند.

محمد توسلی  
شهرمدار تهران

رونوشت جهت استحضار وزارت کشور و اقدام منطقی ایجاد میگردد.

پیوست ۷۷: نامه اکبر هاشمی رفسنجانی (سرپرست وزارت کشور) به شهرداری تهران مبنی بر برگزاری جلسه‌ای در مورد چاره‌جویی برای تجاوزات عدوانی و غیرقانونی



پیوست ۷۸: صورت جلسه مسئولان وزارت خانه‌های کشور و مسکن و شهرسازی، بنیاد مسکن، دادستان کل انقلاب، رئیس کمیته مرکزی و شهرداری تهران در موضوع بررسی مشکلات شهر تهران



شهرداری تهران

بسمه تعالی

تاریخ ۱۳۵۸/۱۱/۱۷

شماره ۲۲۸۷۲

پیوست

جناب آقای حجت الاسلام خسروناهی	سرپرست بنیاد مسکن انقلاب اسلامی
جناب آقای مهندس محسن بحیوی	سرپرست وزارت مسکن و شهرسازی
جناب آقای مهندس سیفی‌ان	بنیاد مسکن انقلاب اسلامی
جناب آقای حجت الاسلام مهدوی‌کنی	ریاست کمیته های انقلاب اسلامی
جناب آقای حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی	سرپرست وزارت کشور

پیوست یک نسخه فتوکپی از صورت جلسه مورخ  
 ۱۳۵۸/۹/۱۱ در مورد تجاوز به اراضی دولتی که در دفتر  
 جناب آقای وزیر کشور تشکیل گردیده ابضا می‌گردد  
 خواهشمند است دستور فرمایند معاد آن قسمت از صورت جلسه  
 که مربوط به آن است دقیقاً رعایت فرمایند.

محمد توفیقی

شهردار تهران

۱۳۵۸



## شهرداری پایتخت

بسمه تعالی  
صورت جلسه

بعرض گزارش شماره ۱۸۶۸۸ مورخ ۵۸/۸/۲۰ شهردار تهران به شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران در روز یکشنبه مورخ ۵۸/۹/۱۱ جلسه ای در دفتر جناب آقای وزیر کشور با حضور اعضاء کنندگان زیر در مورد تجاوزات عده ای سودجو به اراضی دولتی در شهر تهران تشکیل و پس از بحث و تبادل نظر بشرح زیر اتخاذ تصمیم بعمل آمد:

۱- با توجه به امکانات شهر تهران و مصلحت انقلاب سیاست کلی مسئولین کشور بایستی به نحوی باشد که از افزایش جمعیت در شهر تهران جلوگیری شود و این موضوع بعنوان اصل کلی پذیرفته شد و مقرر گردید از کلیه مقامات درخواست گردد که در محاسبه ها و سخنرانیها این موضوع را گوشزد نمایند تا حتی الامکان افراد از دیگر شهر ها و روستاها به تهران مهاجرت ننمایند.

۲- از دستگاههای مسئول خواسته شود که از تجاوزات ارضی و ملکی که در حال حاضر در نقاط مختلف شهر بوجود آمده شدیدا " جلوگیری نمایند و افراد محسورگ را دستگیر و به مقامات فاعله تحویل نمایند.

۳- هرنوع واگذاری زمین با مسکن به مستضعفین با توجه به اصل جلوگیری از مهاجرت وسیله بنیاد مسکن انقلاب اسلامی با مشاورت وزارت مسکن و پس از کسب مجوز از شهرداری انجام گیرد.

۴- آئین نامه واگذاری زمین و برسیکن در شهر تهران، در کمیسیون مرکب از نمایندگان وزارت مسکن و شهرسازی - بنیاد انقلاب اسلامی و شهرداری تهران مطرح و پس از تصویب بمورد اجرا گذاشته خواهد شد.

ضمنا " برای جلوگیری از تجاوزات مقرر گردید اقدامات زیر سریعا " انجام شود:  
الف = از دفتر امام درخواست گردد اعلامیه ای صادر شود که در آن تجاوز به اراضی و املاک بدون اجازه مقامات مسئول منطقتی محکوم گردد.

ب = رادیو - تلویزیون و جراید با توجه به سیاست کلی مذکور در فوق در جهت روشن نمودن افکار عمومی اقدام نمایند و دفتری نیز برای هماهنگی امور تبلیغاتی در این مورد در وزارت مسکن و شهرسازی تشکیل گردد تا مردم را به حفظ نگهداری اموال عمومی تشویق و متجاوزین را از مجازات آگاه نماید.

دو دفتر کل  
شماره  
تاریخ  
مهر





- ۲ -

ب = لایحه متجاوزین به اراضی و املاک توسط وزارت مسکن تهیه و برای تصویب به شورای انقلاب ارسال تا پس از روشن شدن نحوه مجازات متخلفین دادستانی انقلاب بتواند سریعاً اقدام نماید.

ت = جناب آقای مهدوی کنی دستور لازم جهت همکاری کمیته های مرکز و مناطق ۱۴ گانه برای جلوگیری از تخلفات و دستگیری متجاوزینی که شهرداری معرفی می نماید خواهند فرمود و کمیته‌ها افراد متخلف را برای مجازات به دادستان انقلاب معرفی نمایند. در خاتمه نیز مقرر گردید شورای انضامی شهر تهران تشکیل و برای این منظور با کمک کمیته مرکز و تعداد یکصد نفر پاسدار که از شهربانی اعزام خواهند شد اقدام گردد.

سرپرست وزارت کشور  
سرپرست وزارت مسکن و شهرسازی  
بنیاد مسکن انقلاب اسلامی  
دادستان کل انقلاب  
رئیس کمیته مرکزی  
شهردار تهران  
معاون شهرداری تهران

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی  
یحییوی  
حجت الاسلام خسروثاهی  
حجت الاسلام قدوسی  
حجت الاسلام کنی  
محمد توسلی  
منوچهر صنیع پور

پیوست ۷۹: پیام امام خمینی در مورد جلوگیری از تجاوز به اراضی دولت و مردم

شورای ایستادگی

تاریخ \_\_\_\_\_ ۱۳۵۰  
شماره \_\_\_\_\_  
پیوست \_\_\_\_\_

پیام امام برای جلوگیری از زمین نامی و زمین و زمین

بسم الله الرحمن الرحيم

کشایات زیاد و اراضی را که کشور شد است با اسم بعضی از گنجه ها و اراضی که ها و اسم بعضی از سواهایان باشد از اشخاص شرور و بدون جهت و بطور هرج و مرج به خانه ها و مردم میریزند و خانه و اموال مردم را مصادره میکنند و زمینها را مردم را می گیرند و در رختها و بناها و آلات ترسناک و آماج میکنند و به کشاورزی صدمه وارد میزنند من به شما مسئولین امر و مقام گنجه ها و اراضی و سواهایان باشد از ارباب میگویم که با کمال حسد و رت و جدیت از این امور غیر مشروع جلوگیری کنید .

کشور اسلامی است و باید به موازین اسلامی عمل شود . من در این چند روز هفتی به راه رسیدگی به امور به اطراف ایران اعزام خواهم کرد و کسانی که برخلاف دستور اسلام و تجاوز به مال و زمین مردم میکنند به مجازات خواهند رسید . اهالی محترم کشور لازم است با ما موافقت و دولت و هیئت ویژه که خواهم فرستاد همراهی کنند و با تشکر ساسی دست اشرار را از اینگونه تجاوزات کوتاه نمایند .

روح الله الموسوی الخمينی

۲۱ محرم الحرام ۱۴۰۰ - ۲۲ آذر ۱۳۵۰

اعلامی دفتر امام  
بسمه تعالی

بنا بر اساس روح و احکام خدا و برخلاف مصوبات شورای انقلاب جمهوری اسلامی به زمینها و اراضی که به دولت و مساجد و مدارس و موسسات هرج و مرج و بی تأسیس را که خواست دشمنان ملت است فراهم کرد . اند لازم است همه مردم مسلمان و شیوهها را خبریانه مسئولان دولت که از ملت هستند نسبت با ایجاد مساجد و مدارس و اراضی زمین و مساجد و مدارس که برخلاف قوانین و شرع میباشد خود را رو کنند و باید در استان انقلاب اسلامی است که از این نوع تجاوزات که در شریعت حرام است کوشش و اصلاح مصلحت انقلاب است جلوگیری نمایند .

امام - دفتر امام خمینی - ۲۱ محرم الحرام ۱۴۰۰ - ۲۲ آذر ۱۳۵۰

پیوست ۸۰: اطلاعیهٔ ستاد امنیت تهران در مخالفت با اقدام شهرداری تهران برای جمع‌آوری  
دکه‌های غیرمجاز



شماره \_\_\_\_\_

پیوست \_\_\_\_\_

## اطلاعیه شماره دو هزار و صد و هشت

شهرداری محترم تهران، روزنامه‌های عصر مورخ ۵۹/۹/۱۸ اطلاعیه‌ای از طرف شهرداری منتشر نموده مبنی بر لزوم جمع‌آوری دکه‌های غیر مجاز ظرف ۲۸ ساعت این اقدام احتمالاً پیامد هائی در بر خواهد داشت که در شرایط حساس کنونی ایجاد بی‌نظمی یا برهم‌آوردن اتخاذ تصمیمات عجولانه فیلاً موعود با مسئولین امنیت شهر مطرح و پس از بررسی کلی جوانب امر در صورت تأیید پیشنهاد اقدام گردد. بنابراین منطقی است دستور فرمائید از هرگونه اقدامی در مورد مفاد اعلامیه فوق‌تسا اطلاع ثانوی خودداری شود به کیفیتی که آثار سوء سیاسی در بر نداشته باشد نسبت به اصلاح مفاد اطلاعیه اقدام منطقی معمول دارند.

ستاد امنیت تهران

پیوست ۸۱: نامه شهردار تهران به وزیر کشور در خصوص قانونی بودن اقدام شهرداری در موضوع جمع‌آوری دکه‌های خیابانی و یادآوری مشکلات ستاد امنیت تهران برای شهرداری



بسمه تعالی

ع - ۳ - ۵  
تاریخ ۱۳۵۶ - ۹ - ۱۵  
شماره ۲۱۱۹۸  
پیوست

جناب آقای آیت الله مینوی کی  
وزیر محترم کشور

شس ارسال فتوکپی تلگرام شماره دو هزار و هشتاد و هشت ستاد امنیت تهران مراتب زبورا  
با احترام جوساند :

۱- جمع آوری دکه ها و سد مسیر بر اساس نمره یک ماده ۵۵ قانون شهرداری چسب  
و طاق شهرداری است - شهرداری تهران بر اساس تراپذ خامی ممتاز پیروزی انقلاب حکومت  
اسلامی ایران اجرای این قانون را در مورد کسانیکه نامیسات ثابت ایجاد نمایند اتمام نموده است  
اما در مورد کسانیکه نامیسات ثابت ایجاد نمایند یا توجه به ضایعات سیاسی که در گذشته ناهند  
آن بوده اند و در موارد بسیاری اینگونه نامیسات به مراکز شاد و فضا و مراکز سیاسی مخالف  
انقلاب اسلامی درآمده است نامیسات در اجرای قانون هیچوجه بطلان نمیباشد .  
۲- اجرای نامیسات ستاد امنیت تهران که مستقل از مشاوران اجرای شهر تهران اتخاذ  
میشود و نامیسات زیادی برای اداره شهر و مردم بوجود آورده است منگ است در اجرای  
برنامه حاکمیت گروهی و انحصار ظمی آنان مفید باشد اما نمیتواند مصالح انقلاب و مردم شمس  
را تامین نماید - چطور میتوان تصور کرد کسانیکه در جریان مسائل اجرائی شهر تهران نمیتوانند  
بنوانند به نهایی در این تراپذ حساس امنیت آنها تامین کنند ؟  
۳- در صورتیکه جماعتی بعنوان وزیر کشور و قائم مقام انجمن شهر تهران هر ایس  
تراپذ اجرای ماده نمره یک ماده ۵۵ قانون شهرداری را بطلان نماندند و مسئولیت تمام  
نجات آنها بر عهده میگردند خواهشمند مراتب را کتبا - اعلام فرمائید -

شهردار تهران  
محمد یوسلی

پیوست ۸۲: نامه‌ی علی قدوسی (دادستان کل انقلاب) به بهنام ذکائی مبنی بر انتصاب او به نمایندگی دادستان کل در شهرداری



پیوست ۸۳: نامه شهردار تهران به دادستان کل کشور در مورد ادعاهای کذب هیأت بررسی شکنجه

### بسمه شمالی

جناب آقای موسوی اردبیلی

داستان کل کشور

در گزارش هیئت بررسی شکنجه به امام امت در سمت مربوط به دادگاه انقلاب مستقر در شهرداری تهران آمده است:

«مسئله مهمی که در اینجا جلب نظر کرد این بود که مسئولین و بازرسان این دادسرا از طرف مقامات قضائی منصوب نگردیده بلکه از طرف شهردار (شهردار سابق) منصوب شده اند کمترین حتی برای شهردار نبوده است. در این مورد بمقامات مسئول قوه قضائیه گزارش گردید و متخلفین دادسرای شهرداری تحت تعقیب قرار گرفتند»

بطوریکه استحضار دارند دادگاه انقلاب مستقر در شهرداری تهران بر اساس قانون منصوب بود، انقلاب تشکیل گردید و داستان و رئیس دادگاه مذکور مستقیماً توسط جناب آقای علی قدوسی - داستان کل انقلاب انتخاب و احکام آنان امضا شده است که اصل این احکام در مایه‌های شهرداری تهران موجود میباشد. سایر کارکنان اداری دادگاه زیر نظر مستقیم داستان و رئیس دادگاه انجام وظیفه نموده اند. مبعوضاً شهرداری تهران که ارگان اجرایی است در مدت تعدی اینجانب هیچگاه در امور قضائی مداخله‌ای نکرده و دادگاه مذکور مستقلاً بر اساس قانون به وظایف خود عمل نموده است. اینک این سؤال مطرح میشود همیشه بررسی شکنجه زحمت رسیدگی را به خود نداده و بر اساس سموعات و یا احتمالاً بر اساس انگیزه‌های سیاسی چنین گزارشی خلاف واقع و احیاناً مغرمانه‌ای را تنظیم کرده اند آیا میتوان ما بر قسمت‌های گزارش این هیئت را بررسی شده مستند و دور از اغراض سیاسی و متعصبانه دانست؟

با توجه به مراتب بالا و اثرات سوئی که اینگونه گزارشهای خلاف واقع و احیاناً مغرمانه بر باور مردم نسبت به اسلام و انقلاب اسلامی بر می‌دارد خواهشمند است دستور فرمایند موضوع دقیقاً رسیدگی و اعنای هیئت بررسی شکنجه مورد تعقیب قانونی قرار گیرند.

محمد تهیگی  
شهردار سابق تهران

رونوشت جهت استحضار جناب آقای علی قدوسی داستان کل انقلاب و ۱۰۴۱ قفسه



پیوست ۸۵: نامه محسن یحوی به آقایان خسروشاهی، خاموشی، توسلی و سیفیان در مورد ارسال صورت جلسه تشکیل شده در بنیاد مسکن



وزارت شه‌آبادانی و مسکن  
آیت اله خسروشاهی - آقای مهندس برجاموشی  
پیش نویس  
آقای مهندس سی توسلی  
آقای مهندس سیفیان

به پیوست صورت جلسه مورخ ۲۸ / ۸ / ۸۵ متشکله دو  
بنیاد مسکن انقلاب اسلامی ارسال میگردد و خواهشمند  
توجه کننده است در صورت تأیید امضاء و جهت اقدامات بعدی بنامین  
ایشادای لازم وزارت اعاده فرمائید. ۱/۰

محسن یحوی

۱۰۲۰۵

۱۰۹ / ۱۰۹





### وزارت مسکن و شهرسازی

صورت جلسه مورخ ۱۳۵۸/۸/۲۸ در زمینه مسکن انقلاب اسلامی

بمطابق جدول مسائل و مشکلات مربوط به مسکن و هم‌نشینی عملیات مستولان جلسه‌ای با حضور

- |                    |                      |                             |
|--------------------|----------------------|-----------------------------|
| آیت‌الله خسروآبادی | و آقای مهندس سنجلیان | از بنیاد مسکن انقلاب اسلامی |
| آقای مهندس سرتوسلی | و آقای مهندس سحروری  | از شهرداری تهران            |
| آقای مهندس سرحیمی  | و آقای مهندس سرحشور  | از وزارت مسکن و شهرسازی     |
| آقای مهندس خاموشی  |                      | از بنیاد مستضعفان           |

در دیدار و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی منعقد گردید و موارد زیر مورد توافق قرار گرفت

- ۱- با توجه به مهاجرت شدیدی به سوی تهران و نبودن امکانات و خدمات شهری برای ساکنین تهران از هر گونه فعالیت ساختن مسکنی که منجر به جذب افراد بیشتری به آنجا نشود و جلوگیری بعمل آید - و از طرف دیگر برای زمین بردن آنکسها جهت تکمیل کار امکانات رفاهی و فرهنگی و غیره در شهرستانها و روستاها ایجاد شود - ضمن جلب همکاری مسئولان مربوطه با احداث واحدهای مسکونی در سطح کشور و همچنین پروپوزتها و بودجه‌ها و طرحهای عمرانی و کف‌آوری‌ها از اولویت برخوردار باشد .
- ۲- عملیات مربوط به احداث مسکن در زمین مستضعفان در تهران به عهد بنیاد مسکن انقلاب اسلامی می‌باشد و هیچ سازمان دیگری در زمینه‌ها و موسسات دیگری این کار را ندارد و برای واگذاری زمین بنیاد مسکن از طریق سازمان عمران و از سوی شهرداری تهران زمینهای موازی متعلق شد و مطابق توافق شهری و قوانین مربوط به گذشتن شهرداری تهران اقدام خواهد نمود .

۳- هرگونه برنامه‌ریزی و تعیین خط مشی در برنامه‌ریزی مسکن برای مستضعفان در تهران باید بشی از طریق شورای مرکب از نمایندگان وزارت مسکن و شهرسازی - شهرداری تهران - بنیاد مسکن انقلاب اسلامی از طریق رسانه‌های گروهی با اطلاع همگان برسد . /

- |                                    |                          |
|------------------------------------|--------------------------|
| آیت‌الله خسروآبادی - مهندس سنجلیان | بنیاد مسکن انقلاب اسلامی |
| مهندس سرتوسلی - مهندس سحروری       | شهرداری تهران            |
| مهندس سرحیمی - مهندس سرحشور        | وزارت مسکن و شهرسازی     |
| مهندس خاموشی                       | بنیاد مستضعفان           |

پیوست ۸۶: اطلاعیه بنیاد مسکن مبنی بر مکلف نمودن شهرداری تهران به صدور پروانه ساختمان برای متقاضیان در مدت حداکثر یک هفته

ش.ا. ۸۱۸۱

تاریخ ۱۹/۱/۵۹

پیوست

برستان

اد. م. کن انقلاب اسلامی ایران

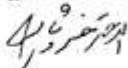
حساب (۱۰۰) امام

اطلاعیه بنیاد مسکن انقلاب اسلامی

بدینوسیله با اطلاع مردم مریاند، که زمینهایی که تاکنون توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی رسماً واگذار گردیده است و طبق قرار قبلی که شهرداری تهران با اینجانب داشته اند، شهرداری موظف است حداکثر ظرف یک هفته پروانه ساختمان جهت اینگونه زمینها صادر نماید. و چنانچه تا یک هفته پروانه لازم را صادر ننماید مردم میتوانند به این پروانه اقدام به ساختمان نمایند.

رئیس هیئت امنا بنیاد مسکن انقلاب اسلامی

سید هادی خسروشاهی



رونوشت: جهت اطلاع شعب بنیاد مسکن تهران

## پیوست ۸۷: مصاحبه مطبوعاتی شهردار تهران در انتقاد از فعالیت‌های بنیاد مسکن

تاریخ: ۱۳۵۹/۰۱/۱۷

شماره: ۶۶

## مصاحبه مطبوعاتی شهردار تهران

تهران خبرگزاری پارس ۱۷ فروردین ماه ۵۹

شهردار تهران امروز در یک گفتگوی مطبوعاتی ضمن ارائه مدارکی درباره اقدامات بنیاد مسکن انقلاب از فعالیت‌های این بنیاد انتقاد کرد و یادآور شد که بنیاد مسکن انقلاب در تهران برخلاف رهنمودهای امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی و مصوبات شورای انقلاب و حتی صورتجلساتی که به امضای رئیس هیئت امنای این بنیاد نیز رسیده عمل کرده است. وی گفت این بنیاد با اقدامات خود نه تنها ضربه بزرگی به شهر تهران وارد آورده بلکه سبب افزایش نارضایتی مردم از دستگاه‌های اداری و در نهایت انقلاب اسلامی شده است.

شهردار تهران از مردم تهران خواست که بعنوان کارفرمای واقعی شهرداری نارسایی‌های شهر خود را با مسئولان شهرداری در میان گذارند و هرگاه مدیریت شهرداری قادر به رفع مشکلات آنها نشد مدیریت آن را عوض کنند و نه این که عده‌ای ناآگاهانه و با اقدامات بی‌رویه خود باعث هرج و مرج در شهر شوند و شهرداری را در بن‌بست قرار دهند.

مهندس محمد توسلی حتی شهردار تهران سپس از تسلیم گزارش اقدامات غیرمسئولانه عده‌ای که خود را وابسته به نهادهای انقلاب نیز می‌دانند به ریاست جمهوری و از جلسه مشترک شورای انقلاب و دولت گفت و بیان کرد از این ارکان اساسی مملکت درخواست کرده‌ام حال که عملاً اجازه فعالیت به شهرداری داده نمی‌شود شخص دیگری را مأمور کار کنند. لکن آقای دکتر بنی‌صدر رئیس جمهوری و شورای انقلاب و هیئت وزیران مرا مکلف به ادامه فعالیت کردند تا این دستگاه بنفع مردم و شهروندان تهرانی اداره شود و به این ترتیب بار دیگر از برنامه‌های شهرداری حمایت شد. وی آنگاه اظهار اطمینان کرد که مردم انقلابی و مبارز تهران هرگز اجازه نخواهند داد مسائل شهری مورد بی‌اعتنایی قرار گیرد.

توسلی حتی با اشاره به پیام ترووی امام که در آن خواسته شده بود بیلان یکساله بنیاد مسکن انقلاب اعلام شود گفت بدون این که بخوام خدمات و زحمات گروهی از برادران در بنیاد مسکن نادیده گرفته شود باید اعلام کنم که بیلان یکسال گذشته این بنیاد که بجای تامین مسکن که به امر امام باپستی از روستاها آغاز شود فقط ایجاد هرج و مرج و تامین زمین‌های برای سودجویی افراد زمین‌خوار و فرصت طلب بوده است. در حالی که اگر شهرداری تهران طی یکسال پس از انقلاب هیچگونه اقدامی برای خانه‌سازی در تهران نکرده ولی ۷۰ درصد از بودجه خود را صرف رفاه اهالی جنوب و حاشیه‌های تهران کرده است و ما معتقدیم که اول باید کار و تولید را در شهر گسترش داد تا وابستگی اقتصادی هزینه کمتر شود و بعد برای افراد محروم تهران خانه‌سازی کرد و مسلم است که حل مشکل مسکن نمی‌تواند از تهران آغاز شود.

شهردار تهران گفت آقای رئیس جمهوری نیز در بازدید خود از حلبی‌آباد و همچنین در جلسات کمیسیون مسکن این موضوع را بصراحت اعلام داشته‌اند. وی افزود با کوشش شهرداری در اوایل سال پیش دیدیم که قیمت زمین بصورت چشمگیری کاهش یافت و با پیشنهاد و پیگیری شهرداری قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری به تصویب رسید و

کارها داشت بنحوی پیش میرفت ولی آیت الله خسروشاهی در مصاحبه‌های خود و تقبلی خود به مردم وعده میداد که مشکل مسکن ظرف شش ماه و بعد یکسال حل خواهد شد.

همچنین اقداماتی که در آن زمان از طریق رادیو و تلویزیون انجام شد که خانه‌های خالی را در تلویزیون نشان می‌دادند باعث تشویق به مهاجرت روستاییان به تهران شد. به امید این که در اینجا خانه‌ها تقسیم می‌شود. این عوامل بود که مردم با گرفتن زمین از بنیاد مسکن و دفترخانه‌سازی برای مستضعفین و با خرید اراضی از زمین‌خواران و یا شخصاً اقدام به ساختن خانه غیرمجاز کردند و شهرداری تهران در تاریخ ۵۸/۰۸/۲۰ گزارش مبسوطی تسلیم شورای انقلاب کرد که متعاقب آن جلساتی در تاریخ ۵۸/۰۶/۱۱ و ۵۸/۰۸/۲۸ در وزارت کشور با حضور وزیر کشور، کفیل وزارت مسکن و شهرسازی، دادستان کل انقلاب اسلامی و آیت‌الله خسروشاهی داشتیم که صورتجلسات تنظیم و همه آن را امضاء کردند. در این صورت جلسات اشاره شده‌است که امر خانه‌سازی در تهران باید بنحوی باشد که از مهاجرت روستاییان به تهران جلوگیری شود ولی متأسفانه آقای خسروشاهی به هیچ یک از این صورتجلسه‌ها که خود آن را امضاء کرده‌اند عمل نکرده‌اند و حتی در اطلاعیه خود اظهار داشته‌اند شهرداری تهران موافق است طرف یک هفته در قبال اوراق صادر شده از سوی بنیاد سند قانونی ساختمان به متقاضیان بدهد.

شهردار تهران آنگاه چندین دست نوشته که به امضای آیت‌الله خسروشاهی بود به خبرنگاران ارائه داد که در آن از شهرداران مناطق خواسته شده است از ادامه کار ساختمانی افرادی که بطور غیرمجاز خانه‌سازی می‌کنند جلوگیری نکنند. شهردار تهران از مردم خواست مصالح انقلاب را محترم شمارند و نگذارند منافع شخصی آنان به انقلاب اصیل اسلامی کشورمان خدشه وارد کند. وی تأکید کرد بدیهی است که شهرداری در قبال مجوز سازمان آراشمی عمران شهری اقدام به صدور پروانه ساختمان خواهد کرد اما هرگز اقدامات بی‌رویه افراد سودجو را صحه نخواهد گذاشت.

وی سپس به مصاحبه دپروز آیت‌الله خسروشاهی با روزنامه اطلاعات اشاره کرد و گفت واگذاری ساختمان جدید به شهرداری که موجب تمرکز ادارات ۱۵ گانه شهرداری تهران و تسهیل امور مردم و خدمات لازم به شهروندان شده بصوب شورای انقلاب صورت گرفت و چنانکه آقای خسروشاهی گفته‌اند این محل به هیچ وجه غضب نشده و بهتر این بود که قبلاً در این خصوص تحقیق لازم به عمل می‌آمد.

شهردار تهران سپس به نکات دیگر سخنان آقای خسروشاهی اشاره کرد و به پرسش خبرنگاری در مورد طرح ترافیک پاسخ داد که هر سازمان و نهادی کاری را که به او محول شده انجام خواهد داد: در هفته بسیج پیشنهاد کردیم که طرح سه روزه ترافیک انجام گیرد و از همکاری صمیمانه ستاد بسیج ملی نیز در این زمینه تشکر می‌کنیم ولی چون این موضوع کاملاً فنی است آن‌ها نباید در آن دخالت کنند.

توسلی حتی در پایان تأکید کرد در حال حاضر سازمان ترافیک، اداره راهنمایی و رانندگی تهران و شرکت واحد با توجه به تجربیات هفته ترافیک مشغول بررسی و تحقیق هستند و به محض روشن شدن چارچوب این طرح جزئیات امر به اطلاع شهروندان عزیز خواهد رسید.

پایان

پیوست ۸۸: پاسخ آیت‌الله خسروشاهی به شهردار تهران در روزنامه کیهان

# کیهان

شماره ۱۰۹۶۶ ، تاریخ ۱۳۶۸ ، ۵۹۰۱۱۸

## پاسخ تند آیت‌الله خسروشاهی به شهردار تهران

شهردار آری توفی به بعضی از گروه‌های شبه روحانیان وابسته تازد. آیا طلب ایران خسرو بود، خسرو بران و جبهه مرا بر انقلاب و آیت‌اللهی میانه و این را هیچ مسانده که ظهور هر شبه‌نظامی در کشور من نیست. این مخصوص جرات ایرانیان است. اینها به همین نگاه هستند که رانندگی میکنند و جرح و کینه و تیر و خنجر در آن جود است. آیت‌الله خسروشاهی ایران را نشان می‌دهد و نشان می‌دهد که این به خود است و نشان می‌دهد که این به تیر و خنجر است و این به تیر و خنجر است و این به تیر و خنجر است.

آیت‌الله خسروشاهی و بعضی از گروه‌های شبه روحانیان وابسته تازد. آیا طلب ایران خسرو بود، خسرو بران و جبهه مرا بر انقلاب و آیت‌اللهی میانه و این را هیچ مسانده که ظهور هر شبه‌نظامی در کشور من نیست. این مخصوص جرات ایرانیان است. اینها به همین نگاه هستند که رانندگی میکنند و جرح و کینه و تیر و خنجر در آن جود است. اینها به همین نگاه هستند که رانندگی میکنند و جرح و کینه و تیر و خنجر در آن جود است.

## پاسخ تند آیت‌الله خسروشاهی به شهردار تهران

— شماره ۱۰۹۶۶ —

شهر ریست، قمری بط‌عموم شهردار تهران

آیت‌الله خسروشاهی و بعضی از گروه‌های شبه روحانیان وابسته تازد. آیا طلب ایران خسرو بود، خسرو بران و جبهه مرا بر انقلاب و آیت‌اللهی میانه و این را هیچ مسانده که ظهور هر شبه‌نظامی در کشور من نیست. این مخصوص جرات ایرانیان است. اینها به همین نگاه هستند که رانندگی میکنند و جرح و کینه و تیر و خنجر در آن جود است. اینها به همین نگاه هستند که رانندگی میکنند و جرح و کینه و تیر و خنجر در آن جود است.

پیوست ۸۹: نامه شهردار تهران به رئیس جمهور و ارائه گزارش تحلیلی در مورد مشکلات اساسی شهر

تهران و پیشنهاداتی برای حل آنها



شهرداری پایتخت

تاریخ ۱۳۵۹/۱/۲۵

شماره ۴۲۷۸

پیوست ۳۳ برگ

بسمه تعالی

جناب آقای دکتر ابوالحسن بنی صدر  
ریاست جمهور و رئیس شورای انقلاب اسلامی ایران

اطلاعیه ای از سوی جنابعالی در تاریخ ۱۳۵۹/۱/۲۲ انتشار یافت و ضمن آن هرگونه اظهار نظری را در مورد سیاست مسکن توسط مسئولان تا تعیین سیاست کلی مسکن و تعیین سطحی واحد ممنوع نبوده آید - ضمن تشکر از این اقدام که در گذشته موجب هسوح و مسوح و همچنین نویسی و با اسی و بالا رفتن قیمتها و نتجتاً "تأرضیانی مردم بوده است، بسیار بجا بود در زمینه ممنوعیت اقدامات بی رویه و کارهای خلاف قانون و مصالح مردم نیز تاکید میشود تا کارکنان شهرداری تهران بتوانند وظائف قانونی خودرا در قبال مصالح انقلاب و مردم شهر تهران عمل نمایند.

جناب آقای رئیس جمهور - پیرو مذاکرات حضوری مورخ ۵۹/۱/۱۱ و گزارشی که منعاقباً در مورد توسعه بی رویه شهر، عوامل مؤثر و آثار و نتایج ناخوشایند آن در جلسه ششگانه شورای انقلاب و هیئت وزیران ارائه شد - با توجه به اهمیت حیاتی این مشکل لازم میباشد بطور اجماع زمینه های آن و تلاش شهرداری تهران را گنجانید نیز با استحضار برسانید تا بعد آنکه با شناخت ریشه ای مشکل هرچه زودتر نسبت به رفع آن اقدام فاعلی بعمل آید.

ریشه های هرج و مرج

شرایط اقتصادی - اجتماعی بعداز پیروزی انقلاب - عدم توفیق لازم برای ایجاد کار در اسباب و مرکز فعالیتها در تهران و همچنین فقدان نیروهای انسانی لازم را میتوان از عوامل مهم ایجاد ریسنه برای توسعه بی رویه شهر در بگسال اول بعداز پیروزی انقلاب بشمار آورد. عوامل دیگری موجب تشدید این توسعه بی رویه و از دست رفتن کنترل شهر گردیده است که مهمترین آن عدم هماهنگی ارگانهای مسئول و نهاد های انقلاب و ایجاد ریسنه برای رشد عوامل خود خو و فرصت طلبی می باشد - در این زمینه در طول سال گذشته طی اطلاعیه ها و مصاحبه های زیاد مردم شهر تهران و مسئولان سلطنت را در جریان گذارده ام در اینجا این عوامل بخصوص جنس مسکن را در ارتباط با توسعه بی رویه شهر تهران اشاره میکنم.



شهرداری باقی‌مانده

تاریخ ..... ۲۵۳

شماره .....

پیوست .....

- ۲ -

### خط‌مشی سکر

۱- امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی در تاریخ ۵۸/۱/۲۱ برای تأمین سگسین محرومان اعلامیه‌ای صادر کردند و طی آن مردم انقلابی ایران را برای این مهم بسیج نمودند پس از افتتاح حساب صد ، نماد سگسین انقلاب اسلامی تشکیل گردید. امام امت در تاریخ ۵۸/۳/۲۶ با بصیرت و دور اندیشی که خاص ایشان است موفقی که در جریان مشکلات شهر شیراز فرار گرفتند با صراحت اعلام داشتند که خانه سازی برای مستضعفان باید از روستاها آغاز شود .

۲- دولت هفتم انقلاب نیز از همان آغاز کار خود بخصوص پس از بازدید جناب آقای مهندس بازرگان در فروردین ماه سال ۵۸ از جنوب شیراز و مشاهده مشکلات با صراحت اعلام دادند که فعالیت‌های خانه سازی از طرف دولت و نهاد های انقلاب و گروه‌های خیر بر باید از روستاها و شهرهای کوچک و محله‌های اشتغال آغاز شود .

۳- جناب‌عالی سکر در فرصت‌های مختلف منجمله بهنگام بازدید از جلسی آباد و جلسات کسبوس سکر دقیقاً همین سیاست را اعلام داشته‌اند .

۴- شهرداری شیراز در اجرای خط‌مشی تعیین شده با وجودیکه قسمت اعظم امکانات خود را ( زمین از هفتاد در صد ) در جنوب شهر شیراز صرف کرده است اما " در زمین‌ها خانه سازی اقدامی نگردید و همواره اعلام داشته است اولاً " منگل انقلاب و مردم در درجه اول سکر نیست مسئله ایجاد کار ، بالا بردن تولید و نفع رابستگی است در کنار کار مفید باید سکر مساحت ایجاد شود . ثانیاً " حل منگل خانه شنسی و گودشنسی بطور اخص وسگسین بطور اعم مستلزم از شهر شیراز آغاز شود .

### سایه اقدامات - بی رویه و اقدامات شهرداری شیراز

۱- بعد از پیروزی انقلاب اسلامی زمین حواری و سود جوان بدون در نظرگرفتن سواط شهری اقدام به تقسیم و فروش زمینها در مناطق شهری نمودند - برای مقابله با این عمل شهرداری شیراز اقدام به تکمیل زمین نبود و متعاقب آن با تصویب قانون لغو مالکیت زمینهای بواب شهری ضمن حمایت از طبقات محروم در جهت پاشی آوردن قیمت مسکن و تسهیل کار



تاریخ: ۱۳۳۳  
شماره:  
پیوست:

- ۳ -

- برنامه ریزی بومیه شهر بسیار موثر افتاد و برای مدنی آرامش نسبی در شهر برقرار گردید.
- ۲- معاهده های متعدد آیت اله خسرو شاهی و وعده هایی که برای دادن حاشیه به صنعتیست داده شد و تحریک استهای بسکی که بخصوص با برنامه های محرک راه پوئولوپزیون شده گردید موجب مهاجرت روساسیبا و ساکنس سایر شهرها به تهران شد.
- ۳- بنا بر به سنگ اوج گرفت مالکس قدیمی زمینهای ملی شده و افراد سودجوسو فریب طلب یا سر مردم محروم و سستف تجاوز به زمینهای که منطبق به دولت بود آغاز کردند. اغلب افراد سودجو نا صرف زمین و ایجاد آلتونک با قیمت زیادی به خانواده های خارمند به سنگ واگذار میکردند - بررسی که در سرق تهران در خاک سفید تهران پارس بعمل آمد بیان داد که حدود ۸۰ درصد از ساکنس جدید روساسیبا هستند که تازه به تهران مهاجرت کرده اند.
- ۴- سروداری تهران در تاریخ ۱۳۲۸/۸/۲۰ گزارش سقیم شورای انقلاب نمود .  
( نتوکی ضمیمه است ) و ضمن شرح مشکلات شهر تهران ، زمینه بخلعات و آثار جبران ناپذیر آن - بسبب ارباب اصلاحی ارائه نمود .
- ۵- در تاریخ ۱۳۲۸/۸/۲۸ دستور هماهنگ کردن عشایب مسئولان در زمینه زمینس و سنگ جلسه ای در دفتر سناد سنگ با حضور آیت اله خسرو شاهی و سایر مسئولان تشکیل گردید .  
( صورجلسه ضمیمه است ) کتاب برجسته این صورجلسه - " ما توجه به مهاجرت شده بسوی تهران و بسوی امکانات و حدیثات شهری از هرگونه فعالیتی که منجر به جذب افراد بیستوسر به طرف تهران گردد جلوگیری بعمل آید " ..... تعلیبات مربوط به واگذاری سنگ وزمین به صنعتیان در تهران بعزیده سناد سنگ انقلاب اسلامی می باشد . . . . . برای واگذاری زمین سناد سنگ از طریق سازمان تهران آرامشی شهر تهران زمینهای موات ملی شده را طبق ضوابط شهری و مقررات مربوط به گسوس شهر تهران اقدام خواهد کرد .
- ۶- در روز ۱۳۲۸/۹/۱۱ جلسه ای با حضور تمام دست اندرکاران در دفتر سرپرست وزارت کسور با حضور آیت اله خسرو شاهی تشکیل گردید ( صورجلسه ضمیمه است ) ( سفتسسی از این صورجلسه باس شرح است ) " ما توجه به امکانات شهر تهران و مصلحت انقلاب سیاس





شهرسازی پایتخت

تاریخ ..... ۲۵۳

شماره .....

پیوست .....

- ۲ -

کلی مسئولین کشور بایستی به نحوی باشد که از افزایش جمعیت در شهر تهران جلوگیری شود  
 " هرگونه واگذاری زمین یا مسکن به مستمعین یا نوجه به اصل جلوگیری  
 از مهاجرت وسیله بنیاد مسکن یا مشارکت وزارت مسکن و پس از کسب مجوز از شهرداری انجام  
 گردد ."

۲- بنیاد مسکن و دفاتر بنیاد مسکن که در کمیته های ۹۴ گانه شهر ایجاد شد بدون  
 رعایت فواید منسوب شورای انقلاب و حیطه‌ی تعیین شده در صورتحساب فوق الذکر  
 اقدام به تقسیم و واگذاری زمین نمود - این اقدامات بی رویه و سایر اقدامات منجمله اقدامات  
 مسابینی که از قبل از طرف آقای حسن کروبی انجام شده بود موجبات گسترش هرج و مرج و فراهم  
 شدن رصمه برای افراد سود جو و فرصت طلب شد بطوریکه زمین دارانی که از ترس انقلاب بکسب  
 خارج فرار کرده بودند به ایران مراجعت و با یا ارسال وکالت نامه اقدام به فروش غیر قانونی  
 زمینهای ملی شده با اسامی تادی یا تاریخ قبل از انقلاب نمودند - تخطیهای ساختمانی گسترش  
 یافت و در طرحهای ضروری شیر تهران ساختمان ایجاد شد و در جنوب و شرق تهران شرکت‌هایی  
 بدون رعایت اولیه برین اصول و ضوابط شهری و گاهی خارج از محدوده ۲۵ ساله شهر تهران  
 بوجود آمد .

بنیاد مسکن علاوه بر واگذاری بی رویه زمین اقدام به ایجاد ساختمان بدون رعایت ضوابط  
 شهری نمود و اقدامات شهرداری نتوانست مانع این اقدامات بی رویه بشود . از جمله در حرم  
 دکابهای کنار فوی انبهای حیابان پهنوری - در منطقه علی آباد ( جنوب تهران ) و چندی  
 بعد در بگر آیت اله خسروانی در زمینه های مختلف دستوراتی بر خلاف ضوابط شهری صادر  
 کرده اند که فتوایی آنها ضمیمه است .

۳- شهرداری تهران در تاریخ ۵۸/۱۱/۲۸ مجدداً " گزارشی تسلیم شورای انقلاب  
 بود و راه حلهای اصولی برای مقابله با این مشکل ارائه نمود ( فتوایی پیوست است ) .

۴- حدود چهار ماه قبل در جلسه سرپرستان کمیته های چهارده گانه شرکت و ضمن  
 طرح مشکلات شیر تهران و آثار سوء کارهای بی رویه آیت اله خسروانی و بعضی از کمیته ها  
 برای مقابله با این مشکلات بخاطر مطالب انقلاب و اسلام از همه آقایان استمداد شد .

۵- سدر تاریخ ۵۹/۱/۹ اطلاعیه ای از طرف بنیاد مسکن صادر و در صفحه ۱۰  
 روزنامه کیهان درج گردید که در آن خواسته شده است شهرداری تهران طسرف یک هفته

تاریخ  
 شماره  
 پیوست



تاریخ ..... ۲۵۳

شماره .....

موضوع .....

- ۵ -

به تمام گسائیکه بنیاد سکن زمین واگذار کرده پروانه ساختمان صادر کند در غیر اینصورت مردم میتوانند بدون پروانه اقدام به ساختمان کنند - همانطور که در بالا اشاره شد زمین های واگذار شده نه طبق ضوابط شهری انجام شده و نه سازمان عمران اراضی شهر تأیید کرده است علیرضا شهرداری تهران قانوناً نمیتواند پروانه ساختمان صادر کند - این اطلاعیه نیز در حالیکه هنوز ترک پیام مو روزهی امام امت در زمینه امنیت و منع مداخله در ارگانهای سنول و تخمیف آنها خنک نشده است موجب تضعیف مدیریت شهرداری تهران و گسترش فح و مروج و سوء استفاده سودجویان شد و عملاً "کنترل سنی ماموران شهرداری در سطح شهر محمل گردید -

۱۱- مسأله با وجود اطلاعیه ای که کمیسیون سکن معافیت جلسه مورخ ۵۹/۱/۱۲ صادر کرد و خط منی صدور پروانه ساختمان را مشخص ساخت آیت اله خسروناهی علیرغم نغیذی که کرده بودند عمده شهرداری تهران معافیه ای بعمل آوردند که در شماره ۱۶۱۰۹ شنبه ۵۹/۱/۱۶ اطلاعات درج گردیده است -

۱۲- شهرداری تهران بعلمت مسئولیتی که قانوناً در قبال مردم شهر تهران دارد روز یکشنبه ۵۹/۱/۱۷ طی مصاحبه مطبوعاتی توضیحاتی در اختیار مردم شهر تهران قرار داد گراس حرکزاری پارس و معافیه های بعدی آیت اله خسروناهی ضمیمه است -

#### حصح بندی

حاصل اقدامات بی رویه در طول سال گذشته را میتوان بشرح زیر خلاصه کرد :

- ۱- توسعه شهر تهران بعنوان بیشتر از سالیان قبل از انقلاب انجام گرفته -
- اقدامات بی رویه موجب شده بسیاری از طرحهای ضروری - غیر منطقی بشود و بصورت لکه های سوره ای از اولی سال بعد از بهروزی انقلاب اسلامی در تاریخ شهر تهران باقی بماند -
- شهرداری تهران و سازمانهای خدماتی چون آب و برق قادر به عرضه خدمات بنسبت و این امر موجب مختل شدن اداره شهر و ناراحتی مردم نسبت به انقلاب اسلامی میشود -



تاریخ ..... ۶۵۳

شماره .....

پیوست .....

- ۶ -

۴- اگر هر وقت گذشته با برنامه دقیق و پیش بینی های لازم مردم از روستاها بسته به جنبه های فرهنگی و مذهبی و وابستگی کامل ( اقتصادی - فرهنگی - سیاسی ) حلقه ها به خدمت متناوبه این حرکت به نظر انقلاب بسیار سریعتر انجام گرفت و در حالیکه خطر حرکت برآمده‌ها را میدانیم در جهت وابستگی بیشتر حرکت کرده ایم .

#### پیشنهادات

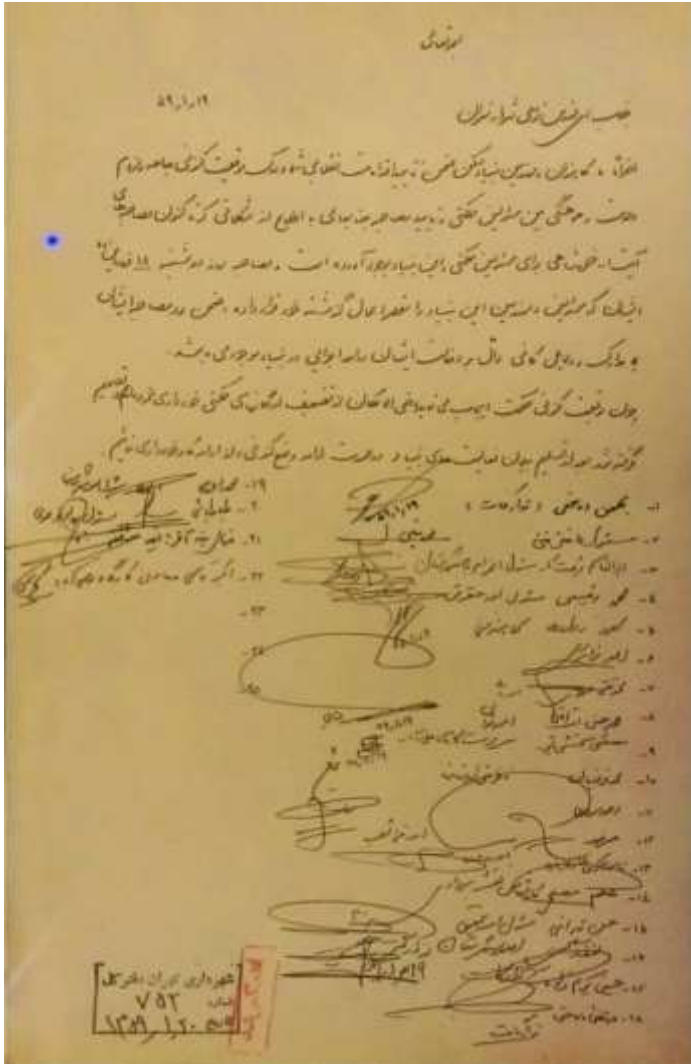
- ۱- راه حل برای آسودگی در گزار برای اهلی به شورای انقلاب منعکس می باشد - بررسی از اقدامات لازم به روح ریز پیشنهاد میشود .
- ۲- هرچه زودتر به اقدامات بی رویه خاتمه داده شود و با تثبیت نیروهای انقلابی نیرو و آموزش ماس - مردم توسعه نیروی کنترل و تحت برنامه درآید .
- ۳- همزمان جذبیه های گامی نو استانیهای مختلف بوجود آید و یکسور طبیعی مردم در کنار کار تهیه و تولید اسلحه و تجهیزات لازم توسعه شود .
- ۴- هرچه زودتر انتخابات شورای محله و شورای شهر انجام گیرد و کلیه خدمات شهری و واحدهای انتظامی زیر نظر - شورای شهر و شهردار منتخب مردم برآورگردد .
- ۵- همراه با ۲۳ ترک مدارک ضمیمه .

محمد موسوی  
شهردار تهران

۱۲۷۸  
شماره ۳۳  
۱۳۵۹/۱/۲۵

- ۱- رونوشت همراه با معاتم جهت استحضار و رسیدگی بهادستان کل حضرت آیت اله جناب آقای موسوی اردبیلی ابلاغ میشود .
- ۲- رونوشت همراه با معاتم جهت استحضار و اقدام سرپرست محترم وزارت کشور حضرت آیتاله جناب آقای بنیدوی کنی ابلاغ میشود .
- ۳- رونوشت همراه با معاتم جهت استحضار و رسیدگی جناب آقای علی فدوسی دادستان انقلاب خمینوری اسلامی ایران ابلاغ میگردد .

پیوست ۹۰: نامه تعدادی از کارمندان و مهندسان بنیاد مسکن به شهردار تهران در مورد مشکلاتی که  
 آیت‌الله خسروشاهی برای بنیاد مذکور به وجود آورده و اعلام احتمال  
 قریب‌الوقوع استعفای دسته‌جمعی خود



پیوست ۹۱: نمونه‌هایی از توصیه‌ها و مداخلات آیت‌الله سید هادی خسروشاهی و کمیته منطقه ۹ در امور شهرداری

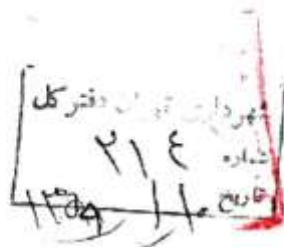


جناب آقای شهردار تهران

بپیوست بیکریک فتوکی اجازه نامه کاشت درخت  
 که به سبب آقای خسروشاهی جهت آقای علی اکبرپوروش  
 صادر گردیده جهت استحضار جنابعالی ایفاد میگردد  
 مضافاً با اطلاع میرساند که ابعاد تقریبی زمین —————  
 ۱۲۰ × ۱۶۰ متر می باشد .

وصف نوری  
 شهردار منطقه ۵

۱۳۵۹



کمیته انقلاب اسلامی امام خمینی  
منطقه ۹

شماره  
تاریخ ۵۸/۱۱/۲۳

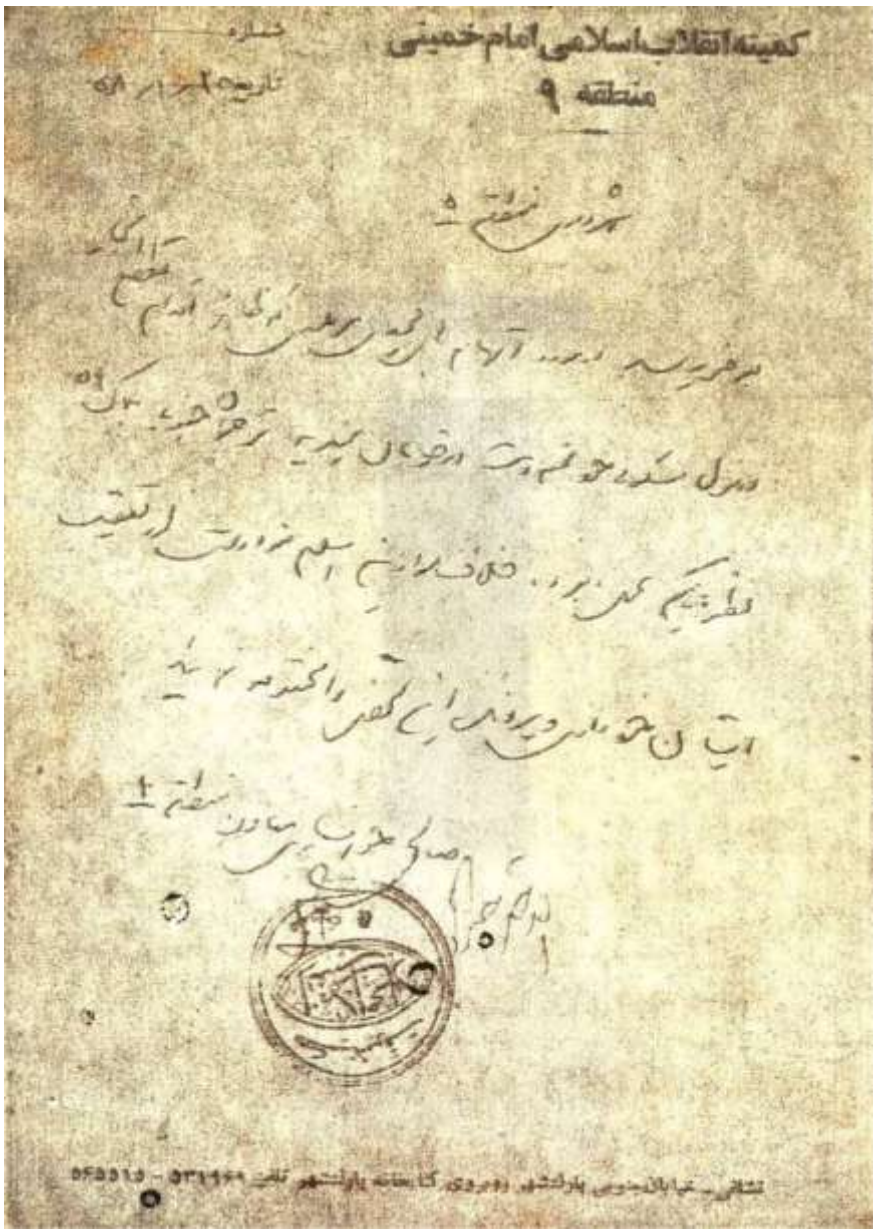
سپید  
رئیس افکار و سران افکار  
بدین در تاریخ ۱۳۵۸/۱۱/۲۳  
از سر در بخش  
کسی در آنجا

دکتر  
۱  

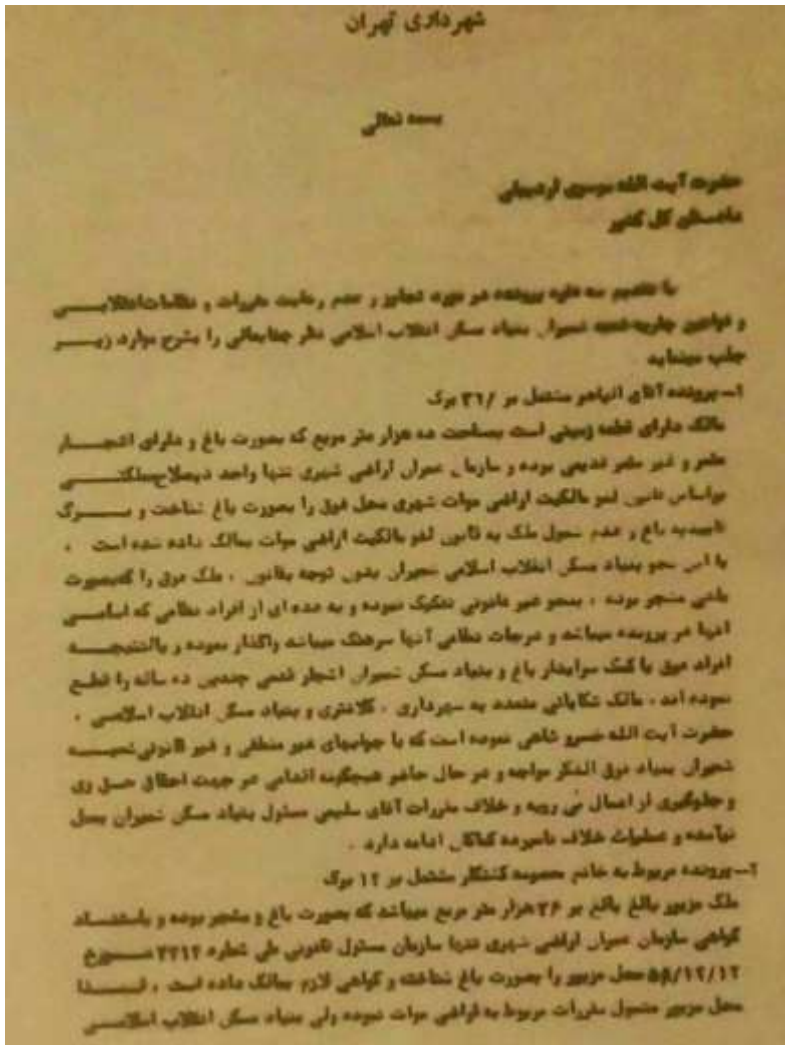






پیوست ۹۲: نامه شهردار تهران به دادستان کل کشور در مورد تصرفات غیرقانونی اراضی و خانه‌ها از سوی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و درخواست جلوگیری از این‌گونه اقدامات



مهر

شهرداری تهران

- ۲ -

تهران به مسئولیت آقای ملیسی استعمار و فضای سبز باغ مزبور را قطع و بصورت زمین مسطح  
در آورده و بین اشخاصی که اشتغال آنان محقق نیست تقسیم نموده است . با توجه  
به دستورات متعدد حضرت آیت الله مهدوی کنی سرپرست کمیته عالی برگزاری انقلاب اسلامی  
مأخر بر عدم دخالت بنیاد مسکن انقلاب اسلامی تهران و اینکه بنیاد مزبور فقط مسئول  
تقسیم زمین زراعی را ندارد و همچنین با وجود دستور رسیدگی از طرف آقای ابوالفضل  
آچاره مار مسئول بیکری و آرتیاس شورای انقلاب و دفتر رئیس جمهوری و دستور دولتی  
و جلوگیری از هرگونه تصرف از طرف هیئت پنج نفری تصرف مدوایی به کلاتری بگمشادخانه  
آقای ملیسی به هیچ یک از دستورات فوق واهی بنیاد و تعطیلات خلاف قانون و مفسدات  
خود را ادامه داده اند .

۳- برپایه مربوط به انجمن زرتشتیان مستعمل بر ۳۵ برگ

این محفل در شمال اراضی بوسف آباد در محدوده اراضی رنگ واقع که بنیاد مسکن انقلاب  
اسلامی تهران ۱۳۳ قطعه زمین را پس از ۱۳۳ نفر تقسیم نموده که ۱۳ قطعه آن در مالکیت  
انجمن زرتشتیان بوده و انجمن فوق عن سرانجامه سازمان تهران اراضی شهری و دریافت  
سر برگ مربوطه - ملکه مزبور مسئول اراضی بوات بوده و متاخسانه بدون توجه بقضای  
و احراز - قانون مورد تقسیم قرار گرفته و در آن ایجاد ساختمانی شده است که در صورت  
نارسی - و جایزه محل با ساختمانهای چند طبقه ای که در اطراف فوق ایجاد گردیده شخصی  
جایزه - که صرفین مزبور مستعمل بوده بلکه عده ای سنگفر و افرادی فرصت طلب  
و حرفه ای میبایست که با سوء استفاده از اصول و قواعدی که بر حمایت غیر و مساعدت  
مستعمل اراضی آن هم از اراضی بوات پیش بینی و نظری شده بر قانون یا کمک نظامات  
هم مسئول در حاشیه جو که با عدم مسئولیت وزیر یا کنارش بطورات موجبات بی نظسی  
و فرج و جرح - در حکم شهر تهران و مالک مالک ایجاد نموده اند .

اینکه با توجه اینکه اولاً - محفل و نگاهداری فعالی سوز در داخل محدوده شهری  
از ولایت اولیه و قطعی شهری بوده و تا سیمانی باقی مانده این گونه اراضی گنگ تا بان و قابل  
بصرف به محضر است مردم شهر میباید که اینک چهار نفر نظری گردیده است و نظری  
آن صواب به دستور های مکی نظامات صلاحیتدار که مالک آن بر این زمین اعلام نظر نموده

۳۵



-۴-

و حیضیه و سلامت و صحت مردم شهر را بر خطر می بینند توجه دارند ، ثالثاً آن جناب که حافظ حقوق عمومی و نگاهدار قوانین عمومی از جمله قانون جلوگیری از قطع می رویه اشیا را که جنبه عمومی داشته و نقصان دفع عامه مردم است نایسته نمیگذرد که همه این غیر مسئول یا تنگ نه جایزه از افراد می نماید اقدام به انجام و محو نشا های غیر مجوز می نماید و نیز و تقسیم آن بین همه این افراد غیر مستحق و سود خیر و خیرد این نمایند و از طرفی احترام خواص و نفورات و گواهی و نفرت ملامتی را که قانوناً تشکیل شده زیر پاگذاشته و حیضیات می نشی و هرج و مرج را بر شهر و در نتیجه منکبت آنچه می میرد انقلابیستاد و دستورات سرجه امام و شورای انقلاب فراهم نمایند با اعلام موافق درخواست دارد که پس صدور دستور اکتفا و موافق بر وضع سرین از اینگونه اراضی و موارد نظیر و مشابه آن نظریه نمایند مرتکب و سپس مورد تعلیم ناموسی قرار گرفته و با اعمال سفارشات بر پایه آنان از اینگونه بر نظرس ها و خود کامی جلوگیری شود . در انتظار صدور دستورات اکتفا قانونی .

شیراز  
مسئول

رومونت وزارت کشور

گنینه مرکزی

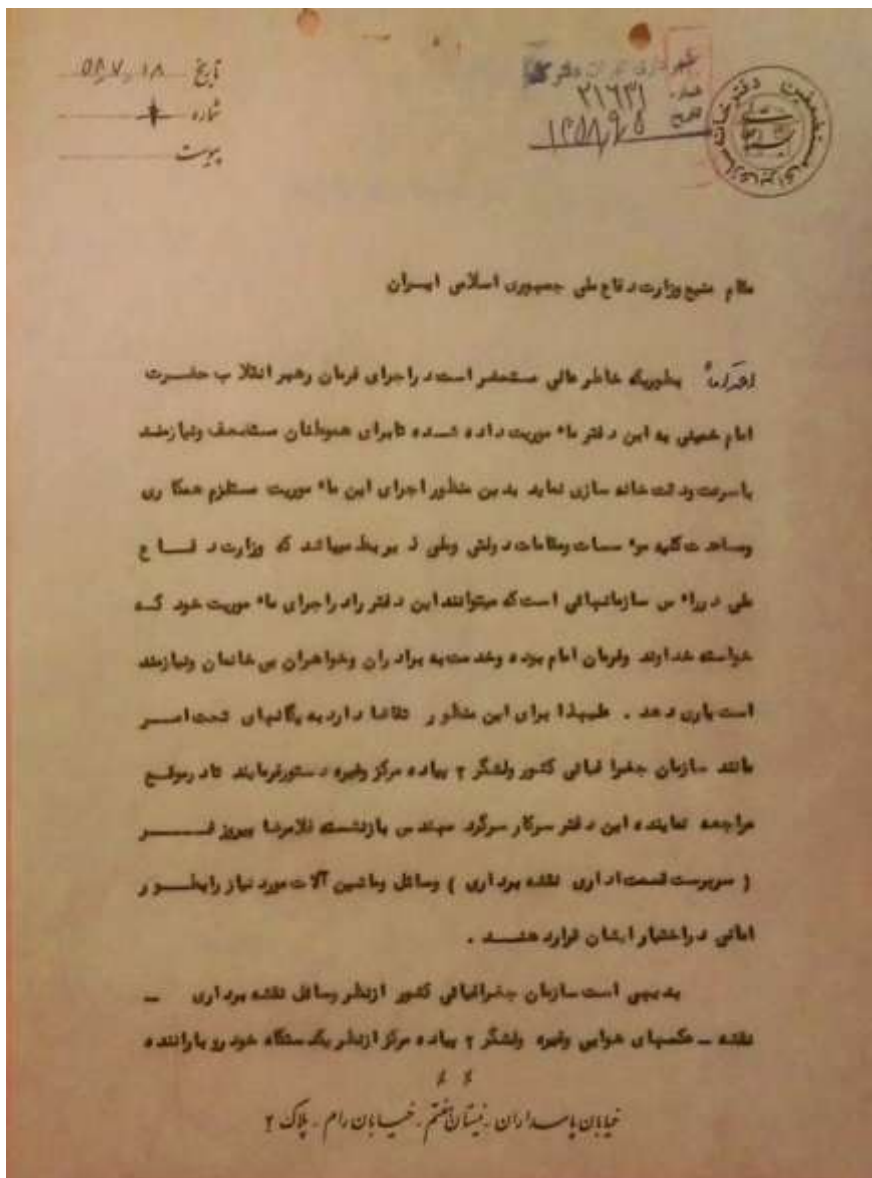
مسئول انقلاب اسلامی

نایب دادرسان انقلاب جمهوری ایران

پیوست ۹۳: نامه شهردار تهران به سرپرست بنیاد مستضعفان در مورد اقدامات غیرقانونی بنیاد مزبور جهت تصرف اراضی موات و خانه‌سازی غیرقانونی و درخواست جلوگیری از این‌گونه اقدامات



پیوست ۹۴: نامه حسن کروبی به وزارت دفاع مبنی بر درخواست وسایل  
و ماشین آلات سنگین برای خانه سازی





تاریخ ۱۸-۷-۵۹  
شماره  
پوست

- ۲ -

و احتمالاً مسائل متشکل می‌باشد پس برای هدف‌های تعیین می‌توانند ترابری فرستاده مده‌های و  
طی شرکت و بار را باری دهند .

درخواست احداث خط‌آهن در راه خدمت به اسلام و پیشبرد هدف‌های  
انقلابی مورد پذیرش و منظور دارد .

باتشکر

سرپرست دفتر عالی مازی برای مستعملین

حسن آگهی

حسن آگهی  
۵۹/۷/۱۰

گیرندگان

- ۱ - تقاضای فرماندهی نیروی زمینی جمهوری اسلامی ایران برای اطلاع و اقدام لازم
- ۲ - ریاست سازمان جغرافیایی کشور برای اطلاع و صدور دستورات لازم . شنا \*
- خواهشمند است در صورت مراجعه سرکار سرگرد مهندس پیروز فرسافل لازم  
بظهور اطمنی در اختیار ایشان قرار دهند .
- ۳ - فرماندهی لشکر ۲ پیاده مرکز مینظور اطلاع و اقدام لازم .
- ۴ - مقام محترم مدیریت کل ثبت اسناد و املاک تهران برای اطلاع و صدور دستورات لازم .
- ۵ - شهردار محترم تهران برای اطلاع و اقدامات لازم .
- ۶ - ریاست محترم سازمان نقشه برداری کشور برای اطلاع و اقدام لازم .
- ۷ - سرکار سرگرد مهندس فلاحتی پیروز فرماندهی آگهی و اقدام لازم

نیایان پاسداران نیسان پنجم . خیابان دام . چک ۱

## پیوست ۹۵: طرح ستاد بسیج خدمات عمومی شهر تهران، اهداف و وظایف و گزارش فعالیت‌های آن ستاد



جمهوری اسلامی ایران  
شهرداری تهران

تاریخ ..... ۱۳۵۰

شماره .....

پیوست .....

• طرح ستاد بسیج خدمات عمومی شهر تهران •

مقدمه :

مدیریت اداره یک شهر بزرگ چون تهران با بیش از شش میلیون نفر جمعیت با مشکلات خاص خود در زمان صلح و آرامش با حالت نا امنی و جنگ کاملاً متفاوت است و شرایط بسیار کنونی مملکت و حفظ دست آورد های انقلاب ایجاب مینماید که واحدهای شهری برای برابری جنگی تجدید سازمان شده و برای برابری سخت جنگ که ممکن است کوتاه مدت نیز نباشد آماده گردند.

بنابراین فعالیت و کارهای جاری - کافی نبوده لازم است با بسیج امکانات موجود شهرداری و امکانات عمومی همسپوزمان با جلب همکاری آنها در سازمان جدیدی هماهنگ با شرایط جنگی با توانی مناسب تلاش نمائیم و سعی بوجود آید که در انجام وظایف سخت این زمان تا بسیار زیاد های انقلابی و موازات دولتی را باری داده و هماهنگ عمل نماید و لازمه تحقق این هدف تشکیل و فرماندهی مناسب با آن و نگارگرفتن همه امکانات مادی و معنوی و بسیج نیروهای مختلف در شهر میباشد بنابراین با اهداف زیر این ستاد ایجاد میگردد :

۱- هدف : نگارگرفتن کلیه امکانات شهرداری و مردم و ایجاد هماهنگی در نیروهای مختلف مردمی و ارگانهای دولتی و غیر دولتی برای آمادگی و مقابله با خطرات جنگی - نظامی و مایعات مربوطه و ارائه خدمات ضروری این زمان -

۲- وظایف - سازماندهی در جهت نگارگرفتن کلیه امکانات و ایجاد توان لازم برای مقابله با خطرات زمان جنگ - شناسائی امکانات موجود چه از نظر نیروی انسانی - مستند سازی در شهرداری و خارج آن - مانند شناسائی برنگان و تعیین شخص آنها - مشخص کردن زمان آمادگی هر برنگ - شناسائی نیروهای فنی مانند - مهندسی - جوشکار - برنگار - نیروهای کارگری - افراد آموزش دیده اطفاء حریق و غیره - و چه از نظر نیروهای مادی و اموال سازمانهای مختلف - مانند بیمارستانها - درمانگاهها - زیرساخت های ساختمانی که بمباران بانهها بمباران از آن استفاده نمود - مانند آلات سنگین موجود در محل - ابزار و برش و ماشین جوش - محلهای نیروهای ایمن سازی - محلهای وجود آذوقه و غیره -

- برنامه برزی برای آماده بودن این امکانات و استفاده آنها تا سرعت لازم در مواقع ضرورت - آموزش کمکهای اولیه - نجارت و امداد و آموزش های روزی با کمک ارگانهای ذیربط - امر ضرورت - آموزش مقامی تحت نظر ستاد بسیج مستضعفین ( نعیمی و سایرین ) لازم جهت برزی میسران آمادگی و معرزه خدمات ضروری در این شرایط -





جمهوری اسلامی ایران

شهرداری تهران

تاریخ ..... ۱۳۵

شماره .....

پیوست .....

- ۲ -

۳- تاربان :

مستور دسرسی به اهداف نوز و با توجه به نیروهای اصلی ( خود باری مستوردم )  
سناری با همکاری ارگانهای زیر در ساء همان مرکزی شهرداری - مناطق شهرداری و محلات  
سازماندهی میگردد .

الف - ساء مرکزی بسیج خدمات عمومی شهر تهران که شامل :

۱- نماینده جامعه روحانیت ۲- نماینده نام الانتخاب سازمان بسیج مستضعفین

۳- نماینده نام الانتخاب سازمان هلال احمر - ۴ شهردار تهران با نماینده نام الانتخاب ایشان

۵- سرپرست آموزش در شهرداری میماند ( ریاست جلسه با شهردار یا نماینده ایشان خواهد بود )  
که وظیفه آن سازماندهی و برنامه ریزی برای نحوه اجرای عمل در سیزده گوی از کلیه تنگیلات  
دولتی و نیروی مردم ( که سیزده های اصلی این چیز اند ) و برنامه ریزی آموزش آنها میماند .

ب - ساء مناطق که مرکب از شهردار منطقه - نماینده یا رابط ساء مرکزی بسیج

خدمات عمومی شهر - نماینده روحانوت منطقه - نماینده سازمان هلال احمر - نماینده آموزش

ساء بسیج مستضعفان و نماینده آموزش ساء مرکزی و ۲ نفر از نمندین محل یا نماینده شهردار

تهران میمانند که با استفاده از برنامه های ارائه شده توسط ساء - مرکزی به بسیج و آموزش

نیروهای شهرداری منطقه و ایجاد ساء های محلات اقدام مینماید .

ج - ساء محلات :

که ارگانهای اصلی و اجرایی این ساء میباشند و شناسایی نیروهای موجود در محل یا خود باری

مردم در این ساء عملی گردیده و سازماندهی مینماید و نیز حات لازم توسط آنها ارائه خواهد

شد .

اعضا این ساء عبارتند از :

۱- یک نفر روحانی محل ۲- نماینده شهرداری ۳- بسیج نفر از نمندین محل .

( وظایف این ساء شناسایی یا ترابط هر زمان بخصوص در ساء - مرکزی بررسی و تعیین میگردد

و نیز با توجه به ترابط خاص محله میتواند در یک محل خدمتگاران و وظایف خصوصی توسط

مردم پیشنهاد و یا تهیه ساء مرکز نسبت بانجام آن اقدام گردد .



- ۱- تامین امکانات و وسایل لازم.
- ۲- شناسایی و طرح کلیه امکانات - پزشکی - آتش نشانی - بنا ها و غیره - ابزار و وسایل مکانیکی و خدماتی .
- ۳- تشکیل گروه امداد ازین کارمندان و کارگران علاقمند و معرفی آنها به ستاد مرکزی سیج .
- ۴- جمع آوری کمکهای نقدی و ازین حساب ۷۷۷۷۷
- ۵- جمع آوری سایر کمکها .
- ۶- تشکیل کلاسهای آموزشی کمکهای اولیه - آتشنشانی - رژی برای کارکنان شهرداری و مردم محصل استقراریستاد .
- بعناظر ایجاد هماهنگی و ماموریت در کار جمع آوری اطلاعات و شناسایی امکانات با هنگ مری - همکاران اداره کل آمار و ارزشیابی سازماندهی سیج طبقه بندی و تعداد ادی فرم و دستاویز محصل لازم برای تکمیل آنها تهیه و به ستاد مناطق ارسال شده است که از این طریق میتوان امکانات بالقوه عملات و ستاد حار را از لحاظ نیروی انسانی " در زمان - فن - انتظامات - سایر خدمات ) و تاسیسات : ( بیمارستانها و درمانگاهها - داروخانه ها - مراکز تاسیسات عمومی و سازمانها تکیه بندی عمده در اتمام خدمات عمومی هستند (تجهیزات ) ماشین آلات - دستگاههای جوش و کابریت و میل و گنگ و کیمه سن ) و علاوه بنا ها و گاهها موجود در محله که بعنوان فابریک استفاده هستند شناسایی و امکان تماس فوری برای امداد در مواقع ضروری ترتیب داده شود .
- تا تاریخ تهیه گزارش ستاد سیج مناطق و سازمانها در برسد شهرت از امکانات زیر از زمینه تحقق خدمات بیشتر می شود و محصل آورده اند که در چند اول پیوست طبقه بندی شده است .
- گزارشات به صورت مکاتبه در خواست تلفنی اخذ شده است بدلیل لزوم سرعت کار و تهیه امکانات کنترل و ازین پس تهیه شده است .
- جمع آوری گزارشها از شهرها و مناطق

اداره کل آمار و ارزشیابی



ردیف	نام استان		تعداد
	تعداد مردان	تعداد زنان	
۱	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۲۰۰۰۰
۲	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۲۰۰۰۰
۳	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۲۰۰۰۰
۴	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۲۰۰۰۰
۵	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۲۰۰۰۰
۶	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۲۰۰۰۰
۷	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۲۰۰۰۰
۸	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۲۰۰۰۰
۹	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۲۰۰۰۰
۱۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۲۰۰۰۰
۱۱	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۲۰۰۰۰
۱۲	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۲۰۰۰۰
۱۳	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۲۰۰۰۰
۱۴	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۲۰۰۰۰
۱۵	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۲۰۰۰۰
۱۶	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۲۰۰۰۰
۱۷	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۲۰۰۰۰
۱۸	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۲۰۰۰۰
۱۹	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۲۰۰۰۰
۲۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۲۰۰۰۰



بسم الله الرحمن الرحيم

استغنی از اولاد استاد های بسیج خدمات عمومی محله

بمنظور تحایله با شرایط جنگ

۱- تشکیل ستاد محله

الف- انتخاب - نفرات افراد خوشام - با تقوا و علاتمند به خدمتگزاری و مبرمن آنبابه مسجد اصلی محل - منظور تا عهد آنبابه -

اجضا - ستاد - این افراد شامل یک نفر روحانی یک عضو شهردار و دو نفر از انفراد - علاوه بر محصل -

ب- انتخاب محصل ثابت ستاد که حتما " باید دارای تلفن باشد اگر این محصل در مسجد واقع شود در محله -

ج- انتخاب برای پاسخگویی به مراجعات نمازها - لازم است فردی متابع که در جریان گره های مشابه قرار داشته است در محصل حاضر باشد -

۲- شناسایی نیروهای انسانی ( شناسایی و اولیین گام زیاد در ستاد ) نظیر پزشکان -

ماناها - پرستاران - متخصصین - با عرقه ها و مختلف -

ج- شناسایی نیروهای غیر انسانی - تأثیر ماشین آلات سنگین و ماشین آلات سبک - ماشین برش - جوش -

د- شناسایی تأسیسات - تأثیر اروخانه ها - شهردارها - ایستگاه های آتش نشانی -

کلاسش - ها - کمیته ها - خوابگاه - فرقی ها - نانو آنبابه - محصل های فروش سوخت نفت و بنزین و -

شناسایی شهرهای آتش نشانی و محل اوزان و شناسایی کمیته خاور -

۳- سازماندهی و برنامه ریزی برای بکار بردن نیروهای انسانی و نیروهای غیر انسانی -

برنامه کشیک شبانه ( با آمادگی بودن ) در شب ها برای آنامان پزشکان - در اروخانه ها و -

آموزش - آموزش کمک های اولیه در کلاس های محصل - آموزش امداد و نجات و آتش نشانی -

ایجاد آمادگی بومی -

۴- شناسایی نقاط امن ( پناهگاه ) - با استفاده از ضوابط و نقشه های راهنمای پناهگاه های -

موتند - محل ها - کمیته بدین منظور میتوان انتخاب کرد مورد بازدید به قرار گرفته و رتبه توان آن گردد -

۵- آمادگی برای کمک عمرانی و غیر انسانی - حاصل از جمله - پشتیبانی است برنامه -

نیروهای انسانی و غیر انسانی تدوین شده - تاریخ و تاریخ لازم مورد استفاده قرار گیرد -

در زمان لازم است با آمادگی شود لیست های مربوط به نیرو های پناهگاه پس از تکمیل شدن طیار -

آن در سند نسخه -

الف- یک نسخه جهت استفاده در ستاد محله - ب- یک نسخه جهت استفاده در ستاد منطقه -

ج- یک نسخه جهت استفاده به مرکز ستاد ایماال گردند -

ستاد بسیج خدمات عمومی شهردار

پیوست ۹۶: مکاتبه شهردار تهران با سرپرست سازمان بسیج مستضعفین در خصوص  
همکاری‌های متقابل



شهرداری تهران

تاریخ  
شماره  
پیوست

بسمه تعالی

جناب آقای امیر مجید

سرپرست محترم سازمان بسیج مستضعفین

بهره‌مذاکرات قبلی با توجه به ضرورت تسریع آمادگی  
شهر تهران برای مقابله با سایهات جنگی و امان عرضه  
خدمات در این شرایط خواهشمند است در زمینه توسعه  
آن همکاری‌های لازم با ستاد بسیج خدمات عمومی شهر  
تهران که در ارتباط با وظائف شهرداری در شرایط جنگی  
بوجود آمده است و در ارتباط و هم‌آهنگی و در خدمت  
سازمان بسیج مستضعفین قرار دارد دستور تصریح صادر  
فرمایند. ضمناً جهت ایجاد هماهنگی لازم در سطح  
مناطق و محلات نماینده تام‌الاختیار آن سازمان را معرفی  
فرمائید تا در این زمینه راهنمایی و نظارت لازم را معـسول  
فرمایند.

محمد توپچی

شهردار تهران

رونوشت ستاد بسیج خدمات عمومی شهر تهران


۱۶۵۵۵

۱۳۵۹/۷/۲۴





پیوست ۹۷: نامه شهردار تهران به نخست‌وزیر مبنی بر لزوم برقراری ارتباط و هماهنگی میان ستاد بسیج خدمات عمومی شهر تهران و سازمان بسیج مستضعفین

  
 جمهوری اسلامی ایران  
 شهرداری تهران

تاریخ .....  
 ۰۰۱۰۵  
 پیوست .....

بسمه تعالی

جناب آقای محمدعلی رجائی  
 نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران

بطوریکه استحضار دارید در شهرداری تهران برای ارائه خدمات شهری لازم در زمان اضطرار و مطالبه باخسارات و غایبات جنگ ستادی بنام " ستاد بسیج خدمات عمومی شهر تهران " تشکیل شده است که در ارتباط و هم آهنگ و در خدمت سازمان بسیج مستضعفین می باشد با توجه به ضرورت فعالیت این ستاد ، خواهشمند است دستورات لازم برای اطلاع و همکاری سایر سازمان ها و نهاد هاساندر فرمایند .

با احترام : شهردار تهران  
 محمد توسلی

۱۷۳۹۰  
 ۵۹ - ۷۲۴

رونوشت برای استحضار جناب آقای مهدوی کنی وزیر محترم کشور پیرو مذاکرات جلسه قبلی ارسال میگردد تا در صورتیکه رهنمودهایی لازم باشد صادر فرمایند .

شهردار تهران  
 محمد توسلی

پیوست ۹۸: نامهٔ وزیر کشور به شهردار تهران در مخالفت با تشکیل ستاد بسیج خدمات عمومی شهر تهران



بسمه اعلیٰ

۵۰۷۰  
۵۹/۸/۴

جناب آقای محمد هوسلی  
شهردار تهران

بازگشت به رونوشت نامه شماره ۱۷۲۹۰ مورخ ۱۳۵۹/۷/۲۴ موضوع  
تشکیل ستاد بسیج خدمات عمومی شهر تهران اشعار می‌آید.  
این قبیل خدمات در اختیار سازمان بسیج مستضعفین گذارده شده است  
و سازمان مذکور می‌تواند در رابطه با کلیه سازمانها و نهادها وظایف خود را  
انجام دهد. بدیهی است با توجه به مقررات موجود شهرداری تهران مستقیماً  
نمی‌تواند متصدی اینگونه امور باشد.

محمد رشاد مهدوی کنی

وزیر کشور

۵۹/۸/۴

تاریخ  
۱۷۹۷۲  
۱۳۵۹/۸/۴

۵۹/۸/۴

پیوست ۹۹: صدور اطلاعیه شهردار تهران در مورد قانونی بودن ایجاد ستاد بسیج خدمات عمومی از سوی شهرداری تهران



شهرداری تهران

سده بیانی

والتسلطیة بیرونی و بیرونی

تاریخ - ۱۳۵۰  
شماره -  
پیوست -

در این سند با اطلاعیه آن که در روز بیستم کتور در مورد تشکیل شوراهای مجلسی و ستاد بسیج خدمات عمومی انتشار یافته است. براینه بر رآه اطلاع مردم و مسلمان و مسلمانان شهر تهران صورت است.

۱- ستاد بسیج خدمات عمومی شهر در ارتباط با وظائف شهرداری تهران ارائه خدمات است. شهرداری لازم در زمان اضطرار و مقابله با فاجعات و خسارات جنگ با مشارکت و همکاری مردم و زیرساختها در امر بسیج مستضعفین با اطلاع و زیرساخت مردم کشور و موافقت جناب آقای محمد علی رجائیشی نخست وزیر تشکیل گردیده است.

۲- ستاد بسیج مذکور در مدت کوتاهی توفیق شده است علاوه بر تشکیل ستاد مناطق و تعدادی از ستاد های محلات آموزش کتبیای آماده و نجات و امداد را در سطح وسیعی از کارگزاران شهرداری ارائه نماید و بدین قابل ملاحظه از کارگزاران شهرداری شهر تهران بسیج مستضعفین آموزش نظامی دیده اند که در این باره به ضمیمه های مختلف اتراد شده اند.

۳- براینه آن که برای تشکیل ستاد محلات اطلاع رنده است. در پی حوجه جنبه استعانتیاتی برخی شوراهای را ندارد بر آ شورای محلات و شورای شهر بر اساس بنیوه قانونی که هم اکنون در مجلس شورای اسلامی در دست بررسی است. بر این اساس وزارت کشور باید انجام شود. همانطور که مثلا اطلاع رنده است این ستاد محلات از قانونگذاران است. در اصلاح که مورد تأیید مجلس اصلی محله باشد تشکیل و بر این صیور محور توسط ستاد بسیج خدمات شهری کار آموزش و سازماندهی را در محلات بر مخر ستاد منطقه انجام خواهد داد.

۴- بدینوسیله بر اساس اطلاعیه وزارت کشور گروههایی که مستقل از ضوابط اعلام شده شهرداری تهران ایجاد شده تشکیل شور های محلی خوده باشد نیز مانوس میباشد.

۵- ستاد بسیج خدمات عمومی شهر تهران با اطلاعیه این سند در جهت اطلاع مردم شهر در جهت آماده باش مردم در این زمینه با شرایط جنگی دارند انتظار دارند از هرگونه عمل خلاف و بیرویهای خودداری نمود تا شهرداری تهران بتواند در چهارچوب قانون و ضروریات انقلاب و ترانسپت جنگ ضامنیت با یارو ستاد ها و وظایف خود عمل نماید. والسلام علیکم و علی آئالتهم

شهردار تهران  
محمد موسوی

۱۳۵۰

پیوست ۱۰۰: نامه شهردار تهران به محمدعلی رجایی (نخست‌وزیر) در مورد اقدامات بی‌رویه و مداخلات وزارت کشور در امور شهرداری و مطلع کردن ایشان از وظایف ستاد بسیج خدمات عمومی شهر تهران



شهرداری تهران

بسمه تعالی

برادر جناب آقای محمد علی رجایی  
نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران

تاریخ: ۱۳۵۹/۸/۱۷  
شماره: ۱۸۸۵  
پیوست

بطوریکه استحضار دارید اینجناب بر اساس حکم مورخ ۱۳۵۹/۷/۲ جنابعالی بانوجه به شرایط جنگی مملکت و کوله بار مسئولیت سنگینی که انقلاب اسلامی و خون شهدا بر گسرفتن تک تک افراد ملت ما نهاده است ، در شرایطی که عرصه خدمت بر بسیاری از خدمتگزاران ملت تنگ شده با آگاهی و فرک عمیق از موقعیت حساس کشور و با این تصویر که قبول داشته اید "خدمات شهرداری تهران از فاصله پیروزی انقلاب تاکنون چشمگیر بوده است" و بامید آنکه در جهت رفع مشکلات گذشته مربوط به اداره شهر تهران هماهنگی و همکاری بیشتری از سوی ارگانهای دولتی و نهاد های انقلابی بعمل آید ، کار خود را در شهرداری تهران ادامه دادم .

متأسفانه همانطور که استحضار دارید در این مدت از سوی افرادی که در وزارت کشور نقش تعیین کننده دارند مداخلات و اقدامات بی رویه ای بعمل آمده که نتیجتاً کار اداره شهسور را در این شرایط حساس مملکت بسیار دشوار ساخته است . بمنوان نمونه: مسائل مربوط به تشکیل ستاد بسیج خدمات عمومی شهر را بطور خلاصه بطرح زیر با اطلاع میرساند .

۱- از همان روز های آغاز جنگ تصمیمی بخصوص موفقی که تزیولف ها و مینگیهای روسی بر فراز شهر تهران مشاهده شد و نقاطی از شهر بمباران گردید با توجه به دستسور آماده باش امام است و اینکه این جنگ نمیتواند کوتاه مدت باشد شهرداری تهران با اطلاع وزیر محترم کشور و اخذ موافقت جنابعالی و ایجاد هماهنگی با سازمان بسیج مستضعفین اقدام به ایجاد ستاد بسیج خدمات عمومی شهر نمود تا با آموزش و سازماندهی بیش از ۳ هزار نفر کارکنان و بسیج کتبه امکانات شهرداری و آموزش و سازماندهی مردم در ستاد محلات با همکاری مساعد این آمادگی را بوجود آورد که در زمان اضطرار ، شهرداری بتواند خدمات شهسوری لازم را به مردم شهر ارائه داده و در مواقع لازم کارنجات و امداد آسب-دب-دگ-سگان و باز سازی های ضروری را با مشارکت مردم انجام دهد که بگ نسخه از طرح آن ضمیمه میباشد .



تاریخ ۱۳۵  
شماره  
پیوست

- ۲ -

۱- سازمان بسیج مستضعفین طی نامه مورخ ۵۹/۸/۲ پیوست سازماندهی و برنامه ریزی در مورد خدمات شهری با توجه به فروریات فعلی سلطنت را از وظائف شهرداری اعلام و در زمینه آموزش نظامی همکاری تابسته ای معمول داشته بطوریکه بیش از هزار نفر از کارکنان تاکتیکس آموزش دیده که تعدادی از آنها از طریق سازمان بسیج به جعبه های جنگ اعزام شده اند.

۲- وزارت کشور در تاریخ ۵۹/۸/۲ بدون اشاره به شهرداری تهران در مورد غیر قانونی بودن ستاد های بسیج خدمات شهری اعلامیه ای با این مضمون انتشار داد: " . . . گسروسی بدون توجه به ضوابط و مسئولینهای محوله دست به اقدامات غیر قانونی زده و با پخش اطلاعیه هایی با عناوین مجبول انبویه مردم را به تشکیل تورا های محلی و ستاد های بسیج خدمات شهری دعوت میکنند و . . . وزارت کشور این قبیل اقدامات را غیر قانونی اعلام داشته و گمانیکه اقدام به اینگونه امور کنند تحت پیگرد قانونی قرار خواهد داد. در خانه مذاکسر میشود که هماری مردم در ترویج عادلانه مواد ضروری در محله تحت نظارت روحانیون و معتمدین محل از تحول این اعلامیه مستثنی است "

بعلاوه در جواب رونوشت نامه مورخ ۵۹/۷/۲۴ شهرداری تهران که از وزیر محترم کشور برای تسریع کار ستاد بسیج خدمات عمومی شهر کمک و راهنمایی درخواست شده بود طی نامه مورخ ۵۹/۸/۲ پیوست آمده است: " . . . این قبیل خدمات در اختیار سازمان بسیج مستضعفین گذارده شده است و سازمان مذکور میتواند در رابطه با کلیه سازمانها و نهاد ها وظائف خود را انجام دهد. بدیهی است با توجه به مقررات موجود شهرداری تهران مستقیماً نمیتوانست مصلحتی اینگونه امور باشد. "

۳- شهرداری تهران متعاقب مذاکره حضوری با جنابعالی اطلاعیه ای که نسخه ای از آن پیوست می باشد منتشر و در آن تاکید کرد که " ستاد بسیج خدمات عمومی شهر در ارتسباط با وظائف شهرداری برای ارائه خدمات شهری لازم در زمان اضطرار و مقابله با هیاهات و عسارات جنگ یا مشارکت و همکاری مردم تشکیل گردیده و انتظار دارد بتواند در چهار چوب قانون و ضرورتهای انقلاب و شرایط جنگی هماهنگ با سایر نهاد ها به وظائف خود عمل نماید. "



تاریخ ..... ۱۳۵۰

شماره .....

پیوست .....

- ۳ -

جناب آقای رجائی نخست وزیر محترم در حالی‌که بخشی از شهر های غربی و جنوب ملکست زیر ضربات بمباران ناجوانمردانه دشمن قرار دارد و مردم بی‌دفاع این شهر ها خسارات و فاجعات قابل ملاحظه ای را متحمل شده اند معلوم نیست وزیر محترم کشور گارینه جنابعالی با چه انگیزه ای و بر اساس چه ضروری انجام شویری و مردمی شهرسازی تهران را که مسئول اداره شهر ۶ میلیونی است غیر قانونی ولی اقدام می‌نماید و پرواکنده مردم با نظارت روحانیون و معتمدین محل را قانونی اعلام مینماید.

اینگ با توجه به مراتب بالا از یک سوی اقدامات انجام شده بر اساس ضرورت‌های دوران جنگ و مصالح انقلاب و مردم شهر و با موافقت جنابعالی بعمل آمده و شهرسازی تهران نیز مطرم به انجام آن میباشد و از سوی دیگر وزیر محترم کشور که طبق قانون تاقم مقام انجمن شهر تهران بوده و باید مصالح مردم شهر را در این تریابط حساس دور از اغراض شخصی و انحصار طلبی ها مطرح نماید متاسفانه مخالف این ضرورت می باشد و این دوگانگی مردم شهر را دچار سرگردانی و بلاتکلیفی و احتمالا با فاجعات جبران نا پذیری مواجه خواهد ساخت . خواهشمند با توجه به اهمیت مسئله و مسئولیتی که جنابعالی در این تریابط حساس بسوی هماهنگی واحد های اجرایی معیده دارید موضوع را رسیدگی و اقدام مقتضی معمول فرمایند .  
والتامع لمتتین .

شهردار تهران

محمد توسلی

رونوشت جناب آقای وزیر کشور عطف بنامه شماره ۵۰۷۰ مورخ ۱۳۵۹/۸/۲ جهت استحضار ابلاغ میگردد.

۱۳۵۹ / ۸ / ۱

شهردار تهران

محمد توسلی

پیوست ۱۰۱: نامه شهردار تهران به دکتر بهشتی و انتقاد از او بابت پذیرش نظارت همه جانبه روحانیون

### در مدیریت‌ها



تاریخ ۹/۹/۱۳۵۹

شماره ۴۰۴۸

پیوست

بسمه تعالی

جناب آقای دکتر بهشتی  
رئیس دیوان عالی کشور

در سفرهای روز پنجشنبه ۲۹ آبان ماه جاری در مسجد امام خمینی تهران که از کلمه و مسائل ارتباط جمعی بحث شد جنابعالی چنین فرموده اید :

"روحانیت آگاه متعهد حداقل در حد نظارت همه جانبه تمام نیاز به عنوان منعطفان نیست در جریان کارهای کشور برای همیشه نظارت خواهد کرد . کسانی در جمهوری اسلامی مسئولیت‌های خود و کلان را قبول بکنند که با این نظارت مراجعین سازگار باشد آن‌ها ننگه این نظارت‌ترا نمی‌زنند تحمل کنند لطفاً چایشان را به کسانی بدهند که از این نظارت صمیمانه استقبال میکنند "

گرچه در این بحث نمونه مورد توجه جنابعالی تاهرا " شهرداری بوده است ولی بیان مطلوب نام و مخاطب همه هستند .

اینجانب با توجه به مسئولیت سنگینی که توابط حاکمان مملکت و انقلاب و تحولات ترقی آن بر دوش همه میگذارد جواب جنابعالی را ضرور و واجب میبینم و انتظار دارم مورد توجه جنابعالی و همه کسانیکه اینچنین می اندیشند واقع شود . اولین مطلبی که مردم باید بدانند اینستکه آیا جنابعالی از اختیارات رئیس دیوان عالی کشور برای صدور این دستور استفاده فرموده اید یا از اختیارات رهبری حزب و یا . . . . . با توجه باینکه رئیس دیوان عالی کنسور چنین اختیاری را ندارد بنظر میرسد جنابعالی بعنوان رهبر حزب حاکم چنین ضروری را تشخیص داده اید . بلحاظ شخصی چون اینجانب این طرح و تکرار را غیر اصولی و نتیجه آنرا قطعا " به ضرر انقلاب اسلامی و موجب تضعیف رهبری انقلاب و روحانیت منسوب میدانم . خواهشمند دستور فرمائید دولت فرد نایبته ای را که تابع این نظر باشد معرفی نمایند تا مسئولیت اداره شهر تهران با ایشان تحویل گردد .

اما بلحاظ عمومی برای اینکه عملکرد طرح جنابعالی و مثل مخالفت خود را توضیح دهم مسائل اساسی را بطرح زیر خلاصه مینمایم :

۱- با قبول حاکمیت الهه و اجرای قوانین الهی یعنی پذیرش رهبری امام (ولایت فقیه ) همانطور که امام امت همیشه تأکید کرده اند ، مردم باید خود در چهار چوب قوانین اداره امور زندگی را بدست گیرند و آنکس را که صالح تشخیص میدهند انتخاب کنند و برحسب اجرای کار ها نیز نظارت نمایند . بطوریکه امام امت نمایندگان مجلس شورای اسلامی را





تاریخ ..... ۱۳۵

شماره.....

پیوست.....

- ۲ -

"شماره نظیت و اراده ملت" خوانند. بدیهی است روحانیت نیز چون مایه در آب در جامعه متعالی اسلامی حضور دارد و بدون اینکه تحصیل و فناری در کار باشد در صورت احراز صلاحیت و نشان دادن تمهد و مسئولیت پذیری با اصرار و خواهش و تنها آیرا انتخاب خواهند گسرد اگر این اختیار را از مردم سلب کنیم مسئولیت انسان در مکتب لوث خواهد شد.

۴- روحانیت متعدد و مسئول در فرهنگ سرخ تنبع همواره بطور طبیعی در قلب ملت جای داشته و دارد و نیازی به سیاست اشغال تحصیل ندارد. مگر روحانیون برجسته ای چسوم مرحوم میرزای شیرازی، مرحوم مدرس، شهید استاد مطهری، مرحوم آیت الله طالقانیسی و آیت الله منتظری با تحصیل مورد توجه ملت تراز گرفته اند؟ مگر حضرت امام خمینسی رهبر تالیفدر انقلاب اسلامی ایران که بطور بی سابقه در طول تاریخ تنبع میورد پذیرش مردم تراز گرفته اند و جان برکف از او اطاعت می کنند تحصیلی در کار بوده است؟

۵- باید نظارت مردم در امور را که در آن روحانیت متعدد حضور دارد با نظارت میورد نظر جنابهایی که نتیجه آن به سلبه یک حزب در جامعه انجامد و افراد متعدد و آگاهانه جامعه بخصوص روحانیت متعدد تگوان عواقب آن هستند متمایز ساخت. ما و دوستانمان گسه بعدار پیروزی انقلاب در آن شرایط بسیار سخت قبول مسئولیت کردیم و بخاطر خدا و خلق بپاخواست منتصف ایوان سخت ترین شرایط و شهید ترین حملات و تاروانترین اتیامات را تحمل کردیم بخوبی میدیدیم که افرادی چگونه از قبول مسئولیت اجزائی تانه خالی کرده و تصام نیروی خودرا صرف سازماندهی سیاسی و انتقال مواضع قدرت میکنند اما بخاطر خدا و مصالح انقلاب و انجام امور محوله و تأمین نیازمندیهای مردم با تحمل تمام مشکلات بدون دانشس اختصار لازم قبول مسئولیت کرده ایم با این اعتقاد که قدرت از آن خدا است وظافت نهائسی با خداوند تبارک و تعالی و ملت خواهد بود که آگاه به امور بوده و بموقع نظارت خواهند گسرد والذین جاهدوا انما لنجدینهم سلنا.

۶- متعددی ملت طویل مفاد قانون اساسی چه در سطح مجلس شورای اسلامی و چه در سطح اداره استنادها، شیرها و روزنامهها منتخبین مردم هستند روحانیونی که مدته مسردم باشند بطور طبیعی توسط مردم انتخاب خواهند شد همانطور که در مجلس شورای اسلامی متصل شده است.



تاریخ ..... ۱۳۵

شماره .....

پیوست .....

-۴-

شـد واتی برای اداره امور مملکت ، دولت و وزرا و افراد منتخب آنان براساس شـوایب و مکنی و اسلامی و صلاحیت و شایستگی از صالح ترین افراد انتخاب شوند مداخله روحانیت چه ضرورتی دارد . نظارت اصولی که لازمه پویائی هر سیستم می باشد در خدمت مدیریت یعنی مسئولان بالاتر و نمایندگان منتخب مردم در کلیه سطوح طبق شـوایب قانونی باید انجام شود .

مـدیرتعالیم اسلامی و اصول بـدیهی مدیریت اختیار همیشه در کنار مسئولیت وجود دارد . مگر میتوان تصور کرد کسی که در لبال قانون و ملت مسئول نیست دارای اختیار شود . اگر روحانی متمیزی صلاحیت نظارت در کاری را دارد یعنی آشنا با آن امور هست چـرا اینان را خارج از خدمت مدیریت قرار دهیم که آشنگی و احسانا " سو" استفاده و بـدیهی بهار آوردیم همانطوری که در بسیاری از موارد عمل شده است مستقیما " مسئول اداره آن کار نشوند ؟

بـدر مورد اداره شهر تهران حتما " استحضار دارید که مدیریت شهرداری تهران از همان روزهای نخست بعد از پیروزی انقلاب همواره به ضرورت نظارت و مشارکت مردم در کار اداره شهر تاکید داشته و با وجودیکه انتخابات شورای محله و شورای شهر هنوز نتوانسته انجام شود ولی عملا " در اکثر محلات و مناطق معتمدین مردم نظارت و همکاری بسیار ارزنده ای با شهرداری تهران داشته اندکه نضا " بدون این همکاری انجام بسیاری از پروژهها بخصوص در جنوب تهران منجمده در گودها امکان پذیر نبود . روحانیت مبارز تهران ، مسئولین برخی از کمیته ها و روحانیون متعدد محلات شهر بهطور طبیعی نظارت و همکاری تأییدیه ای داشته و در برخورد با مشکلات ، مسئولان اداره شهر را باری داده اند .

بـدر اداره شهر ۶ میلیونیمی بهار گونه تهران با تمام تا سامانی های آن که آثار رژیم طاغوت میمانند در شرایط خاص بعد از پیروزی انقلاب مسئله ای نشی و پیچیده است . با توجه به پیوند عمیق سائل مملکت و انقلاب با مسائل شهر تهران هرگونه تصمیم و اقدام تسجیده و حساب نشده در شهر تهران میتواند باز تاب و اثرات بسیار وخیمی در سطح مملکت برای انقلاب بهار بیاورد و بیمنی مناسبت اگر مدیریت شهرداری میخواست تسلیم نظرسرات ناظمی و انحرفانی معدودی از روحانیون بنود بین بست های غیر قابل اجتنابی برای اداره شهر بوجود میآید که نواب و شایعات آن برای انقلاب میتواندست از نطقه های ضد انقلاب بسیار و تخم تر باشد .

چنانچهالی با آشنائی قریب ۲۵ سال گذشته استحضار دارید که اینجانب همیشه همواره



تاریخ ..... ۱۳۵

شماره .....

پیوست .....

- ۴ -

و موافق و مؤید روحانیت معتقد بوده و هم‌دم و این مخالفت که تصور می‌کنم مورد تأیید قاطبه روحانیت معتقد نیز باشد صرفاً " به منظور دفاع از اصول و جلوگیری از جو بدبینی است که اینگونه طرحها و اندامات در جامعه علیه روحانیت معتقد و نتیجتاً " انقلاب اسلامی بوجود آورده است و بار سنگین مسئولیت آنرا جناب‌عالی و دوستانان در مقابل خدا و امام امت و خون شهیدان انقلاب بر دوش خواهید داشت . والعاقبة للمتقين .

شهرداری تهران  
محمد توفیقی

پیوست ۱۰۲: نامهٔ وزیر کشور به شهردار تهران مبنی بر غیرقانونی بودن ستاد بسیج خدمات عمومی شهر تهران



بسمه تعالی

جناب آقای محمد توسلی  
شهردار محترم تهران

بازگشت برونوشت نامشماره ۱۸۸۵۰ مورخ ۱۷/۸/۵۹ اعلام میدارم که منشأ در واگنهای رایانه مستخدمین که از کجا شروع شده است، وقتی شهرداری بدو مجوز قانونی شهرا و ستاد بسیج تشکیل میدهد وقتی ترکیب ستاد شهرا بهادرمحلات را صورتاً "مردم و واقعا" انتصاب از طرف شهرداری متشکل میسازد این ستاد و شهرا نمیتواند مردمی و مورد قبول وزارت کشور و عامه مردم باشد.

زیرا تشکیل اینگونه ستادها با اشتاب بزرگی وبدون وقت کافی تشکیلات ممکن است و اکنون سپهر برداری برای عده خاصی واقع شود علاوه بر اینکه شهرداری مولود شهراست است نه مولود مردم آن. ضمناً تذکر میشود که جناب آقای شهردار در اطلاعیه خود اناچار استناد کرده این اقدام با اجازه جناب آقای نخست وزیر و اطلاع وزیر کشور بود است. اولاً هیچگونه مدرکی از جناب آقای نخست وزیر ارائه ندادند ثانیاً شهرداری در رابطه با وزارت کشور باید انجام واجبه کند. ثالثاً صرف اطلاع وزارت کشور که قائم مقام انجمن شهرهای ایران است کافی بنظر نمی رسد.

جناب آقای شهردار خوب بود اشات میفرمودند که وزارت کشور این کار رسماً موافقت کرده اند. با توجه با اطلاعیه وزارت کشور این غیرقانونی بودن این اقدام کاملاً روشن میشود که وزارت کشور با این اقدام کذاش موافقت نداشته است علاوه بر آنکه در مذاکرات حضوری نیز مطالب از طرف وزارت کشور صریحاً مردود شناخته شده است. تنها چیزی که در مذاکرات حضوری مورد موافقت قرار گرفت بسیج کارکنان شهرداری بود نه بسیج شهری بطور همگانی که در عده سازمان بسیج است در حاشیه نیز تذکر میشود در نامه ای که سازمان بسیج بعنوان پاسخ به شهرداری ارسال داشته است صریحاً مسئله آموزش نظامی را بعد از سازمان بسیج مستضعفان گذارده است و هیچگونه موافقتی با انجام این کار از طرف شهرداری نگردانیت. با آرزوی موفقیت برای شهردار محترم تهران در انجام وظایف محوله قانونی.

شماره تهران دفتر کل  
۱۹۸۹۴  
۱۳۵۰

محمد رضا مهدوی کنی

وزیر کشور  
محمد رضا مهدوی کنی  
۱۳۵۰/۹/۲۵

۵۴۲۵  
۵۹۸۹۱

پیوست ۱۰۳: پاسخ شهردار تهران به وزیر کشور در مورد فعالیت‌های قانونی ستاد بسیج خدمات عمومی  
شهر تهران



تاریخ ۱۳۵۹/۹/۱۳  
شماره ۲۱۴۵۸  
پیوست

جناب آقای میدوی کنی  
وزیر محترم کشور

تلف به مورده شماره ۵۲۲۵ مورخ ۱۳۵۹/۹/۱ مراتب زیر را با استحضار می‌رساند :

۱- تشکیل ستاد بسیج خدمات عمومی شهرداری پس از مذاکره با جانشانی و جناب آقای نخست‌وزیر و اخذ موافقت اصولی انجام شده است - نایب این استیفاء از طرف شهرداری تهران شده باشد که این موافقت را بطور کتبی اخذ نموده و در شرایط حساس جنگی با اعتقاد به توافق جناحی و جناب آقای رجایی اقدام نموده است - انتظار صرفت در صورتیکه در شرح آرزائی انجام اصلاحاتی لازم بنظر می‌رسید و با نامرئیاتی هسانی در عمارات و یا شیوه عمل وجود داشت راهنمائی میفرمودید با ایجاد هماهنگی چنین اقدام زیر بنائی بسرای اداره شهر در شرایط حساس جنگی با سرعت لازم انجام میگردد و در اینصورت کار اداره شهر می‌توانست برآورد سهلتر انجام نمود و با جلب مشارکت مردم موجبات رفاهیت بیشتری فراهم می‌شد .

۲- آنچه تاکنون در زمینه تشکیل ستادهای بسیج خدمات چه در واحدهای شهرداری و چه در محلات یا نظر به مندمت مردم و روحانیون محلی انجام شده دقیقاً حاکی از اینستکه شهرداری تهران بهیچوجه در این کار خدماتی نظری جز در راه خدا و مصالح انقلاب و مصالح مردم شهر اعمال نموده است - مردم شهروکارند آن شهرداری به این واقعیت بخوبی واقف هستند که مدیریت شهرداری تهران همواره کوشش نموده است تا در اعمال نظر گروهها بر اساس مصالح انقلاب و مصالح عمومی مردم شهر را اداره نماید در شرایطی که اگر تسوا ر باشد نظرات گروهی بخواهد در اداره شهر اعمال شود بدون تردید نتیجه آن برای انقلاب و مردم شهر ناخجسه خواهد بود .

۳- بطوریکه استحضار دارید در مدت یکسال گذشته همواره چه بطور شفاهی و چه بطور کتبی ممراسمه درخواست کرده‌ام بعلت غیرت هماهنگی کار شهردار تهران با دولت و بخصوص وزیر کشور که در عیاب شورای شهر قائم مقام می‌باشد تحس دیگری را برای این صمت انتخاب و معرفی نفرانید که متاسفانه تاکنون به این ن درخواست اصولی و مطنی توجیبی نشده است - این عدم هماهنگی و مگرومگراکی که در سطح وزارت کشور و بخصوص کمیته مرکزی وجود دارد غایبات زیادی در مدیریت شهرداری و اداره شهر بوجود آورده که قبول مسئولیت قانونی و اجتنابی آن در مقابل مردم برای اینجانب مقدور نمی‌باشد - بطور نمونه بطوریکه جانشانی استحضار دارید لائل در مدت یکسالونهم گذشته چه در سطح دولت موافقت و چه بعدها در سطح دیگر نصوب شده گده لامل در دست نفر پاسار برای تقویت اجراات شهرداری از طرف کمیته مرکزی در اختیار شهرداری قرار داده شود تا بتوان در شرایط حساس بعد از انقلاب ثانوی را اجرا و مصالح مردم شهر را حفظ نمود - متاسفانه بسا وجود مکالمات زیاد و جلسات متعدد و پیگیریهای ملاًلآز هنوز کوچکترین اندامی از سوی مجریان کمیته مرکزی بعمل نیامده است - شاید انتظار می‌رود بجای اینکه نیروهای انظامی انقلابی هماهنگ با مسئولان اجرااتسی



تاریخ ..... ۳۵

شماره .....

زیوت .....

۲/۳

منتخب انقلاب در خدمت مردم باشد باید مسئولان اجرایی در خدمت گروه اداره کننده کمیته مرکزی باشند که هیچگاه نمی‌تواند بیرون آید و واقع شود.

بدون اعتماد و هماهنگی جماعتی با مدیریت شوررداری تهران تا آن مرحله رسیده است که بدون اطلاع اینجانب برخلاف مواظب اداری و اخلاقی و اصول بدیهی مدیریت بمنظور نظارت امور سازمان بهشت زهرا برای فردی که عنصری نامطلوب می‌باشد بعنوان نماینده وزارت کشور اسلامی صادر فرموده‌اند و حال آنکه همانطور که در گزارش مورخ ۵۹/۹/۲۲ با استحضار رسانیده است جناب حاجت الاسلام شیرستانی در هیئت مدیره سازمان مذکور کتبه امور سرزمین را زیر نظر دارد و مدیریت آن سازمان نیز فردی مومن و مدیر و با تأکید شورای انقلاب انتخاب شده است.

با توجه به مراتب بالا اینجانب لازم میدانم توجه جنابعالی را به نفعات ادامه چنین وضعی که نه به صلاح خدمت انقلاب و نه به مصلحت مردم شهر است جلب نماید و قطعاً مسئولیت تشریحی و قانونی این ضایعات بسو دوش جنابعالی هم بعنوان سرپرست کمیته مرکزی انقلاب اسلامی و هم بعنوان وزیر کشور ( قائم مقام انجمن شور تهران ) خواهد بود.

خواهشمندم برای پهنگیری از ضایعات بیشتر برای ایجاد هماهنگی و رفع مشکلات اساسی بانوجه بسسه مکانیبات متعدد و مذاکرات انجام شده هرچه سریعتر اقدام مقتضی معمول بنمائید در اینرابطه بصورت اینجانب ب به وظائف قانونی و شرعی خود عمل خواهیم کرد.

محمد باجکی  
شهرادای تهران

۱۳۵۹ - ۹/۲۲

پیوست ۱۰۴: نامه شهردار تهران به رئیس‌جمهور مبنی بر استعفا از سمت خود به دلیل نامزدی در انتخابات مجلس



شهرداری تهران

تاریخ ۱۳۵۲/۱۵/۹

شماره ۲۹۷۸۸

پیوست

بسمه تعالی

جناب آقای رئیس‌جمهور

با احترام شهنشاهی راه آزادی و بخاطر رعایت اصول در انتخابات مجلس ششمین  
 اکنون که کاندیدهای زیادی از شهر تهران هستند بدینوسیله از سمت خود استعفا می‌دهم .  
 اطمینان می‌دهم که پیوسته در جهت تحقق اهداف انقلاب اسلامی ایران آماده خدمت به مردم  
 و همکاری با دولت هستم و تا انتخاب شهردار جدید و تحویل مسئولیت های این پست کاندیدان  
 به وظایف قانونی خود عمل می‌نمایم .  
 ضمناً با توجه به تجربه یکسال اخیر در شهرداری تهران و تجربیات گذشته و اهمیت  
 وظایف و مسئولیت‌های شهرداری تهران که ارتباط مستقیم با سیاست‌های کلی و تمینیات ملی‌گسی  
 دارد، بلحاظ ایجاد هماهنگی در امور و رعایت مصالح مردم اعتقاد دارد شهردار منصوب دولت  
 و انشاء الله در آینده نزدیک شهردار منتخب شورای شهر باید در مجالس تصمیم‌گیری دولتی  
 مشارکت داشته باشد.

محمد توفیقی

رونوشت جهت اطلاع جناب آقای هاشمی رفسنجانی سرپرست محترم وزارت کشور و قائم مقام  
 اجمن شهر تهران .

پیوست ۱۰۵: نامه حسین حریری به شهردار تهران مبنی بر استعفای خود از معاونت شهرداری



تاریخ ..... ۹۵۳  
شماره .....  
پیوست .....

بسمه تعالی

برادر عزیز آقای مهندس نوشی  
شهردار تهران

حسن امروز خوشبختی از همکاری و تلاش مشترک یکساله دوران انقلاب به‌دینوسیسه استعفای خود را با توجه به‌مسائل زیر تقدیم میکنم امیدوارم توفیق انجام خدمت به‌سروردمرا در بخش دیگری از کشور در آینده داشته باشم :

۱- بی رویه کار کردن بعضی از ارگانها و عدم هماهنگی کار آنها با شهرداری تهران از طرفی و در چهار چوب مقررات بودن سازمانهای دیگر و وجود عوامل مغرب و فاسد موجب اخلال در کار ، مراجعات شدید مردم ، و عدم رضایت آنها و پیچیدگی کار برنامه ریزی شهری و شهرسازی گردیده است ( بعنوان مثال اتصال دفتر خانه سازی برای مستغفین) و انگاری زمین های زیاد بدون برنامه و شایسته - حمایت بعضی افراد روحانی نما یا کسب نیروهای اجرائی جدید از زمین اقدامات - حمایت نیروهای چپ نما در بهم ریختگی امر فوق - تشویق و تحریک مردم به‌ریافت سریع مسکن و زمین و انگاری آن توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی نداشتن تحرک و کثرت لازم برای تصمیم گیری سریع و تطبیق با خواسته های مردم پس از انقلاب در سازمانهای دولتی مربوطه چون وزارت مسکن و شهرسازی - قائم مقام وزارت کشور در انجمن شهر - سازمان عمران اراضی موات شهری ..... و نیز شهرداری ) .

۲- همچنانکه در جلسات معاونین چندین بار مطرح شده مسئولیت زیاد و متفلسوت و وسعت کارهای مختلف موجب عدم رسیدگی کافی نگارها گردیده‌گاه و بی‌گناه این احسان دست میدهد که حاصل کار به‌مانند آنچه مورد نظر بوده است نیست .

۳- بالاخره با وجود تلاقی آن که به انجام و اصلاح این کار مردمی دارم ، با توجه به عوامل فوق نداشتن توان و نیرو و صلاحیت مناسب که بتوان در راه انجام صحیح آن همتا قرار داد .

امید است با جایگزین فرد یا افراد صدیق و مدیر انجام امور مردم هرچه بهتر و سریع تر امکان پذیر شود و توفیق همه عوامل صدیق و خدمتگزار بپردازم را در به ثمر رسیدن انقلابحسان از عداوتت خواستارم .

حسین حریری  
۱۳۵۳



پیوست ۱۰۶: نامه شهردار تهران به رئیس‌جمهور مبنی بر تسریع در تعیین شهردار جدید و هشدار در مورد غیرممکن بودن اداره شهرداری با وجود تعدد مراکز قدرت

۱۳۵۸ / ۱۲ / ۲۷

نصیری - مستقیم



خوابگاه شهرداری

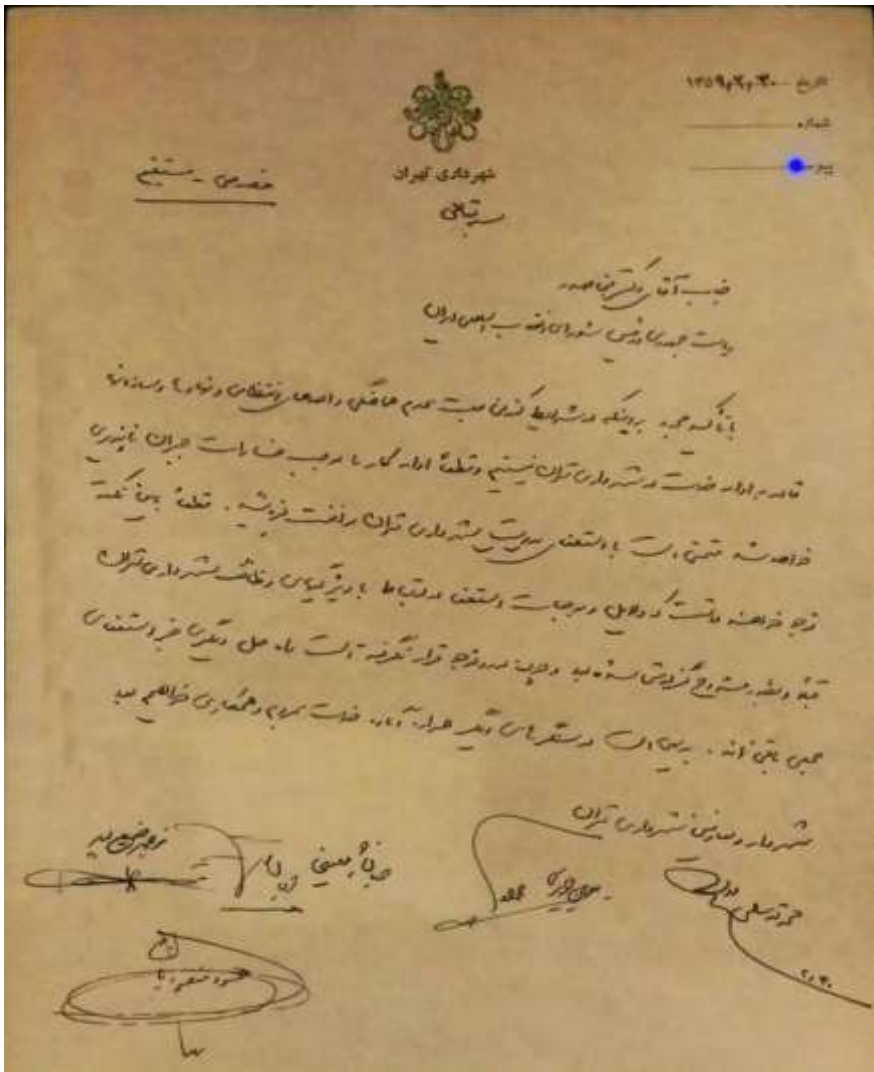
لذا خواهشمند است دستور مقتضای اینک را صادر فرمایید. شماره سند ۶۶۷۶۸ مورخ ۱۳۵۸/۱۲/۲۷  
به دفتر آن جناب ارسال شده است. اقدامات لازم را در این خصوص انجام دهید. من در خدمت تسریع  
در تعیین شهردار جدید تهران درج ذیل اقدامات را در این خصوص انجام دهم. به موجب اینک در شهر تهران  
به جهت مشکلات و دشواری‌ها در زمینه تهیه نقشه شهرداری و همچنین به دلیل کمبود  
نویسندگان متعدد و فعالیت غیررسمی در این زمینه و فعالیت‌های غیررسمی در این زمینه و فعالیت‌های غیررسمی  
خواهشمند است این امر را با دستور لازم خطی در این خصوص به شهرداری تهران در شرح این  
توجه ملی در نظر داشته باشید. تسریع در صدور نقشه شهرداری تهران را بپذیرید.

محمد مصدق

دولت محبت و صلح خاب آن سرکار من سید محمد مصدق در خدمت عالی


بزرگوارانه مورخ ۱۵ / ۱۲ / ۱۳۵۸

پیوست ۱۰۷: نامه استعفای محمد توسلی و معاونین شهرداری به رئیس جمهور



## پیوست ۱۰۸: متن استعفای محمد توسلی به نخست‌وزیر

تاریخ - ۱۳۵۹/۶/۱۶  
شماره - ۱۴۹۶۴  
پیوست -

  
 جمهوری اسلامی ایران  
 شهرداری تهران  
 سیمه نظامی

برادر جناب آقای محمدعلی رجایی  
نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران

شرف به مذاکرات محصل جلسه مورخ ۱۳۵۹/۶/۱۶ مانوجه به ارتباط و پیوند عمیق مسائل شهر تهران با مسائل کلی مملکت که احباب منعماند شهردار تهران با هیئت وزیران هماهنگ و مسجوم ماند تا برنامه‌ریزی و هماهنگی اقدامات امکان‌پذیر گردد و بدلائل دیگری که حضوری گفته شد - بد سوسله صحت بقدم استعفای خود خواهشمند دستور فرمائید شهردار جدید را جهت تحویل گرفتن مسئولیتها معرفی فرمائید -

همانطور که حضوراً شرح شد مقدار نیروی انقلاب در شرایط بسیار سخت با فقدان امکانات و نیروهای اعتراضی وای تا نوکل به خداوند بزرگ و با انگلی به رهنمودهای امام و روحیه انقلابی مردم و همکاری صادق و مومن به انقلاب اسلامی ایران و با برخورد آگاهانه و فاطح با کج فکریها و سوچونتها برست ظلمتیا و مذاخلات بی‌رویه افراد غیر مسئول و ناآگاه وهنشی کردن نلایشهای فراوان عوامل ضد انقلاب که مساویست مشکلات لاینحظی را برای انقلاب مبار آورد شهر تهران ناگهون آذاره شده است - و برای حل سئالی مسائل بحدده شهریمارگومه تهران و سازمان وسیع و گسترده شهت - رفتاری تهران هنگام با ضرورتهای انقلاب و مانوجه به مسائل مملکتی بطور گوناوم مدت و دراز مدت برنامه‌ریزی شده است که ضمنی اجرا شده و ضمنی نیز در دست اجرا میباشد - نتیجتاً مردم - شهرداری تهران را بکن از دستگاریهای اجرائی موفق مقدار نیروی انقلاب منماید -

مانوجه به مراتب بالا استدعاوار است شهردار منتخب جماعتی که با وزرای کابینه بکدست و مسجوم و از سببسیاس و حمایت لازم برخوردار خواهد بود نتواند در ادامه این راه و اجرای برنامهای سیمه تمام اهتمام ورزد -

برای جماعتی و همکاری انسان در این شرایط حساس مملکت در راه تحقق آرمانهای انقلاب اسلامی ایران وحدت در خلق مصروف از جداوند بزرگ آرزوی موفقیت میکم و از مردم شریف و مبارز شیسر تهران و کشه همکاریاتکه در طول یکسال و سیم گذشته در شرایط بسیار سخت ما را برای خدمت بسیمه انقلاب اسلامی و مردم باری داده‌اند سگتر و مقدر داسی میکم -

والسلام علی من اتبع الهدی  
محمد توسلی  
هشتم شهریورماه ۱۳۵۹

پیوست ۱۰۹: نامه شهردار تهران به نخست‌وزیر مبنی بر تسریع در معرفی شهردار جدید بنا به استعفا و  
عزیمت به سفر حج



جمهوری اسلامی ایران

شهرداری تهران

بسمه تعالی

حیلی فوری

تاریخ ۲۱/۶/۵۹

شماره ۱۵۵۷۲

پیوست

برادر جناب آقای محمد علی رجائی  
نخست‌وزیر جمهوری اسلامی

پیرو نامه شماره ۱۴۹۶۴ مورخ ۵۹/۶/۲۵ که  
ضمن آن استعفای اینجانب از سمت شهردار تهران تقدیم  
شده است و بطوریکه استحضار دارند بعلت سفر حج از تاریخ  
۵۹/۷/۵ در محل کار حضور نخواهم داشت خواهشمندم  
نسبت به معرفی شهردار جدید تسریع لازم را معمول فرمایند  
تا نسبت به تحویل بموقع مسئولیتها و راهنمایی ایشان اقدام  
شود و از هرگونه وقفه ای در امر خطیر اداره شهر تهران  
جلوگیری بعمل آید.

محمد نوری  
شهردار تهران  
محمد نوری

پیوست ۱۱۰: پاسخ نخست‌وزیر به شهردار تهران مبنی بر مخالفت با استعفای او

شماره ۱۳۰۸۲

تاریخ ۱۳۵۹، ۷، ۴

پیوست



جمهوری اسلامی ایران

نخست‌وزیر

بسم الله الرحمن الرحيم

برادر مهندس محمد توسلی - شهردار محترم تهران

در پاسخ نامه استعفا که اخیراً مرقوم فرموده‌اید، با اطلاع می‌رساند:

باتوجه به وضع حساس کشور و باتوجه به خدمات چشمگیری که شهرداری

در فاصله پیروزی انقلاب تاکنون داشته‌است، شایسته است فعلاً همچنان

به خدمات صادقانه خود ادامه دهید.

باسلام و تحیات  
محمد علی رجایی

شهرداری تهران دفتر کل  
شماره ۱۵۹۴۲  
تاریخ ۱۳۵۹، ۷، ۵

پیوست ۱۱۱: نامه شهردار تهران به نخست وزیر در خصوص ادامه فعالیت خود در شهرداری و درخواست از او برای هماهنگی کلیه سازمانها با شهرداری



جمهوری اسلامی ایران

شهرداری تهران

بسمه تنالی

تاریخ: ۱۳۵۹/۷/۲۴

شماره: ۱۶۰۳۰۳

پیوست

برادر جناب آقای محمد علی رجائی  
نخست وزیر

با تشکر از نامه مورخ ۵۹/۷/۲۴ جنابعالی که در جواب نامه استعفای مورخ ۵۹/۶/۲۰ ابلاغ گردیده است اینجانب با توجه به شرایط خاص کنونی کشور به پیروی از دستور اخیر امام امت بمنوان یک وظیفه اسلامی و جهت خدمت به انقلاب و مردم شهر موقتاً بکار خود در شهرداری تهران ادامه میدهم .  
برای اینکه شهرداری تهران بتواند در مقابل مصالح انقلاب اسلامی و مردم شهر پاسخگویی مسئولیتهای خود باشد خواهشمند دستور فرمائید به تمام سازمانها و نهادها ابلاغ شود تا ضمن ایجاد هماهنگی در امور همکاری لازم را بعمل فرمایند .  
بامید اینکه نتیجه تلاش و کار ما مورد رضای خدا و امام و امت قرار گیرد .

شهردار تهران  
محمد توسلی

رونوشت جهت استحضار وزارت کشور ابلاغ میشود .

شهردار تهران  
محمد توسلی

د. علی محمد وزیر روابط عمومی ارتش

۱۸.۳۵

۵۹۷۵

پیوست ۱۱۲: پاسخ نخست‌وزیر به شهردار تهران و قبول پیشنهاد او به منظور ایجاد هماهنگی ارگان‌ها با اقدامات شهرداری

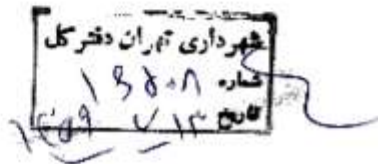
شماره ..... ۱۳۰۶۴۱  
تاریخ ..... ۱۳۰۶/۰۹/۰۱  
مهرت .....  
.....



برادر محط توسلی  
شهردار تهران

از اینکه بکاربرد بگرفتیرفته‌اید تا در جهت خدمت بانقلاب اسلامی و مردم شهرتهران مخصوصاً در شرایط کنونی بکار خود ادامه دهید سپاسگزارم .  
امید وارم در فرصتهای آیند ه پیشنهاد منطقی شما بمنظور ایجاد هماهنگی ارگانها که نمونه آن در جلسه مورخ ۵۹/۷/۹ هیئتد وئت بتصویب رسید ه وجبت اطلاع بضمیماست صورت تحقق پذیرد وهمه سازمانها با احساس این ضرورت وظایف و تکالیف خود را بمنظور رسیدن به جامعه اسلامی اید ه آل د قیقا مراعات نمایند .  
توفیقشان را در راه خدمتگزاری مسکلت دارم .

زوزر نخست‌وزیر  
محمد علی رجائی





جمهوری اسلامی ایران

نخست وزیر

"بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ"

اطلاعیه دولت

آراء تکادک یا تصویب قانون اساسی ، و تشکیل و تکمیل قوای سه گانه

کشور جمهوری اسلامی ایران ، ضروریست که اداره امور مملکت ، شکل گملا " قانونی گرفته ، و محدود و عملگرد و خصوصاً نحوه ارتباط قوا و نهاد های مختلف باید یکدیگر ، مطابق قانون ، دقیقاً مشخص و اجرا گردد .

دولت جمهوری اسلامی ایران ، با توجه به ضرورت فوق ، بمنظور

بجاند نظم و سهولت در ارتباط با قوا و نهاد های دیگر از روی ساری محترم قوای

مقننه و قضائیه ، کمیسیون های مجلس شورای اسلامی ، سازمان های تابعه و نهادهای

و همچنین دفاتر امام خمینی و ریاست جمهوری و نهاد های انقلاب نقاضاً دارد که

هر نوع ارتباط و مکاتبه با وزارتخانه ها و سازمان های وابسته و موسسات تبعه دولتی را

نسباً از طریق دفتر نخست وزیر انجام دهند .

ضمیمه است که کمیته موسسات تابع دولت بعلت منع قانونی ، بدون کسب

تکلیف از دفتر نخست وزیر ، مجاز به پاسخگویی مستقیم و اقدام مقتضی در مورد

سؤالات و یا درخواست های قوا و نهادهای ذکر شده نخواهند بود .

محمد علی رجایی  
نخست وزیر

در صورت معطله و وزارتخانه ها ، سبها و نهادها تردید بیست



پیوست ۱۱۳: نامه شهردار تهران به نخست‌وزیر در این خصوص که عملاً هیچ اقدامی برای ایجاد هماهنگی بین ارگان‌های اجرایی صورت نگرفته و توصیه برای جدی گرفتن این موضوع



بسمه تعالی

۷-۵-۱  
تاریخ ۱۳۵۹/۹/۲۳  
شماره ۲۱۴۵۴  
پیوست

جناب آقای محمدتقی رجایی  
نخست‌وزیر محترم

ضمیمه ارسال یک نسخه از نامه شماره ۵۲۲۵ مورخ ۵۹/۹/۱ وزیر محترم کشور و پاسخ آن به پیوست و پیرو نامه‌های شماره ۱۲۲۵۸ مورخ ۵۹/۷/۲۳ و شماره ۱۸۸۵۰ مورخ ۵۹/۸/۱۷ و مذاکرات متعدد بانوجه به مسئولیتی که جنابعالی برای ایجاد هماهنگی بین ارگانهای اجرایی مختلف و حل مشکلات آنها بعهده دارید و همانطور که خود شما متذکر بوده‌اید سراسر زمینه از سوی دولت و وزارت کشور عملاً هیچگونه اقدامی صورت گرفته است و بانوجه باینکه ادامه چنین وضعی باعث اختلال و آزاره شهر تهران و مردم شهر نمیشد، خواهشمندم بانوجه به مذاکرات نامه‌های مورخ ۵۹/۶/۲۰ و ۵۹/۷/۶ اینجانب مشکلات را جدی تلقی فرموده و جهت رفع آنها و ایجاد هماهنگی اقدام سریع معمول فرمائید.

محمد تقی  
شهردار تهران

پیوست ۱۱۴: نامه رئیس دفتر نخست‌وزیر به شهردار تهران در موضوع ناهماهنگی میان شهرداری و وزارت کشور و اعلام نظر نخست‌وزیر در این مورد



پیوست ۱۱۵: نامهٔ وزیر کشور به شهردار تهران در مورد قبول استعفای او از این سمت



جمهوری اسلامی ایران  
وزارت کشور

بسمه تعالی

۵۹۸۱  
۱۳۵۹/۱۰/۲۲

ط

دوره روابط عمومی

*[Handwritten signature]*

جناب آقای محمد توسلی

ط - ۱۰  
۱۳۵۹/۱۱/۱

باتشکر از زحمات جنابعالی با استعفای شما

از شهر داری تهران موافقت میشود. ک

محمد رضا مهدوی گنو

وزیر کشور

*[Handwritten signature]*

شهر داری تهران دفتر کل  
شماره ۲۳۴۱۴  
تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۲۴

دفتر روابط عمومی  
شماره ۱۰۴۲۲  
تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۲۴  
شهر تهران

پیوست ۱۱۶: نامه تشکرآمیز اولیایی (کمیسیون مسکن دفتر ریاست جمهوری) به مهندس توسلی بابت زحمات شبانه‌روزی او در شهرداری تهران

شماره ۱۹۱۰۱۰۱  
تاریخ ۱۳۰۳/۰۳/۰۳  
پست



جمهوری اسلامی ایران  
دفتر ریاست جمهوری

برادر ارجمند جناب مهندس توسلی

از پیروزی انقلاب به بعد از دور و نزدیک شاهد تلاش  
شبانه‌روزی شما در خدمت به انقلاب اسلامی در منصب  
شهردار تهران بودیم . مسلماً "فیت شما در زمانیکه کشور  
بیش از هر زمان به متخصصین متمهد محتاج است ، موجب  
تأسف همکاران خواهد شد . وظیفه خود دانستیم  
بدینوسیله از زحمات جنابعالی تشکر نمائیم .  
موفقتیت شما را از درگاه باری تعالی خواستاریم .

کمیسیون مسکن دفتر ریاست جمهوری

*(Handwritten signature)*

اولیایی (۱۳۰۳)

پیوست ۱۱۷: نامه سرگشاده مهندس توسلی به وزیر کشور در پاسخ به انتقادهای او از شهرداری

توسلی

۱۳۵۹/۱۰/۲۹

جناب آقای معذرفرا محمدرضا موسوی کنسی

وزیر محترم کشور

جنابعالی ضمن معرفی جناب آقای دکتر نیک روش شهردار جدید تهران در جمع کارکنان شهرداری ضمن تشکر از زحمات اینجانب فرموده اید " من شخصا از ایشان تقدیر کرده و انتقادهائی نیز که داشتم به ایشان گفته ام که يك مورد آن این بود که چرادر شهروآرا پاکوی کن مجوز ساختن داده که باید پانجا آبوبرق داد ولی به مستضعفین که يك مورد آن بطور مثال حتی الکتوی دخترش را فروخته در خاک سفید اقدام بخانه سازی کرده جلوگیری شده است و اگر قرار باشد از گسترش شهرجلوگیری شود در همه جا بایسد این کار انجام گیرد "

گرچه اینجانب قصد داشتم بخاطر مصالح انقلاب دیگر پاسخ باظهارات نادریست جنابعالی ند هم و در مورد مصاحبه رادیوئی اخیر نیز این چنین کردم اما اظهارات اخیر جنابعالی آنچنان متضمن ریشه انحرافی است که بخاطر مصالح انقلاب مجبور بتوضیح هستم \*

۱- در مورد انتقاد های شما باید بگویم که ما انتقاد اصولی و سازنده ای از سوی جنابعالی دریافت نکرده ایم در صورتیکه اینچنین است خواهش نمودم فورست آنها را جهت اطلاع مردم اعلام بفرمائید \*

۲- آنچه بعنوان انتقاد نمونه مطرح فرموده اید نمودار برخورد غیر اصولی جنابعالی است \* استحضار دارید که شهرداری تهران طبق قانون مصوب شورای انقلاب فقط بکسانی میتواند مجوز ساختمان بدهد که دارای برگ عمران از سوی سازمان عمران اراضی شهری

- ۲ -

باشد یعنی کسانی که فاقد خانه مسکونی و دارای یک قطعه زمین کوچکتر از هزار متر هستند و بنابراین براساس همان قانون یکسانی که بخواهند بخواهند با تجاوز بزمینهای دولتی اقدام بنمایند سازی کنند حق صدور مجوز ساختادن ندارند لذا برای مناطق شهرداری تهران شورای آرا و یا خاک سفید مطرح نیست کسانی که مجوز قانونی داشته اند برایشان پروانه نیز صادر شده است و شرط خود از اجناس کنندگان این قانون بوده است. اگر قانون لغو مالیکیت زمینهای موات شهری را اصولی و انقلابی میدانستید باید شایسته ای برای استضعاف تعیین میکردید تا شهرداری تهران برآن اساس اقدام بعدی پروانه بنماید.

۳- موجب تعجب است که جنابعالی با وجود اطلاع از سوابق خاک سفید که یکبار به تقاضای بنده در ابتدای سال ۵۸ شخصاً نیز بازدید فرموده اید اینچنین با مسئله برخورد شده است. جنابعالی خوب میدانید که بعثت عدم همکاری کمیته شهرداری تهران و کمیته مرکزی با شهرداری تهران نتوانستم جلوی بسیاری از کارهای خلاف را بگیریم و با وجود تصویب دولت موات و در مراحل بعدی در دوره دولت شورای انقلاب سرانجام کمیته مرکزی انقلاب اسلامی ۳۰۰ نفر پاسدار تصویب شده را در اختیار اجرائیات شهرداری تهران قرارداد و ما بیست و دو ماه محروم از همکاری نزدیک نیروهای انتظامی و انقلابی شور مشکلات را تحمل کردیم و این یکی از ظل استعفا میگردانید بود.

جنابعالی استحضار دارید که یک هفته قبل از خاتمه کار اینجانب که عده ای سودجوی مستضعف با بزمینهای کوچک در شمال تهران پارس حمله کرده بودند با وجود درخواست مکرر و پیگیری هاشمی که شد نیروی انتظامی در اختیار ما نگذاشتند و شهردار منطقه ۴ نتوانست مانع از کار خلاف آنان بشود ولی یک هفته بعد حدود یک هزار نفر نیروی انتظامی در اختیار جناب آقای زواره ای سپردست شهرداری تهران قرار گرفت و ایشان کلیه



- ۳ -

ساختارهای خلاف را تخریب کردند \* در صورتیکه ندان مجوز یکسبکه در خاک سفید  
برخلاف قانون اقدام بساختن نموده نقش کارما بوده و مورد انتقاد جنابعالی قرار  
گرفته است آیا بتخریب ساختارهای مشابه که بحق تخریب شده است انتقاد وارد نیست ؟  
۱- واقعیت امر اینستکه امروز برای <sup>ما</sup> <sup>تعمیر</sup> حقوق مستضعفین شعار زیاد داده میشود  
ولی بحالت برخورد عاطفی و عدم آشنائی با اداره امور عملا وضع مستضعفین جامعه انقلابی  
ما بطور کلی امروز بسیار ناگوارتر از روز پیروزی انقلاب است \* اگر تلاش جنابعالی اینستکه  
ما را طرفدار سنگینین شهرآرا و کوی کن و مخالف حقوق مستضعفین خاک سفید معرفی  
بفرمائید توجه جنابعالی را بگزارش عملکرد سال ۵۸ شوردراری تهران که در روزنامه‌ها  
منتشر شده است جلب مینمایم که فقط هفتاد درصد اظهارات عراقی شوردراری تهران  
در جنوب خیابان شوش هزینه شده است و بیشترین تلاش برای افزایش و تثبیت دستمزد  
کارگران زحمتکش شوردراری بعمل آمد و در تمام برنامه‌ها آنچه مورد توجه بوده است  
حفظ حقوق مردم و مصالح انقلاب و حل ریشه‌ای مشکلات بوده است نه فقط برخورد  
عاطفی و مردم زدگی \*

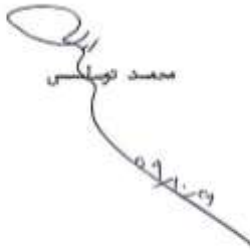
جناب آقای مهدوی کی آنچه بطور خلاصه میخواهم خدمتان بگویم اینستکه جنابعالی  
برای من و بسیاری نمونه بینظیری و نقوی هستید شما ببا پیام الهی را آموخته اید " لا تقف  
ما لیس لك به علم " ( در کاری که علم و آگاهی نداری اقدام نکنید ) چرا در زمینه ای که علم  
و آگاهی و اطلاع نداری این چنین اظهار نظر میشود \* بنظر من این مشکل در سطح اداره  
مملکت موجب به بن بست کشاندن انقلاب شده است و اگر اصلاح نشود بقاعده منجر  
خواهد شد \* من بعنوان برادری کوچک طجزانه بخاطر خون پاک شهیدان و بخاطر حفظ  
و تداوم انقلاب از جنابعالی استدعا میکنم پیشگام این حرکت اصلاحی بشوید که هر کس

- ۴ -

لقطہ در سطح علم و تخصص و ظرافت خود قبول سوالیت کند کہ این خود عین تالیف

و مکتب است • والعائنه للعائین

محمد توسلی



رونوشت : خبرگزاری پارس و مطبوعات







پیوست ۱۲۰: شرح گزارش دیدار رئیس‌جمهور (سیدعلی خامنه‌ای) با اعضای هیأت اجرایی انجمن اسلامی کارکنان شرکت واحد و دفاع از عملکرد آنان

\* ششمین سالگرد تأسیس انجمن اسلامی - ششمین سالگرد تأسیس انجمن اسلامی \*

رئیس‌جمهور در دیدار با گروهی از اعضاء انجمن اسلامی شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه ۱

## قشری که در جامعه خود را خادم مردم بداند انقلابی است

ته قشری که خود را شکار از انقلاب بداند و من پس از اعلامی که از وضع شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران اعلام می‌گردد، آنچه به آن توجه می‌کنم شرف انصاف است که شما جزء قشر های انقلابی این جامعه هستید. کارکنان و کارمندان شرکت واحد استعما خود را خوب پس داند.

رئیس جمهوری افزود: «نشان انقلابی انقلابی ستای کردند که شرکت واحد را که یک وسیله ارتباط بسیار مهم است و اگر یک روز تعطیل شود ممکن است مشکلات عدیدی بوجود بیاید از لحاظ انقلاب خارج کند ولی شما شهید دادید و مقاومت کردید که این امر جای شکرگزاری دارد و شهادت شکرگزاری



تهران- خبرگزاری جمهوری اسلامی - رئیس‌جمهوری در دیدار با گروهی از اعضاء انجمن اسلامی شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه شمس قدرانی از رخصیات برادران منهد در این شرکت خطاب به آنان گفت: شما به این دلیل که خدایمان توفیق داد تا خود را در خط انقلاب حفظ کنید و به دشمن کسی سپرد گریختن شرکت واحد را از خط انقلاب خارج کند و در شما اثر گذارد این امکان را ندانید بپیشی بسیار شکر- گزارش باشید.

اعضای هیئت اجرایی انجمن اسلامی کارکنان شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه به همراه مسئول دایره سیاسیو اطلاعاتی که شرکت واحد صبح روز ششمین سالگرد تأسیس این خانه‌ای رئیس جمهوری دیدار و گفتگو کردند.

به گزارش خبرنگار خبر

ته قشری که در جامعه خود را خادم مردم بداند انقلابی است و شایسته این انقلابی است و شایسته این انقلابی است

بروندگار باشد به قابل اینکه خود را در خط انقلاب حفظ کند و به دشمن امکان این را ندانند شما اثری نگذارید. وی انگشتش به محض آن گفت: شما برادران پایه‌س مراغب باشید که در قشر خودتان افراد فرصت طلب و سودجو که هیچوقت بسا انقلاب اسلامی صاف نخواهند شد نتوانند در شما تلود بر سران اثر بگذارند افراد این واحد را از خط صحیح منحرف و منحرف کند.

رئیس جمهوری در پایان سخن قدرانی از خدمات و عملکرد این برادران شهنشهر شرکت واحد اتوبوس‌رانی و کارکنان و خدمتگزاران شرکت واحد برادران و حجت میان تمامی برادران در این ارگان و خشتی نمودن ثبوتات سوء - ضد انقلاب در داخل اتوبوس ها رعیتود خانی ارائه کرد.



# تصاویر





دیدار شهرداران کشور با امام خمینی در قم (۱۳۵۸/۸/۱۴)



دیدار شهردار تهران و معاونین با امام خمینی در قم (فروردین ۱۳۵۸)





دیدار نوروزی دولت موقت با مردم در ورزشگاه آزادی (۱۳۵۸)



دیدار نروزی دولت موقت با مردم در ورزشگاه آزادی (۱۳۵۸)



مهندس بازرگان، دکتر سحابی و دکتر احمد صدر حاج سیدجوادی در مراسم نوروزی

(۱۳۵۸)



مهندس بازرگان و مهندس توسلی در مراسم دیدار نوروزی (۱۳۵۸)



بازدید مهندس بازرگان، مهندس کتیرایی، مهندس سبحانی، مهندس ابراهیمی و مهندس  
توسلی از پروژه در حال ساخت مترو تهران (۱۳۵۹)



بازدید مهندس بازرگان، دکتر سحابی از طرح بزرگراه بعثت با حضور شهردار تهران

(۱۳۵۸)



مهندس توسلی، مهندس نعمت‌زاده و جهانشاه معینی در جلسه عمومی کارمندان

شهرداری (۱۳۵۹/۰۴/۲۲)



مهندس توسلی در جلسه عمومی کارمندان شهرداری (۱۳۵۹/۰۴/۲۲)





سخنرانی مهندس توسلی در مسجد الجنان (۱۳۵۹/۶/۱)



خسرو منصوریان، معاونت امور اجتماعی شهرداری تهران، در نمایشگاه کودکان

بی‌سرپرست (۱۳۵۹/۶/۱)



بازدید مهندس توسلی از قصر فیروزه (۱۳۵۹/۶/۳۰)



بازدید شهردار تهران از قصر فیروزه (۱۳۵۹/۶/۳۰)



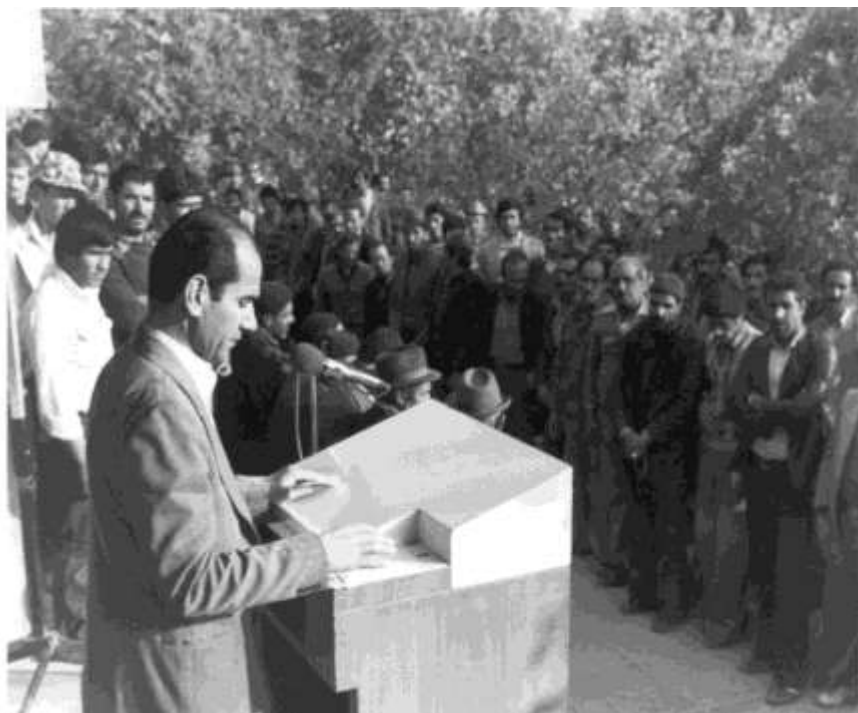
مهندس توسلی در حال مصاحبه (۱۳۵۹/۷/۱۷)



مهندس توسلی در دیدار با کارکنان قسمت موتور شهری (۱۳۵۹/۷/۲۶)



مهندس توسلی در دیدار با کارکنان قسمت موتور شهری (۱۳۵۹/۷/۲۶)



مهندس توسلی در دیدار با کارکنان قسمت موتور شهرداری (۱۳۵۹/۷/۲۶)





همراه با آقایان منصوریان و معینی در مراسم روز دانش آموز در دانشگاه تهران

(۱۳۵۹/۸/۱۳)



همراه با شهید رجایی در مراسم روز دانش‌آموز در دانشگاه تهران (۱۳۵۹/۸/۱۳)



بازدید از طرح زیرگذر پایانه مسافربری جنوب تهران (۱۳۵۹)



سخنرانی در بازدید از پارک مشیریه (۱۳۵۹)



عیادت از مهندس بازرگان در بیمارستان (آذر ۱۳۵۹)



عیادت از مهندس بازرگان در بیمارستان (آذر ۱۳۵۹)



در جمع کارکنان منطقه ۱۱ شهرداری (۱۳۵۹)



عیادت از مجروحان جنگی در بیمارستان (۱۳۵۹)





عیادت از مجروحان جنگی در بیمارستان (۱۳۵۹)



عیادت از مجروحان جنگی در بیمارستان (۱۳۵۹)



عیادت از مجروحان جنگی در بیمارستان (۱۳۵۹)



حضور در جبهه آبادان (۱۳۵۹)



حضور در جبهه خرمشهر (اسفند ۱۳۵۹)



## نمایه

بنی صدر، سید ابوالحسن (دکتر) ۱۲،  
۷۷، ۸۴، ۱۱۹، ۱۶۰، ۱۸۰، ۱۸۵، ۱۸۶،  
۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹  
بوذرجمهری، کریم آقاخان ۲۲  
بوشهری، رضا (مهندس) ۳۴، ۷۵،  
۱۵۶، ۱۵۷  
بهارى مقدم، محمد ۱۶۰  
بهشتی، سید محمدحسین (آیت الله)  
۲۰۳

### پ

پورجانی، احمد (مدیرعامل)  
بهشت زهرا) ۱۴۱  
پهلوی، رضاشاه ۲۰، ۲۳، ۱۶۹، ۱۷۰  
پهلوی، محمدرضا ۲۵

### ت

توسلی محلاتی، محمدرضا (آیت الله)  
۲۱۳  
توسلی، محمد (مهندس) ۱۳، ۷۳

### الف

ابراهیمی، عبدالحسین (مهندس) ۳۱،  
۳۲، ۳۴، ۷۰، ۷۱، ۷۲  
ابوذری، عباس ۱۶۰  
اتحادیه، منصوره (نظام مافی) ۲۱  
اخضرعلی شاه ۲۱  
اسدآبادی، سید جمال الدین ۱۰۹  
اعتضادی، (سرپرست شرکت واحد)  
۲۱۶، ۲۱۷

اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان ۲۱  
افشار، ایرج ۲۱  
اکبر، (وکیل دادگستری) ۱۳۶، ۱۳۷  
ایزدی، علی محمد (دکتر) ۱۳۸

### ب

بازرگان، مهدی (مهندس) ۱۰، ۲۹،  
۳۴، ۴۵، ۴۶، ۵۰، ۵۸، ۷۱، ۸۲، ۱۶۷،  
۲۰۷  
بختیار، شاپور (دکتر) ۱۵۴

خلخال، صادق (آیت‌الله) ۸۱، ۸۴

۸۵، ۱۶۹، ۱۷۰، ۲۱۹

خمینی، احمد (حاج) ۱۱۰، ۱۶۸

خمینی، مصطفی (آیت‌الله) ۱۰۹

خمینی، روح‌الله (آیت‌الله) ۱۳، ۲۹، ۳۰،

۳۱، ۵۱، ۸۲، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۵۰، ۱۶۷،

۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۳، ۱۹۲،

۱۹۶، ۱۹۹، ۲۰۴، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۹

خواجه تبریزی، غلامحسین ۱۶۰

#### د

دلجو، غلامحسین ۱۲۶

#### ذ

ذکایی، بهنام (مهندس) ۱۸۰

#### ر

ربانی املشی، محمد مهدی (آیت‌الله)

۲۱۸

رجایی، محمدعلی ۱۲، ۵۵، ۷۲، ۷۳،

۷۴، ۱۱۰، ۱۸۰، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۹،

۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲

تهرانی فرد ← عباسپور، حسن

تیلر، جان ۱۰۲

#### چ

چمران، مصطفی (دکتر) ۳۰، ۷۷، ۲۱۸،

۲۱۹

چمران، مهدی (مهندس) ۲۱۹

#### ح

حاج میرزا آقاسی ۲۳

حجازی، سعید (مهندس) ۱۰۲، ۱۲۰،

۱۳۲

حریری، حسین (مهندس) ۳۲، ۳۳،

۲۰۸

حیدرنیا، مصطفی ۱۶۰

#### خ

خامنه‌ای، سیدعلی (آیت‌الله) ۲۱۸

خرازی، کمال (دکتر) ۲۱۸، ۲۱۹،

خسروشاهی، سیدهادی (آیت‌الله)

۱۷۱، ۱۷۶، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۸۶،

۱۸۷، ۱۹۲



## ش

- شریعتی، علی (دکتر) ۳۰  
 شریف امامی، جعفر (مهندس) ۳۱  
 شهرستانی، جواد (مهندس) ۳۱

## ص

- صادقی گیوی، محمدصادق ←  
 خلخالی، صادق (آیت الله)  
 صباغیان، هاشم (مهندس) ۲۹، ۴۷  
 صدر حاج سیدجواد، احمد (دکتر)  
 ۲۹، ۳۲، ۳۸، ۴۵، ۱۵۹  
 صرافها، ابوالفضل ۱۴۱  
 صفایی فراهانی، محسن (مهندس) ۳۴،  
 ۶۳  
 صنیع پور، منوچهر (مهندس) ۳۴،  
 ۱۵۶، ۱۵۷، ۲۰۸

## ط

- طالقانی، سید محمود (آیت الله) ۴۴،  
 ۴۵، ۴۷، ۴۹، ۵۵، ۵۶، ۶۳، ۶۴، ۱۰۸،  
 ۱۱۰، ۱۲۴، ۱۳۹، ۱۴۰، ۲۰۴  
 طاهری قزوینی، یوسف (مهندس) ۱۷۲

رحیمی، منوچهر ۳۶

- رزم آرا، (تیمسار، مدیرعامل شرکت  
 واحد) ۷۵  
 رزم آرا، حاج علی (نخست وزیر) ۱۰۹  
 رسولی پور، مرتضی ۱۳، ۱۷  
 رفیق دوست، جواد ۱۳۱

## ز

- زند، کریم خان ۱۹  
 زواره‌ای، سیدرضا ۱۳۰، ۱۶۹، ۲۰۵،  
 ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶  
 زیرک زاده، (دکتر) ۱۲۵

## س

- سامی، کاظم (دکتر) ۳۴  
 سامی، محمد ۳۴  
 سبحابی، عزت الله (مهندس) ۷۱  
 سبحابی، یدالله (دکتر) ۴۵  
 سعدوندیان، سیروس ۲۱  
 سعود بن بدالحسین بن عبدالعزيز  
 (شاهزاده) ۱۴۴

قاجار، فتحعلی شاه ۱۹

قاجار، محمدشاه ۲۰، ۲۳

قاجار، مسعود میرزا (ظل السلطان) ۳۰

قاجار، ناصرالدین شاه ۲۰

قدوسی، علی (آیت الله) ۱۷۶، ۱۸۰

قرب، محمد (دکتر) ۱۰۹

قطب زاده، صادق ۴۴، ۴۶

قندی، محمود (دکتر) ۷۲

### ک

کاشانی، سید ابوالقاسم (آیت الله) ۱۰۹

کتیرایی، مصطفی (مهندس) ۱۸۱

کرباسچی، غلامحسین ۱۰۴، ۱۳۱

کروبی، حسن ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴

۱۹۵، ۱۹۶

کلانتری، موسی (مهندس) ۷۲

کمیل، ۱۰۹

کوروس، (دکتر) ۱۰۲

### گ

گل سرخی، خسرو ۱۱۰

گنابادی، شهاب (مهندس) ۷۲

### ع

عباسپور، حسن (دکتر) ۷۲

عراقی، مهدی (حاج) ۱۰۹

عسکری راد، حسن ۲۱۱

عطایی، (مهندس) ۱۲۵

### غ

غروی، عبدالرحیم ۷۵

### ف

فاطمی، حسین (دکتر) ۱۰۹

فرایب، عبدالکریم (سفیر الجزایر در

تهران) ۱۴۳

فرمانفرمائی، خداداد (دکتر) ۲۷، ۱۷۸

فروهر، داریوش ۴۴، ۶۲

فریداعلم، حسن (دکتر) ۳۴

فریداعلم، حسین ۳۴

فلسفی، محمدتقی (واعظ شهیر) ۱۰۹

فیاض بخش، محمدعلی (دکتر) ۷۲،

۱۲۱

### ق

قاجار، آقامحمدخان ۱۹

منصوریان، خسرو (مهندس) ۳۳،

۱۰۷، ۱۲۰، ۱۳۸، ۲۰۸

موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم

(آیت الله) ۱۸۱، ۱۸۸، ۱۹۰، ۱۹۹

مهدوی کنی، محمدرضا (آیت الله) ۱۳،

۱۳۰، ۱۴۱، ۱۶۹، ۱۷۴، ۱۷۶، ۱۷۹،

۱۸۱، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۰۲، ۲۰۵، ۲۱۱،

۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵

میرسلیم، سیدمصطفی (مهندس) ۱۶۹،

۲۰۵

## ن

ناطق نوری، علی اکبر (حجت الاسلام)

۱۲۶

ناعم، نیما ۱۳

نجم الملک، ۲۱

نیک پی، غلامرضا (دکتر) ۲۷، ۳۰، ۳۱،

۳۵، ۸۰، ۱۹۶

نیک خواه، حشمت الله (مهندس) ۱۱۹

نیک روش، سید کمال الدین (دکتر)

۱۹۹، ۲۱۸

نیک پی، اعزاز ۳۰

گیب، آکساندر ۱۰۲

## ل

لاهورتی اشکوری، حسن (آیت الله)

۱۱۰

لاهوری، اقبال ۱۰۹

لواسانی، محمدباقر (دکتر) ۱۲۱

## م

مالک اشتر، ۱۰۹

مجمریان، سیدصادق (مهندس) ۱۰۲

محمدی گیلانی، محمد (آیت الله) ۱۴۱

مدرس، سیدحسن (آیت الله) ۱۰۹،

۲۰۴

مصاحب، غلامحسین (دکتر) ۲۰

مصدق، محمد (دکتر) ۴۹، ۵۰، ۱۰۹،

مطهری، مرتضی (آیت الله) ۱۰۹

معین فر، علی اکبر (مهندس) ۲۹، ۱۷۲

معینی، جهانشاه ۳۴

منتظری، حسین علی (آیت الله) ۱۹۷،

۱۹۸، ۲۰۴

منصور، حسنعلی ۳۰

## و

والدهایم، کورت (دبیرکل پیشین  
سازمان ملل) ۱۳۹

## ه

هاشمی رفسنجانی، اکبر (آیت‌الله) ۷۴،  
۱۷۶

هایزر، رابرت (ژنرال) ۱۵۴  
هندی، علی‌رضا (مهندس) ۳۴، ۷۵،  
۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸

هوشی، اردبان (مهندس) ۷۵  
هویدا، امیرعباس ۳۰

## ی

یاسر، ۱۰۹  
یحیوی، محسن (مهندس) ۱۷۶  
یزدانی، هژیر ۱۹۶  
یزدی، ابراهیم (دکتر) ۲۹، ۳۰، ۳۸،  
۱۳۸